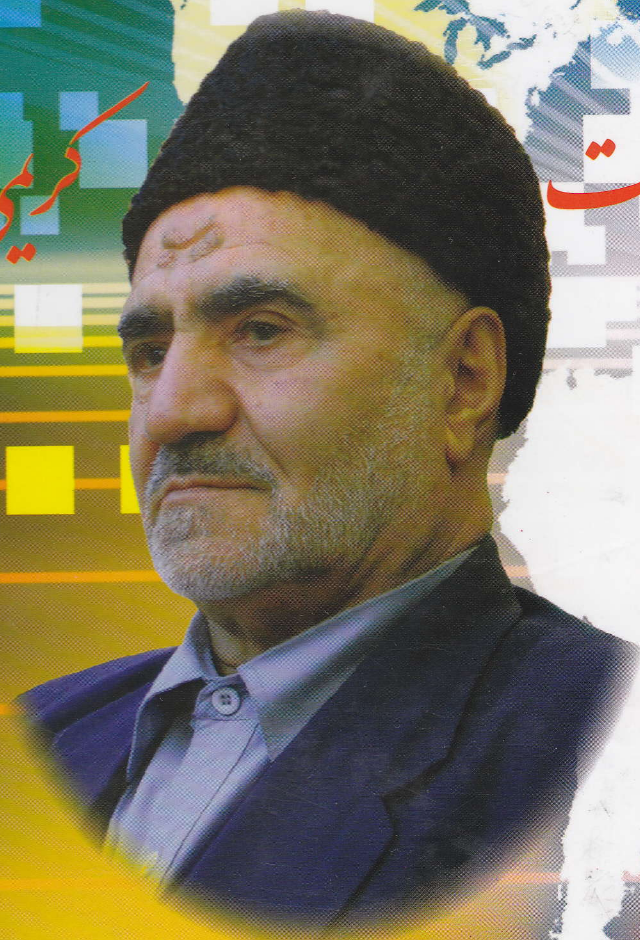
رنگارنگ کریمی

شامل جلدهای ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷

خاطرات کریمی



اثر طبع حاج میرزا حسین کریمی مراغه ای

رنگارنگ کریمی

شامل جلدهای ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷

اثر طبع

حاج میرزا حسین کریمی مراغه ای

سرشناسه : کریمی، حسین، ۱۳۰۰-
عنوان و نام پدیدآور : رنگارنگ کریمی / اثر طبع حسین کریمی‌مراغه‌ای.
وضعیت ویراست : [ویراست۲؟].
مشخصات نشر : تهران : پیری ، ۱۳۷۷ - ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری : ۱۴ج.(در۴ مجلد)
شابک : دوره: 964-6622-05-4 : ج.۲: 964-6622-20-8 : ۶۰۰۰۰ ریال (ج.۲ ، چاپ هفتم) : ج. ۳ ، چاپ پنجم : 964-6622-03-8 : ج.۴: 964-8191-51-4 : ۱۰۰۰۰۰ ریال (ج. ۳ ، چاپ ششم)
یادداشت : مجلد ۱ شامل جلدهای ۳-۱ ، مجلد ۲ شامل جلدهای ۶-۴ ، مجلد ۳ شامل جلدهای ۱۰-۷ ، مجلد ۴ شامل جلدهای ۱۴-۱۱ است.
یادداشت : بیشتر اشعار به زبان ترکی است.
یادداشت : ویرایش قبلی این کتاب با عنوان "رنگارنگ: کلیات ادبیات کریمی" توسط ذاکر کریمی منتشر شده است.
یادداشت : ج. ۱(چاپ هفتم: ۱۳۸۴).
یادداشت : ج. ۱ (چاپ هشتم: ۱۳۸۵).
یادداشت : ج.۱(چاپ نهم: تابستان ۱۳۸۶).
یادداشت : ج.۱ (چاپ دهم : ۱۳۸۶) (فیپا).
یادداشت : ج.۱ (چاپ یازدهم: ۱۳۸۶) (فیپا).
یادداشت : ج. ۲ (چاپ پنجم:۱۳۸۴).
یادداشت : ج.۲ (چاپ هفتم : ۱۳۸۷) (فیپا).
یادداشت : ج. ۳ (چاپ سوم:۱۳۸۴).
یادداشت : ج.۳ (چاپ پنجم : ۱۳۸۷) .
یادداشت : ج.۳ (چاپ ششم : ۱۳۸۸) (فیپا).
یادداشت : ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۸۵).
یادداشت : ج.۴ (چاپ دوم : ۱۳۸۷) (فیپا).
عنوان دیگر : رنگارنگ: کلیات ادبیات کریمی.
موضوع : شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۴
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره : ۱۳۷۷ ۹ر۴ک/PL۳۱۴
رده بندی دیویی : ۸۹۴/۳۶۱۱
شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۱۸۲-۷۷م

«شناسنامه‌ی کتاب:»

نام‌کتاب : رنگارنگ‌کریمی ۱۰و۹و۸و۷

مؤلف : میرزاحسین‌کریمی‌مراغه‌ای

نوبت‌چاپ : ششم - بهار ۸۸

ناشر: انتشارات‌پیری

چاپخانه : خورشید

تیراژ : ۱۰۰۰نسخه

حروفچینی: انتشارات‌پیری

شابک ۴-۰۵-۶۶۲۲-۹۶۴(دوره۴جلدی)　شابک ۸-۰۳-۶۶۲۲-۹۶۴ (جلد۳)

(4VOL.SET)ISBN 964-6622-05-4　(VOL.3)ISBN 964-6622-03-8

قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

تهران، انتشارات پیری تلفن ۳۳۹۲۴۷۵۳

تبریز، کتابفروشی هوجقانی تلفن ۵۵۴۸۸۵۴

مراغه، کتابفروشی کریمی تلفن ۰۴۲۱-۲۲۲۷۰۹۸

خوش آنکس ز دوران نمانه گنج یابد

بسان کریمی سخن گنج یابد

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

مراغه یکی از شهرستانهای قدیمی و کهنسال ایران با داشتن تاریخی مدوّن و آثار و ابنیه گرانبها و سخنوران نام‌آوری چه از نظر آثار و چه از لحاظ فرهنگ جزو نام‌آورترین شهرهای کشورمان بوده است که در ادوار تاریخی همچون ستاره فروزانی در دل تاریخ درخشیده و با افکار تابناک و روشنگرانهٔ فرزندان فضل‌اندوخته و متفکرش چون اوحدی‌مراغه‌ای، عبدالقادر مراغه‌ای، اشرف‌مراغه‌ای، درویش مراغه‌ای، دخیل‌مراغه‌ای، شکوهی‌مراغه‌ای، ذاکر مراغه‌ای و پرورش استعدادهای ارزشمندی تابحال توانسته است همچنان موقعیّت ادبی و فرهنگی خود را در جوامع ادبی حفظ و حراست کند.

گردش توفندهٔ چرخهای زمان و فراز و نشیبها و وجود توفانها و حوادث، گاه گوارا و ناگوار نتوانسته است در مقابل چرخهای زمان موانعی ایجاد نماید و روی این اصل، خورشید تابناک فرهنگ و فضیلت و دانش همچنان در این شهر تابیده و ظلمات زمان را منوّر و درخشان ساخته است و مهد ادب و فرهنگ برای پرورش ادبا و فضلا و جانشین شعرا مدام حرکتی سازنده داشته است، کمااینکه در تاریخ معاصر کشورمان وجود شخصیّتهای ادبی و تلاش و پویندگیهای پوران فضل‌اندوخته اجازه نداده است تا جای آباء و اجداد خود را خالی بگذارند و چلچراغ فروزان ادبیات کشورمان رو به خاموشی گراید.

در دوران حکومت هلاکوخان مغول مراغه به یک مرکز علمی، ادبی، مذهبی و اقتصادی و به مرکز حکومت مغولان تبدیل می‌شود و بنای عظیم رصدخانه در آن احداث می‌گردد.

گرچه در این مقال با تاریخ و جغرافیای سیاسی این شهرستان کاری نداریم و قصد اینست که داریم با جمال تاریخ فرهنگ و ادبی شهرستان تاریخی مراغه را در عصر حاضر ورق می‌زنیم و در قبال نام بلندآواز شاعری قرار می‌گیریم که از جان مایه گذاشته و جای اساتید هنرآفرین اجداد خود را با قدرت و توانائی بحق گرفته و

امروزه مسندنشین کاخ ملک پهناور شعر و ادبمان شده است. نام‌آور زمان ما مردیست متواضع و متدیّن با سیمائی بشّاش و لبی خندان که نه تنها آشنای مردم ادب‌دوست کشورمان می‌باشد، بلکه شاعریست مرزشکن و فاتح مجالس ادبی کشورمان و کشورهای همجوارمان که در یک کتابفروشی در سراج‌بازار مراغه نشسته به خلق آثار ادبی و فرهنگی مشغول است و گاه با قُل‌قُل قلیان نشاطی می‌گیرد و رفع خستگی می‌کند، کسی است که همگان از پیر و جوان، زن و مرد، عامی و باسواد او را به نام استاد کریمی می‌شناسند و به دیدهٔ احترام در او می‌نگرند.

اینک دفتر ایّام زندگی و برگی از دفتر شعر این شاعر بلندآوازه را به اجمال ورق می‌زنیم و اوراق آن را با علاقمندان مروری می‌کنیم.

استاد کریمی مراغه‌ای سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در یک خانواده متدیّن و معتقد به اصول و مذهب تشیّع و خاندان عصمت و طهارت چشم به دنیا گشوده است و گرمی‌بخش دل مادر بوده و نور امیدی را در دل پدری بااحساس و فاضل و متقی روشن کرده است.

دوران کودکی را در جمع خانواده و محدوده زندگی فقیرانه، باصفا و صمیمیت سپری ساخته است. پدر او مرحوم ذاکر مراغه‌ای با تحصیلات قدیمهٔ خود شاعری بوده بااحساس که در بازار مراغه به کار شمع‌ریزی و بقالی مشغول بوده، و با اندک سرمایه‌ای چرخ سنگین زندگی را به چرخش انداخته بود. گرچه از لحاظ مالی امکانات چندانی نداشته است ولی دارای مناعت طبع بوده که در قبال هرکس و ناکسی سر خم نکرده و با اتکا به نفس و عنایت پروردگار از یک محبوبیت و احترام همگان برخوردار بوده است. در دوران حیات خویش آثاری بس گرانبها از خود به یادگار گذاشته است که بسیاری از آثار وی هنوز چاپ نشده است. او در زمان حیات خود تربیت فرزند ارشد خویش حسین کریمی را زیر نظر گرفته و برای تعلیم و تربیت فرزند همّت گماشته است.

کریمی تحصیلات اولیه خود را با فراگیری درسهائی از قرآن‌مجید آغاز و سپس برای اخذ معلومات کلاسیک وارد مدرسه شد و اوایل سال ۱۳۲۰ هجری شمسی

دست در دست پدر فاضلش قدم به عرصهٔ بازار نهاد. متأسفانه عدم سرمایه کافی نه تنها مانع ادامه تحصیلات آقای کریمی گردید بلکه لازم شد که پدر برای یگانه فرزندش محل کسبی دست‌وپا کند روی این اصل آقای کریمی بالاجبار برای تأمین معاش خود به دستفروشی در بازار مراغه پرداخته و شبها با تنی خسته و رنجور پای درس پدر نشست و به منظور فراگیری زبان فارسی و قرآن مجید و معلومات عربی و کسب مسائل دینی از پدر کسب فیض کرد تا اینکه توانست با استعداد خدادادی خود خوشه‌چین بوستان پربار پدر فاضلش گردد و آشنائی کامل با اصول دینی پیدا کند.

کریمی روزها در حالیکه در کنار کارگاه کوچک شمع‌ریزی و بقّالی پدر بی‌وقفه کار می‌کرد و ساعات بیکاری پشت پیشخوان دست‌فروشی قرار می‌گرفت و کوی و برزن شهر را برای فروش اجناس خود زیر پا می‌گذاشت بی‌توجه به مشقّتهای طاقت‌فرسای زندگی ترانه‌های امید را در زیر زبان زمزمه و کلماتی را بهم متصل می‌کرد بی‌آنکه به ارزش کار خود متوجه شود آنها را در قالب و اوزان مختلف با آهنگ و موسیقی مخصوص بخود درمی‌آورد. رفته رفته بازی با الفاظ اورا متوجه این واقعیت ساخت که کلمات را به رشته کشیده و از جابجائی حروف، کلمات موزونی را بوجود آورده‌است. گاه می‌ایستاد و آنچه را که زمزمه می‌کرد روی ورق‌پاره‌هائی می‌نوشت. ولی دل و جرأت آن را نداشت که نوشته‌ها و گفته‌هایش را در محضر استاد خود ذاکر ارائه دهد، چرا که می‌دانست پدر از چهره‌های ادب و شمع محفل ادیبان شهر می‌باشد. تا اینکه روزی از روزها مرحوم ذاکر مراغه‌ای در کنار بساط دستفروشی پسرش حسین کریمی چشمش به پاره کاغذی می‌افتد که روی آن حروف و کلماتی به نظم کشیده شده است و تشخیص داد که پسرش با یک تعلیم و تربیت جزئی روزی و روزگاری در سلک شاعران قرار می‌گیرد، ولی واقعیت این است که مرحوم ذاکر هرگز در دوران ۱۵ سالگی پسرش نمی‌توانست این پیش‌بینی را بکند که فرزند خلفش قدمهای حساب‌شده‌اش را جای پای پدر خواهد گذاشت، و شاید در آن زمان این تصوّر نمی‌رفت که روزی اشتهار و شهرت دست‌پرورده‌اش سیمرغ قاف‌نشین فضل و ادب و مرزشکن و صدرنشین اریکهٔ

ادبیات کشورمان خواهد بود و باز نمی‌توانست پیش‌بینی کند که شاگرد مکتب نوآموز پدر روزی و روزگاری در مقام استادی محافل ادبی قرار خواهد گرفت و شمع جمع ارباب فضل و دانش و شعر و شاعری خواهد بود.

به هر تقدیر پدر استاد دست فرزند خود را برگرفت و بسوی گلستان و بوستان همیشه پربار شیخ اجل سعدی شیراز برد و این بار باب شعر و شاعری رودرروی فرزند قرار داد و به تدریس فنون فصاحت و بلاغت و قواعد پیچیدهٔ شعری پرداخت. حسین کریمی مراغه‌ای با دلی پرشور و احساس رقیق و دلی پر از بازی زمان با چشمانی حسرت‌بار به آنانکه در پایمال کردن حقوق انسانها وحشیانه همّت گماشته‌اند نگریست تضادهای ناروای حاکم بر جامعه را مورد بررسی قرار داد و آنان را در قالب اشعار خود گنجانید. گرچه استاد ذاکر از پیشرفت شاگرد خود خوشحال بود ولی عقیده و ایمانی که به خاندان عصمت و طهارت داشته افکار فرزند را بسوی قتلگاه سالار شهیدان و ظلم و جنایت یزیدیان سوق داد. ناگفته نماند که مرحوم ذاکر مراغه‌ای همه هفته عزای حسینی را برپا می‌داشت و به همّت این مرد وارسته مراغه‌ای هیئت شعرا و نوحه‌خوانان مراغه بنیان گذاشته شد و در آن زمان که مراغه فاقد انجمن ادبی بوده، شعرا و ادبا در زیر بیرق عزای حسینی جمع می‌شدند و سروده‌های خود را به مشتاقان عرضه می‌کردند و مورد نقد و بررسی و اصلاح استاد قرار می‌گرفتند، و حسین کریمی نیز در این مجالس همراه پدر شرکت می‌جست و از آن بهره می‌برد.

حسین کریمی مراغه‌ای دستی به سر و صورت مغازه شمع‌ریزی پدر کشیده و در جوار آن به آب‌نبات‌ریزی و سوجوق فروشی پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۵۴ پدر را از دست داد و باز دکان پدری را ترک نگفت و همچنان جانشین پدر در دکّان و در هیئت شعرا و نوحه‌خوانان قرار گرفت و زمام امور را با لیاقت و با تجربیاتی که از پدر اندوخته‌بود به دست گرفت.

وی ضمن سرودن مراثی و ذکر مصیبتهای حضرت اباعبداللّه‌الحسین(ع) با علاقه‌ای که به طنز داشته، راه طنز را برای اشعار خود برگزید چراکه بخوبی تشخیص داده بود که تنها از راه طنز و فکاهی می‌تواند دردها و آلام جامعه را به

گوش مسئولین امر برساند و باز متوجه شده بود که تنها می‌تواند مردم بخواب رفته و بی‌خبر از مظالم ظلم‌پیشگان را با شیپور طنز بیدار سازد. روی این اصل سروده‌های خود را در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی در قالب یک جلد رنگارنگ به قطع جیبی در سیصد صفحه بچاپ رسانید. هنوز چند صباحی از توزیع کتاب نگذشته بود که جلد اوّل خاتمه یافت و اشعار آمیخته به چاشنی طنز کریمی دیوار خانه‌ها را شکست و دست به دست مردم مشتاق شهرهای آذربایجان گردید و اشعارش دهان به دهان در کوچه و بازار پخش شد. استقبال مردم از یک طرف و به هدف نشاندن تیر خواسته‌های شاعر از طرف دیگر موجبات تشویق و ترغیب میرزاحسین کریمی را برای چاپ دوّم رنگارنگ فراهم ساخت. در سال ۱۳۳۹ جلد دوّم رنگارنگ به چاپ رسید و در نتیجه جلد سوّم آن را سال ۱۳۴۲ به اتمام رساند. تشویق و حمایت و علاقه‌مندی مردم موجب شد که استاد حسین کریمی اشعار طنز و غزلیات خود را در ۶ جلد تدوین و بچاپ رساند و تابحال این ۶ جلد بشرح زیر:

جلد اوّل رنگارنگ	چاپ اوّل	۱۳۳۸	۲۳بار تجدید چاپ شده است
جلد دوّم رنگارنگ	چاپ اوّل	۱۳۳۹	۱۰بار تجدید چاپ شده است
جلد سوّم رنگارنگ	چاپ اوّل	۱۳۴۲	۱۰بار تجدید چاپ شده است
جلدچهارم‌رنگارنگ	چاپ‌اوّل	۱۳۴۵	۱۰بارتجدیدچاپ‌شده‌است
جلدپنجم‌رنگارنگ	چاپ‌اوّل	۱۳۴۷	۱۰بار تجدید چاپ شده است
جلدششم‌رنگارنگ	چاپ‌اوّل	۱۳۵۳	۱۰بار تجدید چاپ شده است

استاد کریمی علاوه بر آثار گرانبهائی که بنام رنگارنگ تدوین کرده دارای آثار ارزشمند و سوزناکی در مراثی خاندان عصمت و طهارت به شرح ذیل می‌باشند: چهارده‌معصوم، انتقام‌کربلا، دریای‌اشک، گلشن‌عزا، بزم‌غم، آتشکده‌کریمی، غوغای انقلاب، احرام عشق، جلالتها، کتاب غم، گلستان کریمی، بوستان کریمی، ازکعبه‌تاکربلاکه تابه‌حال تجدیدچاپ‌شده و در دسترس مشتاقان قرارگرفته است.

استاد کریمی از ازدواج با تنها همسر خویش دارای ۵ پسر و جمعاً ۱۰ نوه می‌باشد که همه و همه پروانگان شمع وجود و مریدان درگاه پدرند و هنوز هم که

هنوز است تعالیم مرحوم ذاکر در جمع خانواده کریمی حکمفرماست.

استاد کریمی در حال حاضر شغل پدر را بر اساس علاقه‌ای که به کتاب و اشاعهٔ فرهنگ دارد به کتابفروشی تبدیل کرده است و در قسمتی از کتابفروشی در جایگاه خویش بر همان کیفیّت و صمیمیّت پدر مرحومش باقی است و کرسی کوچکی در انتهای مغازه‌اش و در کنار آن سماور نفتی با چند استکان قرار دارد که این مغازه مرکز تجمع شعرای مراغه‌ایست که دورتادور استاد جمع شده و به رهنمودها و سخنانش گوش فرا می‌دهند و می‌توان گفت کلاسی است برای پویندگان مکتب شاعری.

روزهای جمعه هیئت شعرا و نوحه‌خوانان تحت رهبری و ارشاد استاد کریمی هرهفته در منزل یکی از شرکت‌کنندگان برگزار می‌گردد و علاوه بر آن در ایّام مبارک ماه رمضان همه شب بعد از افطار در زیر پرچم هیئت مشتاقان جمع می‌شوند و روزهای محرّم‌الحرام از اوّل تا پایان محرّم همه‌روزه مراسم عزاداری ترتیب داده می‌شود که سخنان حکیمانه استاد رونق‌بخش این مجالس می‌باشد. تنها ایّام سوگواری اعضای هیئت جمع نمی‌شوند بلکه ایام اعیاد و جشنهای مذهبی مراسم دیگری برگزار می‌گردد که در آن از عظمت و شکوه و جلال ائمه اطهار سخن گفته می‌شود و شعرا سروده‌های خود را عرضه می‌کنند.

استاد کریمی با کبر سن تنی سالم و روحیه‌ای قوی و عزمی استوار و اراده‌ای آهنین دارد، اغلب در سیر و سیاحت است و عقیده بر این دارد که انسان بخصوص شاعر همیشه باید سیر و سیاحت داشته باشد. روی این اصل سالی چندبار با دوستان مسافرتها به شهرها می‌کند و هربار سفرنامه‌های منظومی ره‌آورد این مسافرتهاست که در حال حاضر سفرنامه‌های کریمی در حدود سیصدصفحه وزیری آماده چاپ می‌باشد که درهریک از ابیات سفرنامه‌ها دریائی از پند و اندرز گنجانیده شده است. سفرنامه‌های استاد کریمی همه و همه در قالب طنز به شهد پند و اندرز آمیخته می‌باشد امّا سفرنامه زیارت شام و بخصوص که اخیراً به مکه معظمه مشرف شده‌اند و سفرنامه مذهبی و عرفانی که تنظیم و تدوین کرده‌اند نه تنها از نظر قدرت بیان بلکه از لحاظ رعایت اصول و قواعد شعری در نوع خود

بی‌نظیر بوده و توانسته‌است عظمت اسلام و کنفرانس اسلامی را در یک تابلوی بسیار زیبا مجسّم سازد ولی متأسفانه این سفرنامه‌ها مانند دیگر آثار استاد همچنان بدون چاپ باقی مانده است و ایکاش تشکیلات عظیم سازمان حج و زیارت و دست‌اندرکاران تبلیغات اسلامی همّتی برای چاپ این آثار ارزشمند بنمایند و هرچندگاه در میان سفرهای زیارتی از وجود شاعرانی استفاده کنند تا حقایق را منعکس سازند و زیبائیها و روحانیت و عرفانی سفر را به همگان نشان دهند. وی از نادر شعرائی است که با اکثریت شعرا و نوحه‌خوانان مکاتبات شعری داشته و دارد که اخوانیات کریمی حدود یک جلد دویست‌صفحه‌ای رقعی را شامل می‌باشد که آماده چاپ بوده و قریباً بدست مشتاقان خواهد رسید.

از صفات بارزی که استاد کریمی دارد صفای باطن، تواضع، یکرنگی، خاکساری، ایمان و اعتقادش هرگز اجازه نمی‌دهد که حتی دوستانش در حضورش غیبت کسی را بکنند. صراحت کلام دارد و اندرزگوی که مشتاقان بیانش مشتاق گوهر کلامش می‌باشند. با اینهمه فصاحت کلام و بلاغت و استعداد ذاتی و خدادادی و خلق اینهمه آثار که هنوز حدود ۲۰هزار بیت اشعار چاپ‌نشده آماده چاپ دارد و با توجه به استقبال بی‌حدّ و حصر مردم از کتابهایش تعجّب‌آور اینجاست که کوچکترین تأثیری در افکار و روحیّه فرزند پیر مراغه نداشته و از بخل و حسد گریزان و از غرور و نخوت بدور است و اگر کسی ناشناخته با ایشان روبرو شود هرگز گمان نمی‌برد که صاحب اینهمه گفتار این‌چنین روحیهٔ متواضع و خاکساری را دارا باشد.

استاد کریمی از دیرباز شهره و شمع شبهای شعر و کنگره‌های کشورمان بوده است و شهرت ایشان در تمام شهرهای ایران پیچیده و اغلب در اکثر شبهای شعر حُسن ختام با حضرت استاد کریمی است. به این جهت تجربه شده است که با حضور ایشان مجالس شعر و ادب حال و هوائی دیگر دارد. وی اگرچه امروز میدان‌دار و قهرمان بی‌بدیل عرصه شعر طنز و فکاهی است و بحق می‌توان گفت صابر و معجز و عبید زاکانی زمانهٔ ماست و کمتر شاعریست با این روحیّه طنزگوئی و حاضرجوابی در یک آن افکار و اندیشه‌های خود را از قالب طنز

درآورد و در مقام نوحه‌گری و ذکر مصیبت قرار گیرد.

سالیان سال است که اشعار و نوحه‌های استاد کریمی در محافل و مجالس عزا در شهرهای ایران خوانده می‌شود. آنانکه دیده‌اند و در خدمت استاد بوده‌اند می‌دانند که ایشان برای نوشتن اشعار هرگز زحمتی بخود نمی‌دهند و کنج خلوتی را جستجو نمی‌کنند. بارها و بارها دیده شده است که در یک جمع دوستانه نشسته در حالیکه جواب دوستان را می‌دهد و در صحبت آنان شرکت می‌کند و در ضمن آنچه را که می‌خواهد می‌نویسد. در مسافرتهای که در خدمت استاد به باکو نخجوان بودم در بدو ورودمان به باکو هر کسی و به هر مقام از صاحب منصبان ایشان را معرفی می‌کردیم چهرهٔ ادبی ایشان را می‌شناختند و خوشوقت بودند که حضوراً ایشان را نیز می‌دیدند.

در دانشگاه ادبیات باکو خانم دکتر صداقت حسن اووا محقق و شرقشناس، پایه مقام پرفسوری خود را تحقیق و بررسی در اشعار کریمی قرارداده‌است که بحق ادای مطلب کرده بود ولی تا استاد را دید و پای صحبت استاد نشست گفت آنچه نوشته‌ام چیزی نیست، کریمی شاعر نیست، کریمی خلاق نیست، بلکه کریمی ساحر است و معجزه‌گر و گفته‌هایش الهام الٰهی است و بس.

استاد کریمی از مؤسسین انجمن اوحدی مراغه‌ای است و یکی از بانیان مقبره اوحدی در مراغه می‌باشد.

آذرخشی که در لابلای کتابها و اشعار کریمی در زیر چادر طنز خفته است بعد از پخش در زمان رژیم گذشته بارها موجبات آزار و اذیت استاد را فراهم آورد و بدفعات مورد تهدید مقامات قرار داد.

استاد حاجی حسین نسبت کریمی فرزند مرحوم ذاکر مراغه که در شعر «کریمی» تخلص می‌کند و در این مقال فقط به تخلص استاد اکتفا شده است.

افراد عادی شعر طنز را یکی از اصول و سبکهای آسان قالبهای شعری فرض می‌کنند ولی آنانکه با شعر و ادب سروکار دارند می‌دانند بکارگیری واژه‌های عامیانه و تبدیل آن به یک اثر منظوم در عین حالی که فریاد توفنده خشم توده‌های رنجدیده را بگوش برساند و فهم و درک آن برای افراد جامعه آسان و یادگیری آن

سهل باشد کاریست بس مشکل. متأسفانه صاحبان سبکهای طنز اغلب اشتباه کرده فرق بین هجو و طنز را ندانسته و اشعار خود را با کلمات مستهجن آلوده کرده‌اند ولی استاد کریمی در خلق آثار خود در مرحله اول قصد داشته است فرامین اسلامی را که متأسفانه گاه و بیگاه از طرف تازه به دوران رسیدگان زیر پا گذاشته می‌شود مجسّم و معایب آن را در آئینه صاف طنز بکوبد و گفته‌هایش دهن به دهن مردم گشته و تا موجب شرمساری بی‌بندوباران جامعه باشد مثلاً در شعر «مینی‌ژوب» که در دوران رژیم گذشته، سوغات غرب و شرق برای کشورمان بوده استاد کریمی چه زیبا آغاز سخن کرده:

نه گوزل خوش یاراشیرمیش سنه‌ای جان مینی‌ژوب
حُسنوه وئردی ترقّی یوزه دوخسان مینی‌ژوب

بعد از چند بیت:

بیزیم آرواددا باخور قیزلارا کم‌کم اویانور
گینوبدور تازه بیمان قیزی بیمان مینی‌ژوب

سپس از قول مادر دختر زبان به نصیحت گشوده چنین بیان می‌کند:

چوخ گوزتله بو لباسین بالا امنیّتی یوخ
سنی بیردن گوره‌سن ائتدی پشیمان مینی‌ژوب
نقدر مود گوروسن خارجی سوغاتی‌دی لیک...

و الی آخر

و چقدر زیبا مشت‌های استعمارگران را باز می‌کند:

کیم خدایا گوره‌سن آچدی بو خلقین اوزونی
نه حیا قویدی نه ناموس نه‌ده وجدان مینی‌ژوب
آدین اسلام قویان خاریجه تقلید ائله‌مز
پوزوب اسلامی نه دین قویدی نه ایمان مینی‌ژوب
دین و ملت آشاغا گئتدی اتکلر یوخاری
تا گوراخ هاردا وئرر سیرینه پایان مینی‌ژوب

و یا در یک شعر بنام «سُؤگولوم ایران اَره گئتدی» چه ماهرانه از نفوذ اجنبی به

کشور ایران سخن گفته و می‌گوید:

من یانمیرام ایران اَره آیا نیه گئتدی
امّا یانیرام آخ نیه بیگانیه گئتدی
اسلام بونا گور نیله‌دی نصرانیه گئتدی
بوندا یوخوموش غیرت و وجدان اره گئتدی
افسوس منیم سؤگولوم ایران اره گئتدی

بعد از چند بیت و تشریح عوامل بیگانه در کشور چنین می‌گوید:

من قویمارام ایران اولا بیگانیه آرواد
جاندان گئچه‌رم سُؤگولیمی ایله‌رم آزاد
ایران آنادور ملّته ملت اونا اولاد

این ابیات از جلد اول بعنوان نمونه انتخاب شده است تا خوانندهٔ عزیز بدانند شاعر در لفافه و کلمات و واژه‌های طنز و فکاهی با چه جسارتی علم مخالفت با حاکمان زمان را برافراشته‌است. یا در شعر «اولاغیلان دوه‌نین حکایتی» چه زیبا به دوران جنگ جهانی دوم اشاره کرده و همدستی غرب و شرق را در سندان انتقاد کوبیده و چنین اعلام کرده است:

یغدیلا باشلارینا بیر قدری‌ده تولکی دوشانی
ملّی قوشون قویوب آدین گزدیله باغ و بستانی
گزدیله بیر بش آلتی آی یاخشی ییوب اولوبلا چاغ

و صدها از این قماش پند و اندرز و حماسه‌های وطنی در اشعار استاد کریمی به چشم می‌خورد و آوردن نمونه‌های بیشتر موجب ملال و طول کلام خواهد بود و یک نظر اجمالی به سروده‌های کریمی مکنونات و مهارت و شجاعت شاعر مراغی را اعلان خواهد کرد.

با وجود اینکه فن نوشتاری نوین زبان آذری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تدوین گردیده و از طرفی استاد کریمی عقیده بر این دارد که باید با زبان مردم با آنان صحبت کرد روی این اصل در نوشته‌های خود گاهی غلطهای املائی از لحاظ زبان آذری به چشم می‌خورد.

دیوان اشعار رنگارنگ در قرن اخیر بعد از اثر جاودان حیدربابای شهریار از پر تیراژترین کتابهای زمان بوده است که تابحال بصورت کتابهای جیبی چاپ شده بود و این امر مورد اعتراض همهٔ دوستان و علاقمندان بوده که شش مجلد رنگارنگ را بصورت کلیات به قطع وزیری با صحافی عالی و دقت بیشتر چاپ کنند که اخیراً این درخواست مورد اجابت قرار گرفته و در عصر حکومت جمهوری اسلامی ایران شاهد این مدعا می‌باشیم.

استاد کریمی در زمانی که رهبر معظم انقلاب به تبریز تشریف‌فرما شده بودند و شبی در محضر استاد بزرگ شهریار ملک ادب شب شعری ترتیب یافته بود وقتی نوبت شعرخوانی به استاد کریمی رسید و قصد داشت بعضی از کلمات را عوض و باصطلاح سانسور کند دستور داده شد آنچه نوشته است بخواند.

سخن کوتاه بندهٔ بی‌مقدار درگاه حضرت استاد کریمی که افتخار شاگردی ایشان را دارم قصد شناساندن مقام والای سخنوری استاد را ندارم چراکه می‌دانم و شاهدم استاد کریمی دل شکستهٔ استاد سخن شهریار ملک ادب را تسخیر کرده بود و حقیر که افتخار خدمتگزاری و مجالست ۱۲ساله استاد شهریار را داشتم و بارها و بارها در میان دوستان از قدرت خلّاقیت استاد کریمی سخنها فرموده بودند و استاد را بعنوان شاعری توانا و قدرتمند یاد کرده‌بودند.

پس با این حساب قلم قاصر و بیان الکن بنده چه‌سان توانائی معرّفی و نشان دادن چهرهٔ واقعی استاد را خواهد داشت؟ بلکه این مقال را بدین جهت بر قلم آورده‌ام که نام ایشان زینت‌بخش تاریخ مراغه که قریباً بوسیله نگارنده چاپ خواهد شد، باشد و شاید یک هزار از مراحم استاد را جواب گفته باشم و یقین دارم که یک نظر اجمالی اهل فضل و دانش و معرفت به آثار استاد کریمی ایشان را آنچنان که هست معرفی خواهد کرد.

با آرزوی طول عمر استاد کریمی

مراغه - رضا پاشازاده، متخلص به «رضا»

بسم الله الرّحمن الرّحیم

اوغلوما نصیحتنامه

گر ایسترسن اولا عیشون جهاندا پایدار اوغلوم
قولاق وئر بیر نئچه سؤز ساخلا مندن یادگار اوغلوم
چیین‌لرده نه بار ایله اوزون گوزلرده خار اوغلوم
گر اولسان مرد قانع اولماسان گوزلرده خوار اوغلوم
گزرسن خرّم و خندان یاشارسان کامکار اوغلوم

دانش‌اوتقون دانش‌سؤز چیخسا آغزوندان‌قاناد باغلار
صورادان اوتماق اولماز ترشیلی آش تک بوغاز داغلار
حوادثده دایان داغ‌تک چکیلسه سینه‌وه داغلار
یروندن اولما گیرم که یریندن اویناسا داغلار
صبور اول محکم‌اول قرص‌اول متین‌اول استوار اوغلوم

نه آتش اول تفاقلار یاندیر انسانلار هلاک ایله
نه باد اول سرولر یخ نسترنلر چاک چاک ایله
نه خاک اول نازنین‌لر کاموه چک توده خاک ایله
سو اول هر لکّه‌نی زایل ائدوب مرداری پاک ایله
صفا وئر گلشنه قوی خرّم اولسون لاله‌زار اوغلوم

جهاندا آغ یل اولما اَسماقوندان گل گیاه ئولسون
بولود اول آغلا قوی باغلار چیچکلر لاله‌لر گولسون
آغاج تک میوه وئر قوی باغبانلار قدریوی بیلسون
گونش گلسون ایپک دسمالیلن گوزیاشوی سیلسون
سو ایچسین گوزیاشوندان گل هوسلنسین هزار اوغلوم

قویونلار تک ساغیلما تندخولقدا پلنگ اولما
ضعیفی ناتوانی کامه چکماقدا نهنگ اولما
یوزون قلبون بیر اولسون بعضیلر تک هفت رنگ اولما
صفا وئر صلح وئر آرامش آختار اهل جنگ اولما
صدیق اول ثابت اول مؤمن حلیم و بردبار اوغلوم

گُل اولما هر خانم درسین سنی اوز زلفنه تاخسین
تیکان اولما که نیشون ال ایاقی یاندیروب یاخسین
اوجا سرو اول ایاقوندان بلاغلار چشمه‌لر آخسین
یولون یورقونلاری کولگونده بش بش اگلشوب قاخسین
مغیلان اولما کولگوندن هامی ائتسون فرار اوغلوم

مارال اولما دولانسین اوچیلار دایم سراقونده
ایت اولما ات یین‌لر سورسوموک توکسون قباقونده
گوزل شیر اول ضعیف‌لر دالدالانسونلار دایاقونده
نجیب حیوانلارا وئر تربیت بسله قوجاقونده
آدون سردار جنگل قویسون اهل روزگار اوغلوم

شدایدده حوادثده مصایبده ملول اولما
همیشه ایشلرونده عاقبت‌بین اول عجول اولما
دیلیوه مالک اول پررو و پرحرف و فضول اولما
دئمورم ایشلمه ایشله ولی چوخ ابن پول اولما
آماندور ائتمه هرگز دینی دنیایه نثار اوغلوم

ایتورمه ال ایاقون صبریله تاپ چاره هر دردە
گوزوندن خون‌دل آخسا یاخیلسا عارض زردە
اورکده ساخلا هر دردون دئمه هر ناجوانمردە
دئماق دل دردی نامرده چکشدی آهن سردە
بخیله نانجیبه ائتمه سرّون آشکار اوغلوم

بو بش گونلوق بازاردا هر نه ساتدون سات یالان ساتما
الوندن هر نه آتسان آت ولی انصافوی آتما
خموش اول چوخ دانشما چوخ یمه چوخ یوخلیوب یاتما
الونده هر نه اویناتسان اوغول اوینات دین اویناتما
قولای اعمالوه اسلامی ائتمه استتار اوغلوم

زمانه ائتمیوب سازش نه یاخشی نه یامانیله
زمان سنله باریشماز سن باریش باری زمانیله
دایان بش گونلوق عمری وئر باشا یاغلی یاوانیله
دولان شهری آریق آخساق یهرسیز مادیانیله
بی.ام.و ساخلاسا نامرد آدام اولما سوار اوغلوم

سارا تک قوی سنی بوغدوقجا چالسین داشلارا سئل‌لر
الوندن دوتماسین دورسون تماشا ایلسین ئل‌لر
داغ اول محکم داغا نیلر دومانلار شاختالار یل‌لر
گویرسین دامنونده یاسمن‌لر لاله‌لر گل‌لر
باشون طوفان قیش اولسون دامنون خرّم بهار اوغلوم

دوه ائشّک قاطر آت هر نه مینسن مین بشر مینمه
اگر مینسن یخیلسان باش قولاقون سینسا دیسکینمه
بشر انسانی یخسا پیس یخار تصدیق ائله دینمه
شکر یی طوطی تک قارقا اولوب کوللوکده سومسینمه
ووروب هر لاشیه منقارون ائتمه قارقار اوغلوم

دولی اول دانش و فضلیله توپ تک اولما توخالی
گوزون ئوزگه الینه تیکمه اولسون همّتون عالی
بو دنیانی اوغول فرض ایله بیر دکّان بقّالی
او شخصین که جیبینده نقدی یوخدی بوشدی دسمالی
اوزاقدور یول بدون توشه اولما رهسپار اوغلوم

گوزوم نوری ائله رفتار ائله بو دار دنیاده
زماندان عبرت آل مینمه مینیلمه اولما چوخ ساده
فقط تقوا لباسین گی شرافت یوخدی دیباده
گر ایسترسن باشون سالم قالا فیرلانما اورتاده
بو خلقین مدحینه تشویقینه یوخ اعتبار اوغلوم

«کریمی» ایمدی هر قومین بنای مکتبی زردی
شعار مذهبی پولدی مقام و منصبی زردی
گوزل سؤزدی دیوب شاعر اگر چه مطلبی زردی
بو خلقین دینی ایمانی اخی، اُمّی، ابی، زردی
ابی‌ذر اولسا بی زر عمر ائدر بیزار و زار اوغلوم





چلّه قارپزی

ای سنّت دیرینهٔ ایران شب چلّه
قارپیز کسرم آدیوا قربان شب چلّه



آیدیندی بو شیرین گئجه عمرین سحریندن
انسانلارا عبرتدی زمانین گذریندن
گل آچدی سارالدی توکولوب ساقه‌لریندن
بلبل چیخادانمور باشینی زیر پریندن
یوخدور داخی گلشنده غزلخوان شب چلّه

سن خاطره‌لر دفتریسن ای شب یلدا
شیرین یوخولار سنده وار ای گورمه‌لی رؤیا
تاریخ ائلیوب سنده نه افسانه‌لر انشا
ایران قدیمون ائدن آدابینی احیا
نولدی او گوزل رسملر الآن شب چلّه

سابق بو گئجه کرسی‌لر ائوده قوررولاردی
بیر گردکان هر پایه‌سی اوسته اُوولاردی
قاقّلتی دوشوب قیله قولاقی بوررولاردی
شادلیق توره‌نیب پاسلی اورکلر دوررولاردی
ائو اهلی بوتون خرّم و خندان شب چلّه

سگّز باش او بیر کرسینون آلتیندایاتاردی
قارداش باجی آرواد کیشی باشباشه چاتاردی
یاتجاق بالالار آروادا ار قاش گوز آتاردی
جان جان دیوبن بیربیره جان جانه قاتاردی
گل بیرده دیاخ جان ائشیداخ جان شب چلّه

قار کوچه‌ده دامدان اوجا، کوچه باجا بوزلیق
ملّت هامی‌سی کئفده نه آجلوق نه سوسوزلیق
سو قیمتینه هر نمنه بوللوخ اوجوزلیق
شیرین ناغیلا کرسی باشیندا یوخوسوزلیق
یاغ تک یاییلاردی جانا آی جان شب چلّه

آماده ائدردوخ شامیچون یاغلی یاواندان
دولما، کله‌جوش، رشته‌پلو یاخشی یاماندان
قارپیز که قالور پانبوق ایچینده نه زماندان
شوقیله چیخاردی اون ایچیندن یا ساماندان
ئل طایفا گلردی بیزه مهمان شب چلّه

داش بارداقین حوضیک‌ده‌کی پقیلداماقیندان
کرسی اوسته کومور سمواری تُقیلداماقیندان
تازه گلینون سؤز باشی پقّیلداماقیندان
شیرین ننه‌نین هر گئجه نقّیلداماقیندان
وار سس قولاقیمدا هله پنهان شب چلّه

یل دربچیه پنجریه توققا ووراردی
طوفانلی کولک قارلاری اون‌تک سُووراردی
ساج تندیرین اوسته آنا قورقا قُووراردی
شیرین یاشایشلار مگر انسانی یوراردی
باشلار یوزه دوخسان یوزو دوخسان شب چلّه

امّا بو گئجه قارپیز اولوب افضل اعمال
قارپیز کسنه یوز چوویرر شانسیلا اقبال
قوچ قیمتینه قارپیز آلا بولسون اگر آل
گئت وام گوتی آل کلفته تلخ اولماسین احوال
قارپیزسیز اولا صبح یوخ امکان شب چلّه

قارپیز نئجه قارپیز دیه‌سن قرمزی قاندی
یوخ قان دئمه قارپیز بابا قانداندا گراندی
بیچاره کاسب باخما کناردان گئچ آماندی
هم طبعی سویوق همده وباسیره زیاندی
آت ملکه زراخ دمله قولونجان شب چلّه

قیش گلدی قلج‌تک کسه طوفاندی سویوخدی
بیر عدّیه وار اولسادا بیر عدّیه یوخدی
پول یوخ گلیر آز کلفت آغیر خرجده چوخدی
بیر کیلو یاغ اوسته باساباسدی سوخاسوخدی
بیر جمعه اولوب شام غریبان شب چلّه

اولمش بیزه بیر دشمن جانی باهاچیللر
آلمش هامیدان تاب و توانی باهاچیللر
قورتاردیلا خون ضعفانی باهاچیللر
زنجیره چکوب پیر و جوانی باهاچیللر
اللّه ائلسین عدلیله دیوان شب چلّه

دستی لباسین اون‌مینه وار کیمده او قدرت
آز چوخ «تاناکورا» ائلیوب ملّتی راحت
طویدا کراوات باغلوری کتده مشه نعمت
اوچ یوز تومنه بیر خوت آلوب کبلا هدایت
هم پارچاسی اعلادی هم ارزان شب چلّه

بش یوز تومنه بیر دون آلوبدی ماما زیور
وئرمز اونی بش‌مین تومنه ایمدی بوتیکلر
گور نه تازا بگ تک بزه‌نوبدی مشه یاور
بیر پالتو آلوب آستاری مخملدی سراسر
قیشدا آدی پالتو ئوزی یورقان شب چلّه

بولمم او صفا و او صداقت هارا گئتدی
افسوس او وفا و او محبت هارا گئتدی
ائولرده او بوللوخ او ضیافت هارا گئتدی
هر زاد صلواتیدی او قیمت هارا گئتدی
پاسلاندی او اوج حلقه‌لی باتمان شب چلّه

پوللار یوزیدی اللی نه میلیارد نه میلیون
صحبت عاشق عبّاس کرم اصلیدی نه قانون
نه رادیو نه ویدیو واریدی نه تلویزیون
ایمدی بو وسایل هامی خسته هامی یورقون
دائم ایشیمیز ناله‌دی افغان شب چلّه

آد قالدی او شادلیق یارادان منظره‌لردن
فخری یمش ایگده بورانی شبچره‌لردن
صبحانیه شور، لور، خاما قیماق کره‌لردن
غم سئل تک آشوب داشدی بوتون بدبره‌لردن
سالدی باهالیق عالمه طوفان شب چلّه

ایمدی گئجه صحبتلر اولوب جمله سیاسی
شاهنامه یرین قاپسادی قانون اساسی
سیندیردی کوراوغلی سازینی یغدی پالاسی
دوندی دَبیمیز ئولکه‌میزین گئتدی صفاسی
ائتدوخ او گوزل نعمته کفران شب چلّه

آشپزخانامیز مطبخیدی قاره سوواقلی
تندیرده چومور چولمگیمیز ساخسی دوواقلی
پالتارلاریمیز ساده یا تازه یا یاماقلی
مودبازلیقیمیز کلّه‌میزی قویدی چوماقلی
شیرین سویی ائتمیش بیزه قطران شب چلّه

اوچدی برکت قالدی آغیزلاردادا حسرت
گلدی باهالیق قالدی هامی هر زادا حسرت
دوست دوستا قووملار قووما یاد یادا حسرت
درد اولدی توکنمز کیشیه آروادا حسرت
ئولدوردی بیزی حسرت و حرمان شب چلّه

بیرده او قناعت او فراغت اله گلمز
دلشادلیقیمیز آرخیین اولما گله گلمز
دار گوزلره بیرده او گنیش حوصله گلمز)
میراث نیاکان اله دوشمز هله گلمز
سنده دگیشیلدون قوساسان قان شب چلّه

تشریفات آغیرلاشدی بورونلار هاوالاندی
ایمدی هامونین ظاهری ساز وضعی یاماندی
هی سکته فشاردی یراقاندی سرطاندی
ازبسکه مریض چوخدی ویزیت‌ده باهالاندی
هئچ دردیمیزه یوخ داوا درمان شب چلّه

وابسته‌لیقین داشینی آتساخ آقالقدان
گوز یومساق اگر شرقیله غربه گدالقدان
باش ساخلیا بولساخ باشاباش خودکفالقدان
آزاد اولاریق قحط و قلادن باهالقدان
دنیامیز اولار روضهٔ رضوان شب چلّه

آرواد داخی دور قارپیزی فال‌لا سؤز اوزاندی
غم ایلمه غم رشتهٔ افکاری پوزاندی
هر کس غمی آتدی دمی دوتدی او قازاندی
کس قارپیزی قاشلا گئجه قورتولدی اذاندی
طولانیِ شبهای زمستان شب چلّه

بوندان صورا آختارما «کریمی»ده کرامت
نه روز سعادت گوره‌سن نه شب رحمت
قار تک یاغاجاق باشیمیزه فقر و فلاکت
راضی اولاخ اللّه وئره‌نه اهل قناعت
شاید بیزه اولسون شب غفران شب چلّه

مراغه

افسوس منی منگنه تک سیخدی مراغه
سیخدوقجا منیم آخریمه چیخدی مراغه
هئچ کس دوغولان یرده منیم تک بوغولانماز
هر لحظه باتور جانه مگر میخدی مراغه
حتماً من ئولندن صورا یاز قبریمون اوسته
ای پیس یخیلانلار منی پیس یخدی مراغه

گفتی گفتم

گفتی که راز عشقت افشا کنم که کردی
گفتی تو را به عشقم رسوا کنم که کردی
گفتم تو را به شدّت نفرین کنم نکردم
گفتی سرشک چشمت دریا کنم که کردی

گئچدی گئتدی

دلا فصل جوانی گئچدی گئتدی
بهار زندگانی گئچدی گئتدی



بش اون‌گون عمر عجب شیرین یوخویمش
عجب تئز اولدی فانی گئچدی گئتدی
نه تئز آچدی نه تئز سولدی بو گلشن
بهاری هم خزانی گئچدی گئتدی
نه توز قالدی نه توستی نه نشانه
حیاتین کاروانی گئچدی گئتدی
مریضی تندرستی چاتدی باشه
توانی ناتوانی گئچدی گئتدی
گلور هر استخوانیمدن بیر آواز
دیور شادلیق زمانی گئچدی گئتدی
قارین هر گون دولوب هر گون بوشالدی
یدوخ یاغلی یاوانی گئچدی گئتدی
یامانلیق یاخشیلیق تئز قورتولاندی
گونون یاخشی یامانی گئچدی گئتدی
ریاست گئتدی قدرت چیخدی الدن
امیری کامرانی گئچدی گئتدی
بیری بیست آلدی درسیندن بیری صفر
بو دهرین امتحانی گئچدی گئتدی

گوزل آد قوی ئوزوندن اوندان اوّل
دیر دوسلار فلانی گئچدی گئتدی
سفرلر ایلدوخ گزدوخ دولاندوخ
زمینی آسمانی گئچدی گئتدی
بو آتمش یتمش ایل عمره نتیجه
عملدور بایگانی گئچدی گئتدی
یاسا گئتدوخ طویا گئتدوخ مکرّر
غمی عیشی فغانی گئچدی گئتدی
بیر آز شادلیق بیر آز غم غصّه چکدوخ
ملولی شادمانی گئچدی گئتدی
کریمیدن صورا مردم دیرلر
که شعرین قهرمانی گئچدی گئتدی

❖❖❖❖❖❖❖

کتاب

عزیزیم عمریوی صرف ایلمه هوا هوسه
جوان کتابیله وئرسین گرک نفس نفسه
کتاب گل کیمی خوشدور دولانسین اللرده
روا دگول کتابا خوابگاه اولا قفسه

الی بوشلار یری

نئجه بهداری ناخوشلار یریدی   ائله مسجد الی بوشلار یریدی



ایله که اولدی آدام سنّیده شصت
آرزولرده اوجا، رتبه‌ده پست
یازیقی ایلدیلر بازنشست
یا ستون فقرات اولدی شکست
قاچاچاق مسجده تسبیح به دست
هامی گورسون که نماز تاجریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

هر او شخصین که گوزل ایش میشی وار
آغزی شیرین جیبینون کشمشی وار
یاخشی آشپزخانادا پیشمشی وار
پوفلینده نفسی وار دیشی وار
سؤله مسجدده اونون نه ایشی وار
گوروسن مسجده گیرجک کریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

ائله که قامتون اولدی ایکی قات
فرقی یوخ ائوده یا گئت قبریده یات
یادا گل مسجده تا وقتی یوبات
قیچون آغریر اوتورانمیرسان اوزات
گاهی گئت چورتا اوخی گه صلوات
گورن آنجاق که دئسون بو دیریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

عمری صرف ایلدون عیش و طربه
اوینا‌ماق چالماقا لهو و لعبه
ایمدی عمرین سحری چاتدی شبه
داشا چک دیمدیگووی گل ادبه
عِینی سوت حلقوه اوخشا عربه
قوی دئسونلر بو عرب مخبریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

ائله که چیخدی الوندن مغازا
یغوادا طویدا قویولدون لوغازا
نوه‌لر باشووی ویردی قاپازا
جان یتیشدی سینیه یا بوغازا
اوروجین حبّینی آت دول نمازا
توبه‌نین گیر باجاسیندان یریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

ائله که میلون آزالدی حماما
روزگار الفوی دوندردی لاما
رنگون اولدی تاقی اولمش شماما
سؤزلرون گلمدی دای خوش خالاما
قاچ قباقدان داخی میدان سولاما
شمشیرون دای یل آتی گلگیریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

نه بدنده سو قالوب ایشلماقا
دستلات یوخ گئده بازاره باغا
اوتوراندا دورا بولمور ایاقا
اِشمه سیگاری سالوبدور داماقا
دیه‌سن یابیا باسوبلار اوجاقا
بورا مسجددی یا ات تندیریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

ای جوان مسجده گل لذّتی وار
مسجد اللّه ائویدی حرمتی وار
بورا معبددی اهمیّتی وار
او جوانین که گوزل طاعتی وار
ایکی دنیاده اونون عزّتی وار
وای او شخصه بو ائوین منکریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

بابا ایمانی جوانلقدا قازان
دین و تقوانی جوانلقدا قازان
ایکی دنیانی جوانلقدا قازان
بذل و احسانی جوانلقدا قازان
هامی امکانی جوانلقدا قازان
قوجالیق مرحله‌نین آخریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

گلون اوّلدن اولاخ اهل صواب
قائل روز جزا یوم حساب
آی خانم قانما جوانلقدا حجاب
قوجالاندا سالیسان یدّی نقاب
حشر اولاندا وئره‌جاقسان نه جواب
بیری هر کس ایکی گورسه چریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

ای کریمی قوجالاناندا قباق
سعی ایله چکمه مساجددن ایاق
توبه‌نین وقتی یاخیندی نه اوزاق
دین و ایمان گوتومز رنگ و بویاق
مؤمن اول متحّد اول سالما نفاق
قوی دئسونلر کیشی ئل شاعریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

قوجانین قدّی دوزلمز نمازا
اُسگورنده قاچاچاق دستمازا
اَنگی دوتماز جِیی سوتسون بوغازا
قوجالاندا اولار انسان قورازا
دای عاشقلار سؤزیوی سالدی سازا
سنه اوستاد سخن ذاکریدی
ائله مسجد الی بوشلار یریدی

مکاتبهٔ غلامرضا آزادی با کریمی

آزادی

سسون قولاقیمه دگسه گوگل مزیّن اولار
همیشه دستِ شکسته وبال گردن اولار
گلور حضوریوه جاوید آدیندا بیر ناطاراز
اونون دوگونینی آچماق دیولله سندن اولار

کریمی

منیم الیمده اولان ایش دئمه محالدان اولار
ولی دوز ایشلیه‌نین بهره‌سی حلالدان اولار
ایشی بو دوستومیزین مربوط اولسا نوکریوه
اونون دوزلماقی اون کیلو پُهره بالدان اولار

آزادی

ارادتیم سنه ثابت بو عرض حالدان اولار
یالانچیلیق بشره خام بیر خیالدان اولار
ایشی دوزلسه بالامین خدایه شکر ائدرم
سنون بالون گوزوم اوسته قضاسی دالدان اولار

کریمی

آدام همیشه عزیزیم داماقلی مالدان اولار
گزوب چالوب اوخویوب اویناماقدا حالدان اولار
منیم بالیمی قباقدان یتور مثلده بو وار
اماله‌دور او زادی که همیشه دالدان اولار

آزادی

بلی لذایذ دنیا جهاندا مالدان اولار
صفا و مهر و محبت ولی کمالدان اولار
نیه امالەنی سوخدون گوزومه چوخ شی وار
قباقدان اولماقی مشگلدی بلکه دالدان اولار

کریمی

غلطدی بو بشرین قیمتی کمالدان اولار
قره مالندا کمالی اینان که مالدان اولار
همیشه دالدان آتان داش گلَر دگر توپوقا
چراغ قاباقدا یانا خوشدی کولگه دالدان اولار

آزادی

بو طبع شعروه آزادی شور حالدان اولار
فراغت ایستر عزیزیم نه قیل و قالدان اولار
سنون بو شعریوه احسن دیوب کریمی ولی
اونون بو احسنی شیرین شکرلی بالدان اولار

آزادی

بشر سعادتی آزادیا زباندان اولار
زبانین عزّتی آزادی بیاندان اولار
هامی سُور منی آزادی‌یم عزیزم من
زمین آبادلیقی آزادی زماندان اولار

کریمی

بیزیم محلّیه آزادی گلسه جاندان اولار
دوشر فشاره فقط ذکری اَلاَمان‌دان اولار
آدون ائشیتمیشم اما ئوزیوی گورمه‌میشم
اینانماسان سؤزون اثباتی امتحاندان اولار

آزادی

یوزینی گورماقون آزادینون معمّادی
اگر چه دلّره سیمرغ تک دوشوب آدی
ئوزومده اولماسام ئللر آدیملا دلخوشدی
دووارلارا یازیلوب زنده‌باد آزادی

رباعی

یکدم ز راه کبر و منیّت کناره کن
از روی لطف بر من مسکین نظاره کن
یا کام دل بده ز غم آزاد کن مرا
یا خنجرت بکش دل زارم دو پاره کن

آزادی داش غلام

هر نمنه ایسته‌سن بالا سیگار ساتاندادی
دلخوشلق ایسته‌سن اودا های‌کو یاتاندادی
یاغ ایسته‌سن فاب آختارسان قندیله شکر
گئت مستقیم سیغار ساتانا بیل هایاندادی
مین دردە بیر دوا گینه پیدادی شهرده
یخچال فریزر ایسته‌سن امّا نهاندادی
نسخه الونده قالسا دواسی تاپولماسا
سیگار ساتان تاپار ایش همان شارلاتاندادی
دولتلی میوه‌نین تازاسین صبح آلار سئچر
امّا اوجوزلوسی کاسبا گون باتاندادی
انصاف و غیرت آختاراسان رحم و عاطفه
گئت قبرینون سراغینه مرحوم آتاندادی
یوخسول یازیق، لباسه اگر اولماسا پولون
لوت گز که لوتلرین آقاسی اکباتاندادی[1]
بی زر ابی زر اولسا بِزَر بو زمانه‌دن
ایش عیش و عشوه رشوه‌نی مین مین اوتاندادی
خوشلیق اولار همیشه که ناخوشلیق اولماسین
ناخوشلیقین مخارجی میلیان قاپاندادی

۱- باباطاهر عریان در همدان.

ملّت یازیق نه ایلیه‌جق زور و ظلملن
قدرت بو گون ضعیفلره موشک آتاندادی
هر صدمه هر ضرر یته عالمده هر کسه
بیلسین او صدمه عالمی یکسر قاتاندادی
چایدان گیچنده بللنه‌جاق‌قاره‌سی آغی
اوست اورتولی ایشین باشی باشه چاتاندادی
ئل شاعری کریمیدی شهر مراغه‌ده
شعرین دادی دوزو دوز او دوزلو ماتاندادی
اوستاد شعریدور او نه آزادی داش غلام
فکری بونون که پرسی گازیلا بوتاندادی

رباعی

اشکم روان زدیده به رخ در فراق توست
دربسته این سراچهٔ جانم اطاق توست
تنها نه من در آتش عشقت فتاده‌ام
دلهای عاشقان همه در اشتیاق توست



گفتم مگر به خواب ببینم جمال دوست
بر من ولی مجال نبخشد خیال دوست
در صحنهٔ خیال چو «مانی» همی کشم
نقش جمالِ و قامت خوش اعتدال دوست

درکنگرهٔبزرگداشت استاد آقاسی(دانش خوئی)سروده شده

جانا او مه جمالوی تابش‌سیز اولماسین
گیسولرین داراقسیز اولوب مش‌سیز اولماسین
مشّاطه‌نین ایکی الیدی بیر سنون یوزون
یارب گوروم دوز ایشلین ال ایش‌سیز اولماسین
عقلیم سپاه عشقویله سازش ایلیوب
سازدور کئفیم هئچ عالمی سازش‌سیز اولماسین
آهیمله پشدی شیشمش اورک دیگ سینه‌ده
شادم بو امره هئچ ائوی پشمش‌سیز اولماسین
ارباب حاجت یوز چوویروب آستانه‌وه
هئچ محترم آچیق قاپی درویش‌سیز اولماسین
محراب اولوب هلالی قاشون طاقی عاشقه
بیر لحظه‌ده اوطاقی نیایش‌سیز اولماسین
آچ قوللاریوی بوینوما سال پاتداسین رقیب
سن منلن اول حسدلی قارین شیشسیز اولماسین
دانش هارا قویوب قدمین جنّت ایلیوب
اللّهدان ایسترم خویی «دانشسیز» اولماسین
لازمدی گل نثار ائلماق پای «دانشه»
اوستاد پیر شعر نوازش‌سیز اولماسین
دانش آغیزدا دیش کیمی لازمدی ملّته
هئچ قوم و هئچ قبیله گوروم دیش‌سیز اولماسین
خواهان طول عمر محمّد آقاسیم
هئچ بنده کردگارینه خواهش‌سیز اولماسین
بانی اولوب او کس که بو تجلیل و عزّته
هئچ آغزی بوش قالوب جیبی کشمش‌سیز اولماسین

سؤز آز اولاندا دلده یر ایلر کریمیا
سعی‌ائت سؤزون آز اولسادا ارزش‌سیز اولماسین

ایضاً در بزرگداشت آقاسی خوئی (دانش)

ای ادب مدرسه‌سینده گوزل اوستاد یاشا
بیستونِ هنره تیشه‌لی فرهاد یاشا
بو جهانین دولاناندی آی ایلی سرعتلن
فایداسی یوخدی دئسم یوز یاشا هشتاد یاشا
بو دعانی ائدرم من سنه ای منبع فضل
خوش یاشا راد یاشا شاد یاشا آزاد یاشا
«دانشا» ای شعرانین آتاسی ای آقاسی
قویمسان خویدا ئوزوندن نه گوزل آد یاشا
گئدیسن هر یره اوغلوندی قولوندان یاپشان
یوردووی قویمیاجاق بوش گوزل اولاد یاشا
ایسترم حق ائده دائم سنه توفیقی رفیق
دوز یاشا دوزلو یاشا آغزی دولی داد یاشا
وار امیدیم شعرادن بئله تجلیل اولونا
جای تقدیر و تشکّر یاشا ارشاد یاشا
نیلورم دوخسان ایکی یوز ایلی دردسریلن
آز یاشا عزّت و حرمتلی یاشا شاد یاشا
ای کریمی دلیویله لالی دیللندیریسن
ائتموسن شعریده غوغا ائوون آباد یاشا



منکه دوزلده بیلمرم عالمین اگری اسگیکین
بوشلادیم آلچی، توخانین، خوشلامادیم بوکین جیکین

نامه به خارج از کشور

دوست بسیار مهربان و عزیز دلم از عشق و مهر تو لبریز
ای که در صدق بی‌بدیل و نظیر از صدیقت سلام گرم پذیر
گر تو باشی ز حال ما نگران حمد بر خالق و حق و منّان
همچو گل خرّم است حال مرا جز فراق تو نی ملال مرا
ما که ساکن به خاک ایرانیم روز و شب در وفور احسانیم
کشور ما چو باغ رضوانست یک بهشت است نامش ایرانست
نهرهایش چو سلسبیل روان غنچه‌ها در شکوفه‌ها خندان
خاک ایران چو لعل و مرجان است صبح ایران طلیعهٔ جان است
مردمانش چو شیر مردانند در صف جنگ مرد میدانند
در گهِ رزم جنگجوی عظیم لیک در بزم، بردبار و حلیم
الف ایران اصالت است و ادب یای او یاد بود اصل و نسب
راء ایران اشارت از رحمت هر اشارت بشارت از رحمت
الف دوّم بود الٰهیّات نون نجابت بدون تحریفات
ای خدا از بلا نگهدارش قرنها قرنها نگهدارش
تا بود آفتاب تابنده پرچمش صبح و شام پاینده

ای کریمی رسول عالمیان
گفت حبّ‌الوطن مِن الایمان



یتشدی آخره مجلس کریمینون لهینه
شفا همیشه چوکرمش پیاله‌نین تهینه
دیلین زهرلقی دائم قویور منی قِقانا
توجه ایله خدا قویماسین منی بو قانا

منه دوشدی

افسوس که پایان جوانی منه دوشدی
مجلس یورولوب خسته زمانی منه دوشدی
شعرین یوخوسوز قالماقی سردردی فشاری
سودین اوخویان گوردی زیانی منه دوشدی
اشعاریمه تحسین یرینه وئردیله تهدید
خونابه و خوف و نگرانی منه دوشدی
ال چکدیم ایشیمدن گلنه باش داشی یازدیم
رحمت ئولنه مرثیه‌خوانی منه دوشدی
من گورمدیم اصلاً بو چولون شنلی بهارین
طوفان کولکی شاختا بورانی منه دوشدی
چوخ سؤزلر ائشیتدیم اُمرادن رُؤسادن
یوزدن بیری دوز چیخدی یالانی منه دوشدی
شعرین صله‌سین ئوزگه یدی سیلّه‌نی شاعر
یاغلی کوتکی دوزلی یامانی منه دوشدی
موسا کیمی بیر عمر شعیبه چوبان اولدوم
یار ئوزگیه یار اولدی شبانی منه دوشدی
یار ئوزگه‌لریله جوان عمرین باشا وئردی
ایمدی قوجالوب داد و فغانی منه دوشدی
سرو قدینون سایه‌سینی سالدی رقیبه
ایمدی بوکولوب قدّ کمانی منه دوشدی

بیر عده گلوب کورلادیلار صنعت شعری
کَیفَ لِمَسی چون و چنانی منه دوشدی
طویدان صورا خلقه بالابان چالدی کریمی
طاسدا حنانین یرده قالانی منه دوشدی

مالیات

پیمبر گر مرا بیند نمی‌گیرد زکوة از من
خدا در روز محشر هم ببخشد سیّئات از من
که من خود مستحقّ عفو و اغماضم پریشانم
امیدم هست دارائی نگیرد مالیات از من
صله بخشند بر شاعر نشاید مالیات از او
تو اشعاری طلب شیرین‌تر از قند و نبات از من

رباعی

یارم به چهره طرّهٔ مشکین نقاب کرد
دل را شکست و خانهٔ صبرم خراب کرد
گفتم شود به خواب ببینم جمال تو
گفتا به درد عشق محال است خواب کرد

مطایبه

باخبر ایلدی راوی منی بو مسئلیه
(میر علی اکبر)[۱] گئجه ایستوردی چیخا شفتلیه
قوروموشدی بوغازی ایستیده قزمشدی ساجی
ال آتوب شفتدلینون قول بوداقین سیلکلیه
سیندیروبدور قولونی شفتالنون انصافا باخ
ایمدی مین عذریله ایستور جریقین رفولیه
داداشیم گئچدی او گونلر گئجه‌نی صبحه کیمی
اون ایکی اوخ آتاسان شیطانا یا حرملیه
ایمدی دور آل دالیوا چونکه جانون بوینووادی
دوش سینیقچی دالیجا سیفعلی‌دن میر ولیه
خوی‌دا سیّد یخیلور شفتالودان فوری خبر
مراغا شهرینه پخش اولدی باخون حوصلیه
آجیشاندا جگیشنده ئوزیوی ساخلا اوغول
۸۰تند گئتمه ایشون آخر چکه بو مرحلیه
بونی بیل نه یورولار نه یخیلار نه سخیلار
او که حاملدی بو داشلیق یولی یونگول شلیه
بش گون عمرونده حیات باغچاسنا باغبان اول
میوه‌سیندن یی دویونجا همی دَر، یغ سلیه
دوشمه نفسین دالیجا تا سنی بدبخت ائلیه
قوی قویون مثلی دوشوب نفس دالونجا ملیه

۱- مرحوم میر علی اکبر ذاکری خوئی است

ندی بو جیفهٔ گندیده کسوب طاقتوی
وای او بدبخته الین وزر و وباله بلیه
امتحان وقتی گرک یاخشینی پیسدن تانیماخ
قوی زمان فرلانا تا خلقی الکدن الیه
مرد قانع دُوزر، ایمانینی سالماز خطره
گورجاقین قویروقی آج قورد کیمی دوشمز تلیه
اولما دیوانهٔ پارت و پلو و پول و مقام
ترسه قانما ائشیدوبسن که قلم یوخ دلیه
ای کریمی همی آبداردی سؤزون همده شیرین
بنزیری باغدا گوزل آلمیا شیرین شلیه

❖❖❖❖❖❖❖❖

اعلان خطر

نیه وحشی کیمی من نوع بشردن قاچورام
منه دیوانه دئمه فتنه و شردن قاچورام
گورورم عصره گلوب قرمزی یوز ناکیشیلر
اودی راننده تک اعلان خطردن قاچورام

❖❖❖❖❖❖❖❖

دل در هوای وصل نگار است چون کنم
آشفته همچو طرّهٔ یار است چون کنم
چشمم به راه یوسف زهرا سفید شد
یعقوب در فراق نگار است چون کنم

هره ئوزین بگنر دوه‌ده دیزین

هر گوزلده بالا بیر عیب اولی سنده یوزی وار
من ئولوم بیر دی گوروم ایشلریوین هئچ دوزی وار
بو گوزل حُسنی قباحتله قبیح ائتمه گوزل
سندن عاشقلریوین لطف و کرامت گوزی وار
بیر سزیلتی اوره‌گیمدن گلوری گل قولاق آس
عاشقوندی ائله‌بیل که یازیقین سؤز مؤزی وار
یانارام شعلهٔ هجرانه ولی اوف دئمرم
هر قرانلیق گئجه‌نین نور یارادان گوندوزی وار
تانیسان بیر کسی ئوز عیبنه اقرار ائلیه
قوی بگنسین ئوزون هر کس، دوه‌نینده دیزی وار
غمه اوز ویرمه دادانسا دولاشار خدّگیوه
داش یامانسین یوزینه سرتق اوتاناز یوزی وار
سویا چکمه جانمازون سنی چوخدان تانیرام
یازمشام عیب‌لرون بیربیر الیمده ریزی وار
اورگوندن گئچه‌نی من باخیشوندان سئچرم
دیلیلن قلب بیر اولسا کیمون آیا سؤزی وار
شیش اوزاتما منه چوخ دیشمه بو شیشمش اوره‌گی
بیر بایات تندیره بنزر کول ایچینده کوزی وار
دی گوروم نمنه‌دی تقوا هامی باغلور ئوزونه
آجیدی شوردی شیریندی سؤزی وار یا ئوزی وار
سؤز اگر عظم رمیم اولسا کریمی یارادار
لطف مولادی نه ساحردی نه‌ده معجزی وار

محبّت

چون محبّتها ز حد افزون شود　　لاجرم بای محبّت نون شود
مولوی آن شاعر والاتبار　　کرده اندر مثنوی دُرها نثار
«از محبّت خارها گل می‌شود　　وز محبّت سرکه‌ها مُل می‌شود»
عذر می‌خواهم از آن مرد اِلاه　　اشتباهست اشتباهست اشتباه
از محبّتها مرض حاصل شود　　وز محبّت قولها باطل شود
از محبّت دشمنی آید پدید　　از محبّت مومها گردد حدید
گربه را کردم محبّت ببر شد　　از محبّت مرد مؤمن گبر شد
مدرکی خواهی بیاد آر ای جوان　　مرتضا را با شیوخ نهروان
از محبّت مدعی گردد جری　　چون ابوموسای شوم اشعری
مرتضا را چون محّبت شد مضاف　　سالها شد ذوالفقار اندر غلاف
مرتضا شد در محبّت راد مرد　　ابن‌ملجم کرد آن کاری که کرد
پس محبّت قیس را دیوانه کرد　　نامش اندر قرنها افسانه کرد
از محبّت یوسف اندر چاه ماند　　دیدهٔ یعقوب اندر راه ماند
از محبّت نسیه‌ها برباد رفت　　از محبّت صحّت اسناد رفت
هر که را کردم محبّت چاق شد　　خون دل دادم به رویم عاق شد
از محبّت دوستی‌ها قهر شد　　وز محبّت شهد و شکّر زهر شد
از محبّت دُر نمی‌گردد سفال　　وز نوازش گرگ کی گردد مارال
از محبّت چون شود زر گوشوار　　آتش و چکّش بیار ای هوشیار
گر محبّتها کنی بر بچّه گرگ　　ور کنی در دامنت او را بزرگ
آید آن روزی که خونت می‌خورد　　از عزیزانت شکمها می‌درد
ای کریمی بگذرد صد نوبهار　　از محبّت گُل گُلست و خار خار
سالها گر غرّه‌ها آید به سلخ　　اصل شیرین هست شیرین تلخ، تلخ

سِنِق لولهین

وار یادیمدا که وقت فرصتده
موقع سیریده سیاحتده
سالدی توفیق باشیمه سایه
چکدی بیر موزیه تماشایه
کهنه آثار چوخ نفیس و عتیق
ائدیر انسانی بحر فکره غریق
غرفاتین بیرینده یاللعجب
منی جلب ایلیوبدی بیر مطلب
بیر سنق آفتافا یانیندا سهین
اونا سابق دیردیلر لولَهین
نئچه یردن سینوب قوجالمشدی
صاف یری قولتوق آلتدا قالمشدی
دئدیم ای (مَحرَمُ الْمَقاعِدِ ناس[1]
ناظر عورت ذکور و اناث
سن هارا بو مقام و شوکت هارا
ساخسیا موزه‌لرده عزّت هارا
نیه ویترین‌لره چیخوبدی سفال
یرون اوغلوم سنون ماوالدی ماوال
سن هارا میز هارا ریاست هارا
لولهینده بو قدر و قیمت هارا
سن بو شیشه دالندا اگلشمه
دوش وئروب گرنشوب بئله شیشمه
میز و صندل بگین، خانین یریدی
بورا ورشو گلابدانین یریدی
چیخسا هر کیم جهاندا زییندن
قتلی واجبدی چون چیخوب دیندن
وئرسه‌لر تخت، رند و قلاّشه
اولی شیرلی دراق کچل باشه
اگر اولسا بچنچی‌دن سرکار
بولموسن عالمی قانا چالخار
دله گل آغزیوی ندن یوموسان؟
نئچه مین دفعه دال قباق، یوموسان؟
لولهین نطقه گلدی ائتدی عتاب
منه وئردی بو دللریله جواب
گل اوتور وئر قولاق فراستلن
باخما خلق‌اللّها حقارتلن
گورورم اهل فضل و دانش‌سن
مرد تحقیق و اهل بینش‌سن
چوخی بو موزیه گلوب قیدوب
کورکورانه سیر ائدوبدی گئدوب
بیر فقط سن سوروشدون حالتیمی
قولاق آس تا دیوم حکایتیمی

۱-کنایه از لولهین و باصطلاح امروزه آفتابه.

بیر زمان من بو شهره حاکمیدیم | صاحب امر و نهی ظالمیدیم
اوجا قصریم چو خانهٔ زنبور | رقص و آواز و تاریله تنبور
عیش‌ونوش و قمار و فسق و فجور | ساقی‌لر اللرینده جام بلور
هر گئجه بیر نگار مه پیکر | منیلن صبح اولونجا هم بستر
منه مرمر سینه‌یدی بالش خواب | نقره فنجان ناف جام شراب
کج باخانمازدی بیر نفر یوزیمه | لا، دینمزدی اگری دوز سؤزیمه
گرز و سرنیزه و کمان و کمند | گه بزن گه بکش بگیر و ببند
دوستاقمدا قوجالدی انسانلار | شالاّقیم آتدا چیخدی چوخ جانلار
گئجه‌لر ناز و عشوه‌لر یمیشم | گونوزی یاغلی رشوه‌لر یمیشم
او سیاق که اوراق کسر علفی | شمشیریم کسردی هر طرفی
باغیما تا خزان یلی اسدی | ریشه‌می تیشهٔ اجل کسدی
ملک‌الموت کسدی مندن قوت | تختمی آخر ایلدی تابوت
پَرِ قو بالش اولدی داش لحدیم | چورودی توپراق‌اولدی گل جسدیم
توکولوب کپریگیم گوزوم سوزولوب | بدنیم بند بنددن اوزولوب
قانع اولدوم او تنگ زندانه | دوشدی قبریم صورا خیابانه
بئل، کولوک کورلادی توخوم توله‌می | باسدی سیندیردی انگیمی لوله‌می
ائتدیلر داشقیا سواره منی | توکدولر شهردن کناره منی
بستریم خاک، دلبریم داشیدی | کوزه‌گرلر چووال چووال داشیدی
نه دیوم آخ نه چکمشم دوسدوم | آنادان امدیگیم سودی قوسدوم
سو توکوب تاپدیوب تپیکلدیلر | یاسدیلاندیم نقدری دیکلدیلر
قشلاریم کوزه قارنیم اولدی سهین | قوللاریمدان قییردیلر لولهین
باسدیلار کوریه ددم یاندی | گوز قولاق قلب دمبدم یاندی
کوزه‌گر گلدی ائشّگه چاتدی | آپاروب ئوز دکاننه ساتدی
بیر قوجا مؤمنه دچار اولدوم | اهل علمیله همجوار اولدوم

بیر قرائتله چکدی بسم‌اللّه
سو دیریلدوب وجودیمی چون می
هی منی چکدی حجره‌دن ماوالا
مثل تاریخ معجم و ابواب
او قدر حجره‌سینده اگلشدیم
منی هی گوبسه‌دی داشا دووارا
گینه قورپومدان اوزمدی الینی
بیر گئجه سالاّدی منی قویویا
گاهی ارسین اوزاتدی گاه شیشین
قویودا شوملادی خراب اولدی
اوزون ایللر بو عالم فانی
بش یوز ایل خاکده قالوب مدفون
توزومی سیلدی قوم مرده پرست
ایمدی اگلشمشم بو مأواده
چون منیم سنّ و سالیم آرتوخدی
حکما آد قویوب عتیقه منه
وئرمیشم باشه عمر طولانی
شأن و اقبالمه یتوبدی شکست
بیر زمان یولداشیم کاسایدی کوزه
لولَهین باشه وئردی صحبتینی
دئدیم الحق بودور طریق کمال
موزه‌دن چیخدیم ئوزگه حالتده
یولدا بیر پیرمرد الینده چلیک
اوتومیشدی یولون قراقینده

منی باسدی سویا بحول اللّه
وَمِنَ الماء کُلُّ شیءٍ حیّ
گاهی گئچدیم قباقه گاهی دالا
ال به ال گزدیروب منی طلاّب
ضَرَب زِیدی کامل اورگشدیم
لولوگیم سیندی آلتیم اولدی یارا
یودوم اعلاسینی هم اسفلینی
ایپ قیریلدی عمونده گئتدی سویا
چیخادا بولمدی چکوب قمیشین
قارنیما پالچقیلا قوم دولدی
منی توپراقدا ائتدی زندانی
بیر گونی ائتدیلر منی بیرون
تا منی گزدیروبله دست بدست
قیمتیم قدمتیمدی دنیاده
تا یاشیم چوخدی ارزشیم چوخدی
آلدیلار ساتدیلار آغیر ثمنه
دادمیشام سرد و گرم دنیانی
اولموشام حسرتیله بازنشست
ایمدی‌ده مسکنیم اولوب موزه
یتیروب آخره حکایتینی
قوجالاندا اولور عتیقه سفال
غرقدیم فکره بحر حیرتده
خوتی شلواری ژنده بورکی دلیک
دیله‌نیر یولچیلار سیاقینده

بوکولوب قامتی اولوب ایکی قات اوخوری گه دعا گهی صلوات
سارالوب صورتی قاچوب رنگی ال ایاق تتریری اسور انگی
قیریشوب پیسری چاریق گونی‌تک قاریشوب سقّلی داوار یونی تک
دیدیم ای پیرمرد خانه خراب لطف ائله وئر بو بیر سؤاله جواب

نیه بو حاله قالمیسان آخر
یوخدی اگنونده جامهٔ فاخر

یوزیوه کیم باخاندا رحم ائدیری اوستووه بش قران آتور گئدیری
دئدی دیندیرمه دردیمی دئشمه من دوشن درده کاش سن دوشمه
وار سنون تک منیمده هر زادیم قزیم اوغلوم عروس و دامادیم
اولمشام گر چه سنّیده هشتاد یوز ایل عمر ائتسن آخری هش زاد
آخر، اوغلوم بزوب دویوب جانه قویدی کانون سالمندانه
اوردادا دؤزمدیم چیخوب قاچدیم بوردا یولچی بساطینی آچدیم

الغرض درد و غم وثیقه‌سیم
منده انسانلارین عتیقه‌سیم

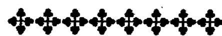
دئدیم انسان غریبه مهمل اولور قوجالان ساخسیداندا ارذل اولور
کیمدی عبرت آلا بو دنیادن درس آلا موزه‌دن تماشادن
بشرین گورنه محنتی چوخدی لولهنجه شرافتی یوخدی
اول اوغول خواب جهلدن بیدار عبرت اخذ ایله یا اولوالابصار
نفسوی سیندیر ای سنق لولهین ارزشون زعفراندی ائتمه پهین
مایهٔ وزر و یا وبال اولما سعی ائله کمتر از سفال اولما
باخ بصیرتله سیر دنیایه توشه فکر ایله دار عقبایه
من جوانکن دیردیم ئوز ئوزومه شیر دور شیر اگر چه شیر اولسا
تا یتیشدیم قوجالقا گوردوم پیردور پیر اگر چه شیر اولسا
غافل اولما خدا کلامیندان قوجانین چیخما احترامیندان

قوجا شادی و غم رساله‌سیدی قوجالیق تجربه قباله‌سیدی
اوزاق اول کبردن منیّتدن ئوزیوی سالما قدر و قیمتدن
اوّلون هئچدی آخرون هئچدی بالشون قاره پاره کربچدی
اولما سرمست بادهٔ غفلت تشنهٔ شهوت عامل قدرت
وار خزانی بهاری دنیانین یوخدی بیل اعتباری دنیانین
نه قشی خوش نه یازی دنیانین نه نشیب و فرازی دنیانین
بی‌وفادی اکوب دوغان دنیا بکریدی ارلرین بوغان دنیا
دئمه بیر شخصه لحظه کام وئروب جان آلوب هر کسه که جام وئروب
کیمی زور و زر ایلسه مغرور روز محشرده کور اولور محشور
چوخ ریاست هواسینه دوشمه عمر دیوارینون دیبین دیشمه
یکه باشین یکه بلاسی اولار یکه گل تئز آچار سولار قوتولار
یکه باش بسکه جلب ائدر نظری یوزه دوخساندی صدمه‌سی خطری
اوچ زادین پای بندیدی هامی خلق حلقدی،دلقیدی، اوچومجیسی‌جلق!
اوچی‌ده گر ضروریدور بشره سالار افراطی شخصی شور و شره
دئدی بهلوله بیر گونی هارون ای اولان بختی تختی تک وارون
وار علاقون اگر بو درباره بو گوزل تخته تاج و تالاره
سوُیسن سنده بوغلارون ائشه‌سن بو خلافت میزینده اگلشه‌سن
دئدی بهلول ای خلیفه محال اوردا من اگلشنمرم فی‌الحال
اورا بد یُمنیدی نحوستی وار اوردا اگلشماقین مصیبتی وار
بو آز عمرینده ایّهاالمعقول اوچ خلیفه یولا سالوب بهلول
سن بو مدّتده ای شه والا نئچه بهلول گورموسن آیا
صاحب مسندین کئفی ساز اولار عمری امّا عجالتاً آز اولار
قُوزیان بیر گونی سنی یخاجاق تخت، تابوت اولوب سنی سخاجاق
بیر بوغاز سنده‌دی بیری منده بیر قارین منده بیر قارین سنده

نه باشیمدا باش آغریدان دستار نه قاپیمدا کشیکچی و پاسدار
نه ایشیم واردی قیل و قالیله بلشم وزریله وبالیله
قانعم وار یوخا نقدری وارام بیرم هاردا ایستدیم یاتارام
وار ریاست میزینده طوفانلار دئمه اگلشمین دادین آنلار
اوجادی باصفادی راحتدی میناقی ینماقی مشقّتدی
زنده‌بادیله میندیرر ملّت مرده‌بادیله یندیرر ملّت
ای کریمی تو مصلحت‌گو باش عاقبت‌بین و عافیت‌خو باش
خواهی ار زندگی بلا مانع بی شکم شو به بیش و کم قانع

نوحه‌خوان

نوحه‌خوانسان سؤز اوخی نصر اوخوما
دوز نمازی بوراخوب قصر اوخوما
خلفه چین سورهٔ والفجرده‌دی
آتدیوب آیه‌نی والعصر اوخوما



نوحه‌خوانسان مواظب اول سؤز اوخی
دوز دانش دوز حسینچی اول دوز اوخی
سؤز اورکدن چیخار یاتار اورگه
دانهٔ اشکی کپریکه دوز، اوخی

معلّم

شاگرد را عزیزتر از جان معلّم است
چون باعث تعالی انسان معلّم‌است

خواهی اگر بهشت اثر پای او بگیر
زیرا دلیل روضهٔ رضوان معلّم‌است

گمگشتگان ظلمت شب را خبر کنید
روشن چراغ و شمع شبستان معلّم‌است

خواهی ز چنگ دیو جهالت رها شدن
دریاب مهر و نقش سلیمان معلّم است

گر در سراغ معرفتی پای او ببوس
آموزگار مکتب عرفان معلّم است

از بهر کاروان بشر در شب سیاه
جان را نموده مشعل سوزان معلّم است

چون شغل انبیا شده تعلیم و تربیت
وارث به ارث حکمت لقمان معلّم است

از نون والقلم سخن آور کریمیا
ما یَسْطَرون مرّوج قرآن معلّم است





ایضاً در وصف معلّم است

معلّم ای طریق آدمیّت را نمایانگر
معلّم ای گروه حق‌پرستان را پیام آور
معلّم ای که معماری سرای آدمیّت را
معلّم ای که با سعیت سعادت زاید از مادر
معلّم ای چراغ رهنمائی بهر انسانها
معلّم ای که بر جان جهالت می‌زنی اخگر
توئی در بحر گیتی ناخدای کشتی هستی
خوشا بر بندر بحر دلی کافکنده‌ای لنگر
تو آن شمعی که از نورت شده هر خانه نورانی
تو آن دریای موّاجی صدفها پروری در بر
توئی بر بی قراران جهان بخشی قرار دل
توئی در آسمان علم و دانش تابناک اختر
غلام همت آنم به من یک حرف آموزد
عجب دُرّ فصاحت سُفته میر مؤمنان حیدر
درود بیکران بر عزّتت بادا ز ما زیرا
به هر عصری توئی آینده‌ساز خیّر کشور
کلید گنج عزّت رنج و ذلّت را توئی دارا
به عزمت بستگی دارد گشائی هر کدامین در

سر تعلیم گاه اندر زمان درس و آموزش
به شاگردان زنی حرف از عسل صد بار شیرینتر
به مکتب می‌کشد شاگرد را ایام تعطیلی
معلّم گر شود دارای حسن خلق و خوش منظر
که را یارای تجلیل از مقام شامخت باشد
که چرخ زندگیّ با شرافت را توئی محور
به زیر سایه‌ات هر کو گراید رستگار آید
همای اوج عرفانی تو ای عنقای زرّین پر
ز سعی تو یکی گردد مهندس دیگری دکتر
یکی در آسمانپیما یکی در عرشهٔ منبر
معلّم در قیامت در ردیف انبیا باشد
اگر در امر بر معروف باشد نهی از منکر
«کریمی» هیکل این شعر را خالق بود «سرباز»
توئی مانند مشّاطه به هیکلها دهی زیور

رباعی

جانا ببین ز لیل و نهارم چه‌ها رود
روزم به شور و ناله شبم با نوا رود
غرّه مشو به حسن جمال و جلال خویش
طولی نمی‌کشد همه بادِ هوا رود

یالان

سؤزلر ایچینده دوز اولوب، کیمیا کوچه و بازاری یالان دولدوروب
حیله و تزویریله رنگ و ریا سربه‌سر اخباری یالان دولدوروب

✤✤✤✤✤✤✤✤

سؤزلر اولوبدی یوزه دوخسان یالان
مرسی یالان بعلی یالان جان یالان
آی قادان آلاّم، سنه قربان یالان
وعده یالان عهدیله پیمان یالان
پستوئی انباری یالان دولدوروب

عاطفه یوخ رحم یوخ انصاف یوخ
صِرف تقلّبدی هامی صاف یوخ
اگرینی دوزدن سئچه صرّاف یوخ
عین حقیقتدی سؤزوم لاف یوخ
گلشن و گلزاری یالان دولدوروب

وعده‌لرین اکثری باش قاتمادی
جمله جراید آدام آلاّتمادی
کار اجامر تکه اویناتمادی
دوز دانیشان مقصدینه چاتمادی
جبّه و دستاری یالان دولدوروب

هی منه سویلردی آتام بیر زمان
ساخلا دیلون بو ایکی شی‌دن امان
بیر یالان ایمانی آلار بیر یامان
خلقین ایشی ایمدی یاماندور یالان
یادی یامان یاری یالان دولدوروب

قصّه یالان غصّه یالان غم یالان
ناز یالان عشوه و چم خم یالان
دولدوروب آفاقی مسلّم یالان
ورد زباندور بله بوللم یالان
دفتر اشعاری یالان دولدوروب

زینت شعر شعرادور یالان
ورد زبان اُمرادور یالان
رونق کار فقرادور یالان
عیب بزرگ اُدبادور یالان
کلبه‌نی تالاری یالان دولدوروب

کامپیاتر که یولون آزماز آزیر
برق، سو، تلفن پولون آرتیق یازیر
هی قویودی بیربیره مردم قازیر
اینجیدی دوزدن نیه بو زر با زِر
مختلف افکاری یالان دولدوروب

مسجد اولوب رنگ و رقابت یری
منبریمیز تخت ریاست یری
خالی اولوب اهل فراست یری
قالمیوب ایمانه حراست یری
نامه و طوماری یالان دولدوروب

باخ بازارین وضعینه یاللعجب
یاغدیریر اود ملّته فرصت‌طلب
وار یتیشن قیمته بیر زنجلب
قالخیری قیمت یوخاری روز و شب
محفل تجّاری یالان دولدوروب

بیردی بو خام خلقه دَریلن تپه
خلق اولوب آنجاق تپیله یا تپه
آغلاسا فوراً مه‌مه وئر یا په‌په
آلتی یوز آتمیش تومن اولدی لپه
قیمت ابزاری یالان دولدوروب

بیر باساباس بیر سوخاسوخدی آمان
هر قوجا کفتاره دیوللر مامان
چای یرینه قاره گیوبدور سامان
گلدی ایل ایلدن گونی گوندن یامان
گنبد دوّاری یالان دولدوروب

مرگ بر آمریکا درود بر دولار
مارک و دولاردان یکه جیب‌لر دولار
ات کیلو بش‌مین تومن اولماز؟ اولار
فعله تامارزی ییه بولمز، اولار
بارداقا اجباری یالان دولدوروب

ارباب اولوب پخته رعیّت عوام
عمری اوزون سایه‌لری مستدام
خلقی یالاندان سری‌یوب صبح و شام
وقتی یالان وعده‌لر ائتدی تمام
باخ در و دیواری یالان دولدوروب

قبض یالان سفته یالان چک یالان
عادتیمیزدی دیشی، ارکک یالان
یر یوموشاقدی اکیسن اک یالان
قوخما ائدر چیرکینی گویچک یالان
منطق اشراری یالان دولدوروب

چوخدا کریمی گوزه چکمه ئوزون
آغزیوی یوم ملّته دوتما یوزون
چوخلاری سن تک دیه بولمور سؤزون
هشتیه باخ دیودی بَرَلدیر گوزون

جعبهٔ اسراری یالان دولدوروب

دده داناّقی

دب دوەسن یب یکەسن دیب دغا
باش قاریشوب سقّله سقّل بوغا
تب تزه کوینک آلیرام گوب گوزل
قب قره اگنونده باتیر یاب یاغا
قوب قورو غمدن قورودوبسان منی
دوب دورو اشکیم یوزه قویما یاغا
ساب ساری رنگیم‌سارالوب غصّه‌دن
اوخشوری طاقدا سارالان یپراغا
حیف او گوزل شاقّا واتا هیکله
قدّ و قواروْن گِده بنزیر داغا
واردی گامیشدان ایتی بوینوزلارون
قویما سنی هر گلن آرواد ساغا
عمر قوتاردی یولووی تاپمادون
گاهی صولا میل ائلدون گه صاغا
فیل کیمی میندی بئلیوه هر گلن
نمنه کیمی باشلادون آنقیرماغا
کیف دوتاسان تنگه گتوردون منی
آغزیوی آچدون گویه ای قورباغا
بیر اله تسبیح بیر اله آل سیغار
بوغلارون ایش آش گِده باغدان باغا
آخ نه دینون بللیدی نه مذهبون
قویما کیفیرلیک صفتوندن یاغا
کوچه‌ده لال ائوده بیر آرشین دیلون
باش قولاقون یولچیدی قارنون آغا
اللّه آلا کاش الیمدن سنی
قدّیوی خام بزده سوخوم توپراغا
کاش دوتاندا مامانوندان ماما
بیر داش اولیدون که قوییدیم طاغا
نه آدون آیدین نه مودون بللیدی
نه باخیسان موعظیه دانلاغا
بینوا مود ئوزگه‌نین آد ئوزگه‌نین
سن هله یوخلا قره آد قوی آغا
باخ کرهٔ ماهه یولَ آچدی بشر
قال چاناق آلتیندا سن ای توسباغا

نه نمازون نه اوروجون وار سنون فکریوی ایشلت قارینا قورشاغا
تا سنی سالسین دده‌وین جانینه همسایا دیرناق چالیری دیرناغا
پیس‌مصاحب قویدی سنی پیس‌گونه ئوز خوشونا وئردی سنی دوستاغا
یورما کریمی ئوزیوی بی جهت
سن دئمه چمدیک اثر ایلر چاغا

حیف اولدی

خزان گلدی سولوب گل، گئتدی گلشن باده حیف اولدی
ئولوب ساقی سینوب ساغر توکولدی باده حیف اولدی
زمان چوخلار دوغار بسلر آلار جانین قویار قبره
ولیکن حاجی ابراهیم یاورزاده حیف اولدی

یوخسول

هر نه بلا گلسه تاپار یوخسولی
آی جان آلان تئز گل آپار یوخسولی
ایت‌ده گورر وارلینی قویروق بولار
یوخسا چورکسیزدی قاپار یوخسولی
وارلی تالیر شهری سسی چیخموری
اون تومنه قاضی چاپار یوخسولی
کُونده کیمی اوینادار الده فلک
گاهی یایار گاهی یاپار یوخسولی

مراغه چشم و چراغ ایران است

اگر مرا غم و دردی ز جور دوران است
مراغه می‌برد از جان که شهر جانان است
مزار اوحدی آن مرغ زندخوان اینجاست
کسی که خواجه[۱] از او مست عشق و عرفان است
همانکه (جام جمش) را شراب روحانی است
همانکه گلشن جان را هزار دستان است
فکنده است (سهندش) کمند بر گردون
همانکه مرشد ما[۲] را پیاله گردان است
به آبگینهٔ دلها دهند صیقل‌ها
در این دیار که اقلیم نور و ایمان است
بیا و مست شو از نشئهٔ مِی باقی
که دور چرخ در اینجا به کام مستان است
رضای خاطر رندان دُردنوش اینجاست
که خلد مکرمت است و بهشت رضوان است
اگر به تارک تاریخ دیده بگشائی
مراغه همچو نگینی در آن درخشان است
مراغه خطّهٔ ایمان و عفّت و تقواست
مراغه گلشن بارآور شهیدان است
مراغه زادگه ذاکر و کریمی‌هاست
مراغه شهر نشید و رضا و پیمان است

۱-خواجه حافظ شیراز است
۲- مرشد ما: شهریار

به این دیار دلاور ز جان و دل ناظر
درود باد دو چشم و چراغ ایران است
هماره شعلهٔ آذر به جانش افزون باد
که نور محفل دلها ز آذرستان است

تقدیم به پیر صاحبدل مراغه الحاج میرزا حسین کریمی مراغه‌ای به یاد لحظات شیرین درک حضورش ملتمس دعایم

زندگانی

زندگانی دونیمه می‌باشد
گوش کن تا بگویمت مُجمل
نیم اوّل در آرزوی دُوم
نیم دوّم به حسرت اوّل

رباعی

هنگام عیش و موسم گُل فصل نوبهار
مطرب بیا و نی بزن و جام مِی بیار
فرصت غنیمت است در این چند روز عمر
در این جهان نه مست بماند نه هوشیار

ترکی غزل

وار واری واردان قازانار یوخ یوخی
آج آجی آجلیقدا تاپار توخ توخی

چون یاغی یاغ اوسته قالار روزگار
آز آزی آزدان یارادار چوخ چوخی

بابلی بابین تاپماسا چاتماز باشا
گُل گُلی آغوشه آلار پوخ پوخی

گور نئجه منلن لجه دوشمش فلک
سینه‌مه سانجور اوخین اوستن اوخی

نه صنم ایستور منی نه ئوز ننم
یوخسول اولور خلقین ایچینده خوخی

گئچدی جوانلیق قوجالیق حاخلادی
خاطره‌لر جمله یوخویمش یوخی

دنیا بویوک مدرسه‌دی عبرته
سرسری باخما هوشون اولسون اوخی

سئل کیمی سرعتله گئچور دنیانین
یاخشی پیسی چال چاغیری آخ اوخی

نه ائله گیر چیخ نه سوخول نه چکیل
معرکه‌دی گیر چیخی یا چک سوخی

سعی ائله ال دوت دوگون آچ خیر وئر
نه قویی قاز نه بیرینه تور توخی

بیردی کریمی بو زمان اهلینه
گل تک عطیر سپ یا سوغان تک قوخی

بالیق دوتماقا

گوزل او سرو قدون سایه‌سینده دالدالانوم
گتور پیاله منه باشوه دونوم دولانوم
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلات
بو بحر مُجتثله نظمه دوز گلر صلوات
توکوبدی ساقی طبعیم مِی سخن جامه
خیالی وار یازا کوتاه بیر سفرنامه
هزار و سیصد و هفتاد و چار آخر تیر
سئچیلدی نئچه نفر صاف دل صفالی ضمیر
ایشیقلانوب گوگل آئینه‌سی چو ماه منیر
منی چکوبله بالیق دوتماقا بدون پنیر
احد عزیزی رضا و حسین ایلائی
عطان کریمی و احسان و شیخ حسن دائی
وسایلی وانته بار ائدوب حاجی مقصود
مینوبدی لندرورین چاپدی سرعتیله ودود
نچون سفرده منی قویمیوبدی تک داود
بیزیله یولداش اولوب قالمادی داخی کمبود
سفر مبارک اولوب بیزلره بحمدالله
توافق ائتدی محمّدرضا و روح‌الله
نه یول، که نابلد اولسا شوفر، ماشین چوویری
رضا قوویب وانتی هم ودود لندروری
دئدیم بشر کرهٔ ماهه یول سالوب گئدوری
بودا بیریم یولومیزدی که خلقی اینجیدیری

ماشین فرازدا باشلاردی بسکه لوهله‌مگه
ودود آتاردی الین فوری دنده‌یه کومگه
کومکسیز ایلمه اللّه جهاندا هئچ بشری
ماشین‌دا اولسا کومکسیز خطرلیدی سفری
کومکسیزین بابا ضایعدی زحمتی امگی
یماقا ایشلماقا خلق ائدوب خدا کومگی
دوشوبله هر ایکی راننده زحمت و تعبه
گئچوب چبنلونی چاتدوخ خرامله خطبه
بساطی پهن ائلدوخ بیر چایین کنارینده
گوزل هوالی اوجا داغلارین حصارینده
قاریشقالار بیزه هر سمتدن ائدوب حمله
مگر بساط سلیماندی وادی نمله
زمان مساعد و اقبال اوجا، ساحات خوشودی
فقط چه فایده قارداشلارین یری بوشودی
اگر زمانی و صادق‌نژادیلن طهباز
اولیدیلار دماغ اوندا اولاردی چاق کئف ساز
سویون صفاسی فقط سلسبیله بنزردی
دوروبدی گوزیاشی تک رود نیله بنزردی
دئدیم سو چوخ دورودی ائتمیون بو قدری تلاش
دورو سودان که بالیق دوتماق اولماز آی قارداش
بولاندیرون سویی اوّل دوباره‌دن طور آتون
بالیقلارین گوزونی کور ائدون مرامه چاتون
بالیق دوتانلار اوغول یورماز ئوزلرین خودوری
بولاندیروب سویی اوندان صورا آتالاّ توری

صلاح مملکت خویش جو سیاست کن
تو اختلاف بینداز و تا ریاست کن
دوشندی دامن صحراده سفرهٔ احسان
قویولدیٔ پیکنیکه آبگوشت چاق اولوب قلیان
سویون کناری سووید کولگه‌سی داغین اتگی
گونین یوزی دولی پروانه مثل بال پتگی
گوزل ترانه‌سی قوشلار ائدیر اورکلری شاد
هوا لطیف و سو دلچسب فکرلر آزاد
قویون قوزی سوریسی اوتلیولاّ صحراده
چوپان چالیر نِیی بیر روح وار تماشاده
نئچه اینک گامیشی بیر اوشاق قاتوب قاباقا
سورردی گه دریه هی گهی قوواردی داغا
دئدیم قادام او قوی هیکله او بوینوزووا
اسیر ائدوب سنی بیر طفل سایمیسان قوزووا
او اسلحه که سنه لطف اولوب طبیعتدن
چه فایدا ایلموسن استفاده قدرتدن
بو کلّه، بو ایتی بوینوز، سنه حرام اولسون
اسارتیله یاشیرسان گوزیوه کول دولسون
چکوبدی نعره گامیش باخدی بیر گامیش باخیشی
گامیشدا شاعری گورجک دیله گلر دانیشی
دئدی خدا بیزی خلق ایلیوبدی خدمتیچون
همیشه خدمته آماده‌یوخ نه قدرتیچون
باخان گورر برکت خیر توکلریمده یاغار
منی بو هیکلیلن بیر کیچیک اوشاقدا ساغار

بو ذهن منده وار اوحیلن اوحه‌نی بوللم
بیر اوحیه گئدرم هم بیر اوحیه گللم
سیز آلتی دل بولیسوز هئچ دیله اینانمامسوز
دل آچمیسوز هِریلان، بِر ندی، قانانمامسوز
اگر بو بوینوزی وئرسیدی اللّه انسانه
بویاردی گونده اوتوز مظلومی قزل قانه
اگر بو قوّه‌لی قول قیچ اولیدی انساندا
یخاردی خلقی ایاقلاردی روز بحراندا
اله سالاندا سنق بیر توپانچا کود شمشیر
ائدیرسوز السیز ایاقسیزلاری الوزده اسیر
منی شماتتله بسکه دانلادون قورودوم
یاغیم، سودوم، قاتقیم، قیماقیم، شوروم، قورودوم
من عادت ایلمیشم آت کیمی بخوو، جلووا
سنون تک عزّتیمی ساتمارام پولا پلووا
اتیم صودوم سوموکیم پولدی استفاده‌لیم
نه منده ذرّه تکبّر نه‌ده افاده‌لیم
وووروب دوگلله سووله ساغالاّ صود وئررم
نه انتقام آلارام نه یخوب نه ئولدوررم
اگر چه قطره منی سیز، منیّتین یوکوسوز
بش اون گون عشق ریاستدن اوتری قان توکوسوز
قناعت ایلمیشم آرپا یونجیا سامانا
قاریندان اوتری خوشوم یوخدی قارقشا یامانا
سیزون امیریوز امّاره‌دی شاهوز پولدی
اماموز دینویز پولدی اللّهوز پولدی

بیزیم مزیّتمیز واردی مثمر ثمروخ
بو قدری خدمتلن بیز فدائی بشروخ
کسلله باشمیزی سیزدن اوتری سالاّخلار
ورالاّ ساتوریلان بند بنددن لاخلار
گهی اولار اتیمیز شوربا قیمه گاهی خوروش
دری باغیرساغیمیزدان اولار خرید و فروش
دوگلله بودلاریمیزدان کباب یا کُفته
وجودیمیز باشاباش سکّه‌دی دگول مفته
بیزیم گوزل اتیمیزدن ییوب ات ایلرسوز
ثنا و شکرینه کفران نعمت ایلرسوز
بیزیمکیدی ایکی سوره کتاب یزداندا
بیری بقر بیری انعام اوخولاّ قرآندا
خدایه شکر بیزی حق ائدوب سیزی باطل
صلاح بولوب بیزی مقتول ائدوب سیزی قاتل
بیزوخ مشیّته تسلیم و بردبار و حلیم
سیزوندی قبر و سئوال نکیر، عذاب الیم
گامیش منی اوقدر دانلادی فصاحتدن
دیلیم دوتولدی فقط ترلدیم خجالتدن
اونا گوز آلتی باخوب قار قانارديم ئوز ئوزومه
گامیشدا مندن عقیللیمیش اوخ باتا گوزومه
غرض گزوب یدوخ ایچدیخ چیموب چیخوب یاتدوخ
گونی باتیردوخ اساسی یغوب یوکی چاتدوخ
سوروب چکانه یتیردوخ گونون باتان چاغی
زیارته شاما دوشدوخ اورا اذان چاغی

دوتان بالقلاری بیربیر عزیزی چکدی شیشه
چوخ اشتهائیله شیشدن چیخان چکیلدی دیشه
قیلوب نمازلاری اولدوخ زیارته مشغول
توسّل ایلدی شیخ آغلادوخ حزین و ملول
امامزاده‌ده یازمیشدیلار بو پیغامی
گرک رعایت اولونسون حجاب اسلامی
یادیما دوشدی تومانچاق قزین قضایاسی
اوزون دونی واریدی یاخشی قدّ رعناسی
بهشتین عین گوزللقدا حوریسی پریسی
یوخیدی باشدا نه چادر شبی نه روسریسی
کیشی گورنده آتوب فوری باشینه اتگین
یوزین دوتاندا چیخوب عین فعلی! بوخجا تکین
بو فکریله که یوزین اورته واردی نامحرم
چیخوب شکر تایی تک آغ کفل بسان کلم
اماندی صورت شرعه ایشی چُوورمه کیشی
گورور حجابوی اللّه یان اوسته یخماخشی
خانملارین که آغزلاردا گزدی اخباری
نه دردینه ائده‌جاق چاره چادرا شلواری
بیر عده الده کُلوک دیوارین دیبین قازیری
بیر عده گج چکوری اوستونه شعار یازیری
ائشیکده چیخ هر اویوندان حرمده یوم گوزیوی
امامزاده باخار قبردن گورر ئوزیوی
آقا خانم هامی هر یرده همدم و باهم
ائشیکده بیربیره محرم حرمده نامحرم

قویوب ائشیکه تماشایه موزه تک ئوزونی
ولیک مرثیه‌ده مالاّدان دوتور یوزونی
خانم حجابوی حفظ ایله حکم قرآن وار
جهنم آدلی قباقدا اَلولی زندان وار
گوزیوی یوم نه باخیرسان خمار خمار یوزومه
باتور او شوخ مه‌مه‌لر اوخ کیمی منیم گوزومه
سنون مودون مینی‌ژوبدان آپاردی صبر و قرار
گورون او فعله هایاندا یاتوب ائدون بیدار!
دئمه همان آش، همین کاسه‌دی تفاوتی وار
بو آش چوخ ایشملیدی کاسه‌نینده لذتی وار
توکون گورونسه او توکدن وجودون آسلاناجاخ
جهنّم آتشینه قاش گوزون یوزون یاناجاخ
شریعت نبوی وضع روزیله دونمز
قیامته کیمی بو شمع سونمیوب سونمز
او که حلالی حرام ایلیوب حرامی حلال
گوزون که یومدی جهنمده‌دی بدون سؤال
گوزل توسّل ائدوب شیخ حسن او مأواده
اسیر محبس هارون غریب بغداده
توسّلی قوتاروب گوزده اشک، سینه‌ده آه
الٰهی نسئلُکَ باالحسین یا اللّه
گئجه یاریسی یتیشدوخ مراغیه مسرور
ز چشم بد نظران دور و چشم حاسد کور
کریمیا سفر آخرت یاخینلاشدی
مسافرت داشین آت دای بدن آغیرلاشدی

سیاحتین دادی وار شخصه زندگانلقدا
دولی کیفیله، کئفیله ولی جوانلقدا
مکان بهشت اولا اطرافوی آلا حوری
جوانلق اولماسا شیرینه قاتمسان شوری
منه بو رمزی جوانلقدا بیر نفر دئمدی
که ای جوان قوجالیق ئولماقا مقدّمه‌دی
نه آختاریر بو قوجا قامتی بئله خمدی
جوانلیقی ایتیروب آختاریر مسلّمدی
قوجا که تور آتا بیلمز چایا بالقدان اُتور
عمو سویون قوررودی فکریوی بالقدان اوتور
قوجا شکار عوضی ئوز ئوزین سالار دامه
یاخنلاشوب گئجه گون اگلشوب لب بامه
ائشیت باشونداکی آغ توکلرین ترانه‌سینی
فراموش ایله هوا و هوس فسانه‌سینی
گئچن گونی داخی قیترماق اولماز ائتمه تلاش
معاده بیر نئچه گون فکر ائله قوتاردی معاش
نوه نتیجه گوللر عصا و عینکوه
دوداق بوزور کوره‌کن قز، قولاقدا سمعکوه
نه اشتها یماقا ایچماقا نه حمامه
آغیرلاشوب شله الف قدون دونوب لامه
سوموکلر هر بیری بیر ساز چالیر نواسی گلور
دوننده صاق صولا ایوای دده صداسی گلور
الٰهی غرق گناهم اسیر نفس دنی
گلنده پای حسابه خجالت ائتمه منی

اینامشام بونا شرط قبولی حسنات
صلوة و صومیدی بیرده پیمبره صلوات
خمار جهلسن ای نفس اولماسان هُشیار
نوای مرغ سحر ایلمز سنی بیدار
قوتاردی عمر گئچور سرعتیله لیل و نهار
ولیک سنده اثر قویمادی خزان و بهار
اجل سروب تورونی تا سنی شکار ائلیه
چکه بالق کیمی شیشه ذلیل و خوار ائلیه
سو عمردور آخوری سن بالق کیمی اوزوسن
تورا طرف سوزوسن ئوز ئوزوندن ال اوزوسن
بهای عمر گرانمایه‌نی او گون قاناسان
بالق کیمی اود ایچینده کباب اولوب یاناسان
دیشونله اللریوی چینه‌سن ندامتدن
چکلله پای حسابه سنی عدالتدن
نه ثروت و نه ریاست نه ملک و مال و جلال
نه عیش و نوش و سیاحتِ نه قوم و اهل عیال
هامی دقایق و ساعات و روزوشب مه و سال
اولار او گون نظرونده فسانه خواب و خیال
سقرده نعرهٔ هَل مِن مَزید نار اوجالار
یارالی قوش تک اورک تنگ سینه‌ده چابالار
یانار حرارت دوزخده مردم عرصات
شفاعت ائتمسه عصیانه صاحب صلوات

غزل

من که ایاقلاشانمادیم اهل زمانلن
دفن ائت منی اورکده‌کی درد نهانلن
خوناب اشگی خون دله قاتدیم آغلادیم
مست اولدی هر گورن او مِی ارغوانلن
رنگین‌کمان اولوب باشیمون اوسته دود آه
باخ کاهه کوه اولوب دانیشور کهکشانلن
یاقوت اشکی چهرهٔ زرفامه دوزمیشم
زاهد دیور اناری قاتوب زعفرانلن
کیمدور گوروبدی عشقله عقلین باریشماقین
گلچین نه نوعی سازش ائدر باغبانلن
زاهد وضونی آب مضافیله خوشلامیر
عارف ولی ثواب بیلور غسلی قانلن
سررشته سالمیشام اله زلف نگاردن
سرگرم اولوب گوگل بو اوزون داستانلن
عشق آزمایشینده سیخیلسام داریخمارام
زرگر زری چکر محکه امتحانلن
عشقین گوزل صفاسی عبادتدن آز دگول
عاشق یقینی قاتماسا ظنّ و گمانلن
فرهاده کوهکن لقبی نوشجان اولا
همدود و دمدی قلّهٔ آتشفشانلن
جانانه بیر طراوت لب لطف ائدوب خدا
عظم رمیمه جان وئرر آب دهانلن
اوصاف عشق سرّ مگودی کریمیا
مشگلدی شرحی نظمله نطق و بیانلن

خاطره‌ای از بزرگداشت شیخ شهاب‌الدین محمود ابن احمد اهری

گوزل غم منجنیقنده سیخیلدیم
اماندور گل الیمدن دوت یخیلدیم

خمار عشقوم مستانه‌یم من
جمالون شمعینه پروانه‌یم من

گتور جولانه جام ارغوانی
کسالتدن قوتار طبع روانی

او می‌دن وئر که عقلی کامل ایلر
نه مست ایلر نه فکری زایل ایلر

او می‌دن نوش ائدر ارباب ادراک
نه الکُلدی نه ویسکی، وتقا، کونیاک

که طبعیم تازه بیر برنامه یازسون
اویانسون بیر سیاحتنامه یازسون

ایشیقلاندی گوگل آیدین سحردن
گلوب دعوت بیزه شهر اهردن

برای یادبود پیر اسعد
شهاب‌الدّین محمود ابن احمد

گوزل بیر کنگره عنوان ائدوبلر
بوتون شاعرلره اعلان ائدوبلر

منیله هم‌سفر اوستاد پیمان
جناب تورخمسه بیرده دهقان

تفنّن قصدینه سیر و سفردن
اهر سوداسینه چیخدوخ شَهردن

یتیشدوخ بیزدن استقبال ائدوبلر
خوش‌آمدلر دیوب خوشحال ائدوبلر

اوخوندی جوربه‌جور شعر و مقاله
سُویندی اهل مجلس گلدی حاله

ولی‌زاده‌یله اکبرزاده باهم
داغا دیرماشماقا اولدوخ مصمم

قوجالیق باشیمی ائتمز اشاقه
جوانلاردان منی سالدی قباقه

اگر چه چلّه و چاقم جسورم
حسد یوخ بخل یوخ شادم صبورم

خدا وئرموش منه وسعتلی سینه
دورو آئینه تک نه غم نه کینه

نه لازم ایلیم ثروت خیالی
جیبیم خالیدی آری طبعیم عالی

قوجالسامدا اگر طبعاً جوانم
دعاگوی وجود دوستانم

ائدوب احسانین اکبرزاده جاری
قطاری چکدی مشکین‌شهره ساری

اهردن مشکینه آز یولدی امّا
سراسر سبز و خرّم دشت و صحرا

چاتوب باش باشه رنگارنگ داغلار
گیلاسلوقلاردی بوستانلاردی باغلار

حرم، سلطان، ساوالان کوه برتر
دیرسن ایکی باجی بیر برادر

دئدی یارو بولار مسدی طلادی
گوگورد آلمینیوم نفت آشنادی

دئدیم گیرم بو داغلار کیمیادی
بیزه بیر ذرّه یوخ نفعی هوادی

بیزوخ باطن غنی ظاهرده محتاج
قزیلدان طشتمیز وار قارنمیز آج

بولار گیرم که معدندور سراسر
چیخاردان کیم،قالوب، یا سنگ یا زر

خدا لطف ائتمیش آذربایجانه
نه آذربایجان اوخشار جنانه

خیاف رودین کناری پارک جنگل
دوزولموشدی سماور میز و صندل

نزول ائتدوخ او وجدآور مقامه
دیه‌سن اکباتاندا گنجنامه

گوزون هر قدری ایشلور باغ و بستان
ایچیلدی چای چکیلدی یاخشی قلیان

اوجا داغین باشیندا بیر عمارت
بولودلار سقفین ایلردی زیارت

وئروب توضیح اکبرزاده گویا
که خانلاردان بیری ساکندی اوردا

چکیلمیش هر تعلّقدن کناره
پناهنده اولوبدی کوهساره

نهادی مسکنیندن باصفادی
بیریندن بیر زاد آلماز خودکفادی

دئدیم گر اولماسا طعن و ملامت
دوغوردآندا بودور راه سلامت

جماعت ایمدی رنگارنگ اولوبلار
سراسر حیله و نیرنگ اولوبلار

یوزونده دوست اولوبلار دالدا دشمن
بو قطع رابطه احسندی احسن

بو داغدا یل کیمی اسمک گوزلدی
امیدون خلقدن کسمک گوزلدی

چون اکبرزاده مشگینلیدی نسلاً
دئدی وار بیر سو چوخ نافعدی اصلاً

دورو بیر سو نه چوخ ایستی ملایم
شکاف کوهدن جاریدی دائم

(ایلان‌دو)آدلی بیر سو صاف چون نور
غرض گئتدوخ یتشدوخ شادومسرور

داغین آلتندا سو چون درّ غلطان
دیرسن مؤمنین قلبنده ایمان

دئدیلر کیم چیمه بو گولده مردار
اولار بیر جوت ایلان فوراً نمودار

دئدیم هر کس سالوبدور بو شعاری
نظافتدن اوتور گورموش بو کاری

ایکی ساعت سودا قالدوخ دیمکدن
بیز ایستردوخ چیخاق بیر عدّه گلدی
ایکی باریک ایلان تئز اولدی حاضر
ایلان ایستی سودا هئچ عقله باتماز
اودور که مظهر کلّ عجائب
لب استخریده نعمت فراوان
گلوب مشگینه اکبرزاده قالدی
مصمّم اولدی موکب اردبیله
نه منعم درد و غمدن خسته منعم
آتوب گوزدن جهان بی‌وفانی
نه گویچک کلبه‌دور کنج فراغت
باشارسان چوخ هیاهویه قاریشما
دویونجا دوغا ایچدوخ اردبیلده
شاما اولدوخ حاج آقا فیضه مهمان
دوزولدی سوب پلو هم مرغ بریان
گلوب اهل ادب گرم اولدی مجلس
ائدوب اشعارینی شاهی قرائت
اوخوندی تازه کهنه رطب و یابس
اگر گرم اولسا مجلس روحی یورماز
سحر صبحانه‌دن تاپدوخ فراغت
من و پیمان و دهقان تور خمسه
مینوب سرعینه اولدوخ راه پیما
همان سرعین دگول جای تفنّن
داخی ذوق‌وصفا اوردان یوخ اولمش

سودان چیخماقه گلموردی اورکدن
سویا گیرجک هامی گوزلر بَرَلدی
ایکی سوراخدن استخره ناظر
بشر اللّه ایشیندن باش چیخاتماز
ائدوب دنیانی بیر دارالغرائب
تُن ماهی، قووین، چائیله قلیان
بیری یولداشلارین سایدان آزالدی
اولوب منعم‌گیله وارد قبیله
حقه پیوسته و وارسته منعم
وجودین ایلیوب عزلتده فانی
نه عالی هدیه‌دور گنج قناعت
منافق کیمسه‌لردن کوس باریشما
هره بیر کاسه شاهی‌زاده گیلده
او مرد فاضل آچدی خوان احسان
فسنجان بعد چای فنجان فنجان
صفای معرفتدن دولدی مجلس
صورا پیمان وئروبدی بزمه زینت
چکوب ساعت اوچه پایان مجلس
سویوق مجلسده که انسان اوتورماز
خداحافظ، تشکّر، قال سلامت
توسّل ایلدوخ اشباح خمسه
باخوب وضعه پشیمان اولدوخ امّا
اولوب جای تنفّر یا تعفّن
قدیمدن وار مثل چوخلوق یوخ اولمش

که هر صفده جماعت دسته دسته — دیشی برعکس آغنور ارکک اوسته
قاریشمش بی‌حسابی بدحسابی — باریشمش بی‌حجابی بدحجابی
خانملار مثلی باش گوز سایه‌ئیله — جورابسیز پوز وئریر دمپایه‌ئیله
نه عصمتدن خبر وار نه حیادن — نه قورخولاّر بشردن نه خدادن
عجب خلقین یوزی مس‌تک سیلیندی — آچیلدی آوجی ایمانی بیلیندی
بوتون ایمانی خلقین ظاهریمش — بو قومه فاسق آد قویسان یریمش
گل ای زاهد حجاب نابه بیر باخ — قرا قاشلار لب عنّابه بیر باخ
چیخوب تل مقنع آتدان رشته‌رشته — قانادلار مانتو اوستن چون فرشته
مسلمان تورموز ایله بسدی هوپ هوپ — بو نه سیستیمدی رحمت بر مینی‌ژوب
تازا موددی که هر شیرین شمایل — ائدوب چیگننده بیر بوش کیف حمایل
آتوب انصافی تقوانی اوتوبلار — گلینلی قزلی یکسر کیف دوتوبلار
باباسی بیر داغارجیق چیگنه سالدی — بونا حماللیق اوندان ارث قالدی
نه دین وار بیزده نه میهن‌پرستوخ — که بیگانه وئرن جامیله مستوخ
گلور هر لحظه بیر آواز اولاردان — یورولما رقص بیزدن ساز اولاردان
نه اهل صنعت و نه ابتکاروخ — مقلّد ملتوخ بی‌بندوباروخ
اولار هر الگو وئرسه بیز بگننوخ — همیشه یاد پوخی اوسته گوجننوخ
نئجه سرعین دیرسن اوردولوقدی — صفا اوموما او یردن که شولوخدی
سوخولما کثرته آسایش آختار — فراغت جهدیله آرامش آختار
باهاچیللر فقط خلقی سویولاّر — جفادن قان سورانلار گور .دویولاّر
نه دولتده دوام کُنترول وار — نه ملّتده خداجویانه یول وار
گُوله باخدیم سویون رنگی ساریدی — سو ادراریله مثل‌اینکه یاریدی
جماعت تخناشوب قینور تیاندا — مگر بش یوز چغندر بیر قازاندا
بیریندن بیر لیوان سو اولسا حاصل — ائدر احکام کُرّی جمله باطل
اوغول خلوتدن اخذ ایله افاده — اینان کثرتدن اولماز استفاده

پاییزدا قیشدا گئت سرعینه مهمان   سویی اوندا گوررسن آب حیوان
سرعینی‌ده بیزه توش اولدی بیردم   ودود[1] اعوان و انصاریله باهم
چیخوب سرعین‌دن خسته پریشان   قوویب آهوسینی صحرایه دهقان
ماشین ممتاز اولا راننده ماهر   سفرده امدیگین قوسماز مسافر
امان اللّه اولا مرکب قُراضه   ماشین کهنه اولا راننده تازه
ماشین تازه اولا راننده تازه   ایکی تازه دوغار بیر گون جنازه
ماشین اولسا تازا راننده کهنه   مسافر یولدا قالماز پابرهنه
ماشین خسته اولا راننده خسته   دیرسن توش گلوبدی مست مسته
گوروسن یولدا بیر بیله تصادف   چوخین راننده‌دن بیل بی‌تعارف
بحمداللّه هامی ساغ و سلامت   یتیشدوخ مقصده آسوده راحت
هتل منزل شولوخ یولاّر ترافیک   غرض مطلب یوغوندی نکته باریک
رئیس و تاجر و دکتر مهندس   دانشدیرسان هامی مفلسدی مفلس
ولی پول خرج اولان یر باس‌هاباسدی   او که مردمده پولدی اسکناسدی
کسیک د..... کیمی ملّت سیزیلدار   ولی کئف سازدی گیزلینده مزیلدار
گوزی آج قارنی توخ امّت بولاردی   تومندن یوخ خبر صحبت دولاردی
ولی بیر عدّه اوّلدن فلکدی   یمک ایچمک گینمک یوخ مَلکدی
بیری دائم سیاحتده سفرده   بیری سیلی وورار رخسار زرده
بیری پاریسده مشغول شنادی   بیری ئوز شهرینه ناآشنادی
کریمی وار کلاموندە ملاحت   اودور که ائتمز ایجاد کسالت
دولان گلزار طبعون قویما سولسون   جزاک‌اللّه دیلون آغزون وار اولسون

خوش آنکس کز چغندر قند گیرد
ز اشعار کریمی پند گیرد

۱-فرزندم

به مناسبت بازنشستگی آقای لیموچی سردفتر

سردفتر شماره بش صاحب احترام
«لیموچی» اشتهاریدی امّا عسل کلام
بیر عمر خدمت ایلدی اهل مراغیه
تا عزّتیله بازنشست اولدی والسّلام
محکم وئروب کورک کورکه «اعتمادیله»
ثبت قباله و سنده ائتدیلر قیام
جاری ائدنده صیغهٔ انکحتی اعتماد
بیر انقلاب اولوب که یاتانلار دوروب تمام
دام صاحبی ائدوب بیری بیر عدّه دامسیزی
دامسیز آدامسیزین ایشی یاشدی علی‌الدّوام
گرچه کرایه‌دن قوتولوب چیخدی آغ گونه
اما قالاردی الفینی لام ائتدی قسط وام
یارب اماندی خانه‌بدوش ائتمه هئچ کسی
آسایش هر اجاره‌نشینه اولور حرام
انصاف وئر جماعته ایمان و دینله
تشریفاتی یغشدیرالار بلکه باالتّمام
مهریّه‌لر اَنه آشاقا بدعت اولمیا
بیر نحو اولا که امر حلال اولمیا حرام
القصّه استراحت دنیا و آخرت
کسب حلالیدی، ولد صالحیله، دام

اولار -اولماز

گوزل او نرگس مستون کیمی خمار اولماز
دیلیمده عشقوین اقرارینه قرار اولماز
مفاعلن فعلات مفاعلن فعلات
که وزن و قافیه‌سیز شعر پایدار اولماز
مِیونده اولماسا، ای ساقی بیر لیوان سو گتور
که بنده ایچمسم اشعاریم آبدار اولماز
دئدیم نگاره کنار ائتمه ئوز کناروندن
من حقیری مگر گل دیبینده خار اولماز
نقدری خوار اولام اوچ صفریدن که کم دگولم
من اولماسام که الف قامتون هزار اولماز
او قدّی سروه گر اوخشاتدیم اشتباه ائلدیم
که سرویده هلو لیمو انار بار اولماز
دئدیم نقدری وارام اولماز اوسته اللشرم
گورم یوزه بیری اولمازلارین اولار اولماز
خرد دئدی ئوزیوی یورما غیرممکنده
که سنگریزه گلوب دُرّ شاهوار اولماز
قزیلدان اولسادا قازما گَوَن دیبی گوره‌جاق
مِی جهالت ایچن مست هوشیار اولماز
سفیهه درس ادب وئرماقین نتیجه‌سی یوخ
تلاشیله سویدین میوه‌سی انار اولماز

نصیحت اهلینه جایزدی، غیر اهله حرام
سوای مفسده مفسددن انتظار اولماز
لباس، پوشش تَن‌دور نه افتخار بدن
حریریله بَزه‌سن خر بزرگوار اولماز
زمانه چکّشنون ضربه‌سیندن اولما ملول
که بوته گورمسه زر یاره گوشوار اولماز
نه رَنده کرکی نه بوخجی یونار یونولمیانی
که وار چوخ اگری دوزلدن زمان سینار اولماز
سالولاّ صورت شرعه خلاف شرعلری
خشی یخولاّ یانی اوسته بیله کار اولماز
بو گون بازاردا باسولاّر خیاری موز یرینه
هانی دین موز اولان قیمته خیار اولماز
بویولاّ سرچه‌نی تزویریله قناری کیمی
هزار سرچه‌نی یغسان که بیر هزار اولماز
دعا، ترینگه، ترانه قاریشدی بیربیرینه
دیین تاپولمادی قرآنله سه‌تار اولماز
بیر الده کیم دیوری دوتماق اولماز اوچ قارپز
بشینده دوتماق اولور بیله ابتکار اولماز
بیری بش آلتی‌میزی قاپسیوب اَمیشدیریری
بیری قالوب الی بوش بیله روزگار اولماز
بیری کتابی کباب عشقینه یالیر ایگلور
بیری دیور که کباب اولماسا ناهار اولماز
منیمده هر طرفیم کار کاغذدی شعر و غزل
جیبینده کاغذ اولار شاعرین دولار اولماز

چیغیرما چوخ ئوزیوی یورما ای خروس سحر
خموش اوتور سوله‌مز باش اسیر دار اولماز
ائله حلال و حرامی قاتوبلا بیر بیرینه
آیرماقا داخی بیر کسده اقتدار اولماز
کریمی طالعون اشعاریوی ملیح ائلیوب
ملاحت اولماسا شعرونده اشتهار اولماز

در بزرگداشت کنگرهٔ آقای اوستاد خوئی متخلّص به دانش

نژند آن دل که او دانش ندارد
دل بی‌دانش آرامش ندارد
الٰهی دانش مارا بیفزای
جهان بی‌دانش آسایش ندارد
دل دانش به پیری نوجوان است
زمان از عمر او کاهش ندارد
آقاسی شاعر پیر توانا
که با شعر نو آلایش ندارد
به شهرستان خوی افزوده فخری
کز این حد بیش افزایش ندارد
مرید حافظ و مجذوب سعدی
که خواهان دارد و خواهش ندارد
کنیم اندر حیاتش قدردانی
پس از مرگش فسوس ارزش ندارد

درکنگرهٔ بزرگداشت شیخ شهاب‌الدین محمود ابن احمد اهری

ساقیا ده ساغری زان بادهٔ رنگین ما
تا گره‌ها واکنی از ابروی پرچین ما
ما ز جام عشق مستیم از سبوی معرفت
می پرستی رکن ایمان است در آئین ما
ما ز آب خوشهٔ انگور بیزاریم زانک
رشحهٔ عصمت چکد از خوشهٔ پروین ما
ما همه یک روح لیکن در هزاران کالبد
کلمهٔ وحدت بود در لوحه‌ها تزیین ما
ما به چشم دشمنان تیریم و خاکِ پای دوست
خون دشمن میخورد شمشیر زهرآگین ما
قلّهٔ قاف حقیقت هست مارا آشیان
در بلندای شریعت پر زند شاهین ما
ما دراویشیم اندر خانقاه معرفت
دمبدم دم داده بر ما حضرت یاسین ما
محفل ما مهد عرفانست و آغوش ادب
هست در هر نقطه پیری از ثقات دین ما
شیخ صفی در اردبیل و در مراغه اوحدی
در ارسباران جناب شیخ شهاب‌الدین ما
بر سلیمان اهر پای ملخ آورده‌ایم
بهر این شیخ اجل توهین بود تحسین ما
ای کریمی ما طرفداران شعر و شاعریم
زنده و جاوید بادا وحدت شیرین ما

کانون سالمندان

آئینهٔ عبرت است اینجا نی جای سیاست است اینجا
اینجاست قبور آرزوها گنجینهٔ حسرت است اینجا
کانون فغان و آه و ناله دریای مصیبت است اینجا
بر بازنشسته‌گان ایّام آرامش راحت است اینجا
ای طالب طول •عمر بنگر گویای نصیحت است اینجا
ای گشته اسیر حبّ اولاد محصول محبّت است اینجا
سرمنزل کاروان پیری خوش رحل اقامت است اینجا

تا دست دهد بگیر دستی
محتاج حمایت است اینجا

بر خانهٔ قبر توشه بفرست بازار تجارت است اینجا
برخیز بپاش تخم احسان امکان زراعت است اینجا
ما مثل شما عزیز بودیم عزّت همه ذلت است اینجا
تا مقصد قربتاً الی اللّه کوتاه مسافت است اینجا
قرض الحسن است محسنین را صندوق امانت است اینجا
اینجا به یِکَت ده است پاداش چون جای اعانت است اینجا

با چشم خرد نگر کریمی
آئینهٔ عبرت است اینجا

کلنگ‌زنی گازکشی مراغه

عزیزان وئرون مژده‌می گاز گلیر
بهار گلدی اوردک گلیر غاز گلیر



سوونسین بوتون درد و غم آختاسی
چیخور جانلاروزدان قشین شاختاسی
گاز اولسا قزار، بئللرین تاختاسی
عاشقلار اوخور سوز دولی ساز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

یغون پولّاری ساخلیون چوخ نه آز
گلیر شهره بئل، سیندیران امتیاز
آشوب داشدی سئل کفته گتدی آراز
اوخور بلبلیم قیش گئدیر یاز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

سویون عهده‌سیندن گلنمیر کاسیب
ساعات ایشله‌میر کونتوری پاس باسیب
ئوزون بعضی برقین سیمیندن آسیب
که برقین پولی چوخ، ئوزی آز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

بیزه گازدا گلسه قمیشدن گلیر
قارین آغریسی سانجی شیشدن گلیر
ولی شانسیمیز دورسا کیشدن گلیر
ایل ایلدن آی آیدان کئفیم ساز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

دیرسن بیزه بخت امداد ائدیر
یالان وعده‌لردن گوگل شاد ائدیر
قلم قاش گوزللر سیزی یاد ائدیر
بیزه کور چولاق شل کچل داز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

فراسته هوشدا هانی تای بیزه
چالانماز داخی غرب لای لای بیزه
بؤلنمز جانیم خارجه پای بیزه
بیزه هر طرفدن پس‌انداز گلیر
قازون نفتی الدن سالون گاز گلیر

ایکی شِی وورور مملکتده قدم
یالان یا ایچین بیر کُلُک بیر قلم
یازون یازمادان فیض آلون دمبدم
قازون قازدیرون قازمادا قاز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

دیوللر بیزیم شهره شهر قدیم
اودور که گلور تازه‌لردن بدیم
قوجالدیمدا یوزده بیرین گورمدیم
بو شهره هله تازه آواز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

بشر چاهدن ماهه ائتدی گذر
بیزوخ ایلروخ کولگه‌میزدن حذر
کور اولسون بیزه گوز ووروب بد نظر
اودور نقشه‌لر چاللی چارپاز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

یاتوب نفتین اوستونده اهل وطن
ساتور خشلیری کئف چکور تن به تن
دولوب بانگا پولاّر بیلورسن ندن
پس‌انداز خاک‌انداز خاک‌انداز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

گوروم آخ دونِیدی بو نفتی قانا
گورون بیر نه اود یاغدیریر ایرانا
دوغیرداندا ثروت خطردور جانا
کفی یوخسولون وارلیدان ساز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

خدا باعثین عمرین ائتسین دراز
بیزه‌ده یوز ایلدن صورا گلدی گاز
آمان امتیاز امتیاز امتیاز
بهاسین سوروشما گوتور یاز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

بحمداللّه اولمش هامی باسواد
نه جرم و جنایت نه قتل و فساد
آلوب رنگی فرهنگدن اعتیاد
او قوشباز گئدیر بو قمارباز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

بیزیم بنده‌زاده اولوب بختور
بوتون درسیده بیست آلور سربه‌سر
بو ایل دیپلم آلسا اولار کارگر
نئچه ایلدی شاگرد ممتاز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

دولوب مملکت لات و الواطله
چکوبلر حیایه خط باطله
ادب ساتسالار آللوخ اقساطله
گوزه قسط آغیر اولسادا آز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

چلودی کبابدی گازین قسمتی
کیلو مین تومندی اَتین قیمتی
اودونلان گئدوب آغزیمین لذّتی
نه خیری منه گاز گلیر ماز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

شیشکدن چکردی خانم ایش‌گنه
دیردی کیشی دویمادون ایچ گنه
نولیدی گلیدی همان ایشگنه
گوریدیم قوویرمایه گلناز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

او، جزلا، قره قیله یادش بخیر
گوزل ایشگنه سویله یادش بخیر
الون چال یره ایگله یادش بخیر
خیاله یوخی بلکه اعجاز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

کریمینون از بس دلین زهر آلوب
ایلان تک بوتون خلقی بیربیر چالوب
قُویب دوسلارین ایمدی یالقیز قالوب
نه «انزاب» یاد ایلیر نه «طهباز» گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر

قارینلار دولوب ربحدن رشوه‌دن
بو ملت آیلماز هله غشوه‌دن
یازاق عشقدن نازدن عشوه‌دن
ایشه عشوه چم خم گلیر ناز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر
عجب دوشدی دامدان طاسی ملتین
ایتیرمیش ئوزین بیرده تاپسین چتین
دئدیم صاف دیشبه سالمیون کلبتین
که صاف باشه ساقّز یاراشماز گلیر
قازول نفتی الدن سالون گاز گلیر



ای زلف تابدار تو زنجیر عاشقان
باید حذر ز نالهٔ شبگیر عاشقان
در جلوهٔ جمال جمیلت جهانیان
در حیرتند چیست و چه تدبیر عاشقان



آشفته حالم از غم آشفته موی تو
روشن دلم ز جلوهٔ خورشید روی تو
صدها چو من به سلسلهٔ موی تو اسیر
مستند جمله مست ز جام و سبوی تو

مصیبت آشی

سنی که آنلامادون سودیله زیان گوگلوم
قات اشکی خون دله ایچ لیوان لیوان گوگلوم
قازین دوشون تویوقین بودلارین شیشک کبابین
یینمدون که گمیر ایمدی استخوان گوگلوم
قازان قازان هاموسین وئرگیلن سویا برقه
پشیر مصیبت آشی ایچ قازان قازان گوگلوم
یومورتانین بشینه بیر تومن وئرنمیردون
آل ایمدی بش تومنه بیرجه گردکان گوگلوم
طبیعی بال جانووی سپدیریردی خوشلامادون
دوشابدا چیخدی الوندن قوس ایمدی قان گوگلوم
دمه قویاندا چایی عطری مست ائدردی سنی
باس ایمدی چایدانا چای عشقنه سامان گوگلوم
(وصال گونلرینون سن که بیلمدون قدرین
فراق آتشینه دوشدون ایمدی یان گوگلوم)
تازا کره ساری یاغ سیندیرنمدی معده‌ن
نباتی یاغدان اوتور شهری هی دولان گوگلوم
کوپن الونده دولان یاغدان اوتری کوچه‌لری
گورنمه‌سن ساری یاغ مثل زعفران گوگلوم
دایان جزاسنه کفران نعمت ایلمگین
ایناناماساندا مکافاته قان اینان گوگلوم

نه گلدی آغزیوا اوتقونمادون دئدون هامیا
هانی او دیل او یوغون سس لال اولمیسان گوگلوم
هله قباقدا سؤالاته حاضر ایله ئوزون
که غملی بیر گئجه وار قورخولی مکان گوگلوم
او عمر که سنه وئرمشدیک هاردا صرف ائلدون
او یرده گلمز ایشه حیله و یالان گوگلوم
او یرده گلمز ایشه پول پلو نه پاتلت و پارت
عملدی اوردا سنه یار مهربان گوگلوم
اگر یرون دَرَک اَسفل اولسا وای حالووا
خوشا مقامون اولا روضهٔ جنان گوگلوم
آماندی یخما یان اوسته خشی قضاوتده
ئوزون دبیر اول ئوزوندن آل امتحان گوگلوم
یتیش حسابوه اوندان قاباق که محتسبین
ائدر حسابوه دقت یگان یگان گوگلوم
کریمی عمری قوتاردی ولی بطالتیله
نه یاخشی بولدی حیاتنده نه یامان گوگلوم



صاحبدلی که حاجت رندی روا کند
زان به که یک زیارت بیت خدا کند
بندی ز بندگان بگشا پیش از آنکه مرگ
در زیر خاک بند ز بندت جدا کند

اسلام‌شهر خاطره‌سی

تشکّر ذات حیّ لم یزلدن   بیزه مهلت عطا ائتدی اجلدن
اولوب توفیق حاصل لطف ربدن   موفّق اولدوخ اعمال رجبدن
یتوب میلاد سردار مظفّر   امیرالمؤمنین مولای قنبر
گلوب دعوت بیزه اسلام‌شهره   گوراخ شاید سفردن خیر و بهره
سحر گئتدوخ فرودگاه سهنده   ودود، محمّد، عطاءاللّه، بنده
اولوب دایر فرودگاه مراغه   آچیلمیش طهرانا راه مراغه
هواپیما اوجالدی آسمانه   وطندن غربته اولدوخ روانه
هواپیما دولاندی قاخدی یاتدی   که ساعت اون یاریم طهرانه چاتدی
گلوب پیشوازه بیر عدّه فدائی   آقا منصوریان، قدسی، خدائی
غرض اسلام‌شهره اولدوخ اعزام   نه حرمتلر نه اعزاز و نه اکرام
هامی گلدی مجالس تاپدی تشکیل   هامی شغلین الیندن ائتدی تعطیل
بنام «عسگری» بیر مرد سالک   بیزه گورمیشدی اوّلدن تدارک
قوناق گئتدوخ او مرد پاکبازه   ولی مشغولیدی راز و نیازه
دئدیلر بو کیشی ایش وقتی یاتماز   نمازی اوّل وقتدن یوباتماز
او شخصین دین‌ده وار امتیازی   که اوّل وقت ائدر قائم نمازی
زبسکه خلقین ایمانی دیازدی   هر ایشدن آخره قالمیش نمازدی
نمازی اوّله سالماخ ثوابدی   هله گئج‌ده قیلور قیلسون حسابدی
هله بیر عدّه بدبخت جهالت   نمازین حَبّینه ایلور کفایت
او قدّی که نمازه اولموری خم   او قامت اورتادان سینسین مسلّم
او کس که حقّه سویمور بنده اولسون   ایکی دنیا اونی شرمنده اولسون
نئچه گون ایلدوخ اوردا اقامت   «گراوندی»گیله وئردوخ اذیّت

جناب «عسگری»، «احسان قوامی» ائدوبلر فوق‌العاده احترامی
«وهاب» آدیندا بیر شوریده شاعر ماشین گتدی بیزه مولایه خاطر
«وهابیله» «طهوری» بیرده «احسان» چکوبلر کافّیه صرف اولدی قلیان
اگرچه میزبان منصوریاندی ولی شاعر عمومه میهماندی
امام جمعه بیر شخص مقدّس لباس زهد و تقوایه ملبّس
خوش آمدلر دیوب اُپدی یوزومدن ائدوب تمجید ئوزومدن هم سؤزومدن
ولی «احسان» بعنوان خوش‌آمد منه بیر قطعه شعر ائتمیشدی انشد
ائدوب خواهش سفرنامه‌مده آری یازیم قالسون برای یادگاری
کریمی سن جهانه افتخارسان همیشه زنده‌سن وارلقجا وارسان
رثاده هم‌ردیف محتشم‌سن غزلده همطراز شهریارسان
ولیکن طنزده یوخدور نظیرون بو ایشده مبتکرسن شاهکارسان
وجودوندان بو ایران آدلانوبدی ادب سرمایه‌سینه اعتبارسان
حسینون عشقی قلبوندن آزالماز بو عشق اوسته همیشه پایدارسان
ادب گلزارینون چوخدور هِزاری ولیکن سن خوش‌الحان بیر هزارسان
کریمی وصفنه ال ورما احسان او دریا مثلیدی سن جویبارسان
بِصدق الوَلَد سرّ اَبیهِ آتان ذاکردن عالی یادگارسان



صورا «شاهی» ادیب اردبیلی سرافراز ائتدی بو عبد ذلیلی
«خدیو سفرهٔ معنا کریمی است به فضل و معرفت دریا کریمی است
مگو افراط و اغراق اربگویم فصاحت بعد سعدی با کریمی است»



ماراقلی بیر شب شعر اولدی برپا گلوبلر کثرتیله پیر و برنا
غرض شعریله اسلام‌شهری قاتدیم اوجالدیم خلقیمون باشین اوجاتدیم
جیبیم بورکوم یساریله یمین‌دن دولوب داشدی ماشاءاللّه آفرین‌دن

او که فعلاً بویوکلردن عطادی
ماشاءالله مرسی به‌به مرحبادی

جزاک الله دیلون آغزون وار اولسون
آپار یغ بیربیر اوسته انبار اولسون

قلم اوشقوندی واویلا آماندی
گوررسن مرسی به‌به‌لر یاماندی

قدیم شاعرلره خلعت یاغاردی
باشیندان شاعرین دولت یاغاردی

ولی ایمدی مود اولموش لوح تقدیر
آپار دوز تاخجیا مانند تصویر

دولوب لوحیله اشقاب بی‌نیازم
گورن بیله بولور من قابسازم

خانملار هر زادی بیزدن قاپورلار
اخیراً بزم شعره یول تاپوبلار

نه ایش گلدی قوجاخلورلار یوز اللی
اَره ارزش که قویمورلار یوز، اللی

اَره نه مصحلت نه استخاره
شب شعره گئدورلر هر دیاره

منی مجذوب ائدن بیر شاعره‌یدی
دوغوردان دول‌دا اولسا باکره‌یدی

نه بیر ذرّه حیا نه چادرا یاشماق
نه نامحرم سایور اصلاً نه قاشماق

شافاقلانمیشدی یوز آرایشیله
خمار گوزلرده سایه باش مشیله

ائله جذّابیدی قاشلار سِن اوسته‌ن
دیرسن مدّ اوزانمیش یاسین اوسته‌ن

گوزل عنّاب لب سیب زنخدان
قرا قاشلار هلالی خال و مژگان

سؤزی شیرین ئوزی شیرین شمایل
ئوزونه هم سؤزونه خلق مایل

سؤزی حاللی اوخوردی حال وئروردی
دوداقدان اهل بزمه بال وئروردی

دئدیم شعرون قصیده یا غزلدی
او لبلردن نه سؤز چیخسا گوزلدی

سنون دشناموه قربان دیرلر
گوزل هر بیتوه مین جان دیرلر

عجب برنامه دوندی ایش قاریشدی
مین‌اوچ‌یوز ایل کوسن گلدی باریشدی

خانم نامحرمی گورجک قاچاردی
نه که اونلان مفصّل بحث آچاردی

نه‌نم بیچاره قورخاردی دده‌مدن
کیشی ایمدی سالور توک خوشقدمدن

الٰهی آی دیورلر آفتابه
هره بیر جور وئرور معنا حجابه

خدایا هانسی دوز هانسی یالاندی
هوشوم کسمور بو پالتوودی پالاندی

اوخورلار آیه‌نین تشدید و مدّین
دوشونمورلر حجابین حدّ و سدّین

لب و لعل و جمال و ماه منظر
بولار گورسنسه معمول زماندی
کئفی که بو سفردن بنده سوردوم
خبردار ایلدیم «انزاب» گلدی
ایکی همشیره‌می ائتدیم زیارت
به یُمن طبع سرشار و دل‌آرا
محبّت لطفی لطف اوستن قالاردی
واریدی بیر نفر عمّامه گُنده
نه تعظیم ائتدی نه دوردی آیاقه
بویورمیش اَکرَمو الضّیفی پیمبر
ولی بیر آیری شیخ برعکس یارو
لقبده هاشمیدی آدی سهراب
هارا گئتدوخ دعا ائتدی حقیره
نه گویچکدی مسلماندا تواضع
امامزاده حسن وار چوخ مجرّب
«حاجی‌شیخ‌سعدیان»ائتمیشدی دعوت
سایاردوخ اسکناسی دسته‌دسته
نذورات و هدیّه بیشماره
چیخاردی روضه‌دن بعضی عریضه
یازوبدی بیر قزام یاده سالان یوخ
قاپومیزدان گلن ئلچی قُوولدی
آتام حاضرلیوب یوزمین بهانه
سنه قربان اولوم ای صاحب قبر
دئدیم حقّا جماعت کج گئدورلر
کیشی مهریّه مین سکّه زر ایستور

یاناقلار قرمزی آلمایه بنزر
حجابین اصلیسی دالدی داباندی
بو اولدی قارداشیم «انزابی» گوردوم
دله قوّت وجوده تاب گلدی
اولار شاد اولدی من تاپدیم سعادت
نئچه هیئتده اولدوم محفل آرا
بویوک خردا منی دوز تک یالاردی
یاپیشمشدی یره مانند کُنده
دگولدی ارزشه قائل قوناقه
گرامیدی قوناق لَو کان کافَر
تواضع معدنی خوش‌خُلق و خوشخو
تواضع سنگی ایلر گوهر ناب
نمازدا اقتدا ائتدی حقیره
نه بلکه جمله ادیاندا تواضع
رواقی صحنی ایوانی مرتّب
غبارروبی‌ده ائتدوخ اوردا شرکت
یغاردوخ بیربیر اوسته بسته‌بسته
بیلرزیک دستبند و گوشواره
بیرین آچماق منه اولدی فریضه
نه مدت قالمشام ائوده آلان یوخ
آغیر تکلیفله باشدان سُوولدی
سایور ئلچی گلنده دانه‌دانه
منه یا بیر ئولوم یا اَر و یا صبر
خیانتلر جنایتلر ائدورلر
یازیق قز اولیالردن اَر ایستور

کیشی آز مودپرست اول شهرت آختار
نه تشریفات و ملک و ثروت آختار

سوروشما چوخ حقوقندن ماشندان
وقاریندن سوروش یار یولداشندان

صفا آختار صداقت عزّت آختار
دین آختار مذهب آختار غیرت آختار

سوروشما باغچا باغدان دام داشندان
سوروش گور هئچ نماز گورمیش یاشندان

یری دوشدی قزین وئر گئتسین آی جان
گلر بیر گون قاچار بدنام اولارسان

ئوزون ئوز باشوه تئز ایله چاره
پشیمانلیق یرین آلماز دوباره

کریمی یاز سفرنامه قوتولسون
یاراشماز بو حکایت ناقص اولسون

تهیّه‌یدی بلیط رفت و برگشت
چه فایدا قویمادی چرخ نگون طشت

خبر گلدی که شیخین قیناناسی
گیوبدور اگنینه غفران لباسی

الٰهی هئچ کسه غربتده بیر آن
ائشیتدیرمه بئله وحشتلی اعلان

ائشیتجاق بو پیام غم فزونی
دئدیم اِنّا اِلَیهِ راجعونی

هواپیما سؤزون قویدوخ کناره
جواد تعجیلیله قاچدی قطاره

مسافر چوخ بلیط یوخ عام و خاصه
قطاردان ناامید اولدوخ خلاصه

ماشین دوتدوخ قدیمکی قاعده‌یلن
سوار اولدوخ گلردوخ والده‌یلن

بحمداللّه ماشین ایستیدی راحت
یتیشدوخ موطنه ساغ و سلامت

منه با اینکه زنداندور مراغه
وطندور جسممه جاندور مراغه

وطن عشقی چون ایماندان سایلمش
هامی شهره آدیم بوردان یایلمش

سفر طی شد سفرنامه سر آمد
بگو صلوات بر آل محمّد

عید نوروز

ساقیا ساغر لبالب کن ز می
عید نوروز است غفلت تا به کی

اینک آمد فرودین با تاج گل
سرنگون از تخت شد سلطان دی

سال نو آمد نه جای خنده است
گریه کن از عمر سالی گشت طی

هر نشاطی را غمی اندر قفاست
هر بهاری یک خزان دارد ز پی

دانش آموز و تعلیم و تربیت

محصّل تازه گُلدی گلستانه گُلون وار احتیاجی باغبانه
بو گلزاره مربّی باغباندی مربّی هر جهتدن مهرباندی
نئجه گل باغبانسیز غنچه وئرمز مربّی‌سیز اوشاقدا خیر گورمز
مربّی اولسا فاسد سست اراده چکر آخرده اطفالی فساده
تاپار اوندا سعادت دانش‌آموز مربّیسی اولا پاکیزه دلسوز
گوزل تعلیمدن خوش تربیتدن چاتار فیضه محصّل هر جهتدن
مربّی‌دور ائدن شاگردی ممتاز مربّی زندگانلیقدا سرآغاز
کریمی شعره بیجادور مربّی تشکّر ایله هذا فَضلِ رَبّی

تواضع

او دیده‌لر که بو چیرکین جماله عاشقدی
جمالده او چیخار یوخدی دیده لایقدی
محبّتین باخیشیندا گورنمه‌سن عیبی
بو قوله عالم و جاهل هامی موافقدی
اوجالیق آختاریسان گز همیشه آلچاقدا
تواضع ایله که سرچشمهٔ حقایقدی

یک غزل

اَلمِنّة لِلّه که نگاریله باریشدیم
کوسمیشدی دل اغیاریله یاریله باریشدیم
ساقی دوت الیمدن منی بیر جامه قوناق ائت
مست ائت منی بیر چشمی خماریله باریشدیم



کوسدوم غمیله بخت سیاهیم سبب اولدی
صبحین هوسیلن شب تاریله باریشدیم
سازلار دولوسی ، سؤزلریمی عاشقه وئردیم
من نی دولوسی ناله و زاریله باریشدیم
گلشن دولوسی گُللری خوش گُللره وئردیم
من خوار ائلدیم نفسیمی خاریله باریشدیم
یاندیم یخولوب اُپدیم او شمعین ایاقیندان
پروانه صفت سوز شراریله باریشدیم
بوغدی منی هجران دنیزینده غم غربت
گلدیم وطنه دار و دیاریله باریشدیم
نیلیم ، آغاجی قورد ییرمیش ئوز ایچیندن
کوسمیشدیم اودور خویش و تباریله باریشدیم
بلبل کیمی قیشدا قفس غمده داریخدیم
گل عطرین آلوب فصل بهاریله باریشدیم

قار - قیشلارا، قارقیشلار ائدردیم گئجه گوندوز
تا ایش بئله دوشدی قیش و قاریله باریشدیم
من نیمهٔ شعباندا آچان بیر گُله خاطر
ائل‌لر یارادان هشت و چهاریله باریشدیم
جان گئتسه‌ده جانانه جهت خوشدی کریمی
عشق اوسته اولان قول و قراریله باریشدیم

مکرافون

قارداش گمیرمه مکرافونی تورپ هویج دگول
چکمه دیشه بو شو قریبی ساندویچ دگول



شانس

بد شانس آدام الین قیزیلا آتسا سنگ اولی
چیخسا شکاره داغدا دچار پلنگ اولی
دورد ایلده بیر چیخار بازارا باشماق آلماقا
یا گن گلر اباقینه یا اینکه تنگ اولی



چند قطعه از شاعرهٔ بااحساس زهره گراوندی دختر خواهر عزیزم بعنوان نمونه

چه شبهائی سحر کردم به یاد تو به رؤیاها
به عشق تو به تنهائی زدم دل را به دریاها
اگر دل از تو بردارم بگو دل بر که بسپارم
که امروز از تو دلشادم به صد امّید فرداها
همه در عشق می‌کوشند از این پیمانه می‌نوشند
همه سر در گریبانند وامقها و عذراها
به بند عشق دربندم که دارد ناله هر بندم
گرفتم درس عشقی را ز مجنونها و لیلاها
تو ای یوسف شمایل از کدامین مصر و کنعانی
که در هر تار مویت بند بنمودی زلیخاها
بسوی کعبهٔ مقصود اگر احرام می‌بندی
مترسان پای همّت را ز خار و سنگ صحراها
به روی زرد من بنگر حدیث عشق اگر خوانی
صدای قلب من بشنو ز ناقوس کلیساها
چه سودائی به سر داری که جان زهره قربانت
چه سود آری مرا کردی تو سودائی ز سوداها



خانۀ دل

در میان خلوت تاریک شب پا پیاده می‌روم سوی طلب
می‌روم تا می‌نهم مرهم به ریش دور می‌سازم منیّت را ز خویش
می‌کند هر لحظه ساعت تیک تیک پندها گوید برایم نیک نیک
می‌روم آرام سوی پنجره آه را بیرون کنم از حنجره
می‌زنم آرام سوئی پرده را تکیه‌گاه خویش سازم نرده را
می‌کشم از قعر سینه آه را دود آهم تیره سازد ماه را
باز می‌سازم درِ دل را ز نور پردۀ نازک غبار دل چو تور
می‌رود از خانه‌ام خفّاش پیر کرکسان را دور می‌سازم چو شیر
بانگ شوقم تا ثریّا می‌رود اشک چشمم سوی دریا می‌رود
نور ایمان بر دلم تابنده است شور عشق اندر وجودم زنده است
بعد از این ملک دلم مهمانسراست منزل و مأوای یاران خداست
عشق در این خانه صاحبخانه شد نور حق قندیل این کاشانه شد
خانۀ دل پیش از این تاریک بود راه خوشبختی مرا باریک بود
جغد پیری هم در آنجا خانه داشت کرکس زشتی در آن کاشانه داشت
داشت ابلیسی در اینجا زندگی هر دمی می‌خواست از من بندگی
در محیط خانه بس هرزه گیاه گاه می‌روئید در جای سیاه
آشتی با حق چراغ خانه شد تا که یار آمد همه بیگانه شد
تا که شد آئینۀ دل صیقلی شد جمال اللّه در وی منجلی
کاشتم در خاک دل آلاله‌ها اشک خود کردم بر آنها ژاله‌ها
آسمان خانه‌ام سیم سفید در حیاطش رسته گلهای امید
پرتۆ زرّین خورشید وفا با خود آورده بر این گلشن صفا
خانۀ دل گشته کانون امید هردم آید بر دلم صدها نوید
تا دلم از عشق او مسرور شد این تن خاکی سراپا نور شد
«زهره» اکنون با سهیل و مشتری می‌کند بر کهکشانها برتری

گوزل قیز

ناز ائتمه منه مشتری یوخ نازه گوزل قیز
گل گوگلیمی شاد ایله بیر اندازه گوزل قیز
چوخ ساتما بونا عشوه اونا غمزه گوزل یار
قوی نازیوی صندوق پس‌اندازه گوزل قیز
سنسیز منه بیر گوشهٔ زندانَدی گلستان
بئل باغلامیشام سن کیمی طنّازه گوزل قیز
باخدوقجا خمار گوزلریوه خالیوه هردم
گوگلوم قوشی هردم گلی پروازه گوزل قیز
قاصد منه گر وعدهٔ دیداریوی وئرسه
جان گونده‌ره‌رم قاصده پیشوازه گوزل قیز
گورسم گلیسن شهریمزه مهر و وفادن
شهره ائدرم قلبیمی دروازه گوزل قیز
سن بیر گل رعنا ولی من بلبل شیدا
گل بیر قولاق آس منده‌کی آوازه گوزل قیز
گیزلت او گوزل صورتون اغیاردن ای شوخ
نامحرمی محرم ائلمه رازه گوزل قیز
آردونجا چکر عشق منی سایه به سایه
حتّی باکویا شیروانا قفقازه گوزل قیز
گل منله دانیش بیر نئچه کلمه سنه قربان
تا کهنه‌له غم عیشیم اولا تازه گوزل قیز

سالدیم ئوزومی عشق اودونا یاندی وجودیم
مسن تابه‌ده قویدوم جگری گازه گوزل قیز
هر کس سنی ایستر بئله بوللم منی ایستر
گویا ایکی سیم باغلیدی بیر سازه گوزل قیز
دنیانی دولاندیم قارا قاش گوز سنی تاپدیم
احسن بئله تشخیصه بو ممتازه گوزل قیز
«زهره» هنر شعره هانی سنده مهارت
بو داد سخن بسته‌دی اعجازه گوزل قیز

دیشلیک

عزیزان مژده مینا دیش چیخاتدی
حسین ایلائیه چوخ ایش چیخاتدی
الٰهی نان سنون دندان سنوندی
ایشه سال دن سنون دیمان سنوندی
بول ایله روزیسین پروردگارا
سلامت زندگی لطف ائت گوارا
ولی شکرانه بو فیض عظیمه
گرک وئرسین باباسی بیر ولیمه
نئجه اوردک اتیندن شیشلیک اولماز
بو بیر کاسه هدیکدن دیشلیک اولماز
خدا یار اول بو طفل نازنینه
بو دیشلر گلمه‌سونلر کلبتینه
الٰهی دیشلرین ساخلا زوالدان
یتور بو دیشلره روزی حلالدان
حلال‌زاده حلالدان نفرت ائتمز
حسینی‌لر یزیده بیعت ائتمز

انزابدن بیر غزل

هئچ کیم منیم کیمی سنه سرّین عیان دئمز
یا کیم اگر دئسه هاموسین بی‌گمان دئمز
وار زلفوین حکایتی مین بیر آغیزدا لیک
هئچ کیمسه شانه‌تک اونی با صد زبان دئمز
عشق آتشینده یانماقی پروانه‌دن سوروش
جان یاخمیان بو لذتیله هر یانان دئمز
توکموش او شوخ قانیمی تیغ جفائله
شرع وفاده لیک حَکَم قانه قان دئمز
گوزدن قوپار شرار محبّت دوشر جانا
راز محبّتی لب و چشم و دهان دئمز
مین جانون اولسا عشقه فدا ایله شبهه‌سیز
جانان یولوندا جانینه عشّاق جان دئمز
هر مجلس ایچره صحبته دیل آچما دلبریم
فرزانه‌لر دگرلی سؤزی هر زمان دئمز
چوخلار او گل جمالوی توصیف ائدر ولی
هئچ دیل منیم دیلیم کیمی شوخ و روان دئمز
نی‌دن شکر، پتک‌دن عسل خلق اومار گوزل
شیرین لبان و غنچه دهانلار یامان دئمز
خفتان دیو و رخش گرک گرز و پور زال
تاریخ گر نه هر گلنه پهلوان دئمز

فرصت قوتاردی عمر گئچور گل سراغمه
کوس اجل چالنسا عزیزیم امان دئمز
بیر گون گلر منی آرایارسان تاپانماسان
هر بی‌نشان نشانه‌می وئرمز نشان دئمز
«انزابه» سویلدون که من عشقیمده ثابتم
صادق اولان یقین ایلیرم که یالان دئمز



شهردارا سو باسوب کورلادی اوست آلتیمیزی
گل آپار داشلاریوی وئر بیزیم آسوالتیمیزی



خاموشی

به کف ساغر سبو بر دوش دارم
هوای بزم نوشانوش دارم
سخنهایم به سینه بایگانی است
سکوتی بر لب خاموش دارم



جواب

جانا او غنچه لبلره کیم باخسا جان دییر
جان وجهینه او یاخشی دوداقلار یامان دییر
شانه اگرچه دالدا سایار بیربیر عیبیوی
آئینه خوشدی عیبیوی یوزده عیان دییر
افسوس سرعتیله گئچیر وصل گونلری
زلفون منه اوزون گئجه‌دن داستان دییر
عقل عالمینده بیر گُلیلن اولمیوب بهار
سن هاردا اولسان عشق او یره گلستان دییر
باخ کثرت علاقهٔ حُسن ارادته
عاشق او کپریگه قاشا تیر و کمان دییر
مین‌لر مدیحه‌لر مین آغیزدان ائشیتمیشم
اهل خرد بو سؤزلره پوک گردکان دییر
شاعر مامان دیور سنه آغزون سولانماسین
یتمیش یاشندا کافتارا چوخلار مامان دییر
شیشمه قودورما اوخشادیرام سروه قدّیوی
چوخلار باخاندا قامتوه نردبان دییر
گاهی آیا گهی گونه اوخشاتمشام سنی
عادتدی شاعره یوزه دوخسان چاخان دییر
میز وکالتین نئجه ذوق و صفاسی وار
مندن سوروشما گئت خبر آل پارلمان دییر

باخما جماعتین سؤزونه باخ صلاحوه
ملّت قازانه قازما، تیانه قازان دییر
سنبل دئدیم او ساچلاریوا باور ایلمه
بیر عدّه وار مکه گُلونه زعفران دییر
علمون داشوب شاریلداسادا شانسون اولماسا
مردم سنه سفیه دییر شارلاتان دییر
ال چاتماسا آغاجداکی امرود حرامیدی
حق باطلی آیورماقا کیم امتحان دییر
هر نه گلور قوی انگه چیخار رنگی رنگوه
قوردون قوجالمیشی دامارا استخوان دییر
مثقال ذرّةً یَره اللّه کلامیدی
قولاً خطیب اینانسادا فعلاً یالان دییر
از بس ملوّث ائتدیله عشقین فضاسینی
بلبل ده کیفلنوب گله بعضاً تیکان دییر
اسلامیان قاتوبلا حلالی حرامله
مندن ائشیدمه بلکه زمین و زمان دییر
تیر و کمان و نیزه عمود داستان اولوب
دنیا قلم دولاندیرانا پهلوان دییر
پولدور سنی خلاص ایلین هر بلیّه‌دن
پول اشتیاقینه خوخانا خلق خان دییر
انسان گورنده دیسگینورم وحشت ایلورم
قورخار ایلان ووران چاتی گورسه ایلان دییر
«انزابله» «کریمینون» عشق و مودّتین
یاددان سوروشما «ذاکر» خُلد آشیان دییر

عبرت نامه

عزیزیم یوخدی دنیانین وفاسی
خیال و خوابیدی ذوق و صفاسی

نه درویشه قالار دنیا نه شاهه
سالار ئوز خواستگارین قعر چاهه

اوتوز ایلدی بهار زندگانی
بقیّه غصّه‌دن ذلّتدی فانی

گئچر بحبوحهٔ فصل جوانی
که وار هر نوبهارین بیر خزانی

ائلیکه چاتدی سنّون اربعینه
قِییت درگاه ربّ العالمینه

یتوب تکمیله اوج زندگانی
داخی قورتاردی فصل شادمانی

یتر فرمان کرام الکاتبینه
کیچیلدی عفو و اغماضه زمینه

اگر سنّ شریفون اولدی اللی
همیشه آغلایوخ گولماق محلّی

داخی ال چک هامی لهو و لعبدن
گوزون یوم غفلت و عیش و طربدن

داخی قورتاردی ایّام جوانی
چاتوب پایانه اوج زندگانی

قرا توکلر آغاردی مثل پنبه
یادوندان چیخدی جمعه، پنجشنبه

قانادلار سالاّنوب یوخ شوق پرواز
گلر هر استخوانوندن بیر آواز

دوشر تعطیله دسگاه گوارش
وئرر هر عضوون ئولماقدان گزارش

ائلیکه گئچدی شخص آتمیش یاشیندان
گئدر حُسن و طراوت گوز قاشیندان

عناصر سست اولار اعصاب خستهٖ
قالار بیر گوشه‌ده بازن نشسته

هجوم ایلر مرضلر هر طرفدن
دوداقین دیشلر انسان هی اَسَفدن

اولار جسمه مسلّط ضعف اعصاب
قالار یالقیز گئدر توپراقه احباب

باخانماز گوزلر عینک‌سیز کتابه
یبین گئتسه دوشر قلب اضطرابه

اولار انسانه غالب سهو و نسیان
دگول ممکن اولا بخشوده عصیان

ائلیکه سنّ و سالون اولدی یتمیش
آدون ئل طایفا ایچره اولدی ایتمیش

سنه بیگانه اولدی یار و اقوام   یاشارسان ئوز قبیله‌ن ایچره گمنام
قاچورسان بو مطبدن اول مطبّه   غذا منجرّ اولار کفسوله حبّه
برونشیت، سنگ کلیه، زخم معده   قاریشدی بیربیره گورسندی وعده
کهنگی، آرتروز، سنگ مثانه   پروستات، درد کلیّه مین بهانه
گتوردی شانسون عمرون اولدی هشتاد   بولورسن زندگی هئچ زاددی هئچ زاد
قاچار قیزلار عصا و عینکوندن   اوشاق قورخار دیشوندن سمعکوندن
اسر اللر باشون تترر بدنده   آزارسان مقصدوندن یول گئدنده
ایاقه دورجاقین طوغ تک جوشارسان   اوشاق بیر توققا وورسا سن آشارسان
اولار آدون بزرگ خانواده   ولیکن دوشمه‌سن هئچ ایشده یاده
قوهوم قونشی سنی قویماز حسابه   اولارسان آلتی یرتیق آفتابه
خدا ناکرده عمرون اولسا دوخسان   تفاوت ایلمز وارسان یا یوخسان
داخی ئل طایفه سندن دویارلار   محلّ سالمندانه قویارلار
نه اولاد و نه اموال و زر و زور   اولارسان زنده زنده، زنده بر گور
قیزون، اوغلون سیاحتده، صفاده   ولی سن درد و غمده آه و واده
اگر عمرون یوز اولسا وامصیبت   هجوم ایلر سنه دریا مصیبت
نه مالدان درده وار چاره نه پولدان   نه قیزدان نه گلیندن نه اوغولدان
پس ای عاقل وورولما سنّ و ساله   سعادت، عزّت آختار لامحاله
بش اون گون که مجالون وار اجلدن   اماندور وقتی ارزان وئرمه الدن
اوزون عمری حساب ائتمه شرافت   سعادت شخصه ایماندور عبادت
اوزون عمر اولسا معیار شرافت   گرک شیطانه خلق ائتسون اطاعت
اوغول عمری که صرف شور و شردی   او عمرین طولی خسران بشردی
«کریمی» اولما طالب طول عمره   آز عمر ایسته خدادن یاخشی نمره
خدایا حرمت شاه شهیدان   آپارما بیزلری بی دین و ایمان
قبول ائت بو گنهکارین دعاسین   اَغِثنی یا غِیاثَ المُستَغیثین

کراکشلیق

وورا گر حاصلوی شاختا بادامسیز قالاسان
گئجه آرواد جالیا شوربانی شامسیز قالاسان
ماشینون پنچر اولا، اولمیا ممکن زاپاسا
یا پولون قورتولا غربتده آدامسیز قالاسان
رمضاندا یاتاسان آلاّدا شیطان لعین
کَند اولا چاتمیا ال شهره حمامسیز قالاسان
خانمی قیناتان اون گون گله مهمان آپارا
رختخوابون قالا بوش هر گئجه آ...... قالاسان
هاموسیندان او چتیندی نئچه باش کفلتلن
کراکشلیق قوتارا عمریوی دامسیز قالاسان

قارقاایلن، بلبل

قارقا بیر گون ائدردی گلشنی سیر
گوردی بیر بلبلی قفسده اسیر
ئوزینی هی وورور اویان بویانا
بلکه آزاد اولا چیخا دولانا
بوشلیوب استراحتین چابالور
ائشیگین عطرینی قفسدن آلور

باخوری سیملرین آراسینداندان
گلوری شوره دل یاراسینداندان
دار قفسدن باخور گئدوب گلنه
سرچیه، قارقیا، آغاج دلنه
اوچا آزاد هواده وار هوسی
دولدوروب گلستانی ناله سسی
قارقا عرض ائتدی ای پرندهٔ عشق
ای اولان شاه عشقه بندهٔ عشق
ندی تقصیرون ای وفا کانی
سنی ارباب ائدوبدی زندانی
بو نظافت بو سس بو نطق و بیان
سنه جانا روا دگول زندان
اوغری‌سان شُربی‌سن منافق‌سن
یاغی‌سن طاغی‌سن یا فاسق‌سن
منی تئز قانع ائت ندور جریان
دوز بشر حبسه دوشمز ای نادان
دئدی بلبل که ای پرندهٔ شوم
اوّلیندن بئله اولوب مرسوم
قالا زنداندا عندلیب و هزار
اولا آزاد کرکس لشخوار
سن که سرقتده اولموسان مشهور
قارقاروندان جهانیان رنجور
چوره‌گی دسمالیلا جازلورسان
صابونی تاخچادان آلازلورسان

پنیری سفره‌دن ووروب قاچوسان
گردکان گورجگین قاپوب اوچوسان
شانسووا چیخسا پاک یا ناپاک
داراشورسان که سنده یوخ امساک
طینتون پست و نیّتون مَشئوم
مذهبون مسلکون دگول معلوم
سنی آزاد ائدوب بو چرخِ دنی
قفس عالمده ساخلیوبدی منی
دوتولان دیللره صفادی دیلیم
لیک ئوز باشمه بلادی دیلیم
گئجه گوندوز اسیر زندانم
بودی جرمیم گوزل سخنرانم
هر کسین نطقی وار فصاحتی وار
قلم آتشینی قدرتی وار
گرک اولسون همیشه زندانی
چیخا زنداندا عاقبت جانی
تانی بو چرخ کینه فرجامی
وئردی سقراطه شوکران جامی
بلبلی سئچمیوب . پرستودن
فرقی یوخ جاهلین ارسطودن
ای کریمی غلطدی طول کلام
مجلسی لنگه وورما ایله تمام

نسگل‌دن بیر نامهٔ تبریک

یوردوخ بوراجان شعریله ایّامی کریمی
تبریک دیورم بیر بئله بایرامی کریمی
اولدی غنیمون فالچی داداش‌لار رباخوارلار
سالدون باشا ئل بوشلادی اوهامی کریمی
چوخلاری نماز ایستدی قیلسون دریمیزده
گوردون که سایان اولمادی سرسامی کریمی
شاعر نه دئسین اینجیمه‌سین فتنه‌گر اوندان
پامال اولوری قرآنین احکامی کریمی
ئل شاعریسن گولمز یوزی خان قالاسیندا
یر یاخماق اولار خانلارین انعامی کریمی
جان وئردی هوپ هوپ خالقی صابر قارا گونده
یاندیردی ئلی غملی سرانجامی کریمی
گئتمز سویی بیر ارخه ادیبیله عوامین
او دانه گورر تک بو گورر دامی کریمی
ای کاش آدامین آدی چیخینجا جانی چیخسون
قویموش فلک ئوز باشینا گمنامی کریمی
دوگدی اوکوزون قاشقاسینا هر قولی قیوراق
فرمان آپاریب اولسون اونون رامی کریمی
نیلیم اوره‌گیم باشقا بساطیله آچیلماز
گر گزمسه بزمیمده غزل جامی کریمی

شعریله وئراخ یاسه باتان قلبه تسلّی
غم ایلمه اللّهدی بیزه حامی کریمی
بیر گون گله‌جاق مفته یینلر قوساجاقلار
وار هر سحرین بیر قارا آخشامی کریمی
چاتدیق بو گونه گر بو ماتی میخاناسیندا
تسکین ائلیاخ شعریله آلامی کریمی
کولگونده ساغ اول دالدالانا بو دلی گوگلوم
طبعوندن آلام سویدیگیم الهامی کریمی
اوستاد غزل‌سن نه گوزل‌سن سنه قربان
یاز دفتره تجنیسیله ایهامی کریمی
بایرام گوروشونده هامی تای توش اُپوشینده
جان حجّتیدی سویگولی پیغامی کریمی

واصل

گذر کردم ز کوی مِی فروشان
شنیدم هایهوی جرعه نوشان
که ای قطره بیا واصل به حق شو
که ما بجریم جوشان و خروشان

جواب تبریک عید

آی گون دولانوب ایل گینه چاتدی ائله نیسگیل
بیر ایلده عُموردن بئله وئردوخ یِله نیسگیل
عمرین ایلی گئچدوخجا دییاخ بیربیره تبریک
فاحش غلط هئچ گور یاراشار عاقله نیسگیل
من تسلیت عرض ایلرم احبابه نه تبریک
کم‌کم بو جهاندان آچیروخ فاصله نیسگیل
انسان قوجالان وقته سینیق کشتیه بنزر
ایشدن دوشه محمل دایانا ساحله نیسگیل
بایرام او زماندور که قیرام قید حیاتی
بو ال اایاقیمدان آچیلا سلسله نیسگیل
مین دیللی یوز اوزلی کیشیلردن نگرانم
بیر اهل دل اولمور که وئراخ دل دله نیسگیل
بیر تازه‌نفس سویملی یار آختاریرام تا
قلب آیناسینون زنگ و غبارین سیله نیسگیل
اوّلدن ائله اهلِ صفا تک یاشیوبلار
لازمدی اورکلر یانا بو نیسگیله نیسگیل
باخ شهریارین حالینه دیوانینه باخما
شاعر گرک آخرده آجیندان ئوله نیسگیل

صابون پیشیرن صابره پی ساتمادی اصناف
کافر دئدی شیروانلی‌لار اول فاضله نیسگیل
ساغلیقدا منیم اوستومه هر گون بیت آتانلار
بیر گونده گلوب قبریمی چولقار گُله نیسگیل
گوگلون اله آلماقدان اُتور قوم عوامین
قاتدیم شوری شیرینه حقی باطله نیسگیل
اولدوم گلنه ساقی، ماتی میخاناسیندا
آتدی شاپومی کئفلی‌لر الدن اله نیسگیل
من جامعه‌دن چکدیم ال امّا بو جماعت
ال چکموری مندن دوشوب ایش مشگله نیسگیل
بیر گوشه‌ده دیلسیز یاشاماق ساکت و صامت
اوندان گوزل آدون دوشه دیلدن دیله نیسگیل
بیر عدّه دوشوبلر دولار اوسته دولانورلار
من قافیه آختارماقا چولدن چوله نیسگیل
هی مرسیدی احسندی ماشاءاللّه بارک‌اللّه
ابنای زمان شعریمه یوللور صله نیسگیل
بیر ذرّه صفا قالمادی گلزار جهاندا
بایقوش سسینی خلق قاتور بلبله نیسگیل
بیر تلده صدا وار او بیری تلده صفا وار
تل ـ تل‌دن آچانلار تلی قاتماز تله نیسگیل
ایش صاحبی گلسه سئچیلر حقّله باطل
آلت اوست ائلیوب خلقی چالار غربیله نیسگیل
چایلار آخوری باش یوخاری صدق و صفادن
مقتولی قویوب خلق یانور قاتله نیسگیل

گئتدوخجا قاباق باتلاقیمیش بولمدیم امّا
چوکدوم دوه تک پالچیقا، باتدیم گِله نیسگیل
گلمور اوره‌گیمدن که جیرام دفتر شعری
ئوز یازدیقیم ابیاته چکم باطله نیسگیل
منده او صدا یوخ بو یاتان خلقی اویاتسون
قوی گل بولارین یاتماقی بنزر خیله نیسگیل
فال دوتما، گوبک یازمیا، طاس قورمیا رحمت
وار تازه چوخ ایش ایستمز انسان بوله نیسگیل
حق سؤز آجیدا اولسا جانا فایداسی چوخدی
بنزر میخکه، زنجفیله یا هِله نیسگیل
یولاّندیلا یولداشلاریمیز قافله کوچدی
قالدوخ دالیا فوری مینک محمله نیسگیل
یول قورخولودی راحله یوخ یالقیز آدامسیز
مشگل بوش الیله یتیشاخ منزله نیسگیل
ایمدی اوجا داغلاردا کریمی گونه بنزر
گون مغربه گئتدوخجا منی یاد ائله نیسگیل

گوشه‌گیری

شبی پرسید شاهی از وزیری
امیری بهتر است آیا فقیری
بگفت آنکس که گوش هوش دارد
بهشتِ است از برایش گوشه‌گیری

نامه

فخیمی جان وصول اولدی کتابون باغیشلا دوشدی تأخیره جوابون
فشار دلخراش زندگانی آلوبدور بنده‌دن تاب و توانی
اگرچه پول پلو کفته آشیم وار ولیکن بیر باشیم مین اویناشیم وار
یتوب ایش بیر مقامه اقتصادن فراغت سلب اولوب اهل صفادن
اگر هر نامه‌نین یازسام جوابین و یا وئرسم رسیدین هر کتابین
گرکدی ال چکم بیر یول ایشیمدن نه بلکه راحت و آسایشیمدن
دهاتی شهری بازاری اداری عمومین واردی مندن انتظاری
یازورلار نامه طهراندان مغاندان شمالدان اردبیلدن اصفهاندان
گرک تعطیل ائدم هر کسب و کاری آچام بیر دفتر نامه‌نگاری
باهالیق خلقی سالمیش اضطرابه جهان زندان اولوبدی شیخ و شابه
یرآلمانین بیری اللی تومندی بادمجان یوز تومن بولمم نه‌دندی
آیردی یاری یولداشدان زمانه قُووب قارداشی قارداشدان زمانه
اولوب دنیا گلوگاه قیامت همه در ذکر وانفسا نه امّت
هامی نقّاش اولوب نقشه چکوللر ریاستدن اُتور قانلار توکوللر
جماعت بیربیرینه بوک تیکوللر فقیرین عاجیزین قارنین سوکوللر
یامان بیر درد اولوبدی خودکفالیق گوزلدور خودکفالیقدان گدالیق
نه علم و دانش و فرهنگیمیز وار فقط سؤزدی یورولماز انگیمیز وار
او که آد وار ئوزوندن یوخ نشانه یاٰزیق اسلامدی قال یانه یانه
هامی مقداد و سلمان و اباذر دیلینده ذکریدی یا سیم و یا زر
مبادا خاطرون اولسا مکدرّ
کریمی‌دن گذشت ایله برادر

ایضاً خانهٔ سالمندان

بیا بین جایگاه سالمندان مگر باشی گواه سالمندان
حدیث طول عمر و آرزوها بخوان در اشتباه سالمندان
به غیر از چند سال عمر اضافی چه می‌باشد گناه سالمندان
بهین آموزگار درس عبرت بود در پایگاه سالمندان
چراغی گیر بر آرامگاهت از این آرامگاه سالمندان
مشو غرّه به نیروی جوانی بترس از سوز آه سالمندان
جوانی تندرستی سایبانی است موقّت بین راه سالمندان
کجا روشندلی عبرت بگیرد از این روز سیاه سالمندان
صفای شب‌نشینیهای شیرین فدای صبحگاه سالمندان
به غیر از عدّه‌ای دیندار و خیّر که را بینی پناه سالمندان
خوشا بر حال آن شخص نکوکار که باشد خیرخواه سالمندان
نگه کن حسرت و درد است و عبرت ببارد از نگاه سالمندان
در این کانون غم‌فرسا خبر نیست ز اهل عزّ و جاه سالمندان

کریمی توشه بردار عبرت آموز
از این عمر تباه سالمندان

قوجالار ائوی ـ یا خانهٔ سالمندان

سالمندان ائوی انسانلارا عبرت یریدی
قوجالار مجلسی مکتبدی نصیحت یریدی
گل خزان فصلیدی بیر بو سارالان گللره باخ
گورن اشخاصه بو ائو سیر و سیاحت یریدی
یورونلاردی بو منزلده دوشوب دینجه قالوب
بیر گلون گورماقا نیسگیللیدی حسرت یریدی
قوجالاردی هامی ئل طایفه‌نی گوزدن آتوب
سایوری آی گونونی ئولماقا دقّت یریدی
نوجوانلاردی دوشوبلر قوجالیق زندانئا
عیشلر گور نه دونوب یاسه مصیبت یریدی
یول گئدنلردی دگوب داشه ایاقلار یخیلوب
سیخیلانلاردی قالوب بوردا حمایت یریدی
آتالاردی نه مشقّتله اوغول‌لار بوگودوب
گوز گئدوب بئل بوکولوب حالینه رقّت یریدی
آنالاردی که گلوب تنگه الیندن بالالار
هامی گوزدن سالوب عزّت گئدوب عُسرت یریدی
باغبانلاردی حیاتین آغاجیندان یخیلوب
اللریندن دوتا ایستولله محبّت یریدی
ای ثواب آختاران اشخاص قیامت گونونه
گل بو بازار بو ائو یاخشی تجارت یریدی

اعتقادون وار اگر بیر تومنه مین تومن آل
بو ائو احسان و مساوات و اعانت یریدی
گلون افتاده‌لرین بوردا الیندن یاپیشون
خیّر اشخاصه عجب خیر و سعادت یریدی
نقدوزی محکمهٔ حشره پس‌انداز ائلیون
بو مکان امن‌دی صندوق امانت یریدی
زندگانلیقدا بُؤیونلاردا سینیق قولدی بولار
دردین آل رحم ائله انصاف و مروّت یریدی
یاشیانلاردی اورک‌لر دولی غم گوز دولی یاش
ائشیدن اولسا دیین چوخدی حکایت یریدی
اون ایل آرتیق یاشاماق گورنه مشقّت یارادیر
طول عمر آختاران اشخاصه ملامت یریدی
قوجویا گولمه که نوبت چاتاجاقدی سنه‌ده
قوجانین حالنه آغلا نه شماتت یریدی
دوت الین السیز ایاقسیزلارین الدن گلنی
الده امکانون اگر اولسا سخاوت یریدی
«شرف مرد به جود است و کرامت به سجود»
بورا هم جود و سخا همده عبادت یریدی
قوجانین حالینی انسان قوجالاندا بوله‌جاق
ئولوم آماجی مریضه نه طبابت یریدی
ای کریمی هنرون تازه‌دی کهنلمیه‌جاق
دئسه احسن سنه ارباب فصاحت، یریدی

یورولما ـ قورولما ـ سوخولما

هئچ یول تاپانماسان چتین آسان قوتولمیا
انسان گرک داریخمیا ناراحت اولمیا
داشلیقدی زندگانلیق آسان دگول یولی
یولداش گرک ایاق داشا دگجاق یورولمیا
بش گون دوشنده بوشلوقا دوشمه ناخوشلیقا
بیر بوش هانی مرور زمانیله دولمیا
بش گونلوقون طراوتی آلاّتماسین سنی
بیر غنچه یوخ آچا بو گلستاندا سولمیا
هر سنبلین ساچین دارادی دانهٔ بهار
آیا اولار خزان یِلی سرعتله یولمیا
چوخ یاشلینون ایچی بوشالار قلبنی ییر
چوخ عمر ائدن آغاج اولا بیلمز اویولمیا
ائتمیش کمین سویور گَلَنی رهزن اجل
کیمدور گئچه بو گردنه‌لردن سویولمیا
دریای بیکرانه‌دی دنیای بی‌وَفا
کیمدور دوشوب بو قانلی دنیزده بوغولمیا
پیچ وئرمه روزگاره قوروب اوینادار سنی
اسباب بازی تک گرک انسان قورولمیا
هر دعوتین اجابتین ائتمه کریمیا
شاعر گرک آچیق قاپی گورجک سوخولمیا

ریاست دوەسی

بش گوندی ریاست دوەسی مینمگه دگمز
بش گوندن اُتور مینمه مینوب ینمگه دگمز
شیرین یوخودی لذّت رؤیائی انسان
آلاّنما بو شیرین یوخو دیسکینمگه دگمز
مولا دئدی بیر جیفهٔ گندیدەدی دنیا
بو مزبلەده ایت کیمی سومسینمگه دگمز
بیر سالخیم اوزوم درماقیمیز ئوزگه باغندان
اون دفعه یوزی قویلی یره سینمگه دگمز
مین جام آلاسان ساقی ایّامین الیندن
بیر لحظه ئولوم جامینی تمسینمگه دگمز
ارّەیله بُؤلونسن زکریّا کیمی صبر ائت
حفظ ایله وقارون دیل آچوب دینمگه دگمز
ختم ایله قوتار قافیه دار گلدی کریمی
اوتقونماقا زیقّین ماقا دُومتینمگه دگمز



ایلیوم ایلمیوم

گوزه‌لیم جان سنه قربان ائلییم ایلمیوم
نقد جاندان سنه احسان ائلییم ایلمیوم
سر کویوندن ایاق چکمیری بیر لحظه رقیب
اونی ثوز قاننه غلطان ائلییم ایلمیوم
کفر زلفون منیم ایمانیمه بیر آفت اولوب
یولوم اول زلفی پریشان ائلییم ایلمیوم
گونده مین اوخ ساچیسان قلبیمه مژگانویله
آهیمیله قانیما قان ائلییم ایلمیوم
اوره‌گیم دردینی اغیاره دیوم یا دئمیوم
ثللری حالیمه گریان ائلییم ایلمیوم
باشی طوفانلی سهندم اتگیم قانلی چیچک
سینه‌مین آتشین افشان ائلییم ایلمیوم
پوزدوروم دفتر عشّاقده مجنون آدینی
لیلینی عشقیمه حیران ائلییم ایلمیوم
دینی دیناره ساتانلار توکولوب معرکیه
منده ایمانیمی ارزان ائلییم ایلمیوم
تاوا قیزدیرماقا یاغلاناقچون یاغلاماقا
جانیمی خالقا بادمجان ائلییم ایلمیوم
بو زماندا هامونین دردینه پولداندی علاج
پولونان دردیمه درمان ائلییم ایلمیوم

ئوزگه‌نین عیبینی بیربیر سولییوم سویلمییوم
امّا ئوز عیبیمی پنهان ائلییم ایلمیوم
یوونوب خوش آرینوب یارپیزین اوسته قوییلوب
ئوزومی دستهٔ ریحان ائلییم ایلمیوم
قویلویوم باش قارا، کهلیک کیمی یا قویلامیوم
قولیمی فعلیمه یورقان ائلییم ایلمیوم
نئجه‌دی بوقلمون تک بویانام رنگ‌به‌رنگ
تولکی تک حیله‌می الوان ائلییم ایلمیوم
بش گونون پُست مقامیندن اُتور پَست‌لره
باش اگوب قدّیمی چوگان ائلییم ایلمیوم
مین تومن پولدان اُتور هر گونی مین رنگه باتوب
سینه‌می مین اوخا قلخان ائلییم ایلمیوم
گوره‌سن منده کریمی کیمی بیر شاعر اولوم
ئوزومی صاحب دیوان ائلییم ایلمیوم



شد تیره پرده‌های شب از دود آه من
با آه و ناله می‌گذرد سال و ماه من
یک شب به وصل خویشتن آرام کن مرا
زان پیش خاک و گل شود آرامگاه من

محبت توزو

هر کسده جهاندا درم اولسا کرم اولماز
هر کیمده کرم واردی یازیقدا درم اولماز
مین اصلی خانملار گله‌جاق مین کرم امّا
سازلاردا عاشیقلار دییَن اصلی کرم اولماز
هر گنبدین اوغلوم باشینا دونمه دولانما
بیردن گوره‌سن کهنه حمامدی حرم اولماز
بیهوده چالیشما ئوزیوه دردسر آچما
چوخ ایشلمه انسان پولونان محترم اولماز
تقدیر قضا هر نه سوویب منده رضایم
چرخین فلکین ئوز خوشوما دوندرم اولماز
بلبل گوزینون یاشیدی گل اوسته‌کی شبنم
هر یوزده محبت توزو هر گوزده نم اولماز
اهل دمیله همدم اولان دم ـ دم او دمدی
دمله منی دملن دم اولان یرده غم اولماز
آهو کیمی یاهو چکرم دشت ختاده
صیّاد حوادث اوخونا منده رم اولماز
حکمت نه تقاضا ائلیوب لا دئمرم من
مولا سؤزینه بنده‌ده کیم کیف و کم اولماز
سن هر هاوا چالسان بیزه لذّتدی کریمی
بو عشق و وفا نغمه‌سیدی زیر و بم اولماز

دوران عمر

دوران عمر خواب و خیالست والسّلام
روز و شبش فنا و زوالست والسّلام

پایان هر بهار خزان است لا کلام
در ذیل هر جلال ملالست والسّلام

از درس و بحث مدرسه جانم به لب رسید
قول است جمله قیل و قالست والسّلام

جاه و جلال و مال و جمال و عیال و آل
هر یک هزار وزر و وبالست والسّلام

قدر بهای شخص به بازار معرفت
بر مشتری به وزن کمالست والسّلام

از بهر مرغ روح به پرواز باغ خلد
تقوا قویترین پر و بالست والسّلام

همراه کاروان اسیران عشق باش
هستی بدون عشق محالست والسّلام

در کشف راز خانهٔ دنیا کریمیا
اوهام لنگ و ناطقه لالست والسّلام





گئچه‌جکدی

دنیا ایشی اوغلوم چتین آسان گئچه‌جکدی
شادلیق گئچه‌جک شیون و افغان گئچه‌جکدی
نه وصلیله شاد اول نه فراقیله مکدّر
ایّام وصال و شب هجران گئچه‌جکدی
تابلُوْدی بهاریله خزان گوز قاباقیندا
طوی مجلسی یا شام غریبان گئچه‌جکدی
تا واردی نگاریمده قاش اویناتما گوز آتما
هی قلبیمه سوزن کیمی پیکان گئچه‌جکدی
تا شانه تاپوب یول سر گیسوی نگاره
احوالیم او نظم اوسته پریشان گئچه‌جکدی
یونگول گوتورن توشه‌نی ئلدن آرالانماز
یونگول شله‌لی کورپیدن آسان گئچه‌جکدی
حتماً یازیلوب سردر جنّتده بو جمله
بو باب کرمدن فقط انسان گئچه‌جکدی
بی‌بهره اولان علم و عمل شرم و حیادن
حیوان یاشییوب دهریده حیوان گئچه‌جکدی
املاکیوی سان وئرمه گوزل آد قوی ئوزوندن
انساندان اوغول آد قالاجاق سان گئچه‌جکدی
دنیا سنه میدان اولا یا گوشهٔ زندان
میدان قوتاروب گوشهٔ زندان گئچه‌جکدی

یا بِنزه مینوب آل یانووا بیر بالا جیران
یا تاپماگلان بیر قوجا پیکان گئچه‌جکدی
یا خط ماشینندا آتیلوب دوش ایاق اوسته
سیخسینلا اَزیل مثل بادمجان گئچه‌جکدی
راحتدی ریاست میزی اگلشمه‌لی میزدی
مدّتده ولی آزدی او دوران گئچه‌جکدی
افسوس بو میزدن یخیلان بیرده دورانماز
مردم باخاجاقدور اونا یان یان گئچه‌جکدی
احسنت ماشاالّاهلارا آلاّنما کریمی
سؤز پند اولا یا هرزه و هذیان گئچه‌جکدی



صبا اگر گذری افتدت به خانهٔ دوست
ببوس از عوض من ز آستانهٔ دوست
دلم گرفت ز بیگانگان خدا مددی
رسم به وصل و شوم همدم شبانهٔ دوست



ز دُردِ درد تو دردا همیشه مخمورم
امید وصل تو دارم اگر چه مهجورم
صدای کوس سخایت گرفته عالم را
ندانم از چه سبب من ز رحمتت دورم

غزل

چه خوش سرود مغنّی به نای و بربط و سنج
به یک فلوس نیرزد هان شوم و شکنج
ز برد و باخت زمانه نبرد بهره کسی
همیشه باخته شه مات شد در این شطرنج
برای راحت عقبا بکوش در دنیا
مدار امید که نابرده رنج یابی گنج
بدان بهای جوانی به هایهو مفروش
که با غرور جوانی ز پند پیر مرنج
جلال و شوکت و اقبال این جهان خراب
مثال مستی جام شراب و نشعهٔ بنج
به کوله‌بار چه داری برای روز حساب
متاع خود به ترازوی عقل خویش بسنج
ملامت دگران می‌کنی خدا نکند
که دست خود به ندامت بُری به جای ترنج
اگر به خون کس انگشت می‌کنی رنگین
بدان به خون تو آغشته می‌کنند آرنج
کریمی از همهٔ دوستان بریده فقط
چهار و هشت گزیده است زین سرای سه پنج

مگر من سنگ شیر اکباتانم

کریمی شاعر شیرین زبانم بحمدالله ز عمرم کامرانم
به شعر و شاعری مشهور عصرم به میدان فصاحت قهرمانم
به کام دوستان شاخ نباتم به حلق دشمنان یک استخوانم
من از من گفتنم بس شرمسارم حقیرم خاکپای دوستانم
گهی خاکم گهی آبم گه آتش گهی باد بهارم گه خزانم
ندارم وحشتی از هول محشر به دربار حسینی نوحه‌خوانم
حسین دارم چه غم دارم به عقبا که عمری خادم این آستانم
گهی عیشم گهی نوشم گهی نیش گهی کاهم گهی کوه گرانم
فغانم ناله‌ام وجدم سرورم به ظاهر پیر و در باطن جوانم
هزاران مرسی احسن بارک الله بیاید از زمین و آسمانم
اثرهایم به دفتر بی‌ثمر ماند به اشعارم اطاق بایگانم
ز من امّید برگ سبز دارند مگر من جنگل مازندرانم
همه خواهند با من عکس گیرند مگر من سنگ شیر اکباتانم
همه از من ثنا و مدح خواهند مگر من فرخیّ سسیتانم
به سینه آه آتشبار دارم تنورم قُلّهٔ آتشفشانم
به تاریخ مراغه افتخارم به قوم خود درفش کاویانم
متاع شعر را چون مشتری نیست از آن شد سود سرمایه زیانم
نه از بازاریانِ نانجیبم گران بفروشم و ارزان ستانم
درخت گردواَم در راه مردم که هر عابر زند سنگی به جانم
نه از درباریانِ گنده جیبم به کام خویش دوران را برانم

فقط یک خانه دارم یک مغازه به زیر گنبد هفت آسمانم
همین یک آرزو دارم ز خالق نمی‌گویم بمیرم یا بمانم
نسوزاند مرا با آتش قهر
به لطف خود کند اهل جنانم



اگر مجلس‌ده بیر دولتلی چئزسه
اونی یوز یردن اُرتوب باسدیرارلار
کاسب آسقیرسا اون یردن گلر سس
اوتان مجلسده حیوان او.....؟



نو حصیردن باشدی پوستون کهنه‌سی
اولماماقدان خوشدی چوستون کهنه‌سی
رسمدور هر کهنه‌لن موددان دوشر
تازه‌دور هر لحظه دوستون کهنه‌سی

انزاب، دییور، خوشهٔ عمل توشهٔ اجل

فرصت وار الده سن منی یاد ایله من سنی
بیر گون گلر نه من سنی گورّم نه سن منی
سنگ عتاب و نازیله سیندیرما قلبیمی
آهیم زبانه چکسه دلَر سنگ و آهنی
مال و مناله اویما اجل کؤچدورن زمان
بیر رتبه‌ده حسابه گلر مفلس و غنی
ای گُل اوجالما باد بهارین هواسیجا
قویماز خزان حادثه بو حالدا گلشنی
هر اختلافی اولسا موافیقدی لاجرم
ئولمک عقیده‌سینده مسلمان و ارمنی
حدّیندن آرتیق اولمادا دشمندی مال سنه
سعی ایله ای عزیز من آرتیرما دشمنی
هر خوشهٔ عمل اولاجاق توشهٔ اجل
آه شبانه‌ئیله سُوورسان بو خرمنی
یونگول گوتور اساسوی گل آچما چوخ بساط
شیطان کیمی بو قافله‌نین واردی رهزنی
دنیا همیشه‌لیق دگی منزل‌دی عاریه
گئج تئز بو دِیردن کؤچه‌جاق عالی و دنی
سال یادیوه او وقتی یتز جان دوداقوه
باشلار تمام عائله دوروندە شیونی

انگون کیلیدلَشَر گوز آخار دل قفللنر
سن جان‌به‌سر دوداقیوه سورتلله کاسه‌نی
حتماً گتور تجسّم اعماله اعتقاد
بیر عمر ائتدیقون عملین اجری گورسه‌نی
آنجاق اودم یقینون اولار غفلت ائتموسن
دنیا اویونجاغندا اوغول اوینادوب سنی
فرصت الونده‌کن چالیش اعمال خیریچون
اولسون ئولن زمان سنه اسباب ایمنی
بو عمر قورتولاندی نهایتده سعی ائله
تاریک قبره گونده‌ره‌سن شمع روشنی
«انزاب» سنده بیر ائله ترپش بو دهرده
سندن صورا رفیقلر آلقیشلاسین سنی





کریمی، دییور: وَالمَوتَ حَقّ

ایمدی که ترسیه دولانور چرخ منحنی
دؤن ترسیه نه سن منی آختار نه من سنی
نشکندی ایمدی قلبلر اصلاً سینان دگول
آه‌لار سرینلیوب داخی قیزدیرماز آهنی
رفت آمدیله محکم اولار شرط دوستی
چون در طبیعت آمدنی هست رفتنی
بیر عدّه‌نین محبّتی ثابتدی بال کیمی[1]
بیر عدّه‌نین مودّتی فانی چو بستنی
اللّه باغیشلیوب هامونی توکسه جنّته
مشگلدی سازش ایلیه درویشیلن غنی
مال و منالون اولماسا دوسلار آتار سنی
یاسون، طویوندا، خوار اولار ای فضل معدنی
کیم ماله حدّه قائل اولوب سویله بیر گوروم
قارونی قانع ایلمدی گنجی مخزنی
والموتُ حقّی دانمیروخ امّا اینانمیروخ
افعالدن اینانماقین آثاری گورسنی
بلبل گُلون فناسینه اولسیدی معتقد
آلمازدی صوت دلکشیلن باشه گلشنی

۱- باستان‌شناسان از زیر زمین سبوئی پر از عسل پیداکردند که درطول ۵۰۰سال خـراب نشده‌بود

هر بیر گناه خرمن اعماله شعله‌دی
چوخلار اَکوبدی یاندیروب آخرده خرمنی
یونگول وسیله مقصده حمل ایلمز بیزی
مشگل دوچرخه طیّ ائلیه راه‌آهنی
دولتلینون عزاسی هتل‌لرده باشلانار
کیمدور گوره هتل‌ده فغانیله شیونی
یاسی طویی حیاتی مماتی گوله گوله
گوز یاشی مفلسیندی اوشاقلیقدان ئورگه‌نی
باخ باغ‌وحشه جیفه‌دی وحشینی رام ائدن
پولدور جهاندا دوست ائلین شخصه دشمنی
خدّکدن ئوزگه یوخدی جانین بیر چیخان یولی
نیلور داخی بَلَدچی او کندی که گورسنی
بوندان صورا وفالی بیر انسان تاپانماسان
جان اوسته‌سن دوداقلاریوا سورته کاسه‌نی
گوزلر آخوب بوغاز قوویشان وقته قورخمارام
یا نفس مطمئنّه‌دن آلآم من ایمنی
بیر عمر یا حسین دئمیشم سینه وورمشام
یالقیز یامان گونومده آقام بوشلاماز منی
هر چند غرق معصیت آلوده دامنم
الدن ئولونجه بوشلامارام قانلی دامنی
گوز یاشمیله یولاّمیشام قبریمه چراغ
وار شبچراغ گوهریم اسباب روشنی
دنیا اویونجاقیندا باشارسیدیم اویناماق
بارماقلاریم قیزیلدانیدی بول قضیّه‌نی

من دار قفسده دارده منصوره بنزرم
دار فناده بوشلامیشام داریله گنی
ذکریم هُوَالحَق اوسته اَناالحَق دیینمرم
من من[1] منیّتین یوکی بیر قطرهٔ منی
بش گون عجالتاً قوناقام اهلبیتیمه[2]
خرگزلدیم نوه نتیجه آلدی دوره‌نی
تئز تئز گئچور زمانه‌نین عیشی مصیبتی
دهرین علی‌السّویه‌دی گلزاری گلخنی
سرعتلی گولله‌دور فلکین مهری آذری
خردادی تیری تیریدی اسفندی بهمنی
عطّار هفت شهری گزوب باش تاپانمادی
نه متره دوز گلیر اوزونی آرشنا اَنی
انسانی عمریده یتورن اوج عزّته
اوّل وفای عهدیدی دوّم فروتنی
«انزابی» تن‌ده روحه مَثَل بول کریمیا
دُوز نازینه داریخما که جان اینجیدر تنی
آختاردیقین تاپانمادی هئچ کس بو دهریده
دؤن ترسیه نه سن منی آختار نه من سنی



محبّت را ز میخ و تخته می‌آموز چون هردم
چو چکّش بر سرش کوبد تقرّب بیشتر گردد
«انزاب »

۱-باتمان: سنگ قدیمی

۲-اَلا اِنَّ الاِنسانَ ضَیف لِاهلِهِ ـ مولا(ع)

کریمی‌دن انزابا اؤیور، یوغون میخ، نازک تخته

گینه «انزاب» جولانه گتورمیش طبع سرشاری
عروس عقد فکره عقد ائدوبدی عِقد شهواری
مرکّبدور قلمدن صفحیه یا هجر یوسفده
زلیخا سرمه‌لی گوزدن ائدوب درّ عدن جاری
تعال اللّه مرکّبدور بو خط چکمیش بیاض اوسته
و یا آغ پرنیان اوسته سروبلر مشک تاتاری
مگر عِقد ثریّادی اوزولموش تاک طارمدن
بنات‌النّعش تک انجمدن ایلور جلب انظاری
یقین الهام آلوب قائم‌مقامین منشآتندن
کمال‌الملکین آثاریندن ائتمیش عکس‌برداری
بلی تشبیه و تجنیس و اشارتله کنایتله
گوزل مشّاطه‌دور شاعر بزر سیمای اشعاری
«محبّت را ز میخ و تخته می‌آموز چون هردم»
درینلیشدیخجا یاره خوش قوجاقلار تخته مسماری
میخ حدّیندن فزون اولسا یوغون اولسا اوزون اولسا
جیریلمیش تخته‌نین دلدن سالار جارجاری نجّاری
محبّت میخینه چکّش همیشه رفت و آمددور
اگر قطع اولسا قالماز تختهٔ قلب اوسته آثاری
بو مدّتده منی یاخشی تانورسان شرحه حاجت یوخ
فراموش اولماز امّا ذهنیدن سؤز اولسا تکراری

منی بیر شیشه فرض ائت باطنیم ظاهرده پیدادی
منیم تک ساده‌نین تزویریله اولماز سروکاری
سفالم مفرقم خاکم طلایم هر نه بولسون بول
ولی ریب و ریا و شیطنتدن عاریم آری
گئچوبدور سنّیم آتمیشدان داشوب سیل سو آشوب باشدان
نه لازمدور چکم قارقا کیمی هی داشه منقاری
یاغوبدور باشیمه برف بلا آغلار گوزوم آغلار
نئجه داغه یاغاندا قار اولار سیل درّه‌دن جاری
سؤزوم تک جور و ناجورم اودور چوخ بزمدن دورم
گئدم هر بزمه معذورم مگر تهدید و اجباری
داریخسام گوشهٔ غمده سیاحت ایسته‌سه گوگلوم
دولاننام رود صافی‌دن سهندین باشینه ساری
دوزَم برنامه تنظیم ائتماقا یوخ حوصله منده[1]
تاپام تقویم‌دن تا سعد و نحس برج اقماری
منه سنگ قناعت لطف ائدوب بیر مرشد کامل
دیوب صبر ائت گئچندی روزگارین سهل و دشواری
صداقت حقّنه مندن قبول ائت بو وصایانی
او بزمه گئتمه که اوردان سنی نهی ایلیوب تاری
قوشولما مرد نامرده جوان ناجوانمرده
حقیله باطله تشخیص وئر اول حق طرفداری
قیامت وار جزا وار کورپی وار عدلیله دیوان وار
چکللر دادگاه کیفر اوسته جمله کرداری

۱-کنایه و اشاره به وعدهٔ انزاب است !

یازانلار سهو و نسیان ایلمز رشوه قبول ائتمز
فَمَن یَعمَل کتابه ثبتدور مثقال و خرواری
برای مؤمنان جنّات تجری تحتهاالانهار
برای فاسقان اود وعده وئرمیش حضرت باری
تقرّب قاب قوسینه جواز زهد و تقوادور
فقیر اولسون غنی یا قرمزی آغ قاره یا ساری
تولاّ و تبرّانی همیشه نصب العین ایله
دولان یارین سراغنده همیشه بوشلا اغیاری
کریمی داغ باشیندا بیر گونه بنزر غروب ایلر
گئدر گئج تئز افقلرده قالار آثار انواری





«انزاب‌دانِ جواب» گون هایاندان چیخدی

هایاندان چیخدی گون یارب که گوردوم خطّ دلداری
گوزوم یولّاردا قالماقدان فراغت تاپدی انگاری
نه نامه جمله‌لر نغز و بدیع و بکر و روح افزا
اولوب آغشته گویا شکّره گلقنده اسطاری
دئسم اعجاز ائدوبدور آذری شعرینده عیب ائتمه
بو شیوالیقدا من آز گورموشم شعر و غزل آری
بلاغت گلشنینده هر کلامی سوسن و سنبل
فصاحت گللریندن عطر دوتموش صحن گلزاری
لطافتده دییرسن بس که شبنمدور گل اوستونده
سالوبلار نوعروسین باشینه یا اینکه زرتاری
نه سؤزلر هر بیری درّ ثَمین دریای حکمتدن
اوخورکن شوق لذّتدن باخوب مبهوت اولور قاری
گئچوب صنعت سیاقینده مقام اوج اعلادن
فضولی‌دن نظامی‌دن آلوب سر خطّ اشعاری
بیات تورک‌دور گویا ردیف شور و شیرینده
و یا اوستاد شهنازی چالیر تاریندا افشاری
بو شعرونله کریمی سن نه شاعر بلکه ساحرسن
ائدوبسن سحریله تیره شب سحّاره اسحاری
ظواهر بیش و کم هر ایشده گویای ضمایردی
نمودار عمارتدن سِچللر ذوق معماری

خلاصه هر نه یازسام چوخ دگول وصف کلاموندا
قلم یوندورسام اشجاری مرکّب قیلسام ابحاری
بلی بوندان داها آرتیق توانیم یوخدی معذورم
چکوم قوی ئوزگه سمته با اجازه بحث و گفتاری
مریض و خسته‌نین رنگ رخوندن، قبض نبضیندن
طبیب حاذقه چوخ سهلدور تشخیص بیماری
اشاراتی که پندآمیز ائدوبسن چوخدا ممنونم
یازیم قوی خاطرین آسوده اولسون بنده‌دن ساری
او اوستاده اوتوز ایلدورتلمّذ افتخاریم وار
بو بیر توفیق دور لطف ایلیوبدور حضرت باری
نه حاجت وار ارادت منصبینده قلب و تزویره
گوروب کیم منده، سن، یا ئوزگه‌سی تزویرین آثاری
خدا شاهددی باطنلردن اللّه یاخشی آگهدور
که گون یوخدور سنون اسمون دیلیمده اولماسین جاری
نه لازمدور منیم باره‌مده شبهت قلبه یول وئرمک
آماندور سوءظن ایلر داخی آشفته افکاری
منی دانلا یامانلا قلبیمی تهمتله سیندیرما
سنیق قلبین بولورسن تانریدور آنجاق خریداری
سنه اقرار اخلاص ایلیوب مخلص ازل گوندن
بلی قاضی قبول ائتمز مُقِردن صوندا اِنکاری
سنی هر گون اگر گورسم یقین بول دویمارام سندن
همیشه آرزوم وار ایلیم تجدید دیداری
نه سرگرم و نه بیکارم نه خوشحال و نه بیزارم
نه ایش ایشدور نه ال بوشدور یالاندان مشغله کاری

ازل گوندن منیم تکوینیم آنجاق ناطاراز دوشدی
اولوب پولسوز پاراسیز شغلیمیز مشّیر و مشّاری
کیمین منلن ایشی اولسا باشیم شاه باشینه بنزر
وورار هر کس حقیرین باشینه بیر نوعی افساری
اوتوز بش ایل تمام عمریمی خدمتده صرف ائتدیم
آغاتدیم قاره سقّالی ساراتدیم لاله رخساری
الیمدن گلدی هر ایش ائتمدیم تضییق مردمدن
قورو.... قح.....یه اولدوم همیشه مشکل ابزاری
وظیفه‌مدن نه گوز یومدوم نه بی شیئ خلقدن اومدوم
من ائتدیم خون دل جاری اولار دولدوردی انباری
یوز اوزلی خلقدن یوز دوندروب گوز یومموشام ایمدی
آجیقدان آتمیشام باشدان تماماً یار و اغیاری
غرض شرح حکایتدور نه منظوریم شکایتدور
مقصّر سایماقا قصدیم دگول اغیاریلن یاری
اگر ئوز باشیمه قویسیدیلار دنیایه گلمزدیم
گوروم تُودان دوشیدی یا سینیدی چرخ دوّاری
خوش اول آخرده دنیانین گئچن‌دور یابسی رطبی
سؤزی ختم ایله «انزاب» ایلمه مغشوش افکاری



چوخ یی صبحانه‌نی تک یی توان اولسون تنیوه
ناهاری دوستوویلان یی شامی وئر دشمنیوه

گولر اوزلی کریمی‌یه اتحاف

از حاجی رجائی اسکوئی متخلّص به نیسگیل

باغ باغ آچیلوب گُلدی گُونول گُل یاناغوندان
اُپدوخجا دئدیم بس امیرم بال دوداغوندان
اوندا که آچوب قوللاریمی بوینووا سالدیم
حیدر بابانین عطرینی آلدیم قوجاغوندان
قورخوم بوییدی فکر ائلیردیم سینخیبسان
دوشگون قوجاتک غم یاغیری قاش قاباغوندان
شُکر اللّها گوردوم گئچن ایلدنده جوانسان
جاندان سوونیب هی ماچی گوتدوم بوخاغوندان
یوخدور سنه تای طنزیده ایراندا کریمی
گئچدیکده گولر قاره قاباقلار قاباغوندان
دنیا وار ئولوم یوخ سنه دائم ساچاجاقسان
شنلیک ایشقین ائولره سونمز اوجاغوندان
طوفانلی سهندین باشی تک باشون اوجالسین
شمشکلی بولودلار اوپه‌لر چال پاپاغوندان
دولسون اتگون گل چیچگه باللی حیاتدا
دورنا گوزو تک چشمه‌لر آخسین ایاغوندان
گر قسمت اولا چوخلی گوروش وعده‌سین آلدیم
بلبل کیمی غوغا یارادان چاغ داماغوندان

بیر تاری بولور من نئجه سندن آرالاندیم
یوخسا دئمورم که قاناسان ئوز سیاغوندان
دوشدوم یولا پیس کئفلی کیمی صاق‌صولا آشدیم
یوز دونمه‌ده گوز قالدی گوزل گوز قوناغوندان
هر کس ئوزینی بیر زادیلان تُولوری منده
وارسان سوویرم که بارینام بارلی باغوندان
ایشلک دکانوندا نه سیاق شعر اوخویام من
گل گئتدی نئجه شعر چکوم سؤز چاناغوندان
گل اُسکویه بیر یول دانیشاق خلوت اوطاقدا
فعلاً که گلور گزمه دولانما اياغوندان
بیر گون گلر انسان ئوز آدین دوز دیه بیلمز
دُر شدّه‌لری قان یاییر اینجی بولاغوندان
آرزیم بودی بیر ساعتیمیز اولمیا سنسیز
حق تانری ئوزی گوزله‌سین آنجاق تفاغوندان
اورگنمه‌لیوخ بیرلیقی گئچمیش شعرادن
قالدیر بو کوسو ساخلاماقی ئل داياغوندان
ئوز باسدیقینی کسمز ایگیت صون گونی یوخلار
یول وئر بیری که ایستوری قاچسین قاباغوندان
یایدا اُشودوم ایله سویوق باخدی مراغه
بیر سن یولا سالدون آدام اوزلی یاتاغوندان
ئل نسگیلینی یوخسا سالوبسان نظروندن
یا بختی قرا چیخمادی سالم سناغوندان

نسگیلین مکتوبونا جواب

گونول وئرمز رضا جمعیتندن بیر دل آیریلسون
عاشق هاردان سوور آی جان سازیندان بیر تل آیریلسون
دقیقه، ثانیه، گون، آی، یغیشسا ایل وئرر تشکیل
کیم ایستر آی گونوندن هفته‌سیندن بیر ایل آیریلسون
ثبات عشقده لازمدی عاشق امتحان وئرسین
محک داشین گتور تا قابل و ناقابل آیریلسون
میان عاشق و معشوقده ارنی نه لازمدور
قدم قوی قاب قوسینه حجاب و حایل آیریلسون
گوتور بیر دسته زلفون خالون اوستن وئر بنا گوشه
قوی ای عنّاب لب، مشک تروندن فلفل آیریلسون
حقیقت آیناسیندان کفر زلفون بیر کنار ایله
قاشون شمشیرینی اوینات که حقدن باطل آیریلسون
جفاده حدّیدن گئچمه آماندور قانیمی ایچمه
قفسده چرپنور جان آز قالور چون بسمل آیریلسون
او دام زلفوه گوگلوم قوشی پابند اولان گوندن
گوزل مسکن تاپوب گر شانه قویسا مشکل آیریلسون
عتابون چم خمون وصلون فراقون عین لذّتدور
بو سوز و ساز عشقه هر کیم اولماز مایل آیریلسون
وورورسان اوخ اوخ اوستن سینه‌مه اوخ اوخ دییم یوخ یوخ
مکافات عملدن کیم گوروبدی قاتل آیریلسون

دیلون سال آغزیما دلبر وئراخ بیر دل دله دلدن
دلیمدن قویمارام دلدن دوشم شیرین دل آیریلسون
خرابات اهلییم من نیلورم دنیای آبادی
بو، یولچی، کارواندان خوش دگول بیر منزل آیریلسون
مِیِ جام الستیله خمیریم ایسلانان گوندن
او جامین نشئه‌سی آب و گلیمدن مشکل آیریلسون
کتابون مُهر مِهرانگیزیله مَهمور اولوب «نیسگیل»
چتین نسگللی دلدن بیر دقیقه نسگل آیریلسون
کریمی خالص عشقین حاصلی جان ترکین ائتمکدی
گرک عشق آختاران ریب و ریادن کامل آیریلسون

اولیای دانش‌آموزان و مربیان

دانش‌آموز را دو کس یارند دور این نقطه هر دو پرگارند
یک، پدر، مادر است در خانه دو، معلّم مدیر جانانه
این دو گر متّحد شوند و به هم دانش‌آموز را نباشد غم
گر پدر مهربان طفلان است این معلّم مربی جان است
این معلّم که علم و دانش از اوست همچو مادر همیشه دارم دوست
من کریمی ز حق سحرگاهم
طول عمر مربّیان خواهم

تقاضای تخفیف مالیات بر در آمد

رئیس محترم اقتصاد و دارائی
ز حضرت تو بود بنده را چنین تقاضائی
کمرشکن بود این مالیات بهر حقیر
امیدوارم از این وجهم عفو فرمائی
به جنب مسجد، ممّدتقی، بسان خدیم
نشسته‌ایم دلی پر ز درد تنهائی
بلی مغازهٔ ما گشته محفل ادبا
محلّ صحبت و قلیان و کرسی و چائی
گهی برای رفیقان لطیفه می‌گویم
گهی به شعر و غزل می‌کنم پذیرائی
فروش نیست دل از فِقد مشتری خون است
دخیل خالی و سر در هوای سودائی
همین مغازه بُوَد مایهٔ امید مرا
به زیر گنبد هفت آسمان مینائی
ز آب و برق و غم شهرداری و بیمه
مراست باک که کارم کشد به رسوائی
خدا ز خمس و زکوة عفو داده مفلس را
سزد تو نیز به مخلص معاف بنمائی
به شاعران صله می‌داد حاکمان قدیم
کریمیا تو هم از شاعران والائی

تخت سلیمان در محال افشار واقع در بخش تکاب در چند فرسخی شاهیندژ، صائین قلعه واقع شده که درباره‌اش داستانها گفته‌اند از آن جمله سلیمان بلقیس اینجا سلطنت کرده، بعداً خسرو پرویز بعداً ئلخان و اباقاخان آنجا را مقر حکومت قرار داده که فعلاً خرابه‌هایش باقیست حقیر در مورّخهٔ ۷۲/۳/۱۷ از آنجا دیدن کردم و این قصیده را سرودم.
جالبتر اینکه استخری آنجاست که در هر ثانیه ۱۰۰ لیتر آب از زمین می‌جوشد

تخت سلیمان

بیا به تخت سلیمان ببین رواق و صحن و ایوانش
نه در تالار بلقیسی نه در مسند سلیمانش
ز شاهیندژ چو شاهین بگذر و بنگر دژی شاهین
به ویرانیّ دنیا پی بر از آثار ویرانش
به عبرت کن نظر ای دل به تالار پذیرائی
ز جور گردش دوران چسان پیچیده شد خوانش
ز هر دندانهٔ قصری نوائی دلخراش آید
الا یا ایها الانسان شنو فریاد و افغانش
بجای بلبل و طوطی نشسته زاغ یا جغدی
هزاران مار و عقرب خفته در دیوار و بنیانش
صفای اوّلش را جستجو کن از دل تاریخ
کنون بنگر شکوه اوّلش خسران پایانش

نه دیوان و نه دیوانخانه زندان خالی از دیوان[۱]
فراری جمله دیوانش به یغما رفته دیوانش
به پای قصر استخریست یا سرچشمهٔ اشک است
که ریزد دیدهٔ گیتی به حال کاخ و سلطانش
چه استخری چو دُر غلطان مثال چشمهٔ حیوان
بخوان جنّات تجری تحتها الانهار عنوانش
هزاران قصر با نام سلیمان سر برافرازند
ولی او بی‌خبر از قصر و تخت و راز پنهانش
بسی قالیچه‌هابافند با نقش سلیمانی
بسی انگشتری سازند با رؤیا و دستانش
در این ویلا گهی بلقیس بنشیند گهی شیرین
ز خسرو ارث ماند بر اباقاخان و ئلخانش
ز بیل و تیشهٔ کاوشگران بس زخمها بر تن
هزاران شکوه‌ها از رعدوبرق و برف و بارانش
چه شد یاران این مجلس که مجلس مانده بی‌مونس
چه‌شد آن رونق و آن عزت و تجلیل شایانش
چه شد آن گلرخان پرده‌دار این سراپرده
کجا رفتند یاران شب‌افروز شبستانش
کجا آن مهوَشان دُردی چشان دامن کشان رفتند
خبر کو از صفای باغ و بستان و گلستانش
چرا شد شمعها خامش چه شد آن بانگ نوشانوش
غم و اندوه می‌بارد کنون از سر به دامانش

۱-زندانی است در کوه کلّه قندی دیوها را آنجا زندانی می‌کرد

کتاب عبرت است اینجا نه جای غفلت است اینجا
سر و سامان بگیر ای دل ز وضع نابسامانش
کدام آبادی است آنرا نباشد بیم ویرانی
کجا خندان لبی کز پی ندارد چشم گریانش
از این دار خراب آباد قانع بر خراباتم
خراباتی که پایانش رسد بر باغ رضوانش
بنازم عارفی را خرقهٔ تقوا به تن دارد
منّزه باشد از حرص و طمع دامان عرفانش
چنان باشد پس از مردن که هندویش بسوزاند
به زمزم شوید و بر مصحفش پوشد مسلمانش
غلام همّت آنم غریق رحمتش دانم
که روح طیّب و طاهر کند تسلیم جانانش
کریمی نیست خاقانی به شیدائی و شیوائی
ولی لطف حسین کرداست خاقان ابن خاقانش



داماد نوبهار چو بر گلستان رسید
پرده ز روی شاهد زیبای گُل کشید
ناگه جمال لاله از آن پرده شد پدید
گفتا به ناز و عشوه که اَیّامُکُم سَعید



باز از سمت مشرق صبح صفا دمیده
آمد بسوی گلشن آن بلبل رمیده
بر شاخ گل نشسته با قلب آرمیده
گفتا که نوبهار است اَیّامُکُم سَعیده

حاج حسین چاکردن بیرنامه

هر گون دوتارام بارماقیمی شهروزه ساری
هر صبحده وار اودلی سلامیم سیزه ساری



بولمم سنه من نیلمیشم کوسموسن آیا
چاکر دامینا دوشموسن ای طایر عنقا
عرفانله عشقیله غضب یول گئده بولمز
اخم و گله و نازیله بیر قلب دوزلمز
باشماقلاریوی سیللم ئوزوم، آچگلا باغین
یاندیر بو قرانلیق ائویمین نورلی چراغین
اگلش گوز ائوینده دوتا بو غملی دل آرام
بس هارداسان ای گوزلریمون نوری دلارام
دنیاده گوروم هر نه غمون وار منه گلسین
بیر کلمه دانیش قوی بو سینان قلب دوزلسین
آذر دیلینون ملکینه سلطانسن اوستاد
ترکین ادبیاتینه برهانسن اوستاد
باغبانسان ئوزون گللریوه سو توک عزیزیم
خار و خسی گل دوربریندن چک عزیزیم
یاغ ابر کیمی باغچالارا گل چیچک آچسون
قیر سارماشیقی قویما گُل یاسه دولاشسون
نیلوفره اوخشار گله چوخ ایله حمایت
قول بوینووا سالماخلقیلان قوی اونا منّت

ئوز باشینه قویسان گلووی کوک سالا بیلمز
باش وئرمسه باغبان سارالار گل قالا بیلمز
دنیاده وفا یوخ گونی گوندن بتر اوینور
دولموش آجیلی خاطره‌لردن خطر اوینور
قیش فصلی دیردون گلرم گللر آچاندا
رُز باشینه نیلوفر آشوب چتر ساچاندا
گُل گُلدی بهار گلدی گنه گلمدون ای یار
چاکرده که چوخداندی اولوب درده گرفتار
داغدا یاتان ایمدی اوطاقندا یاتا بولمور
دنیانی گزن بیر قدم ایمدی آتا بولمور
یورقان دوشک اود تک یاپشور جانیمه نیلوم
یاسدیق قولاق آسماقدادی افغانیمه نیلوم
گل امتحانیم سختیدی بیر ال یتور استاد
درگاه ربوبیّته بیر ال گوتور اوستاد
مجلسده حسین ابن علیدن دیه‌سن سن
بلکه بو گنهکاره شفا ایستیه‌سن سن
راضی دگولم من دوزه‌لم تا اولا کافی
مرضای تمام عالمه اللّه اولا شافی
اوغلانلارا قارداشلاریوا عرض پیام ائت
همشیره‌لره والدیه جمله سلام ائت
وقتون سنون ارزشلیدی یوردوم سنی اوستاد
اولدوم گنه بو ساعتی سنلن ائوین آباد

جواب

ای باد صبا دوشسه یولون تبریزه ساری
وئر یاره خبر بیر نظر ائتسون بیزه ساری
سن چاکر دربار حسین حاجی حسین سن
مشکلده قالانلار ال آچالاّر سیزه ساری
منده نه لیاقت دل آچام عرض دعایه
گوز یاشیم آخار سیل روان تک یوزه ساری
سن لطف ائله کوچه قاپی‌سیندان سسون آلجاخ
لبیک دییوب تئز قاچارام دهلیزه ساری
قلبیم غمیلن دولدی ائشیتدیم بئلون آغریر
گاه گاه آتوری سانجی بئلوندن دیزه ساری
اللّه سنی بیر لحظه مریض ائتمیه چاکر
گئتسون هامی دردون مرضون دینسیزه ساری
آتمیش ایلی پیچ و خم دنیانی قوتاردیم
مقصد گورونور چیخمیشام ایمدی دوزه ساری
یاتدیقجا یتیشدیم گوروکن داغ اوزاق اولماز
نیلیم یاشادیم دوخسانی آشدیم یوزه ساری
انسان قوجالاندا دُوزه بولمز گزه بولمز
ایستور دونه یاز گونلریمیز پاییزه ساری
بارماقلار اَسَر باش گیجه‌لر دورجاق ایاقه
تترر یخیلار صندلین اوستن میزه ساری
باش سقّلی آغ پانبوقا دوندردی کریمی
غربتده داریخدیم گئدیرم ائمّیزه ساری

شمالا سفر

گنه بیر گون نصیب اولدی سعادت دولوبدور باشلارا شور سیاحت
مین اوچ یوز یتمش ایکی ماه خرداد قالور بش گون که گلسون تیر و مرداد
سئچیلدوخ دورد نفر یار موافق صفادن سؤزده صحبتده مطابق
بیری حاجی حسن شهرت زمانی بیری صادق نژاد اهل معانی
حاج ایلائی صفابخش وفاجو کریمی شاعر طنّاز و خوشخو
زمانی اگلشوب فرمان دالیندا که رستم گیزلنوب قلخان دالیندا
چکوب مهمیز اياق قویدی رکابه نفس چکماق همان چاتدوخ بنابه
کباب صرف اولدی خدّکدن یوخاری کبابین پپسینون گازی بخاری

موتال‌تپدیک قارین ششدی تخیندی
زورا دوشدی بی‌ام‌و شیشه سیندی

ائله شاقیلدادی شیشه میننده اوجور دیسکینمه‌میشدیم بوم دوشنده
ادا ائتدوخ نمازی شاد و خندان ماشیندا صرف اولوندی چای‌وقلیان
سوار اولدوخ یولا یولدان موز آلدوخ ماشینون شیشه‌سین تبریزده سالدوخ
باخوب شیشه سالان گولدی سُویندی بحمدالله دئدی خرج چیخدی ایندی
مریضین گوردی جیب جلبندی سازدی زیرک دکتر کیمی هی نسخه یازدی
سوکوب‌قوشدی قاهاردی‌قوتدالاندی داریخدوخ قاش قارالدی گون یوباندی
زمانی دُؤزدی گوردی یوخدی چاره قاچوب گاهی یمینه گه یساره
گوزلدور اهل صنعتده تخصّص ولی آزدور بو ملّتده تخصّص
طبیب‌ایستور یالاندان نسخه وئرسون مریضین قانینی سورسون اوتورسون
هامی صنعتگرین قولی یالاندی الی اگری ایشی خلقه زیاندی
ژاپوندا گور نه طوفاندور نه غوغا نه صنعتلر قویوب حیراندی دنیا

بیزیم ملّتده توستویلن قارالمیش سوموکدی‌بیر چووال سولموش‌سارالمیش
خلاصه گئچدوخ اگلشدوخ ماشیندا نئچه مین ترله‌دوخ قونقا باشیندا
یوموب نرگس گوزون بلبل یاتاندا ماشین سرعینه چاتدی گون باتاندا
نزول ائتماقدا ویلا چشمه ساره صفالی بیر اطاق ائتدوخ اجاره
چیموب سرعینون اعمالین قوتاردوخ وسطدن قارپیزی شصتیله یاردوخ
یوویندوخ آغری‌ماغری چیخدی جاندان چغندر تک پیشوب چیخدوخ تیاندان
زمانی حاجی ایلائی کریمی حاج علی دورد نفر یار صمیمی
گنه اوتدوخ ماشیندا شاد و مسرور سلیقه جور یولداش جور سؤز جور
گه آرواددان دیردوخ گه اوغولدان گهی موزدان ییردوخ گه نوغولدان
گهی شعر و غزلدن داستاندان گدیکلردن دونوب آشدوخ حراندان
نه باغ فکری نه آلما آلچا ذکری نه گوشتی صحبتی نه تخمی فکری
یتیشدوخ جنگله به‌به نه جنگل صفالی خوش هوالی چوخ مفصّل
دوشنمیش یر چمندن مثل قالی گوزل صبحانه صرف‌اولدی چوخ عالی
سمن بید و چنار و سرو بالا سالوبلار قول قولا چون لام الف لا
گولور هر گل ائدیر ئوز بلبلین شاد ائدر هر عاشق ئوز معشوقه‌سین یاد
ولی جنگلده بیر پیر بد اخلاق بیزه جنگل فضاسین ائتدی دوستاق
یوزی چرکین سؤزی یاوه دل ازوای دئدیم سن‌شمریسن یا خولی وای‌وای
یدوخ ایچدوخ بدنلر سازه گلدی ماشین طیاره تک پروازه گلدی
گنه بیر جنگله چاتدوخ مصفّا قویولدی پکنیک اوسته یاغلی شوربا
نه شوربا نازلی دوزلی دادلی شوربا سریمساق گوجه‌لی هر زادلی شوربا
او شوربا گتدی ایلائینی شوره بو بیتیله وئروب عشقین ظهوره

خوشا شیراز و وضع بی مثالش
خداوندا نگه دار از زوالش

صورا بیر بیت ذکر ائتدی زمانی همان بیتی دئدوخ گولدوخ زمانی

دگر بیر جوت قرا قاشون مین آیه
عزیزیم وئرمرم حسنون مین آیه

مین آییم بیر گونه دگمزسن آیسیز
دگر تک بیر گونوم سنلن مین آیه

حاج علی شیره بنزر الده قلیان
عجب غوغا ائدوب جنگلده قلیان

بلی عشق اهلینه عادتدی قلیان
خصوصاً شاعره نعمتدی قلیان

صدای حق حقّیندن درک ائدرسن
که حقانیّته حجّتدی قلیان

وجودی خاک و باد و آب و آتش
که هر دورد عنصره قوّتدی قلیان

اونی بنزتمه سایر اعتیاده
دوغوردان میوهٔ جنّتدی قلیان

گنه وئردی زمانی رخشه جولان
یتیشدوخ انزلی‌ده ائتدوخ اسکان

بساطی پهن ائدوب دریا کناره
گنه باشلاندی عیش عشرت دوباره

سوار اولدوخ یتوب نشعه تمامه
عقاب آسا اوچوب دوشدوخ خُمامه

نه غم چکدوخ نه بیر ذرّه یورولدخ
ایکیندی وقتی رشته وارد اولدوخ

نه دلده غم نه تشویش و تشنج
دولاندوخ رشتی من باب تفرّج

زیارت ایلدوخ «دانا علینی»
چاغیردوق صدقله مولا علینی

خدا لطف ایلیوب اُستان رشته
هواسی یای و قیش بنزر بهشته

یتیشدوخ فیض تغییر هوایه
عقاب زرمیخله صومع‌سرایه

سوروشدوخ هاردادی سلطان جنگل
مقرّ میرزا کوچک خان جنگل

دئدیلر سن دیین خاندان خبر یوخ
مقرّیندن مکانیندن اثر یوخ

بو دنیا نه بگه قالدی نه خانه
او خانلاردان رجوع ائت هفتخوانه

هانی کنگر ییوب لنگر سالانلار
نه رستملر قالوب نه ارسلانلار

کمند آتدی اجل بهرام گوره
اونی گوریله چکمیش دام گوره

سینوب پیمانه‌لر می‌لر جالاندی
بونی هر کس اوجوز ساتدی قازاندی

بو دنیا تیشه‌سی کوکلر قازاندی
بونی هرکس اوجوز ساتدی قازاندی

باخاردیم دشتده کشت برنجه
خانملار چوخ دوشوبلر درد رنجه

بویوکلی خیردالی قیزلی گلین‌لی
آداخلی بی آداخ دول یا کبین‌لی

سحر آخشام سودا زیغدا نشاده
چالقلولاّر بو دنیای فناده

دیزه‌تک سو ایچینده یانه یانه
وورور گون باشلاریندان تازیانه

نه قیزلار دوزلو مجنون لیلی‌سیندن
ولی یوزلر سولوب غم سیلی‌سیندن

آخور تر قاشلاریندان یانه یانه
قلجدان قان دامان تک دانه دانه

قارالمیش ک... ایچره نار پ...
هوروکلر پتداشوب چون جنگلستان

دوروب تر ژاله تک لاله یاناقدا
سرین آلما کیمی ایستی اوطاقدا

دئدیم آخر ندور حکمت الٰهی
نئچه جور خلق اولوب عورت الٰهی

بیری مین نازیله ذوق و صفاده
گزیر حوری کیمی جنّت سراده

قویوب مشلی باشین ناز بالش اوسته
یوزی یارین یوزینده مست و خسته

تب ائتسه اوخ دینده جان دیوللر
اونا مین گوشه‌دن درمان دیوللر

سِوادور یاس لباسی طوی لباسی
مرتب زندگانلقدا اساسی

بو بیچاره ایش آلتندا قوجالمیش
جوانلقدا جهان بوندان باج آلمیش

گزوب رشتی بعنوان سیاحت
هتل پردیس‌ده ائتدوخ اقامت

چلو برگی کبابدان یاش بالقدان
یدوخ خدّکجه دورد قارداش بالقدان

گئجه یاتدوخ یوخودا قوش دادوتدوخ
سحر دوردوخ یالاندان دوش دادوتدوخ

هتل پردیس‌دن چیخدوخ سحرگاه
سوار اولدوخ توکّلت علی اللّه

فراموش ایلدوخ اُستان رشتی
هوای دلکش و بستان رشتی

امام زاده هاشم وار چوخ مجلّل
رواقی صحنی ایوانی مفصّل

تعال اللّه ائله فرّ و شکوهه
یوز آتمیش پلّه‌دور بالای کوهه

علی فرزندیدی باب الحوائج
گلور زوّار آلور اوردان نتایج

زیارت ایلدوخ شاد و خرامان
یدوخ صبحانه‌نی صرف اولدی قلیان

نه کوسدوخ نه تَلَسدوخ نه یوباندوخ
صفالی شهرلر گزدوخ دولاندوخ

دولاندوخ هانسی بخشی هانسی شهری
دئمه یاددان چیخاتدوخ نور بهری



گلون قارداشلار انصاف ایلیاخ بیز گوگل آئینه‌سین صاف ایلیاخ بیز
آتاخ بیگانه‌لیق رسمین اولاخ یار مریضلیق وار ئولوم وار آیریلیق وار
محبت کولگه‌سین سال باشیم اوسته صباح قان آغلاما باش داشیم اوسته
گرک کینه اورکلردن قازیلسین یرینده الفت و سازش یازیلسین
یقینیمدور کلید باغ جنّت محبّتدور محبّتدور محبّت
یتیشدوخ بیر صفالی گلستانه گوزل بیر شهر آدی آستانه
مقام اشرفه اولدوخ مشرّف آدی سیّد جلاءالدّین اشرف
زیارت ایلدوخ اوردان بوز آلدوخ هولوینان پرتقال آلدوخ موز آلدوخ
دوروب اورداندا لاهیجانه گلدوخ بیر ایش گلدی قباقه جانه گلدوخ
گوزل بیر شهریدی چوخ سبز و خرّم چه فایدا بیزلره اولدی جهنم
بیزه بیر ساری پیکان ووردی دالدان کمالدان انتظار اولماز که مالدان
بیر عدّه قانمیوب عالمده قانماز وورار آغلار حیا ائتمز اوتانماز
اگر آرم آداملیق باش قولاقدی یکه باشلی قولاقلی بوز اولاقدی
بیزی سالدی خساراته هراسه ایلان تک دل چیخاتدی التماسه
شفیع گتدی خدانی انبیانی غرض تقصیرین عفو ائتدی زمانی
یتیشدوخ زیر کوهه آبشاره ییخوب بیر قارپیز ائتدوخ پاره پاره
چیخا ایت دیرسگی چشم حسوده خرامان وارد اولدوخ لنگروده
بیزی حفظ ائتسون اللّه بد نظردن آلیجی قوش تک آشدوخ رودسردن
نزول ائتدوخ ناهاره رامسرده غمی آتدوخ کناره رامسرده
عجب ذوق و صفا وار رامسرده نه دلده غم قویور نه آغری سرده
عجب زیبادی چشم‌انداز دریا سرود سازیدی آواز دریا
طبیعی ایستی سو وار رامسرده او سو درماندی گویا بعضی دردە
حاج علی چیمماقندا ائتدی تأخیر سو ایستیدی یوخیدی اوندا تقصیر
گئچوب تنکابنی هر فکری آتدوخ بیر آز مدّتده سلمانشهره چاتدوخ

آمان ارباب تورموز دنده‌لردن — بیر عدّه تندرو رانده‌لردن
جت و موشک‌کیمی سرعت دوتوللار — حیا ائتموله هی سبقت دوتوللار
نه قانون واردی نه صاق‌صول قانوللار — نه مذهبدن خبر نه یول تانوللار
یولی بیر دفعه‌لیق قاپسیر تریلی — بیری گئچسون قباقه یوخدی میلی
ابرقدرت بولوللر ئوزلرینی — یریدوللر همیشه سؤزلرینی
طبیعتده قوی‌لر زور دییللر — ضعیفین بوینونی بورخوب بییللر
گئجه جنگلده قالدوخ کمپونیک‌ده — قباقدا میوه آبگوش پیک‌نیک‌ده
چالوسدان روغن اولدی‌رخشه‌تعویض — گوزل اوستادیدی برعکس تبریز
الی قابل ئوزی لایق مؤدّب — دیلی شیرین ایشی عالی مرتّب
بیزه چوخ حرمت ائتدی لطفی عالی — دوغیردان آلدیقی اولسون حلالی
اوشاق تک ناز بشکیده یر قالاندوخ — گزوب نوشهری چالوسی دولاندوخ
اتی قویدوخ گئجه پیکنیک‌ده گازه — او قورولدوخجا بیز دوردوخ نمازه
رکوعه کش وئروب سجده اوزاندی — نمازدان قورتولونجا شوربا یاندی
دئدیم آروادسیز آغزیندا داد اولماز — دوغوردان دوردکیشی بیرآرواد اولماز
نظافت رسمینه دانادی عورت — کیشی فعله ولی بنّادی عورت
اَره غملر گونی قارداشدی آرواد — قیزیلدان خام گوموشدن باشدی آرواد
پولون وار وئر آل عورت،عورت اوسته — قویون نعمت قالانسین نعمت اوسته
پیس آرواددان هراس ایله اماندی — پیس عورت مقعد اوستونده چیباندی
پیس آرواد رشتهٔ عمری قیراندی — کبینی بیر قران اولسا گراندی
خانم اولسا نجیبه محترمدی — قیزیل سال وزنیجه مهریّه کمدی
نجیبه عورتی جان تک قوجاخلا — مدال عشقینی سینونده ساخلا
گهی آلچاق گئدردوخ گه یوخاری — بو نوعی دور ائدر چرخین مداری
اوجا آلچاق انیش یوقّوشدی دنیا — ولی خوش ناخوش آخر بوشدی دنیا
سلیماندان بو دنیا باج آلاندی — گوزل بلقیسی تختیندن سالاندی

بو دنیاده او کس اوتدی قازاندی یدی ایچدی گیوب گزدی دولاندی
زمانی‌ده گوزلدور دستفرمان گنه معمار ائدردی تئز تئز اعلان
تلسمه سبقت آلما تند گئتمه غضبلنمه ئوزون ناراحت ائتمه
همی جانه خطردی تندرولیق هم ایمانه ضرردی تندرولیق
دوشوب صبحانیه بیر خوش مکاندا سفیدرودین کناری گلستاندا
ایکی داغین آراسی چای قراقی سویون دلکش سسی صبحین سازاقی
اوجاق دمده عقیقی چای قاباقدا دوداقلار گولمه‌ده قلیان داماقدا
گهی بحث ایلدوخ شعر و غزلدن لطیفه جوک مثلدن گه متلدن
یدوخ صبحانه‌نی کئف سازه گلدی بی‌ام‌و قرقی تک پروازه گلدی
کرج سدّیندن آشدوخ ساعت اوندا چاتوب دروازهٔ قزوینه صوندا
یتیشدوخ قزوینه ظهرون زمانی زیارت ایلدوخ ابن رضانی
پر آچدوخ ابهری گئچدوخ شتابان عیان اولدی سواد شهر زنجان
گوزل بیر قطعه تاپدوخ سایه‌لیقدا آخار بیر چشمیه همسایه‌لیقدا
ناهاردان فارغ اولدوخ چکدوخ ایچدوخ گئچوب ساعت‌بشی زنجانی گئچدوخ
حکایت باشلادوخ شیرین فسانه دئدوخ گولدوخ عیان اولدی میانه
سفر کوتاهیدی عیشی مفصّل تو خود شرح مفصّل خوان ز مُجمل
اوچ آیلیق لذّتی اوچ گونده گوردوخ ماشاءاللّه چوخ کئفی بیزآزدا سوردوخ
قوتولدی دن دگیرمان خالی اولدی ماشین گویا کاسیب یخچالی اولدی
یمه‌لی قورتولوب قابلار بوشالدی تک اسباب شفاعتدن سو قالدی
حاج علی الده کلمندی لیواندی دیور تئزتئز ایچون هرزاد سوداندی
سودان خلق ایلیوب انسانی خالق نه پاکیزه سو بَل مِن ماءِ دافق
مسلمان و یهود و ارمنی‌دن اولوبلار خلق بیر قطره منی‌دن
بش اون گون آلدوخ آرامش وطندن یولون یورقونلوقی چیخدی بدندن
گزنتی رسمیدی بیر یرده دورماز دکاندا حجره‌ده راحت اوتورماز

گنه یر دیشلدی قیزدوخ داریخدوخ   بیزی شهر مراغه سیخدی چیخدوخ

زمانی، شیخ حسن، ایلائی داود   کریمی بش نفر اهل دم و دود

پژو گلدی بی‌ام‌و قالدی دینجه   یتوب ایلائیه فرمان سووینجه

وسایل جابجا اولدی ماشیندا   گوزل راننده‌میز فرمان باشیندا

پژو بیر یورقون آت تک یورقالاردی   گلن سبقت دوتاردی بو قالاردی

دئدیم ای نقش زیبای خیابان   اولان سرعتده آهوی بیابان

هانی اوّلده‌کی نقش نگارون   اوچ ایل بوندان قاباق‌کی اقتدارون

سیزیلدیرسان ندور بو آه و ناله   هاران آغریر نه باعثدور بو حاله

سن آهو مثلی داغلاردان آشاردون   مارال مثلی گئدیکلر دیرماشاردون

پژو بیر بوق ووروب گوزلر برلدی   دایاندی تورموز ائتدی نطقه گلدی

دئدی سن گوردوقون گونلر قوتولدی   قوجالدیم صبح امّیدیم شب اولدی

دئمه دینگیلدیوب قاقّلداماقدان   سوروش اینگیلدیوب تاقّیلداماقدان

جوانلیق گئتدی آرامیم توکندی   دومان گلدی قرانلوق آلدی کندی

اوغول فکر ایلمه انسان قوجالماز   بو سرمایه همیشه الده قالماز

ماشین تک بیر گونی اوراق اولارسان   ئولوب یاددان‌چیخوب توپراق اولارسان

منه مین گوشه‌دن داشلار آتوبلار   وظیفه‌مدن اضافه یوک چاتوبلار

مسافرلر ماشاءاللّه چاق و چلّه   گوجوم چاتمیر چیخوم قوی پلّه پلّه

کومکلیق ایلمیر یورقون کومکلر   کومکسیز من کیمی لوهلر ایمکلر

همیشه بو گوزللیق سنده قالماز   آچان گُللر سولار گلشنده قالماز

بلی هر تازه آخر کهنه‌لندی   بُوَد پستی سرانجام بلندی

من ایلائی‌دن ال چکدوم یورولدوم   او مندن چکمز ال نیلوم بوغولدوم

منی گوزدن سالوبلار یوخدی شانسیم   نه میزان فرمانیم وار نه بالانسیم

دئدیم ئوز یولداشین یولداش آتانماز   گران آلمیش سنی ارزان ساتانماز

مگر یولداش قوجالسا ترک ائدللر   بیر آزدا احترامین برک ائدللر

سنیله گورمه‌لی گونلر گوروبدی سوروبدی سورمه‌لی کئفلر سوروبدی
قلم نصف‌النّهاره چکدی تیره سرابدان وارد اولدوخ آب نیره
آدی قینرجه جوشان و خروشان بسان کورهٔ آهن فروشان
سو که یردن چیخور پاکیزه‌دور صاف ائدر آلوده بیر عدّه بی‌انصاف
سو بیر پارچا صابین یاغ زیر زبیلدی دولاشیر قول قیچا قیلدی قیزیلدی
دئدیم ارکان ایماندور نظافت بابا تکلیف انساندور نظافت
نظافت اصل ایمان بشردی نظافت اولماسا ایمان هدردی
ناهار سرعینده صرف اولدی گوارا چلو، برگی کباب آیران چوخ اعلا
اولوب سرعین‌ده ساکن قبیله پژو تعمیره گئتدی اردبیله
ادا ائتدوخ جماعتله نمازی یدوخ شامی قارینلار اولدی راضی
سویا چیمدوخ بدنلر پیشدی یاندی عوارض یوخلادی اعصاب اویاندی
غلطدور یوخلاماق ابن سبیله ماشیندان اُتری گئتدوخ اردبیله
پژو سالم قوتولمشدی عملدن که اون‌مین قدری قویدوخ اوردا الدن
گذاریم بیر سولان بستانه دوشدی یولوم بیر کهنه قبرستانه دوشدی
او یردن منزوی‌نین عطرین آلدیم گئچن ایّامی بیرده یاده سالدیم
دئدیم ای لنگ ائدن افکاری دنیا اولان مهر و وفادن عاری دنیا
قویولموش مین بلا هر نعمتونده که مین زحمتدی هر بیر لذّتونده
گلن پیسلور سنی ایلور مذمّت ولی جان تک قوجاقلیر وار نه علّت
مشقّتسن فناسن قیل و قالسان یالان افسانه‌سن خواب و خیالسان
غرض سرعینی ترک ائتدوخ شتابان اولوب ایلائی فرماندار فرمان
بزنمیشدی پژو گویا گلیندی مگر کمپانیدن چیخمیشدی ایندی
بلی دکتر ایشینده لایق اولسا ائدر سالم مریضی حاذق اولسا
مکانیک ماهر اولسا صنعتینده نه ایستر وئر دانشما قیمتینده
گون،اورتادان آشاندا آسماندان پژو چون ایلدیریم شاخدی حراندان

گزردوخ گون کیمی داغلار باشیندا
طبیعتدن کئف ایلردوخ ماشیندا

بولودلار قات باقات گویدن انردی
گلاب و عطر مشک عنبر آلردی

گوزل جنگلده فرشی سالدوخ اوتدوخ
ایکی کیلو بال آلدوخ اوردا اوتدوخ

دگولدوخ راضی اصلاً یول قوتولسون
یتشسون گون غروبه آخشام اولسون

تالِشدان ردّ اولاندا قاش قارالدی
زمانی فرمان ایلائی‌دن آلدی

ماشاءاللّه مثل رستم میندی رخشی
گئچوب سرعتله شهری کندی بخشی

یولا قویماقدان اوتری نردبانلار
قاریشدی بیربیره دوزلر یالانلار

گوزل ویلاده بندر پهلوی‌ده
سکونت اولدی کاخ خسروی‌ده

صدای نعرهٔ امواج دریا
همی دلچسبدی هم وحشت افزا

شپه یردن یاغش گویدن گلردی
گولش یوزلرده شبنم خلق ائلردی

یدوخ بیر شام، بین الماء والطّین
ایکی مرد شریفین دست پختین

یوخی لازمدی امّا وقت ائدر فوت
باشارسان یاتما النّومُ اَخِ المُوت

ضروری‌دور یوخی امّا حضرده
یوخودان اجتناب ایله سفرده

یول اهلی یوخلاسا یولدا ناخوشدی
ائوینده یاتماقی اوندان که خوشدی

اولار که اصل مقصوده چاتوبلار
جهاندا آز ییوبلر آز یاتوبلار

قارین دولسا اولار ظاهر کسالت
کسالتدن مسلّمدور بطالت

غذانی یونگول‌ائت سعیون چوخ اولسون
قارین آج‌اولسااولسون گوز توخ اولسون

نوای دلکش و خاموش دریا
بیزه لای لای چالان مادردی گویا

او آرامش او آسایش او رؤیا
الٰهی اَعطِنی فی کُلّ لِیلا

اولوب صبحانه‌دن فارغ سحرگاه
ائدوبدور قافله ترک گذرگاه

گوزل یرلر گزردوخ بارک اللّه
گورردوخ گورمه‌لی یرلر ماشاءاللّه

نه یول‌لار یول دئمه صاق صول گلستان
گوزون هر قدری ایشلور جنگلستان

گزردوخ هر نقاطی هر بلادی
سالاردوخ یاده هی «صادق نژادی»

بلی دوست دوستونی یاددان چیخاتماز
بش اون‌گون‌گوزدن ایتجک داشین آتماز

عوامین دوسلوقی بنزر وضویه
عروسین چهره‌سینده رنگ رویه

بونی بیر مختصر یل باطل ایلر
اونی بیر وصل شیرین زایل ایلر

ولی دوسلوقدا وار بیر جمع مخصوص
اولاردور مظهر بنیان مرصوص

شدایدده سفرده یا حضرده
دوتاللار دوسلوقین شرطین نظرده

اولار ثابتدیلر عهد و وفاده
دۆزللر اخمده خشم و جفاده

بوجور دوستون وجودی پر بهادور
اگر تاپسان ایتورمه کیمیادور

چاتوب شیروده آلدوخ دستمازی
امام‌زاده‌ده قیلدوخ نمازی

او یرده بزم عیشیم ماتم اولدی
کیف ایتدی فکر درهم برهم اولدی

کیف ایتماقدا منی یاندیردی یاخدی
آنادان امدیقیم بورنومدان آخدی

زمانی‌دن او منده‌یدی امانت
امانت ردّینه اولدوم خجالت

زمانی هی دئدی عیشون چاق اولسون
جهنم کیف ایتوب کلّه‌ن صاق اولسون

نه غمگین اول نه افکارون پوزولسون
محبّت ایتمه‌سین ایتمیش پول اولسون

حاج ایلائی وئروب تئزتئز تسلّی
که یوخ غم غصّه‌نین فکرین محلّی

یقیناً بو ضرر نفع بدندی
نقدری فکر ائداخ جیبدن گئدندی

آدام وار بیر قرانین ضربین آلماز
شیرین پولدان عزیزیم‌گئچمک‌اولماز

حاج حسن واقعاً درده دَگَندی
غنی‌دور طبعی گوز توخ جثّه گندی

بو سؤز دلدن چیخوب دلدن گئچوبدی
دیر پولدان گئچن پُلدن گئچوبدی

گه ایلائی سوروب گاهی زمانی
یتشدوخ چالوسا آخشام زمانی

گئجه جنگلده یاتدوخ لیک حالسیز
اولا بیلمز بشر قالسین خیالسیز

نه چای قلیان نه‌صحبت دوشدی یاده
بوتون کئفلر کیفیله گئتدی باده

سحر دوشدوخ یولا پوزقون پریشان
هامی صبحانه‌سیز بی حال و حیران

چه فایدا غم یماقدان دم دوزلمز
قوشی الدن بوراخما گئتسه گلمز

پژو اصلان کیمی قیزدی قودوردی
یولون بیر یول دامارین چکدی قیردی

هماتک آلدی الهام آسماندان
آشوب گرگان و شرواندان قوچاندان

گئجیدی وارد اولدوخ ارض طوسه — دیار مطلع شمس الشّموسه
کلیم آسا یتیشدوخ دشت طوره — تعال اللّه او طور اوستونده نوره
او یر آرامگاه شاه دیندور — گوزل بُقعه مطاف مسلمیندور
او بقعه منبع فیض خدادور — اورا غبطه ائدن عرش خدادور
گتوردوم دردیمی بیربیر بیانه — گوزل دربارینه شهلر گدادور
محلّ استجاب و التجادور — نه حاجت ایسته‌سن اوردان روادور
او درگهده برآورده دعادور — مریضه دردمنده مدّعادور
رضا سرحلقهٔ اهل وفادور — بهشته غرفهٔ ایوان طلادور
او سیمین پنجره دارالشّفادور — مجلّل بارگاهی باصفادور
او یرده میهمان اهل کسادور — دیه بوللم خراسان کربلادور
دلیلیم وار سؤزومده یوخدی اغراق — دئسم زوّاری زوّار خدادور
ایکی گلدسته وار گنبد وسطده — کلام اللّهده لفظ لَنادور



رضا جانِ جهان آرام جاندور — جواری رشک فردوس جناندور
مزاری مأمن ایرانیاندور — همان قبر اوسته زهرا نوحه‌خواندور
ائدن غبطه او قبره آسماندور — ملکلر درگهینده پاسباندور
شب جمعه رواقی گلستان‌دور — اون اوچ معصوم او شاهه میهماندور
او شه زهر جفادن باغری قاندور — الی قلبینده ذکری الاماندور
وطندن آیریلوب اشکی رواندور — گوزی معصومه گوزلر ناگراندور



دولاندوخ ناصر ایلائینی گوردوخ — اونی‌ایشدن قویوب یوردوخ اُتوردوخ
اله گتدوخ سفردن خیر و بهره — یتشدوخ بیرده وصلِ «نور بهره»
قوناق اولدوخ شاما یاتدوخ گوگل‌شاد — دوغوردان خانهٔ احسانی آباد
سحر صبحانیه پوست پلنگی — گوتوردوخ ائتدوخ عزم کوه سنگی

دوزولدی تازه سنگک بال کره‌یلن
یری بوش دوسلارین خاصّه عطانین
اگر معماریله طهباز اولاردی
سحرخیزان مشهد پیر و برنا
جوان خواب سحردن ایله پرهیز
سحر شیرین یوخی تریاکه بنزر
حاجی ایلائی آچدی خوان احسان
چلو ششلیک کانادا ماست و آیران
قارین‌باسدی‌یدوخ ایچدوخ یخیلدوخ
یماخ ایچماخ دئماخ گولماق سیاحت
بو یولداشلاردان ای خالق چوخ ایله
گوزل سرمایه‌دور انساندا آنلاق
حاج ایلائی دئمه باشدان اياق دوز
برادر شیخ حسن شکل لیاقت
الٰهی هئچ یولی یولداشسیز ائتمه
عنایت ائت الٰهی بو دعایه
ناهار گلدی بادمجانلار قیزاردی
یتیشدی صبح شنبه هشت مرداد
حرمدن خارج اولدوخ حسرتیله
خراساندان چیخوب صبحین زمانی
گلوبدور شیخ حسن شوره چو بلبل
خلاصه ذکری دوتدوخ فکری آتدوخ
اولوب صبحانیه خیّامه مهمان
دعا وئردوخ او پیر نامداره

گوگلده قالدی شیرین خاطره‌یلن
ودود مسعود مجید نوجوانین
هئله کئف اوندا بوندان ساز اولاردی
گلوللر ورزشه نادان و دانا
ئوزیوه عادت ایله اول سحرخیز
دم‌آوردور ازل آخر غم‌آور
ناهاره ایلدی شاندیزده مهمان
نه شاندیز واقعاً بیر باغ رضوان
نمازی مسجد شاندیزده قیلدوخ
قاریشدی بیربیره عیش و زیارت
دوشونمز یولداشی یولدان یوخ ایله
عزیز ایلر سنی هر یاندا آنلاق
زمانینی الٰهی قویما یالقوز
آقا داود سیمای متانت
جهاندا هئچ کسی قارداشسیز ائتمه
گئداخ بو جمعله بیر کربلایه
بادمجاندان بتر جانلار قیزاردی
زیارت قورتاروب ای داد و بیداد
یولا دوشدوخ کمال سرعتیله
قیرآتین میندی اویناتدی زمانی
اوخوردی آیةالکرسی توسّل
ساحات دوقّوزدا نیشابوره چاتدوخ
دوزولدی بال کره‌یلن چای و قلیان
سوار اولدوخ دوزلدوخ سبزواره

نهارین نقشه‌سین چکدوخ نظرده — گازی دولدوردوخ آلدوخ چرخ‌کرده
خدایه شکر اولا یخچال دولیدی — خیار امرود اوزوم قارپیز هولویدی
مسافر کوک آغیر یوک یول مفصّل — پژو قیزدیردی زیرک اولدی تنبل
بلی سالک سبکبار اولما خوشلار — آغیرلاشسا شله انسان ناخوشلار
سبکبار اول ئوزون چوخ ائتمه خسته — یوکی یونگول گوتور قالما یول‌اوسته
نشابوردان دوتوب تا شهر شهرود — فقط بوش یردی قالمیش خالی از سود
نه بستان و نه باغ و نه مزارع — گوزل یرلر نه زرعی وار نه زارع
بولار بوغدائیله دولسا سراسر — وطن دنیایه بوغدا صادر ایلر
او کشورلرده حاصل چوخدی یر یوخ — بیزیم کشورده‌حاصل یوخدی یر چوخ
بیزه «داودیدی» ناظر هزینه — نه خشلردی قوتولمازدی خزینه
امین اولسا وزیر اقتصادی — ائدر تأمین کمبود بلادی
بوتون کشورلره اوچ شِی‌دی آفت — ائشیت تبعیض‌دور، ظلم و، خیانت
خیانت شهرلر قویموش خرابه — خیانت شخصیلر سالمش عذابه
او کس که ائتدی بیت‌المالی غارت — جزاسی حشره‌تک لعنتدی لعنت
ماشین داو گوتدی قالخوب آسمانه — گئچوب شاهرودی چاتدی دامغانه
سویوندی آغ دونون گون گییدی قاره — گئچیلن وارد اولدوخ گرمساره
ییغاندا خیمه‌سین گون داغ باشیندان — اذانی باشلادی داود ماشیندان
یتیشدوخ پایتخته لامحاله — محلّ استراحت پارک لاله
بساطی پهن ائدوب فوراً زمانی — قویوب تئز پیک‌نیکه چایی غذانی
الی دادلی ئوزی دوزلو ماتاندی — ماشاءاللّه شور سودان قیماق دوتاندی
سحر تئزدن دوروب فوراً اياقه — سوار اولدوخ دئدوخ گلدوخ مراغه
اورکلر برگ نعنا مثلی اسدی — سفر طول اولدی ایلائی تَلَسدی
خدابنده مقامین مسکن ائتدوخ — که سلطانیّه‌دنده دیدن ائتدوخ
ناهار زنجاندا صرف اولدی بیبارلی — داشوب خیدّکدن آشدی وارلی کارلی

ماشیندا شیخ حسن دوتدی ترانه
اندوب عالی توسّل یانه یانه

قرا پرچم ساچیلدی آسمانه
ماشین چاتدی امامزاده چکانه

رفیق ائتدی بیزه توفیقین الله
یتیشدوخ مقصده الحمدللّه

کریمی یاخشی شیریندور مقالون
دوغوردان طبع شعر اولسون حلالون

ماشاءالله آغلادیرسان گولدیرورسن
سؤزی هر نحویلندور بولدورورسن

خدا لطف ایلیوب طبعون رواندی
قوجالساندا ئوزون شعرون جواندی

سؤزون باشدان باشا پند و مواعظ
دییر احسن سنه سعدی و حافظ

خوش آنکس کز چغندر قند گیرد
ز اشعار کریمی پند گیرد



ئولومدن چتین

سؤال ایلدیم بیر نفر شخصدن
جهاندا نه شِیدور ئولومدن چتین

بیر آز فکره گئتدی تأمّل ائدوب
منه سویلدی بیر جواب متین

قوجالیق کاسیبلیق دوشه بیر یره
ناخوشلیق اَریده وجودین اتین

نه اوغلان حسابه قویا نه گلین
نه قدرت که آغزین یوما عورتین

کراکشلیق الدن آلا طاقتین
ائده خرج دکترلره ثروتین

تانیشدان شماتت یانیشدان یامان
آلا جانینی صاحب غیرتین

بئله شخص اگر ساتسا مغبون دگول
بوجور عمرین اوچ مرگه هر ساعتین

قان توکولر

یوزه اشکیم دییه‌سن بارش نیسان توکولر
فصل نیساندا اوجور که یره باران توکولر
شمع‌تک گولماقیم، آغلاتمادا یاندیردی منی
بولمدیم غنچه بوداقدا اولا خندان توکولر
اودلی آهیم یارالی قلبی کباب ایلدی گل
چون قوناق گلسه ائوه، سفریه بریان توکولر
عشقوین خسته‌سیم ساچلاریوین بسته‌سیم
قلیجی قاشلارون اویناتما گوزل قان توکولر
کفر زلفوندی قیران سبحهٔ صد دانه‌لری
عشق طوفان ائلسه دین گئدر ایمان توکولر
کافر محضیدی صنعان اونا عاشق دئمرم
عشق اگر اولسا مجازی اونا قرآن توکولر
زاهده وئرمیه‌سیز راه خراباتی نشان
عارفین ساغرینه بادهٔ عرفان توکولر
سحر آئینه‌ده باخدیم آغاران توکلریمه
دئدیم ای تاری بو قار باشیمه هاردان توکولر
باشیما غم قاری یاغدیقجا اورکدن قان آخار
کهنه دامدان نئجه‌کی دامجی فراوان توکولر
قورسالار سنجش اعماله عدالت قاپانین
بنده‌لردن چیخابیلمز یوزه دوخسان توکولر

دئمورم لطفله رفتار ائده خلاّق لطیف
کرمی جوشه گلر رحمت و غفران توکولر
توبه‌نین وقتینی میخانه‌چی اورگتدی منه
اوندا که ضرنا سینار آی بالا دندان توکولر
شب هجرون سحر اولماقدا حیاتیم توکه‌نر
اوندا که دان سوکولر شیشه سینار جان توکولر
واعظین امر به معروفینه چوخ مشتری‌یم
جعبه صرّاف آچا گر لؤلؤ مرجان توکولر
تاپ کریمی‌نی ایتورمه گلی بیر گون گوره‌سن
یازابیلمز قلم، اوراق اولی دیوان توکولر



قصّاب باشی

پیس گونه قالسین بئله قصاب باشی
یاسینی دوتسونلا قُووم قارداشی
بسکه قِپیرماقدا کیشی اوستادی
غفلت ائدوبسن گوروسن قابلادی
سفره باشی اوخشوری قبرستانا
بوللی سوموکدی قالانوب هریانا
هر اوشاقا آلتی نخود بیر سوموک
هی گمیریر ایلیوب آنجاق دوموک

گوزلر

گوزوم گوزگوز گوسینده یاری گوزلر گزر یاری آتوب اغیاری گوزلر
وئروبلر صبریمی باد فنایه الٰهی یاری قاشلار یاری گوزلر
آتور هر باخمادا بیر تیر مژگان نه گوزلر، شرمی یوخلار عاری گوزلر
خمار ایلر خمار مست عشقی ییخوبدور خانهٔ خمّاری گوزلر
طبیبانه نظر سالسا مریضه ئولومدن قورتارار بیماری گوزلر
آچان نرگسدی، مژگانلاردان امّا چکوب اطرافه سیم خاری گوزلر
بو خواب‌آلوده‌لیقدان تاپسا فرصت گورر هر پرده‌دن اسراری گوزلر
اوخور هر برگدن انّی اناالله دولانسا خط به خط اشجاری گوزلر
دیور هر ذرّه اِنّی کُنتُ کَنزًا سبولردن تاپار ابحاری گوزلر
نباتات و شجردن یا حجردن آلار توحیده مین اقراری گوزلر
قوشولسا اَعیُنٌ لاٰ یَبصِرونه قانار نوریله باهم ناری گوزلر
الٰهی نَستَعیذُ بِکْ مبادا آتوب دینی دوتا دیناری گوزلر

کریمی اولماسا توفیق بینش
گورنمز معنی اشعاری گوزلر
اگر یاریم گل اولسا منده خارم
عزیز انسان ذلیل و خواری گوزلر
اگر چه بیر مصاحبدی گُله خار
گنه گُل احترام خاری گوزلر

میوۀ سال

دوستوم گلن ایلدن سوغان اک زعفران اکمه
گوردون زفراندان دالی قالدی سوغان اکمه



باخ گور ات آجی چاتدی نه عزّتلی مقامه
ناز ایلوری قویسون اياقین سفرۀ عامه
بیچاره یرآلما سوغانا گئتدی سلامه
اکسون سوغان اک آلما یرآلما آمان اکمه

یدّی بلوز اُست اُسته گیوبدی باشی داشلی
ایستور سویونا فوری قویور گوزلری یاشلی
هامّی سوغانا بازدی خانملی قره واشلی
بوندان گوزل حاصل باغا ای باغبان اکمه

گیرم بو گون ارزش یارادان ارزه سوغاندی
ترویج وئرن امر کشاورزه سوغاندی
بوندان بئله بدبخت، ات آجی ،هرزه سوغاندی
خیرین ضررین ایلمه‌میش امتحان اکمه

بیر ایل نئجه آنباردا قالوب کیفسه‌دی یاتدی
جیردی یاخاسین فوری یاشیل پرچم اوجاتدی
زوغ وئردی یوغون، قارنینه گویا شیش اوزاتدی
هامّی دئدی اوغلان سوغان اکمه سوغان اکمه

دائم بو مظنّه سوغان اوغلوم سنه یتمز
دنیانین انیش یوقّوشی وار ایش بئله گئتمز
گور شاه نه گونه قالدی اتله گئتدی قیتمز
چوخ یاخشیدی گر یاخشیلیق اکسن یامان اکمه

بیر ایل‌ده یرآلمایه ایاق دوشدی زماندا
مستضعفی سایموردی یاتوردی چمداندا
ایمدی ئوزینه مشتری سسلور خیاباندا
بو مزرعه‌ده تخم جفا ای جوان اکمه
هر قاره بولود قاخسا هوایه یاغان اولماز
هر سانجیلانان آرخِیین اولما دوغان اولماز
چوخ زاد دوزولر سفریه امّا سوغان اولماز
توروپین سوغانا لذّتی چاتماز گمان اَکمه
لایروبی ائدن رگلری انساندا سوغاندی
رقّت، حرکت خلق ائلین قاندا سوغاندی
زینت یارادان سفرۀ اعیاندا سوغاندی
عمرونده گوزل منفعت آختار زیان اکمه
بو ایلده سوغان میوۀ سال اولدی ماشاءاللّه
دوشدی قاچاقا قیمتینه دولدی ماشاءاللّه
میداندا یرآلما قوخیوب بولدی ماشاءاللّه
قلبونده منیّت توخومین هئچ زمان اکمه
دنیا فلکین چرخیدی فیرلاندیراجاقدی
بیر عدّه‌نی قاندیرسا بیرین یاندیراجاقدی
هی میندیره‌جک یندیره‌جک آندیراجاقدی
سعی ایله گل اک گُل در عزیزیم تیکان اکمه
پیس ،یاخشی ئولوم شربتین آخر ایچه‌جکدی
هر کس نه اکوبدی اونی بیر گون بیچه‌جکدی
یونگول شله‌لی کورپی‌دن آسان گئچه‌جکدی
بیر تخم که پیس، بَر، وئره‌جاقدی اوتان اکمه

فرض ائت گوزل اعمالوی بیر صورت زیبا
چشم و مژه و خال و خط و لعل فریبا
چیرکین عملون لکّه‌دی بو صورته جانا
آغ یوزده قرا خال یرینه کور چیبان اکمه

ملاّنصرالدین قازانی مثلیدی دنیا
بیر گون دوغوری بیر گون ئولور گورموسن آیا
هر دوغماسی شادلیق گتورور ئولمه‌سی دعوا
بوندان طاماحون کس قازانا نیم قازان اکمه

تند اولما، غضبلنمه دایان چوخ جوشوب اسمه
دشمندن اوغول انتقام آلماقدا تلسمه
اگری اوراق اولما اوجا سنبللری کسمه
مکرین، یالانین میوه‌سی پیسدی یالان اکمه

حاصل‌لر ایچینده عمو دهقان گنه بوغدا
یر بئلله توخوم سپ ضرر ائتمز سنه بوغدا
فرض ایله قیزیلدی سپیلوب خرمنه بوغدا
بیر یرده که امکان طلا وار چودان اکمه

عبرتله گلون درس آلاخ احوال سوغاندان
بیلدیر خفه‌لنمیشدی بو ایل چیخدی بوراندان
قصّاب کیمی بوزبوز باخیر انسانه دکاندان
بیر گون‌ده دییه‌للر سوغان اولدی چوغان اکمه

سالمیش باهالیق مملکته گور نئجه طوفان
نه دردلره تشخیص وئرن نه داوا درمان
موز آل یی سوغان قیمتینه آی مشه فرمان
سال میلیوی نی‌شکّره سودلی بیان اکمه

ختم ایله کریمی سؤزی سؤزدن سؤزه قاتما
گوردون سسیوه سس وئرن اولمور سس اوجاتما
آختار سؤزیوه مشتری تاپ مفتیه ساتما
شور دریا کناریندا اوغول گردکان اکمه

بعضی یارایا وار اونا مرهمدی نصیحت
بعضی یاریا دوزدی تاپار سوزشی شدّت
ضایعدی تلاش اولماسا گر یرده لیاقت
اولسان یرین امنیّتینه ناگران اکمه



دوسلار

منیم دوسلاریم یایدا بلبلدیلر
گزوب داغدا باغدا قویار تک منی
قیش اولجاق هره بیر طرفدن گلوب
باسار باغرینا مثل دونبک منی
دوتالاّر بوتون کرسینون تولارین
آلالاّر آرایه سوینجک منی
چاتوب یوکلرین سوکدولر بویرومی
اله سالدیلار گور نه ا..... منی

جلوگیری از فرهنگ غربی

جوانلار یاندیرون همّت چراغین
گینه بیر نهضته آهنگیمیز وار
هجوم ایلور بیزه فرهنگ غربی
بیزیم غربیله دائم جنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمین فرهنگیمیز وار



جوان آیریلما قرآندان خطادی بیزه قرآن چراغ رهنمادی
کیمون قرآنه اولسا اعتقادی کسر جرثومهٔ فسق و فسادی
کلام‌اللّهدن اورنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



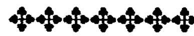
مزخرف فیلملر فاسد نوارلار زننده عکسلر فاحش زیانکار
کتابلار، جزوه‌لر اولموش نمودار دیولّر ائتماقا ایرانه آزار
هزاران حیله رنگارنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



اگر دوتسا جهانی ماهواره توکولسه گیزلین ایشلر آشکاره
بیزیم ایرانلی‌لار ائتمز نظاره منافق باشوه گئت ایله چاره
بیزیم تاریخ‌دن ارژنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



خانملار ذوق ائده کشف حجابه جوانلار شوق ائده حاشا شرابه
علاقه اولمیا درسه کتابه بولار آفتدی دینه انقلابه
بیزیم نه رنگ و نه نیرنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



بوگون تکلیفدور هر شیخ و شابه ملایم وعظیله شیرین خطابه
چکاخ بو ملّتی راه ثوابه اورکلر باغلانا اسلام نابه
گوره دنیا گوزل آهنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



اگر صدمه یته فرهنگ دینه اولار وحشیّته آسان زمینه
گلر ماکسی مینی‌ژوب ئوز یرینه چکر مطلب همانه ایش همینه
بیزیم شرم و حیا و ننگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



بودور دشمنده تصمیم و اراده بیزی چکسون مساجددن فساده
جوانلار راغب اولسون اعتیاده گئداخ چورت عالمینده هر بِلاده
جت و طیاره مثلی بنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



بیزه بیگانه‌لردن قارداش اولماز مسلمان کافریله یولداش اولماز
وئراخ گوهر، آلاخ اوندان داش اولماز آدی مؤمن اسیر خشخاش اولماز
بیزیم بال بارداقی بالنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار

مسلمانلار اگر اولسیدی باهم دولاردی صیت اسلامیله عالم
جهان اولمازدی جنگیله جهنّم فلسطین‌ده نه غوغادور نه ماتم
بیزیم دنیاده نام و ننگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



بیزه قرآندی رحمانی مقاله قولاق وئرساخ کلام ذوالجلاله
گرفتار اولماروخ وزر و وباله ایشون چیخماز یالاندان قیل و قاله
نه غیبتدن یورولماز انگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



اگر اعراض ائداخ لهو و لعبدن قمار و شربدن عیش و طربدن
ئولونجه چیخماروخ رسم ادبدن مدال آللوخ حسین تشنه‌لبدن
بیزیم عبّاس تک سرهنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



گلون حفظ ایلیاخ ناموس دینی افقلردن آساخ فانوس دینی
جهانه نشر ائداخ قاموس دینی گزاخ کشتی تک اقیانوس دینی
ووراخ دشمن دوشوندن سنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



مسلمانوخ بیزیم ایمانیمیز وار شرفلی شانلیوخ وجدانیمیز وار
نماز و روزه و احسانیمیز وار علی تک سرور و سلطانیمیز وار
مظفّر مرد پیشاهنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار

بیزوخ وئرّوخ اهمیّت نمازه نمازیله چاتار شخص امتیازه
نماز هئچ منکره وئرمز اجازه نماز نعمتدی پاک و پاکبازه
نه تزویر و ریا و رنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



امیدیم وار که توفیق خدادن خانملار درس آلا خیرالنّسادن
حجابی حفظ ائداخ شرم و حیادن دولا ایرانیمیز صلح و صفادن
فساده بیر خطرلی زنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



امیدیم وار که ایران سرافراز گله بیر گون اولا صنعتده ممتاز
جوجه دائم سبد آلتندا قالماز آچاخ اوج فلکده بال پرواز
بیزیم سیمرغ سیمین چنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



بیزه توهیندی ئلدن دالدا قالساخ ابرقدرتلره هی کونده سالساخ
یغوب ،اون ،بوندان اوندان حلوا چالساخ امیرکا انگلیسدن الگو آلساخ
دییه‌للر عقلده پرسنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار



کریمی ایله اللّهه توکّل همین قرآنه وور چنگ توسّل
بو قرآندور بیزه حلاّل مشکل نجات انسانه قرآندور یقین بول
مگر دوز یولدا پای لنگیمیز وار
بیزیم قرآن کیمی فرهنگیمیز وار

انزابدن بیر غزل

وئر وئر سبوی باده‌نی ساقی که یانمشام
من بادهٔ محبّته چوخدان دادانمشام
لای لای چالوب زمانه منی وئردی اویقویا
عمریم یتیشدی آخره تازه اویانمشام
دنیاده آز، چوخ آختارانین یوخ فراستی
تقدیریله قضایه ازلدن ایناممشام
چوخلار جوانلقین وئروب آسوده‌لیق آلوب
منده وئروب جوانلیقی حسرت قازانمشام
خوشدور کریمی‌دن گتورم شاهد عرضیمه
الحق اونی طریقتیمه پیر صانمشام
«ساغلیقدا بولمه قدریمی گلمه سراغمه
بیر گون گلوب لحدده گوررسن اوزانمشام»
ای چرخ هر نه واردی گوجون چک کمانیوی
وور تیر کینه سینه‌مه قوخما دایانمشام
گوگلوم سووینْدی، نصرتینون گلدی نامه‌سی
بولموشدی انتظارینه دلدن اوصانمشام
کروان کوچوب عزیزلریمیز ائتدیلر سفر
تعجیل قیل اجل چوخ اوزاتما یوبانمشام
«انزاب» ادّعا ائلمور عارفم ولی
عرفان و معرفت باغین آز چوخ دولانمشام

جوابیه

دیندیرمه دلبریم منی دلدن اوصانمشام
گل دئشمه دردیمی غم هجرانه یانمشام
تحت‌الشّعاده‌یم گئچوب ایّام بیض عمر
آی تک یتوب آی آخرینه دالدالانمشام
اغیاره تکیه ائتمه‌میشم ائتمرم یقین
شادم همیشه ئوز قیچیم اوسته دایانمشام
دیندیرمه آچما سرّیمی اینجیتمه گوگلومی
آزاریله منی سناما من سنانمشام
جانانه جان دیین گرک عشقینده جان قویا
عشّاق آرا تعارفی من تازه قانمشام
فرهاده باخما عمرینی داغلاردا قورتاروب
من عمریمون بهاسی تجارب قازانمشام
عطّار هفت شهری سواره گزوب ولی
من هفت شهر عشقی پیاده دولانمشام
مجنون ساویب وحوش و طیوریله آی گونون
من خلق ایچینده مین جوره رنگه بویانمشام
گاهی دمیرچی‌لر کوره‌سینده قیزارمشام
گه بوطه‌ده دونوب اَرییوب گاهی یانمشام
گه ارّه‌لر کسوب منی گه کرکی‌لر یونوب
گاهی چکش کشاکشینه تاپدالانمشام

هی گلمیشم نگارین اُپم آستانه‌سین
قفل آننما دگوب لالا قانه بویانمشام
شوق وصال یارله کوی نگارده
باش غم دیزینده گاهی یاتوب گه اویانمشام
«انزابین» اشتیاقنه یانمیش کریمی‌یم
بوینومدا حقّی چوخدی مگر حقّی دانمشام

❖❖❖❖❖❖❖❖

لباس اوغروسی

بش اون ضربه شالاّخ ییر قورتولار
دوتولسا هر ائودن اساس اوغروسی
بش اون گون چکر زندان آزاد اولار
اریک آلما آلچا گیلاس اوغروسی
مجازات قانونه تسلیم اولار
قیزیل اوغروسی اسکناس اوغروسی
جانین یاغلاسین اودلی شالاّقلارا
باغشلانمیاندور لباس اوغروسی

سفر کوتاه

بنام نامی خلاّق منّان که قویماز ذرّه منّت وئرسه من، نان
آچوبدور یرده گویده خوان احسان عموماً ماخلق خواننده مهمان
ائدر مسکن بیرینه قعر چاهی قویار صوندان باشینا تاج شاهی
بیرینه لطف ائدوب ذوق سلیمی بیرینه بخش ائدوب خُلق عظیمی
بیرین دکتر بیرین ائتمیش مهندس مرتب ئوز یرینده رطب و یابس
تماماً ایشلری از روی حکمت اودور دارای تقدیر و مشیّت
بیرین فعله بیرین بقال ائدوبدی بیرین واعظ بیرین نقّال ائدوبدی
نسیمی ایلیوب اشجاره دایه خط سیرینده ثابت نور و سایه

سَپَر شبنم ائدر گلزاری خندان
بیرین شاعر بیرین ائتمیش سخندان

بیرین ائتمیش کریمی تک هنرمند سفرنامه یازار شیرین‌تر از قند
گنه تابنده اولدی ماه بهمن یتیشدی روز پیروزی میهن
مین‌اوچ‌یوز یتمیش ایکی فصل سرما آیین اون سگزّیدی جشن عظما
شراکت ایلدوخ شبهای شعره چکیلدی اهل دانش پای شعره
یتوب اهل هنر عالی مقامه هامی قائلدی شعره احترامه
یازیق‌سعدی اوقدری چکدی زحمت نه گوردی استفاده نه محبّت
نه بیر گُل دَردی خرّم گلستاندان نه بیر قارپیز قوپاتدی بوستاندان
یانوب حافظ نگارین فرقتینده سمرقند و بخارا حسرتینده
اوتوز ایل گزدیروب فردوسی خامه مشقّتله یازوب بیر شاهنامه
اوتوز ایل زحمتیندن گورمدی سود ائدوب ضایع حقوقین شاه محمود
بلی عارف بولر شعرین بهاسین شرابدان پاتدایان مسته نه یاسین

ولی من کامیابم صنعتیمدن نتیجه آلمشام ئوز زحمتیمدن
گلور احسن چیخاندا سؤز دیلیمدن بحمداللّه رضایم حاصلیمدن
خویا، سلماسه، تبریزه، بنابه گلوب دعوت گئداخ شهر سرابه
سرابدان گوندروبلر یاخشی آهو سوار اولدوخ خلاصه دیلده یاهو
گوزل راننده «همت‌پور» شهرت آدی قنبر جوان با لیاقت
ئوزی آزاده امّا خوش داماقدا اوچ ایل اولموشدی زندانی عراقدا
تقاضا ایلدی مندن نصیحت اونا بیر نئچه بیت ائتدیم کتابت
دئدیم گر چه اوچ ایل زندانی اولدون اوچ ایل گئچدی بحمداللّه قوتولدون
ولی سعی ائت اسیر شهوت اولما آدون همّتدی آلچاخ همّت اولما
اگر اولسان اسیر دام شهوت ایشون یاشدی قوپان وقته قیامت
همیشه نفسیله مرد نبرد اول ئوزون آزاده‌سن آزادمرد اول
بشر زندانی‌دور سلّول تن‌ده خوشا آزاد اولوب وصله یتنده
چالار آزاده پر آزاد هواده گزر خرّم بهشت دلگشاده
چتین زنداندی زندان جهنّم قولای شربتدی قطران جهنّم
گناهی چوخ اولان کس واعذابا دیر یا لَیتَنی کُنت تُراباً
الٰهی خاطر آل محمد بیزی ائتمه جهنّمده مخلّد
اگر اولساخ اسیر نفس امّار بیزه محشر گونی کیمدور هوادار
بیزی حبّ الرّیاستدن ریادن الٰهی ساخلا تهمتدن خطادن
اوغول دوتقوندی دنیانین هواسی بهشت آختار که وار ئوزگه صفاسی
سوخولما قیل و قاله دلخوش اولما اوجورده تک قالوب تک بایقوش اولما
غرض کثرتله اول کثرتدن اولما سورون جمعیله جمعیّتدن اولما
سرابین مردم هشیاری واردی ملک سیمالی فرمانداری واردی
گوزل آدی رضا شهرت عبادی ضمیر فاتّقونی یا عبادی
مقدّس مرد تقوادور حقیقت طریقت اهلی پابند شریعت

امام جمعه حاجی شیخ کمالی
کمالیندان منوّردور جمالی

کیمین اولسا وجودینده لیاقت
اونی مست ایلمز جام ریاست

ئوزینه حسن خُلقی پیشه ایلر
قیام حشردن اندیشه ایلر

لیاقتسیزده حُسن نیّت اولماز
ریاستده اونا ظرفیّت اولماز

داشار چولمک کیمی کورلار اوجاقی
چکر دود و دومانه بور بوجاقی

عموم خلقه احسندور تواضع
بویوکلردن مُحسّندور تواضع

جناب حجةالاسلام کمالی
اوزون آلچاخ دوتاندی لطفی عالی

دییر عاقل نه بیمارم نه مستم
من انسانم همان خاکم که هستم

شب شعر اولدی برپا سینماده
نه مجلس بزم فیض و استفاده

مین استقبال اولوندی هر سؤزومدن
محبّتله گلن اُپدی یوزومدن

گئجه شامدان صوراجمع اولدی احباب
ییغیشدی باشیمه ارباب آداب

اوخوندی شعر باشلاندی مقاله
گئجه گئچدی خلل یتدی وصاله

ائدوب صبحانه فرمانداری احسان
دویونجا کلّه پاچه مغز و بریان

یدیم هاردا اوتوردوم هاردا یاتدیم
دئمه قارداشلاری یاددان چیخاتدیم

عبادی وئردی احسانین تمامه
بیزی سرعینه گوندردی حمامه

دئدیم چیم یول گلوبسن چیکلنوبسن
خانم گورسون نئجه گویچکلنوبسن

مینوب آهونی قنبر دوندی شیره
یتیشدوخ آز زماندا بخش نیره

بولود آتدان گونون نور جلاسی
یولون شوقی زمستانین هواسی

قار اوسته گون ائدردی زر فِشانی
سرردی آغ حریره زعفرانی

اسردی تند یل طوفان سالاردی
ماشیندا فرمانی الدن آلاردی

چکردیم دلده نقّاشی کولکدن
گلین‌لر اون الر گویا الکدن

یتوب سرعینه سرعتله سویوندوخ
ازل ژنرال گولونده بیر یووندوخ

زمستان چلّه‌سی شاختا قیامت
قیزان قیزلاردا اولماز بو حرارت

سو قینردی اسافل اودلاناردی
سودان چیخماخ‌همان انسان دوناردی

نئجه خلوت سو پاکیزه گوارا به هر جا یاد می‌کردم شما را
بلی خلوت دادی کثرتده یوخدی صفا مهر و وفا خلوتده چوخدی
گر ایسترسن خیالون راحت اولسون همیشه ایده‌آلون خلوت اولسون
اولار که شمع عرفان یاندیروبلار همیشه هایهودان یان دوروبلار
بویوک گؤل وار مثال درّ غلطان گامیشلار آدینا، یوخ حوض جیران
نه جمعیت نه داد و شور و شر وار فقط بیزدن سوای اوچ دورد بشر وار
ادا اولدی بیر ایل غسلین قضاسی گهی ترتیبی گاهی ارتماسی
نه سو یاغ تک یاییلدی جسم و جانه او داد وئرمز دوشم یوز دفعه وانه
چیموب حظّ ایلدوخ قنبرده منده سریلدوخ یارپیزا گل تک چمنده
دولاندوخ «قارتالی» تاپدوخ اُپوشدوخ اوتوردوخ‌کرسی‌سینده بیر چای‌ایچدوخ
نمازدان یولاّدوخ حشره ذخیره ناهاری ساخلادوخ ویلای نیره
دوشندوخ نیرده شیشلیک کبابه وداع ائتماخلقا گلدوخ سرابه
عبادیله وداع ائتدوخ گوروشدوخ کادولطف‌ائتدی آیریلدوخ اُپوشدوخ
مینوب پیکانی چاتدوخ قنبریله عقاب آسا اوچاردوخ شهپریله
باتاندا گون چیخاندا ماه تابان مراغه شهرینه چاتدوخ خرامان
مراغه زادگاهیمدور وطندور منه هر شوره‌زاری بیر چمندور
کریمی شکر ائله خلاّق سبحان سنه بو طبع شعری ائتمیش احسان

اونون شکرانه‌سینده جمله اوقات
رسول اکرمه ذکر ایله صلوات

سفرنامهٔ کاشان

حمد اولا بنیان‌گزار خلقته خالق مخلوق، ربّ العزّته
خوان‌احسانین ائدوب صحرایه فرش شاهکار خلقتیندن فرش و عرش
ایلیوب دریانی کان نفع و سود سفره‌سیندن سیر محسود و حسود
مطبخینده انس و جنّ و وحش و طیر لا شریک له و لا رزّاق غیر
شبنمی دُرّ ایلیوب تاج گله هم یلی مشّاط زلف سنبله
ایلیوبدور آهنی داووده نرم آتش ابراهیمه سرد اغیاره گرم
هر کسی بیر فنّده اوستاد ائدوب انتظامیله جهان آباد ائدوب
هر شِیه لطف ایلیوب بیر امتیاز بلبله آواز و راز گلده ناز
لطف ائدوبدور بنده‌یه نطق و بیان طبع شعریم سلسبیل آسا روان
زنده طبعیم موج ائدر چون زنده رود
هر سفردن یازمشام بیر یادبود
ووردی بیر گون باشیمه عشق سفر انتخاب اولدوخ خلاصه بش نفر
بش نفر شایسته مرد اهل سخن باغلادوخ شنگی بنام پنج تن
حاجی ایلائی، زمانی خوش نهاد حاجی اکبر،[1] حاجعلی صادق‌نژاد
ضمن ترک خانه و کاشانه بیز عازم اولدوخ خطّهٔ کاشانه بیز
باغلادوخ غم غصّه‌نی آتدوخ چوله آلدی ایلائی گنه فرمان اله
هر اساس اولدی ماشیندا جابجا باشلادوخ یول با صد امّید و رجا
مین‌اوچ‌یوز یتمیش‌اوچ اردیبهشت فصل گل دشت و دمن باغ بهشت
عازم اولدوخ رو به سوی هشترود ظهریدی ائتدوخ سراسکنده ورود
یولدا تاپدوخ بیر صفالی سبزه‌زار صرف اولوب قلیانله چای و نهار

۱-حاج اکبر سراج

گلدی پروازه پژو مثل عقاب	شاد و خرّم باشلادوخ راه سراب
مسجد جامعده آلدوخ دستماز	قربتاً لِلّه ادا اولدی نماز
وارد اولدوخ، نیره، هنگام غروب	یان‌دوروب‌بعضی سو بسکه یاندیروب
آب، قینرجه، وئریر ذوق آدمه	باغلادوخ احرامی چیمدوخ زمزمه
صرف اولوب نوشابه آب نیرده	تختین اوسته کافّه تخته تیرده
قوزانوب گلدسته‌دن بانگ اذان	بلدهٔ سرعینه چاتدی کاروان
من دئدیم باهم گئداخ «قارتال» گیله	چون ائشیتسه گلمیشوخ ایلر گله
خواهشی رد ایلدی یولداشلاریم	چوخ اوتانجاقدی منیم قارداشلاریم
هئچ کسه گئتمزله غربتده قوناق	چوخدا بند اولسان ائدللر قاشقاباق
ایلدوخ اوّل نمازه بیز قیام	بعد «ویلا عدلده» صرف اولدی شام
عیش و نوشیله غمه چکدوخ حصار	استراحتگاه ویلا چشمه‌سار
تا باشارسان ایلمه دنیا غمی	صبریله هر یاریه سال مرهمی
دم غنیمتدور دمی دوت آت غمی	غم یمه قولچاخ کیمی اوینات غمی
سن قوناقسان دهر مهمانخانه‌دی	بو جهاندا غم یی‌یَن دیوانه‌دی
ابله انساندور آز عمره غم یی‌یه	کیم بولور که کیم ییغا کیم خشلیه
احمق انساندور یی‌یه دنیا غمی	عاقل اولسان غم فقط عقبا غمی
اولما گوگلوم طفل تک بازیچه باز	قورخولی یول وار قاباقدا چوخ دراز
یایدی قیشدی هی پائیزدی نوبهار	سرعتیله آی گونون ایلور فرار
آرخیین جیران گؤلونده ماحصل	هی باتوب چیخدوخ به یاد ماه عسل
گلدوخ اوردان خوابگاهه یاتماقا	عمر دگمز وقتی ارزان ساتماقا
نصف شب امّا بیر عدّه بی کمال	صبحه تک سالدی هتلده قیل و قال
هئچ دئموللر بوردا انسان وار یاتوب	بو هتل‌ده آیری مهمان وار یاتوب
آی جانیم انسانه قیمتدور ادب	بلکه شرط آدمیّتدور ادب
باادب عصیانی عفو ایلر خدا	بی‌ادب طاعاته اولماز اعتنا

آغلادی آدم دئدی شام و سحر
«رَبَّنا اِنّا ظلَمنا لِلغَفَر»

چون ادبله یالواروب ائتدی دعا
ترک اولاسین گذشت ائتدی خدا

اولمادی شیطاندا غفرانه ادب
دوتدی جانین لعنت و قهر و غضب

صبح تئزدن دلده بانگ اَلرّحیل
اولدوخ آماده بسوی اردبیل

دویمامشدی استراحتدن پژو
آچمادی گوز خواب راحتدن پژو

هی قدیخلا سیلکله ترپنمدی
هی دانیشدیردوخ کوسوب دیللنمدی

سسلدیم ای رخش رستمدن نجیب
یاتما سن یاتسان بیز اوللوخ بی‌نصیب

ایله خواب آلوده‌لیقدان اجتناب
آلتی‌مین‌ایل یاتمشوخ بیز ائتمه خواب

یاتمیشوخ بیز یاتما سن ای خوش ادا
ائتمیشوخ اصحاب کهفه اقتدا

یاتما گر یاتسان ایاقلالاّر سنی
ئوزگه‌لر فوراً قاباقلالاّر سنی

جهل آتیندان بش دقیقه اَنمدی
دورد نفر وئردوخ تکان ترپنمدی

دورد باجی همدست اولا عالم قیزار
میّتی تحت‌الکفندن قالخزار

ایشلدی میندوخ گنه دوشدوخ یولا
چوخ تفنّنله باخاردوخ صاق صولا

اردبیلدن قیماق آلدوخ آغ لواش
عیش‌وعشرتله سورردوخ چوخ‌یاواش

جنّت اولماز جادّهٔ حیران کیمی
وارد اولدوخ جنگله جیران کیمی

بیر گوزل یرده آچوب بند و بساط
شادوخندان قلبیده شور و نشاط

گویدن اَنمیشدی بولود مثل غبار
پای مهمانه ائدردی دُر نثار

گُل چیچکدن لاله‌دن دست بهار
پهن ائدوب غبرایه فرش زرنگار

نان داغ و تازه سرشیر و عسل
رَبَّنا وَرزُق کَمِثلِهِ بِالعَجَل

دیشلر ایلائینی ائتمیشدی اسیر
کورد پیچاق تک کسمیری حتّیٰ پنیر

لذّت دنیا زن و دندان بود
بی زن و دندان جهان زندان بود

یول ترافیک جادّه‌لر صعب‌العبور
گئچماق اولمور واقعاً شخصی یورور

سیر ائدوب هر شهردن بیر منظره
ساعت اوچده وارد اولدوخ بندره

صرف اولوب بندرده بیر عالی نهار
نشعه‌ساز اولدی گنه اولدوخ سوار

بیر نئچه فرسخ قالور لاهیجانا حاج حسن اگلشدی پشت فرمانا

سینه ناراحت بدن رنجوریدی چون سویوق دگمیشدی حال ناجوریدی

گیزلدوب دردین ظهوره سالمادی گولماقندان گزماقندان قالمادی

دل ملول اولدوخ هامی یاالَلأسف نیلیوم انسان اولانماز بی‌طرف

نوع انسان صانکه بیر پیکردیلر جمله‌سی خلقتده بیر گوهردیلر

درده بیر عضوی گتورسه روزگار آیری اعضاده داخی قالماز قرار

ئوزگه دردیندن که سن زار اولمادون اسم انسانه سزاوار اولمادون

بارالٰها احترام هشت و چار هئچ کسی غربتده ائتمه دل فکار

تا کلاچایه، یتیشدوخ ناگزیر دکتر آختاردوخ دگول امکان پذیر

چاره‌سیز میندوخ قوواردوخ یکسره داخل اولدوخ تنگدل، چابکسره

اوردادا نه دکتر اولدی نه دوا کیم بو خلقین حاجتین ایلر روا

کیم یانار بو ملّتین احوالینه هر کس آغلور آی بالام ئوز حالینه

کیم بو بدبخت امّتین ذکرینده‌دی هر کس ئوز جُلبندینون فکرینده‌دی

باخما وحدتدن وورور دم خاص‌وعام نه محبّت وار نه وحدت والسّلام

غربت ئولکه آشنا، یوخ بیر نفر اولدوخ اوردان رهسپار رامسر

رامسر گویا گلستان شمال هر طرف نارنج و لیمو پرتقال

بیر خانم دکتر نجیبه مه جمال آسمان حُسنیده بدر کمال

ائتدی بعد از ماینه نسخه رقم صاحب اخلاقیدی چوخ محترم

بعضی اللرده قویوب اللّه شفا توختادی بیماریمیز تاپدی صفا

باصفا بیر منزل ائتدوخ عاریه جنّةٌ فیها قصور عالیه

اوردا قالماخ بیر گئجه جانانلن باور ایله بیردی شیرین جانلن

رامسر گرمابه‌سینده صبحگاه بیر حمام ائتدوخ آغاردوخ مثل ماه

شیخ حسن، داوود، دنده اولدی یاد نه زمانی چیمدی نه صادق‌نژاد

صبحگاهان بش هنرور پهلوان رامسردن چالوسا اولدوخ روان

شهر شیروده چاتان وقته گنه
کیف دوشوب یاده دئدیم ایوای نه‌نه

بوردا بیلدیر قویمیشام یوزمین تومن
ایمدی‌ده یاننام سالاندا یاده من

احتیاطاً ائتدی قلبیمدن گذر
خادم مسجددن آلدیم من خبر

سویلدی اوغلوم مگر دیوانه‌سن
هئچ بولورسن نه دیورسن یا نه سن

کهنه تسبیح کهنه خوت یرتیق جوراب
کهنه دسمال کهنه چتر و یا کتاب

قالسا مسجدده وئرللر، نقدی یوخ
حوریدی مهریّه‌سی یوخ عقدی یوخ

پولدان اُتری جامعه ایمان وئرر
احمق اولما پول تاپان هاردان وئرر

پولدان اُتری دین گئدر ایمان گئدر
جان گئدر غیرت گئدر وجدان گئدر

هر گروهه ایمدی پولدور آرمان
پول اولوبدی فتنهٔ آخر زمان

پولدی سرگرم ایلیین جمعیّتی
پولسوزون یوخ اجتماعه شرکتی

پولدی چوخ مشکللری حل ایلیین
پولدی چوخ پرونده منحلّ ایلیین

پولدی مین‌لر حاکیمی محکوم ائدن
ظالمی پرونده‌ده مظلوم ائدن

پولدان اُتری حادثات اولموش وقوع
پولدان اُتری تاپدی بدعتلر شیوع

پولدی دنیایه سالوب جنگ و جدال
پولدان اُتری نقشه‌لر اوینور رجال

بیر نفر نه یول کسه نه ائو چاپا
دستشودن یوزمینی آسان تاپا

قیتروب، قانسا حلالیله حرام
بیر بئله انسانه مندن مین سلام

پول چکور یولدان یولا یولداشلاری
دشمن ایلور بیربیره قارداشلاری

پول ازلدن عالمه طوفان سالوب
پولدی‌چوخ‌قانلاریوویب چوخ‌قان‌سالوب

قوی گئت اوغلان عقلوه یازدیر دووا
جهد ائله الدن گونی وئرمه سووا

بورکی‌برکیت یل‌باشوندان سالماسین
قار قاباقینده باشون لوت قالماسین

آلدی ایلائی کور اوغلوندان برات
چانلی‌بل‌لردن چاپوب‌گئچدی قیرآت

قارلی داغلار دامنینده لاله‌لر
آغ بلوزدا گللی دامندور مگر

گه گدیکلردن آشوب گه گردنه
تا یتیشدوخ بیر صفالی گلشنه

بد نظردن ساخلاسین اللّه بیزی
بش‌نفر صرف‌ائتدوخ اوردا بش‌دیزی

آخر اولدوخ وارد شهر کرج
صبریلن الصّبر مفتاح الفرج

مسجده گلدوخ به قصد کشف راز
ایلیاخ ذکر کریم کارساز

مسجده ناگه ائدن وقته ورود
بیر قولای ایگ مغزیمه ائتدی صعود

ییرمی کل پیسر یاتوبلار یان یانا
ایلیوبلر مسجدی خورخور خانا

بعضی‌یاتمیش‌اوچ‌طرفدن سس‌وئریر
معده هر نه هضم‌ائدوبدی پس وئریر

جوربه‌جور ایگلر قاریشمیش بیربیره
باشون آغریر آنتوی قویسان یره

مسجد اللّه بیتیدور نه خوابگاه
پاک معبددور مقدّس بارگاه

یوخلاما مؤمن مسلمان یوخلاماز
هوشیار اول اهل قرآن یوخلاماز

سن همیشه هر زماندا یوخلادون
سینماده راستوراندا یوخلادون

طویدا مست اولدون عزاده یوخلادون
ائتمدون هئچ استفاده یوخلادون

آز ییخیل یات سر گونه دا....
گئتدی بورکون قالمادی‌باشماقلارون

نه حجابون قالدی نه امنیّتون
گئتدی یغمایه حیا و عصمتون

اُف اولا وجدانیوه ایمانیوه
آچدیلار غارت الین قرآنیوه

تا نماز ظهر و عصر اولدی تمام
شهر کاشانه طرف ائتدوخ خرام

شهرلر گزدوخ دولاندوخ شادکام
مقصده آخر یتیشدوخ وقت شام

یک جوان پارسا نامش سعید
آمد استقبال ما لطفش مزید

دوست ایلائی شریف و پاکزاد
خانهٔ احسان او آباد باد

داشت یک خاله پسر عبّاس نام
فوق‌العاده کرد ما را احترام

دوشدی اسهاله ماشین نقّلدادی
شدّتیله قزدیروب زقّیلدادی

شدّت تبدن سو ایچدیقجا داشار
یاندی بیزدن حوصله اوندان واشار

سسلدیم دردون ندور ای راهوار
قاشقاباقون سالّنوب آخر نه وار

گل بیزی غربتده دلتنگ ایلمه
وقتیمیز اولدی تلف لنگ ایلمه

بوشلاماز غربتده یولداش یولداشین
هسلنوب اُسگوردی اویناتدی قاشین

رحم ائله بالای غیرت بیزلره
خسته‌یوخ وئرمه اذیّت بیزلره

بوغ ووروب بیربوغلارین‌بوردی ماشین
سسلدی‌آتدیم داشین پیس یولداشین
سیز منی بیر دفعه گوزدن آتمیسوز
بلکه وزنیمدن آغیر یوک چاتمیسوز
ئوز یوکون‌یولداش که چاتدی‌یولداشا
بیر بئله یولداشی باس مین یول داشا
هی وئریرسوز گاز باسیرسوز دندیه
بیر گالون سو وئرمیوبسوز بندیه
من یورولدوم باشوزه چاره ائدون
گئتمرم من هریانا گئتسوز گئدون
یول مفصّل بار قدّیمدن اوجا
سیز جوانسوز من یورولموش بیر قوجا
من آجیقلاندیم دئدیم ای نابکار
جهله دوشسن ایمدی من بوللم نه‌وار
آت کیمی قطع ایلرم تیماریوی
باغلارام قویروقلارا افساریوی
ایمدی که گلدی گونون گوندن قارا
باغلارام ایمدی سنی تاکسی بارا
دوش ئوزوندن اسگگین دنباله
رخشسن ایمدی مین ائشّک داله
باغلادوخ تاکسی بارا زنجیریله
یولاّدوخ تعمیرگاها تحقیریله
هست در کاشان بناهای عظیم
عزّت تاریخ آثار قدیم
بیر امامزاده هلال ابن علی
وار «آراندا» بارگاهی گورمه‌لی
شام نمازین ایلدوخ اوردا ادا
بش نفر ائتدی حقیره اقتدا
فکر گردش ذکر یا فتّاحده
ایلدوخ منزل هتل سیّاحده
رهنما اولدی سعید آقا بیزه
ایلدی الطاف لا یُحصیٰ بیزه
بیر ماشین دوتدوخ سوار اولدوخ گنه
یوز تومن آل قوی بیزی باغ فینه
فین‌ده اولدوخ مصادف توریله
غول فرشته جوریدی ناجوریله
میرکبیریله اوجالمیش نام فین
مکتب عبرت اولوب حمّام فین
دوز وجودین اگریلردن باکی وار
بو حمامین تیغی وار دلاّکی وار
قطع ائدردوز ایشلین الدن دامار
دوز دیین دیلدن همیشه قان دامار
بو فلکده عادت دیرینه‌دی
یا غرضدی یا مرض یا کینه‌دی
سس گلور اشجاردن انهاردن
باغ و حمّام و در و دیواردن
هاردادور میرزا تقی خان کبیر
بس ندن گلمور بو تالاره امیر

نه خبر وار ناصرالدّین شاهدن مهد علیا اول زن خودخواهدن
هر کسین وار بهره‌سی تاریخدن نخل تاریخه بلددور بیخدن
دقّتیله باخسا حمّام فینه خلقین آلّانماز یالان توصیفینه
هر کسی بش گون آلالاّر باشه خلق کلّه‌سی اوسته وورالاّر داشه خلق
خوش او شخصه رحم ائده ئوز جانینه باخمیا خلقین، بلی قربانینه
تابلاشا دهرین فشار سختینه سالمیا لنگر ریاست تختینه
زنده باده اولمیا بیر لحظه شاد زنده بادین آردیجا وار مرده باد
آفت ایمان ریاست تختیدی تُخسُرو المیزان ریاست تختیدی
قمصر کاشاندا هر کس اوچ لیوان بید مشکیله گلاب ایچدوخ اینان

الغرض یولدور آچان‌شخصین پاسین
یاخشی‌یولداش یولدامعطل قالماسین

بو سفرده بش نفردن بیر نفر صاف قوتولدی من اوچوندنده بتر
صول اياقیم آغریدی هی آخسادیم یول گئدنمزدیم دگولدی بیر زادیم
اهل کاشان نسبتاً مؤمندیلر پیرو احکام و شرع دیندیلر
قائل روز جزا حشر و کتاب قیز گلین یکسر هوادار حجاب
صاقدوشوم اولدی حاج اکبر پاکزاد صولدوشوم حاجی علی صادق‌نژاد
تا منی چاتدیردیلار درمانگاها گوندروب دکتر منی زایشگاها
سویلدیم دکتر مگر من زائویام قارنیما باخدون دئدون بس بویلویام
چون اورا سابقده زایشگاه اولوب تازه‌لقدا آزمایشگاه اولوب
بیر اوزون دیرناقلی مندن قان آلوب ایمدی‌ده دیرناقینون ردّی قالوب
آختاروب قان آلماقا مندن دامار آغ بدن چیلتیک ورارسان قان دامار
الغرض خوش گئچمدی کاشان بیزه هر دقیقه اولدی بیر زندان بیزه
وقتیمیز چیخدی مطّب آختارماقا شربت و کفسول و حبّ آختارماقا
خرج آچوب قخ‌مین حدودینده‌ٔ ماشین تا دوزلدی باشلارا قاتدی باشین

بو سفر آخرده یوردی امّتی
لذّتیندن آرتیق اولدی زحمتی

صبح کاشاندان چیخوبدور قافله
رهسپار اولدوخ قوما بی‌حوصله

جمکرانه وارد اولدوخ لا کلام
مسجدین اعمالینه ائتدوخ قیام

فوری چایی قویدی ایلائی گازا
حاجی اکبر سنگک آلدی لاپ تازا

نایل اولدوخ محضر معصومیه
عرض تسلیم اولدی اول مظلومیه

بسکه قم سوهانی سوغات آدلانوب
بیزده آلدوخ چوخ آلولاّر دادلانوب

خارج اولدوخ قُمدان آلدوخ سوقاتی
پهلوانلار تک مینوب قُودوخ آتی

آت بزنمیشدی یهر نو نال تزه
دنده و تورموز تزه سیغنال تزه

ذرّه گاز وئرجک گئدیر سرعت مینه
آز زماندا وارد اولدوخ قزوینه

وار امامزاده حسین آدلی مطاف
باغلادوخ اوردا نمازه اعتکاف

جادّه‌ده بیر ایگده‌لیک‌ده شادکام
هر نه قالمیشدی یدوخ اولدی تمام

اولدی پایان وصال آخر فصال
قالمادی مجلسده دیگر شور حال

ناگهان بیر حادثه ائتدی ظهور
سلب اولوب احبابدن صبر و سرور

طرفةالعینی زمانی یوخلادی
بیر زمان گوردوخ پژو سونجوخلادی

وا ابوالفضلا دئدوخ چکدوخ صدا
واقعاً لطفیله رحم ائتدی خدا

آز قالوردی درّیه پرتاب اولاخ
جرگهٔ احبابدن نایاب اولاخ

توبه ائتدیم من گئجه یول گئتماغی
چون گئجه یول‌گئتماغین‌یوخدور یاغی

واقعاً شب استراحت وقتیدی
بعضی اشخاصه عبادت وقتیدی

باخما بیر عدّه حریص ملک و مال
روزوشب ایشلور یازیق یوخدور مجال

نه قانار جمعه نه بایرام نه وفات
سفته‌دور چک بیربیراوسته‌قات‌باقات

آرزولر قلبده داغدان اوجا
گون‌به‌گون حرصی جوان سنّی قوجا

قانمیوبدور لذّتین آسایشین
ایلیوب قربان پولا آرامشین

قات گئجه‌نی گوندوزه چال چاتداسین
هر کیم ایراد ایلسه وور پاتداسین

زین خراب آباد کس سودی نبرد
ناگهان بانگی برآید خواجه مرد

الغرض چاتدوخ مراغه شهرینه هر یره گئتساخ وطن خوشدور گنه
آخ وطن ای داد بیداد ای وطن تا جهان وار اول سن آباد ای وطن
ای مراغه ای صفالی لاله‌زار گلشنونده وار هزاران صد هزار
ای وطن ای اوحدی‌لر گلشنی خواجه نصرالدّین طوسی مسکنی
تا آدون وار شاد یاشا آزاد یاشا خرّم و خندان یاشا آباد یاشا
ای کریمی آشدی آتمیشدان یاشون چول پالاسون سیلکله ییغ مارفاشون
چوخ دولانما چوخ یمه چوخ ایشلمه انگووی قیس هر نه گلدی دیشلمه
اولگلان آماده گئتمک وقتیدی وصلی بوشلا اصله یتمک وقتیدی
ایسته اللّهدن بحق هشت و چار ائتمه‌سین روز جزاده شرمسار
بیرکومک یوخ توشه‌آزیول قورخولی بوش الیله گئتماق اولماز بو یولی
وارد اولماخ جنّته هیهات هات اولماسا آل محمّددن نجات



اوچ کَسَندن مُنزجردی هر کَسَن
سو کَسَندی برقله تلفن کبن



اوچ گروهدان اولماسین شرم انتظار
فاحشه، مست، اهل شطرنج و قمار



اوچ گروه آخر اولار مسجد مکان
پیر و عاجز، داش دیبیندن قورتولان



اوچ زاد انسانی ائدر لاغر ضعیف
بیر حسد بیر بخل بیر خوف حریف

کج نامه

قویسا اوّل کرپیچی معمار کج
کج گئدر افلاکه تک دیوار کج

ساخلاسیدی نفسین اوّل بوالبشر
صادر اولمازدی بشردن کار کج

اگری گوتدوم بو یوکی من چیگنیمه
منزله مشکلدی چاتسون بار کج

خلقتیم فی اَحسَن التّقویمدور
لیک خُلقیم کج عمل اطوار کج

گورمورم دنیا دوزینده دوز، دوزی
دشت کج داغ کج دره هموار کج

خلق اولان گوندن سپهر آبنوس
دور ائدر بو چرخ کجرفتار کج

عشق کج عاشق کج عیش و ناز کج
زلف کج خال و خط رخسار کج

مطربا مجلسده یوخدی شور و حال
سیم کج آهنگ کج‌دور تار کج

باده فاسد خم کج و پیمانه کج
دست ساقی کج لب خمّار کج

ناله کج نی کج سرود و ساز کج
من ئوزوم کج جبّه و دستار کج

من اَناالحق سسلرم منصور وار
قوی منی بوغسون طناب و دار کج

متر کج متراژ کج مقیاس کج
مشتری کج جنس کج بازار کج

دخل کج دادوستد کج خرج کج
سفته چک کج قول کج اقرار کج

بو سواره صاف چاتانماز منزله
راه کج مرکب کج و افسار کج

ورما باشیمدان نصیحت چکّشین
دوز گئدنمز تختیه مسمار کج

وعظ کج واعظ کج و گفتار کج
نامه کج برنامه کج اخبار کج

قبله کج مسجد کج و میخانه کج
مست کج داروغه کج پندار کج

دکتر عیسا اولسا وئرمز فایده
درد کج دارو کج و بیمار کج

دایره کج نقطه کج پرگار کج
دِیر کج ناقوس کج زنّار کج

سود آلا بولمز بو سودادن حسود
سنگ کج میزان کج و معیار کج

ای کریمی وورما لاف شاعری
خامه کج قرطاس کج اشعار کج

مراغا صابونی

این قطعه را در باکو چاپ و منتشر ساخته‌اند

تاپوب سلیقه‌ده شهرت مراغه‌نین صابینی
عطیرلی سویمه‌لی قیمت مراغه‌نین صابینی
بازاردا بسکه آغاردوب تجارتین یوزینی
ماراخلی شانلی تجارت مراغه‌نین صابینی
ایپک کیمی باشووین توکلرین ائدر یوموشاق
وئرر وجوده لطافت مراغه‌نین صابینی
مراغه‌نین نئچه سوقاتی وار، بالی، سوجوغو
خصوص بیر، یکه نعمت مراغه‌نین صابینی
بالین یی قیماقلان باسدیقین تبرّک ائله
هدیّه دوسلارا نسبت مراغه‌نین صابینی
اصول طبّیله موجود اولوبدی بهداشتی
برای حفظ نظافت مراغه‌نین صابینی
همین صابوندادی جلدی مرضلرین داواسی
ائدر مریضی سلامت مراغه‌نین صابینی
ییون آراز بالیقین نخجوان سویوندان ایچون
ولی نظافته علّت مراغه‌نین صابینی
اوجوزدی صرفه‌لیدی بی‌ضرردی سلقه‌لیدی
وئرر جماله طراوت مراغه‌نین صابینی
آپار حمامه سنی ایلسون شمامه کیمی
قویار نه چرک و کثافت مراغه‌نین صابینی
کریمی گئتمه صابونسیز حمامه وقت سحر
صفادی ذوقیدی صحّت مراغه‌نین صابینی

غزل

هر کسه عاطفه‌می عشقیمی اظهار ائلدیم
یوخودان یوخسا یاتان دشمنی بیدار ائلدیم
قوزو بیلدیم طرفی باشینه چکدیم الیمی
قوردوموش بیلمدیم ئوز جانیمه آزار ائلدیم
«هر کسه دوست دئدیم دشمن جان اولدی منه»
جان دئدیم، جانیمه جانانیمی خونخوار ائلدیم
دوسلارین‌دوسلوقی گل‌تک تئز آچور تئز سوویشور
ئوزومی گللر ایاقینده عبث خار ائلدیم
من دئدیم قلبده ایمان کیمی ساخلار منی دوست
نه غلط فکریمیش ئوز حُمقمه اقرار ائلدیم
مصلحت اوندایمیش تک دولانام تک یاشیام
نیه اغیاری یالاندان ئوزومه یار ائلدیم
دام زلفونده اولان دانهٔ خاله وورولوب
ئوزومی گور نئجه زنجیره گرفتار ائلدیم
عمر سرمایه‌سین اوّلده اوتوزدوم، الی بوش
دستخالی ئوزومی وارد بازار ائلدیم
آنلیان آنلامیان فرق ائلمیر جامعه‌ده
بولمدیم آنلامادیم سهل ایشی دشوار ائلدیم
هره نسبت ئوزونه پشم اَیروب چول توخودی
منده گئتدیم ئوزومی خستهٔ اشعار ائلدیم

بیرینی مدح ائلدیم نمنه‌سی شیشدی بیرینون
بیرینی قدح ائلدیم دشمن غدّار ائلدیم
پیس گونومده هامی ئل طایفه تک قویدی منی
خوش گونومده ئوزومی هر کسه غمخوار ائلدیم
ئوزگه‌نین عیبینی اسرارینی حفظ ائتماقچون
خرقه‌می جبّه‌می لوت قشلارا شلوار ائلدیم
بزه‌دیم ایگنه کیمی ملّتی لوت گزدیم ئوزوم
بئله عور اولماقا شرم ایلمدیم عار ائلدیم
گرچه افطاری حرامیله غلط بولدی فقیه
من قاتوب گوز یاشیمی قانله افطار ائلدیم
به‌به و مرسی و احسن بارک‌اللّه نقدر
هره‌سیندن نئچه کامیان ییغوب انبار ائلدیم
بیرده هیهات کریمی کیمی شاعر تاپالار
اونون اشعارینه تشویقیمی تکرار ائلدیم



دانی کدام شب ز شب قدر بهتر است
آن شب که بزم خلوت و معشوقه در بر است
سخت است حرف مرگ به قاموس زندگی
امّا غم فراق هم از مرگ بدتر است



خرمن طلا

دوام هستی ما ای جوان کشاورزیست
مدال فخر به اسلامیان کشاورزیست
نِگر به کلمهٔ اِن کُنتُ کنز مخفیاً
به کنز مخفیه راه و نشان کشاورزیست
توکّلی که رساند تورا به نعم وکیل
ز خاک تیره کند دُرفشان کشاورزیست
نجوم خوشه و مه داس و کهکشان خرمن
صفا به منظرهٔ آسمان کشاورزیست
به کشت و زرع بشر می‌رسد به گنج طلا
کلید گنج زمین و زمان کشاورزیست
سعادت همه گر علم و صنعت است و هنر
به صنعت علم و هنر جسم و جان کشاورزیست
زمین از آن خدا کار و کوشش از تو بکار
به خودکفائی معین و معان کشاورزیست
تو کار کن حرکت از تو وز خدا برکت
تو را وسیلهٔ روزی رسان کشاورزیست
زمین خزینهٔ لعل و جواهر است بدان
به رنج یافتن گنج نهان کشاورزیست
حدیث رستم و افراسیاب را ول کن
به روزگار هنر پهلوان کشاورزیست
برو بخوان وَ مِن الماءِ کُلّ شیءٍ حَیّ
فراهم آنچه کند آب و نان کشاورزیست
کریمیا تو هم از طبع شعر لاف مزن
به طبع شعر که بخشد روان کشاورزیست

عزیز دهقان

سلام اولسون سنه ای خدمت اعلان ایلین دهقان
سراسر خاک ایرانی گلستان ایلین دهقان



بوتون وابسته‌لقدان قورتاران سن‌سن بو ایرانی
چالش اک بیچ وار اولسون اللرون ای فخر انسانی
که سن‌سن اهل شهرین بیر قازاشلی باغ و بستانی
کاسبلار کلبه‌سین نوری چراغان ایلین دهقان

کشاورز اقتصادین رُکنیدی ای مردم آزاد
کشاورزه وئرون ترویج ائدون بو کشوری آباد
گرک هر باره‌دن دولت کشاورزه ائده امداد
قویا سرمایه جاندان خاکی مرجان ایلین دهقان

ئوزون ایشله ئوزون یی ظلم ائدن یوخ اهل طغیان یوخ
کلنتر کدخدا بگ یوخ گزیر یوخ خانچا یوخ خان یوخ
باشون اُستونده شالاّق یوخ به غیراز حکم قرآن یوخ
بنای کاخ استکباری ویران ایلین دهقان

اولون سازنده تولیدی چوخالدون ائتمیون غفلت
اولاخ تا خودکفا بیگانه‌لردن چکمیاق منّت
عبادتدور شرفدور سیزده‌کی سعی و فعّالیّت
الین ئوز تیشه‌سی قانیله الوان ایلین دهقان

گرک ملّتده، دولتده کشاورزی ائداخ تشویق
سیز ایرانین گوزل باغبانیسوز بیز ایلروخ تصدیق
ائدون رفتاروزی برنامهٔ قرآنلن تطبیق
قویون قالسین آدوز تبلیغ قرآن ایلین دهقان

خدایه شکر اولوبسوز پنجهٔ اربابدن آزاد
آچیلمیش قولاّروزدان سربه‌سر زنجیر استبداد
بو گون ایران سیزوندی ایلیون ایرانوزی آباد
توکّل توپراقندا بذر افشان ایلین دهقان

کشاورز اهلینون پاداشی وار، حقدور سیزه یاور
الوزدن اوپدی پیغمبر سیزون ای ایشلین اللر
فریب عاملین شرق و غربه ائتمیون باور
اولاردور کارگر حقّینده عصیان ایلین دهقان

اولار که دم ورولاّر خلقدن یا حقّ ملّتدن
توکوللر ملّتین قانین که دویمولاّر جنایتدن
سنون سعیوندی حقّا قورتاران خلقی اسارتدن
که سن‌سن مشکلاتی خلقه آسان ایلین دهقان

سیزون چوخ حقّویز وار بو مقدّس انقلاب اوسته
حصار آهنین‌سیز نهضته گئچساخ حساب اوسته
قویولموش زندگانلیق پایه‌سی چون نان و آب اوسته
حیات ملّته جانیندن احسان ایلین دهقان

بئله امر ایلدی نطقینده رهبر اهل ایرانه
سیزون هر تیشه‌ویز بیر نیشتردور قلب ریقانه[1]
وئرون ترویج کشت زرعله آباد عمرانه
وطن ملکین بسان باغ رضوان ایلین دهقان

۱- رئیس جمهور وقت آمریکا.

اله بش اون تومن سالجاق قاچیرسان طهرانا فوری
نه وار طهراندا غیر از ایستی توستی ای گوزوم نوری
طبیعی منظره آزاد هوا وار ئوزگه بیر شوری
سنون سعیوندی بول طهرانی طهران ایلین دهقان

گازولدان توستودن طهراندا ملّت قالمیش آواره
سحر اگنونده آغ کوینک اولور آخشامه تک قاره
تویوقدان اتدن اُتری صفده کاپشین‌لر اولور پاره
یی هشترخانی دوش وئر جوجه بریان ایلین دهقان

کانادا پپسینی وئلله، وار اولسون چالخاما آیران
یاپیش جامین قیراقیندان ایچ ائتسون دردیوه درمان
سحر صبحانیه دوزسوز کره دوزلی پنیر ارزان
ماشاءاللّه نامخدا ای شکر یزدان ایلین دهقان

بُلاقدان ایچ سرین سو آینا تک آیدیندی گویچکدی
بیزیم سو متراژ ایستور کونتور ایستور نصفی آهکدی
الیندن وئردی عقلین کیم گوزل کندیندن ال چکدی
اونوتماز کندینی کندین گلستان ایلین دهقان

مینی‌ژوب قیزلاری گورجک دولور آغزون سویا آی‌جان
بولار شیرلی عروسکدی وورولما ظاهره اوغلان
مه‌مه مصنوعی قاش گوز یاخما لبلر رنگله الوان
نظرلرده بولاردی قوردی جیران ایلین دهقان

ننم قربان تکذبان قان دامیر لاله یاناقلاردان
بلکلر خام گوموش بود داش بادام قیماق دوداقلاردان
ییور ایچلی نزیک‌لردن ایچور سو، داش بلاقلاردان
داغین بیتمیشلریندن درده درمان ایلین دهقان

کریمی وار امیدیم دولت جمهوری ایران
کشاورزه یارانمیش مشکلاتی ایلیه آسان
گرک هر بیر اوزاق کتده قویولسون مکتب قرآن
قرانلقدان چیخا جان حقّه قربان ایلین دهقان

کشاورزین اگر جنسی پولا گئتسه عزیز اولسا
بوراخیب غربته قاچماز وطنده جیبلری دولسا
یرآلما آلما تک حاصل ازیلسه عمری قورتولسا
یوزی گولمز بو کیفیّتله افغان ایلین دهقان

قالوب آلما آغاجلاردا باخور باغبان چکور افسوس
یرآلمایه باخاندا بینوا دهقان اولور مأیوس
اولور محزون اوجور که ئوز اایاقینه باخار طاووس
یانور ئوز سعینه، حالین پریشان ایلین دهقان

کشاورز ایلسه احساس اسبابی فراهمدی
طلانی بوشلیوب ابریشمه قاچماز مسلّمدی
گورور کود یوخ دوا یوخ سایر امکاناتی چوخ کمدی
وورور ال مفرغه، زربوطه، انبان ایلین دهقان

دالیندا حمل ائدیر بیچاره کتلی شهره بیماری
گرک هر کتده اولسون مدرسه حمّام و بهداری
آلوب ساتماقدان اُتری دایر اولسون هفته بازاری
گوروم طهراندا نیلور کندی رضوان ایلین دهقان





وَمِنَ الماءِ کُلّ شیئی حَیّ

صفای جهان طبیعت سوداندی
معمّای اسرار خلقت سوداندی



سودان اولدی دسگاه خلقت مهیّا
سر آغاز خلقتدی صحرایه دریا
شراباً طهورا و کأساً دهاقا
الا کلّ شیئٍ مِنَ الماءِ حیّا
وحوش و طیوره سقایت سوداندی

باخون متن زیبای مُدْهامَّتانه
گوزل شرح عَینانِ نَضّاخَتانه
سودور زینت آرتیردی باغ جنانه
سوسوز، قوشلار ائتمز بهشته ترانه
گُل باغ بستان جنّت سوداندی

شاخار ایلدیریملار چکر ابر فریاد
ائدر آغ یاغیش‌لار کشاورزی دلشاد
بِتر گل چیچک، قدّ آچار سرو آزاد
غرض اصل مستیّ دنیای آباد
خیال ایلینده حقیقت سوداندی

سو امّیدینه پخش ائدر تخمی زارع
سوئیلا دولار دانه‌لردن مزارع
سوسوز یر ائدر تخمی بطننده ضایع
نصیحت هدردور سفیه اولسا سامع
لیاقت زمیندن حمایت سوداندی

نبی اولسا منبرده واعظ سخنران
ابی‌جهله مروانه آرتیرماز ایمان
ائدر تخمی فاسد زمین اولسا ویران
گوزل تخمه توپراقدی دایه نگهبان
خبیث اولسا یر صانما علّت سوداندی

وطنده بو گون لنگدور آبیاری
اولوب خلق کمبود آبین دچاری
بو قدر آب چاه و بو قدر آب جاری
دگول کافی سیراب ائده هر دیاری
مجالس محافلده صحبت سوداندی

کشاورز بیچاره ایشلر همیشه
الینده آغیر بل نجاق قانلی تیشه
دیور پیشهٔ انبیادور بو پیشه
او سعی و او کوشش اولور سنگ‌وشیشه
رواج وفور زراعت سوداندی

سو سئل تک رواندی مهار ائتمک ایستر
آخور بی‌رویّه حصار ائتمک ایستر
وروب سدّلر ابتکار ائتمک ایستر
کویری گوزل لاله‌زار ائتمک ایستر
عبادت اطاعت سعادت سوداندی

گرک سدّلر حادث اولسون وطنده
سو اولسون روان هر یانا شهره کنده
کشاورزه سو، مثل قاندی بدنده
اگر قان کسیلسه رمق یوخدی تنده
حیاته فقط تاب و طاقت سوداندی

یاراتماق کشاورزه لازمدی امکان
قویوب کندی تا قاچمیا شهره دهقان
گرک یول آچا کنده آباد و عمران
حمام و مطب مدرسه کودکستان
بولارداندا واجب شکایت سوداندی

مباح ائتمیش اللّه سویی کشورینده
قویوب دسترسده دیازدا درینده
چیم اوردک کیمی ایستی‌ده یا سرینده
ندور ال قالینلیقدا چیک پیسرینده
سلیقه طهارت نظافت سوداندی

سودور ایلین دانه‌نی خوشه خروار
سودان مشت حبّه اولار توشه انبار
سودان قطره دریا اولار جرعه انهار
سودان اندک اندکدی بسیار بسیار
بوتون اقتصاده اعانت سوداندی

کشاورزه اسبابی ائتساخ فراهم
قویوب کندی قاچمازلا شهره مسلّم
قویون قیماقی آغ لواش خاطرون جم
سرین داش بلاقلاردان ایچ آب زمزم
او کئف صاف هوادن او لذّت سوداندی

نولیدی گونی قیتریدیم اوزاقه
گئچن ماه و سالی چکیدیم قباقه
سحر تندیر آشین توکیدیم چاناقه
کره‌یلن نزیک‌لر یاپیدیم قوناقه
گوریدون فراغت سلامت سوداندی

تازا کوزه‌نی دولدوریدیم بلاقدان
آزا، کرمه‌نی اندیریدیم قالاقدان
آتیدیم گنه تندیره بال قاباقدان
طویلم دولیدی بیزُودان بالاقدان
قانیدیم نئجه استراحت سوداندی

سایوب مرتضی اوچ زادی شادی‌آور
بو اوچ شیئ ائدر غصّه‌نی محو یکسر
سودی ،سبزه‌دی، وجه زیبا و دلبر
سودور باعث سبزه و حسن منظر
لطافت طراوت وجاهت سوداندی[1]

کریمی او گوندن یانار حسرت اوسته
سولار گئچدی متراژیله ساعت اوسته
آدام دستمازدا چاشیر نیّت اوسته
سو چوخ ایشلننده گئدیر قیمت اوسته
چورکدنده آرتوخ قناعت سوداندی



آنلادیم بانلاماقوندان چنه‌دانونده نه وار
آچ گوروم آی باشی لولی چمدانونده نه وار



هر کس به وام و سفته و چک پای‌بست شد
بیچاره شد فلک‌زده شد ورشکست شد



۱-ثَلاثَةٌ یُذهِبنَ عَن قلبٍ حَزَن‌الماءِ وَالخضراء وَلَوجهِ‌الحَسَن

مَنْ عَرَفَ نَفسَه فَقَد عَرَفَ رَبَّه

نازنینیم داخی ناز ائتمه گوگل قان اولدی
آه ایچینده اوره‌گیم سینه‌ده بریان اولدی
گلشن حُسنوه بیر عمر نگهبان اولدوم
نیه بس زحمتیمون حاصلی حرمان اولدی
وصلویله خوشودوم دوشدوم عجب هجرانه
قیمتین آنلامادیم نعمته کفران اولدی
بیر خطا آدمی دنیا بویوجا آغلاتدی
ترک اولاسینه باعث یکه شیطان اولدی
سن که من‌سیز بیلورم حبسده‌ده راحت‌سن
من که سن‌سیز هارا گئتدیم منه زندان اولدی
ملک‌الموتدن اوّل باشیم اوسته سن گل
هامی گورسونله که جان وئرماقیم آسان اولدی
ایتیر عرزائیل آدین یا مرضین تُهمتینی
قوی دئسونلر بو یازیق یارینه قربان اولدی
منی مندن سن آلوبسان سنی من من گورورم
درد عشقوندی که هر دردیمه درمان اولدی
آزمارام آزمامیشام پیرو قرآنم من
خوش او شخصین حالینا رهبری قرآن اولدی
من که اغیاره دئمزدیم بو توکنمز دردی
سرّیمی فاش ائلین دیدهٔ گریان اولدی

قصّهٔ عشقی اوزالدان هنر عاشقدی
دوشدی دلدن دله مجنون آدی دستان اولدی
کلمهٔ من عَرَف مدرک شخصیّتدی
تانیدی هر کس ئوز اللّهینی انسان اولدی
یکه باشین یکه غوغاسی اولار آیدیندی
وئردی آسایشین هر شهر که استان اولدی
«آی منیم‌خویلی‌یاریم» خویداکی خوی خاصیتون
دگیشیلمزدی فقط باعثی طهران اولدی[1]
یوکی یونگل گوتوروب منزله سالم چاتدیر
چوخ آغیر یوکلی قالوب یولدا پشیمان اولدی

دوستون کهنه‌سی

نو حصیردن باشدی پوستون کهنه‌سی
اولماماقدان خوشدی چوستون کهنه‌سی
رسمدی هر کهنه‌لن موددان دوشر
تازه‌دی هر لحظه دوستون کهنه‌سی



یک بوسه گر ز سیب زنخدان عطا کنی
ما را ز محبس غم هجران رها کنی
رحمی برآر بر غم و شور و نوای من
زان پیشتر که بر سر نعشم نوا کنی

۱-بصورت کنایه، اشاره به «انزاب» است

نهضت سواد آموزی

بقای عزّت انساندی نهضت
صفای عشقیدی عرفاندی نهضت



وئرن انسانلارا غمدن رهائی
اصول شرع و دینه آشنائی
ایتن شخصه چراغ راهنمائی
بشرده ارزشه میزاندی نهضت
عجب فعّال اولوب همّتده نهضت
قویوب جاوید اثر هر کتده نهضت
بویوک‌نهضت ائدوب نهضتده نهضت
قیامه باشقا پشتیباندی نهضت
اوخی تفسیر نون والقلمدن
قلمدور قورتاران انسانی غمدن
شرفدور علم، موجوده عدمدن
رواج علمه خوش عنواندی نهضت
اگر علم اولماسا نوع بشرده
ئوزین حفظ ایلینمز هئچ خطرده
ظفر دانشدی هر آشوب و شرده
نجات جهلدور عصیاندی نهضت
دوتان نهضتدی تصمیم و اراده
وئرن ترویج تعلیم سواده
گرک نعمتدن اولسون استفاده
جهالت دردینه درماندی نهضت
دئمه سنگیندی تحصیله هزینه
سواده نامساعددی زمینه
دولان آخر تاپارسان بیر خزینه
سنه آخر سر و ساماندی نهضت
امیدیم وار که بیر گون ملک ایران
اولا علم و سوادیله گلستان
هامی عالِم هامی قاریّ قرآن
بو آموزشده خوش امکاندی نهضت
گلون ترویج ائداخ علم و سوادی
ییغاق یکسر وطندن اعتیادی
ییخاق تقوائله کاخ فسادی
که نهی از منکره برهاندی نهضت
گرک آوازه‌میز دوتسون جهانی
تاپاخ فیض حیات جاودانی
گرک نهضتدن اولسون قدردانی
دوام نهضته بنیاندی نهضت

گلون عورت کیشی شهری دهاتی   گزاخ فرهنگیله راه نجاتی
تاپاخ ظلماتده آب حیاتی   گوارا چشمهٔ حیواندی نهضت
سواد اولسا اگر انساندا، آزماز   ایتورمز دوز یولون بیچاره آزماز
ادبسیز یاشدی هئچ تَندیرده یانماز   ادب اورگتماقا جاناندی نهضت
بئله امر ایلدی نطقینده رهبر   گرک مکتب اولا ایران سراسر
حدیث اطْلُبو الْعِلْمی برادر   فراموش ایلسون تالاندی نهضت
اوخی قوی فرق ماریله طنابه   ممیّز اول کتابیله کبابه
حمام فکریله گیرمه آسیابه   سنه یول گوسترن انساندی نهضت
سوادون اولماسا یولدان چاشارسان   بش اون‌گون عمری زحمتده یاشارسان
گئجه گوندوز تلاش ایله باشارسان   الونده نعمت ارزاندی نهضت
بویورموش مرتضا سلطان تسلیم   منه بیر حرف هرکس ائتسه تعلیم
اونا من ایلرم چون بنده تعظیم   معلّم صاحب وجداندی نهضت
بلی نهضتده وار چوخ حُسن نیّت   ائدیر جزئی حقوقه کلّی خدمت
بو فکریله که ائتسون خلقی راحت   اوزاق کتلرده سرگرداندی نهضت
اماندور ای جوان شرم ائت خدادن   گوتور ال شرب و تریاک و زنادن
جلا وئر قلبوه صلح و صفادن   وفادور مهریدور ایماندی نهضت
هجوم ایلور بیزه فرهنگ خارج   آمان فاحش نوارلار اولسا رایج
گئدر آخرده صفر اوسته نتایج   بو غمدن روزوشب گریاندی نهضت
دئمه سینّیم گئچوب وقتیم قوتاردی   هله تحصیل علمه فُرجه واردی
نه بیلمک، بیلمه‌مک انسانه عاردی   سوادآموزیه میداندی نهضت
پشیمان اولماسان اولسا سوادون   سوادیله اولور حاصل مرادون
سوادیله قالار دللرده آدون   حیاته فیض جاویداندی نهضت
اوخی اول صاحب امضای عالی   کمال و معرفتدن قالما خالی
باسیرسان بارماقون شاقّول مثالی   سنون احوالوه حیراندی نهضت

بشر علم و ادبدن پایه پایه تاپار فیض تقرّب کربلایه
اوخی مشغول اول الطاف خدایه سنه قورتولمیان احساندی نهضت
کریمی اصل نصرت انقلابه عوامی سوق وئرماقدی کتابه
که علم اولموش فریضه شیخ و شابه ثمرلی باغ، گوزل بستاندی نهضت

دانش‌آموز

منم بیر دانش‌آموز سرافراز بودور سعییم اولام شاگرد ممتاز
اگر گورسم عزیز روزگارم رهین منّت آموزگارم
گرک هر دانش‌آموز گرامی اولا اوستاده قائل احترامی
نظافتده گرک ائتسون رعایت نچون ارکان ایماندور نظافت
اگر وئرسین اهمیت نمازه نمازیله یتر شخص امتیازه
گرک اولسون مؤدب دانش‌آموز ادبسیز تیره‌بخت اولموش سیه‌روز
نخستین درسیمیز درس ادبدور ادب معراج انسانه سببدور
محصّلده گرک اولسون متانت صداقت معرفت شرم و دیانت
ادبسیز پادشاه اولسا گدادی هامی درسینده بیست آلسا هوادی
محصّل مودپرست اولسا خودآرا نتیجه صفریدور آخر خدا را
محصّل یر، معلم مثل زارع سفیه اولسا یر، ایلر تخمی ضایع
گئجه گوندوز تلاش ایله سواده سوادیله یترسن اعتقاده



سفر به شام

همیشه سرسخنه ابتدادی بسم‌اللّه
تمام مشکله مشکل‌گشادی بسم‌اللّه
خدا کلامیدی سرّ خفیدی ذکر جلی
همین بو آیه‌دی اسم عظیم لم یزلی
کلیم وادی سینا دئسیدی بسم‌اللّه
آتاردی پرده‌نی مشتاقینه جمال‌اللّه
بو اسم پاکله اَرنی دئسیدی الده عصا
جواب ائشیتمزیدی لن ترانی یا موسی
گنه خدا یتیروب عمریده بیزی کامه
خانم رقیّه بیزی دعوت ایلدی شامه
هزار و سیصد و هفتاد و یک مه مرداد
مصمّم اولدی اوتوز بیر نفر به شیون و داد
سحر زمانیدی یکشنبه ابتدای صفر
دوزلدی قافله باشلار دولی هوای سفر
ییغیشدی پیر و جوان کوره‌خانه مسجدینه
که مسجد امندی نسبت مکان غیره گنه
محلّ جلوهٔ نور جمالدور مسجد
مقام لطف جلیل و جلالدور مسجد
نماز صبحی قیلوب سرعتیله فخّاری
دولوب گوگل غمیله باشلانوب عزاداری

توسّل ائتدیله یعقوب نوحه‌خوان منصور
مجید اذانی وئروب سالدی بزمه شورنشور
اذان دوّمی لطف ائتدی نوحه‌خوان اصغر
گوزل صداسی سالوب غملی دللره اخگر
الینده پرچم هیئت قباقدا مکّاری
اولوبدی دژبانا تک هیئتین علمداری
مدیر قافله تبریزدن جُدیریدی
که یعنی قافله دربست اونون اسیریدی
جُدیرینون بو سفرده شریک و همکاری
چوخ ایش بولن آدی فیروز شهرت اشجاری
اگر چه یولدا بیر آز اختلافمیز چیخدی
زرنگیدی خشی فوراً یان اوستونه ییخدی
قراردادیده گرچه ماشین کولرداریدی
ولی موقّتی بیر پنکه‌دن کولر واریدی
مراغه‌ده نئچه ساعت یوباتدی قافله‌نی
نمونهٔ کیشیلیق قول و فعلیدور علنی
غرض مینوب ماشینا بای‌بای ائتدوخ احبابه
ماشین آشوب ملکانی یتوب میاندابه
شوفر بیری بیوک آقا ایکیمجی مورتوضیدی
ولیک هر ایکیسی اهل دنده تورموزیدی
بیری قیافه‌ده عیناً سنانه بنزردی
او بیرسی باور ائله ساربانه بنزردی
چوخ احتیاطله ایلردی جادّه‌دن حرکت
خدا هر ایکیسینون عمرینه وئره برکت

مصاحبیم جوریدی قارداشیم حسن واریدی
الیم عصاسی بو داود خوش‌سخن واریدی
صفای بزم ادب حاجی اکبر سرّاج
حاجی عزت و حاجی بایرام او بزم اُنسه سراج
برادران ایکی «خوش‌یمن»لر تقی‌زاده
جواد و بهره‌ور، آزادمرد و آزاده
حاجی عوض حاجی قادر و بیرده، مشدی چوبان
بهار آقا، مشه نوروز، کاظمی برشان
غلامعلی صفی ثانی، جناب مولائی
همیشه همسفریم نور بحر و ایلائی
بیزه بو یولدا حسن نیکخو ملازمیدی
چوبان هیئت او، عباسیان ناظمیدی
اگرچه خوشدی هواپیما استراحتی وار
سفر زمینی اولاندا بیر ئوزگه لذّتی وار
باخور طبیعته انسان عجب تماشادی
چمندی، دشتدی، صحرادی، موج دریادی
بیچینچی‌لر توکولوب خرمن طلائی بیچور
فلک ایشین گوروری عمر کاروانی گئچور
ایکیدی ساعتمیز کاروان سوریّه
تفنّنیله اولوب وارد ارومیّه
دُؤنوب، سِرو، ساری یول باشلادیق نه سرعتله
که بلکه تئز یتیراق مرزه بیز فراغتله
ماشین گهی آشوب آهو مثالی داغلاردان
گهی گئچردی بولود تک صفالی باغلاردان

قویونلارین سوروسی یان یانا یاتوب مله‌شیر
چوبان نیین چالوری کورپه‌لر قاچور گُله‌شیر
چوخ احتیاطله چاتدی گروهیمیز مرزه
باخولاّر اوردا گذرنامیه، یوکه، ارزه
او یرده مشکله برخورد ائدوب حاجی منصور
بو علّته که گذرنامه اولمیوب ممهور
خراب اولوب حالیمیز حرص ووردی کلله‌میزه
اُلوشگه‌دوخ دیه‌سن قیل گوگردی بلله‌میزه
او قدری مرزده دوشدوخ فشاره پیر و جوان
آنادان امدیگیمیز سود بوروندان اولدی روان
دوتوب باش آغریسی چاتداتدی سانجی بینمیزی
جواد اولوب بیزه دکتر اُواردی چیینمیزی
بوجور معالجه‌لر ایمدی چوخدی ایراندا
قوموج گوتورمه، بوغاز باسما موددی هر یاندا
نخود فالي ،زلی، سالدیرما بادکش و حجمت
بئله معالجه‌لر گون به گون تاپور عظمت
واریدی مرزده بهنام آدینلی مرد سخن
گوزل جوان حاجی ایلائیه برادر زن
بیزی سفارش ائدوب مرزبانه رأفتله
گئچیندیلر بیزیلن منتها محبّتله
او تایدا مرزده قالدوخ هتل بیاباندا
غریبه هر آغاجین آلتی ائودی هر یاندا
او گئجه خاطره‌لی بیر گئجیدی چاغیمدا
او گئجه‌نین دادی دائم قالار دماغیمدا

بیری سالوب پتوسین آلتینا اویاندا یاتوب
بیری ماشیندا گوزل رختخوابی گوزدن آتوب
نه غم نه غصّه وار، آسوده خاطر آسایش
بیری خوتون بیری باشماقلارین ائدوب بالش
هامی اولوب حاجی منصوردن ساری غمگین
گئدوب مراغیه تکلیفین ایلسین تعیین
صباح گونارتیاتک گوزلدوخ غرض گلدی
او باره‌دنده اورک ساکت اولدی دینجلدی
ناهاری مرزده صرف ایلدوخ سوار اولدوخ
نه شوقیلن طرفِ وانه، رهسپار اولدوخ
یولون صاقی صولی نقّاشی طبیعتیدی
یاشیللی داغ دره‌لر مثل باغ جنّتیدی
گل و گیاهله صحرا گوزل بزنمیشیدی
بولود داغین باشینا پاره‌پاره اَنمیشیدی
داغین دوشونده‌یاتوب جوربه‌جور وحوش‌وطیور
اوجور که خانهٔ کندویه سرماشار زَنبور
ماشین دولو یِمَلییدی وفور نعمتیدی
کئف آیری بیر کئفیدی لذّت ئوزگه لذّتیدی
گلردی شوریله یعقوب نوحه‌خوان سخنه
چاتاردی نوبه تقی‌زاده‌ئیله شیخ‌حسنه
عوض بهار اوچ اکبر ایکی غلامعلی
حاجی کریم هاموسی رُفته شُفته ایستمه‌لی
گئدردوخ عشقله، بایرامدی هر زمان دلیه
گروه نیمهٔ شبده یتیشدی باش قلیه

شوفر ایکیدی اولان وقته خسته سلطانی
آلیجی قوش کیمی مورتوض آلاردی فرمانی
ولی بیر عدّه یوموب آغزینی دانشمادیلار
بو مدّتی یوخودان بیر زمان گوز آچمادیلار
دئدیم شیرین یوخونین گرچه روحه لذّتی وار
ولی چوخ اولسا مرضدی وجوده زحمتی وار
گئچیتدوخ آتمیش ایلی شامله سحر یوخودا
همی حضر یوخودا گئچدی هم سفر یوخودا
نولیدی کاش ائشیدیدی یاتانلار ئوز سسینی
ئوزی گوریدی یاتاندان صورا قیافه‌سینی
نئجه بویون اگیلور گوز آخیر دوداق بوزولور
چامادار .....تک بورنونون سویی سوزولور
بیری اُیاقلیقینون قدرین آنلاسا یاتماز
بیر آی اُیاقلیقی بیر عمر یاتماقا ساتماز
یوخو ئولومدی ئولومدن گرک هراس ائتماق
نه حُسنی وار ئولومین پیشوازینه گئتماق
بویوردیلار «عَجَباً لِلْمُحِبّ کِیفَ یَنامْ
تعافل ایلمه نَومُ عَلی المُحِبّ حَرامْ
ماشیندا قلیانی گورجک گلوب تجلّایه
ییغیشدی ترکیه سربازلاری تماشایه
بلی چهار قُله هفت بابدور قلیان
چهار عنصره فصل الخطابدور قلیان
خوشا او شخصه که قلیانه یار و همدمدی
که آب و آتش و خاکیله بادی باهمدی

یتیشدی ساعت سگّیزده کاروان، وانه
نه وان که دوغروسی بنزردی باغ رضوانه
نئجه تمیز نه گوزل شهر یاخشی منظره‌لی
گوزل مساجدی مفروشیدی چه فایدا ولی
مغازه‌لر قباقی کافه‌لر قمارخانه
همی مساجدی آباد همده میخانه
دئدیم بولارداکی اسلام عجب منظّمدی
که هئچ گناه اثر ائتمور بناسی محکمدی
قاتوب نمازی قماری شرابی بیربیرینه
بلی زرنگ اولی مؤمن شورو قاتار شیرینه
اونون که کُرّیدور ایمانی یا اولوب واصل
ضرر یتورمز اونا معصیتلر الحاصل
بوتون مغازه خیابانلاری تمیز و نظیف
خلاصه گورمه‌لی بیر شهردور هواسی لطیف
واریدی مسجد جامعده بیر شکوه و جلال
بهشت غرفه‌سی دلدن ائدردی رفع ملال
او شهریده حاجعلی صابری مریض اولدی
تب ائتدی گل کیمی یعقوب نوحه‌خوان سولدی
او بینوایه سُرُم وصل ائدوبله، تاتواندا،
یدوخ ناهاری اونی گوزلدوخ خیاباندا
بو اتّفاق آپاروب شور و حالی مجلسدن
ماشین دوشوب توِوا فی‌الفور گئچدی بطلسدن
صفالی منظره‌لر سِیر اولوندی هر یاندان
شره‌لی ایستی نه یللر اسوردی، واتقاندان

توسّل ایلدیلر شیخ حسن تقی زاده
نقدری گردنه آشدوخ نقدری آباده
دونر کباب، عطشیندن اَولانوب تابه
قاریشدی بیربیره چای قارپزیلا نوشابه
گئجیدی یاتدی هامی قالمادی ماشیندا صفا
سحر زمانی اکیب اولدی وارد، اُرفا،
سعادتیله قمر خارج اولدی عقربدن
تفنّن اخذ ائلدوخ شهر، قاضی عن تبدی[1]
صفالی شهریدی مسجدده دستماز آلدوخ
او شهردن پتو چرقتله جانماز آلدوخ
مینده ماشینا داود وئردی بیر صلوات
گلوب ترانیه یعقوب باشلادی نغمات
یتیشدی قافله‌میز لنگه دوشدی گمریکده
داریخما گلدی نفس تنگه دوشدی گمریکده
اُناثه مکتب قِر فِردی، عشوه ترکیّه
ذکوره مرکز دزدی و رشوه ترکیّه
خلاصه هر گئچه‌جکلرده سان وئروب گئچدوخ
آچوخ قویوب کیفین آغزین قران وئروب گئچدوخ
گونون باتان چاغیدی بیر ساعات قالوردی شبه
یتیشدی قافله‌میز طمطراقیله، حلبه
حلب حلب نه حلب شهر دلگشادی حلب
حقیقتاً فرح‌افزادی باصفادی حلب
گزوب هتل‌لری یر ممکن اولمادی لاکن
اولوبدی، فَندَق اطلسده کاروان ساکن

۱-غازیان تپه

شامی یدوخ نئجه شام، قوّت اولدی اعصابه
چلو خورش سالادیلا یانیندا نوشابه
ولی سالار نئجه فکره جوانی ایشسیزلیق
یوروبدی محسن زرّین‌نشانی دیشسیزلیق
دوروب باخاردی غذایه الی دوداقینده
مگر سوبایدی، زنانه حمام قباقینده
چلوکبابی گورنده الین چالاردی اله
اوجور که شیشه دالندان کاسب باخار عسله
ایکی خط اوسته ائدر چرخ زندگی گردش
جهاندا لذّت ایکی شیئدی بیر خانم، بیری دیش
دیش اولماسا چیخار ال جمله ناز نعمتدن
خانمدی قورتاران انسانی هر مشقّتدن
هتل‌ده بیر گئجه شلواریمی ئوزوم یوموشام
او وقتدن قولوم آغرور یورولموشام ناخوشام
دئمه کریمی بو اشعاری معده‌دن یازدی
اگر کبین چیخا اون میلیانا گنه آزدی
خانم سیلر سپورر ائو اوجاقی بور بوجاقی
سرینلَدَر اوره‌گی هم سوویندیرر قوجاقی
اونون که دیشلری یوخدی آغزدا لذّتی یوخ
اونون که همسری یوخ ائوده استراحتی یوخ
ولی آغزدا که دیش فاسد اولسا بیر غم اولار
خانمدا فاسد اولا زندگی جهنّم اولار
دیشون که آغریدی چک قورتول ایلمه تأخیر
خانم پیس اولدی طلاقین وئر اولما چوخ دلگیر

سحر زمانی دوروب کاروان گلوب طربه
گوله گوله اولوب آماده قلعهٔ حلبه
سحر جوانلارا «برشان» مدیر ورزشیدی
جواد آقا بیزه دکتر ماساژ و مالشیدی
نه قلعه صفحهٔ تاریخه بیر گوزل تصویر
نه قلعه جملهٔ اَینَ الملوکه خوش تفسیر
گئچن زماندا سلاطینه کاخ عزّتیدی
بصیرت اهلنه هر سنگی درس عبرتیدی
باخوب او قلعیه بیر ساعته کیمی تومدوم
بیر ئوزگه حالده دریای حیرته جومدوم
اوقلعه‌ده چای ایچوب قهوه صرف اولوب مسرور
گوتوردی عکس حسن نیکخو حاجی منصور
سسین آتوب باشنا شیخ حسن او مأواده
اوخودی بیر نئچه بیتی وفای دنیاده
بو گلستاندا آچان گل گیاه گئتمه‌لیدی
گدای شهر اولا یا پادشاه گئتمه‌لیدی
هانی فراعنهٔ مصر و تاج و تخت کیان
هانی سیاست هارون، جلال برمکیان
بو قلعه‌لرده اولان نامی ارسلانلار هانی
شراب نابی ایچوب اوینیوب چالانلار هانی
بیزی آپاردی حاج اکبر چائیلا قلیانه
منیم گوزومده او قلیان دگردی میلیانه
حاج اکبر اولدی من اولدوم علاوه منظوری
بو نور بحر سپهر محبّتین نوری

حاج اکبرین حرکاتی رفاقتی ادبی
بیزه بهشت ایلمیشدی سیاحت حلبی
رفیق اودور که صداقتده پایدار اولسون
سفرده زحمته دُوزسون حضرده یار اولسون



قوپاتسالار اتووی ذرّه ذرّه ماقّاشیلان
آیورسالار سنی بیر عمر باجی قارداشیلان
قاچیتسالار سنی تشنه اگرچه داغ داشیلان
آماندی چیخما یولا قارنی زیقلی یولداشیلان
حلبی ترک ائلدوخ کاروان گلوب هوسه
قریب ساعت بشده ماشین یتوب حَمَصه
نمازی مسجدالانوارده ادا ائلدوخ
خدا بیلور هاموزی یاد ائدوب دعا ائلدوخ
حَمَص مجلّله بیر بلده‌دور اروپائی
که ساختمانلاری وار دلگشا و ویلائی
ییغیشدی باشیمیزه یوز اوشاق ظرافتیله
که شیرنی پایلادوخ اطفاله چوخ محبّتیله
دئدیم رقیّیه سیز چوخ داش آتمیسوز دایانون
گلون گلون سیزه بیز شیرنی پایلییاخ اوتانون
قوناق گلنده قوناقی خجالت ایلمییون
اسیره رحم ائلیون چوخ شماتت ایلمیون
آماندی ایلمیون طعنه شهروزه گلنه
اهانت ایلمییون اوغلی قارداشی ئولنه

غریب و بیکس و بیچاریه حمایت ائدون
یتیمه گولمیون اللّهدن اوتری رأفت ائدون
غروب وقتی اولان وقته گون بدل شامه
یتیشدی قافلۀ عشق بلدۀ شامه
دایاندی قافله گوز یاشلی باب ساعاته
او یر که زینب الین قُوزادی مناجاته
نه شام آبی گوارا هواسی باغ جنان
عبث دگول که دیوللر اورا عروس جهان
بو یر اسیرلرین قلبی قان اولان یریدی
حسین بالالارینون گل کیمی سولان یریدی



اگرچه باغ بهشتین مثالیسان ای شام
عیال حیدره کم اعتنالیسان ای شام
غلوّ یوخدی بیانیمده سؤز دگول اغراق
دئسم که مرو و صفادن صفالیسان ای شام
سنون بو کوچه‌لرون‌ده رقیّه آج دولانوب
قوناقه مهر و وفادن آرالیسان ای شام
حسین دوداقلارینا سنده خیزران وورولوب
پیمبر عترتینه چوخ جفالیسان ای شام
مضایقه ائلدون اهلبیته بیر معجر
نئجه دیوم سنه شرم و حیالیسان ای شام
خرابه گوشه‌سینی زینبه مکان وئردون
رقیّه سنده ئولوب ماجرالیسان ای شام

او قدری سنده توکوبلر چکوبله دلدن آه
او بابدن بئله آب و هوالیسان ای شام
ربابین اصغره لای لای سسی نسیموندن
گلور قولاقلارا نی تک نوالیسان ای شام
اون آلتی باش سنی ائتمیش شرفده کرب‌وبلا
مقام و رتبه‌ده سن کربلالیسان ای شام
باشی بلالیلرین باشی سنده دفن اولونوب
اودور که کرب‌وبلادن بلالیسان ای شام
نچونکه مدفن اولوبسان عقیلةالعربه
عزیز فاطمه خیرالنسالیسان ای شام
هامی اورک متمایلدی سنده دفن اولانا
کریمینون هدف ایده‌آلیسان ای شام



ساتاشدی گوزلره دروازهٔ ولایت شام
اورکده تازه‌لنوب محنت و مصیبت شام
همین بو یرده دایاندی قطار آل الله
بیر ایل گچوب اُسرایه بو یرده ساعت شام
بو شهره وارد اولاندا قطار آل الله
نه بیحیالیق ائدردی اوگون جماعت شام
بیری گولردی بیری کف چالاردی اویناردی
که جشنه وئرمیشیدی آگهی حکومت شام
بیری دییردی باخون بیر او خرداجا بالیا
گورون نئجه او گلی سولدوروب جنایت شام

بیری دییردی او ناخوش جوانه بیر داش آتون
امام ساجدی دلدن سالوب شماتت شام
بیری دییردی او محملده‌کی خانم کیم اولا
اونون وقارینی سیندیرموری اسارت شام
بیری دییردی او قیز بنزیری تازا گلینه
اونون طویون دیه‌سن یاس ائدوب خیانت شام
بیری دییردی گلون نیزه‌دارلر گلوری
ووروبلا نیزه‌لره آی، گونی بو ملّت شام
بیری دییردی سیز اللّه داش آتمییون بولارا
اسیر اولوب بولارا بسدی بو حقارت شام
بیری دییردی گلون بیر یارالی باش دانیشور
سؤزونی قویموری درک ائتماقا بو کثرت شام
بیری دییردی تصدّق وئرون اسیردیلر
داش آتمییون بولارا یوخدی استراحت شام
بیری دییردی او طفلین ئوزی عجب قرالوب
وورولاّ سیلی او قیز آغلیاندا ملت شام
رقیّه آهی یزیدین ائوین خراب ائلدی
اولوبدی زهر هلاهل اونا امارت شام
بوگون خرابه اولوبدی بهشت تک آباد
دوشوبدی ذلّته بدبخت اولوب حکومت شام
گلون رقیّه‌نین عاشقلری جلالی گورون
رقیّه آدینا تثبیت اولوبدی عزّت شام
ایکی قضیّه‌دی قرآنی ساخلیان زنده
فقط شهادت کرب‌وبلا، اسارت شام

کریمیم خانمون محضریندن ایستمیشم
نصیب اولا هامی عاشقلره زیارت شام
دمشقده بیزه منزل وئریلدی بَسماندا
گوزل هتل عظمتلی دگولدی پسماندا
واریدی بیر حاجی محمود آدینلی آشپزیمیز
ادبلی سلقه‌لی نورانی دستپختی تمیز
سلیقه واقعاً انساندا باشقا نعمتدی
دوگی همان دوگی سؤز یوخ که ات همان اتدی
دوتار سلیقه‌لی آشپز قره سودان قیماق
سلیقه‌سیز گوزل اتدن کباب سالار دوغاناق
گوزل غذائله بیزدن ائدوب پذیرائی
چلو کباب تویوق سوپ گوزل دِسر چائی
هتل‌ده باشیمی قیخدی بهار سلمانی
دوغوردان اللری وار اولسون عمری طولانی
رفیقلر هاموسی برگزیده دانه نشان
«حاجعلی صابری» «زرّین‌نشانیله» «برشان»
جهاندا زینت اولان حسن خُلقدور بشره
بد اخلاقین یری اوددی بناهمین خبره
رسول اکرمه منّت قویور خدای کریم
حبیب من سنه اعطا اولوبدی خُلق عظیم
بد اخلاق آغزین آچاندا چالالّار آغزیندان
وورالاّ باش یاریلار قان آخار بوغازیندان
بد اخلاق هر سؤزه بیر باشنه آتار اتگین
بد اخلاقین گوتی دائم بیر دیلین کوتکین

مدیر قافله‌نین بسکه اخلاقی خوشودی
او بابدن بو یولون نیشی بیزلره نوشودی
فقط خیالی بو اولدی که بیر اویون گتوره
بو یولدا منفعتی آلتی اولسا اون گتوره
خدایه شکر اولا هر آرزومیزه یتدوخ
سحر نمازه رقیّه مزارینه گئتدوخ
ایاقی آتدا سورروندوخجا اخذ کام ائلدوخ
بو دللریله گوزل قبرینه سلام ائلدوخ



سلام اولا سنه ای غملر آشناسی خانم
ذلیل جانیم بالاجا قبریوین فداسی خانم
عجب خرابه‌ده نازیله یاتمیسان سس‌سیز
مگر ایاقلاریوین توختیوب یاراسی خانم
ایاقه دور داخی نه شمر وار نه زجر و سنان
یزیدی محو ائلیوب عمّه‌وین نواسی خانم
وطنده چوخلار ائدر آرزو زیارتووی
دوشوبدی چوخ باشا بو قبریوین هواسی خانم
قولاق وئرنده گلور دمبدم قولاقمیزه
بو قبردن ئولورم عمّه‌جان صداسی خانم
حسینه سوگلیسن زینبون شیرین دیلیسن
او سنّیله سنیدون اصغرین آناسی خانم
قویوبلا یوز بو قرا یوزلرون سنون قاپووا
بو آستانه‌ده‌دی دردلرین دواسی خانم

اورکده چوخ سؤزومیز وار سنون غریب آتاوا
آچیلمیوبدی ولی راه کربلاسی خانم
بئله دیولله گوزل باشی بوردا دفن اولونوب
ائدیر بو قافله سندن بو التماسی خانم
دئنه بابا نظر ایله منیم قوناقلاریما
بیزیم خطامیزی اورتر اونون عطاسی خانم
کریمیم قاپووا گلمیشم گدالر تک
که شاهلارین شاهیدی درگهون گداسی خانم



همیشه مجلس غمدور رقیّه‌نین حرمی
گلاب اشگله نمدور رقیّه‌نین حرمی
اگر چه مرو و صفادن ائدلله سعی صفا
صفای بیت و حرمدور رقیّه‌نین حرمی
بهشته عاشق اولانلار گلون دمشقه طرف
بهشتدن دئمه کمدور رقیّه‌نین حرمی
بالا ضریحی گوزل قبری گاهواره‌لری
مثال باغ ارمدور رقیّه‌نین حرمی
دیون مریضلره جمله دردمندلره
حریم لطف و کرمدور رقیّه‌نین حرمی
ائله صفالی رواقه گلن نوایه گلور
چه جای درد و اَلمدور رقیّه‌نین حرمی
یزید عمارتینه باخ، رقیّه قبرینه باخ
که بر علیه ستمدور رقیّه‌نین حرمی

ییخوب یزیدین ائوین آهی اوچ یاشیندا قیزین
برابرینده علمدور رقیّه‌نین حرمی
فقط نه شیعه گوزل قبرینه پناه آپارور
نه تک امید عجمدور رقیّه‌نین حرمی
عرب، عجم هامی دردین دیور او خیردا قیزا
دَمِ کریمیه دمدور رقیّه‌نین حرمی
دیینده نوحه یاناردیم گوزل رواقینده
گلردی موجه گوزوم یاشی گوز بولاقینده
خانملارین بیری بیر گاهواره وئردی منه
بیر ئوزگه مبحث غمدن اشاره وئردی منه
هامی رقیّه سس وئردی قارداشیم لای‌لای
قوجاقیمون گُلی، ایستکلی یولداشیم لای‌لای



سوار اولوب ماشینا عصر وقتی سرعتله
گئداخ سلامه خانم زینبه بو نیّتله
ماشیندا نوحه دئدوخ آغلادوخ غمه باتدوخ
حسین دیه‌دیه زینب مقامینه چاتدوخ
بهشت غرفه‌سینه شوقله خرام ائلدوخ
بو دللریله خانم زینبه سلام ائلدوخ
سلام اولا سنه ای باغری قان اولان زینب
او سرو قامتی غمدن کمان اولان زینب
سلام اولا سنه ای دختر رسول خدا
بهاری غصّه و غمدن خزان اولان زینب

سلام اولا سنه ای مرتضی علی بالاسی
آناسی فاطمیه همزبان اولان زینب
سلام اولا سنه ای مجتبا فراقینده
گئجه گونوز ایشی آه و فغان اولان زینب
سلام اولا سنه ای عصر روز عاشورا
حسین بالالارینا پاسبان اولان زینب
سلام اولا سنه ای قمچی‌لر قباقینده
بیلکلری گووروب ناتوان اولان زینب
دیار کرب و بلادن دمشقه قول باغلی
جهازسیز دوه اوسته روان اولان زینب
خرابه‌لرده حسینون گوزل رقیّه‌سینه
گئجه صباحه کیمی نوحه‌خوان اولان زینب
آتاسی رحم ائلین بینوایه دربدره
ئوزی فلک‌زده بی‌خانمان اولان زینب
وطن صفاسین آتوب تازه‌دن گلن شامه
گوزل رقیّه‌سینه میهمان اولان زینب
کریمیا بو خانم مرتضی علی قیزیدی
رواقی شیعیه کهف امان اولان زینب



گئدوب معاویه‌نین قبرین ایلدوخ رؤیت
خرابه گنبدی واردی آتاسینا لعنت
چکوبدی ال داخی جاه و جلال دنیادن
ظروف نقره و زرفرش و رخت دیبادن

کتاب عبرته آموزگاردور دنیا
کتیبهٔ گذر روزگاردور دنیا

معاویه یاشادی بالش حریر اوسته
گئچیتدی عمرینی مولا علی حصیر اوسته

معاویه باشا وئردی نشاطله روشین
علی قالوب الی قوینوندا اولدی خانه‌نشین

آچوب خزینه‌نی پول وئردی خلقی آلاّتدی
او بی‌وفا کیشیلر دینی دِرهمه ساتدی

بیر عدّه‌نین شرفی دینی پولدی آلاّهی پول
آتاسی پول آناسی پول حبیبی پول شاهی پول

یوزونده شرم و حیایه چکوبدی پول حوله
نه دئدیقی سؤزه صاحب نه وئردیقی قوله

آدام اونا دیولور که جهاندا دورد پیی وار
اونون که دورد پیی واردی بولون که هر شیئی وار

پلودی، پارتدی، پاتلت، عزیز جانیم پول
هایانداسان باشووا من دونوم دولانیم پول

جیبونده اولماسا پول استراحتون یوخدی
مجالس اُمرایه لیاقتون یوخدی

پولون قاداسین آلیم حلّ جمله مشگلدی
قوطوردی، دازدی، قره، پوللی اولسا خوشگلدی

همیشه پول کیشینی زنده‌دل جوان ساخلار
دولاریلا، قوجا هشتاد یاشیندا اویناخلار



اولوب روانهٔ باب‌الصّغیره قافله‌میز
گزه گزه آزیدی چون او سمته فاصله‌میز
هواسی باب صغیرین نهال غم بیتیرور
او یرده مقبره‌لر وار غم اوسته غم گتورور
او یرده آی کیمی اولدوز کیمی باتان باش وار
اون آلتی باش باشاباش باشباشا چاتان باش وار
او باشلارین بیری لیلانی یاندران باشدی
سالوب دالیجا دمشقی دولاندران باشدی
او باشلارین بیری‌ده قاسم جوان باشیدی
عروسین اللرینه قان حنا یاخان باشیدی
او باشلارین بیرینون حالی چوخ پریشاندی
سینوبدی ضرب عمودیله قانه غلطاندی
او باشدی آغلادان ام‌البنینی شام و سحر
همان او باشدی حسینی ائدن شکسته کمر
دوتاردی گاهی یوزون کربلایه امّ‌بنین
گلردی نی کیمی دائم نوایه امّ‌بنین
بویون قاداسین آلوم مهربان ابوالفضلیم
آناوی یادیوه سال هارداسان ابوالفضلیم
همیشه عطریوی آلاّم شیرین دیل اوغلوندان
بو طفلدور منه سندن نشان ابوالفضلیم
سنون کیمی ئوزی شیریندی هر اداسی گوزل
گوزل بالا ئوزی شیرین زبان ابوالفضلیم
سنون کیمی بالاویندا کشیده قامتی وار
اوزون قول اَنلی کورک پهلوان ابوالفضلیم

ایکی قولینی سالار بوینوما ئوزومدن اُپر
شبیه‌دور سنه نازلی بالان ابوالفضلیم
بو یالقیز ائوده منیم مونسیم بودور شب و روز
وئرر تسلّی منه هر زمان ابوالفضلیم



خلاصه گلشن باب الصّغیره یول سالدوخ
قبور عترت خیرالورایه قول سالدوخ
بلال مقبره‌سینده حسن اذان وئردی
پیمبر عهدینی تاریخدن نشان وئردی
اذان سسین ائشیدیب لرزه دوشدی جانیمیزه
سسینی قاتدی خانم فاطمه فغانمیزه
او حالی یادیمه سالدیم دئدی خانم زهرا
عم‌اوغلی غصّه و غم صبریمی ائدوب یغما
آتام وفات ائلیندن بلال اذان وئرمور
دئمور که فاطمیه گوزیاشی امان وئرمور
علی یتوردی بلاله پیام زهرانی
بلال ایلدی اجرا کلام زهرانی
دیینده اشهدُ انّ لا اله الاّ اللّه
اووشدیروب اوره‌گین فاطمه چکوب بیر آه
رسول اکرمین آدین دیینده واویلا
علی باخاندا نه گوردی که غشّ ائدوب زهرا



دولاندوخ اوردا نه که غصّه‌لی مکان واریدی
توسّل ائتماقا یعقوب نوحه‌خوان واریدی

ازلکی شام سفریمده سیاحت شامی
که آد به آد دئمیشم هر زیارت شامی
مشاهدین چکلوبدور تمامی اشعاره
مفصّل عرض اولونوب یوخ علاقه تکراره
غرض دوشنبه گونیدی قیام حشر اولدی
وفات حضرت خوئی جهانه نشر اولدی
قاریشدی بیربیره مردم بیر ازدحام اولدی
صباح شام دونوب تیره شام شام اولدی
مراسمی هتل شرقده اولوب برپا
دعا اوخوندی عزاداری اولدی چوخ زیبا
دمشقده نئچه گون قالدوخ استراحتله
دعا، نماز و زیارت خلوص نیّتله
صفاده باغ گلستاندی مسجد اُموی
نه بلکه روضهٔ رضواندی مسجد اُموی
بنای محکم اسلامه رکن مستحکم
جهانه مکتب قرآندی مسجد اُموی
او یرده دفن اولونوب رأس حضرت یحییٰ
او شمع عشقه شبستاندی مسجد اُموی
او یرده منبره تشریف آپاردی زین‌العباد
او منبره هله حیراندی مسجد اُموی



اولوبدی بیر نئچه گون شامده اقامتیمیز
همیشه کاملیدی فیضیمیز زیارتیمیز

غرض اهالی شامین حیا و عصمتی یوخ
آلیم ساتیمدادا انصافی یوخ مروّتی یوخ
باخولاّ مشترینین آغزینا حسابلولاّر
طرف گوروللە که خامدی اوچ اللی قابلولاّر
ولی زیارتی هر کس سوویر زیارت اولا
گرک آلیش وئریشیندن خیالی راحت اولا
اوجور که بنده‌نی دنیا قویار عبادتدن
دوغورسی زائیری آل وئر قویور زیارتدن
هره ایکی پتو چیگنینده کهنه حمّال تک
اوخوردی هر گلنه بیر قصیده دلاّل تک
بیری اوزوک بیری تسبیح و گردکان ساتوری
پیاده‌رودا آچوب جنسینه دکان ساتوری
ساتیلمادی پتولار صدمه حدّیدن گئچدی
هله یوموتدامادی هئچ فالانی‌دا ایچدی
گرکدی سوغات آلیدیم بقدر امکانی
خانم باجوز ائوه قویمازدی من پریشانی
دییردی زوّارا باخ نه جوراب داراق گتوروب
گئدوب گزوب دولانوب‌بوللی قاشقاباق گتوروب
گلنده سوغاتا آپیاش تک آغلیان گوزی وار
گئدنده هر سفره بیر سجیرلاما سؤزی وار
مقام حضرت زینبده روز آدینه
اولوندی تعزیه‌داری وئرولدی بیر سینه
دعا اوخوندی یورولدوخ الولانوب تابه
دویونجا صرف اولوب انجیر ایچیلدی نوشابه

ایکیندی مسجد رأس حسینیه گئتدوخ
نماز قیلوب ایکی رکعت داخی وداع ائتدوخ
حاجی عوض حاج منصور حاج علی صابر
صفی ثانی و داود حسن حاجی قادر
علی‌الصّباح فراق آلدی صبر و آرامی
حسین دیه‌دیه ترک ایلدوخ گوزل شامی
باخاباخا در و دیوار شامه اشگ اَلدوخ
دونوبدی گوندوزمیز شامه شامی ترک ائلدوخ
چیخاندا شامدن آهیم منی کباب ائلدی
گلوب ترانیه مرغ دلیم خطاب ائلدی
دیار شام بِلاد بلا خداحافظ
بو سن بو زینب بختی قرا خداحافظ
بیر آز زماندا ماشین قرقی تک آشوب حمصی
خدا بیلور نئجه شهر انسانین گلور هوسی
الٰهی ساخلا بیزی هر بلا و حادثه‌دن
ماشین گونارتاچاغیدی گئچنده تلبسه‌دن
گئچیردی ثانیه ساعات عمر تک دوَران
قاباقدا اولدی نمودار بلدةالطّیران
ناهاری صرف ائلدوخ ردّ اولوب نئچه قصبه
یتیشدی قافله‌میز ساعت آلتی‌دا حلبه
اگر چه شامین عروس جهان اولوب لقبی
ولیک باغ بهشتین مثالی بول حلبی
دمشقین اکثری دشمندیلر حجابیله
ولی حلب‌ده خانملار گزور نقابیله

غذای راهی حلبدن فراهم ایلدیلر
سوار اولوب ماشینا دم دوتوب دم ایلدیلر
جواد سه‌گاه ویروب گلدی شیخ حسن هوسه
باخوب او مجلسه یعقوب سس قاتوبدی سسه
یتیشدی مرزه گنه ناز و عشوه باشلاندی
کوپکلر آلدیلار اطرافی رشوه باشلاندی
آمان جماعتی بدبخت ائدن یامان رشوه
ائدردی ترکیه، سوریه‌ده فغان رشوه
هایاندا وار ننه‌سی امجگین کسن قولدور
باسوبلا گمرکه بیج اوغرو بوک قاپان بولدور
ائلیکه قافله‌میز قاضی عن تپه[1] چاتدی
بیز استراحته دوشدوخ شوفر قازول ساتدی
بشر اودور پولونان حفظ ائده لیاقتنی
بیر عدّه وار پولا قربان ائدر شرافتنی
نچونکه جمعه گونیدی زمان هیئتیدی
که جمعه هیئته گئتماق او جَمعه عادتیدی
مراسم ایلدوخ اجرا ماشیندا چوخ عالی
که اولماسین او گوزل جُمعه فیضدن خالی
یتیشدی قافله نصف‌النّهار، اُرفایه
مقام حضرت ابراهیمه تماشایه
خلیل حقّه او یر موضع ولادتدی
علاوه دورد رُسله مشهد زیارتدی
فراز کوهده ویرانه قلعهٔ نمرود
نه می نه ساقی و ساغر نه شاهد و دم و دود

۱-غازیان تپه.

همان محلّه‌ده نمرودیان عداوتیله
خلیلی باغلادیلار منجنیقه ذلّتله
گوروب او حالی گلوبدور هراینه جبریل
دئدی نه حاجتون اولسا گتور بیانه خلیل
دئدی اورک دولیدور دردیله سؤزوم چوخدی
ئوزی بولور سؤزومی ئوزگه‌ده گوزوم یوخدی
صورا فرشتهٔ باران گلوبدی بادیله
خلیله ایلماقا نصرت اتّحادیله
اجازه وئر اوتی خاموش ائداخ محبّتیله
روا دگول یاناسان شعلهٔ حرارتیله
دئدی منیم سیزیچون یوخدی حاجتیم قییدون
منی بو حادثه‌ده تاپشورون خدایه گئدون



گینه کباب ائدیری سینه‌می بو سوزش آه
سلام اولا سنه ای وارث خلیل‌اللّه
قالاندا کرب‌وبلاده او گون غریب و اسیر
یتیشدی زعفر جنّی باشیندا جمع کثیر
آقا اولوب یوزیوه چاره یولاّری مسدود
اجازه وئر بو جفا لشگرین ائداخ نابود
بویوردی لشگریم اللّهیدی یاوریم اللّه
تسلّی دلیم اللّه‌دی دلبریم اللّه
خلیل وارثیَم قطع خلّت ایلمیرم
بلایه لا دئمرم من شکایت ایلمیرم

منیم فرشتیه جنّه نه احتیاجیم وار
اگر چه اوغلوم ئولوب بیر وفالی باجیم وار



ماشین سرینلدی هر یوخلیان گوزون آچدی
دیار بکره ایکیندی ماشین یاخینلاشدی
سحر نمازینه اندی گروهمیز گاواشا
گوز ایستورم او گوزل مسجده ائده تماشا
رژیم ترکیه یا حقّ و یا که باطلدی
اولار مساجده چوخ احترامه قائلدی
تمام مسجدی آباددور منظّمدی
نماز قیلانلارین آسایشی فراهمدی
گئدردی قافله نازیله ساکت و خونسرد
ساتاشدی گوزلره تا قلعهٔ سلیمان زرد
نه قلعه محکم و ثابت قدیم اقدمدن
ایکی مین ایل ایره‌لیدی رسول اکرمدن
گوزل سو، آرلی چایین اگلشوب جوارینده
قویولدی چای پیشوب اوملِت سویون کنارینده
مشاهده اولونوب قلعهٔ حسن بگدن
سوادون اولسا گوزلدور کتاب چرخ کُهن
باخاندا درّه‌لره داغلارا کرانه‌لره
وجود جلّ عَلی‌دن اولان نشانه‌لره
گل و گیاه و ریاحین وجود غیبه گواه
دیولله اشهد اَنَ لا اِلهَ اِلاّ اللّه

سیاحتین عُرفایه غریبه لذّتی وار
ولیک یوخلیانانا رنجی وار مشقّتی وار
او کس که وئرموری تشخیص اناری ناریله
محالدور آیورا گل صباحی خاریله
بیر عدّه هی تله‌سردی گوزون تیکردی یولا
ولی حقیر دگولدوم رضا بو یول قوتولا
تبارک اللّه الٰهی مبارکت بادا
بویورموسان و جَعَلنا اَلجبالَ اوتاداً
یاغاردی اُستومیزه عطر بارشی هاوادان
ماشین عبور ائلین وقتده یوکوس کووادان
یدوخ دئدوخ اوخودوخ گولدوخ آغلادوخ یاتدوخ
بو تایدا ترکیه‌نین حدّ و سدّینه چاتدوخ
یتنده گمرکه تیترتمه دوشدی جانیمیزه
دایاندی باور ائله کارد استخوانمیزه
پل صراطیده بنده نئجه شتابه دوشر
پلیس راهده دل خوف و اضطرابه دوشر
سحردن آخشاماتک قالدوخ اوردا سرگردان
یاپیشدی دیوارا دوسلار چو عکس برگردان
تانیدیلار آلوب اطرافیمی بسان حصار
ییغشدیلار باشیما ذکر اولوندی بیر اشعار
دوزلدی قافله گئچدوخ سِرودان الحاصل
گئجیدی اولدوخ ارومیّه شهرینه داخل
پلیس راه دئدی جادّه‌ده یوخ امنیّت
سویالاّ ماشینی ایلله مالوزی غارت

دئدیم ترقّی ائدوب مملکت بحمداللّه
قییتمیشوخ دالیا اللی ایل بحول اللّه
بو عصرده نه روا جادّه‌ده ماشین سویالار
ائدوب مسافری بدبخت دربدر قویالار
خدا بولور نئجه صبح ایلدوخ قرا گئجه‌نی
کسالتیله گئچیتدوخ او پر بلا گئجه‌نی
سوار اولوب او کسالتله ایلدوخ حرکت
نه جیب‌ده نقد و نه‌ده سفره‌ده قالوب برکت
طلوع شمسه باخاردیم کنار دریاده
ازلده آی کیمی نوریدی آی تجلاّده
که لحظه لحظه اوجالدیقجا اولدی نورانی
باخان زمان ائلدی خیره چشم انسانی
دئدیم بو سلقه که وار آفتاب رخشاندا
اولیدی کاش همین سلقه نوع انساندا
بو آفتاب اوجالدیقجا آرترور نورین
ولی بشر اوجالاندیقجا آرترور زورین
غرض اوتوز بیر آدام که ماشیندا باهمیدی
آغیز فقط بیریدی عالم ئوزگه عالمیدی
او قافله اولار آسوده غصّه‌دن قوتولار
عدد یوز اولسادا تصمیم بیر آغیز بیر اولار
دگولدی رأیلر آغ قاره قرمزی آبی
خلاصه آشدی ماشین آهو تک میباندابی
قریب ساعت دوقّوز ماشین چاتوب وطنه
گوروب فامللری دیدار تازه‌لندی گینه

سوویندیلر رفقا هر کس ئوز ساکین گوتوروب
فرحلنوب هامی دلشاد ئوزون ائوه یتیروب
بلی مسافر اولان وقته وارد وطنی
هوسلنوب گورر اقوام و خویش و طایفه‌نی
اگر او قافله‌دن ئولسه بیر نئچه نفری
مبارک اولماز او قومین قرا گلر سفری



خبر مدینیه چاتدی گلون قطار گلور
او قافله که اونا وارسیز انتظار گلور
حسین ئولوبدی بنی هاشمین چراغی گئچوب
سالوب قرا حرمی باشه سوگوار گلور
باتوبلا قانه ابوالفضل و قاسم و اکبر
سریّه، زینب و گلثوم، داغدار گلور
مدینه یوسفینی ئولدیروب سپاه عراق
حجازه کوینکی یعقوبه یادگار گلور
رباب بوخجادا بیر قانلی اُنلوگیله بلک
بالاسی اودلانان آهو کیمی نزار گلور
عروس فاطمه قاندان حنا یاخوب النه
عم‌اوغلی وای دیوری چشمی اشکبار گلور
سالوبدی اکبرینون باشه کوینگین لیلا
اولوبدی زینبه همناله همقطار گلور
دگول مسافره شایسته آلماسین سوغات
آلوبدی هر بیری سوغات شاهوار گلور

بیری آلوب اله بیر دوردمین اوخلی پیراهن
اولوبدی قانیله آغشته پود و تار گلور
بیری آلوب اله بیر پاره مشک قانلی علم
اولوب مگر اُسرایه طلایه‌دار گلور
بیری مریضینه بیر جفت گوشواره آلوب
رقیّه ارثیدی صغرایه یادگار گلور
بشیر سسلدی ای اهل یثرب آگه اولون
او عزّتیله گئدن کاروانده خوار گلور
دیون که زینبه پیشوازه چیخسون عبداللّه
وفالی همسری محزون و دلفِگار گلور
بو مژده‌نی یتورون سیز علیله صغرایه
وفالی عمّه‌لرون چکمه انتظار گلور
ولی بو قافله‌ده یوخدی نوجوان اکبر
آناسی باشه سالوب قاره اشکبار گلور
چیخاتمییون قباقا صودامَر اوشاق اوتانون
رباب غصّه‌لنر گورسه شیرخوار گلور
بشیر گوردی جماعت یول آچدی بیر خانما
نئجه خانم نه متانتله باوقار گلور
دوتوبدی بیر بالاجا سیّدین الین دیوری
اوغول غم ایلمه عبّاس نامدار گلور
سلام ائدوب ادبیله بویوردی ای قاصد
نه وقت یثربه سلطان تاجدار گلور
حسینون آیریلیقیندا گئجه گونوز یانورام
یوزیمه گوز یاشی چون بارش بهار گلور

دئدیم سوروشمادون عبّاسیوی نه‌دن بس آنا
دئدی ادبدن اوزاقدور منه بو عار گلور
اوغول حسیندی ابوالفضل او شاهه نوکردی
حسین آدی دیلیمه لیل و هم نهار گلور
دئدیم حسینی شهید ائتدیلر باشون ساغ اولا
خیال ایلمه بیرده او شهریار گلور
قولون سالوبلا ابوالفضلوین گوزوندن ایراق
دوباره منتظر اولما او گلعذار گلور
کریمیا سنه لطف ایلییوب خدای کریم
رواندی طبعون آخور مثل چشمه‌سار گلور
سؤزیوه اولماسا گر مشتری ملول اولما
جزاده بیتیوه بیر بیت زرنگار گلور
سن عازم اولدون حسین باشنون زیارتنه
سنونده باشووین اوسته او شهریار گلور

مناجات

الٰهی جوانی به غفلت گذشت دریغا که عمرم بسرعت گذشت
سراپا گناهم سراپا خطا ز کوچک خطا از بزرگان عطا
الٰهی منم بندهٔ روسیاه بغیر از تو یارب ندارم پناه
الٰهی ندارم بغیر از تو کس همه بیکسان را توئی دادرس
الٰهی توئی ارحم‌الرّاحمین منم بندهٔ بیکس و بی معین
کریمی ندارد کس اِلاّ کریم دخیلم به درگاه تو یا کریم

صبح بخیر ایران

ای همیشه پرچمت پاینده ایران صبح بخیر
ای دهانت همچو گُل پر خنده ایران صبح بخیر
لاله‌زارت خرّم و خندان همیشه نوبهار
مهر اقبالت شود تابنده ایران صبح بخیر
بوستانت با صفا و دوستانت با وفا
دشمنانت تا ابد شرمنده ایران صبح بخیر
بر چنین آب و هوایت غبطه‌ها دارد بهشت
سنگ و خاکت گوهر رخشنده ایران صبح بخیر
انقلاب سرخ عاشورا شد از تو آشکار
وز تو شد یاد شهیدان زنده ایران صبح بخیر
ای کریمی هر سحرگاهان طلوع آفتاب
گوید این مرغ سحر با خنده ایران صبح بخیر

صبح بخیر ایران

مُلکون آباد صبح بخیر ایران ملّتون شاد صبح بخیر ایران
تا جهان وار اساس قرآن وار یاشا آزاد صبح بخیر ایران
ائتمه‌سین گلستانوی ویران ظلم بیداد صبح بخیر ایران
بوستانونده باش باشا چاتسین سرو و شمشاد صبح بخیر ایران
اورگدوب صبح وقتی مکتبده منه اوستاد صبح بخیر ایران
وار تواریخده اصالتیوه الده اسناد صبح بخیر ایران
بسلییوبسن کریمی تک شاعر ائوون آباد صبح بخیر ایران

قونشویا اومید اولان شامسیز قالار

دوسدان دده چیخماز یادا یاددان داداش اولماز
ئوز فکریوه قال قونشویا گوز تیکسن آش اولماز



دنیا بیر اویونجاقدی اویون اوینیانیندی
طویدا گوزه‌لیم اوینامیینجا شاباش اولماز
حوّا داریا هاجر اِشه تولیا سارا
زهرا توخویا کیرلی قیزیلدن قماش اولماز
موسٰی اَلیوب دارتا خمیر ایلیه عیسی
مریم یاپا قاره داریدان آغ لواش اولماز
نقّاش طبیعت قلمیندندی گوزللیک
هی میلچنی سوخ وسمیه چک چاتما قاش اولماز
دنیا دگیشیلسه آدیلان مود دگیشیلمز
الگوج قلج اولماز هم اوراخ خودتراش اولماز
دنیاوه هم عقباوه جوانلیقدا تلاش ائت
دای سنّ گئچندن صورا سنده تلاش اولماز
هر جنگ و جدل جهل و عناد اوسته‌دی دائم
انصاف و مروّت اولان ائوده ساواش اولماز
ساغلیقدا منیم قدریمی بول مرحمت ایله
مندن صورا گل قبریمه قیرتک سوواش اولماز
تهمت‌زده یولدان حذر ائت گئچمه آماندی
فکر ایلمه چایدان گئچه‌نین اوستی یاش اولماز

نیلیم نئجه ایلییم

من جوانلیق سوویرم تئز اتگین مندن آلیر
قوجالیقدان قاچیرام هی منی دالدان قووالیر
آغ توکی خوشلامیرام هی قره توکلر آغاریر
قره گوندن قاچیرام گون گونی گوندن قارالیر
ایشه باخ شانسیما اقبالیمه باخ بختیمه باخ
منه روزی باجاسی قیف کیمی هر گون دارالیر
ییورم معده قبول ائتموری قارنیم یکه‌لیر
یئمورم گونده بوغاز ایشگه‌لیری رنگ سارالیر
یاتورام هر گلن آتدیر منی یولدان قالیرام
یاتمیرام باش گیجه‌لیر قوّت اعصاب آزالیر
دینورم دوروبریمدن منه گوزلر بره‌لیر
دینمورم سؤز دَلیری قارنیمی دردیم چوخالیر
یازیرام گوزلریمون نوری گئدیر ایش یاش اولور
یازمیرام سؤزلریم آنبار کیمی سینمده قالیر
باخیرام بیر پارا شی‌لر گورورم گوز قاماشیر
باخمورام پرت اولورام قول قیچیمی داش یارالیر
هر کسه باش اگیرم فوری مینیر پیسریمه
بوینومی دوز دوتورام کفریمه سسلر اوجالیر
نیلیوم ائوده خانمدا داخی منلن لج ائشور
سؤزومه باخمیری من دولدورانی تئز او جالیر

سرماشیق تک سوواشوب ظلم و ستم جامعیه
یوک‌یوک اوستن چاتیلور تای‌باسیر انسان چابالیر
گوجو چاتمیر طرفه نایل اولانمور هدفه
بینوا یا ئوزونی داردان آسیر یا داوالیر
یالامازدی کیشی ماضیده توپوردیکلرینی
ایمدی بعضی کیشی ئوز سیچدیقی مدفوعی یالیر
باخما ظاهرلره آلآنما یازیق یوم گوزیوی
گورموسن چایدا بالیق افعی کیمی خلقی چالیر
بزییوب هر کس ئوز اعمالینی بازاره چکور
صورت شرعیله آتدان دئشیر اوستن مالالیر
دستمازسیز قورو سقللر اولوب بیت یوواسی
مودا بیر باخ آدامی قورخودان اسهاله سالیر
نیلسم ایمدی جوان ساخلیا بوللم ئوزومی
آت غمی دوت دمی، اولمور قاچورام غم یاخالیر
قارا باخ داغلارا دیرماشسا دوشرمیش دومانا
داغدادا غم لیفه‌لیر باغدادا محنت خا....
پولونان آی بالا چوخ مشگلی حلّ ائتماق اولار
پولونان ایش دوزه‌لیر باش اوجالیر کیف سازالیر
آدامی آغ گون آغاتدیقجا قَرَلدر قره گون
منه آغ گونلری نقّاش زمانه قارالیر
هی گونوزدی گئجه‌دی هفته‌دی آیدی ئیلدی
قیشدی یایدی دولانیر سرعتلن عمری تالیر

کارمندین باهالیق کور ائلیوب حافظه‌سین
قورتولونجا ایکی رکعت نماز اوچ یول یاهالیر
پولسیزین ارزشی اصلاً یوخوموش جامعه‌ده
کیم وئریر یوخسولا قیز کیمدی کاسبدان قیز آلیر
سکّه اوسته دولار اوسته دولانیر مهریه‌لر
اوکالیر اوغلان ئوزون قیز قالیر ائوده قوجالیر
ئوزی غافلدی کریمی گلنه پند یازیر
ئوزونه رشته کسنمیر کنارا کونده سالیر

سنگ مزار

مپنداری ز مردان ناگرانم که ماند اندر جهان تا من بمانم
فراموشم مکن از حمد و سوره که محتاج دعای دوستانم



نصیحت غیر اهله داستاندی نه بلکه گُنبد اوسته گردکاندی
قارالمیش قلبه سؤز باتماز که باتماز یالاندان انگووی یورما آماندی



سو توکمکدن سو چیخماز کور بولاقدان
سؤز اکسیر اولسا گئچمز کار قولاقدان
معلّم گر اولا عیسی ابن مریم
مسلّمدور آدام چیخماز اولاقدان

سینیق قلب

جانا نقدری شانیه زلفون نشانه‌دی
گوگلوم او قدری شانه کیمی شانه شانه‌دی
حاشا دییم که نازیله سیندیرما قلبیمی
قلبین شکستی صاحبینه پشتوانه‌دی
هر شِی سیناندا ارزشین الدن وئرر بلی
قلبین ولی بهاسینه سینماق بهانه‌دی
مشگل سینیق سبوده گوره می خمار عشق
سینمیش اورکدی میکدهٔ عاشقانه‌دی
بد مست اولان وورار قدحی داشه سیندیرار
نشعه میندی یوخسا قدحده بهانه‌دی
قلبیم سینیقدی نی کیمی دائم سیزیلدیرام
بیگانه‌لر دییلله عجب خوش ترانه‌دی
منده او معرفت هانی عرفانه یول تاپام
امّا معرّفم غزلیم عارفانه‌دی
گوز یاشین آستینیملن سیللم آغلارام
عشّاق محفلینده یریم آستانه‌دی
جانان یولوندا جانه بلا نوشجان اولا
غم غملینی تاپار بو قرار زمانه‌دی
تسکیندی دُرد عشقله هر درده دُرّ اشک
دُردیله دُرّ مرغ دله آب و دانه‌دی

دلدن که سؤز گلور دیلیمه سوز آهیله
بیر شعله‌دور زباندا گوگلدن زبانه‌دی
دریای هفتگانه‌دی بو هفت شهر عشق
چوخلار گئدوب قییتمدی چوخ بیکرانه‌دی
بیگانه قویمارام بوله اسرار عشقیمی
یاریم بو درد عشقه طبیب یگانه‌دی
عشقین حکایتی دیله گلمز اورکده‌دی
چون غیر اهل ائشیتسه دییر بس فسانه‌دی
شمع محافل عرفایه کریمی‌یم
یاننام که یانماقیم هنر جاودانه‌دی

از خواجه نصیر

دانا پدری گفت به اولاد خلف
دنیاطلبی به هند، عقبیٰ به نجف
خواهی که نه دنیا و نه عقبی گردد
بنشین به مراغه تا شود هر دو تلف

از کریمی

ئوز اوغلونا بیر گون دئدی بیر اهل شرف
دنیا سُویسن دایانما گئت هنده طرف
گر آخرت آختارسان اوغول خوشدی نجف
ایلر بو مراغه ایکی دنیاوی تلف

پشیمانلیق

یازدیم مداد اشکیله نامه نگاریمه
شاید باخوب ترحّم ائده حال زاریمه
یازدیم کنار و گوشه‌ده فیرلانما دلبریم
یاندیم شرار هجریوه گل بیر کناریمه
گل بیر سولان عذاری قویوم گل عذاریوه
اوندان قاباق که یوز قویاجاقسان مزاریمه
من بو جهان عاریه‌دن باش تاپانمادیم
گه آغلییوب گهی گولورم روزگاریمه
گور بیر نقدری راکد اولوب شعر و شاعری
اهل شعور شعر دیوللر شعاریمه
منکه مقام شعریده استاد اولانمارام
گور ساغلقیندا نیلدیلر شهریاریمه
اوزدی الیمی قافله‌دن سجع قافیه
قوی شعری بوشلییوم گئدیم ئوز کسب‌وکاریمه
یوخ شعرین ایمدی بیر ایچی بوش توبجا ارزشی
افسوس گئتمدیم «گلومه» آبشاریمه
طبعیم سرینلییوب داخی تودان دوشوب تاوام
کم‌کم خزان نسیمی اسور نوبهاریمه
عقل و کمال و فضل و هنر شعر بیر یانا
تک پولدی پشتوانه اولان اعتباریمه

بلبل دییلله بایقوشوما اولسا ثروتیم
بی چیز اولاندا سرچه دییللر هزاریمه
هی محفلیم دولار بوشالار دولسا جیبلریم
دوسلار باخور کیفیمده‌کی قات‌قات دولاریمه
شخصیّتین عیاری بوگون پولدا بللنیر
لقمان عصر اولام باخاجاقلار عیاریمه
آرواددا هانسی گون گوره دسمالیمی دولی
قیرجانمیش حالدا موز دیه‌جاقدور خیاریمه
نه دارسینیر نه ایپ قیریلیر آخ نه جان چیخیر
دار اوسته آغلارام گولورم گیر و داریمه
باشیم دومانلی داغ کیمی طوفانلیدور منیم
غم لشگریم دوزولدی یمین و یساریمه
من شاعر شهیر مراغه کریمی‌یم
نام حسیندی جلوه وئرن اشتهاریمه



دوز قرآندی دوز پیمبر دوز علی
دوز علی چاغیرساخ ایشلر دوزه‌لی
حق قلیجی کارلی کَسَر گئج کَسَر
اَیری اللر باغلیانماز دوز اَلی

حُسن نظر شاعر

گوزه‌لیم جان جگریم هر سؤزیوه جان دیَرَم
بو عزیز جانیمی هر گون سنه قربان دیَرَم



او کمان قاشلارا کپریکلر اوخی خوش یاراشیر
نازنینیم او خمار گوزلره جیران دیَرَم
تیره بختیمدی جمالونده اولان دانۀ خال
زلف شبرنگوه بیر دستۀ ریحان دیَرَم
قد و قامتده فَقَد قامَ قیامت گورونور
نقص تشبیهمه باخ سرو خرامان دیَرَم
سینۀ سرویده کیمدور گوره بیر جفت انار
پرتقالدی هولودی من اونا پستان دیَرَم
آغزیوی فندیقا اوخشاتماقا حیفیم گلوری
اوتانوب لبلریوه غنچۀ خندان دیَرَم
بویانوبسان بزگه جامعه تک رنگ برنگ
منه باخ حرملیه قاری قرآن دیَرَم
سوءظن ایلمرم حُسن نظر صاحبی‌یم
جان آلان قان سوران عزرائله جانان دیَرَم
هم مودا آلاّنیرام هم آدا آدم دگولم
قانمارام سیفعلی سلمانیه سلمان دیَرَم
داغ دیبینده یاشییان کندیله شهری نه تانیر
نیلیوم نابلدم قزوینه طهران دیَرَم
من آدام آلاّدانا عالِم اولا جاهل اولا
دوشه هر شکله گیره هر دونا شیطان دیَرَم

ئوزومی هم سؤزومی گیزلده‌رم جامعه‌دن
فکریم از بسکه پریشاندی پریشان دیَرم
دوا بیلسه کچل اوّل باشینا چاره ائدر
کچلم امّا گلن ساچلیا درمان دیَرم
شاعر اولسامدا گلن کئفلینی مدح ایلمرم
نه یالاندان چپی چالاّم نه‌ده بهتان دیَرم
طبعیمه شدّت تبدن ائله آفت یتیشوب
فشاریم قیرخا چاتوب هرزه و هذیان دیَرم
گله الدن باشارام ساده و سس‌سیز یاشارام
صبریله جمله چتین ایشلره آسان دیَرم
بو مصیبتخانانین هر ایشی خان خانلیق اولوب
خوف آلوب خاطریمی هر خوخانا خان دیَرم
دمی گرم اولسون او تریک وئره‌نین نشعیه باخ
ایتی آهو گوره‌رم سرچیه طرلان دیَرم
دیلی قلبی دوز اولا ظاهر و باطن بیر اولا
تاپا بیلسن بئله بیر شخصه مسلمان دیَرم
قولیلن فعلیده باخ فاصله یردن گویه‌دی
هوشوما باخ هر ایکی قیشلیا انسان دیَرم
کیلوسی مین تومنه اَت آلارام نصفی سوموک
خیریم اولسون گینه بو قیمته ارزان دیَرم
علم غیبه نه دیوم یوخدی منیم دسترسیم
باخارام ظاهره هر دیوه سلیمان دیَرم
ای کریمی باخوب اشعاریوه تحسین ائده‌رم
سنه اوستاد سخن سعدی دوران دیَرم

قازانماز

عزیزیم پول انسانا عزّت قازانماز
ریاست قازانسا شرافت قازانماز



بوگون باخما بیر قومین اللّهی پولدی پولا هر کس ائتسه عبادت قازانماز
سرافیل صورین ائدنده دمیده اسف بهره وئرمز ندامت قازانماز
بو دنیا فنادور بقا آخرتدور تجارتده اولسا بطالت قازانماز
خُلقیم لِباقی وَ لٰا لِلفَناءِ مجاز اوسته گئتسه حقیقت قازانماز
بو منزلده بش گون مسافردی انسان سفرده یول اوسته اقامت قازانماز
یورولما عبادتدن ائتمه تغافل بو آز عمره انسانه غفلت قازانماز
گئجه قبر ائوین یاده‌سال یاتماراحت که شب زنده داره کسالت قازانماز
مثلده جهان کورپیدی سنده عابر سینان کورپی اوسته عمارت قازانماز
تلاش ایله تا قبر ائوین ایله آباد تلاش اهلینه استراحت قازانماز
گوتور منفعت عمر سرمایه‌سیندن ضرر قویسا تاجر تجارت قازانماز
گئدن عمر گلمز اله بیرده هیهات اوجوز ساتما صوندان ندامت قازانماز
او قلبی که کین و کدورتله دولدی اونا موعظه یا نصیحت قازانماز
ال اوز هر ایشوندن‌گئچ آسایشوندن هئچ‌ایش چون‌عبادت اطاعت قازانماز
شریک اولما اولسا شریکون ابی زر ضررلی چیخارسان شراکت قازانماز

بو سوداده گر بیلسه سودین کریمی
گورر طبع شعر و کتابت قازانماز

آقای عیسادن بیر غزل
آقام جانی

کریمی شاد و خرمّ اگلش ایوان فراغتده
قیزات منقالی چک شیشه بادمجانی آقام جانی



کریمی یوردورمیسان باغ و بستانی آقام جانی
ائدیر شاگرد اوستاددن قدردانی آقام جانی
منیم عصریمده یوخدور سن‌کیمی ذوقی روان شاعر
اولوم اول ذوقوین هر لحظه قربانی آقام جانی
سنون هر بیت شعرونده اشارت وار کنایت وار
ائدوبسن ترجمه اخبار و قرآنی آقام جانی
ساتوب هر کس ئوزین بیر نوعیله دیناره دنیاده
ئوزون سن ساتمادون دیناره ارزانی آقام جانی
بوشعرون بیرنصیحتدور قارینلان دوست‌اولان شخصه
بئله اشخاصی سات دلاّله مجانی آقام جانی
قارین بیر قرص نانیله دویار افسوس گوزدویماز
چکر چون اژدها کامینه دنیانی آقام جانی
یازوبسان واردی قارنیمدا بویوک میدان حیوانات
بو سؤزلر شاد ائدر ظاهرده انسانی آقام جانی
حدیث معتبردور نقل اولوبدی ختم مرسلدن
که قارنون ائتمه حیوانات زندانی آقام جانی
حسینه نوحه یازماقدا سنون یوخ مثل و مانندون
یازانماز شاعر خوش ذوق زنجانی آقام جانی

یازاندا نوحه سالار شهیدانه چوخ آغلورسان
که ایلورسن ئوزوندن راضی زهرانی آقام جانی
او زهرا که پیمبردن قالان تکجه امانتدور
ولیکن حقینّی پامال ائدوب ثانی آقام جانی
سنون هر بیت شعرونده یاتوبدی چوخلی معنالر
آییلدار خواب غفلتدن مسلمانی آقام جانی
غزلده شهریاریمسن جانیمسان افتخاریمسان
منوّردور سنیله بزم عرفانی آقام جانی
اگر حافظ سمرقندی وئروب بیر خال هندویه
سنه بذل ایلرم من کلّ ایرانی آقام جانی
گئدوبدی انور الدن منزوی ترک ائتدی دنیانی
بوگون سن‌سن بساط غم سلیمانی آقام جانی
گوروم اللّه سنی چوخ گورمه‌سین بو اهل ایرانه
دعا گویم سنه ای مرد روحانی آقام جانی
سنون همشهریوم امّا وطندن دوشمشم آیری
منی ائتمیش فلک زوریله طهرانی آقام جانی
اوزولدی زادگاهیمدان الیم دوشدوم اوزاق ئلدن
اولوب هر گوندوزوم بیر لیل ظلمانی آقام جانی
حضور پاکوه اوستاد چوخ عرض سلامیم وار
سنون ذوقون ائدوبدی شاعر عیسانی آقام جانی

هر مشکلی آسان ائلدیم گل

ای شوخ گوزوم یاشینی مرجان ائلدیم گل
هر صحبتیمه عشقیوی عنوان ائلدیم گل



بیر بوسیه بیر جان وئریرم ایلمه غفلت
حرّاجه قویوب جانیمی ارزان ائلدیم گل
غم بوغدی منی منده بوغولدوم غِمی بوغدوم
چیخدیم عوضین ئوز قانیما قان ائلدیم گل
چوخلار سنه قربان دیر امّا عمل ائتمز
اخلاصیله مین جان سنه قربان ائلدیم گل
آتدیم غمی دوتدوم دمی بیر دفعه قوتولدوم
بیر کلمه‌ده هر مشکلی آسان ائلدیم گل
قاچما داخی مندن قدیم عادت گوتورولدی
نامحرمیله محرمی یکسان ائلدیم گل
اسلامی حجابین دوزی چوخدی مینی ژوبدان
منده ئوزومی تازه مسلمان ائلدیم گل
تزویریله گیزلنمیشم ایمان قالاسیندا
قرآنی آلوب باشیمه قلخان ائلدیم گل
هر گونه خلافی سالارام صورت شرعه
افعالیمی اسلامیله پنهان ائلدیم گل
بیر گوزده گورور بلبلیلن بایقوشی مردم
جبراً ئوزومی بلبل خوشخوان ائلدیم گل

گوز یاشینی نوشابه، جگر قانینی شربت
دوزدوم طبقه دعوت مهمان ائلدیم گل
بولدوم گله‌جاقسان اودی که اودلی سینمده
آهیمله جگر بندیمی بیریان ائلدیم گل
چوخ راحتیمیش عمریده انسانه به من چه
بیر لفظیله مین دردیمه درمان ائلدیم گل
زلفیم کیمی شعرونده منظّمدی کریمی
بیر شانه‌ئیله نظمی پریشان ائلدیم گل

شانس

شانس‌آخساسا قضادن آز ایش چوخ ایش چیخادار
فرنی قالار بوغازدا فالوده دیش چیخاردار



نوشابه‌دن صورا چای شامدان صورا بورانی
باخ گور هارا یاخالاّر طویدان صورا حنانی

گاز دالیجا

نئجه بلبل دولانار قیش اوزونی یاز دالیجا
کپسول الده هامی حیران دولانیر گاز دالیجا
قاز گورنده اوچوری گویده دوشور گاز یادیما
قاچیرام تئز نئجه تولکی دولانار قاز دالیجا
هره بیر کپسول آتوب چیگنینه بوش‌بوش دولانیر
گاز گئدر سرعتیله سو کیمی قفقاز دالیجا
او یازیق فعله کوپن الده پنیر آختاریری
سوخولور هر یره دژبان کیمی سرباز دالیجا
جاهل عالم دالیجا دوشسه دگول شأننه کسر
درد اودور که قانان انسان دوشه قانماز دالیجا
بیری پول تاپموری هر آیدا آلا بیر کیلو اَت
بیری هی پولدی باسیر بانکا پس‌انداز دالیجا
اگر اوغلان دوشه قیز آردیجا حیرت یری یوخ
قوز بالاقوز اودور قیز دوشه قیزباز دالیجا
بیری توخلوقدا جوموب چوخلوقا هئچ‌فرصتی یوخ
بیری آجلیقدادی آزلیقدا قاچور آز دالیجا
خوش گئچر گونلری قانماز اولا قانمازلا رفیق
وار نه ایرادی قمارباز دوشه قوشباز دالیجا
زخمهٔ ناخنمیله دارارام یار تلینی
نئجه عاشق دولانار سؤز دولوسی ساز دالیجا
قادان آلّام نقدر ناز ائله‌سن مشتری‌یم
من بازام قاچماقا چم خم دالیجا ناز دالیجا
کیم گوروب سروین اولا میوه‌سی بیر جفت انار
دولانیر منکر خلقت هله اعجاز دالیجا
ای کریمی بیرینون گوگلونه قند دوشسه گرک
گئده کارخانه میاندابده طهباز دالیجا

نامه از شجاع الدین صفری زنجانی

چراغ محفل عرفان کریمی
صفای مجلس جانان کریمی



سلام ای خاک ایران افتخاری
سلام ای دین حقّین پاسداری
سلام ای شهر عشقین شهریاری
سلام ای شاعر ایران کریمی
ائدن ظالم ائوین ویران کریمی

ماشاءاللّه شاعر شیرین زبانسان
نه گویچک صاحب نام و نشانسان
بوتون عاشقلره آرام جانسان
آچوبسان سفرهٔ احسان کریمی
ائدیرسن هامّونی مهمان کریمی

گوزل ایرانمیزده افتخارسان
غزلده همکلاس شهریارسان
او قرآن حافظیندن یادگارسان
گوزل افکاریوه قربان کریمی
متین اشعاریوه قربان کریمی

دوتوبدور شهرتون یکسر جهانی
اولوبسان ملّتین آرام جانی
وئروب اللّه سنه طبع روانی
یازوبسان گور نئچه دیوان کریمی
اولوبسان سعدی دوران کریمی

اورکده قالمیوب صبریم فراقه
فلک سالمیش منی ئلدن اوزاقه
نصیب اولسا منه بیرده مراغه
قوتارسا محنت هجران کریمی
گلوب اولاّم سنه مهمان کریمی

مثالون یوخدی شاعر گرچه چوخدی
سنی کیم اینجیده وجدانی یوخدی
فراقون سینه‌مه خنجردی اوخدی
اگر سن قلبیمی یارسان کریمی
یاریلمیش قلبده وارسان کریمی

صفائی گون سایور بختی یار اولسون
گینه ئوز شهرینه بیر زوّار اولسون
گوزل شاعر دیلون آغزون وار اولسون
عجب گوندور عجب دوران کریمی
اورکلر قان ائدیر هجران کریمی

صفائی چکدی نظمه بو کلامی
یتورسین یارینه عرض سلامی
فقط زنجاندا واردی بیر کلامی
سنون تک مرد با ایمان کریمی
حسینه بلبل خوشخوان کریمی

به دختر همشیره‌ام نصیحت‌نامه

مرحبا شاگرد زیرک ناز بالام
زندگی بر تو مبارک ناز بالام



اولما غافل درسیدن بیر ثانیه — علم تخمین قلبوه اک نازبالام
تکدی جاهل گیرم اولسا بیر گروه — قالسا تک عالم دگول تک نازبالام
انسانا بیر مهربان مونسدی علم — علمسیز یالقوزدی بی شک نازبالام
فرق انسانیله حیواندا ندور — علم خلّاق تبارک نازبالام
جهلدور دنیاده حنظلدن آجی — علم شیریندور چو پشمک نازبالام
تا باتار گون آی چیخار اولدوز چیخار — تا وورار سیّاره چشمک نازبالام
زنده‌دور علمیله عالم تا ابد — جاهل امّا زنده جمدک نازبالام
مؤمن اول قرص و متین اول با ادب — باوقار اول اولما دلقک نازبالام
سعی ائله دنیا سنی اویناتماسین — اولما اللرده عروسک نازبالام
عورته شرم و حیادور امتیاز — چرکین‌اولسون یاکه گویچک نازبالام
زندگی جنگ و جدل میدانیدی — وور تک دنیایه پاتک نازبالام
اهل تقوا اول اوروج دوت قیل نماز — بی‌نماز ائشّکدی ائشّک نازبالام
پاک و پاکیزه دولان چون عندلیب — قارقا تک کولگوندن ال‌چک نازبالام
طوطی اول ایله غذاوی نی شکر — مار خوار اولما چو لک‌لک نازبالام
اول مواظب لکّهٔ عصیاندن — مه جماله سالما سالک نازبالام
باخما بعضیلر دوشور دوندان دونا — گویده ساردی گولده اوردک نازبالام
طویدا رقّاصه عزاده نوحه‌خوان — الده تار قولتوقدا دونبک نازبالام

چوخ دانیشما چوخ یمه چوخ یوخلاما ‌ ‌ باغلا انگون اولما سووسک نازبالام
پارسا اول قوی اوزوندن نام نیک ‌ ‌ همچو بابک یا اتابک نازبالام
شیرزن اول اصلانا فرق ایلمز ‌ ‌ گر، دیشی اولسون یا ارکک نازبالام
هامّیا ایله محبّتله نظر ‌ ‌ اول نظرلرده مبارک نازبالام
«از محبّت خارها گل می‌شود» ‌ ‌ خوش بویورموش پیر مسلک نازبالام
بو جهاندان کوچماقا آماده‌دور ‌ ‌ یا قوجا یا قاره بیرچک نازبالام
شعریله اولماز کریمی شهریار ‌ ‌ اوستاد اوستان بنده شهرک نازبالام
هر کس اولسام سؤزلریمده پند وار ‌ ‌ خواه مُبکی خواه مُضحک نازبالام



ایشلر اولوب یا تملّق یا ریا
یاری گوروم ئوز عمریندن یاریا
اوره‌گیمی قویدوم اونلان آریا
مرهم سالدی قلبیمده‌کی یاریا



افسوس

چوخ شب سحر اولدی ائشیدیلدی چوخ اذانلار
عمرین دوەسین پیلدی شعبان رمضانلار
چوخ گللرآچوب سولدی‌بهار گئچدی قیش اولدی
اسدی بو گوزل گلشنه چوخ باد خزانلار
نه بو یورولان قافله سرمنزله چاتدی
نه قافلیه چاتدی یاری یولدا آزانلار
نه نامهٔ تقدیر قضا باشه یتیشدی
نه بیر یورولوب دینجه قالوب نامه یازانلار
بیر لقمه دادیزدیرمادی آشپزخاناسیندان
آج گئتدی قوناقلار آسیلی قالدی قازانلار
چوخلار چالشوب اُسکوگیلن دریانی اُلچه
بیزدن قاباق ایگنه بیزیلن قبر قازانلار
بیر دفعه‌ده بُرد ائتمدی لیلاج فلکدن
بو معرکه‌ده نقد حیاتی اوتوزانلار
دنیانین اوزون قویروغی هئچ آرشنا گلمز
کور و کر اولوب کوزه‌گر و کوزه‌پزانلار
قیزلار گلین اولدوخجا گلین قینانالاردی
بوزداندا بتر دوندی او ساج مثلی قیزانلار
بوستانچینی بولمم نئجه راضی ائده‌جاقلار
بیر قارپزا بیر بوستانی بالمرّه پوزالار
افسوس که عمرین چوخی غفلتده قوتولدی
واضحدی بو مطلب بابا چوخ یاتمش آز آنلار
سس سالما کریمی ائله یورقوندی یاتانلار
بیدار ائده بولمز نه خروسلار نه اذانلار

دنیا باساباسدی

آخشام بیر عاشیق سازلا سیزیلداردی یول اوسته
وای عاطفه‌لر رابطه‌لر ئولدی پول اوسته



باخ بیر پولا، پول گورنه یامان جوّ یاراتدی
اوغلان دده اوسته دده قالخیر اوغول اوسته
بازاره دولوب دینینی دیناره ساتانلار
بایرامدی مگر مشتری آغنیر نوغول اوسته
سقّل مود اولاندان مینی‌ژوب گیردی چوواله
دوشدی داخی گوزدن کراواتدا فوقول اوسته
ایش یوخدی یازیق بنّالارین وضعی شولوخدی
پاسلاندی مالاینان تیشه کمچه شوغول اوسته
پولدا نه هنر واردی آدی گلجک آرایه
باشلار قیزیشور باده گئدیر باشدا، قول اوسته
آزادلقیمیز پوللولارا قوللوغیمیزدی
آزاد قالوب آتدا چابالیر قولدی قول اوسته
دنیانین اوغول بکرینی کسرالر آپاردی
کئفلنمه ئوزون سالما بو عفریته دول اوسته
دل ساکت اُتورسا باشووین یوخدی بلاسی
دیللنمه گوروروسن چوغول آغنیر چوغول اوسته
دنیا باساباسدی سوخاسوخدی دالی قالما
گوردون هامی آتدان تپیلور سن سوخول اوسته

دوز یولدا عجب کئفلی کیمی ساغ صولا آشدیق
گئتدی باشووین پشکشینه صاقدا صول اوسته
گئتدی کوسا سقّل گتوره قویدی بوغوندا
سقّه اوتوزولدی هله دعوادی چول اوسته
آرزیم بودی دنیاده که هر شِی یرین آلسین
بلبل گلون اوسته قونا کهلیکده کول اوسته
ارباب فضایلده فضیلتدی فضوللوخ
افضلدی کریمی سؤزی چکسه فضول اوسته

ساتما

املیک قوزو بسله قویون آل سات تولا ساتما
انسانسان اگر شأن و وقارون پولا ساتما
ئوز ارلرین ئولدیردی دوغوب بوغدی بو دنیا
حیثیّت و وجدانی بو قاتل، دولا ساتما
دور یوخلاما ییغ چول پالاسون سیل قباقیندان
عمری اوتوزوب سقّه‌نی یولداش چولا ساتما
سعی ایله اوجوز قیمته آل وقتی زماندان
شیطان او گوزل وقته خریدار اولا ساتما
جنسون قالا آنباردا کساده دوشه بش ئیل
وئر نقده اوجوز وئر نسیه یوخسالا ساتما
دلخسته‌لره سؤزلرون آمپولدی کریمی
گورسن بیرینون طاقتی یوخ آمپولا ساتما

جواب نامۀ دوست ناشناس

یادوندا بو سؤزی ساخلا آفندی
اولار کور ائشّکین کور نعلبندی
تاپار چولمک دیغیرلانسا دوواقین
تاپار دم دَملینی غم مستمندی
یمک اولماز اوغول قسمتدن آرتیق
ئوزون یورما دولانما شهری کندی
چولون ییرتما چالیشما روزی بیردی
بوراخ طهرانی تبریزی مرندی
عزیزیم گُل دَرَن یوخ شوره‌زاردان
حاییفدی سویلمه نااهله پندی
مکافات عملدن غافل اولما
شماتت ائتمه وورما نیشخندی
کمند آتسا بیری بیر بی نوایه
گچر ئوز بوینونا بیر گون کمندی
قیزیوی وئرمدون وئرمه سؤزوم یوخ
ولی آد قویما اوغلون گ....
سلام وئر گئچ دایانما بیحیایه
قاریشدیرسان گوررسن چیخدی گندی
چیخوب شیرازه‌دن خلقین کتابی
گلور آلچاق اوجا ایشلر ندندی
جوان بدبخت قولین ساخلیانمیر
قوجا بیچاره بولین ساخلیانمیر

وَاللّٰهُ اَعلَمُ بِاالصّواب

ز استخراج اوستاد کریمی بُود تقویم ارشاد کریمی
در آن مدت که ما را وقت خوش بود هزار و سیصد و هفتاد و شش بود

تقویم سال ۱۳۷۶شمسی ۱۴۱۷قمری(ئوکوز ئیلی)

شکر اللّها چاتدوخ موش ئیلیندن بقر اوسته
تحویله یتیشدی تازا ئیل گاو نر اوسته



موشلار هاموسی خائن اولولاّر دیشی ارکک
مردار و کثافت سیچاقان حیله‌ده زیرک
انشاءاللّه اُکوز یاخشیدی میمون و مبارک
خیر و برکت هی یاغاجاقدور بشر اوسته
غم زنجیرین اللّه آچاجاق ال قولومیزدان
قیماق کره سود یاغ داشاجاق صاق صولومیزدان
شیطانلاری نابود ائدر اللّه یولومیزدان
بائی بشرین دونمسه تشدیده شر اوسته
بیر نام قویوب هر ئیله ترکین حکماسی
هر ئیلده مشخّصدی او حیوانین اَداسی
چوخدور اوکوزین فایداسی قالیندی قافاسی
قاچماز وورالار باشینه ششپر تبر اوسته

موش ئیل اُکوز ئیل بیر ئیلی توشقان ئیلی زینهار
لوی ئیل ئیلان ئیل آت ئیلی هم میش علفخوار
میمون و تویوق ایت ئیلی تنکوز ئیلی مردار
گردشده‌دیلر دورهٔ اثنا عشر اوسته

پوستی اُکوزون محکم اولار تئز پارالانماز
بیچاره شوخومدا نقدر ایشلر اوصانماز
هر چند باشیندان خیشیلن وورسالا قانماز
خونسرد اولی نفعین قانا بیلمز ضرر اوسته

بو ئیل بئله بوللم کئفیمیز ساز گله‌جاقدی
نوسازی عوارض سو پولی آز گله‌جاقدی
جانلار قیزاجاق شهریمیزه گاز گله‌جاقدی
ئوز اکدیگیمیزلر یته‌جاقلار ثمر اوسته

وسعتلی خیابان ووراجاقلار نئچه شاخه
تبدیل اولاجاق کوخلرین اکثری کاخه
پیوسته ایشون چیخمیاجاق ایوا یا آخه
آبادی و عمران گئده‌جاق سربه سر اوسته

آل وئر خوش اولار جیب‌دولاجاق مارک‌و دولاردان
صندوق چمدان جعبه کومود اولدی، دولاردان
مینلیکلره نادان اولاجاق مارک و دولاردان
اقبال قوشو شهپر چالاجاق هر نفر اوسته

اوضاع سماواته باخور خواجه رصددن
اخراج ائلیوب سنبله میزان و اسددن
بوستانلاریمیز باغلاریمیز سبزیدی سددن
قونداق کیمی سالخیم یاتاجاقدی چپَر اوسته

تقویم منجّم باشی اوستاد کریمی
فرخنده یازیر سیزلره بو سال بهیمی
اقوام و عشیره اولاجاق گرم و صمیمی
کلیّه نظرلر گزه‌جاق بیر نظر اوسته

بو ئیل‌ده قمر اولمیاجاق داخل عقرب
هر ساعتی هر لحظه‌سی میموندی مرتّب
قورتار باهالیقدان بیزی احسان ائله یارب
قویما گئده اون، یاغ دوگی، قند و شکر، اوسته

احیاناً اگر قالسا قمر عقرب ایچینده
چوخ بدعتی مرسوم ائده‌جاق مذهب ایچینده
فیلم اوینویاجاق جاریه چادر شب ایچینده
احکام شریعت دوشه‌جاق دردسر اوسته

بو ئیل‌ده قمر قالمیاجاق تحت شعاده
گیزلتمیه‌جاق قیزلار ئوزون حُجب و حیاده
اوغلان قیزیلان مدرسه‌لرده سینماده
فرق ایلمز اصلانلارا دختر پسر اوسته

بو ئیل‌ده کُلنگین قلمین چوخدی رواجی
قازماقدادی یازماقدادی بو قارداش او باجی
پوک گردکانا بنزر عمل یوخدی نتاجی
سؤزلر کوپوکه بنزیه‌جاقلار خزر اوسته

محسوسیدی اوضاع کواکبده عوالم
تفسیرینه تعبیرینه هئچ کس دگول عالم
بیر زلزله وار نیمهٔ دوّم ولی سالم
قلبوز نگران اولمیا بو بد خبر اوسته

ملّت باهالیقدان اَریدی دوندی سویوقدان
اَتدن گوزون اُرتوب طاماحین کسدی تویوقدان
آمریکادا قوخمور نه تپیکدن یومورروقدان
سینسین قلمی نقشه چکور نقشه‌لر اوسته

چوخ باشلارا بو ئیل دولاجاق شور ریاست
میز شوقینه تئزتئز سورونر دیزدیزی ملّت
هئچ تخت سلیماندادا یوخ میزده‌کی لذّت
میزدور یتورن انسانی فتح و ظفر اوسته

قوخما، موش ئیلیندن آت ئیلیندن ایت ئیلیندن
یا دوشان ئیلیندن یا پلنگین سیبیلیندن
قاچما ئیلانین زهریله آلوده دیلیندن
قورخ اونداکی تحویلی ئیلین دوشسه خر اوسته

اوضاع کواکبدن اولوندی بئله تخریج
کالای عروسی تاپاجاق بو ئیلی ترویج
مهریّه آزالدیقجا بلی چوخلاشی تزویج
هی بورجعلی نعشین سالاجاق ماه زر اوسته

دگسه قازانین ترکینه کفگیر و علاقه
ار عورت ایچینده اولاجاق سست علاقه
آخرده اولار ایشلری منجرّ طلاقه
بوستان گئده‌جاق غارته بیر گلبسر اوسته

بو ئیل هامی ساعت هامی ایّامده خوشدی
آرواد بوشاماق بولدی خرید یوخدی فروشدی
تزویجه کبین کسمیه شوّال آیی بوشدی
چوخ دقّت ائله دوشمه خطا و خطر اوسته

منظومهٔ شمسی‌ده بیری ایلسه دقّت
هر آی گوره‌جاق بیر نئچه ساعتده نحوست
هر آی قمر عقربده اولار بیر نئچه ساعت
امّا بو ئیل عقرب دوشه‌جاقدور قمر اوسته

هر موقع اولا مشتری مریخیله دمساز
هردم اولاجاق شایعه‌ساز اوغری کلک باز
سئل چوخ گله‌جاق چوخلی یاغیشلار یاغاجاق یاز
ظلمت آلَنر توز کیمی آیدین سحر اوسته

دنیا اوکوزون بوینوزینون اُسته‌دی هر آن
تیترتسه باشین عالم امکان اولی ویران
سعی ائت اُکوزی بیزلَمه یا ایّهاالانسان
ویران ائلیوب کتلری توکمه شَهَر اوسته

وار حادثه‌لر سیر کواکبده بیلنچی
امّت اولاجاق تنگ نظر یولچی دیلنچی
بد خُلق و یالانچی پولاکی پینتی لتنچی
بیر عدّه پیشیکلر گزه‌جاق بال و پر اوسته

اوضاع کواکب ائدیری بیله دلالت
قیش سخت اولاجاقدی یته‌جاق حاصله آفت
بیر قسم کساده دوشه‌جاق کار تجارت
نفعین قویاجاق اهل تجارت ضرر اوسته

ثلث اوّل ئیل کیم آنادان تاپسا ولادت
زیبا و هنرمند اولاجاق صاحب همّت
دوّیمده بد اخلاق اولاجاق اهل لجاجت
سوّمده اولان فوری کوسر خشک و تر اوسته

یرمی آلتی شهریور آیین واردی خسوفی
تأثیری بودور خلق اولاجاق عهدیده کوفی
بد قول اولاجاق پیر و جوان زاهد و صوفی
غم غصّه مصیبت یاغاجاقدور کدر اوسته

رونق تاپاجاق جلوهٔ بازار خواتین
الدن وئره‌جاق هر کیشی ئوز قید حیاتین
فرمانی خانملار وئره‌جاق مثل سلاطین
بی‌پرده دیوم قوی مینه‌جاق مادّه، نر اوسته

بیر عدّه علائم گورونور جوّ سماده
ممتاز اولاجاق چوخلاری تزویر و ریاده
مسجدده‌کی طاعات اولی ائولرده اعاده
مین‌دن بیری مشگلدی دعانین اثر اوسته

شاید که کسوفه دوشه گون هفتم اسفند
تأثیری بودور گورمه‌سن هئچ چهره‌ده لبخند
مردم قویاجاق شکّره دوز آدی زه‌یه قند
قانمازلا که زیر آلتا دییللر زبر اوسته

معتاد اولاجاق اهل سخن طول کلامه
تبلیغیله شهرت وئره‌جاق تورپا شمامه
چاتمازلا مراده نه مداری نه قطامه
شمشیر چکن حضرت خیرالبشر اوسته

توفیق اولاجاق بعضیلرین حالینه شامل
ملّت رمضاندا اولاجاق مسجده داخل
سعی ائت عملون بیر پوفیلن اولمیا باطل
بیر پوف نمازی باطل ائدر لا خِیَر اوسته

تأثیر کسوفی بئله تعریف ائدیر ابدال
عیش عشرته مایل اولاجاق مردم خوشحال
دونبک بالابان ضرنا قاوال چال داداشیم چال
شاید چکه‌لر عیشی محرّم صفر اوسته

قویروخلی بیر اولدوز چیخاجاق سمت یمندن
اسرار طبیعتدی نه سندندی نه مندن
تأثیری بودور شرم آزالار مردیله زندن
قیزلار آتاسیلان دوراجاق جنگه اَر اوسته

ممکندی قِران ایلیه شمسیله عطارد
اعجوبه حوادث وئره یوز بعضی موارد
بیر عدّه ضررلر اولا بیر عدّیه وارد
جانلار گئده تحلیله کباب تک شرر اوسته

عمرین گونی کم‌کم داداشیم چاتدی غروبه
گئتدی تانیانلار یتیشور بیزلره نوبه
باش سقّل آغاردی قوتارور فرصت توبه
انسان بو قدر غافل اوتورماز سفر اوسته

شرعی یوموشاق موم کیمی بوردوق الیمیزده
دینی سپر ائتدوق باشا هر انگلیمیزده
بسدور اوتاناق یوخ قره توک سقّلیمیزده
چوخ دینی فدا ایلمیاخ سیم و زر اوسته

تزویریله سالدوخ هر ایشی صورت شرعه
نه اصله توجه ائلدوخ ذرّه نه فرعه
بیر گون‌ده چیخار آدیمیزا ئولماقا قرعه
جنگ ایلماق اولماز که قضا و قدر اوسته

بسدور ائلدوخ مسخره اللّهی امامی
چومچیله قاریشدیردوخ حلالیله حرامی
ایشلتدوخ اُکوز تک بو قدر میندوخ عوامی
شیطان بیزه احسن دئدی رنگ هنر اوسته

بیز که قالادیق بیربیرینون اوسته گناهی
بیر گون گلر ایلر حرکت گاویله ماهی
قالماز بیزه دنیاده مگر نامه سیاهی
دیللر دولانار کلمهٔ اَینَ المفَر اوسته

ظالم هله قوی مینسین آتین هر یانا چاتسین
سویسون ضعفانی گله‌نین بورکونی قاپسین
تندیر هله داغدی نئجه ایستور کئفی یاپسین
بیر گون دوشر ئوز قوردوقی دامه گذر اوسته

بیر گون بو ستمگر اولاجاق بازنشسته
دیوان جزاده دوراجاق عاجز و خسته
ناگه وَقِفوهُم یتیشر کورپینون اوسته
کیم ظالمه حامی دوراجاق لاتَذَر اوسته

وای اوندا که قهّار قورا عدلیله دیوان
سس خلق اولا مٰا غَرَّکَ یٰااَیُّهاالانسان
فعله اولا حمّال اولا سرهنگ اولا سلطان
شایسته عملدی سند معتبر اوسته

اوردا ویجه گلمز نه امارت نه ریاست
نه رشوه نه عشوه نه تملّق نه سیاست
وار کیمده جسارت ائده انسانه شفاعت
حمله ائده‌جاق آتش دوزخ بشر اوسته

وئردون بو گوزل عمریوی اتمامه کریمی
بیر خدمت ائده بولمدین اسلامه کریمی
یالوار گئجه گوندوز حق علاّمه کریمی
یورقون بدنون یانمیا نار سقر اوسته

یوخاری

هامی مسلمدی اورکدن یوخاری هامی سالمدی گوبکدن یوخاری
ظاهری مثل قویون باطنی قورد کَسر انسانی کورکدن یوخاری
دیلی عالمدی داماقدان آشاقا الی ظالمدی بیلکدن یوخاری
سرّ و سیرتده بهایمدن اضلّ سرو صورتده مَلکدن یوخاری
بئله شخصیله گرک یولاّشاسان زورلی سؤز یوخدی گرکدن یوخاری
ئوزونه ایلیوب اسلامی سپر گور کلک وار بو کلکدن یوخاری
ئول خلاص ایله ئوزون جامعه‌دن چاره ئولمکدی کوتکدن یوخاری
آخ قدیمون یِمه‌لی کُفته‌لری دسته قالخاردی دیبکدن یوخاری
دوزولر دیک کاسانین دوره‌سینه کُفته‌نین وزنی چَرَکدن یوخاری
وطنه صلح و صفا آرزیلارام دیلکیم یوخ بو دیلکدن یوخاری
او که ایمانی آتوب دینی دانوب قیغدان اسگیکدی تزکدن یوخاری

ساکت اگلشمه کریمی دی، دانیش
چاره‌میز یوخدی دئمکدن یوخاری





رادیو مراغه

بشارت وئرون یار و یولداشلارا
بیزیم شهر قاتدی باشین باشلارا
بو رادیو مراغه دوشندن ایشه
یاییلدی سسیم داغلارا داشلارا
هله گازدا گلسه قیزار جانیمیز
چاتار لذّت آبگوشلارا آشلارا
قدیمی‌ترین شهریدی شهریمیز
اولوب وصفی واجب قلمداشلارا
یازاندا غزل یاز بو شهر آدینا
وورولما قرا گوزلره قاشلارا
بو آب و هوا و بو نقش نگار
گوزل طرح و الگودی نقّاشلارا
کریمی بو شهرین گوزل شاعری
دیر تهنیت مژده قارداشلارا





آروادی اَر ساخلار بوستانی وَر

هر آروادین عالمده الیندن اَری گئتدی
بوستان پوزولوب تاقلاری یاتدی وَری گئتدی



هر عورتین ئولدی اَری اجلالی داغیلدی
بخت آیناسی دگدی داشا تاج سری گئتدی
اَر عورته قارداشدان اوغولدان گینه باشدی
گوزدن دوشر اولدی خانمون همسری گئتدی
عورت قوشا بنزر اونا اَر قولدی قانادّی
هر عورتین ئولدی اَری بال و پری گئتدی
دنیاده حیات یولداشیدی آروادیلان اَر
هر هانسی که ئولدی حیاتین بیر پری گئتدی
دنیاده قالان کیمدی کیمه قالدی بو دنیا
فکر ایله بو بازاره گلن مشتری گئتدی
نه کام وئروب بیر کسه نه کامه یتوردی
قالدی دالیجا عاشقینون گوزلری گئتدی
بو کهنه عروسین دالیجا چوخلاری دوشدی
اوندان بیری کام آلمادی اوندان بَری گئتدی
باخ طاق مدائنده اولان فرّ و شکوهه
پرویزیله کسرا بوراخوب افسری گئتدی
جمشیدی کیومرثی سلیمانی کوروشی
داراسی چکیلدی دارا اسکندری گئتدی

فردوسیه زر وعده‌سی وئرمیشدیله امّا
افسانه اولوب بوشلادی سیم و زری گئتدی
بلقیسی قویوب قصر بلورین‌ده سلیمان
تختین بوراخوب بوشلادی انگشتری گئتدی
رستمدن اثر بیر قوری افسانه قالوبدی
گُرزی سپری هم ئوزی هم ششپری گئتدی
شمع و گل و پروانه می و ساقی و ساغر
دنیانین اثاثی عَرَض جوهری گئتدی
هر شاعر آتین بیر نئچه گون چاپدی کریمی
ئوز یازدیقینی پوزدی بوکوب دفتری گئتدی

یادداشت

یاخشیلیقا یاخشیلیق هر کیشینون ایشیدی
یامانلیقا یامانلیق شر کشینون ایشیدی
یاخشیلیقا یامانلیق خر کیشینون ایشیدی
یامانلیقا یاخشیلیق نر کیشینون ایشیدی

یوخودی

چون ازلدن زر و زوریم یوخودی
شاعر اولدوم که شعوریم یوخودی
پایلییاندا هامییا عقل و شعور
من او مجلیسده حضوریم یوخودی

کنگرهٔ بزرگداشت اوحدی مراغه‌ای

شهر مراغه شده باغ بهشت گشته شکوفا چمن اوحدی
جان رسد ای جان به تن مردگان از دم گرم و سخن اوحدی
هر ورقی می‌زنم از جام جم حیرتم آید به فن اوحدی
دُرّ خوشابست به سلطان عشق گشته نثار از دهن اوحدی
ما همه پروانهٔ پر سوخته کُشتهٔ شمع لگن اوحدی
خاک مراغه به شرف کیمیاست گشته فراش بدن اوحدی
آفرین ای خاک به اقبال تو پرده شدستی به تن اوحدی
تُربت او را ز صفاهان مجو هست مراغه وطن اوحدی
کز سر خاکش به مشامم رسد عطر گل یاسمن اوحدی
آیهٔ لا خَوفُ وَ لا یحزنون دوخته حق بر کفن اوحدی
من چه کسم دم زنم از شاعری در شرف انجمن اوحدی
طفل دبستان وِیَم تا شود یاد بگیرم ز فَنِ اوحدی
سر به فلک کرده ز گلزار عشق نارِ گلِ ناروَنِ اوحدی
کنگره‌ها باید و تا برکَشَد پرده ز وجه‌الحسن اوحدی
ساقی میخانهٔ میخوارگان مست ز شعر کهن اوحدی
هست کریمی به گلستان شعر طوطی شکّر شکن اوحدی





کنگرهٔ بزرگداشت اوحدی مراغه‌ای

فکر ائتمه عصر آدم و حوّادی اوحدی
دور گور مراغه‌ده نه تماشادی اوحدی



جام جموندی دوتمیشام الده مردّدم
آئینهٔ سکندر و دارادی اوحدی
تیر هزار و سیصد و هفتاد و چارده
بیر کنگره مقاموه برپادی اوحدی
هر نقطه‌دن زیارته گلمیش محقّقین
قبرون مطاف مردم دانادی اوحدی
سن گوردیگون مراغه دگول قُوزا باشوی
مطبخ یرینده قصر معلّادی اوحدی
آسوالت کوچه‌لر خیابانلار مغازه‌لر
بلوار و سینما نه مصفّادی اوحدی
تندیر باشیندا کُرسی‌ده یازدون کتابوی
تندیر آشی ناهار شاما شوربادی اوحدی
صبحانه رشته یارما ناهار قیله شورباسی
قارنون شیشوب دُهُل کیمی پاتدادی اوحدی
پیشدی اسافلون یوخارون اولدی یخزده
دور گاز گلوبدی گرم و دل‌آرادی اوحدی
تیلفوندی برقیدی تلویزیوندی رادیودی
ویدئو نوار صدائیله سیمادی اوحدی

صافی چاییندا باشلادون اشعار یازماقا
دور پارک‌لاردا گورنه تماشادی اوحدی
قیزلار گزیر حجابیده اسلام نابیده
لبّاده‌پوش زهره‌دی زهرادی اوحدی
فرهنگ پیشرفت ایلیوب خلق باسواد
گوزلر ضعیفدی چوخلاری اعمادی اوحدی
اسلام اولوب پیاده یازیق یول گئدنمیری
یول باشلاماق پیادیه ایذادی اوحدی
ایشلر چیخوب فقط آدیلان مود دگیشماقا
مستانه‌دی مهستیدی مهسادی اوحدی
مردم آتا آنا قویان آدی بگنمدی
میندن بیر عورتین آدی اسمادی اوحدی
ماکسی‌ژوب و مینی‌ژوب و کیسی‌ژوب آفرین
دای چادرا چارشاب اُمّی و اُمّادی اوحدی
هر گون خانم اون آلتی جوره پیشمیش اورگنور
کاستردی کیک سالاتدی مربّادی اوحدی
یوز جور غذا اولا اولا آبگوش تاپانمیروخ
یونگول غذا سوغاندی یرآلمادی اوحدی
قُوزاندی کیلو مین تومنه تازه تر پنیر
ترپنمییدی کاش نه غوغادی اوحدی
سن بش قرانه بیر شیشک آلدون کسوب یدون
چکدون شیشه کبابی گوارادی اوحدی
بیز بش کیلو اَته وئریروخ آلتی مین تومن
مینلیک عجب ذلیلیدی رسوادی اوحدی

دور گور ایتی وورآندا چیخور شاعر اُستونه
جوشقوندی طبعلر نئجه گویادی اوحدی

هر کس یریندن اِرته دورور شعر نو یازیر
ملّتده ذوق و ناطقه دریادی اوحدی

نه دوز گلیر ترانیه نه ناله نوحیه
مصرع بیری توتک بیری ضرنادی اوحدی

چوخلار وئروب زمانه‌ده چوخ بدعته رواج
بو بدعتین مهندسی، نیمادی، اوحدی

پروانه شمع ساغر و گل وصل کهنه‌لوب
هیلکوپترله موشک و دعوادی اوحدی

اهل مراغه بولمدی ساغلیقدا قدریوی
قبرونده ایمدی فاتحه گویادی اوحدی

بیچاره سن نه فکریله قالدون مراغه‌ده
دنیاده تاپمادون گوزل آبادی اوحدی

آرامگاهوی تانیان آزدی شهرده
ذوق اهلی بوردا قافله، عنقادی اوحدی

گئت اکباتانه باخ باباطاهر مقامینه
گور همجواری بوعلی‌سینادی اوحدی

شیراز جهانه سعدی و حافظله فخر ائدر
اهل مراغه بولموری هاردادی اوحدی

گئتمه کریمی ئوزگه یره قال مراغه‌ده
بلکه هله داریخمییا تنهادی اوحدی

ناشی شاعرین نامه‌سینه جواب

قینیور جوشقون بلاغ تک طبع سرشارون فلانی
دولموش احساساتیله ابیات اشعارون فلانی

واقعاً باغ بهشتین عطری وار دشت موغاندا
بال کیمی دلچسبیدی شیریندی گفتارون فلانی
فخری یا کشمش پیشر شیرینلشر قالدیقجا مُوده
صبر ائله قالدیقجا شیرینلشسین افکارون فلانی
محتواده فکر ائله چوخ قافیه سِیرینده اولما
رایج اولسون سکّه تک طبع گهربارون فلانی
ئوزگه شاعر سبکینی آت ابتکار اولسون ئوزونده
جنسون اعلا اولسا گر شیریندی بازارون فلانی
ئوزگه‌لردن اقتباس ائتمه ئوزون‌یاز ئوز سؤزون یاز
اوغرولیق جنسیله پیسدور دولسا انبارون فلانی
شعر نو یازما آماندی توکمه شعرین آبروسین
گوج وئروب زقّینما بیخود دلمه شلوارون فلانی
چوخ زورا سالما ئوزون اعصابوی چوخ ائتمه خسته
نیله‌سین قاخسا فشارون یاتسا شهمارون فلانی
چوخ تلسمه مایل اولما تئز چاپا گئتسون کتابون
سعی ایله گور کملی اولسون پند و پندارون فلانی
گر دولار اولسا خیالون شاعر اولما فوتبالیست اول
قوی یاییلسین شهرتون اولسون هوادارون فلانی
بو خدادادی عملدور درس آلوب اورگشماق اولماز
بلبل اولماز قارقادان چوخ قیسما منقارون فلانی
بیر آغیر سرمایه قویموش طبع شعر اوسته کریمی
سنده سعی ائت جاودانی اولسون آثارون فلانی

یورقون قوجا

قوجالدون داخی اولدون اوچ قات کیشی
باشوندان جوان فکرینی آت کیشی



نه دیزلرده تاب اگلشوب قاخماقا
نه گوزلرده طاقت قالوب باخماقا
نه وار بیزده قدرت دلوب تاخماقا
اویاخلیق زمانی گئچوب یات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

یورولدون داخی باشلا یول مسجده
چکیل سینمادن سوخول مسجده
دولاندون دول اولدون دی دول مسجده
سرودی بوراخ باشلا صلوات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

چاناق دوشدی سندی جالاندی آشون
داغیلدی باشوندان قوهوم قارداشون
قوتاردون گورا تتریز ایمدی باشون
گل ایله تلافی مافات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

جوانلیقدا دنیانی چکدون قانا
آسوب کسدون انسانی گتدون جانا
بو مدّتده چاپدون آتون هر یانا
هم اولدون ئوزون خسته هم آت کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

ماشاءاللّه قوجاکل قوجا نر قوجا
خم ابرویه وئرمز دلاور قوجا
چتین سن داماقدا اولا هر قوجا
کئفون پوزما چال اوینا اوینات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

ماشاءاللّه سنه ای مسلمان ناب
که هئچ معصیت دینون ائتمز خراب
ئوزون لااُبالی خانم بی حجاب
باجی هرزه قیز لوت اوغول لات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

اوغول زهد و تقوا جوانلیقدادی
تقلّا توانا جوانلیقدادی
بو دنیا او دنیا جوانلیقدادی
جوانلیقدا سعی ایله آل سات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

فنادور بو دنیایه یوخ اعتبار
دولاندیقجا یای قیش خزان و بهار
اولور کاروان مقصده رهسپار
هانی سنده عقبایه سوقات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

یازیق بولمدون نعمتین قدرینی
گوزون تیره گوردی آیین بدرینی
یی تایلندینی سویمدون صدرینی
سنی یاخشی دوتدی مکافات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

گلر بیر گون ایلر جهان زلزله
آمان وئرمز انسان یاتا چونبله
اولار خلقه «یاوَیلَنا» مسئله
قاچاق یوخ گویه چیخ یره بات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

اولار که بش اون ایل اضافه یاشار
مرض درد و غم صاق صولوندان داشار
ئوزین ساخلیانماز بوشالسا واشار
هر اُسگورمیه شلوار ایسلات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

آتایلان آنا مرگی قارداش غمی
مصاحب غمی یار و یولداش غمی
اُره، قند و یاغ کلیه‌ده داش غمی
اوزات تندیره سوت سالیسلات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

یازیق چوخ یسون معده قینر داشار
سنوزیت برونشیت تشنّج فشار
عصب، دیسک، و واریس باشوندان آشار
آلار اختیارون پروستات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

دایان ای هوا و هوس بسته‌سی
ئوزون آرزو معصیت خسته‌سی
قوتولدی یولون تندی آهسته‌سی
معاصیده صرف اولدی اوقات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

گلون پاک و پاکیزه انسان اولاخ
خداونده لایق مسلمان اولاخ
بو وضعیله گر اهل رضوان اولاخ
یَقُولُونَ هِیْهٰاتْ هِیْهٰات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

جهان سیر ائدیر رطب و یابس گئدیر
قالان کیمدی یاخشی گئدیر پیس گئدیر
ناشی اوستا دکتر مهندس گئدیر
آقا فعله سادات و سالدات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

کریمی سؤزون چکدی افسانیه
دانیش آغزیوی یوmma بیر ثانیه
نه باکون قلم یوخدی دیوانیه
دو قلیانی چاق ائت خورولدات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

دگول امر معروفه هئچ‌کس رضا
نه وار نهی از منکره اقتضا
احادیثی بوشلا مَضٰا مٰا مَضٰا
خبر کهنه‌لوب اولدی اسقات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

سیاستمدار اول زماندان دانیش
سمیناردن پارلماندان دانیش
بوگون روزنامه روماندان دانیش
مجلّد مجلّد مجلّات کیشی
یورولدون داخی آت باشون یات کیشی

قیتمز که قیتمز

افسوس او ایّامه که قیتمز که قیتمز
ارسال اولونان نامه قیتمز که قیتمز



عنقا کیمی قاف عشقینه اوچماقدادی گوگلوم
اوچدوخجا دوشر دامه قیتمز که قیتمز
صد حیف او آئینه او ایمان قدیمه
موددان دوشن اسلامه قیتمز که قیتمز
گون سایماقا انسان تله‌سیر آمّا دوشونمیر
هر گون چاتا آخشامه قیتمز که قیتمز
بیرده او فراغت او محبّت اله دوشمز
اوّلده‌کی برنامه قیتمز که قیتمز
دنیا یکه غسّالخانادی خلق چیموللر
کیم گلسه بو حمّامه قیتمز که قیتمز
هر پالتاری قیترماق اولار سویمسه گوگلون
آغدان بیچیلن جامه قیتمز که قیتمز
اوچ پارچادا چیلواری اونون آدی کفندی
کیم گیرسه او احرامه قیتمز که قیتمز
بیر اژداها وار آغزین آچوب قبر دیوللر
چکسه بشری کامه قیتمز که قیتمز
عاقل اولا دیوانه گئدن گئتدی کریمی
شاعر اولا علاّمه قیتمز که قیتمز

ایناَنما - اوتانما - قانما

مستقیماً طرفین عیبین ئوزینه دی اوتانما
دالدا غیبت ائلیوب وزر و وبالینه بویانما
غیبتین جرمی زنا کعبه‌ده ئوز والده‌سیلن
بو گناهی قالاما پیسریوه دوزخه یانما
قویالار جنّته هر تاختاسیزی نوختالی هرگز
چاتا هر هُدُلّیمه حوری ائشید آمّا ایناَنما
نئجه دنیاده اوغول ایشلمیین دیشلییه بولمز
عمل ایستلله قیامتده عملسیز قاضیلانما[1]
بوردا طیبانسیا، مورتوز، نئچه میلیان کبین ایستور
حوره سنگین کبین ایستلله یالاندان لوطولانما
کهنه دنیادن اگر آختاریسان خوشگذرانلیق
بیر ایناَنما بیر اوتانما قالین اول هئچ زادی قانما
چوخ گزن چوخ بولر امّا ایاقین چوخ داشا گوبسر
آز دوشون آز داشا دگسین ایاقون چوخدا دولانما
الده صد دانه دیلون ذکریده ای اَیَّدَکَ اللّه
قربانام قولوه فعلونله ولی اللّهی دانما
تانیرام من سنی هی چیخما ایلان تک قابیغوندان
آچیلوب چوخدا بوکولمه بئله قیسّالما اوزانما
کورپی اوستونده دوروب بسدی اویونجاقلارا باخما
رفقادن دالیا قالما قاطار گئتدی یوبانما

---

[1] منظور قاضیلانما = یعنی دنبال دعوا نگرد

سنه دنیا باشاباش درسیدی درک ایلیه بولسن
یاخشی عبرتدی گئچیلّر گلَنه ملعبه صانما
بیرده ئوز قدرتیوه فخر ائله دور ئوز قیچون اوسته
اوجا داغلار دایاق اولسا سنه سعی ایله دایانما
شاعر ایستور اویادا مردمی غفلت یوخوسوندان
خوشلامیرسان سن ائشیتمه قولاقون باس هئچ اویانما
گرچه شعر و غزلین مشتریسی آزدی کریمی
گنه با اینهمه سن حق سؤزی یازماقدان اوصانما

سلمان‌اوغلان خان‌اوغلان

آقالار بیر اود اولوب جانمه سلمان نوکروز
بو گنیش دنیانی ائتمیش منه زندان نوکروز

گتوروب جانه حقیقت آناسیندا منی‌ده
قویوب اصلاً پولا حسرت آناسیندا منی‌ده
ائدوب آماج شماتت آناسیندا منی‌ده
گتورور مین جور اویون باشیمه هر آن نوکروز

شُراهین قویمادیم اوّل سالا دفتر قلمه
اوخویاندان صورا قوخدوم اولا اهل ظلمه
دانقادی سؤز دئمک اولمور یوزونه بیر کلمه
چمخیرور اُستومه چون غول بیابان نوکروز

گونده بیر شِی آپارور میدانا گیزلینجه ساتور
ائوه گلمور گئدیری چوخ گئجه چارداقدا یاتور
گاهگاهی هروئین دوشمور اله حبّین آتور
سیگار قویمور الیندن یره بیر آن نوکروز

اُلچوری گونده خیابانلاری لیر شلواریلان
گاهگاهی چیخوری کوچیه زیرشلواریلان
گئجه بیر شلواریلان گوندوزی بیر شلواریلان
قویمیوب ذرّه مودوندا قالا نقصان نوکروز

نئجه بوستانچی گزر بوستانی قارپز دالیجا
باشی کوللی دولانیر کوچه‌لری قیز دالیجا
یووا فکرینده دگول که دوشه پرپز دالیجا
اوردا بوردا قوتاریر عمرینی ویلان نوکروز

بیر گروهه تازا وابسته اولوب یاللعجب
دیلینی آنلاماق اولمور نه عجمدی نه عرب
هپی‌لیقداندا چراغ یانمادی ایستور اولا، رب
گونده بیر مسلکه وابسته‌دی حیران نوکروز

گاهی سقّالین اوزالدیر گهی باغلور کراوات
گاهی تاجردی گهی فعله‌دی لوتدی گهی لات
قورخورام آت، آت اولونجا ییه‌سین ایلیه مات
ایلیه انسان اولونجا منی حیوان نوکروز

گیرینه گئچدیقینی جازلادی چکدی وراقا
چوخ گئجه مستیدی چوخ پیس دادانوبدی عراقا
دای گلوب تنگه الیندن هامی تبریز مراغا
آد چیخاردیبدی اولوب لوطی میدان نوکروز

بولمورم شهریمیزین آب و هواسینده نه وار
دوغولان اوغریدی یا اگریدی یا مست و خمار
انگیدی رنگیدی شطرنجیدی بنگی شره‌خوار
کیمه چکدی گوره‌سن بو ائوی ویران نوکروز

نه سلیقه نه عقیده نه اوروج وار نه نماز
نه عبادت نه طهارت نه بیلور راز و نیاز
سقّلی وار صلواتسیز نه یوماز نه داراماز
هپی‌دی ربدی نُنوردی ژیگول اوغلان نوکروز

یاخشی اوّلده بونی ایلمدیم اهل سواد
ایمدی ائتمیشدی اداراتده ایجاد فساد
اولمادیم راضی زن و مرد الیندن چکه داد
ایمدی اولموشدی نمایندۀ شیطان نوکروز

اگر اولسیدی بو شیطان بالاسی اهل قلم
لعنت ایلردیله هر گون منه ارباب کرم
گر منیمدی بو توخوم نشوونماسین بولورم
بیسواددی هله دنیایه سالور قان نوکروز

دئمییوب بینوا ذاکر بو کلامی خودورو
میز باشیندا اوتوسا فعله و حمّال قودورو
بابا چیرکین گوزل اولماز یوزه، یاخسا پودورو
سیچمامیش بیر قویو قویماز اولا کنکان نوکروز

یاخشی نعمتدی قلم گئچمسه غدّار الینه
زورگو رشوه آلان ظالم و خونخوار الینه
بو طمعکاری‌دی گئچسیدی بونون کار الینه
منی قبریمده‌ده ایلردی هراسان نوکروز

کهنه تمثیلیدی الله پشیکه وئرسه قاناد
سرچه‌نین بلبلین عالمده اولار نسلی کساد
گ.... بازرس اولسا بیر ائوی قویماز آباد
رئیس اولسیدی ائدردی نئجه طغیان نوکروز

گئده‌یه چاتسا ریاست تانیماز خویش و تبار
صونسوزا وئرسن اوشاق ش..... بیردن اوتار
لولهین گورمسه گ.... آفتافیا خورخور آتار
مصلحتدی ائده متراژ خیابان نوکروز

اتی اندامی توکولسون یکه مثل دیغادی
پیسری قولتوقا یرلشمیری گویا بوغادی
یاخشی پولسوز لوطیدی جیبلری خالی آقادی
دیه‌سن بس قورو بگدی گوتی بوش خان نوکروز

دوتالار خام بزه قدّین سوخالار مقبریه
گونی گوندن شیشیری بلکه سغشمیر دریه
بوغلارین گورسه کریمی قویاجاق مسخریه
اولاجاق دفتر اشعارینه عنوان نوکروز

در وصف معلّم

توئی شاگرد را سرور معلّم توئی گمگشته را رهبر معلّم
دم گرمِ تو مانند مسیحا نماید سنگ را گوهر معلّم
به دریا کشتیِ بی بادبانیم توئی از بهر ما لنگر معلّم
حسین ابن علی از بهر تشویق دهانت پُر نمود از زر معلّم
بلی شغل تو شغل انبیا شد توئی همکار پیغمبر معلّم
نجات جمله انسانها به علم است عمل بر علم باشد، بر، معلّم
تو الگوئی به انسانها نمونه توئی بر بیکسان یاور معلّم

کریمی را به وصف تو چه قدرت
نمی‌گنجد به صد دفتر معلّم

جناس

قازان اوغلوم قازانجون وئر قازانا
ایگیت گرک ایشلیه پول قازانا
قوجا کتلی ئوز اوغلونا دیوردی
ایگیت اوغلوم قازانی ویر قازانا

ای مادر

ای مادر ای عزیزتر از جسم و جان ما
رفتی ز باغ زندگی ای باغبان ما
هدیه به روح پاک تو غیر از دعای خیر
از دست ما چه می‌رسد ای مهربان ما
بی تو صفای زندگی ما تباه شد
مهر تو بود جلوه دِهِ خانمان ما
انفاس تونسیم سحرگاه نوبهار
رفتی ز فتن تو برآمد خزان ما
شب تا صباح زمزمهٔ لای‌لای تو
ضبط است نیست رفتنی از گوش جان ما
تو پاسبان رونق رشد وجود ما
تو پاسدار حاصل عمر جوان ما
روحت غریق رحمت خلاّق لامکان
غیر از تشکّر از تو نگوید زبان ما
آیا که قادر است به مدح و ثنای تو
غیر از کریمی شاعر شیرین بیان ما

ماتور سوار

نه شرارتدن نه زوردان قورخورام
نه کچل‌دن نه قوطوردان قورخورام
نه چولاق شل‌دن نه کوردان قورخورام
نه اولاغدان نه اوطوردان قورخورام
قورخورام قارداش ماتوردان قورخورام
شمر ذی‌الجوشنده یوخ بو ابتکار
سایموری عورت کیشی یا شیرخوار
هر کیمی گوردی باسور ایلور فرار
نیلییوم بو گورباگوردان قورخورام
قورخورام قارداش ماتوردان قورخورام
یوخ وسایل‌ده بئله شوم و شرور
بو ماتورداندی یوزه دوخسان ترور
باعث بدبختی مَنْ فِی‌القُبُورْ
چاره یوخ منده ترورداندان قورخورام
قورخورام قارداش ماتوردان قورخورام
گوزده بیر عینک باشیندا تاسکلاه
ازرق شامی کیمی ایلور نگاه
قتل عمدینی یازولاّر اشتباه
جان اوتوزماقدا پاسوردان قورخورام
قورخورام قارداش ماتوردان قورخورام

قوخمورام سیّاره‌دن طیّاره‌دن
ناوگاندان تانکیدان خومپاره‌دن
الامان بو گرگ آدمخواره‌دن
دوز یولومدا قانلی توردان قورخورام
قورخورام قارداش ماتوردان قورخورام

هانسی یرده اولماسا نظم و نظام
نه عدالت نه قصاص و انتقام
اوندا آسایش اولار خلقه حرام
نه عربدن کُرد و لوردان قورخورام
قورخورام قارداش ماتوردان قورخورام

اجتماعین بوللم آز چوخ لذّتین
سفرۀ رنگین و ناز و نعمتین
لذّتی جبران ائدنمور زحمتین
بونلاریلا دور اوتوردان قورخورام
قورخورام قارداش ماتوردان قورخورام

نه دنیزدن نه شیلاتدان قورخورام
نه بلای اوستن آتدان قورخورام
نه گامیشدان ایتدن آتدان قورخورام
آدی انساندان دوغوردان قورخورام
قورخورام قارداش ماتوردان قورخورام

من کریمی یادگار ذاکرم
شاعرم بو طبع شعره شاکرم
حق سؤزی هر دوندا یازسام قادرم
قورخودولاّر بوردان اوردان قورخورام
قورخورام قارداش ماتوردان قورخورام

ناشی ماتور سوار

به‌به ماتان اوغلان ماتورون یاخشی رواندی — گاز وئر خیاباندی
بو آریا شاهیندی یا پیکاندی ژیاندی — گاز وئر خیاباندی
طیّاره‌ده یوخدی بو گورولتی بو هیاهو — باس دندیه یا هو
قوی خلق دئسونلر بو دلاور نه یاماندی — گاز وئر خیاباندی
باخما خیاباندا دولانور دسته‌بدسته — وور،بیخ‌یوزی‌اوسته
گر فعله‌دی، حمّالدی، یرآلماسی ساتاندی — گاز وئر خیاباندی
مأمور دوتاندا سنی وئر رشوه خلاص اول — وئر چای‌پولی‌قورتول
هر مشکلی سن که بولوسن رشوه آچاندی — گاز وئر خیاباندی
باس طاسکلاهی باشوه چون مرحب خیبر — یا عَمر و دلاور
قوخسون هامی قاچسون دیه‌سن شمر و سناندی — گاز وئر خیاباندی
انسان اودی انساندا اولا قیمته قایل — شخصیّته قایل
اسلامده عالمده قصاص وار قانا قاندی — گاز وئر خیاباندی
بازاره گیرنده قاضیلان قاز کیمی دوش وئر — هی بیغلارا پیش وئر
قوی خلق یول آچسون قاچون اوغلان وراغاندی — گاز وئر خیاباندی
حتّی ائله دول سرعته پیکانی قاباخلا — باس خلقی ایاخلا
باخما که آشان آشدی سینان سیندی جالاندی — گاز وئر خیاباندی
گوردون طرف عاجزدی قییت بیرده یامانلا — عذر ایستمه دانلا
کوردور، گوزی گورمور، کوپک اوغلی مالاواندی — گاز وئر خیاباندی
آختار بیر ئوزوندن سفیهین تاپ دالا میندیر — قویما قالا میندیر

هر کس دالیوا مینسه او سندنده نادااندی گاز وئر خیاباندی
عرض ایلورم اوغلان ندی بو فخر و تکبّر مِن باب تذکّر
مرّیخه گئدنده بو ادا یوخدی آماندی گاز وئر خیاباندی
آسایش مردمدن اُتوردی بو وسایل ای جانی و قاتل
سلب ایلدون آسایشی ملّتدن عیاندی گاز وئر خیاباندی
سالمیش هره بیر داشقا اله کهنه یا تازه یا نو یا قراضه
چیخمیش کئفه عیّاشلقا بولمور یول هایاندی گاز وئر خیاباندی
باس کس کئفه باخ کیم کیمه‌دی شهر شولوخدی خلقین دیلی یوخدی
هر کس یوکونی باغلادی یولاّندی تالاندی گاز وئر خیاباندی
سؤز سنده‌دی ایش سنده‌دی تا جیب‌ده پولون وار هر بزمه یولون وار
خلقین شرفی غیرتی قرآنی قراندی گاز وئر خیاباندی
قارون کیمی کئفلندیروب انسانی قودوردان ثروتدی دوغوردان
ائشّک مینه بولمز او که شورباسی یاواندی گاز وئر خیاباندی
هر ایل ماشینون سیستیمی لازم عوض اولسون قویما گُلی سولسون
همسایه آجیندان ئولور ئولسون نه دوماندی گاز وئر خیاباندی
چوخداندی کریمی لالیدی تازه دیل آچدی خلقی گینه ساشدی
دل دل اُتورور دیل دئمه بیر افعی ایلاندی گاز وئر خیاباندی





کارمند

گاهی دولور گه بوشالیر کارمند
دولدورور آخرده جالیر کارمند
سجده‌ده اوچ یول یاهالیر کارمند
«گاه آغاریر گاه قارالیر کارمند»
«گئت گور ئولوب یا که قالیر کارمند»

اوستی باشی کهنه‌دی فاخر دگول
گئتماقا هئچ مجلسه حاضر دگول
تولکی کیمی حیله‌ده ماهر دگول
«گورماقا بستانکاری قادر دگول»
«یاده سالاندا سارالیر کارمند»

نیله‌سین ئل طایفالیدی آدلیدی
قیز گلین اوغلانلیدی دامادلیدی
باور ائله بعضی اوچ آروادلیدی
«یاغ سوغانین شورباسی چوخ دادلیدی»
«کاسه‌نی بارماقلا یالیر کارمند»

رنگی سولوب چهره شافاقدان دوشوب
بینوا قارپیز کیمی طاقدان دوشوب
حوصله‌سی یوخدی داماقدان دوشوب
«خرجی آشوب باشدان، ایاقدان دوشوب»
«گاه گنه‌لیر گاه دارالیر کارمند»

اوچیوزه راضی دگی کرپیچ کسن
پول دئموری دورد یوزه حمّال حسن
ایمدی مقدّمدی قلمدن رسن
«کارگرین مُزدی یوز هشتاد تومن»
«یوز تومنه خرجی سالیر کارمند»

نه ائوینی آی ایشیق ایلر نه گون
غم غمین اوستن دوگون اوستن دوگون
ابریدی یورقان دوشکی یوخدی یون
«آلدیقی پول گورموری اون بش گونون»
«ال آپاریر خلقی تالیر کارمند»

یایدا ائوی ایستیدی قیشدا سرین
گورسه طلبکاری اگر پیسرین
فوری طلبکار آچاجاق دفترین
«بورج ئوزی بیر دریادی چوخ چوخ درین»
«بورجین ایچینده چابالیر کارمند»

فکر و خیالاتیدی دائم پشم
آخ نیه بو قومین اولور قدّی خم
اولمییا سنگیندی کولوکدی قلم
«فلسفه‌سین بولمزیدیم بولمیشم»
«آخ نیه بس تئز قوجالیر کارمند»

هی قولاقی سسده اولار صبح و شام
تا گله دعوت ناهار اولسون یا شام
سبزی خوروش عطرینه حسرت مشام
«بیر نئچه مجلس اونا گوز قویمیشام»
«هامّیدان اوّل آجالیر کارمند»

مملکتین وضعی بوجوردی عَلَن
فعله‌سن اوّلده قوجالدون دیلن
کیمدی یازیق ملّتین حالین بیلن
«باخ یوزینه گورمه‌میسن گورگیلن»
«غم یوکونی گونده قالیر کارمند»

یوخدی بیزیم تک قره گون دهریده
واردی زمانه بیزیلن قهریده
باش قاراق آلتیندا آغیز زهریده
«حمد اولا اللّه بیزیم شهریده»
«هی گونی گوندن آزالیر کارمند»

روزی دالینجا دوه‌تک لوهلییور
چون حقوق آلدی پاپاقین دیکلییور
آی قوتولونجا گونی تسبیحلییور
«بیر گروه آلجاق سازینی کوکلییور»
«بیر نئچه آهنگ چالیر کارمند»

گردنی امرود ساپی تک ایشگلیب
قونشو قُووم طعنه‌سی باغرین دلیب
بازنشست اولسا یازیق دینجلیب
«ایله بیلیرسن که پاییز تئز گلیب»
«برگ خزان تک سوزالیر کارمند»

رنگین آتوب اوردی باتوب سسقالیب
چون کراکشلیق غمی جانین آلیب
بوز قالییوب یخچالا اون بش قالیب
«قارپزا خرچایه تامارزی قالیب»
«بوستانی گورجک هولالیر کارمند»

هر ایکی ئیلده دوغور آرواد ئکیز
جوجه‌کشی دایر اولوب تر تمیز
هر بشر اولادینی ایستر عزیز
«چون پولی یوخدور قیزا وئرسین جهیز»
«ئلچینی دامدان قووالیر کارمند»

قصّابا چوخ بوشلیدی اَت ساتمیری
نان و پنیریله اوشاق یاتمیری
یاغلی گامیش زینگینه دیش باتمیری
«کلّه پاچا چوخ باها ال چاتمیری»
«سرچه‌نی گورجک پاچالیر کارمند»

باخ یوخاری گور ستم اربابینی
جام بلورینده مِی نابینی
گور بو مریضینده تب و تابینی
«هئچ کس آلانماز بو یوکون بابینی»
«قاتلاشیر امّا تاب آلیر کارمند»

بعضیلری ائو ییخیری ائو تیکیر
بعضیلری قان توپورور آه چکیر
بعضیلری ریشهٔ ظلمی اکیر
«ای بیزی مستضعف ائدن محتکر»
«گئت گور ئولوب یا که قالیر کارمند»

ایستوری سرّین گلنه آچمییا
نیسگیل اوخون هر اورگه ساچمییا
بو قاپیدان او قاپیا قاچمییا
«ایستوری آلچاق دوواری اوچمییا»
«دوروبرین تئز مالالیر کارمند»

قوی هله ظالم قالاسین آنبارین
رشوه ربائیله یکلسین قارین
گون قوتارا بولسه سهندین قارین
«گر کسیله ظلم الی استعمارین»
«عاصی، گوررسن ساغالیر کارمند»
چوخدی کریمی سؤزه دقت وئرن
جامعیه پند و نصیحت وئرن
کیمدی سنون تک سؤزه زینت وئرن
«آز دگول اشعاریوه قیمت وئرن»
«یاخشینی پیسدن آرالیر کارمند»

حدّ تکلیف

بحمداللّه که در قانون اسلام
به سنّ حدّ تکلیفم سرانجام
از این پس واجبات و مستحبات
برای من سزاوار است احکام
نباشم غافل از روزه نمازم
مسلمانم به لطف حقّ اعلام
الٰهی جشن تکلیفم مبارک
گرامی باد این روزم ز ایّام
همیشه از خدا خواهد کریمی
کند در زندگی مارا نکونام

ای اوغول

ای اوغول یاتما صعود ایله ملکدن یوخاری
چیخما شدّاد صفت چرخ فلکدن یوخاری



شوق فتح کُروات اوسته گزیر فکر بشر
سنده معراج سما ایله سمکدن یوخاری
مَن نُعَمَّرهُ نُنِکّسهُ سنه شامل اولوب
چیخمادی جُبّه و دستار بیلکدن یوخاری
اهل انجیلیدی بال و پر آچوب نُه فلکه
اهل قرآن اوچا بولمور کَپَنَک‌دن یوخاری
قاز کیمی چوخ قاضیلانما گازا قویما ایاقون
چکیلر شیشه شیشین شیشمه شیشکدن یوخاری
گییدیقون ساتر عورتدی نه اسباب شرف
یا قیزیلدان آشاقا یا که ایپکدن یوخاری
قوت، قوّتدی قیامیله قعودوندن اُتور
شور پنیردن آشاقا باخما ترکدن یوخاری
یدیقون هرنه‌دی آخر گئده‌جاق مزبلیه
باخ تزکدن آشاقا باخما ترکدن یوخاری
رختخوابون نه‌دن اولسا یوخویا فرق ائلمز
بوریادن اشاقا پشم دوشکدن یوخاری
نمک و نانی یی سیندیرما نمکدانی گوزل
یوخدی انسانی دوتان نان و نمکدن یوخاری

توپراق ایستر اولا قابل گل آچوب بسلماقا
شورازاردان نه ثمر خار و خسکدن یوخاری
او که نان و نمکی قانمادی تاپشور امکه
هئچ مکافات عمل یوخدی امکدن یوخاری
باخما ناموسینه خلقین که غلاظیله شداد
سوخاجاقلار گوزیوه میله به‌بکدن یوخاری
نئجه شرم ایلمرم عیبینی خلقین دییرم
من که باشدان ایاقا عیبَم اَتَکدن یوخاری
آدی شاعردی کریمی گلنه بیر سؤز آتور
یازیقین هئچ سؤزی یوخدی متلکدن یوخاری
حیف عمرین گونی کم‌کم دایانور داغ باشینا
گئچه‌جکدن اشاقا باخ گله‌جکدن یوخاری



من عاشقام یار گوگلونی یار آلار
ساغالمادی اورکده‌کی یارالار
قوردلار گیروب حَمیل قویون دونونا
ملر ملر یاخین گلر یارالار

میغمیغالار

بیر گئجه باغدا بیزی قویدی مَلَر میغمیغالار
نه دیوم باشیمیزه گتدی نه‌لر میغمیغالار

✤✤✤✤✤✤✤✤

او گئجه خواجه‌نین عشقی بیزی چکدی رصده
بش نفر اهل دیلیله قوناق اولدوخ اسده
نئجه نادینج اوشاق دینج اوتوماز مدرسه‌ده
نئجه که درویش الینده ئیلان اوینار کیسه‌ده
بیزی اویناتدیلار هر دم بیره‌لر میغمیغالار

من و داود و قلیزاده نَوَم روح‌اللّه
حاجی منصوریله معمار ایکی مرد آگاه
ایکی مکاری‌لر حفظ ائت ایکیسینده اللّه
اوچ ایت آلتی قویون آفتابه لگن شش دسگاه
باش یا گ.... هر یانا که قوندی دَلَر میغمیغالار

هله کوردی گوزی یوخدی بله طوفان ائدیری
گوزی اولسیدی گورردون نئجه طغیان ائدیری
گه گیریر شلوارا انسانی هراسان ائدیری
باور ایله آری تک زادمادی شان شان ائدیری
نه قاپی نه دووار آنلیر نه چپر میغمیغالار

آنلامیر بیر پارا مأمور کیمی اذن دخول
بی اجازه قاپیدان یا باجادان قوخما سوخول
باش آچیق‌وار گ... آچیق‌وار نه رجوعون وار اوغول
مین کره میغمیغادان پَستدی نمّام و چوغول
قُوزاماز فتنه و شر مثل بشر میغمیغالار

ذرّه‌جه سایموری شاعردی یا شاهدی شاغیدی
گوزیدی یا دیزیدی دیرسگیدی دا....
سوخاجاق ایگنه‌سینی جیبدی جورابدی آغیدی
اتووی ماقّاجیلان نابلد اولسان داغیدی
آنلامازلار نه هراس و نه حذر میغمیغمالار

بیر دییَن یوخ گئده ظالم دامارا باخ قانین آل
آدینی شغلونی اوّل سوروش اوندان جانین آل
آمان اللّه بونون الدن سازین آل قارمانین آل
بو اصیل موسیقی‌نین موسیقی‌داندان دانین آل
بو نه آهنگیدی سیزده نه هنر میغمیغالار

اللّه اللّه تارینی تیرایله سیندیر سازینی
کس قولاقلاردان اونون وزوزینی آوازینی
کس بونون شور و نوا دشتی عراقی جازینی
دشمنین هئچ کسه گوسترمه‌گیلن قانمازینی
نه گئجه گوندوزی آنلار نه سحر میغمیغالار

دنیادا هر نمه‌نین یاخشیسی وار هم پیسی وار
قاب قازان تک دمیری نایلونی ساخسی مسی وار
ضرنانین تار قاوالیندا بالام اسلامیسی وار
یازون اسلام آدینا هر نمه‌نین پیس میسی وار
داراشار جانوزه بیر گون سره سر میغمیغالار

واقعاً گورمه‌میشم من بئله اهل ظَلَمه
نه گلور سیللیه نه گوللیه یوخسا قلمه
بیرینون بورنی شیشوب اوخشوری تورپا کلمه
ئوز الیله بیزی هی باشینه گوبسیر قره‌مه
یدیقیم ایچدیقیمی ائتدی زَهَر میغمیغالار

هئچ آمان وئرموری یولسوز هامی یولدان چالیری
آتدان اُستن تپه‌دن صاقله صولدان چالیری
آتا قارداش باجیدان قیزدان اوغولدان چالیری
سینه‌دن الدن ایاقدان ایکی قولدان چالیری
بورولور هر طرفه مثل فنر میغمیغالار

بینوا چولچی یالاندان اوره‌گین آوکالیور
گونوزی جیب کسن آنبار تالیانلار تالیور
گئجه‌لر میغمیغا هی شلوار ایچیندن دالیور
پیشیرن بو یین ئوزگه بو فقط قاب یالیور
چکدیقی زحمتی ایلولله هدر میغمیغالار

بیر طرفدن باغینی شاختا دولی ائتدی تالان
بیر طرفدن وئریلن وعده‌لری اولدی یالان
بیر طرفدن اولاغین جَرمه‌سینه گئتدی پالان
هر طرفدن داراِشوب جاننه مین عقرب ئیلان
بیر طرفدنده وورور جانه ضرر میغمیغالار

بدنینده نقدر وار سو یازیق ایشلیه‌جاق
هانسی گون ایشله‌مسه دیل دوداقین دیشلیه‌جاق
دوغریوب ایسلاداجاق حاضرینی خان ییه‌جاق
چات یوکون باس بئلی‌سینسین کیمه دردین دیه‌جاق
نه اثر قویدی سؤزینده نه کسر میغمیغالار

حقّ سعی‌چی ساتوری نصفینی دلاّل آپاریر
یاریسین آلچا چالان فعله و حمّال آپاریر
مالیات اخذینه دارائی گلور مال آپاریر
اوغرودان قورتولانی فالچی و رمّال آپاریر
قورو بیر جانی قالوب قویسا اگر میغمیغالار

یازیقین آلدیلار الدن هوسین دستلاتین
ئولوم ایستور آلا جان قیمتینه اولسا ساتین
کمانی سیندی اوخ اگریلدی داخی ساتدی آتین
خانی مانند خوخان مسخریه قویدی خاتین
اَری آرواد ائلدی آروادی اَر میغمیغالار

دئدیم ای کور گئده چک نیزه‌وی شرم ایله اوتان
نه سورنگون سوخوسان یوخ بو دامارلاردا او قان
سویولوبدی سورولوبدی داخی یوخ تاب و توان
گوروسن قدرتی یوخدی دییه ئولدوم آی آمان
جان وئرور ایلمیون جانه بِسَر میغمیغالار

هلیکوپتر کیمی آلچاق اوجا هر یرده دوشور
دوشدوقی موضعی مثل اینکه تراکتوردی دیشور
ایگنه‌سین که باتیرور بیر یره هریان جیجیشور
همی گوینور گووه‌ریر هم قیزاریر همده شیشور
آژریله ائدیر اعلان خطر میغمیغالار

توکولوللر آدامین اُستونه دامدان باجادان
دییه‌سن طیراً ابابیلدی آغنیر اوجادان
انصافا باخ جوانین قانینی ایستور قوجادان
کور گئده آلما قصاصین یکه‌نین خرداجادان
ملّتین قانینی سوردوز نه خبر میغمیغالار

آی خانم قویما ائشیکده سینه‌وی پیسریوی
او گوموش قولاّری بالدیرلاری خوش مرمریوی
قوخگلان میغمیغالار گورسه سویالاّر دریوی
جنیسوی حرّاجا وورما تانی ئوز مشتریوی
مثل مشّاطه سنی گورسه بَزَر میغمیغالار

مود روزیله دولان سال ئوزیوی حالدان حالا
مینی ژوب و کیسی ژوب کهنه اولوب گیر چووالا
میدانون گن یول آچیق مرکبوی مین قووالا
مودولان خارجه‌دن گئچ قاباقا قالما دالا
مودا باخماز سنی گئج تئز لیفه‌لر میغمیغالار

ای کریمی سؤزی سؤزلرده ایتیر اهلی تاپار
توسن طبعی اُتور باشینه هر سمته چاپار
اوخوسین شعریوی ذوق اهلی ائشیت لذّت آپار
بِکئف اولما آدامی قورددا ییر ایتده قاپار
داغدا باغدا سنی گر چه خفه‌لر میغمیغالار

بعضی خواننده کیمی نعره‌سینی قالخیزیری
مغزدن دوتدی اورکدن گوبگه تک جیزیری
باور ائت حافظه‌ده هر نه یازیلسا پوزیری
روحه قورا چکوری بینی دوغوردان قازیری
بویی بیر ذرّه سسی مثل بقر میغمیغالار

آمان اللّه بیزی بو میغمیغالار ائتدی اسیر
شوشلیوب نشترینی سوخماقا ظالم تله‌سیر
ایمدی بولدوم نه چکوب بوردا یازیق خواجه نصیر
مغولون میغمیغانین ظلمی ائدوب جانینه سیر
نه سایور تیشه نه دشنه نه تبر میغمیغالار

فاتحه

بوندان صورا عقیده و ایمانه فاتحه
دوز مؤمنه صفالی مسلمانه فاتحه
بوندان صورا حجابینی حفظ ایلین قیزا
پاکیزه با ادب گزن اوغلانه فاتحه
دوز آل وئره دوز آرشنا دوز داش ترازویا
قولیله فعلی دوز گلن انسانه فاتحه
آغ سقّلین بو جامعه‌ده احترامینه
کبلای غضنفره مشه سلمانه فاتحه
یاسلار هتلده باشلاناجاقدی گوله گوله
مسجدده ائوده سفرهٔ احسانه فاتحه
هر گون بیر ائوده افطارا ماه مبارکی
فرنی تویوق پلو کوکی آیرانه فاتحه
قصاب داداش ایکی مینه ماهیچه ساتموری
شیشلیک کباب قیمه فسنجانه فاتحه
تازه چیخوب نماز اوروجون حبّی کفسولی
خوش افطارا صفالی اوباشدانه فاتحه
تخت اوسته ترسیه اُلنه یاسین ایستمز
قیرخا، نماز وحشته، قرآنه فاتحه
ملّت چوخالدی بوللوخ اوجوزلوق گورنمه‌سن
آسایشه فراغته امکانه فاتحه
بسدور کریمی سنده یغیشدیر دکانوی
شعر و شعور و شاعر عرفانه فاتحه

آتانین اوغولا نصیحتی

رمز پیروزی هر جامعه وحدتدی اوغول
وحدتین عاملی ایثار و محبّتدی اوغول

مردمی بیربیره معطوف ایلیین عاطفه‌دی
شخصی شخصیّته معروف ایلیین عاطفه‌دی
اُلفتی خلقده مشعوف ایلیین عاطفه‌دی
عاطفه موجب احسان و سخاوتدی اوغول

عاطفه سوق ائدر انسانی سخا و کرمه
عاطفه اولسا بشر دیننی ساتماز درمه
عاطفه لازم و ملزوم عربه یا عجمه
عاطفه نقطهٔ باء بشریّتدی اوغول

عاطفه اولماسا مستضعفه کیم حامی اولار
عاطفه اولماسا انصاف و مروّت قوتولار
دین گئدر باده دولار قلبلره عشق دولار
بیربیره خلقین ایشی اوندا خیانتدی اوغول

وارلینی یوخسولا غمخوار ائلیین عاطفه‌دی
شخصی احسانلارا وادار ائلیین عاطفه‌دی
بیربیره خلقی فداکار ائلیین عاطفه‌دی
کیشینون ارزیشی تقوا و کرامتدی اوغول

واردی بیر عدّه مدارسده نه کیف و نه کتاب
پولاّری یوخ آلالار مقنعه روپوش و جوراب
توکولوب داش قپیدان باش قاپیا اجر و ثواب
یغان ایستور گوره هنگام غنیمتدی اوغول

نه گوزل سؤز بویوروب شاعر زیبنده سرود
شرف مرد به جود است و کرامت به سجود
هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود
کیشیه جود و سخا عین شرافتدی اوغول

عاطفه باعث اولار ائولنه بیر عدّه جوان
شاد اولار بخت ائوینه دختر بی چیز روان
ییخیلاندان دوتوب ال قالخزار ارباب توان
عاطفه باعث ایجاد مودّتدی اوغول

باخما بیر عدّه اولوب بُخلیده مشهور زمان
الینی کسسله قویماز داما بیر دامجیدا قان
قورخوسان هئچ اولار عزرائیله‌ده وئرمیه جان
مال دنیا اولارا مایهٔ لعنتدی اوغول

آچیلور مدرسه‌لر خیر و سعادت یریدی
بیر نفر ایلسه عقبایه تجارت یریدی
رحم و همکاری و هم‌یاری و همّت یریدی
آل بهشتی پولونان یاخشی تجارتدی اوغول

امر ائدیر عاطفیه بیزلری خلاّق عطوف
گرک انسانلار اولا بیربیره دلسوز و رئوف
صبریله جامعه‌نین نیشینی نوش ائت دئمه اوف
نیشی نوش ایلماق اعلان نجابتدی اوغول

یاخشیا یاخشیلیق آئینه‌سیدی هر کیشینون
پیسلیگه پیسلیگ اوغول شیوه‌سیدی شر کیشینون
پیسلیگه یاخشیلیق اما ایشیدی نر کیشینون
یاخشییا پیسلیگ اوتانما، دی، خریّتدی اوغول

بش گون عمرونده اوغول عاطفه‌دن دوشمه کنار
عاطفه اهلی خیال ایلمه دوزخده یانار
او که دنیا مالین عزّت سانار ایمانی دانار
اونا دنیا مالی عقباده مذلّتدی اوغول

بئله بولمه بیری دنیادن اوغول کام آلاجاق
کیم بیلور کیم قازانوب کیم ییه‌جاق کیم قالاجاق
بیر ئوزون بیر عملون کیم سنی یاده سالاجاق
سنه سرمایه عبادتدی اطاعتدی اوغول

عاطفه یعنی ییخیلمیشلارا امداد ائلماق
عاطفه یعنی سینان قلبلری شاد ائلماق
عاطفه یعنی نظردن دوشه‌نی یاد ائلماق
عاطفه ضامن ایجاد عدالتدی اوغول

نقدر عمریده فرصت قولووین قوّتی وار
دوت او قولدان که سینیقدی یازیقین حسرتی وار
یومورروخ وورما باشیندان گلنین نکبتی وار
چون مکافات عمل دهره امانتدی اوغول

یاده سال قاره گونی قاره یری آغ کفنی
او پروبسیز دونی یاد ائت اُطوسیز پیرهنی
مردی آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی
ایچدیر الدن گلنی لبلره شربتدی اوغول

بو جهاندا تانینار عاطفه‌دن خوبله زشت
بللیدی اهل جهنّم کیم اولا اهل بهشت
ظلم ائدوب زور دئمز مؤمن پاکیزه سرشت
لیک آییلماز او که سرمست جهالتدی اوغول

ای کریمی بئله فکر ایلمه شاعر باشیسان
نقدر شعریده اوستاد اولا بیلسن ناشیسان
عمده عیبون بودی تئز هیسلنیسن تئز داشیسان
صبر سیمای هنرمنده ظرافتدی اوغول

عینک عینکدی

دییللر قوشلار ایچره دستلاتسیز حاجی لیلکدی
بو عاجزلیقدا نیلورسن ایلان اوتماقدا زیرکدی
اگر دنیا دولانمور کاموه بش گون ملول اولما
شکایت ائتمه شانسوندان اوکوزدن گورمه یر بکدی
قویان یوخدور بو عالمده تفاوت اهله نا اهله
الینده هر کسین الگوج بلو وار آدی دلّکدی
زورولان بو زمانه هامّونی ایستور دوغوزدورسون
کیمون وار قدرتی دینسون دوغا بیلمز بو ارککدی
چاتیر یوکدی یوک اوستن سینسادا سینسون بئلی نیلک
دییَن یوخ بو آغیرلیقدا یوکه دُؤزمز بو کوشّک‌دی
به عنوان تواضع هر کسه بیر دفعه اسگیلدون
مینَر هم یوک چاتار سویلر بو ائشّک یاخشی ائشّکدی
مسلّمدور دویورسان ملّتین قارنین سسی چیخماز
قارین بوش اولسا سس محکم چیخار تمثیلی دونبک‌دی
شرف، غیرت، هنر، صنعت، لیاقت، معرفت پولدی
اگر حکمتده لقمان اولسا، پولسوز اولسا، دلقک‌دی
خلاصه پولسوزی آرواد اوشاق قونشو قوهوم دانلار
همیشه دانلاق آلتندا یوزی یکسر توپورجک‌دی

سفاهتله اگر دولتلی نقّال اولسا ناطقدی
فصاحتله کاسب عالی سخندان اولسا سوسک‌دی
بش‌اون گون عمده دقّت ایستمز خوش‌گئچدی پیس گئچدی
عروس یکشبه تحقیقی یوخ چرکیندی گویچک‌دی
بیر عدّه قان ایچینده پول ییغور بیر عدّه قان آغلور
مقام و منصب اُستونده سوخاسوخدی چکاچک‌دی
وطن ماتمسرادور جنگدور دریاده صحراده
وران کیم سیندیران کیم حمله‌دی هی تک‌دی پاتک‌دی
الی قوینوندا اصنافین قالوبدور بوینی چیگنینده
خبر یوخ نقددن هریان حواله سفته‌دی چک‌دی
خوشا بیر عدّیه طویدا سازاندا یاسدا شیونچی
قورولیقدا تویوخدی چایدا گولده قازدی اوردکدی
دلا غفلت ندور یای یاز قوتولدی قیش یاخینلاشدی
دَرَن دَردی سرن سردی بیچن بیچدی اکن اکدی
جهانی قوی اياقون آلتینا چیخ قافه عنقاتک
او که همّتده آلچاقدی کثافات اوسته میلچکدی
شهامتله دایان داغلار کیمی، داغلار قباقنده
بو نه نقّلتی‌دی زقّیلتی‌دی گر ئولمک ئولمک‌دی
فراغت آختار انسان عمری یتمیش ایل دالی قیتر
او ساده زندگانلیقدا نه گوردی ملّت ال چکدی

یاریم باتمان، گوزمله، قیش لباسین کامل ایلردی
جورابدی، شالدی، شالوار، بورکیدی، کوینکدی، اَلجکدی
چچه ،بوک، بئز، قدح‌دون بئلده یون‌شان وار گوزَم شلوار
پتاوا، گون چاریق، چیگنینده کورکی یا که پستکدی
یدیقی گییدیقی ئوز حاصلی غیره دیلنمزدی
آزا، کرمه، اودون، یابیا، یاناقی برقی گرچک‌دی
اساس البیت، داش بارداق، کوزه، نیمچه، سهین، مترت
فقط آشپزخانا ارسیندی، شیش، منقالدی، چولمک‌دی
کیشی سویلر خانم قوخما بیری سینسا اوچون آلاّم
تانیمازدوخ اوروس کیمدی آمیرکا هانسی تیفتک‌دی
سرین سو، خومدا، آلتیندا سهین منجیق کیمی ترلیر
نه کونتور وار نه متراژ ایچ نقدر ایچسن مبارکدی
کریمی‌دن اوتوزبش مین تومن سو امتیاز ایستور
علاجی یوخ گرک وئرسین اگر چه نصفی آهک‌دی
نه کمپوت ساندویج کونسرو ماهی خرج بیهوده
آغیر خرجی ائوین بیر پونزا، اَتدی نئچّه سنگکدی
کومور،قُو، مفته، چاخماق داش، سو مفته قندوچای مفته
بو چایلار دملیینده کَفلنیر گویا که چوبک‌دی
کیشی سقّل حنالی آروادین ساچلاری سنبل تک
کیشینون‌کی محاسن آروادین‌کی ساچدی بیرچک‌دی

او کسلر که یوکی یونگول گوتوردی مقصده چاتدی
وَلاٰ خَوفٌ عَلَیهِم یَحزَنون اللرده مدرک‌دی

عزیزیم اویما دنیایه بیورموش سرور عالم
اونون طالبلری ایتلردی بیر گندیده جمدک‌دی

مبادا جیفهٔ دنیا ائده بیر گون سنی اغوا
اگر چه ظاهری بادامه بنزر آجی چردک‌دی

تمایل ائتمدی دنیایه عالی همّت انسانلار
که تحت‌اللفظ معناسی لغتده کهنه چیلپکدی

سنی بو نفس امّاره هر ایشدن قویدی آواره
جلو وئرمه بو غدّاره ئوزی شیطانه دستکدی

هره بش گون ئوزون وارث بیلور میراث اجداده
بو آدمدن سلیماندان قالان پوسیده کوینک‌دی

کریمی شعریوه هر کس بیر عینکدن باخور امّا
باخیشلار مختلفدور گوز گوز اولسا عینک عینکددی

سؤزون اَلحقُ مَرٌّ بابتیندن تلخ اولا شاید
ولی بیر عدّه‌نین کامینده شیرین بالدی پشمکدی

آجی وار قوّت دل‌دی آجی وار سمّ قاتلدی
مگر هر آجی هِل‌دی زنجفیل‌دی زَی‌دی میخک‌دی

بی شعور اوغولون ننه‌سی اَرین دانلیر

دئمدیم من سنه بو وورقنی آز آل باشووا
ایمدی دالدان دایادی پیسریوه چال باشووا



سن که اوّلدن علاج ایلمدون واقعیه
ایمدی هر گون سپه‌سن کول ایکی مانقال باشووا
ائوی توکدی بازارا قالمادی شلوار گوتونه
ساتدی چکدی قمارا ایمدی نه وار شال باشووا
ایمدی نوبت یتیشوب اوتدوقومیز کهنه داما
اودی گونده ییغیشور بیر نئچه دلاّل باشووا
بونی بیل کسمه‌سن اوّلده کوکون اختلافین
ایش یوغونلار، یکه‌لر سؤز، آچاسان قال باشووا
قورخ او گوندن که طلبکارلار آلا دوروبرون
متری بزّاز ووراجاق باتمانی بقّال باشووا
ایکی مین بورکه وئرینجه سنی پیسلیق دوتاسان
کاش او پولدان هوش آلیدون ایکی مثقال باشووا
گلی بیر گون که همان بورکوده اوغلون اوتوزار
باغلاسان یولچی کیمی بیر یکه دسمال باشووا
من باشی داشلی نه اردن نه اوغولدان یاریدیم
قوی سالوم باری ایکی بامباچا فی‌الحال باشووا
ای کریمی ناغیلی سویملی شیرین یازیسان
او سببدن ییغیشا بیر نئچه نقّال باشووا

نصیحت غزلی

اهلون آج قالسادا بورج آلما فقیردن گوزه‌لیم
داشدا سالسان باشووا سال اوجا یردن گوزلیم



حاصله رُشد وئرن یردی گوزل آب و هوا
گل اکوب گلبسر آختارما کویردن گوزه‌لیم
داز باشا شیرلی دراق قوندارا باشماق چَوَله
قیزیلین جلوه‌سین آختارما دمیردن گوزه‌لیم
لازمه بال کره قیماقدی بدن بسلماقا
نئجه انسان کوکه‌لر نان و پنیردن گوزه‌لیم
آشپزین یاغدی آغاردان یوزون آشپزخانادا
یوخسولین واردی یوزی قاره کومیردن گوزه‌لیم
بیرینه سیل اثر ائتمور بیرینی یل ییخوری
او دمیردن یارانوبدی بو خمیردن گوزه‌لیم
قمیشین حضرت آدم کسه حوا توخویا
قالینون قیمتین آختارما حصیردن گوزه‌لیم
کُهنیندن رمقین چکدیله خلقین دوه‌تک
بویا باخما یازیق عاجزدی صغیردن گوزه‌لیم
اوره‌گه باخگلا خلقین گوزونه نسخه یازیر
او آدام که باشی چیخمور باواسیردن گوزه‌لیم
ائله پیس حاله قالوب جامعه یوخ بیر آیوران
شادی شاددان شورو شوردان شیری شیردن گوزه‌لیم

بیری ایمانی آتوب دینی ساتوب شهری قاتوب
نه وار احساسی ئولومدن نه قبیردن گوزه‌لیم
جنّت آختارماقا دروازهٔ قرآنی سوروش
ظلّ طوبایه یاخیندی بو مسیردن گوزه‌لیم
شیخ‌بهائی‌لره ئیللر بویی شاگرد اولاسان
علم تحصیل ائده‌سن خواجه‌نصیردن گوزه‌لیم
عملون اولماسا ویلین قویوسی آغزین آچوب
دوشه‌جاق کلّه‌میالاّخ هامی بیردن گوزه‌لیم
مراغه چوقّورونا میرزا کریمی یاراشیر
خواجه حافظ بارا گلمز «خواجامیردن»گوزه‌لیم

اعتراض به اجارهٔ دکان

مرغی که دیده بودی و بالش شکسته‌است
اسبی که دیده‌اید کنون زار و خسته است
از یکهزار و سیصد و هفتاد و سه به بعد
باطل شده اجاره که دکّان بسته است
از شاعر شهیر مراغه گذشت کن
بیچاره شد کریمی طنابش گسسته است

جشن عبادت

خلقت اساس و زیربنای عبادت است
مخلوق را شرف ز بهای عبادت است



از واجبات جمله اصول و فروع دین
صوم و صلٰوة اصل بقای عبادت است
در واجبات اگر چه شریکند مرد و زن
امّا حجاب زن ز جلای عبادت است
زن باحجاب باشد اگر پاک و معتقد
آن زن چراغ صحن و سرای عبادت است
زن پرورش‌دهندهٔ مردان غیرت است
اخلاق زن ثواب و سزای عبادت است
این جشن باشکوه عبادت مبارک است
این بزم منعقد ز صفای عبادت است
زن گر عفیفه مؤمنه باشد کریمیا
افعال او همیشه بجای عبادت است
اخلاق نیک و حسن سلوک و کلام نیک
پندار نیک راه گشای عبادت است



معلّم

تورا درود فراوان تورا سلام معلّم
توئی معلّم انسان صباح و شام معلّم



تو مهربان پدری بهر من سزد به تواضع
که خاکپای تو بوسم به احترام معلّم
بلی ز جام جهالت همیشه مست و خراب است
کسی که جرعه ننوشد اگر ز جام معلّم
کسی که عزت و شوکت طلب کند به محصّل
معلّم است معلّم علی‌الدّوام معلّم
ز منجلاب جهالت کشد به ساحل عزّت
اگر مرام الٰهی بُود مرام معلّم
کریمیا کرم از کان کردگار کریم است
که داده بر تو چو ذاکر ذوالکرام معلّم



خاطرات ارومیه

گینه دولدی باشا هوای سفر اوره‌گی صاف ائدر صفای سفر
سفر انسانه چون فرضیه‌دی فرض قُل فَسیروا وَ سافِروا فِی الاَرض
انتخاب اولدی بش نفر مسرور بیر ماشین بش نفر اناث و ذکور
حاجی ایلائی، هم قیزی، خانمی منده گوتدوم سکینه سلطانیمی
سفر ائت شیوهٔ جوانلیقیلان چوخ سفر داد وئرر یاوانلیقیلان
مراغا چوقّورون وداع ائتدوخ شهر رومییّه قوناق گئتدوخ
پژو گلدی قدیمکی یار سفر تازالاندی او کهنه خاطره‌لر
گور نه سرعت گئچور بهار و خزان حَمَل و ثور و سنبله میزان
دولانور ایشلیور دگیرمانلار دارتیلور بوغدا مثلی انسانلار
گینه ایلائی مرد وارسته الده فرمان گئدردی آهسته
مرد لایقدی واقعاً بهنام فوق‌العاده ائدوب بیزه اکرام
شخص شایسته‌دی متین و امین ذوالخواتین و صاحب‌الحرمین
بیزه خاطر ایشین یوباندیردی آپاروب هر یری دولاندیردی
دئدی بیر یاخشی یولداشیم واردی بیر مهندس علیرضا آدی
صاحب ابتکاردور زیبا عامل کارخانهٔ سیبا
خوشدی گورسن همان مؤسّسه‌نی سوینر واقعاً او گورسه سنی
گئتدوخ اولدوخ زیارته نایل گوزل انساندی صنعتی قابل
فکرلر واردی بکر ایراندا مغزلر واردی نغز انساندا
واردی ایرانلی‌لاردا استعداد هر بیری ئوز یرینده بیر اوستاد
حیف یوخدور بولاردا شانس اقبال نه او تشویق وار نه استقبال

بیر آز اگلشدوخ ایلدوخ صحبت شیرنی‌چای گتدی ائتدی چوخ حرمت
دئدی وار بیر قوجا آنام الآن حاضرم جان ائدم اونا قربان
گونده بیر ال اپاقینی اُپرم آلیشان سینه‌سینه سو سپرم
دئدیم الحق بودور وظیفهٔ عام آنانی تاپیشیروب بیزه اسلام
آنانین فوق‌العاده قیمتی وار خدمت ایله که جانه منّتی وار
سنی نازیله بسلیین نه‌نه‌دی هر جوابونده جان دین نه‌نه‌دی
گر دمیردن عصا اله آلاسان یا دمیردن چاریق گییوب قالاسان
گزه‌سن شرق و غرب دنیانی نه‌نه‌دن مهربان سنه هانی
ایستوسن نیک سرنوشت اولاسان حشریده داخل بهشت اولاسان
آناوین حقّینی رعایت ائله اونا الدن گلن محبّت ائله
آپاریب قویما سالمندانه قوجالیقدان سنونده وار یانه
ای اولان درس دینینه دانا اوخی بِالْوالدَینِ اِحسانا
نه‌نه‌دی زلفوی ائدن شانه دولانان باشیوه چو پروانه
آنا بیر گولدی سولسا دای گولمز گلسه مین گل آنایه تای گلمز
گئجه جمع اولدی باشیمه احباب روحدور جسمه صحبت اصحاب
دسته گل گتدیلر زیارتیمه مرحبا بختیمه سعادتیمه
باخما چوخلار علیهیمه بانلار شاعرین قدرین اهل شعر آنلار
شام ناهار پهن سفرهٔ الوان مرغ و ماهی چلو پلو بریان
تر تمیز دست پختلر لاٰغیر مِنْ شَرابٍ طَهورٍ لَحمُ‌الطّیر
دوشدولر زحمته لطیفه صونا او بونا مهربان باجی بو اونا
بئله یول گئتسه‌لر هامی ایکی‌لر تک به تک اوز تکین هامی ایکی‌لر
اولماسا دوگمه سویمه باش یولما دورد کبین آلتی صیغه‌دن قالما
آمّا خیرون بودی سؤزه باخاسان ایکی گوزدن ایکی گوزه باخاسان

ایکی آروادلینون قرادی گونی — گونی گوندن گونی قرادی گونی
بس اُرومیّه شهر زیبادی — هر نه مذهب وار اوردا پیدادی
ساختمانلار بوتون اروپائی — گزمه‌لی گورمه‌لی تماشائی
شهری گزدوخ دولاندوخ عزّتیله — یاخشی سیر ایلدوخ بصیرتیله
بولمورم ملّتین ندور هدفی — دولدوروب بد حجابی هر طرفی
آی مسلمان به خاطر اللّه — ظاهری حفظ ائله لِخوفَ اللّه
آی خانم اولسا بیر توکون ظاهر — بول جهنمده‌سن الا آخر
بو سؤزی آل همیشه‌لیق نظره — سنی کابین ائدوبله بیر نفره
زینت زن حجاب و عفتّدی — عورتین عصمتی نجابتدی
بویوروب فاطمه او فخر زنان — ارزش زن حجاب اوست بدان
در و دیوار شهر رنگ آمیز — شهر تبلیغیله اولوب لبریز
دولدوروب هر کناری تبلیغات — هی احادیثدور خبر آیات
عَجِلوا بِالصَّلوٰة قَبْلَ اْلفُوت — قَدِّمُوا بِالصّواب قَبلَ المَوت
دئدیم ایمان گرک دِلَه قازیلا — نه که ساده دووارلارا یازیلا
قلبه یاز الصّلوٰة عَمُودُالدّین — نقش اولان قلبه گئتمیندی یقین
یازی باز آز نمازی دیوارا یاز — اوتوز ائودن بیرینده یوخدی نماز
روز محشر که جانگداز بُود — اولین پرسش از نماز بُود
قالَ صادق‌لر عالیدی عالی — قول که حیف توپدی تو خالی
نیلدوز بس داغیلدی عابدلر — بومبالا بوش قالوبدی مسجدلر
هامی مسجدده قاچماقا تله‌سیر — بیر حصیر قالدی بیرده ملاّ نصیر
میزبان لطفینی تمام ائلدی — اکرم‌الضّیفه اعتصام ائلدی
قوناقی جان کیمی قوجاقلادیلار — بیزی اوچ گون صفالی ساخلادیلار
اهل دل احترام ائدر قوناقا — ئوز محبّت آشین چکر چاناغا

قاپیدان گور قوناقی قاچ قاباقا او گلیر شادلیقا نه قاشقاباقا
کیشیلیق شرطی بسته‌دی کرمه فکرون ایشلتمه درهم و درمه
مرحبا بو مثللری یازانا قازانوب وئر قازاندیقون قازانا
پولونان آل بهشتی ای هُشیار اولما بیگانیه امانتدار
قوناقا فوق‌العاده خدمت ائله قاپی آچ سفره سال محبّت ایله
ئولوب اون دورد قرنیدی حاتم گینه تاریخ اونا دوتوب ماتم
فخر ائدر اسم باصفاسیندن داستانلار دییر سخاسیندن
نیه قطع اولدی حُسن رابطه‌لر او گوزل جاذبیله ضابطه‌لر
بیربیریندن هامی قاچور چکیلور قوناقی گورجگین کیشی اکیلور



چوخ چوخ اصرار ائدوبدی ایلائی منه بیر عینک آلسون اهدائی
گوزومین احتیاجی عینکه وار اولمادیم راضی ائتدی چوخ اصرار
من که عینک‌سیز عالمی گورورم جنّتی هم جهنّمی گورورم
گونشی هم قرانلقی سِچیرم یاخشلیق هم یامانلقی سِچیرم
دشمنی دوستی مختصر تانیرام یولومین اگریسین دوزین قانیرام
خلق ایکی عینکیله گورمیه‌نی من گوزی باغلی گورمیشم علنی
بوندان آرتقدا ذرّه‌بین اولسام دردلری درک ائدوب جانا سالسام
دوشرم چوللره چو دیوانه فرضدی حفظ صحّه انسانه
بیرده انسان گوزلدی کال یاشییا کار گله کور دولانا لال یاشییا
گوز، قولاق، دیل اگر چه نعمتدی ولی باشدان اایاقه زحمتدی
ائشیدنده گورنده دیللنیرم اوردا بوردا ووروللاّ هللنیرم
طول و تفصیله مبتلادی دیلیم باشیما بیر یامان بلادی دیلیم
دیل یایور عالمه گوزوم گوره‌نی بیر تیکه ات گتوردی تنگه منی

نمره که بیردی اوستا یا ناشیبا — کاش آدام لال و کور و کر یاشیبا
گوردیگیمدن گوزلدی گورمدیگیم — دردسردی وجودیمه دئدیگیم
سؤزلریم قالدی اودلی سینمده — کیم بیلور کیم نه وار خزینمده
بونا شادم گلن زمانلاردا — گزه‌جاقدور آدیم زبانلاردا
من ئولندن یوز ئیل صورا ملت — جشن میلادیمه ائدر شرکت
یادواره دوتالاّر عزّتیله — روحیمی شاد ائدلله رحمتیله
سؤزومی ایلله تجزیه تحلیل — بیز ئولنلردن ایلروخ تجلیل
عصر گئتدوخ دولانماقا، بنده — حاجی ایلائی بیرده که بنده
بندین اگلشدوخ آبشارینده — میوه صرف اولدی چای کنارینده
گلدوخ اوردان کنار دریایه — نیسگیل اولسون هامی احبّایه
هامی گئتمیشدی دریا خلوتیدی — منظره شاهکار خلقتیدی
گون غروب ائتدی آی طلوع ائتدی — ئوزگه بیر منظره شروع ائتدی
آیین عکسی گونون قیزیل شفقی — سطح دریانی ائتدی گل طبقی
هم پلاژلار همی حماملار بوش — پول آلان یوخ نقدری دوتسان دوش
باسیلور سبزه حدّ فاصلده — گتوروللر سریلله ساحلده
اوردا صرف اولدی بیر سرین کانادا — ایله بولدوم اوتورموشام قانادا
اوردا چوخ یاد اولوندی طاهردن — گوتوریدی فلیم او خاطره‌دن
اونی خوشبخت ائده حق دادار — بیزه اولموشدی بیر فلیم‌بردار
صبح آچیلجاق دوروب‌کیشی عورت — گینه دریایه ایلدوخ رجعت
طاهره گئچدی پشت فرمانه — پژو بای بای ائدردی پیکانه
پتو سالدیق کنار دریایه — سویون امواجنه تماشایه
شور سو شیرین قُووین شیرین جلسه — نئجه انصافیدی آدام تلسه
تا قییتدوخ ناهاره دریادن — مگر انسان دویور تماشادن

ناهاری صرف ائدوب آغزدا دادیم بلیمی مختصر یره دایادیم
خواب قیلوله سیندیرار خورگی یوخی وقتنده شاد ائدر اورگی
عصر وقتی هوا اولوب مطبوع گینه سیر و سیاحت اولدی شروع
قالمارام دای گئچوب اوتاناماقدان یمه‌دن ایچمه‌دن دولاناماقدان
سو قوخور قالسا حوضده آرام گز دولان اولما خستهٔ ایّام
دوشدی بهنام شوقیله قاباغا بیزی گه چکدی باغه گاهی داغا
دسته‌جمعی هامی حاضرلاشدوخ قلّه کوه، ثیره، دیرماشدوخ
هوا دلچسبیدی نه گرم و نه سرد بیزیم آروادادا اولدی کوهنورد
پلّکان چیخماقا جوشور آشیری گئچی تک ایمدی داغه دیرماشیری
دوز یولی گئتماقا افاده ساتیر ایمدی امّا شوخومدا شیلاّق آتیر
بلی گزماق وجودی دم ساخلار دولانان گور اورکده غم ساخلار
قرص خورشید مثل جام طلا داغ باشیندان بیزه وئرردی جلا
شیرنی صرف‌اولدی چوخ صفاائلدوخ صورا قلیانی جابجا ائلدوخ
یل کیمی داغ باشیندا بیز اسدوخ بیر قوویندا شیرین شیرین کسدوخ
بیر کلیسا گوزل او اثناده واردی مین یدّی یوز ئیل آماده
بیر مسیحی قیز اوردا حاضریدی بئله بوللم اورا مجاوریدی
بولمورم ارلی یا که یالقیزیدی نینایونان، آدینلی بیر قیزیدی
معبدین بازدیدی اولدی تمام چول پالاسی یغیشدیروب بهنام
گلدوخ عیش و نشاطله خندان شاما بهنام دیگره مهمان
یدوخ ایچدوخ بیرآز دئدوخ گولدوخ دوردوخ القصّه یاتماقا گلدوخ
اون ایکیدی ساعات گئجه یاتدوخ کاسبون بختی تک نئجه یاتدوخ
صبح آچیلدی هوا اولوب روشن گون گولوب ائتدی عالمی گلشن
اولدی روز سه‌شنبه اوّل مهر هر وصالی فراق ائدندی سپهر

وقت اولوب آیریلاق احبّادن منفعت آیریلیقدی دنیادن
هر وصالین فراق میوه‌سیدی فلکین بو قدیمکی شیوه‌سیدی
نقدر گون گئچوب زمان گله‌جاق هر بهارین دالی خزان گله‌جاق
دلده تسبیح و ذکر یا حافظ ائتدوخ ارومیّه‌دن خداحافظ
یول گلیردوخ کنار دریادن گوز که دویماز ائله تماشادن
صاق و صول سیب و گندم و انگور حاصل اللّه وئروب به حدّ وفور
کیشی، آروادی باغ و خرمنده چالیشوب ایشلیولله کوشنده
هر عمل ئوز نتیجه‌سین بیتیرور هر کس ئوز اکدیقین دریر گوتورور
اکدیقی تخم عوض گوورمیه‌جاق آرپا اکمیش که بوغدا درمیه‌جاق
باخما چوخلار قووین دیور کلمه هئچ گوروبسن اوزوم وئره قلمه
لطف ایزددن ایستدوخ یاری پژو یولاّندی سولدوزا ساری
دولدی قلبه محبّت نَقَده فرض اولوبدی سیاحت نَقَده
اوردا وار بیر جوان اسلامی عینک نیک زایس بهنامی
بیر جواندی ادیب و دانش دوست علی آقا ادبدی رگ تا پوست
او دگول لااُبالی و گیج و ویج بستنی حاضر ائتدی آب هویج
صورا چکدی گروهی راستورانا آجیدوخ چوخ ناهاردا سِندی جانا
هله ائولنمیوب سوبایدی یازیق یالقیز ائوده مسیحه تایدی یازیق
دئدیم ائولنمه‌سن ائوون یوخدی تئز گئت ائولن ثوابی آرتوخدی
کیشینون غمگساریدور عورت باغ عمرین بهاریدور عورت
اگر ائولنمه‌سن ایشون یاشدی آرواد انسانه یار و یولداشدی
هانسی منزلده اولماسا ملکه اورا بنزر ستاره‌سیز فلکه
عورت اولسا گوزل لیاقتلی الی دوزلی ائوی نظافتلی
با سلیقه نجیبه مستوره ائوی جنّت ئوزی مَثَل حوره

ثروت آختارما پول پسند اولما چوخدا جاه و جلاله بند اولما
قاچ آماندی خبیثه عورتدن قوخگلان طعنه‌دن شماتتدن
بد بوغاز پنتی بی حیا مردار و قِنا رَبَّنا عَذابَ‌النّار
نَقَدِهدن چیخوب محبّتیلن یولا دوشدوخ گینه ظرافتیلن
یولداش اهل اولسا یولدا نعمتدی یولدا هر زحمت اولسا لذّتدی
یولدا خیراللّه شاعری گوردوخ آلدی نوشابه چای ایچوب سوردوخ
وارد اولدوخ غرض میياندابه صله واجبدی جمله احبابه
منکه تدریس درس مهر ائدیرم طهبازی گورمه‌میش هارا گئدیرم
اوتوز ئیلدی منیم رفیقیمدی صادق القول بیر صدیقیمدی
حَیَطی با صفا گلستاندی گل و گلشندی باغ و بوستاندی
طاهره فیلم گوتدی گللردن حیف فرصت گئدندی اللردن
گئج و تئز قیش گلوب بو گل سولاجاق عکس‌لر فیلم‌لر هله قالاجاق
صرف اولوب میوه چایله قلیان کاروان شد سوی مراغه روان
وارد اولدوخ مراغیيه دلشاد ای مراغه داغون باغون آباد
ای مراغه عجب گلستانسان خوش طراوتلی باغ و بوستانسان
سنده مردان بالیاقت وار توپراقوندا هوای جنّت وار
شهر زیبای آذرستانسان افتخارآفرین ایرانسان
آنا یوردومسان ئوز دیاریمسن اعتباریمسن افتخاریمسن

سعی ائله راه و رسمدن چیخما
بوندان آرتیق کریمینی سیخما
مین اوچ یوز یتمیش آلتی شهریور
چاتدی انجامه بو صفالی سفر

انصراف از انجمن ادبی

من که در من اسیر بند من است
کی سزاوار رأس انجمن است



انجمن خانقاه صلح و صفاست
بنده در جنگ نفس خویشتن است
انجمن جای عشق و عرفان است
انجمن مهد دانش و سخن است
من کجا انجمن کجا که مرا
ادّعائی بزرگ از دهن است
کیست بر شعر و شاعر ارج نهد
از حسن تا حسن دو صد رسن است
نیم من نیست در ترازوها
هر که را بنگری به وزنه من است
سخن حق همیشه تلخ آمد
هان نگوئی کریمی بد دهن است



تضمین از غزل خواجه حافظ

اورک آئینه‌سیندن غم غبارین دلبریم سیل‌ها
باخورسان سرعته، گئچماقدادی گون هفته آی ئیل‌ها
گلر مین‌لر بهاریله خزان بیز اولماروق بیل‌ها
اَلا یاایّهاالسّاقی اَدِر کأساً وَناولها
که عشق آسان نمود اوّل ولی افتاد مشکلها

مِیون یوخدی سو وئر تا آتش سینه‌م سؤنه شاید
باهالاندی کبین یوخسول جوان ائولنمیه باید
خیال وصل یاریله یاتاق شاید بخواب آید
ببوی نافه‌ئی کاخر صبا زان طُرّه بگشاید
ز تاب جُعد مشگینش چه خون افتاده در دلها

باخان بو یال و کوپاله بئله فکر ایلوری هردم
ماشین یوخ پول یوخ ائو یوخ دیپلم بیکار و ولگردم
بو بیتی ایلرم ازبر مگر ساکت شود دردم
مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هردم
جرس فریاد می‌دارد که بربندید محملها

پولی نوشابیه یوخ بد بد اوستونده گلور صدصد
آجیندان قارنی دونقولدور آژیر چکماقدادی ممتد
آچور هی فال حافظدن گوگلدن شاد اولور بیحد
همی سجّاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید
که سالک بی خبر نَبوَد ز راه، رسم منزلها

خانم سانجی، سویوق ائو،دامجی، اُستن یلدی،آتدان سیل
لوله پاتداق، دووار چاتداق، طلبکار هیسلی بیر قاتل
بویاندان شهرداری ایلیوب پروانه‌می باطل
شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل
کجا دانند حال ما سبکباران ساحلها

بویاندا اوروجلوق کیپلیوبدی طیّب و طاهر
منی که ایلمز افطاره دعوت دکتر و تاجر
نه پارتیم نه پولوم نه پاتلتیم نه جامهٔ فاخر
همه کارم ز خودکامی به ناکامی کشید آخر
نهان کی ماند آن رازی کز او سازند محفلها

نه یاخشی ئولدی قورتولدی اسیر مرده شو حافظ
نه‌بوش کیف جیب گوروب نه‌بوش دخیل نه‌بوش کشوحافظ
هاچان گوردون کریمی تک اوتوز یردن قشو حافظ
حضوری گر همی خواهی از او غایب مشو حافظ
مَتی ماتَلقَ مِن تَهوٰی دعِ الدّنیا و اَهمِلها

باهالیق رستمی، گودرزی، گیوی ائتدی افسانه
بوروب زال زری باسدی زیبیل تک زابلستانه
بدنلر دوشدی طاقتدن نه زور قالدی نه زورخانه
ییخلدی گودالا مرشد باخور حیرتله هریانه
عجب پاسلاندی دمبیلها و میلها سیندی هارتلها

من قالدیم

گینه گلشنده بیر سولمیش قلنفر قالدی من قالدیم
خزانلار آفتین گورمیش صنوبر قالدی من قالدیم
آچان گللر سارالدی عندلیب‌لر قاچدی گلشندن
دوتولمیش بیر اورک بیر کهنه دفتر قالدی من قالدیم
مصاحبلر داغیلدی شمع سوندی بزم قورتولدی
گئدوب ساقی بوشالدی باده ساغر قالدی من قالدیم
چکیلدی تک‌به‌تک اصحاب اکیلدی یک‌به‌یک احباب
گئدن گئتدی قوجا وقتیمده دلبر قالدی من قالدیم
بو دنیاده قالان کیمدی جهاندان کام آلان کیمدی
گئچن گئچدی فقط کرداره کیفر قالدی من قالدیم
صباح وصلوین شوقیله من شب‌زنده‌دار اولدوم
گئجه گئچدی ولی آغلار بو گوزلر قالدی من قالدیم
او قدّ و قامتون قد قامتیمدن بیر قیامتدور
گوگلده مه جمالوندن مصوّر قالدی من قالدیم
اوخ آتمازلار حرم آهوسینه سن باخمادون آتدون
حریم دلده اوخلانمیش کبوتر قالدی من قالدیم
اوخون صیّاد آتوب گئتدی ئوزی آمالینه یتدی
دوشوب پروازدن بیر قانلی شهپر قالدی من قالدیم
اگر اولمازدی گوز یاشیم یانار دیم سوز آهیمدن
یانار آتشده سن قالدون سمندر قالدی من قالدیم
اوتانلار اوتدولار یرتیلدی توپ دروازه‌بان قاچدی
فقط جام جهانی قالدی داور قالدی من قالدیم
ماکودان «حامدی» آختار سوروش «انزابی» طهراندان
مراغه چوقّوراندا توزلی منبر قالدی من قالدیم
کریمی عشق تکلیفین یازاندا نمره بیست آلدی
ثبات عشقنه عاشقده باور قالدی من قالدیم

نه‌نه‌دی

محبّت آتشینه روز و شب یانان ننه‌دی
زمانه‌ده هامیدان شخصه مهربان ننه‌دی



صباحه تک یوخوسوز سینه‌سینده سود اَمَرین
آلوب قماطین ال اوسته دولاندیران ننه‌دی
بشیکده صبحه کیمی گوزلرین تیکن یوزووه
حزین حزین سسیله لای لای چالان ننه‌دی
بیر آز یوخون چوخ اولاندا الین چکوب تلیوه
دین نه یوخلامیسان ناز بالام اویان ننه‌دی
دوشونده ئوز جانینون شیره‌سین شیرین سود ائدوب
شیرین شیرین دیه‌نون آغلیاندا جان ننه‌دی
اَمَن دوداقلاریوی گوزلرون یاشین یالیان
هوروکلری سنه بیر چتر پرنیان ننه‌دی
سنون دیل آچماقووا افتخار ائدوب سووینن
اولان اوزون گئجه‌لر سنله همزبان ننه‌دی
دیشون چیخاندا سووینجک سنه قویان دیشلیک
ائدن هدیک یماقا خلقی میهمان ننه‌دی
گییندیرن سنه بایرام اولاندا تازه لباس
وئرن لباسوی ئیل طایفیا نشان ننه‌دی
ائدن بالاسینی راحت ئوزینی ناراحت
اولان فراقوه بیر لحظه باغری قان ننه‌دی

ئوز آغزینین تیکه‌سین آغزووا قویان یمیین
سنی مقدّم ئوزوندن دوتان همان ننه‌دی
مریضلیقوندا ساتان گوشواره بیلرزیگینی
سنون معالجه‌وه خرج ائدن ماتان ننه‌دی
گئدنده مدرسیه زلفوی یووان داریان
دیین آنان بویووا قربان هر زمان ننه‌دی
وَ اِنْ یَکاد اوخیوب پوفلیین سنون یوزیوه
سالوب اوزرلیک اوتا ایلین فغان ننه‌دی
گئدنده سن سفره باشوه دوتان قرآن
چیخان قباقه گلنده دوان دوان ننه‌دی
اوشاقیدون دیل آچاندا یامان دئدون دئدی جان
بویوکسن ایمدی دییور جان دئمه یامان ننه‌جان
رضای خالق عالم اونون رضایتیدی
سنه کیچیک تاری دنیاده ای جوان ننه‌دی
مباد حقّینی ضایع ائدوب اياقلیاسان
اونی نظردن آتوب اولما بد گمان ننه‌دی
گئدن زمان گوزینون نوری اول عصا الینه
سنون غمونده رسا قامتی کمان ننه‌دی
چکوب اقلاً اون ایل نازیوی اوشاقلیقدا
اون ایلده سن اونون آزارینه دایان ننه‌دی
یوزینه تُند باخوب اُستونه آجیقلانما
سنیقدی قلبی قوجا خسته ناتوان ننه‌دی
آنا اوغول بوگودر سایه‌سینده دالدالانا
اولان بو نعمت عظماده شادمان ننه‌دی

اونی عیالوه خاطر ئوزوندن اینجیتمه
جهنّم آیه‌سی وار شرم ائله اوتان نه‌نه‌دی
او بیر ودیعه‌دی پروردگار عالمده
آماندی قدرینی بول ساتما رایگانه نه‌نه‌دی
الین دوتوب آپاریب قویما سالمندانه
الیندن اُپ یازیقی قویما ناگران نه‌نه‌دی
کثافته بویاناندا بلکده خدّگه تک
سالوب سنی وانا باشدان باشا یووان نه‌نه‌دی
مگر نولوب چکیلورسن کناره ایرگنوسن
اوغول باتیر جانووا توکلری تیکان نه‌نه‌دی
نقدری عاجزیدون اوندان آیریلانمیردون
بوگون نیه قاچیسان اولمیا خوخان نه‌نه‌دی
سؤزین دوزی نه‌دن گویچگین تاپوبسان اوغول
حسابه قویمیسان البتّه سایمیسان نه‌نه‌دی
نه روز مادر اولاندا فقط اونی یادا سال
همیشه فکرینه قال قیدیوه قالان نه‌نه‌دی
لَه‌لَه اولوب ئوزیوه ایمدی‌ده اوشاقلاریوا
مباد عاق اولاسان فیض جاودان نه‌نه‌دی
عیالویله گئدنده سیاحته شمالا
ائوه اوشاقلارا مجّانی پاسبان نه‌نه‌دی
آناندی ئوزگه دگول عاق والدین اولما
بیر آز زمان سنه بو ائوده میهمان نه‌نه‌دی
صباح ئولنده‌ده سقّالی سالاّ سال گوبگه
دئمه او سقّله خاطر باغیشلانان نه‌نه‌دی

اوغول او سقّل اوزاتماق آنا باغشلانماز
اونا اوروج، نماز، احسانویله یان ننه‌دی
اجازه وئرسن اگر بوردا آیری خطّه گئچاخ
اَر آرواد اورتاسینا آیریلیق سالان ننه‌دی
دوتان یازیق گلینون هی گوی اسگیه گونونی
که طاس دگرمانی باشینده فرلادان ننه‌دی
ججیگ چکن گلینون آغزینون دادین آپاران
گوجو چاتانماسا ئوز باشینی یولان ننه‌دی
گلین طویا بزننده بودا یاسا بویانار
دوشن اونون جاننا افعی بیر ئیلان ننه‌دی
بوشاتدیران گلینی کورپه‌سین الیندن آلان
خانملقین یازیقین ایلین یالان ننه‌دی
سودون ستون کیمی هر سؤز باشی چالان باشووا
کچل ائدن باشووی منّتی اینان ننه‌دی
بیچن یازیق گلینه حربه حربه اوستوندن
فقط چکن اونا آوجوندا خط نشان ننه‌دی
گلنده هس آچوب آغزین یوموب گوزین دینین
اسوب جوشوب آتان ئوز باشینه تومان ننه‌دی
ئولوبدی جملهٔ اعضاسی بیر دیلی دیریدی
ئیلان کیمی گلینی اپریدوب چالان ننه‌دی
گلین دیور نئجه دوشدوم اجنّه قیناقنا
بو ئوز آناسیدی بونداندا جنلی، خان ننه‌دی
ئوزی گئدوب دولانوب قیز سوویب گلین گتورن
طوی ایلیوب آتیلوب طویدا اوینیان ننه‌دی

دیین ازلده، دوشاب آلمشام مُربّا چیخوب
صورا دیین ائویمی ییخمیشام آمان ننه‌دی
گلین باشین داریاندا بودا قاچور بزگه
الینده آینا داراق جیبده سرمه‌دان ننه‌دی
گلین دوغاندا بو نقّیلدیری حسادتدن
اوغول یازیق بئله فکر ایلوری دوغان ننه‌دی
قاتان سویوق سویی ایستی آشا تفاقلاردان
یازیق قیزین دالینا ال چکن قوران ننه‌دی
گرکدی قاتداشاسان هر جوره اذیّتینه
داریخما چاشما سنه سنگ امتحان ننه‌دی
قوتارمیاندی گلین قینانا مکالمه‌سی
مواظب اول گینه اوغلوم سنه قالان ننه‌دی
بو قیزلار اومماگیلان قینانایلا بیر یاشییا
بولار الودیلار اود پارچاسی یانان ننه‌دی
گئدنده ئلچی ازل شرط ائدولله آیریلیقی
مگر قودالدی یازیق یا شیشن چیبان ننه‌دی
بیری ئیلان بیری یارپز چتین یولا گئده‌لر
گلین گلَن گئجه ائودن چیخوب قاچان ننه‌دی
گلیندی قینانانین بوینونی باسان خپینا
دووانویس دالیجا قاپلاری چالان ننه‌دی
گلین خانم بو گوزلّیق سنه‌ده قالمیاجاق
جهان عاریه ئوز دوغدوقین بوغان ننه‌دی
صباحدا سن ننه‌سن سیخما ییخما قینانانی
ندور گناهی سنه اَر حاضرلیان ننه‌دی

قاباقدا بو قوجالیقدان سنونده واردی خانم
بو گون خانم قیز اولان قیز صباحدا خان ننه‌دی
بوگون گلینلقا شیشمه صباحدا قیناناسان
بو گون بهار ائلیین قیز صباح خزان ننه‌دی
گوزلدی دینیله انصافیله گزاخ دولاناخ
خانم خانم، آقا آقا، ننه، جوان ننه‌دی
چورک بیاخ کورولان اللّهی گوراخ آرادا
خیانت اولمیا بیچاره ناتوان ننه‌دی
بوگون صباح ئوله‌جاقدی یازیق قویوب گئده‌جاق
قوناقدی گنبدین اُستونده گردکان ننه‌دی
پیمبرین قیزی زهرایه عایشه خانمی
نه گوز وئروب نه ایشیق وئردی پهلوان ننه‌دی
نه حالینی سوروشوب نه گلوب عیادتینه
او مهربان بالانی یاندیروب یاخان ننه‌دی
کریمیا آناوین حقّینی رعایت ائله
محبّتین باغینا باشقا باغبان ننه‌دی
سؤزونده گاه وورسان نعله گاهی میخه چکش
گهی سلیطه گلیندی گهی یامان ننه‌دی
گرکدی قیناناالاردان گلینلر عبرت آلا
گئدوب طراوتی بیر مُشت استخوان ننه‌دی
جهان جهان مکافاتیدی گورن گوز هانی
گولن او نازلی گلین ایمدی آغلیان ننه‌دی

خاطرات تلخ و شیرین

سخن اوّل به نام نامی او وحدهُ لا اله الاّ هو
اونون امرینده‌دور مرور زمان یارادیب روزوشب بهار و خزان
اودی خلاّق عالم و عادل اودی رزّاق و خالق و باذل
چاره‌ساز و امیر اهل نیاز ارحم الرّاحمین و بنده نواز
منه وئرمیش بو طبع سرشاری قلمیمدن گلاب اولور جاری
میل طبعیمجه یتمیشم کامه یازیرام ئیلده بیر سفرنامه

مین اوچ یوز یتمش آلتی ماه آبان
تا هلال رجب اولوب تابان

چاتدی شهر مراغیه زینهار خبر ناگوار فوت، بهار[1]
ختم اولوب عمر قورتولوب روزی رحلت ائتدی، بهار فیروزی
مرد وارسته و موقّریدی باجیما بیر وفالی همسریدی
اولدی طهرانه گئتماقیم لازم هامی ئل طایفا مردوزن عازم
نه گوزلدی همیشه وحدت اولا نه فقط یاسدا بو محبّت اولا
قدریمی ساغلیقیمدا بول قارداش قبریم اوسته گتورمه گُل قارداش
ساغلیقیمدا قول آچ قوجاقلا منی گل ئولندن صورا اياقلا منی
ساغلیقیمدا محبّت ایله منه اَزمه سیندیرما حرمت ایله منه
نه قرا گیی منه نه یاس ساخلا بلکه دور قبریم اوسته اویناخلا
اوخشیوب هی دیلون ایشه سالما اوزادوب سقّلون دوشه سالما
سنده‌کی توک منی باغیشلاتماز سقّلین الگوجه گوجی چاتماز
اتوبوس وارد اولدی طهرانه آغلیا آغلیا یانا یانه
دفن و کفنینده ایلدوخ شرکت روحی شاد اولسون عایدی رحمت

۱-مرحوم بهار آقا فیروزی

کیم بو دنیاده دائمی قالاجاق هامینین جانینی اجل آلاجاق
بو یولون آخری دومانلیقدی یاخشیلیق ائت خطر یامانلیقدی
هر نشاطین ذخیره‌سی غمدی هر بهاره خزان مسلّمدی
کیم قالوب بو جهاندا بیزده قالاق گئچه‌جکدن گرکدی عبرت آلاق
هامی بو کورپیدن گلیب گئچه‌جاق هامی صهبای مرگدن ایچه‌جاق
هامی تیر فنایه توش اولاجاق هامینون مشعلی خموش اولاجاق
خرج و احسان و مجلس ترحیم رفقا گلدی اولدی چوخ تکریم
حاجی منصور و هادی خان والی بیزه چوخ لطفلر اولوب عالی
هم جواد و زکیّه و منصور بیزه خدمتده قویمیوبلا قصور
دوشدی چوخ زحمته گراوندی منه بو لطفلر خدادندی
اهل اسلامشهر پیر و جوان خاصّه نوروزی مرد با ایمان
حاجی مهدی او مرد روشندل خانقاهین ائدوب بیزه محفل
نئجه داغلار گزوب ملر آهو گئجه‌لر صبحه تک چکور یاهو
ئوز ائوینده درست ائدوب محراب زار و گریان و مضطرب بی تاب
گونوزی کسب و کار و صنعتده گئجه‌نی ذکریده عبادتده
یرمی دورد ساعتی عبادتدی ایکی ساعت یوخو کفایتدی
من دیوم سنده باشوی تولا بیل بو دنیانی جنگل مولا
بیرینون آننی دگمییوب مُهره بیرینون طاعتی چکور ظهره
بیری گوندوز اوروج گئجه بیدار بیری آخشام خمار سحر مردار
بیری شب‌زنده‌دار راز و نیاز بیری عمرینده قیلمیوبدی نماز
بیری امساکده اذان به اذان زخم معده دوتار بیری رمضان
بیری اللّه دیینده رنگین آتور دستمازیله رو به قبله یاتور

بیری حیوانلیقین نشان وئروری نماز آدی گلنده جان وئروری
باخ رحیم اللّهین کرامتینه
هامونی غرق ائدوبدی نعمتینه
گبر و ترسا و مؤمن و کافر خوان احسانینه هامی حاضر
یری وار سعدیدن آلام یاری زمزمه ایلیم بو اشعاری
ای کریمی که از خزانهٔ غیب گبر و ترسا وظیفه‌خور داری
دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان نظر داری
یاسی سُودیق قوتاردی رفت آمد باجیم آغلار، آرَی به خواب ابد
دوره‌می آلدی دوسلار عزّتلن جور به جور التفات و دعوتلن
اصغری، قُدسی، واجد اهل هنر هم خدائی جوان نیک سِیَر
خاصّه منصوریانله نجفی گزدیروبلر حقیری هر طرفی
هاشمی مرد عالم و عامل زهد و تقواده لایق و کامل
دئدیلر قلبی غمده سیخمیاسان سنی تک قویماروق داریخمیاسان
دیدنی هست کاخ سعدآباد دور گئداخ گشته هر چه باداباد
بیر ماشین آلتی مرد وارسته شاد و خرّم گئدردوخ آهسته
باخیرام دقّتیله طهرانه فرق اسلامشهره شمرانه
سِچورم فرق شاه و درویشی هم جوادیّه همده تجریشی
اولسا مین عالم عالمه تعویض غیر ممکندی قورتولا تبعیض
گینه بالانشین‌لر اعیاندی گینه پائین شهر ویراندی
بیری ویلاده شاد و خنداندی بیری آوارهٔ بیاباندی
بیری دویمور صفای منزلدن کراکشلیق بیرین سالوب دلدن
هارداخوش گون گوروبدی مُستضعف الی قارنیندا ازبری العفّ

بیر کیچیک دخمه قیتریر نفسی — بورا ائودی و یا تویوق قفسی
باسیلوب اون نفر کیچیک اوطاقا — امّا بیر کاخه یرلشنمور آقا
قبر سیخماز بو شخصی معناده — بو فشارین گوروبدی دنیاده
گلمیوب تا به حال بیر دوران — اولا یکرنگ مفلس و اعیان
بیر علی چیخدی دینه سرجوخه — قویمادی فرق کاخیله کوخه
بیری اوینور دوشوبدی ساز دالیجا — بیری کفسول الینده گاز دالیجا
دولانیر بعضیسی دولار باشینا — بیری ئوز کوینگین دولار باشینا
بیری اون گونه سفریه گووه‌نیر — بیرینون یوخدی سفره‌سینده پنیر
بیری هر ئیلده بیر ماشین دگیشور — طرح تالار و دامداشین دگیشور
بیریده بیر دوچرخه حسرتیدی — زیرزمین جای استراحتیدی
بیری تاجردی سیر سرمایه — بیری فعله اسیر، سرمایه
بیری ئوز آرتقین توکور ائشیگه — بیری بیر سنگکه دورور کشیگه
بیرینون صبحه‌تک الینده مه‌مه — بیری بوش بوش غزل یازیر صنمه
بیری واندا اوزور اویان بویانا — بیرینی وام سیخور دویوبدی جانا
بیرینون باشنی قاتوب فوتبال — تیم پیروزی تیم استقلال
تانیا بولمور ئوزگه‌نی ئوزینی — تلیویزیوندا کور ائدیر گوزینی
الغرض سیریده تماشاده — چاتمشوخ کاخ سعدآباده
ماشینی قصره قویمادی دربان — بیر خانم گتدی ویژه بیر پیکان
بدرسادات آدینلی بیر خاتون — بسته بوی نازلی دوزلی گندمگون
قیر وئروب قیر کیمی سوواشدی بیزه — یولداش اولدی‌دوشوب یول‌آچدی‌بیزه
او دِیَن بیز دگولدوخ الحاصل — اولمادی ئوز مرادینه واصل
نه اوطاقلار نه کاخ سلطانی — قالی یوز اللی متر کرمانی

مُبل و لوستر فرانسوی عالی خوابگاه فرح قالوب خالی
ساقی مدهوش و شمعلر خاموش نه چالان وار نه بانگ نوشانوش
بوش قالوب مسند علاحضرت لا خَدَم لا حَشَم وَ لا حضرت
خوش او شخصه که آتدی دنیانی آلدی عقبانی ساتدی دنیانی
تلخ و شیریندی خاطرات بشر یازیلور خاطراته خیریله شر
سعی ائله خیریوه ضرر وورما دفتر سیّئاتی دولدورما
باغلاسان حیّ ذوالجلاله امید اولماسان روسیاه و نامه سفید
سنی خلق ائتمیوب خدا عبثه عمری صرف ایلمه هوا هوسه
عمریدن ایله بهره‌برداری بولمه صوم و صلاتی بیگاری
هر نفسده که بیر گَدیک آشیسان بیر قدم قبریوه یاخینلاشیسان
عملون اولسا قبر رضواندی مرقدون باصفا گلستاندی
یوزون اولسا قرا، الون خالی قبراولار دوزخین سیه‌چالی
وار قاباقدا خطرلی گردنه‌لر داراشا قویما رحمته گنه‌لر
مست و مدهوشیدیم تماشایه بو نشیب و فراز دنیایه
فکر ائدردیم هانی او بند و بساط او جلال و شکوه و عیش و نشاط
حالیمی پوزدی بیر ناخر سوریسی دولدولار کاخه لات لوتون سِریسی
قور قودوقدان سوری تاپوب تشکیل ائتدیلر کاخی طویلیه تبدیل
های باسان قشقران چالان اوخویان نه قانور کاخی کوخده قوخویان
فلکین چشمه‌سی آخور بولانیر کیم گزن قصری کیم گلوب دولانیر
ناهارا باغ قصریده قالدوخ آداما بیر دیزی یرین سالدوخ
نجفی سرعتیله قویدی گازا پارک ائدوب پارکدا دوشاخ نمازا
انتظامات پاک پارک ارم بیزه، لطفی، ائدوبدی لطف و کرم

اذن دادند دستماز کنیم بر مصلاّیشان نماز کنیم
بس تشکّر ز حُسن خدمتشان با خدا باد اجر زحمتشان
ایکی گون «اقدمه» قوناق گئتدوخ او جنابین وصالینه یتدوخ
جمع اولوب دوستان روحانی تاپدی تشکیل بزم عرفانی
واردی شمراندا بیر زیارتگاه آدی صالحدی مسلمینه پناه
بیر مهندس «غلاموند» ادیب ایکی اوغلانلاری ادیب و نجیب
خیردا همشیره هم بیزیم خاتون آدی خاتون نه بلکه افلاطون
گئتدوخ اوردا نماز ادا ائلدوخ دوسلاری آد با آد دعا ائلدوخ
واریدی اوردا بیر چنار کهن قوجالیقدان ائدردی شرح محن
گرچه چوخ سنّ ائدوب اوجالمیشیدی غصّه‌لیدی یازیق قوجالمیشیدی
یاشاماقدان ایچی اویولمیشیدی دریسی اپریوب سویولمیشیدی
غمه ئیللر بویی بویانمیشیدی صدماته دُؤزوب دایانمیشیدی
دوره‌سیندن فرار ائدوب قوشلار حالینه آغلاشاردی بایقوشلار
بیر تناور درختیمیش افسوس اولوب عیش و نشاطدن مأیوس
قوروموش بیر اودون نئچه خروار حیرتیله باخور گلن زوّار
اولوب آهن کشی اوتوز یردن یل‌ده سیل‌ده یخیلماسین بیردن
صانکه بیر پیردور الینده عصا ئولماقا منتظردی صبح و مسا
دئدیم علّت ندور بو طول زمان بو کهنساله وئرمیوبدی تکان
بیر کوتوکدی نه برگی وار نه خولی سدّ معبر ائدوب کسوبدی یولی
دئدیلر بو چناری صانما ذلیل بو امامزادیه دوشوبدی دخیل
کیم دخیل اولسا آل طاهایه چاتار عالمده فیض عظمایه
جای فخر و کمالدور بو قاپی منظر ذوالجلالدور بو قاپی

بوردا هر کس قوجالسا عزّتی وار اونی طرد ایلمزله حرمتی وار
ائتسه هر کیم بو آستاندا نشست حشره‌تک ایلمزله بازنشست

در رحمتدی اولیا قاپوسی
امنیدی آل مصطفا قاپوسی

ایستوسن قرب وحدته چاتاسان چوخ مناسبدی اصفیا قاپوسی
دردمنده مریضه ایله خبر گئدوب آختارماسین دوا قاپوسی
گل بو درباره پاک نیّتیلن بورادی دردیوه شفا قاپوسی
سنه بیگانه‌دن چراغ یانماز اولماسین بسته آشنا قاپوسی
بو امامزاده‌لردی شیعه‌لره جمله حاجتلره روا قاپوسی
صوفیان صفا صفاته دیون آچیلوب یوزلره صفا قاپوسی
بارالٰها توجّه ایله گوراخ آچیلوب شاه کربلا قاپوسی
نئچه هیئتده ایلدوخ شرکت منه هیئتدی باصفا قاپوسی
نیّتیم پاک جمله نیتّدن منی یارب آیورما هیئتدن
تعزیه مجلسی صفا یریدی منبع عشقیدی وفا یریدی
با ادب گل بو بزم عرفانه بوردا زهرادی صاحب خانه
قوی کناره هامی غرض مرضی جوهر آختار گوزوندن آت عرضی
غملیم مجلس غم آختارارام گزرم قاره پرچم آختارارام
هر محرّم منیم بهاریمدی یا حسین یا حسین شعاریمدی
آغلارام اگنیمه قرا گییرم تا دیلیم واردی یا حسین دییرم
نئچه گون قالدوخ اوردا شام و سحر منی تک قویمادی مصاحبلر
«حاجی انزابله» غلامی‌وند بیزی هر گونه ائتدیلر خرسند
گون یتوب سیزدهم رجبه شب میلاد سیّد عربه

شب شعر ولادت مولا اولوب اسلامشهریده برپا
شب جمعه شب علی شب شعر هر طرفدن آچیلدی مطلب شعر
شکرزاده ریاست ارشاد شخص فعّالیدی ائوی آباد
مُجری منصوریان خوش سیما یاخشی برنامه ایلدی اجرا
شعرا هر کس ئوز دَنین دارتدی تا که نوبت کریمیه چاتدی
گینه شعریله مجلسی قاتدیم گولدوروب گاهی، گاهی آغلاتدیم
شب شعر علی تمام اولدی بزم دلخواه خاصّ و عام اولدی
مدح مولا ولی تمام اولماز حشر اولونجا یازیلسا قورتولماز

سنه عاشق خدادی یا مولا
سنه جانیم فدادی یامولا

سنی وصف ایلین خدا ئوزیدی مدرکیم هل اتیٰ‌دی یامولا
یوخدی بیر کس چاتان شجاعتوه سندیم لافتیٰ‌دی یامولا
دینه حُبّ علی کفایت ائدر شاهدیم قُل کَفادی یامولا
هر کیم انکار ائده ولایتیوی غافل از انّمادی یامولا
ایلین آرزو مقاماتون سربه‌سر انبیادی یامولا
آپاران آستانه‌وه غبطه عرشیدی نُه سمادی یامولا
اولمیان معتقد امامتیوه عابد اولسا هوادی یامولا
سنه نهج‌البلاغه‌دور آثار منهج اصفیادی یامولا
سنی عصرونده ائتدیلر مظلوم دشمنون بیحیادی یامولا
دوگدولر ئوز ائوونده همسریوی بو نه جور و جفادی یامولا
یوز قویوبدی کریمی درگهیوه کرم ایله گدادی یامولا

سحر آخشام یوزین دوتار نجفه
حسرتی کربلادی یامولا

غزل ترکی

آنلادیم بانلاماقوندان چینه‌دانونده نه وار
آچ گوروم آی باشی لولی چمدانونده نه‌وار



عمر سرمایه‌سین آخر نیه قویدون ضرره
بو فعالیّته گور ایمدی دکانونده نه‌وار
گئجه‌نی گوندوزی یاتدون باشا وئردون یوخودا
بولمدون بینوا شعبان رمضانونده نه‌وار
اوندا که نامهٔ اعمالی وئره‌للر الیوه
باخوب اوندا گوره‌سن نطق و بیانونده نه‌وار
سن که بیر غنچه بهاروندن اوغول درمه‌میسن
ایمدی گلشن پوزولوب فصل خزانونده نه‌وار
خیر اولا ایمدی باباطاهری گوردوم یوخودا
سویلدیم ای گُل مولا همدانونده نه‌وار
دئدی گوی گویدی سؤز اولدوز دادی‌باخ اولدوزووا
اولدوزون دیکدی کئفون کوکدی گمانونده نه‌وار
آدامین شانسی یاتینجا ئوزی بیر دفعه یاتا
دورسا شانسون سوروشان کیمدی فلانونده نه‌وار
ای کریمی هانی درد اهلی بوله درد دلون
ائشیدوب درک ائلیه شور و فغانونده نه‌وار

شیراز خاطره‌سی

گینه عیشیله سالوب زلزله ارکان غمه
گئتدوخ «انزابله» شیرازیده باغ اِرمه
حبّذا لطف نسیم چمن‌آرای بهشت
سو سپور ابر بهاران کیمی نار اَلَمه
خلق ایران کیمی باش باشه چاتوب سرو و چنار
باش چکوبلر گویه بنزر داغین اُستونده چمه
گل آچوب غنچه گولور بلبل اولوب نغمه‌سرا
نغماتینده بصیرتله قولاق وئر حِکمه
دیور ای گل نه گولورسن بو نه غفلتدی مگر
باخمیسان یوخسا ایاقونده‌کی خار ستمه
نه بو گلشنده صفا وار نه بو آز عمره وفا
عمر بنزر سحرین وقتی گُل اُستونده نمه
هانی اسکندر و دارا هانی کسرای عجم
قوجا دنیا گوروسن نیلدی جمشید جمه
هانی محمود و ایاز و هانی شاهان کیان
هانی حکّام عدالت اُمرای ظَلَمه
یاز سفر خاطره‌سین حاشیه‌ده گزمه قلم
سؤزی قاتماق سؤزه چوخ عیبیدی اهل قلمه
شهر شیرازین عجب واردی بهارینده صفا
هر نسیمی دم عیسادی عظام رِممه

هاردا بیر دختر قشقائی گوروب حاجی، دئدی
آل بولاردان بیرین ای شاعر والا خدمه
دئدیم اوغلان بولارین شلته تومانین قیزیلین
من هایاندان گتوروم مفته پول ایستور کورَمه
گور بو مهپاره نئچه دامنی اُست اُسته سالوب
یدّی احراملە مُحرِم حَرَم محترمه
دای قوجالدیم دوتا دنیانی گوزللر منه‌نه
منه بیر دور گئچینون دا.... یا گرده مه‌مه
سنّی که اللینی گئچدی سو داياندی دوداقا
باغلا بارِ سفر آخری، لا کَیفَ لِمه
منه گوز داغی وئرور کُ.... ایچینده م....
هانی انساندا هوس دیشلیه یا اینکه اَمه
سعدینون قبرینه بیر فاتحه احسان ائلدوخ
رحمت حقّ او مرد ادب و گرم دَمه
اوردا بیر بستنی صرف اولدی بدنلر دوزه‌لوب
که حلاوت یتیروب کامه برودت شکمه
باغ حافظده نئچه عکس گوتوردی «انزاب»
دولانوب شوقیله گئتدوخ صورا باغ اِرمه
علیانپور، باخوب اورداکی اوضاعه دئدی
انقلاب هئچ اثر ائتموبدی بو قوم ظُلَمه
هر آغاجین دیبی بیر حجلهٔ داماد و عروس
قاریشوب همهمه‌لر زمزمه‌لر چمّ و خمه

بو یاخینلیقدا بو ملّت چتین اصلاح اولونا
چوخ چتیندور هلو پیوندینی سالماق کَلَمه
نئچه ایللردی فواحش تاپوب ایراندا رواج
گله بیردن بیره اصلاح اولا باور ایلمه
گر مربّی اولا پیغمبر اوزی باور ائله
تربیت عایشه‌نی ایلمز اُمّ‌السّلمه
نه مبلّغ نه محدّث و نه آیات عظام
قوردی آهو ائلینجه چکر ایش پیچ و خمه
اوغری، شربی، بچه‌باز، رشوه آلان عشوه ساتان
گله بیردن بیره اصلاح اولا مشگلدی همه
یغیشوب اللی نفر بیر گروه ایجاد ائلیوب
چکوری ملّتی بعضی سولویا بعضی دِمه
آتوب اللّهی دوتوبدور لنینن سنّتینی
بو اولاغزاده نه تئز دوندی صمددن صنمه
هی گروهکدی دوغور دسته‌دی بیربیر دیکه‌لیر
حیف بو رهبره بو مملکته بو نِعَمه
خفقاندان قوتولان ملّتین احوالنه باخ
هره بیر یاندان آتور پیکر اسلامه، قَمه
گرک آلت اوست ائلیوب ملّتی کامل اَله‌ماق
نئجه کیم کتلی چالار بوغدانی غربیله، کمه
قالدی خلقین‌کی فقط حضرت قائم گلنه
منتظردور هامی مهدی کیمی قاطع حکمه

الغرض لطفینی، انزاب، کماله یتیروب
منی هر سمتی دولاندیردی دئدی غصّه یمه
منبع فیض و عطادور حرم شاهچراغ
مرقد سیّد علادین مقام عظمه
حوزهٔ علمی‌خان، مسجد و بازار وکیل
آرتیروب شأن و شرافت اثرات قِدمه
بیر سرا واردی، مُشیر آدلی عجب گورمه‌لیدی
بنزیری باغ بهشت ایچره قصور خِیمه
چای و فالوده و قلیان و گل و بلبل و حور
رَبِّنا وَارزُق عَلٰی کُلَّ سَلیمٌ سَلَمه
تخت جمشیدیده بیر فارسی غزل اولدی شروع
صادقی قلیانی چاق ائتدی قویوب چایی دمه
بیر گوزل خاطره اولدی بیزه بو سیر سفر
آشنا ایلدی انواع رسوم و شَیَمه
ای کریمی سنه شایسته دگول طول سفر
ایمدی اوغلان دیور آرواده نه گلدی دده‌مه

سنگ مزار

اَلا ای آنکه بعد از من بمانی ز خاکم گر گذر کردی زمانی
روا باشد ز روی مهربانی به روحم سورهٔ حمدی بخوانی
که ما هم روزگاری زنده بودیم چه خوابی بود شیرین زندگانی
به دل صد آرزو می‌پروراندیم
به حسرت رد شدیم از دار فانی

خوی خاطره‌سی

بهار اولجاق که باغلار باغچالار داغلار بهار ایلر
خویون دلکش هواسی رفع رنج و انکسار ایلر



یاشیل دامن گییر داغلار بولود آغلار گولر باغلار
چیچک‌لر باشینه گیسگین‌لر آغ شاهی نثار ایلر
آتین هی قامچیلار گورگور بابا داغدان چکر نعره
شاخار اود قمچیسیندن نعره‌سیتدن جان شکار ایلر
آخار سئللر سولار چایلار بولاغلار آینادان آیدین
نسیم روح‌پرور شاعری مست و خمار ایلر
مارال‌لار اتّحاد ائتمیش اوجا شمسین منارینده[1]
چالور شاخ شاخا بیرلیک شعارین آشکار ایلر
(مُطَلّب خان حصاری) درس عبرت سویلر انسانه
قوجا باشقا معلّمدور گوزل درس انتشار ایلر
گورنده یاده حاجی شیخ خلیل واعظی دوشدی
که گویا ایمدی‌ده منبرده وعظ آبدار ایلر
دیور بو عالم عبرت‌خانه‌دور تُولانما دنیایه
چوخ عزّت صاحبین دنیا خط سیرینده خوار ایلر
غرض وار خوی‌دا اهل فضل و شاعر دوست انسانلار
نجیب اشخاص‌لر حُبّ الوطن لفظین شعار ایلر

۱- منار شمس فقط با شاخ آهوان بلند شده متأسفانه رو به خرابی است

فقیه و عالم واعظ حاجی شیخ جابر فاضل
که شهر خوی وجودیندن اونون کسب وقار ایلر
مقدّس نیک سیرت پاک فطرت صاحب حکمت
حضور باهرالنّوری گوگلدن غم کنار ایلر
سمّی صادق آل محمّد یعنی مِرقاتی
چیخاندا منبره دُرج دهانی دُر نثار ایلر
جناب موسوی فخر اعاظم سیّد کاظم
که نامحرم‌لری محرم ائدر اغیاری یار ایلر
حاجی سیّد علی‌اکبر حسینون خادمی، ذاکر
حسین نوکرلرین خوش لهجه‌سیله اشکبار ایلر
جناب حاجی شیخ جعفر وحیدی مرد خوش سیما
مبلّغ، صاحب محضردی، همده کسب و کار ایلر
او سیّد حیدر والانسب، عالی‌نژاد الحق
ئوزین دائم قدوم میهمانه خاکسار ایلر
ئوزی هم اهلبیتی ائتدیلر چوخ چوخ بیزه حرمت
عوض بو خدمته ائتسه فقط پروردگار ایلر
متانت مکتبینده «نوحه‌گر» شاگرد اوّلدی
ولیکن «اُخروی» خط یازماقیندا ابتکار ایلر
ادب ملکینده سلطان «حاج حسین شهرت ولی‌زاده»
گوزل اشعاری شیرین پندی قندی شرمسار ایلر
اوزاقدان«نصرتی»چوخ مهربان خون گرمدور سؤز یوخ
ولی آهوی وحشی تک یاخنلاشسان فرار ایلر
نجابتده ادبده تکدی «قربانزاده‌لر» تک‌تک
علی التّخصیص علی آقا هنرده شاهکار ایلر

دلیل شاهراه ذوقیدور «حاجی حسین شهراه»
که اهل ذوقله صبحین مسا، لیلین نهار ایلر
«صدیقی» صاحب شعر و قلمدور قولده صادق
لطیف اشعاری گلزار صفانی آبیار ایلر
«حاجی پیروزیان» «حاجی حسن» هم «حاجی قنبرلو»
«اسدپوریله» «تبریزی» صفا ملکین حصار ایلر
آقای «رهنمود» هم «میربابائی» «ابراهیم‌زاده»
وفاده «رستمی» هم «ناصحی» قلبی مهار ایلر
«آقاسی» شاعر پیر توانا مرد دانشمند
رعایت هر جهتدن احترامین شهریار ایلر
او «حاجی‌پوردن[1]» «انزابه» امّا کوره‌کن چیخماز
عمود آلسا اله گوردوم جهانی تارومار ایلر
اساس‌البیت‌دن روشندی صاحبخانه‌نین حالی
او بورنون صاحبی حوّالری بی‌بندوبار ایلر
ماشاءاللّه رخش رستم تک نریلدیر بو قوجا اصلان
آنان گورسه بو اوضاعی یقین بول انتحار ایلر
چالینسا صور ئولی چیخسا کفندن قبره یرلشمز
آناسیزلیق غمی «انزابی» دائم سوگوار ایلر
باخان حدثاً وورار حدّین اگوب حاجی پورون قدّین
ییخار اسکندرین سدّین چو عزم کارزار ایلر
غرض بو ارتباطین باعثی «انزاب‌پور» اولدی
اونون خوی نامه‌سیندن خوی جهانه افتخار ایلر

۱-حاجی پور از والدهٔ انزاب خواستگاری کرده بود

منه قارداشدان آرتوخدی که حقّی چوخدی بوینومدا
بلی انسان اولان حقّی ایتورمز آشکار ایلر
غرض طول اولماسین نامه که ارزشدن دوشر خامه
کمال اهلی کلامینده رعایت اختصار ایلر
خلاصه چکمیون شاه شهیدین دامنیندن ال
حسین ئوز نوکرین دنیا و عقبا رستگار ایلر
کریمی مدح یازماقدان غنی‌دور طبعی دنیاده
بو شعریله فقط طرح مودّت برقرار ایلر

جوابیّه از آقای انزاب

کریمی هاردا اشعارون اوخونسا انقلاب ایلر
شیرین گفتاریوه احساس خجلت شهد ناب ایلر



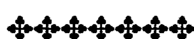
بو شیوالقدا سؤز هر کس یازانماز مرحبا احسن
کلامون انگبینه طعن، گلقنده جواب ایلر
خویون اوصافینی بیر گورماقیلا چکمیسن نظمه
بو اقدامی بیزیم همشهری‌لر لطف احتساب ایلر
تشکّر ائتماقا سندن میسّر اولماسا تک‌تک
خوی اهلی بنده‌نی بو باره‌ده نایب مناب ایلر
سنیله سس سسه وئرّم خویی آلقشلاماخلقدا
عجبدور بلبلون تقلیدینی بعضاً غراب ایلر
بیری سن‌تک اولار دارای فهم و درک و حلم و علم
بیری من تک الیندن گلمین فعله شتاب ایلر

بیری من تک اولار جاهل آچار هر بیر سؤزون اُستون
بیری سن تک اولار عاقل دانشماز احتجاب ایلر
سنون تعلیم اندرزون حقیره رهنمون اولمیش
صلاح و خیر و حُسنه سوق ائدرکن کامیاب ایلر
خویون رکن و وقاری حجت‌الاسلام شیخ جابر
او فاضل که فضیلتده ابوالعلمی مُجاب ایلر
جناب حاجی میرجعفر اولان مشهور «مرقاتی»
مبارک محضرینده خلق حکمت اکتساب ایلر
رفیقیم حاجی شیخ جعفر وحیدی مرد با ایمان
محبت کانیدور اوندان اطاعت شیخ و شاب ایلر
منیم روحیمدی حاجی میر علی اکبر که صحبتدن
فضای بزمی عطرآگین مانند گلاب ایلر
اونیلا، شاهراهین، اورتاسیندا بیر حسابلار وار
اودور علّت که او بوندان بو اوندان اجتناب ایلر
تصوّر ایلورم که سیّدین وار قاتیقیندا قیل
گورنده شاهراهی سؤز دینمز اضطراب ایلر
او میر کاظم که حفظ حرمتی اولموش بیزه لازم
سؤزی آغزیندا قند و حلویات آسا مذاب ایلر
اورکدن مخلص میر حیدر عالی نژادم من
او عالی منصبه انزاب فخر انتساب ایلر
منیم چوخ زحمتیم الحق اونون بوینوندادور دائم
همیشه بندیه لطف و محبت بی حساب ایلر
کمال و معرفتده آزدی قربانزاده‌نین مثلی
متاع وقتی صرف شاعر و شعر و کتاب ایلر

ادب بزمینده بیر شمع منوّردور ولی‌زاده
اودور محفل‌لری شیرین سؤزیله فتح باب ایلر
«آغاسی» مخلصه آموزگار و همده اوستاددی
اونی گورجک گوگل حسرتلنوب یاد شباب ایلر
گله هر بزمه گرم و روشن ایلر شعریلن بزمی
او نوعی که جهانی گرم و روشن آفتاب ایلر
عزیزیم «نوحه‌گر» هر چند مندن اینجیوب قلبی
اونی گوگلوم رفیقلر ایچره اوّل انتخاب ایلر
حاج احمد حاجی حیدر حاج حسن آزاده انسانلار
محبت بارشین مهمانه مانند سحاب ایلر
ساغ اولسون «پروینی» با ذوق کم مانند عکّاس‌دی
هایاندا گورمه‌لی عکس اولسا دکّانینده قاب ایلر
منیم باذوق دوستوم «ناصحی» شاعر ادب پرور
دایانماز صحبته هر لحظه یاد رختخواب ایلر
حاج ابراهیم ابراهیم‌زاده رهنمونیلن
او فیلم ایلر تهیّه لیک بونلار اَت کباب ایلر
اسدپور و رجب سیوانلی حاجی‌پور و تبریزی
صدیقی نصرتی الطافی تا حدّ نصاب ایلر
رهین لطفی‌یم هم اُخروی هم رستمی‌نین من
منی شرمنده دائم اول ایکی عالی جناب ایلر
مهندس یا حسین قارداش که قربانزاده اولسونلار
نه امری اولسا «انزابه» مسلّم استجاب ایلر
سیزون الطافوزه یردن گویه تعظیم ائدر «انزاب»
سعادت آرزوسین سیزلره با آب و تاب ایلر

اُسکو خاطره‌سی

ایوای دده وای اسکوده محفل خفه‌لندی
آخر قفس سینه‌ده‌کی دل خفه‌لندی



بیر ایستی اوطاقدا سحر آخشامه یتیشدی
توستی اوطاقی چولقادی منزل خفه‌لندی
فوراً یتیرون اوحدیه انجمن ئولدی
فریاده یتیش ای دل غافل خفه‌لندی
آخشامه کیمی پرده سالیق پنجره باغلی
هر ساعتی گئچدی بیزه بیر ایل خفه‌لندی
عاصی، اوقدر شعر اوخودی دوشدی نفسدن
قالدی اوقدر توستوده، بلبل، خفه‌لندی
بنزردی یازیق طاهری بیر کهنه خیاره
ازبسکه قالوب پستودا، حاصل خفه‌لندی
تر سئل کیمی شلواردان آخور ایش یاش اولوبدی
القصّه اعالی و اسافل خفه‌لندی
عبّاسی، دنین بیر ایله تک داتماسا بسدی
شعرین اوخودی قالمادی نیسگیل خفه‌لندی
پیمان، گمیسی غرقه گئدن تاجره بنزر
هی آختاریری چیخماقا ساحل خفه‌لندی

آیدین‌دا داخی قالمادی آیدینلیقا امّید
ایوای ننه بو شاعر فاضل خفه‌لندی
تاقدا یتیشن قارپوزا بنزر حاجی مهدی
بوستانچی سالوب کلّه‌سینه بئل خفه‌لندی
از بس آچیلوبدی بوکولوبدی پاشازاده
طلاّب الینه اولدی عوامل خفه‌لندی
قوسدی همداندا یدیگین اوردا کریمی
اولدی چکیلن کئف‌لری باطل خفه‌لندی
یایدا نئجه بعضی م....لیرلر م....داندا
قلبیم سیخیلوبدور او سیاق بیل خفه‌لندی
اُسکو دیره‌گین ائتدیله احباب زیارت
اولدی هره ئوز فیضینه نایل خفه‌لندی
شاعر گرک آزاد اولا آزاد هوادن
الهام آلا، قویدون اونی عاطل. خفه‌لندی
گر شاعری محدود ائلدون بینوا دیقلار
یعنی سوله‌مز باش تکیلن دل خفه‌لندی
سعی ایلیون ئیللر دانیشان دیللر آچیلسون
بیر دیل خفه‌لنسه ائله بول ئل خفه‌لندی
القصّه بو محفل دولانوب زورخانا اولدی
کبّاده و هارتل میل و دَمبل خفه‌لندی
آخشام سرینی یحیی خانین باغنه گتدوخ
ائتدی هامی غم غصّه‌نی زایل خفه‌لندی

چاق ائتدیله قلیانی گلوب چایله میوه
دیللرده اولان عارضه کامل خفه‌لندی
گلدوخ فلکی‌گیلده شاما سفره سالیندی
بنزین چوخ اولوب آچمادی هندل خفه‌لندی
بیر تجربه گلدی اله بو خاطره‌لردن
منقول آشیروب منقلی ناقل خفه‌لندی
آخر بو زوغال‌لاره توان وئرمدی عاصی
هللندی ییخیلدی دئدی هل هل خفه‌لندی
صبحین سرینی چیخماسا گلزاره کریمی
طبعین اوجاقین پفلمسه یل خفه‌لندی

شیشیه دایانما

به شیشه تکیه مکن تکیه کن به قدرت خویش
رضا مباش به رنج من و خسارت خویش



آماندی شیشیه دایانما قارداش
نه ایسته‌سن وئراخ یوبانما قارداش
سیناندا شیشه چوخ اوتانما قارداش
دئسم پول ایستمز اینانما قارداش
بو تختخواب دگول اوزانما قارداش

بیر غزل «انزاب»دان

دنیاده منه هر آجیلیق گلدی دایاندیم
بو دهردن ائتدیم نه شکایت نه اوساندیم



ووردی اوره‌گیم باشنه مین اوخ فلک امّا
بیر اوخ دئمدیم هر اوخی بیر تجربه ساندیم
ایستکلی‌لریم بار سفر باغلادی گئتدی
گل ای اجل ائتمه داخی تأخیر یوباندیم
ووردون منه از بس او کمان قاشدان اوخ،اوخ‌اوخ
باشدان ایاقا لاله تک آلقانه بویاندیم
یاین لبی بیر بوسه که اوّلده دادیزدی
من گورمه‌میش عاشق کیمی اول لعله داداندیم
منشور محبّت‌ده وفا لفظی یوخویموش
بو نکته‌نی چوخلاردان ائشیتمیشدیم ایناندیم
نا اهله اگر عمریوی صرف ائتسن عبث‌دور
بو مطلبی سرمایهٔ عمریله قازاندیم
عشّاق قمارینده اگر چه جان اوتوزدوم
اوتدوم بونی که قانمادیقیم ایشلری قاندیم
پروانه اگر شمعده بیر مرتبه یاندی
بیر عمر من «انزاب» وفا شمعینه یاندیم

انزابا جواب

اگلشمیشیدیم حجره‌ده وقت سحر انزاب
نامه‌ن یتیشوب ایلدی رفع کدر انزاب



حسرت باخیشیم دوشدی همان خطّ شریفه
آرتیردی او نامه منه نور بصر انزاب
بیربیر او گئچن خاطره‌لر دوردی گوزومده
فکریم گئچن عالملره ائتدی گذر انزاب
اشگون کیمی سالدون منی بیردن بیره گوزدن
دوشمز ائله گوزدن ساراالان گلبسر انزاب
نولدی او گوزل عاطفه و لطف و محبّت
هانسی گوزی چیخمیش بیزه ووردی نظر انزاب
دنیاده دئدون هر آجیلیق گلدی دایاندیم
دنیادی گوراخ کیملره وئردی شکر انزاب
بیزدن یکه‌لر گورمدی دنیاده شیرینلیق
جمشید جمی ییخدی قضا و قدر انزاب
مردانه دایان تیر حوادث قاباقیندا
هر اوخ که گلور سینه‌وی ایله سپر انزاب
یاریله نوازش گوزل اغیاریله سازش
کاموندە گرک قند اولا پند پدر انزاب
اون گون ایره‌لی دعوت اولوندوخ شب شعره
من، کاظمی، آیدین، خویا ائتدوخ سفر انزاب

دوسلار ییغیشوب باشمیزه خویدا یرون بوش
عالی‌نژاد ائتدی بیزی چوخ مفتخر انزاب
هم واعظی، ذاکر، علی آقا، حاجی احمد
هم مجلسی نورانی ائدوب شیخ جفر انزاب
شیخ عبّاس آزرمی مدیریّت ارشاد
پروانه صفت دوریمیزه ووردی پر انزاب
شیخ نصرتینون حلواسی مین بوسیه دگدی
دادلی یِمه‌لی عطریلی چون نُقل تر انزاب
القصّه هامی دوستودا آتسان منی آتما
باور ائله مندن سنه گلمز ضرر انزاب
مندن بو سلامی یتیرون اهل و عیاله
اللّه ئوزی ائتسون اولاری بختور انزاب
عفو ایله اگر وقتوی چوخ دوتدی کریمی
چوخ سؤز وار اورکده ائدیرم مختصر انزاب

«انزابدان بیر غزل»
کوسَن سوگلی بیر گون باریشار

باخیشینلا گوزه‌لیم گوگلوم اَلوتک آلیشار
اوره‌گیم چیرپینار آرتار هوسیم عقل جوشار



قان اولان گوگلومه گیرم که بلادور باخیشون
عیبی یوخ باخ که او شهلا گوزه باخماق یاراشار
اوره‌گیم داغنی گوز دامجیسی سوندورمیه‌جاق
اودا دوشدوخجا کبابین سویی آرتق آلیشار
جانیمین محنته یارب نقدر طاقتی وار
بو غمی یوکله‌سه‌لر گنبد دوّاره آشار
یوزون آچ بول سنه بیگانه باخانماز مارالیم
گون جمالون کیچیک آئینه‌ده سانما سیغیشار
گولوشوندن گُل آچیر هر باخیشون نور ساچیر
مهر رخساریوه ایستر باخا هر گوز قاماشار
احتیاط ایله ووراندا او قرا زلفه داراق
توکمه زلفون گون‌اوزه چون گئجه‌گوندوز قاریشار
جورون آرتدیقجا منیم صبر و قراریم چوخالیر
«دُؤزومی عاشقین آرتار اونا گلدیکجه فشار»
امّا گوگلوم گَتیمز تاب رقیبین سؤزونه
بللی‌دور گر سپیله دوز یارا اوسته آجیشار

خام خیالدور که سنون وصلوه گوز تیکسه رقیب
گونه حسرتدی یازیق شب‌پره ظلمتده یاشار
نازنین‌سن بولورم من دئمورم ناز ائلمه
لااقلّ عشقی تانی شیوهٔ عشاقّی باشار
دردیمی دیشمه کریمی منی قوی لال اوتوروم
دیل دوران یرده مسلّمدی عواطف دانیشار
یارا گر قهریله ترک ایلدی «انزاب» سنی
گوگلیوی سیخما کوسن سوگلی بیر گون باریشار



چلّه گلر قار اوستونه قار، قالار
چلّه چیخار داغ باشیندا قار قالار
دمیر قفس دنیادا بلبلوندی
قاناد چالوب آزاد گزر قار قالار



جواب غزل «انزاب»
رهنوردان محبت نه‌کوسر نه باریشار

گوزه‌لیم شیوهٔ دلبرلیقی سعی ایله باشار
رهنوردان محبّت نه کوسر نه باریشار



گونه هر گوز باخا فوراً قاماشار چاره‌سی یوخ
سن او گون سن یوزیوه گون‌گوزی باخسا قاماشار

بولمدیم دگدی الیم سینه‌ده بیر جوت م....وه
قشقیرورسان چک الون لیمونی سیخسان سولاشار

یمورم دیشلمورم آلما کیمی اوینادورام
آداما سوگلوسی شوخلوق ائدر یا ساتاشار

کوسمه مندن که اگر اولدی حضورونده قصور
اِنّ الاِنسانَ لَفی خُسر، ائدر سهو و چاشار

هر قصوره آتاسان یارلروندن بیرینی
داغیلار دوروبروندن هامی، آیا ایش آشار

شعلهٔ آهیم اوجالدیقجا گوزوم یاشی آخار
قازانین آلتینا شدّتلی آلو گئتسه داشار

عفو و اغماض ائله دوستوندا خطا گورسن اگر
بعضی بیهوده جوان تک مارالیم اولما حاشار

دانهٔ خالوه گوگلوم قوشی عاشقدی ولی
گله بیلمز یاخینا زلفون ایاقه دولاشار

آت غمی دوت دمی ئوز وارلقیوین قدرینی بول
اوقدر گئچمز اوغول کورکومیزه بیت داراشار

دمیر اول غم قباقیندا یوموشاق گورسه سنی
قانوی سورماقا زالو کیمی فوراً سوواشار
غم قالانسا غمین اوستن آدامین قدّین اگر
ماشینا ظرفیتیندن اوجا یوک وورسان آشار
غمه یوز وئرسن ایلان تک دولاشار خیدّگیوه
نئچه گون زودگذر غمره مگر غم یاراشار
سن که یاخشی تانیسان بو ایکی شِیلی فلکی
بیر سؤز اوسته اوتوماز گه بوشانار گاهی بوشار
سن شاد اولسان نقدر منده شاد اولاّم انزاب
بو کریمی بولوسن سنله ئولر سنله یاشار



عاشق دییر یولداشیوی باب ائله
گورن دئسون بارک‌اللّه ها بئله
واری یوخی بو عالمین یوخودی
وارینا شکر ایله یوخا تاب ائله



آذر دوستومدان بیر مکتوب

اوزاقدان اوزاقا گل ایله قبول آذرین سالامین کریمی قارداش
سندن آیری دوشوب اولموشام ملول بو غملی قارداشین بیر حالین آراش



سانما محبّت‌سیز وفاسیز منی قارداش قارداشینا وفاسیز اولماز
من اورک گوزیله گوروروم سنی محبّت چیچگون اورکدن سولماز



بیلیرسن باشیما نه گلوب منیم قفسدن قورتولوب زندانا دوشدوم
بیر آن آزالمادی دردیم محنتیم وصاله یتمه‌میش هجرانا دوشدوم



دویقولی انسانا زنداندیر حیات روحی دار قفسه اونون سیغیشماز
تا که وار بو بشر وار بو کاینات بیر آن یر اوزوندن فتنه یغیشماز



گل وئرک شاعریم ال اله بیزده آییلداق یوخودان یوخلیانلاری
گوزل ماراغادا شانلی تبریزده جوشدوراق شعریله سویوق قانلاری



ئلین آمالیدی شاعرین یولی بو یولدا سارسیلوب دایانماق اولماز
سینسادا شاعرین قانادی قولی امید چیچک‌لری گونلونده سولماز



ایناملی یازیچی وجدانلی شاعر دانماز حقیقتی یولوندان آزماز
وجدانی ائدرکن قولینه ناظر بیر کلمه باطل سؤز دانیشماز یازماز



آجی حقیقتین شیرین باری وار حاق دانیش قارداشیم گئتسه‌ده باشون
قوخما باش اُستونده بیوک تاری وار قویسادا تک سنی قوهوم قارداشون



یاز سنی ساخلاسین شاعریم تاري گلن نسیللره اینجه اثرلر
منیم قورومادی گوز یاشیم باری اونلاری دوتماسین غملر کدرلر



گله‌جک نسیللر چکسه‌لر اگر سورغویا سئوالا بیر زمان بیزی
اونلارا روحمیز نه جواب وئرر دئسه‌لر یازمادوز نچون حاق سؤزی



بمبالار هله‌ده آلولیر شاخیر دیسگنور یوخودا کورپه اوشاقلار
آذرین قلبنی یاندیریر یاخیر گورنده بوش قالوب ایستی قوجاقلار



اذن وئر،صون قویوم مکتوبا قارداش تاپشیریم مهربان تانریا قارداش
قوی سئله دونمه‌سین گوزومده قانیاش اونودما شاعریم یادا سال منی



جناس

قیش حاقلادی بوران آلدی قالانی
یوخسول‌لارا غم غم اوستن قالانی
قیشدان یایدان بیزه حاصل عملدی
اویون اویونچاقدی اوندان قالانی

هرزادین تزه‌سی دوستون کهنه‌سی

چیخمیوب یادیمدان آتالار سؤزی
هرزادین تزه‌سی دوستون کهنه‌سی
دوزلرین سؤزودی سؤزلرین دوزی
هر زادین تزه‌سی دوستون کهنه‌سی



کهنه دوست دوستونی یاددان چیخاتماز
دوزون چوره‌کین‌ده اوجوزا ساتماز
اتینی یسه‌ده سوموگین آتماز
هر زادین تزه‌سی دوستون کهنه‌سی



آیریلیق قسقانجی قلبی سیخاندا
اشکین سیلی صبریم سدّین ییخاندا
باخارام عکسیوه من داریخاندا
هرزادین تزه‌سی دوستون کهنه‌سی



خاطره‌لر گلر دورار نظرده
زندگانلیق گئچیر پرده به پرده
بازاردا حضرده ائوده سفرده
هرزادین تزه‌سی دوستون کهنه‌سی



آیلار دولاناجاق گونلر باتاجاق
یاتمیشلار دوراجاق دورمیش یاتاجاق
کهنه‌نی تازایا دوسلار ساتاجاق
هر زادین تزه‌سی دوستون کهنه‌سی



مکتوبون یتیشدی چاتدی پیامون
جانیما یاییلدی یاغ تک سلامون
ارکدن اوجادی منه مقامون
هر زادین تزه‌سی دوستون کهنه‌سی



نامه‌دن گوروش‌دن گونول شاد اولی
گئت گلیلن محبّت ایجاد اولی
گل گئت اولماز قوهوم قالار یاد اولی
هر زادین تزه‌سی دوستون کهنه‌سی



اوزوگم بارماقدان دوشوب ایتمیشم
ناغیلام یادلاردان چیخوب گئتمیشم
چوخ گئجه‌لر سنلن سحر ائتمیشم
هر زادین تزه‌سی دوستون کهنه‌سی



آذر قارداش منتظر اول فرجه
آرزولارام سنه حاقدان درجه
کریمی‌نی قوناق چاغیر کرجه
هر زادین تزه‌سی دوستون کهنه‌سی

گنه بیر جواب آذردن

مکتوبون یتیشدی گونول شاد اولدی
سووینديم شوقدن گوز ياشا دولدی
اورکدن اورکه بیر یاخین یولدی
چوخداندی گوزلورم دوستومین یولون
گل سالیم بوينووا محبّت قولون
دئمورم قارداشیم آتوبدور منی
اونودوب یادلارا قاتوبدور منی
اوجوز بیر قیمته ساتوبدور منی
یوخ، قارداش قارداشا وفاسیز اولماز
شاعر محبّت‌سیز صفاسیز اولماز
یادیمدان چیخمیوب گئچن زمانلار
او خوش خاطره‌لر شیرین دورانلار
واردیر ماراغادا گوزل انسانلار
باخما سالدی فلک یاردان اوزاقا
عمریم بويی چیخماز یاددان مراغا
روحیم اوردا اگر جسمیم بوردادیر
آتامیز ذاکرین قبری اوردادیر
عزّت نه زرده‌دیر نه‌ده زوردادیر
شهرت قلمده‌دور قدرت سؤزده‌دیر
دویقوسیز انسانین عاقلی گوزده‌دیر

ائلینین کسرلی دیلیدی شاعر
ادب باغچاسینین گولیدی شاعر
محبت سازینین تلیدی شاعر
شاعردور یارادان اینجه هنرلر
اهلینه خالقنا یاخشی اثرلر

یاز یازاق شاعریم مهربان ائلین
سوویجین کدرین دردین نیسگیلین
اونودماز مرد اوغول ئوز آنا دیلین
اوغول قویماز سونه آتا چراغی
اولسادا یاناقی قلبینین یاغی

قویما اوحدینون چراغی سونسون
حقیقت پارلاقی ظلمته چونسون
محالدور حاق اَمک باطله دونسون
مندن سلام یتیر عارف باباما
یتر مقبره‌سی بیر گون اتماما

شاعر، باریشماز، لا گوروش سن ئوزون
مندن سلام یتیر اوپگلن یوزون
اوخی سهندیمون سازینین سؤزون
گور نه‌لر بسلیوب او شانلی توپراق
اونلارلا آدلانوب مراغا آنجاق

اورکدن چیخماسا سؤز گلمز وئجه
سنه اورک سؤزون سویلیوم نئجه
قوناق گل آذره بیر نئچه گئجه
اونوداخ کدری نیسگیلی غمی
اولاخ بیر نئچه گون اورک همدمی

هریسی‌دن بیر نامه

جوشه گلمیش کریمی‌نین کرمی گینه نی تک سیزیلدادیب قلمی
نئجه نی، که سیزیلتیسی‌دور شادلیق گتیرور محو ائدیر گونولده غمی
نئجه نی که نواسینون اثری وجددن دالغالاندیراندی یَمی
نئجه نی، کاخرالزّمان فتنی نوح طوفانیدور، نواسی گمی
بیر نیی که یاتانلاری اویادیر هر زمان سسلننده جَهر و بَمی
نئجه‌نی کیم مقام معجزه‌ده مُردیه، جان وئرر مسیح دمی
بیر نیی که، ریا و تزویرین حوقّاسین سیندیراندی جام جمی
بیر نیی که، ایپک یرینه قبول ایلمز پشم پنبه‌نی، گوزه‌می
بیر نیی که، سوور همیشه، اسه دوغری قرآن الینده دین علمی
بیر نیی که، اونی چالاندا چوپان توپلاشار داغ داشا قاچان، غنمی
بیر نیی که، اونا عدوّالله اولا بولمز ولیسی یا صنمی
بیر نیی که، چهارده معصوم حُبّی‌دور نفخه‌سینده، لا، نعمی
بیر نیی که، او هر هوا چالماز یولی دوز یولدی یوخدی پیچ‌وخمی
بیر نیی که، حروف نغمه‌سینون شین، صفا صلح فتح و کسر و ضمی
بیر نیی که، مراغه اوستادی لطف ائدوبدور اونا بو کیف و کمی
متأسّفدی نی، نیستانه گئده‌رک گورمیوب او محتشمی
سویدی اولسون پیاده مرکبدن لیک مهمیز وئردی مُلتزمی
تله‌سن یولداشیلا یولداشلیق سُست ائدرمش ثبات هر قدمی
کعبهٔ مقصده هریسی چاتوب لیک ترک ائتدی گورمه‌میش حرمی
ترک واجب قضاسی، جلب ایلر حتماً عفو گناهه ذوالکرمی

نامه‌نین جوابی

ای اولان علم و فضل دریاسی قلمی عیشه دوندرن یاسی
ای وئرن روح تازه، مُرده دله دَم گرمی زمانه عیساسی
اوخودوم نامه‌وی آچیلدی اورک گوگلومین تاپدی صیقل آیناسی
نئجه نامه بسان سونباته آهن سینه‌دن سیلوب پاسی
نئجه نامه معطّر و شیرین پسته یا پرتغال مربّاسی
سنه نادیده اولموشام عاشق واردی باشیمده عشق سوداسی
بولمورم ملاّسان و یا امّی شغل تاجردی یا که عکّاسی
هر کس اولسان متین و لایق‌سن قلمیندن تانولاّ اشخاصی
شیشه الماسدن چتین سئچیلر کسریندن سئچیللر الماسی
دوشسه ذوق اهلنون بو شهره یولی اونون اوّل منم تمنّاسی
بیر منم بیر مراغه باسدیقیدی بیر عسلدور سهند حلواسی
بیرده صابوندی صاف ائدر بدنی بیرده باغاتنون تماشاسی
سن بشیندن بیرین گوریدون کاش عجله فیضیدن قویار ناسی
یازمیسان یولداشیم تلسدیردی عذریوین یوخ قبوله امضاسی
اولمارام من رفیق بی‌ذوقه که یتر روحه هردم ایذاسی
یولداشا یولداش اولماسا یولداش ارزشی یوخ اونون اوچ عبّاسی
نه ایشیم وار کنار دریاده چاغیرام داده خضر و الیاسی
شاعرین یولداشی اولار شاعر بد مصاحبدن ایله وسواسی

بو سخن بنده‌دن وصیّت اولا
تَلَسن یولداشیلا چیخما یولا

کرج خاطره‌سی

مراغه‌دن کرجه عازم اولدوخ آماده
گئداخ مُرادیه مهمان، محمد آباده
بو دفعه‌ده منه داود اولوب رفیق سفر
گوزلدی دست پدردن دوتا سفرده پسر
گوزل کوپه یریمیز فوق‌العاده راحتیدی
اوچومجی یولداشیم آقای حاجی قدرتیدی
ائشیتدی آدیمی لطف ایلدی رئیس قطار
خصوصی بیر کوپه وئردی او مرد خوش رفتار
خدا ویجه گلن اشخاصه لطف ائده درجه
قطار ساعت بشده بیزی سالوب کرجه
صمد مرادینی تاپدوخ عجب وفالیمیش
ئوزیده سؤزلری تک ساده و صفالیمیش
چکوب ایشیندن الین هی بیزی دولاندیردی
او قدری زحمته دوشدی بیزی اوتاندیردی
گئدوب رفیق‌لریندن بیری ماشین گتدی
نئجه ماشین بیزی چون گاهواره تَرپَتدی
الینی تا مشه نرمان یتوردی فرمانه
گتوردی شیر ژیان تک ژیانی جولانه
ژیان گونونی قوتارمیش کئفینی سورموشدی
آتاندا دسگیری‌یه ال قاپی چیخوب دوشدی

قوجا آدام کیمی ال ورمامیش زریلدیردی
سنق کجاوه کیمی هریانی جریلدیردی
چراغی تورموزی گیربُکس، دنده سیقنالی یوخ
قوجالمیش آت یهری کهنه نوختاسی نالی یوخ
مسافرین بیری هشتاد کیلو ماشین خسته
دُوزنمدی مشه نرمان اکیلدی آهسته
«بی‌بی سکینه‌یه» گئتدوخ دعا وئراخ قیداخ
امام‌زاده‌دی قبرین گوراخ زیارت ائداخ
نه گوردوک اوردا مجاورله بیر نفر ملاّ
قویوبلا باش باشا واقّلتیدی قوپوب دعوا
دیور مجاوره ملاّ بو نه جهالتدی
بو یر مکان مقدّسدی جای طاعتدی
بکار اوتورما عمو رازیله نیاز ایله
گونووی وئر باشا ذکر و دعا نمازیله
دیور مجاور آخود بیر بولوک عیالیم وار
مگر عبادته ایشدن منیم مجالیم وار
آخوند گوردی مجاورده جهل وار علنی
نمازه باشلادی ناقص قویوب مجادله‌نی
اراده اولدی گئداخ کاخ شمس پهلویه
باخاق جلال و شکوه و اساس خسرویه
نه کاخ باغ بهشته نمونه دنیاده
درخت کاج و صنوبردی سرو آزاده
اَسَر محوّطه‌سینده نسیم باغ بهشت
گورن او منظره‌نی ایلمز سراغ بهشت

قلنفریله بنفشه قویوب دوداق دوداقا
چنار بیدیله خرّم سالوب بوداق بوداقا
مشامه عطر گل یاسمن گلور هر آن
وئرووبله سس سسه بس عندلیب خوش الحان
او کاخی من نئجه وصف ایلیوم نه‌لر واریدی
بصیرت اهلینه بیر لذّت دگر واریدی
نه کاخ اونون پولی بیر شهری آباد ایلردی
نقدری دامسیزی مستضعفی شاد ایلردی
نه کاخ نفتیمیزین عایدیله زیبنده
اونیلا چوخ شوسا چکماخ اولاردی چوخ کنده
او پولاّریلا نه کارخانه‌لر گلردی اله
بو گون ال آچمازیدوخ پیس دیلنچی تک دُوَله
چه قصرهای مجلّل چه غرفه‌های ظریف
چه فرشهای منقش چه پرده‌های لطیف
نه شمس پهلوی‌دن وار خبر نه سلطاندان
نه میزبان که پذیرا اولیدی مهماندان
نه ساقی و نه صراحی نه بانگ نوشانوش
نه مطرب و نه نوازنده شمعلر خاموش
او قصر که ملکه، شاه اولوردی مهمانی
اولوب مثلده، حسن سوختونین، دگرمانی
بیری پچاقله تالاریده درود یازوب
بیری او نقشه‌لی دیواره یادبود یازوب
او کاخده عمله باغبان سُپور چوخودی
واریدی بیر کیشی چوخ اهل حالیدی شوخودی

دیوردی ییرمی بش ایلدی بو یرده کارگرم
کبوتر حرم اُخت شاه دربدرم
دئدیم سیزه او زمان خوش گئچوردی یا ایمدی
دئدی منیم نه رجوعیم که اربابیم کیمدی
لزومی یوخدی ورام گاهی میخه گاه نعله
فقط من اوندادا فعلیدیم ایمدیده فعله
بیزیم او قدرتمیز یوخ چالاخ چاپاخ تالیاخ
بیزه مقدّر اولوبدور که قاب دیبی یالیاخ
بیتیرسه گل یرینه کُفته داغلارین تپه‌سی
محالدور یته بیز بی‌نوایه بیر لپه‌سی
قازان بویوکلره قیزدیرماقا یاناندی کاسب
مقام و منصب اشرافه نردباندی کاسب
نه انقلابی نه طاغوتییم نه یاقوتی
سواد یوخومدی نه طالوتییم نه جالوتی
اگر چه اوندا قاریندان ساری کئفیم سازیدی
ولی بو قصره طرف بیر گوزوم باخانمازیدی
بو گون نصیبیمیز آج قارننا تماشادی
خورش شاما ناهارا آرزو تمنّادی
جماعتی ائلیون سیز قضیّه‌دن آگاه
گلوب بو کاخلاری گورسونله گاهله بی گاه
گوزل سنددی بولار ظالمین جنایتینه
دلیلدی پهلوینون فعلینه خیانتینه
بصیرتیله بیری باخسا سِئیر دنیایه
نه احتیاجی اونون شاعریله ملّایه

هانی ملوک سلف تخت و تاج شاهانه
نه گلدی کبکبه و شوکت سلیمانه
نه وقتدور که مدائنده طاق نوشیروان
اوجا سسیله دیور کُلُّ مَنْ عَلَیهٰا فٰانْ
هانی فراعنهٔ مصر نولدی قیصر روم
اجل پیاله‌سی جمشیدی ایلیوب مسموم
غرض مرور زمان خاطراته دفتردی
گئچنلر آینهٔ عبرت گلن‌لردی
کریمی چوخ سفر ایله اوتورما عزلتده
بشر مجرّب اولار سِیریده سیاحتده



انسان یاخشیلیقی یاددان چیخاتماز
بیر یامانلیق گورجک ئوز دوستون آتماز
مرد ایگیت‌لر نامرده بویون اگمز
اصلان اولان تولکی دالیندا یاتماز

اعضای انجمن ادبی اوحدی مراغه خواستار آبگوشت (بوزباش) بودند او هم بوزباش را به شیرینی تبدیل کرد و گفت

اولدی کریمی ائله تنبل باشی وار یازیقین بیر باشی مین اویناشی
گوردی یغانماز باشا یار یولداشی جم جور ائدنمز پلووی یا آشی
شیرنیه تبدیل ائلدی بوزباشی

گوردی دوشوب هر زادی دفترچیه نه گمانی پشمشه وار نه چیه
اولمادی راضی رفقا اینجیه ایستدی حاتم تک اوجالسین باشی
شیرنیه تبدیل ائلدی بوزباشی

انجمنین حالینه ائتدی نظر گوردی بوغازلار قوریوب سربه‌سر
واردی نه قلیان و نه چایدان خبر سالاّنوب آنجاق قاباقی هم قاشی
شیرنیه تبدیل ائلدی بوزباشی

باخ هره بیر گوشه‌ده فکره جوموب بعضی یازیر بعضی یازانمور تومو
بعضی آچوب گوزلرین‌آغزین یوموب ایستدی احسانی اولا قلاّشی
شیرنیه تبدیل ائلدی بوزباشی

یوخ بئله بیر انجمن بی‌ریا آلتیمیزا یوخدی سالاخ بوریا
قیشلاریمیز دوشدی بُتون آغریا نه قوتولور بنّاسی نه نقّاشی
شیرنیه تبدیل ائلدی بوزباشی

یانماسا یانماز پوله یا وور اَتک دوشمسه دوشمز یاجوت‌آسقر یا تک
یاغماسا یاغماز سویا سالما الک یا چیخاداق چاخ‌داشی چاخماق داشی
شیرنیه تبدیل ائلدی بوزباشی

بیر سؤز ائشیتدیم اولا ایکاش یالان موزه ائدوللر بورانی باستان
اوندا بیزه موز وئره‌جاقلار نشان آل بالالارون دیشه بیربیر داشی
شیرنیه تبدیل ائلدی بوزباشی

اوحدی‌نون قبرینه گتدوخ پناه اولدی نشیمن بیزه آرامگاه
لَیسَ لَنا مَلْجأً اِلاّ سِوا گوردی کریمی پشیرنمز آشی
شیرنیه تبدیل ائلدی بوزباشی

یاغلی خورک شاعره اولمیش حرام اوحدی هاردیدی یاغلی طعام
شیرنی ائدر شاعری شیرین کلام گوردی آغیردو شعرانین داشی
شیرنیه تبدیل ائلدی بوزباشی

عیبدی شاعر بوغازین یاغلیا چون او گرک آز گوله چوخ آغلیا
آج دولانا قارننا داش باغلیا جشن دوتالاّر اونا هشتاد یاشی[1]
شیرنیه تبدیل ائلدی بوزباشی

باخدی کریمی گونه آی اولدوزا گوردی ساعات یوخدی قازانلار قیزا
ایستمدی چورتوزی آنجاق پوزا ایش باشاراندی دگی چوخدا ناشی
شیرنیه تبدیل ایلدی بوز باشی



۱ــاشاره به هشتادمین سالگرد استاد شهریار

نصیحت نامه

ای گوزلریم ضیاسی منوچهر نوجوان
نامه‌ن یتیشدی جسمیمه بذل ائتدی تازه جان
قلبیم سووینده دوشدی گوزوم دستخطّوه
شاد اولدی خاطریم واریدیم خیلی ناگران
یاده سالوبسان آنکارادان نامه یازمیسان
من شعریله جواب یازوب ایلدیم روان
بیر نامه‌دور که اهلنه آرتوخدی ارزشی
بوندان گوزل تاپانماسان ایراندا ارمغان
تحصیلوه ادامه وئر البتّه اینجیمه
غربتده قویمیش علمی خداوند لا مکان
انسان فشاره دُوْزمسه چاتماز سعادته
زر بوتییه قویولسا اولار قیمتی گران
هر ایشده استقامتون اولسون دوام ائله
صبریله ایشلرینده بشر اولدی کامران
یل تُند اَسَنده گل چیچگین ریشه‌سین قِرار
سرو و چناره نیلیه‌جاق باد مهرگان
یل‌لر مقابلینده درخت تناور اول
سست ائتمه‌سین اراده‌وی هر آفت خزان
اول باصفا اراده‌لی شخصیله همنشین
اولما عبوس و پست و بخیلیله هم نشان

هر منصب و مقامه بیتیشسن زمانه‌ده
اللّهدان ارتباطیوی قطع ائتمه بیر زمان
دائم ئوزوندن آلچاقا باخ عبرت اخذ ائله
عبرتسرادی دهر دیوب میر مؤمنان
نه قال دالی نه گئچ قباقا، اول میانه‌رو
خیرالامور اوسَطَها، پند جاودان
سنگین اول علم و عقلده فهم و کمالده
گوهر سودا جومار دیبه، قالخار یوزه سامان
وار جزر و مدّی جوش و خروشی زمانه‌نین
امواجی یار نهنگ کیمی، اولما ناتوان
طوفان گلَن زمان اوجا داغ تک مقاوم اول
قوی گُللی دامنون گوله، باشون آلا دومان
آختارما، لاشه مزبله‌لردن کلاغ تک
عنقا طبیعت اول اوجا داغلاردا قیل مکان
ایستورسن عیبون اُرتوله عیب اُرتن اول اوغول
بیرده اورک سؤزین هامیا ایلمه بیان
عالمده عیب‌سیز بشر آنجاق تاپانماسان
امر طبیعی‌دور گُل اولان یرده وار تیکان
دوست اولما هر کسیله ازل ایله امتحان
گور چیخسا امتحاندان اونی ساتما رایگان
دنیا ائوینده بیز قوناقوخ بیر نئچه صباح
زیبادی با ادب اوتوروب دورسا میهمان

دائم اياقون آلتينا باخ باخما گويلره
قوی دگمه‌سين اياقوه داش ای عزيز جان
السيز اياقسيزين دوت اليندن مواظب اول
تا زحم ائدوب الون دوتا خلاّق مهربان
ايله جهاد نفسيله اولسون شجاعتون
تا عرصه‌گاه قربده اول نامی قهرمان
بعضی مصاحبين خطری چوخدی انسانا
چوخ حُسن ظنّ ائلمه چوخ اولما بد گمان
جهد ايله قويما منحرف اشخاصی دوره‌وه
تا مال و جان و مذهبوه يتمه‌سين زيان
البتّه سندن آرخيينم پاک‌زاده‌سن
نان حلاليله سنی چون بسليوب آتان
اسلامبولين هواسی نقدر اولسا دلگشا
چاتماز وطن صفاسينه باور ائله اينان
اللّهدن ايسترم اولاسان عاقبت بخير
ائتسون خدا سنی ايکی دنياده شادمان
الآن بی‌بون بيبوغلولارون گوندرير سلام
داود، ودود، مجيديله ،مسعود، هم عطان
مندن قالار بو نامه حضوروندا يادگار
امّا نظرده ساخلاگلان ائتمه بايگان
شکر ايلرم خدايه همیشه کريمی‌يم
گويا ائدوبدی نطقيمی هم طبعيمی روان

تبریک نامه

منوچهر ای جوان پاک طینت
بلا دور از وجود نازنینت



فرستادی تو یک تبریک بر ما
سه تبریک از من اکنون گوش فرما
یکی دربارهٔ دوشیزه مریم
مبارک این زناشوئی مسلّم
دگر از بهر دامادیّ محمود
شود بر کامشان ایّام مسعود
ولی تبریک سوّم بهر عید است
چه خوش عید و چه ایّام سعید است
زمستان گر چه بر ما سخت بگذشت
بحمداللّه به یُمن بخت، بگذشت
همی خواهم ز خلاّق تبارک
کند این عید را بر ما مبارک
مسلمانها همه پیروز باشند
همه ایّام ما نوروز باشند
کریمی روز و شب میخواهد از حق
که باشی شاد و پیروز و موفّق

خیر مقدم به دوستم آقای حاج حسین چاکر

به حجّ عمره موفّق شدی جزاک‌اللّه
بسان گوهر اَلیق شدی جزاک‌اللّه



چو استلام حجر کردی از طریق ادب
به رتبه لعل مروّق شدی جزاک‌اللّه
به باب رحمت پروردگار چون درویش
ز جان به ذکر هُوالْحق شدی جزاک‌اللّه
سمّی شاه شهیدی خوشا به اقبالت
به شاه چاکر مطلق شدی جزاک‌اللّه
تعهّدی بنمودی به نوکریّ حسین
به عهد خویش موثّق شدی جزاک‌اللّه
چه افتخار از این برتر آرزو داری
غلام فارِسِ خندق شدی جزاک‌اللّه
در آستانهٔ شه چون شهید ثابت باش
به بزم تعزیه رونق شدی جزاک‌اللّه
به حُسن رابطه و دوستی و سِیر و سلوک
ز همقطار خود اسبق شدی جزاک‌اللّه
کریمیا تو هم از خادمین پنج تنی
به عصر خویش فَرَزدق شدی جزاک‌اللّه

سهند خاطره‌سی

دورد بش نفر اصرار ائلدوخ اصغرونده
تا چکدی بیزی دامن زیبای سهنده
به‌به نه گوزل آب و هوا گزمه‌لی یرلر
ذوق آرترورى شاعره یا شعر پسنده
هر چند گئدنده یولی چوخ اینجیدوخ امّا
دوندی آجی زحمتلریمیز آخری قنده
بیر شیر ژیان مثلی ژیانی تووا سالدی
نوحین گمی‌سیدی نه گاز ایستوردی نه دنده
هر یرده بیر آهو بالاسی گوردی بو، مهکان
ایستوردی سالا فوری اونی بند کمنده
خلقی بوراخوب عندلیب آختارماقا گئتدی
هر قارقانی بیر بلبله اوخشاتدی چمنده
چوخ جالبیدی، کُرده دهین، آب و هواسی
سالمیشدی فقط حیرته احبابی گورنده
دوشمیشدی قوزی جیرانی تک دوشلره قیزلار
گوردوخ نه گوزل گورمه‌لی‌لر دشت و دمنده
گن کوینگین آلتندا شمامه کیمی دوشلر
گورسیدی دوراردی ئولی یاتمازدی کفنده
اوچ کیلو اتین بش دانا سنگکله کبابین
ووردوخ بدنه مشدعلی، مهکانله، بنده

دولدورموشیدی دامن صحرانی سراسر
شعر و غزل و طنز و حکایاتله خنده
اخگرده که نفتی جالادی باتدی خیارلار
گور نفلی خیارین نه اولار طعمی یینده
عبّاسی بیاضیله آچوب بحث سیاسی
بیر نقشهٔ صد ساله‌نی طرح ایلدی کنده
یللردی گوزل مشدعلی اسفندی کبابی
قالدی او کبابین دادی بیر عمر دهنده
یولداشلقینین مشدعلینون چوخدی صفاسی
او داغ داش آراسیندا کباب سالدی، بو اَنده
سرعتله کریمی سوغانی چیرتدی خیارتک
افسوس کبابین سوغانی اولمادی رَنده
یولداشدی یولون زهرین ائدن شکّره تبدیل
پیس یولداش اولار مثل سوموک آغریسی تنده
ییخدیق یره نفسین باشی تک قارپیزی کسدیک
ارزانیدی وئرسیدوخ اگر اللی تومنده
غملی آداما، گلشن اولار گوشهٔ زندان
شاد اولسا اورک گل گورونر داغدا گوَن‌ده
چول اوتلارینین هر بیرینون بیر دادی واردی
داغ یملیگینون یوخ دادی قیماقدا لَبَن‌ده
بعضی دولانوب کنگر و اوشقون سراغیندا
بعضی قابالاخ دردی ییغوب بیر یکه، مَنده،
هر بلبل ائدوب ئوز گلونی یاد ولیکن
بیزده گُله پر، دردوخ اوگون داغدان اَننده

هر کنده باخوب یاد ائلدوخ شاه لعینی
اللی بش ایلی نیلیوب آخر بو وطنده
هر گون بیزه شاه بیر مودا بیر اندازا وئردی
ماکسی مینی‌ژوب یا هپی یوز وضع زننده
یادونده‌دی دروازهٔ دولتده‌کی فعله
سالدی خانمون جانینه شهمار گزنده
اورگَتدی بیزه اقتِصادین درسین او د....
گن شلواری ساتدوخ ایکی بارماق پاچابنده
ائتسیدی کشاورزه حشمداره توجّه
ایمدی کره‌دن اُتری دیلنمزدوخ هُلنده
روشن دل آداملار خفه‌لندی خفقاندا
دُو دوشدی فقط بیر پارا عیّاشه لونده
گر ملّتین آغزین یوماسان سس چیخار آتدان
پیس ایگ یاییلار شهره علاج اولماز او، گنده
دنیاده قماربازخانادی هر گلن اوینار
بیر عدّه اولار باخته بیر عدّه بَرَنده
ملّتدی آشیق تک چالنان داشه پیاپی
لیلاجلر ائتمیش هامونی نوکر و بنده
توپ تک تپیک آلتندا قالوب پاتدادی ملّت
رحم ائتمدیلر آند اولا پازندیله زنده
راننده که کئفلندی مسافر یازیق اولدی
بیردن گوره‌سن خویلونی اندیردی مرنده
آنجاق که زنا رشوه ربا ایلدی رایج
بولموب که جهنّمده‌دی گیرنده دهنده

ایستکلی بالا چرک و کثافاتین ایچینده
چیرپر یوزینه یل پهینی سویروق ائدنده
اللّه گینه‌ده عزّتین آرتورسون امامین
فریادیمیزه چاتدی بیزیم وقت محنده
خدمتلری هر کندیده جالبدی جهادین
تأثیر قویوبدور بو عمل مردیله زنده
آباد ائلیوب یولاّری مسجد قایروبلار
حمّام قویوبلار کیشی راحتدی تپنده
بیر قاره بولود قاخدی همان دمده هوایه
گورگور بابا هی کیشنه‌دی بنزردی سمنده
اولدی بیزه بیر دوزلو شیرین خاطره گزماق
تفریح غنیمتدی بو دنیای فتن‌ده
بو شعره هره بیر دوز آتوب ایلدی شرکت
آشپز چوخ اولاندا شور اولار شوربا پیشنده
بیزلر گئده‌روخ سیزلره سؤزلر قالاجاقدی
هر جلسه‌ده لذّت وئره‌جاق شعر پسنده
یوز آشّاقی یول گئتماقی راحت‌دی کریمی
زور چکمز آدام آمّا تماشادی گلَنده



ای خاک تیره در تو چه جانها نهفته است
در سینهٔ تو بس دل بیدار خفته است
ای رفته خوش به خواب ابد دیده بازکن
از اشک در مزار تو گلها شکفته است

خاطرات زیارت

خدایه شکر که حقدن عنایت اولدی بیزه
که بیر زیارت سوریّه قسمت اولدی بیزه



هزار و سیصد و شصت و شش آخر آذر
خلاصه شنبه گونی باغلانوبدی بار سفر
قطاریله یولا دوشدوخ مراغه‌دن مسرور
اورکده شوق سفر باشدا بیر همایون شور
بئله مسافرته انسانین گلر هوسی
گلین خانم، آقاداود، اوشاقلارین ننه‌سی
قطار ائدوب حرکت شیخ حسن اذان وئردی
ملیح صوتی اونون جسمه تازه جان وئردی
اوزاقلاشوب داخی گوزدن مراغه‌نی آتدوخ
بیر آز دانشدوخ اوتوردوخ باشی آتوب یاتدوخ
سحر زمانی قاطار وارد اولدی طهرانه
اَنوب، مینوب ماشینا اولدوخ عازم خانه
نچونکه وار صلهٔ رحمه اجر بی پایان
گرکدی هر باجیما بیر گئجه اولام مهمان
خزان گئچوب یتیشوب نوبهار پیروزی
بیزه چوخ ائتدی محبّت، بهار فیروزی
گوزل قناری‌لری وار اوخوردولار هر آن
گلوردیلر هوسه من چکن زمان قلیان

قفسده ئوزلرینی هی وروب اویان بویانا
که بلکه تنگ قفسدن چیخوب گزه دولانا
دئدیم چابالاما بیجا چالیشما ای حیوان
دیلیوی لال ائله آزاد هواده قیل طیران
سالان قفسده سنی زحمته دیلوندی دیلون
سبب اولان بو قدر محنته دیلوندی دیلون
دیلیوی لال ائله ائتمه دانیشماقا عجله
نئجه آزاد دولانور گویده قارقا یا قجله
دئدی عجب آقا شاعر سنون فراستوه
تعجّب ایلورم اصلاً بو طرز صحبتوه
منی بو جور یتیرن قیمته دیلیمدی دیلیم
سبب بو پرورشه عزّته دیلیمدی دیلیم
اگر گیره بیر ائوه قارقا سرچه یا قجله
قوواﻻّ، یول تاپا، سالم قاچا و یا گیجله
دیلیمدی عزّت و آسایش آرتروبدی منه
آپاردی قیمتیمی آلتی یدّی مین تومنه
سؤویلله خلق منی گوزلره تیکان دگولم
خوشام که قارقا کیمی دُزد گردکان دگولم
دیلوندی شهرهٔ آفاق ائدوب جهاندا سنی
دیلون ائدوب آدی بللی اویان بویاندا سنی
منه بو نازیله زنداندا قالماق عزّتدی
ئولومدی قارقانین آزادلقی رذالتدی
دانشماقین باشاران دینمسه خیانتدی
دلا دل اهلینه گر دیل دیل اولسا نعمتدی

دیلیله دشمن ائدر شخص ئوزینه سوگلوسین
باشارماز اوخشاماقین تونبتین سالار ئولوسین



دئدوخ ورودیمیزی تلفنیله «انزابه»
اونون تفوّقی واردور تمام احبابه
ائشیدجکین سسیمی گلدی تئز سراغیمیزه
سپیلدی سو تازادان آتش فراقمیزه
گلوب امیری فردی رئیس ورزشگاه
تمام حادثه‌دن ساخلاسین اونی اللّه
بیزی حمام سونایه آپاردی عزّتله
چیموب تفنّنله تَرلَدوخ ظرافتله
اطاعتیله اودون دوزدوخ انزابین ایپینه
سونا حمامی گوزلدور ولی جوان تیپینه
سونا حمامینه گئتماق سونائیله خوشدی
طبیعتاً قوجا، بلبلده اولسا بایقوشدی
عجالتاً بو حدیثی ائدم بیان یریدی
بهشته قویمیاجاقلار قوجا، جوان یریدی
همینکه بیر ایکی ایل قرخی گئچدی یاشوندن
دای ئول ایاقوی چالما سو آشدی باشوندن
غرض گئجه شاما فیروزی گیلده باهمیدوخ
اکیلدی گلمدی انزاب غرق ماتمیدوخ
سحر نماز قیلوب ائتدوخ توکّل اللّهه
بهار آقا بیزی نقل ایلدی فرودگاهه

زمان ظهریدی طهراندان ایلدوخ حرکت
خدا بو نعمت آسایشه وئره برکت
گوگل قوشیدی هواپیما عرض ائدوم بالفرض
ائشیتمیشوخ ولی گوردوخ بعینه طیّ‌الارض
آدام گورور بو وسایل‌لری چکور حسرت
یازیق قدیم کیشی‌لر دادمیوبلا بیر لذّت
بیری زیارته عزم ایلسیدی تای توشیلان
گرک که بیر نئچه آی یول گئدیدی هین هُشیلان
خطور ائدردی کیمین فکرینه بو هنگامه
عقاب تک اوچا طهراندن دوشه شامه
نه قور، اوجاق نه گوزیوی کور ایلسین توستی
تویوق پلو، یی، گویون کلّه‌سینده ائت ایستی
سالاد یانیندا مربّا خیارشوریله
دالیجا سو کانادا پپسی چای وفوریله
گوزل وسیله گوزل دوره یاخشی آئین‌دور
ولیک خلقمیزین سطح فکری پائین‌دور
دوز ایش تاپولموری سؤزلر غلطدی افسانه
ییغوب قاچاخچیلاری دولدیروبلا ایرانه
اودور که دقّتله آختارولاّ یوخ وارینی
ظنین اولاندا چیخاردوب باخولاّ شلوارینی
زمان عصریدی دوشدی دمشقه طیّاره
بیزی آپارماقا دورمیشدی اوردا سیّاره
«فنیسیا» هتلینده بیزه مقام اولدی
فریضه‌دن صورا صرف غذای شام اولدی

یدوخ بدن دوزه‌لوب استراحته چاتدوخ
زبس یورولموشیدوخ چوخ یوبانمادوخ یاتدوخ
سحر اذانی دوروب جمله اتّفاقیله
رقیّه قبرینه عزم ائتدوخ اشتیاقیله
گوزوم ساتاشدی بالاجا ضریح اطهرینه
نثار اشک ائلدیم مرقد منوّرینه
او قبر که بیزیم اِللرجه مدّعامیزیدی
اونون زیارتی بیر عمریدی دعامیزیدی
دئدیم رقیّه داغلمیش جلالوه قربان
خرابه‌لرده سارالمیش جمالوه قربان
مصیبتونده ایشیق گون بیزه قرا گئجه‌دی
خانم بدنده اولان قمچی یرلرون نئجه‌دی
او قدری زلفون اله آلدون ایلدون فریاد
یزیدی خانه خراب ایلدون ائوون آباد
رجوع ائدوب هتله صرف اولوندی صبحانه
کره یومورتا مربّا باسیلدی انبانه
گلوب مدیر گروه ایلدی بیزه اخطار
بوگون زیارت زینبدی مقصد زوّار
سوار اولوب ماشینا زائرین اُخت حسین
اورکده نالهٔ جانسوز دلده شیون و شین
جناب زینبین الحق صفالیدی قبری
دمشقدن ایکی فرسخ آرالیدی قبری
گوزل ضریحین اُپوب دل ملالیله سرشار
قرائت اولدی حضورینده قطعه‌ای اشعار

دئدیم بو یرده خانم دوندی گوندوزون شامه
دوباره‌دن نیه گلدون خراب اولان شامه
گلوب مدیر گروه ائتدی التماس دعا
دئدی گلون که ناهاردی زمان صرف غذا
زیارتین دادی وار کاروانیلن گئده‌سن
علی‌الخصوص ایکی اوچ نوحه‌خوانیلن گئده‌سن
اگر اولیدی اولاردان بیری کناریمده
منی گورنمزیدوز بیرده ئوز دیاریمده
اولار اوخوردیلا منده دیلیمده شور و فغان
بو خسته جانی ائدردیم رقیّیه قربان
دلیل اولوب هامیا، گزدیرولله زوّاری
آدام تک اولسا گورنمز او قدری آثاری
زیارت ایسته‌میشم جمله یار و یولداشیما
خصوص شیخ حسنیله کریم قارداشیما
نچون آتانین الینده عصادی یاخشی وَلَد
دولاندیروب بیزی داود اولوب دلیل بَلَد
فراستینده بو بسدور که ایلورم اعلام
تانوردی هر یری بیر دفعه گورماقیلا تمام
هتل‌ده صرف ناهار اولدی اشتهائیله
دیوبله باب صغیره گئداخ صفائیله
او یرده چوخ چوخودی واقعاً زیارتگاه
نمونه بیر نئچه‌سین یازمیشام بعون الله
او یرده واردی ایکی زوجهٔ رسول خدا
بیر امّسلمه بیر امّحبیبه کان حیا

بیر آیری مقبره وار وضعی چوخ دگرگوندی
اون آلتی باش شهدادن او یرده مدفوندی
سر جناب ابوالفضل و قاسم و اکبر
او یرده‌دور ایکی عبداللّه و ایکی جعفر
عمر، محمد، ابی‌بکر و حضرت عثمان
علی جوانلاریدی کوی عشقیده قربان
جناب حرّ ریاحی حبیب ریش سفید
که هر اون آلتیسی اولمیش بلا چولونده شهید
عقیل‌دن ایکی فرزند صالح ارشد
او یرده دفن اولونوب باشلاری بنا به سند
علاوه مقبره‌لر وار نیازمنده پناه
جناب جعفر طیّارین اوغلی عبداللّه
باخان سجیّه‌سینه درک ائدر نجابتینی
که شاعره صله وئردی بیوک تجارتینی
عزیز حیدر کرّار و همسر زینب
سخاده سهم و صلابتده افتخار عرب
خانم سکینه حسینون قیزی خانم صغرا
گوزل مزارینون عاجزدی شرحینه طغرا
صفالی مقبره‌سی واردی امّ‌کلثومین
جلالی زینبه چاتماز ولی او مظلومین
بیر آیری قبر بلاله وئرولله نسبتینی
ئوزینه فرض بیلور شیعه‌لر زیارتینی
قوتولمامیش هله باب‌الصّغیرین اعمالی
یاغیش توکوردی ماشینلار چالوردی سیغنالی

نه باکی واردی یاغیشدان ولی دولی ورانین
تلسدیریردیله وقتی فشرده‌دور بورانین
مینوب ماشینلارا گلدوخ هتل‌ده شام یماقا
اوتوردوخ اوردا گینه دورهم گولوب دئماقا
گئجه هتل‌ده دیردوخ حدیث و افسانه
مرامی و سلجی داودیله فرزانه
او شهریده نئچه بازار وار قدیم و جدید
بازارلارین هاموسیندان بیوکدی سوق حمید
همان بازاردی که طولی یتنده اتمامه
دونور صول الده‌کی کوچه خرابهٔ شامه
ساتولاّ مشتریه جنسی بیر آغیر ثمنه
طرف خام اولسا باسولاّر قابینا هر نَمنه
دولوبلا بازارا ایرانلی دسته به دسته
حنادی پسته‌دی قولتوقدا بسته به بسته
او قدر اویون چیخادوب غربت ایچره اهل وطن
خروج اکثر اجناسی ائتدیلر قدغن



غرض لطیفدی آب و هوای سوریّه
گوزل خانملاری واردی مثال حوریّه
نه کور کچل تاپلور نه آریق نه بیر معتاد
که چاق و چلّه‌دیلر سربه‌سر کیشی آرواد
حجاب یوخ قره قاش گوزلی لعل یاقوتی
نه باشون آغریدیم ایراندا عصر طاغوتی

بیزیمده ملّتمیز بی‌حجاب ملّتیدی
او که کسادیدی ایراندا آدی غیرتیدی
بو گون هره باشا بیر مقنعه سالوب الکی
خدادن اُتری دگول قورخواندی وار کلکی
هله مظنّهٔ روزیله بیز چورک ییه‌نوخ
بیزیم دیلیمیزه لا گلمیوب بلی دیه‌نوخ



دولانما حاشیه‌ده ای قلم یاز ئوز سؤزیوی
معطّل اولما یوباتما کناریده ئوزیوی
دمشق سربه‌سر آثار باستانیدی
گئچن نسیل‌لره احوال زندگانیدی
واریدی موزهٔ ملّی‌سی چوخ منظّمیدی
او بیرسی موزه‌سینون آدی قصر اعظمیدی
دمشق قلعه‌سی محکم بنای تاریخی
که دوردمین ایلدی اونون ابتدای تاریخی
او شهرین عالی کلیسالری معابدی وار
دئدی مدیر گروه آلتی یوز مساجدی وار
عشا و مغرب و وقت طلوع ظهر و زوال
اذان سسی گوتوروردی او شهری مالامال
دیار شامده رایجدی میوهٔ زیتون
دئدیله نخلهٔ زیتونی وار اوتوز میلیون
قرار اولوب گئده حُجر ابن عَدیه قافله‌میز
واریدی آلتی آغاج بین راه فاصله‌میز

بو حُجر او کسدی که کاملدی دین و آئینده
قلج وروب نقدر نهرواندا صفّین‌ده
دیار کوفه‌ده چون ائتدیلر علینی شهید
اون اوچ نفرله اونی شامه ائتدیلر تبعید
اولاردان آلتیسی حُجریله قالدیلار مطلق
ولی معاوییه اولدی یدّیسی ملحق
اوخوندی مقبرهٔ حجریده نماز و دعا
گوزومده اولدی مجسّم تمامی رفقا



بیزی آپاردیلا تبلیغچون قُنیطَرِیه
اورک کباب اولی باخسا او غملی منظریه
او شهره بیر ائله آتش وروبدی اسرائیل
که توستوسی گله‌جاق تا به صوراسرافیل
خراب اولوب توکولوب جمله کاخ و کاشانه
یانوب اوچوبدی نه مسجد قالوب نه میخانه
قالوبدی سقف‌لر آلتندا اللی‌مین انسان
گلور قولاقه صدا کلّ مَن عَلَیها فان
دئدیم رفیقیمه یوخدور عَربده حیثیّت
نه وار بولاردا شهامت نه غیرت و وحدت
اگر بوتون متعهّد اولیدی انسانلار
یمزدی قانلارین ایچمزدی جانی حیوانلار
قرار اولوب شب جمعه اوایل شبده
گئداخ دعای کمیله مقام زینبده

خدادن ایسترم احبابه جمعه شامینده
کمیلی باشلیالار زینبین مقامینده
حساب او گونلریدی خاطرات دفترینه
نماز صبحه گئدردوخ رقیّه محضرینه
ایشیقلانوردی اورک دمبدم چو آئینه
یتیشدی جمعه گونی اولدی عصر آدینه
چیخوب هتل‌دن انوب ایلدوخ پیاده‌روی
به عزم دیدن اجلال مسجد اُمَوی
خدا بیلور نئجه مسجد نئجه صفالییدی
او مسجدین گونوزوندن گئجه صفالییدی
او مسجدین صدوپنجاه و پنج طولییدی
هم اللی متره یاخین عرضینون حصولییدی
یوزاوتوز ایکی ستون وار بویوک کیچیک داشدان
جلال و رفعت اسلامی شرح ائدر باشدان
او مسجدین در و دیواری درس عبرتیدی
که دوردمین ایلدی اورا معبد جماعتیدی
ایکی‌مین ایل اورانی ایلیوبله بتخانه
صورا اولوبدی کلیسا اوزوندی افسانه
اونی تصرّف ائدوب فتح رومده اسلام
ولید ایلدی تعمیرینه اونون اقدام
گوروبدی زلزله شش مرتبه همان مسجد
هم آلتی دفعه دوتوب اود او جاودان مسجد
مورّخین دمشق ایلیوبدیلر تخمین
دوتار جماعته حاضر اولا اوتوز بش مین

او مسجدین باشاباش عرض و طولی قالیدی
بئله خیال ایلمه بیر وجبده خالیدی
یاخوندی مسجده اصلاح دین ایّوبی
که واردی مرقد مرغوبی صحن مطلوبی
وسطده مدفن رأس جناب یحیی‌دی
نئچه قدم آرالی چاه آب پیدادی
او حضرتین جسدی دفن اولوب فلسطین‌ده
گلوب دمشقه باشی ظالمانه آئین‌ده
زذالتنده بو بسدور بو پست دنیانین
که اولدی فاحشه‌نین مهری باشی یحیانین
هِرودیا خانمین خواهشین قبول ائلدی
او مقتدانی هریدوس قانینه بَلَدی
بیر آیری خیرداجا مسجد او مسجده ملحق
بنام رأس حسینیّه کعبه‌دن مشتق
نه کعبه بلکه اورا بیر مقام والادی
حسین باشی قویولان یردی عرش اعلادی
بهشتین عطری گلور قلب اود دوتور آلیشور
معاینه گوروسن طشتدن باخور دانیشور
دییور منیّت ائدوب دوشمه اشتباهه یزید
سنون بو سلطنتون بسته‌دی بیر آهه یزید
منیّت ائتمه دوشوب بش گون اختیار الیوه
بو خیزران آغاجین وئردی روزگار الیوه
بو گلستانده هئچ سرو ریشه سالمیاجاق
بو سلطنت بو حکومت همیشه قالمیاجاق

منیم دوداقلاریما چوب خیزران ووروسان
ائوونده سفره کنارینده میهمان وورسان



گئدوب معاویة ابن یزیدی‌ده گوردوخ
که فاتحه اوخویوب قبرینه دعا وئردوخ
یزیددن صورا اگلشدی تخت سلطنته
ئوزینی سالمادی وزر و وبال و ملعنته
دئدی آتامدا بابامدا بو حقّه غاصبیدی
وئرون خلافتی بیر شخصه اصل صاحبیدی
آناسی سسلدی بیر قطره حیض اولیدون کاش
بوگون آتا باباوین سرّین ائتمیدون فاش
دئدی اولیدوم آنا کاش قان یا هر نمنه
بوگون گلن دئمیدی یزیدین اوغلی منه
چکیلدی ایستمدی بش گونون ریاستینی
ئوزینه فرض بیلوب دیننون حراستینی



وداعچون سحر اولدوخ روان باب صغیر
غریبه گورمه‌لیدی گلستان باب صغیر
همان مَشاهدین اعمالنی تمام ائلدوخ
گلنده موزهٔ ملّی‌سینه خرام ائلدوخ
نه موزه فکر ائلمه ساخسی کاسه کوزه‌یدی
سالوردی حیرته انسانی یاخشی موزه‌یدی
قیلوب فریضهٔ ظهری اولوندی صرف ناهار
بیر آز گئچوب گینه سسلندی قافله‌سالار

سوار اولون گئدیروخ زینبون زیارتینه
وداعیدور دیاخ آخر سلامی خدمتینه
نماز شامی ادا ایلدوخ جماعتله
حسین باجیسینی ائتدوخ وداع حسرتله
رجوع ائدوب هتله موقع طعام اولدی
که آخرین شامیز شام کباب شام اولدی
غذا مرتّبیدی شام و ظهر و صبحانه
کباب و جوجه چلو مرغ جمله شاهانه
دئمیشدی شام یمه «انزاب» منده هئچ یمدیم
آجی شیرین قباقا هر نه گلدی یوخ دئمدیم
دئدیم هله قوناقام یاغلی لقمه‌لر اوتارام
یتیشماقین وطنه باشلارام رژیم دوتارام
وطنده ایندی که هر زاد کوپندی دفترچه
یمرم هئچ زاد آریقلار بدن اولار سرچه
وطنده که کانادا یوخدی پپسی چوخ کمدی
تاپولسادا دادی آزوایدی آدی زمزمدی
او گئجه لیلهٔ میلاد قدس زینبیدی
بساط جشن هتل شرقده مرتّبیدی
امام جمعهٔ دامغان، نعیم‌آبادی
قیامت ایلدی منبرده، یاخشی ملّادی
قوتاردی جشن قیتدوخ گینه فنسیایه
اینانمیون او گونون ساعتین ساتام آیه
نماز صبحی قیلوب یا حفیظ و یا حافظ
رقیّه‌دنده گئدوب ایلدوخ خداحافظ

دئدیم خانم سنی وئرّم قسم اسارتوه
بو جمعی دعوت ائله ایل‌به‌ایل زیارتوه
وطنده چوخلار ائدیر آرزو زیارتوی
او جمعه شامل ائله لطفوی عنایتوی
هتل‌ده صرف ناهار اولدی با سرور و شعف
مدیریمیز دئدی یاالله فرودگاهه طرف
بیر آز یوباندی هواپیما اللّهین کرمی
نصیب اولوب گینه بیر دفعه زینبین حرمی
گئجه زمانیدی ائتدوخ دمشقدن پرواز
دماغمیز چاغیدی، آغزیمیز شیرین، کئف ساز
طلوع صبحیدی طیّاره اندی طهرانه
خدایه شکر یتیشدوخ سلامت ایرانه
بهار آقا گیله گئتدوخ دوشندی صبحانه
ورودیمیز گینه ابلاغ اولوندی هریانه
گلوب سراغیمه دامادیمیز گراوندی
قوناق آپاردی بیزی باکمال خرسندی
وفالیوخ کیچیک همشیره‌نی گئدوب گوردوخ
صلهٔ رحم ایلیوب خاطرین سووینديردوخ
بصیرتیله دولاندیم خلاصه طهرانی
نظام شهره باخوردوم ولیک عرفانی
تاپوب اگر چه خیابانلارین آدی تعویض
ییغیشمیوب هله طاغوتده اولان تبعیض
شمال شهر گینه رشک باغ رضواندی
جنوب شهر کثافت خرابه ویراندی

یوخاری‌دا اوتورانلار تمام اعیاندی
ولی آشاقداکیلار کارگردی کنکاندی
آشین ایچوبله یوزی قویلیدی همان کاسه
بیر عدّه کئفده‌دی بیر عدّه وار باتوب یاسه
بیر آز خیاله جوموب سئچدیم اصل معنانی
دئدیم گرک بوجور اولسون یوخ ئوزگه امکانی
اگر بو آجلارین الله دویورسا گوزلرینی
ایتیروب ئوزلرینی آزدیرالاّ سؤزلرینی
آتوب اوراغی، اله آلسا تیغ آتشبار
نقدری باش کسر، اولسا بچینچی‌دن سرکار
غنی اوتوز قاب ایچر نه قیزار نه دعوا سالار
کاسب یاریم قاب ایچنده اوتوز نفر یارالار
اگر قانادی اولیدی بو گربه بد اصلین
کسردی حکم طبیعتله سرچه‌نین نسلین
همیشه پُست ریاست یتیشسه پَست الینه
ایتی قلج ائله بول که دوشوبدی مست الینه
ووروب یخوب داغیدوب باش‌کسوبدی قول‌بیچه‌جاق
آجیخسا اَت ییه‌جاقدور سوسوزسا قان ایچه‌جاق
نه بنده حامیِ مستَکبَرم نه مُستَکبِر
که اغنیادن اوغول اهل دین چیخا، تک بیر
ئوزومده من کاسبام فقر افتخاریمدی
سؤزومه شاهد الیمده اولان قاباریمدی
مقامه چاتسام اگر باشلارا بلا آچارام
چکیلسه پاشنالاریم هامّیدان یِیین قاچارام

گوز آچسام او زماندان که وای چورک دئمیشم
قاپوب قاهارمامیشام دائم ایشلیوب یمیشم
منی او گون تانیسان گئچسه اختیار الیمه
میزین دالندا یتیشسه قلم قابار الیمه

❖❖❖❖❖❖❖❖

غرض قطاره بلیط اولمادی، مَعَ‌الْاِکراه
ماشینلا گئتماقیمیز ثابت اولدی خواه نخواه
زمان عصریدی طهراندان ایلدوخ حرکت
خدا فامیللریمون عمرینه وئره برکت
گتوردیلر بیزی ترمینالا نه عزّتیلن
یولومیزا یِمه‌لی قویدولار محبّتیلن
ماشیندادا یریمیز پیس دگولدی راحتیدی
ولی قاطارداکی لذّت بیر آیری لذّتیدی
چلوکبابیِ ملّتده دوشدی شام یماقا
نئجه سالن که دل عاجزدی وصفینی دئماقا
غذاخوری سالونیندا اایاق دوتوب آشقال
نئجه سالن، آدی ملّت کیمی پریشانحال
نه دوز عمللی غذاسی نه چای نه نوشابه
توالتنده نه بوللی سویی نه آفتابه
قره چمن یولی گلدوخ گلنده زحمتلن
ماشیندا هی آتیلوردوخ دوشوردوخ عورتلن
شوفر مسافر او یولدان تمامی شاکیدی
نچون اون آلتی کیلومتر جادّه خاکیدی

بو یول بئله قالوری پهلوی زماننده
الٰهی ساخلا بیزی بو یولون زیاننده

دئدیم تلسمیه‌سوز، چکمز اللی ایل دوزه‌لر
گرکدی ساغ سولونا بو یولون آغاج دوزه‌لر

سووید هلو، قره‌آغاج میوه گردکان وئرسه
گل اوندا گور بو یولی گر اجل امان وئرسه

شوفر موقّر و خوشخُلقیدی مؤدّبیدی
ولیک تند گئدردی بدن معذّبیدی

دئدیم بیر آز ملایم گئت بهاسی وار بشرین
نه وقتدور چکیروخ تندرولقین ضررین

زمان صبحه یاخین چاتدی کاروان وطنه
که ساتمارام وطنین شوره‌زارینی چمنه

بو خاطرات سفر کیم چکیلدی اشعاره
عجالتاً ئوزی بیر رهنمادی زوّاره

اولار که اهلیدی آنلار عیار قدرتیمی
اوخولاّ شعریمی تقدیر ائدلله زحمتیمی

که اهله شعر اوخوماق طوطیه شکر وئرسین
همای روحینه نیروی بال و پر وئرسین

ولیک شعر اوخوماق دردسردی نا اهله
اوجور که حنظله قرآن اوخور ابی‌جهله

سفیهه درس دیوب گیجدن امتحان آلیسان
یا اگلشوب ئولونین باشی اوسته ساز چالیسان

کریمی‌یم وطنه سؤز گتورمیشم سوقات
رقیّه‌نین اوخیون روح پاکینه صلوات

«انزاب دان بیر غزل» گوگلومه

هجرون ووروبدی جوریله مین یاره گوگلومه
سن ائتمه‌سن کیم ایلیه‌جاق چاره گوگلومه
هر یرده گوز دالونجا گزیر تاپمیور سنی
اینجیتمه بونجا رحم ائله آواره گوگلومه
نازون اگر چه لازمه‌دور نازنین‌لیقا
امّا روا دگول بوقدر یاره گوگلومه
حقّونده، اولسا بیر بئله یاندیرما قلبیمی
دوز سپمه سؤزلرونله بو صد پاره گوگلومه
گلبوتئه محبّتی سینه‌مده ساچمیشام
گر باور ائتمه‌سن ایله نظّاره گوگلومه
چاتمور الیم سنه ولی قلبیمده وار یرون
تاپشورمیشام علاقه‌می یکباره گوگلومه
فارغ دگول کریمی‌دن اللّه بولور اورک
«انزاب» قویمارام گله هر کاره گوگلومه

غزل فوقه جواب

یاریم ووروبدی نازیله مین یاره گوگلومه
صوندان گلوب دیلیله ائده چاره گوگلومه

شهلا گوزون بسیج وئروب فوج زلفوه
ابرولرون اولوب ایکی قدّاره گوگلومه
هندوی خالوه جگریم قانی نوشیدور
گور نیلیوب او هند جگرخواره گوگلومه
قلبیم یانور زبانه چکور ایلمز خموش
کوثردن آتسا مین اوجا فوّاره گوگلومه
ویران اولوبدی ملک دل آباد اولان دگول
نازونله سالمیسان نئچه خُمپاره گوگلومه
دلدون، داغتدون، اوزدون، اوغول، جیردون ایمدی‌ده
بو روفه‌دن چه فایده صد پاره گوگلومه
«انزاب» اوچ ایلده یدّی سطیل نامه گوندروب
تا مختصر ایشیق سالا بو قاره گوگلومه
اولسون، قدیم مثلدی بو، آز یی همیشه یی
باب امیدی باغلاما یکباره گوگلومه
چکمیش کریمی لوحهٔ دلده شمایلون
عکسون گوره‌لله ائتسه‌له نظّاره گوگلومه



اولاغا مین اوکوزه مین کَله مین
قانلیا، مین، جارجارا، مین، وَله، مین
سو دورسادا سن دورما ایشلماقدان
یوزون اولسا ایشله قازان ایله مین

«انزاب دان بیر غزل»
صبح وصلین حظّی دگمز ذرّه هجران شامینه

سالدی غم صیّادی یورقون گوگلیمی ئوز دامینه
اولدی بوندان صونرا دوران رحمسیزلر کامینه



چوخ بیلن تزویر ائدن هر سؤز دئدی من دینمدیم
مصلحت صاندیم ایناندیم باخمادیم انجامینه
صاف‌وساده گوگلومین آغرینتیسین چوخ چکمیشم
اینجلیکلر گورمیشم سانسیز محبت نامینه
هرنه توکدی باشه چکدیم ایشده شربت ایشده زهر
بار اِلاها قان دولیدی روزگارین جامینه
آفرین اندوه‌پرور گونلومین تمکیننه
یوخسا قاتلاشماق اولارمی عالَمین آلامینه
عشق پیغامی گرفتار ایلدی مین محنته
باخمییدیم کاش اوّل عشقیمون پیغامینه
عشق آرا جان قویماقین‌دا یوخدی آخر لذّتی
صبح وصلین حظّی دگمز تلخ هجران شامینه
عمر گئچدی ،باش آغاردی، قاش‌قارالدی، باتدی گون
ایلورم افسوس ایمدی عمریمون ایّامینه
پرپر اولدی نوجوانلار حق یولوندا لاله تک
لعنت اولسون دنیانین «ریگانینه» «صدّامینه»
مین جوره تزویر و حیله رنگ کید و مکری وار
عاقل اول «انزاب» دوشمه روزگارین دامینه

«انزابون جوابیندا» بیر نصیحتنامه

ای گوزوم اویما بو چرخین عیش نافرجامینه
باغلاما بئل بو آز عمرین تندرو ایّامینه



پیر زال دهر عروس تازه تک چم خمده‌دور
چوخلارین بدبخت ائدوب حسرت قویوب ئوز کامینه
بو همان عفریته‌دور مین‌لر جوان بدبخت ائدوب
باخما تولانما اوزاقدان شکلینه اندامینه
هفتخوانی فتح ائدن رستم، گورولتویلان گئدوب
گُرز و قلخانیله، بو کهنه عروسین آ....
خوش او شخصه ایلیوب مغلوب نفسین عقلینه
پرچم فتحی وروب کاخ مناعت بامینه
هر کسه بیر جرعه شربت ایچدوروب ساقیّ دهر
اوچ او شربت قدری توکمیش سمّ قاتل جامینه
بیر نصیحتنامه مندن ساخلا دائم یادگار
گوش هوشیله قولاق وئر پیریوین پیغامینه
ئوز گوزونله گورمه‌سن بیر امری تصدیق ایلمه
باخما خلقین باطل استشهاد و استعلامینه
بو همان ملّتدی دانشمندیلر مظلوم ائدوب
حکم ائدوب صادر تقی‌خان میرکبیر اعدامینه

سن ئوزون ئوز نفسیوه یاخشی بلدسن ئوزگه‌دن
مایل اولما دهریده انعاملر انعامینه
گاهی انسانی یخالاّر گاهی قوزالاّر بولار
وئرمه باش بو ملّتین تعظیمینه اکرامینه
محکم اول داغ تک دایان دوز دالغالی طوفانلارا
دامنونده لاله بسله ئللرین اقوامینه
باشدا طوفان، گوزده چشمه، دلده آه آتشین
دشته وئر گُل‌دن چیچک‌دن زینت ایل بایرامینه
ایلدیریملار قمچیسی دگسه باشوندان صبر ائله
عبرتیله باخ جهانین صبحینه آخشامینه
ای کریمی نامه یاز «انزابی» دیللندیر گوراخ
صحبت یاران مسکّندور گوگل آلامینه



کوزه‌گریم کوزه‌لرون دوز، گونه
چیخارد ئوزون دولاییدان دوز گونه
دوزگون ایشی اگری گلر اگرینون
مین یاشاسین زاوال یوخدی دوزگونه



شیرین خاطره سفردن

بیر گون منه فراغت آلوب روزگاریدن
چیخدوخ غنیمت آلماقا فصل بهاریدن
مین اوچ یوز آتمیش آلتی مه آخر بهار
چیخدوخ مراغه‌دن که گوگلدن سیلاخ غبار
بیر حاجی‌ابراهیم[1] بیزیلن اولدی هم سفر
بیر حاج حسین مربّی و داود دورد نفر
اوّل دوشوب گوگل همدان اشتیاقینه
گئتدوخ ازل او شهر قدیمون سراغینه
وقت اذان مغرب اولوب بخت یاریمیز
وارد اولوب همان همدانه قطاریمیز
سن باور ایله نفت قویولدی چراغیمه
گوردوم گلوب حبیب نظامی سراغیمه
یارب بلا یتورمه اونون مال و جاننه
زحمت چکوب بیزی آپاروب خانماننه
قارداشی اهل فضلیدی بیر عالم خبیر
همنام مرتضائیدی هم شاعر شهیر
فعلاً بو عصریده اونا مانند گلمیوب
افسوس قدرینی همدان اهلی بولمیوب

۱-یاورزاده

علم اصول و فلسفه‌ده یکّه‌تازیدی
فقه و بیان منطقی هم بی‌نیازیدی
ئوز لطفنی یتوردی نظامی نهایته
اولدی دلیل بیزلره سِئیر و سیاحته
بیر شخصیدور غنی‌دی صفات کریمه‌دن
گوستردی بیزلره اثرات قدیمه‌دن
ذوق و صفاسی گورمه‌لیدی گنجنامه‌نین
توصیفنه لیاقتی یوخدور چکامه‌نین
بو گنجنامه واقع اولوب کوهساریده
دسگاه دوشندی منظرهٔ آبشاریده
بو گنجنامه خطّ خشایار شاهیدی
کورانه گر باخوب گئچه‌سن اشتباهیدی
نه نیش و نوش و زحمت و لذت نه داد قالوب
کیملر گلوب بو عالمه کیملردن آد قالوب
بیر خطّ داریوش کبیرین نشانیدی
بیر اخذ عبرت ایلمه‌لی داستانیدی
چوخ سویملیدی منظره اوردا سؤزون جانی
داود فوری شوقله چاق ائتدی قلیانی



بیر سنگ شیر وار اثر عهد ماددور
آثار باستانیدی سنگ مزاردور
گویا او قیز که ائوده قالا بختی باغلانا
عشق آتشینده شام و سحر اَر دییوب یانا

البته ایستیه یته یارین وصالینه
بیر قدر، بال کره، چکه شیرین مثالینه
بیز ملّت اوّلیندن اسیر تجاهلوخ
جادو طلسمه سحره خرافاته مایلوخ
دنیا قباقلییوب بیزی بیز قالمیشوخ دالی
فعلاً یغشمییوب ایچیمیزدن نخود فالی
ئوز دینمیزده یوخدی گوروروسن کشش بیزه
انجیل‌دن دعا یازیر ایمدی کشیش بیزه
وقتنده وئرمروخ گلنه ایلروخ جواب
تاقدان دوشن قووین کیمی تورشار اولار خراب
اوندانصورا داشا گئده‌روخ مطلب آلماقا
فالچی سراغینه گزه‌روخ طاسه سالماقا



گئتدوخ بو کشورین سند افتخارینه
شیخ‌الرئیس بوعلی‌سینا مزارینه
چوخ احترامه قائل اولوب خلق خاکینه
بیر فاتحه نثار ائلدوخ روح پاکینه
سالدیم خیاله غصّه‌لی حال حیاتینی
ایرانلی‌لار عزیز دوتوبلار مماتینی
ایراندا حیف اولا دیرینون یوخدی قیمتی
وقتی که ئولدی آرتاجاق عزّ و شرافتی



گئتدوخ گزه گزه باباطاهر مزارینه
باخدوخ صفالی قبرینه خوش لاله‌زارینه

ساغلیقدا لوت دولاندی یازیق تاپمادی لباس
ایمدی باغی جلالی دگول ئوزگییه قیاس
اشعارینی حبیب نظامی صفائیله
بلبل کیمی ترانه ائدوب خوش صدائیله
گه مثنویّ و دشتی و آهنگ شوریله
قیزلار یغیشدی باشینه وجد و سروریله
اهل هنرده رسمیدی بو ناز اولار مدام
فوراً سسین کسوب اولاری قویدی تشنه‌کام



بیر غار وار بنام علی‌صدر گورمه‌لی
دریا کیمی دولی سوییلان کشتی سورمه‌لی
آغ دُرّ صاف تک سویی وار ایچمه‌لی سرین
بعضی محل دیازیدی بعضیسی چوخ درین
هی فوج فوج خلقی قایقلار ائدیر سوار
غاری دولاندیرولاّ مگر قورتولاندی غار
داود، حاج ابراهیم، حاج حسین، بنده هم مذاق
اوتدوخ قایقدا قلیانی داود ائدوبدی چاق
غارین سیاحتین قوتاروب دلده اشتیاق
حاج شیخ علی نظامیه گلدوخ شاما قوناق
ائتدوخ نماز شامی همان شخصه اقتدا
وئردی اذان مربّی چیخاردوب حزین صدا
لطف ایلیوب خدا آدی بللی کوراوغلیام
هر کس ائشیدجگین آدیمی ائتدی احترام
بش گوندن آرتوخ عزم ائلمیشدوخ یوبانمیاخ
بیر نقطه قالمادی همداندا دولانمیاخ

سرعتله ایلدی همدان گونلری گذر
تا اینکه دوشدی باشه هوای، بابانظر



وار بیر محرّمِ صمدی شخص باوفا
پاکیزه نوحه‌خواندی صداقتلی باصفا
اکرامله آپاردی بیزی کندینه قوناق
اللّه شیرین تفاقین اونون ائتمه‌سین نفاق
هم شاهد محبّتیدی میزبانلیقی
هم مورد توجّهیدی نوحه‌خوانلقی
هیئت واریدی گلدیله بیر جلسه قوردولار
داود سینه‌زن دئدی کند اهلی ووردولار
وئردیم قولاق بابا نظرین داستانینه
تاریخینی یتوردیله هارون زمانینه
بیر مرد باوفا آدی امّید عابدی
تقوا و زهد و عاطفه‌ده عصر زاهدی
ناصر امیدینون آتاسیدی همان جناب
ناصر حماسه‌ساز لَویزان انقلاب
تعریف اولوب بوغاط داغینون ماجرالری
بقراط او یرده کشف ائلمیشدی دوالری
گتدی ماشین بسیج، آپاردی بیزی داغا
چیخدوخ مارال کیمی اوجا داغلار دولانماغا
دوز یرده یول گئدنمین آواره کور چولاخ
ایمدی شوخومدا شیلاّخ آتور بیر ادایه باخ
بیر نئچّه تیر آتیلدی به عنوان احترام
گفتیم مرسی عزّتتان باد مستدام

داغ دامَنی، بلاغ باشی، تازه پنیر چورک
داود، اوتورما قلیانی تئز چاق ائله گورک
القصّه دوسلار ایلدیلر میهمان بیزی
قینرجیه، آپاردی حنیف نوحه‌خوان بیزی
بیر کبله حجّت آدلی مقدّس آتاسی وار
اللّه سوون قیافه‌سی وار خوش نماسی وار
گئتدوخ ناهاره، تپّه‌دیبی، آدلی بیر یره
گوردوخ بو نئچّه کندیده بیر نئچّه خاطره
اوردان مجدداً همدانه ائدوب عدول
ائتدوخ همان گئجه هتل فرشچیده نزول
بلواریده شاما دوشه‌دوخ اشتهائیله
اشعار اوخوندی صحبت اولوندی صفائیله
گوز ایستورم گوره، لونا پارکین، صفاسینی
دل ایستورم دیه گوزل آب و هواسینی
ائتدوخ سحر چاقی همداندان مفارقت
وئردوخ زیارت قُمه رأی موافقت
تاپدوخ جریحهٔ دله راه معالجه
چاتدوخ حضور دختر باب‌الحوائجه
قمدان ماشین دوتوب کاشانا بیز به اتّفاق
گئتدوخ غرض حبیب مربّی‌گیله قوناق
صرف ایلدوخ ناهاری قارینلار خشللنوب
ایستیدی باش آتوب هره بیر یاندا هللنوب
دوشدی سرین ژیانی چیخاتدی حبیب آقا
با هم سرور و وجدیله گئتدوخ دولانماقا

آقا بزرگ مدرسه‌سی باستانیدی
تاریخین الده زنده قالان داستانیدی
چوخ گورمه‌لیدی خطّهٔ کاشاندا باغ فین
بلکه تمام کشور ایراندا باغ فین
انسان باخاندا جوشه گلور خون غیرتی
یاده دوشور امیرکبیرین حکایتی
بیر بیت فارسی شعر یازیلمیشدی دیوارا
معناسی ترکیجه بوئیدی قلب اولور یارا
فکر ائتمیون بو چشمه‌نی آب روانیدی
خشک اولمیان امیرکبیرین بو قانیدی
حسرتلی سرگذشتین ائشیتجک اورک یانور
ملّت یازیق نه خادم و نه خائنین تانور
توت‌صرف اولوندی، چای‌ایچیلوب، قلیان‌اولدی چاق
به‌به بو اتّحاد و مودّت بو اتّفاق
بیرده قییتدوخ عبرتیله دقّت ایلیاخ
آقا بزرگ مدرسه‌سین رؤیت ایلیاخ
ملاّ احمدِ نراقینون اوردا مزاری وار
هم ملاّ مهدی والد والاتباری وار
بیر قبر وار دییولله شاه عباس ثانیدی
جز وجه ذوالجلال هامی شیئی فانیدی
هر کس گلوب بو عرصه‌ده بش گون آتین چالوب
آخر ایتردیقین ایتیروب تاپدیقین تاپوب
دنیای پنج روزه سلیمانه قالمیوب
افراسیابه سام و نریمانه قالمیوب

بو گلستاندا هر گُلین اون گون بهاری وار
هر بلبلین ترانه دالی آه و زاری وار
هر قهرمان گلوب قولونی تولیوب گئدوب
هر پهلوان گلوب قمه‌سین سولیوب گئدوب
نه، دار پایدار و نه حلاّج‌لر قالوب
باشلار دولوبدی خاکیله بوش تاج‌لر قالوب
محمود عمری صرف ایاز ایلین هانی
کاخلاردا نازنین‌لره ناز ایلین هانی
فنجان ناف یاریده مِی نوش ائدن هانی
آلام روزگاری فراموش ائدن هانی



مرحوم فیض مقبره‌سی قبر محتشم
چندین بنای عالی که تفصیل اولار دئسم
بیجا دگول دیولله اورا دار مؤمنین
اهلی مؤدب و متدیّن‌دیلر متین
به‌به غریبه گورمه‌لیدی مسجد حبیب
آثارلر ایچینده تاپولماز اونا رقیب
موسی ابن جعفر اوغلونون عالی مقامی وار
زوّاری وار، مخادمی، وار احترامی وار
ائتدوخ داخی بیر آیری زیارتگاها نگاه
مشهور اورا دیوردیله هارون پنج شاه
گئتدوخ به عزم فاتحه دارالسّلامینه
ذکر ایلدوخ دعا شهدا احترامینه
دوتدوخ او شهریده بابا لؤلؤ سراقینی
بیر فاتحه نثارینه تاپدوخ رواقینی

سو سپدی شیعه‌نین اوره‌گینده زبانیه
گیردیردی شوشقاسین بابا پَهلویِ ثانیه
کاشاندان تهیّه بلیط اولدی طهرانا
تقریباً اوچ ساحات قَدَری یولدی طهرانا
قیلدوخ نماز صبحی حاضرلاشدی قافله
گتدی بیزی گاراژه مربّی ژیانله
کاشاندان چیخاندا یوخی دولدیروب گوزی
طهرانه آز قالاندا اویاندیم سؤزون دوزی
امّا حاج ابراهیم او قدر یاتدی یوخلادی
اوچ یولداشین اوچونده ماشاءاللّه قباخلادی
طهراندا قالماقا یوخیدی چون اراده‌میز
بیر ساعت اولدی اوردا فقط استفاده‌میز
فکریم بوئیدی تئز یتیشاخ اصل مقصده
قویدوخ سوپردولوکسیلا یوز سمت مشهده
بیر ذرّه بولمدوخ یولون آزار و زحمتین
بیر عمریله دگشمزیدوخ بیرجه ساعتین
یولداش جور اولسا یول آدامی خسته ایلمز
اهل دلیله باهم اولان خون دل یِمز
داود او قدری ایلدی چیمدیک حواله‌سی
تئزتئز مربّی‌نون اوجالوب آه و ناله‌سی
یولداش پیس اولسا گون گوزیوه لیل تار اولار
دادلی مسافرت دولانار زهرمار اولار
بد گئچسه عمر نیم نفس چوخدی آز دگول
هر سو که شخصی بوغدی دریندی دیاز دگول

خوش گون قرالدار آغ توکی عمری ائدر جوان
بد گون قرا توکی آغادوب قدّ ائدر کمان
خوش گون همیشه قلبی آچار غصّه‌نی آتار
بولمزدوخ هئچ نوقت چیخار گون هاچان باتار
سمناندا ساخلادی ماشینی نصفهٔ نهار
اوّل نماز قیلوب صورا صرف ایلدوخ ناهار
روحه صفا یتیردی بو گشت و گذاریده
دوشدی نمازه شام یماقا سبزواریده
ساعت یاریم قالوردی وئریلسین اذان صبح
شهر امام هشتمه یتدوخ زمان صبح
باغ بهشته جلوه وئرور مشهدالرضا
انسان دگول او بقعه‌دن آیریلماقا رضا
قندیل و چلچراغ و شبستان و غرفه‌سی
اوردان عروج ائدیر گویه ذکر و دعا سسی
باب کَرَمدی شیعه‌لره آستانه‌سی
جود و سخاده جَدّی علینون نشانه‌سی
مین‌اوچ یوز ایلدی زنده‌دی ذکر مصیبتی
مظلوم ئولوبدی گون به گون آرتور جلالتی
لعنیله یاد ائدر هامی مأمون قاتلی
انسانی نفس قویسا سِئچر حقّ و باطلی
دوشدوخ هتل نکوده که چوخ باصفائیدی
یخچال کولر حمام هاموسی جابجائیدی
هر یرده قارنی راضی ائدردوخ سؤزین دوزی
گاهی چلوکباب ییردوخ گهی دیزی

قالدوخ بش آلتی گون قوناق اولدوخ او حضرته
هر صبح و شام نایل اولاردوخ زیارته
اوردان فراهم اولمادی طیّاره طهرانا
گلدوخ ماشینلا یوردی گتوردی بیزی جانا
طهرانین افتضاحی گئچوبدور حسابدن
جمعیّتی چیخوب داخی حدّ نصابدن
دود قازول وئروبدی کثافت هواسینه
افغانلی‌لار سیچوبلا بو شهرین صفاسینه
بی‌عرضه‌لردی بوشلیوب ئوز آب و خاکینی
بی غیرب ئوزگه توپراقنون اولدی ساکینی
خلقه گئدر قوناق آلا گوز نازلی چاتما قاش
اما گلر بیزه دابانی کیرلی یاره باش
طهراندن مراغیه تا ایلدوخ خرام
راننده آشنائیدی چوخ ائتدی احترام
گلدوخ علی‌الصّباح یتیشدوخ مراغیه
گون داغلارا دوشن کیمی دوشدوخ مراغیه
اولمیش مراغه روز ازلدن وطن منه
حُبّ‌الوطن وظیفه‌دی هر باره‌دن منه
گر چه بو شهریده سخیلوب یا بوغولمیشام
ترک ائتمرم بو شهری که بوردا دوغولمیشام
تا وار الونده نعمت فرصت کریمیا
خاموش اوتورما ایله سیاحت کریمیا
وقتینده وور شکاری که بعداً ورانماسان
بیر گون گلر عصائیله یردن دورانماسان

قارداشیم رحیمون سربازلیق خاطره‌سی

بو سنگر ایچره غریبم ملول و بیچاره
گوروشومه گلن آرپیچ هفت و خمپاره



یولوم اوزاقدی ولی قلب چوخ یاخیندی سیزه
سیزیلتیم ایلر اذیت تمام همکاره
رفیق، نوری، محرّم، حسینیله، محمود
حسندی، میرزاقا دوستوم جوان مهپاره
هوانین ایستیسی گولله سسی قراریم آلوب
داش اُستی قورخولی سنگرده یانمیشوخ ناره
گونوزلر ایستی گئجه میغمیغا اذیت ائدیر
ئوزون خیال ائله گور کیم دُوزر بو آزاره
اولوبدی مسکنمیز جبههٔ قلاویزان
عراق قلبینه وورّوخ همیشه بیز یاره
یانور چراغلاری زرباطیه خیابانی‌نون
عراق سمتنه هردم ائدنده نظّاره
نوار مرزیده مستحکموخ اوجا داغ تک
که ذرّه وئرمروخ امکان بو قوم اشراره
او قدری جنگ ائده‌روخ تا که پاتدیا صدّام
یا ال چکوب قاچا یا کیم چکه ئوزون داره

نقدری وار قانمیز جبهه‌ده تلاش ائده‌روخ
آچاخ او کرب‌وبلانین یولین بو زوّاره
خلاصه عرض سلام ایله والده خانما
حسنله، زرّینه بیرده سعید کم کاره
خصوص زنداداشا داودا عطیّه‌سینه
عطانه شهلا مجید و ودود پاسداره
منیم وریمدن اُپون سیز اوشاقلارین یوزینی
سلام محمّد و مسعودیله وفاداره
سریّه باجیما بیرده سریّه خواهریمه
باج اوغلی ناصره بهرامه یار و انصاره
تمام دوسلارا تک‌تک سلامیمی یتورون
دعا ائدون نماز اوستهٔ رحیم سرکاره

قارداشیما جواب

صبا بو محنت جانسوزیمه سن ائت چاره
دولان گذاریوی سال جبهه‌های پیکاره
یتور سلامیمی رزمندگان اسلامه
بسیجه، ارتشه، القصه جمله پاسداره
دولان تمامی سنگرلری تفحّص ائله
یتور بو نامه‌نی مندن رحیم سرکاره

دئنه رحیم عزیزیم داریخما غربتده
گلر او گون اولی تبدیل هجر دیداره
یامان گونون آز اولار عمری اولما ناراحت
فقط توکّلیوی باغلا حیّ و غفّاره
یتیشدی نامه‌ن اورکدن ملالی ائتدی کنار
گوگل آچیلدی گوزوم دوشجاقین او طوماره
چوخ ایستی اولسا یرون یاده‌سال بو ایل‌کی قیشی
باخانمور ایمدی‌ده دونمیش گوزوم بوزا قاره
نه نفت تاپولدی نه گاز نه گازول آمان اللّه
نه اِرته‌لی اودون آلدوخ باسیدوخ انباره
بو طبع شعر بیزه ارثیدور آتا بابادان
وئر اشتیاقیله رونق بو طبع سرشاره
مقام شعر مقام بلند و بالادی
ادبلی طایفه قیمت وئرلله اشعاره
خلاصه وئرمیون آنجاق مجال صدّامه
او قدری قالموری چکسین یازیق ئوزین داره
توکون صلابتله گولله دشمنین باشینا
آماندی باغلیون اتباع کفری رگباره
دولوبدی وحشتویز جانینه عراقلی‌لارین
سسوز گلنده سالولاّر تومانه خمپاره

جوانه خاطره‌دی جاودانه سربازلیق
که آزموده ائدر شخصی سهل و دشواره
جواب نامه‌وی یازدیم سنون سه‌شنبه گونی
اوروجلوقین ایکیسی آز قالوردی افطاره
پولون قوتولسا و یا ئوزگه سؤز موزون اولسا
اوتانما یاز منه غربتده قالما آواره
مه‌مه ییندن ائو اهلی په‌په یینه کیمی
خلاصه عرض سلام ایلوری او سرکاره
یتور سلامیمی همسنگران محترمه
خدا ئوزی سیزه اولسون معین همواره
غلوّ ائدوب داخی صدّام مرگی حتمی‌دور
که سرنگون اولار اولسا بلند فوّاره
کریمیا ئوزی ئوز دیننه کومکدی خدا
بو دینه کج باخان آخر اولار یوزی قاره



ئوز سرگذشتیم

هزار شکر خداوند حیّ و یکتایه
بقادن اُتری بشر گوندوبدی دنیایه
لسان غیبه اَلَستُ بِرَبّکُم جاری
ائدنده آلدی بشردن عبادت اقراری
بو قصدیله ائده کَنزِ خفیّه‌سین اظهار
یاراتدی آدمی اوز لطفین ایلدی سرشار
عطا ائدوب بشره فهم و عقل و نطق و شعور
تصرّفینده قویوب بحر و بر، وحوش و طیور
ائدوب بیر عدّه‌نی اوّلده طیّب و طاهر
دگولله رجسیله آلوده باطن و ظاهر
قویوبدی عَبدی اَطِعنی مقابلینده جنان
جهنّمی ائلیوب مشرکه محلّ مکان
وئروب بیر عدّیه قدرت ملک سیاقینده
مینه بُراقه گئده سیر عرش طاقینده
بیر عده یول تاپوب اسرار قاب قوسینه
رموز کُنْ فَیَکُونِ کُنوزِ کونینه
بیر عده علم‌ده ماهر بیر عده صنعتده
بیر عدّه فنّیده بیر عدّه زور و قوّتده
بیرینی علم و ریاضت ائدوبدی علاّمه
بیرینون علمینه ایلور آغیرلیق عمّامه

بیری شکاره گئدیر شیریله ائدیر جنگی
بیرینه خوخ ائلینده قفللنیر انگی
بیری سالور جینی تسخیره رام ائدیر ئوزینه
قره پشیک بیرینون جن کیمی دگور گوزینه
بیری فقیهیدی زحمت چکوب رساله یازار
بیری‌ده شاعر اولوب من کیمی مقاله یازار
کساد اولاندا الی بوش قالاندا سلمانی
هَوَسلَر ئوز باشینی قخماقا سؤزین جانی
منیمده چون بازاریم لنگیدور الیم بوشدی
اگر ئوزوم یازام ئوز سرگذشتیمی خوشدی
حیات عاریه اعتبار یوخ زینهار
شناسنامه‌دی مندن بو یازدیقیم اشعار
آدیم، «حسین، دی نسبت کریمی» شهرتدی
مراغه زادگهیمدی گوزل سکونتدی
آتام «محمّدعلی» نام، مرد شاعریدی
ئوزی مفسّر قرآن لقب‌ده «ذاکریدی»
آنام «فرنگیسیدی» صالحه بیر عورتیدی
حسینه عاشقیدی چوخ ایشی عبادتیدی
اگر چه دنیا مالیندان آتام الی بوشودی
ولیک فضل و کمال و ادبله سرخوشودی
کچیک بیر ائو اونا بیر باصفا عمارتیدی
گونوز کاسبلیق ائدوب شب او ائوده راحتیدی
واریدی اوندا گَنِش قلب، همّت عالی
دولیدی وجد سروریله غصّه‌دن خالی

قازانجی ال قاباریلان چیخاردی پر برکت
بدنده قان کیمی ایلردی دائماً حرکت
مین اوچ یوز اوندا، اونا مرحمت خدا ائلدی
منی آتا آناما هم‌نفس عطا ائلدی
بوگوتدیلر منی زحمتله مهد عزّتده
چکردیلر نازیمی منتهای زحمتده
یتنده بش یاشیما مقتضای دوراندان
یواش یواش منه درس اورگدوبله قرآندان
چتین کیشی تاپولاردی او استقامتده
گونوز بازاردا، گئجه شعریده، عبادتده
الینده دفتر شعری آچاردی باغلاردی
حسینه نوحه یازاردی یازاندا آغلاردی
حسینه عاشقیدی اعتقادی کاملیدی
امور شرعنه قاصر دگولدی عاملیدی
مصیبتی که منی سیخدی یدّی یاشیمدن
گوز آغریسیدی که آلمیشدی هوش باشیمدن
همان گوز آغریسی اولدی سبب بو نقصانه
گئدنمدیم من اوشاقلار کیمی دبستانه
آتام مواظب اولوب درسیمه کتابتیمه
اصول دینیمه تکلیفمه قرائتیمه
گونه باخاندا آخاردی گوزوم یاشی یوزیمه
او تاچی، قالمادی تا میلچی سوخماسین گوزومه
مراغه‌ده، اوتاچی ،بیر نئچه خانم واریدی
مطب‌لری اوتوروب یاتدیقی اوطاقلاریدی

نئچه دویونچک ایچینده نئچه رقم توزیدی
او، توز که چوخ گوزه ایشلردی رنگی قرمزیدی
اولاندا آخشام او ائولر دولاردی مالامال
گلردی مشتری‌لر گوزلرینده بیر دسمال
الی یوزی بویاناردی او قرمزی داوادان
داواسی ماینه‌سی بش قران ائوون آبادان
اوشاق زریلتسی آرواد سسی حیطده مدام
نئچه مطبّ دیرسن قدیم زنانه حمام
یادیمدادور که الیمدن یاپوشدی بیر گون آتام
اوتاچی‌دان گتوروردی منی ائوه آخشام
گلوبدی بیر داش اودم آننما دگوب پرّان
لباسیم عینکیم آلقانله اولوب الوان
خدا نخواسته گر گلسه بد بد اوستوندن
وورالاّ تریکی بدبخته حد حد اوستوندن
یتیشدی بیر خانم ال آتدی چرقتین جیردی
چکوبدی کبریتی فی‌الفور قاره یاندیردی
نجابتین وسط کوچه‌ده عیان ائلدی
یوویب قانی یارامی فوری پانسمان ائلدی
کچل باشین نه دوامی، شوشک سالان دولویا
قدیم مثلدی ولی توش گلر چوماق چولویا
فلک همیشه س.....مش فقیرین هر نه وارین
گلنده قورد آپارار تک داوارلینین داوارین



یتیشدیم اون یاشیما اون بهاریم اولدی خزان
آنام وفات ائلدی سیزدهم رمضان

جوان ئولوب او قرا گونده قالماق ایستمدی
او قدری زحمتیمی چکدی بهره‌می یِمدی
هواده غم بولودی کولگه ائمّیزه سالدی
حکیمه آدلی باجیم طفلکن یتیم قالدی
پرستار اولمادی بیچاره گون به گون سولدی
اوچ آی قالوب اودا آخرده غصّه مرگ اولدی
آتام گئدردی سحر کسب‌وکاره بازاره
منی قویاردی یازیق کوچه‌لرده آواره
آتام گلینجه فقط دیزلریم قوجاخلاردیم
یاتاردیم آستانادا اوردا بوردا یوخلاردیم
چکردی نازیمی همسایه‌لر محبتیله
لباسیمی عوض ایلردیلر نظافتیله
منیم حالیم آتامی بسکه دل‌فکار ائلدی
نجیبه بیر خانم آخرده اختیار ائلدی
دوباره کلبۀ احزان سروریله دولدی
همان خانم ئوز آتام تک منه رئوف اولدی
رضای حقّی همیشه رعایت ایلردی
باساردی باغرینا دائم اُپردی ایگلردی
اون اوچ یاشیمدان ایاقیم آچیلدی بازاره
قازاشدان اُتری وراردیم ئوزیمی هر کاره
بو فکریله آتامیندا نواقصی دوزه‌له
که هر گون آلتی قران بش قران سالاردیم اله
او گونده آلتی قران رفع حاجت ایلردی
گورردی قندی چایی هفدرم ات ایلردی

وئرردیک اون شاهی بش گونده بیر چرک نفته
ایکی قرانلیق آلاندا گورردی اوچ هفته
کاسبلیقون یوزی یانسین که دنیادان دویدوم
همین مراغه‌ده هر کوزه گلدی قوپ قویدوم
یر اوسته قالمادی بیر یر اوزاتمیام باشیمی
گو آتدا قالمادی بیر قوش که آتمیام داشیمی
بازاردا هی علی بورکون قویوب ولی باشینا
واردیم عشقله جان شیشه‌سین جفا داشینا
او سخت وضعله لطف ایلیوب منه اللّه
گلوب تلاطمه طبعیم جوشاردی گاه به گاه
ولیک ذهنمه هر سؤز گلوب یازاردیم من
نشان وئرردیم آتامه دیردی چوخ احسن
آتاردی چوخلاری اطرافدن کمند منه
که پول و پستله وورسونلا دستبند منه
آتام دیردی اوغول هر ایش اولدی عار ائتمه
ولی رذالتیله ذلّت آلتینا گئتمه
آماندی میلوی چوخ سالما میزیله قلمه
حلال ائتمرم اولسان حقوقی ظلمه
او قدری گئچمدی گلدی ایش اوسته«پیشه‌وری»
عزیزیدی کیمون اولسیدی شعریده هنری
آتا بالا ایکیمیز عزلت اختیار ائلدوخ
مراغه‌نی بوراخوب کتلره فرار ائلدوخ
نه فرقیه نه متینگه گئدوب نه کارت آلدوخ
اولاردا بیر گونودی گوردوخ ئولمدوخ قالدوخ

امور تربیتیمده آتام مواظبیدی
آتایدی هم منه اوستاد و هم مصاحبیدی
ائدردی هی منی ارشاد هر مسائیلده
چکردی هی گوزه تشویقله محافلده
اونون نظارتی اشعاریمه وئروب ترویج
یتیشدی ییرمی بیره سنّیم ایلدیم تزویج
هزار و سیصد و هفتاد و چارم قمری
او ازدواجین اولوب داود اوّلین ثمری
علاوه دورد اوغول احسان ائدوب منه اللّه
مجید، ودودیله، مسعود، هم عطاءاللّه
خدا او بیر باجینون صبر مرگینه پاداش
عنایتاً منه دورد باجی وئردی بش قارداش
سریّه بیرده صفیّه منیره، منصوره
تمام دوردیده صاحب حیا و مستوره
کریم، رحیم، و محمّد، سعید، و بیرده حسن
که هر بشی سبب افتخار و مُستحسن
پس از مشاغل بسیار و شعر و نقّالی
بیز افتتاح ائلدوخ بیر دکان بقّالی
زبسکه جامعه شعریمدن ائتدی استقبال
دوتوبدی شهرتیم آذربایجانی مالامال
هزار شکر خداوند زمزم و بیته
یتورمیشم بو گون اشعاری اللی مین بیته
هزار و سیصدوسی و شش به همّت عالی
کتابفروشیه تبدیل اولوندی بقّالی

دوزوب نشیب و فرازیله گرم و سرمایه
خدا کرامت ائدوب بیر حلال سرمایه
هزارو سیصدوچهل هشت اولدی چوخ خفقان
بوتون کتابلاری جمع ائتدی دولت ایران
ائله مسلّطیدی سازمان امنیّت
دینوب دانشماقا بیر کسده قالمادی قدرت
یغیشدی دینی سیاسی کتابلار هر نه که وار
مجلّهٔ زن روز اولدی رایج بازار
گئدوب کتابخانالار رایج اولدی میخانه
اروپانین مودی سوقات گلدی ایرانه
خانملار ایلدیلر چادرا چرشابی حرّاج
آچوخ سینه، مینی‌ژوب، قسّا دون تاپوبدی رواج
یتیشدی بیر یره ایش ظهر وقتی طهراندا
کیشی دوتوب خانمی زورلادی خیاباندا
پیشیک کیمی قجیدوب بختور دیشین دیشینه
پیاده رودا یخوب آروادی باخوب ایشینه



هزار و سیصد و پنجاه و چار خورشیدی
بهار عیشیمه اسدی سموم نومیدی
زمان عیشیمی ماتم، غم، ائتدی عشرتیمی
آلوب آتامی الیمدن چوخاتدی محنتیمی
الیمی سوز تأسّفله بیربیره چالدیم
بئله خیال ائلدیم بو جهاندا تک قالدیم
سفر رفیقی، مغازه انیسی، اوستادیم
مراد و مرشد و پیریم دلیل ارشادیم

ولی چه فایده آه و فسوس بیجادن
قیتمیوب بیری تا حال او بیرسی دنیادن
اولوب منه بیوک اوغلوم تشفّی خاطر
ئوزوم سوون کیمی ائتدی مغازه‌نی دایر
نئجه که من آتاما احترامه قائلیدیم
اودا منه اوجور اولدی اوجور که مایلیدیم
بشر ئوز اکدیقین آخر دَرَر ورار ماشینا
قاشیقینا چیخاجاق هر نه که سالوب آشینا
بیری آتاسینا ساغلیقدا ائتمسه خدمت
دوشوندورون اونی اوغلوندان اومماسین حرمت
هزارو سیصدو پنجاه و شش قوپوب طوفان
علیه شاهه قیام ائتدی ملّت ایران
یاخینلاشوب گئچه مین اوچ یوز اللی‌دن یدّی
بوراخدی مملکتی تاج و تختی شاه گئتدی
فساد و فتنه و ظلمه دوام ائدن ملّت
خلاص اولوب بوش الیله قیام ائدن ملّت
شهید وئردیله قان وئردیلر کیشی آرواد
تمام سلطه‌دن ایرانی ائتدیلر آزاد
قلم‌لر ایشلدی آزاد اولوبدی مطبوعات
آچیلدی مکتب قرآنه راه تبلیغات
خلاصه گلدی ایش اوسته خمینی روح خدا
ئولن شریعتی سعی ائتدی ایلسون احیا
جهانه شور سالوب انقلاب اسلامی
اولوب خانملارا زینت حجاب اسلامی

یغیشدی میخانالار باغلانوب زناخانه
نه قالدی مرضیه نه دلکش و نه فتّانه
آچیلدی باب مساجد دوشندی بند و بساط
ییغیشدیروب قاپوسین باغلادی «بارین سونباط»
جهانه مژدهٔ جاءَ الْحَق انتشار اولدی
نتیجتاً زهَقَ الباطل آشکار اولدی
اولوبدی مملکت آسوده خائنین قویسا
اگر بیر عدّه ریاست‌طلب ییوب دویسا
اگر نفاقدن ال چکساخ اتّحادیله
یاتیرداروخ علم کفری اعتقادیله
ولی بیزیم باشمیز عادت ایلیوب قاراغا
بو عادتی که بیزیم وار چتین دوشاخ قاباغا
هزار و سیصد و سه فصل تابستان
بو شرح حالی قلم اختصاراً ائتدی بیان
ساغام بوگون گون همین گوندی دم همین دمدی
بش اوغلوم اوچ گلینیم اوچ نَوه‌م مسلّمدی
خدایه شکر بوگون واردی اللی اوچ یاشیم
قرا توکی یتیروب نصفه سقّلیم باشیم
فقط بو مسئلتیم واردی حیّ یکتادن
یوزی قرا الی بوش گئتمیم بو دنیادن
ائمّه‌دن بیزیم امّیدیمیز شفاعتدی
آقام حسین منه نوکر دئسه کفایتدی
گوله گوله گئده‌رم حال احتضاریمده
عزیز فاطمه‌نی گورسم ئوز کناریمده
یولوم اوزاق یوک آغیر نه هماش نه توشهٔ راه
الٰهی نَسئلُکَ بِالحُسَینِ یا اللّه

قوجالاندا

عنتیقه اولار دهریده هر زاد قوجالاندا
شاگرده بیوک غصّه‌دی اوستاد قوجالاندا
ناصح‌دن اوغول ایله جوانلیقدا ذخیره
بیر پاره نصیحت که وئرر داد قوجالاندا
تا اینکه جوانسان ئوزون ائت دردیوه چاره
فکر ائتمه الوندن دوتار اولاد قوجالاندا
اولادون اگر صالح اولا قیمته گلمز
باخدوخجا ائدر خاطریوی شاد قوجالاندا
گر ناخلف اولسا قویاجاقدور سنی یالقوز
بیر دفعه سنی ائتمیه‌جاق یاد قوجالاندا
صیّادین اگر گوگلی شکار ایستر همیشه
افسوس آتانماز اوخی صیّاد قوجالاندا
جانانله جانا ایکی جان بیر قالب اولسان
حتماً بونی بول یار اولاجاق یاد قوجالاندا
پیر اولسا اولار ضیرناچی بیچاره، دیلنچی
باددان گلنی چون آپارار باد قوجالاندا
گر چه کیشینین‌ده قوجاسی هئچ زادا دگمز
اونداندا قالار پیس گونه آرواد قوجالاندا

د....لر یاتار، اوردی باتار، اخلاق اولی فاسد
هر حسنی گئدر، بیرجه قالار آد قوجالاندا
بنزر آغ آتین قویروقونا سویمه‌لی ساچلار
قوندوز چیخادار قامت شمشاد قوجالاندا
بیر عدّه اویونباز هر اویوندان قوتولاندا
مسجدده سالار دادیله بیداد قوجالاندا
سیرتده اولان شمر و سنانیله برابر
صورتده اولار بوذر و مقداد قوجالاندا
احسن او جوانه ییغا سرمایهٔ عمری
باخدوقجا پس‌اندازه اولا شاد قوجالاندا
بدبخت او جواندی ساتا عیّاشلیقا وقتین
وقتی که یورولدی اولا معتاد قوجالاندا
گئتدوخجا کریمی‌نین اولار سؤزلری شیرین
قابل پیشیرر شیرنینی قنّاد قوجالاندا

گلایه از رفقاکه به دریا رفته بودند

رفقا دریادا، گیرم سیزه صاق صول دوزومیش
چون «کریمی» یوخومیش مجلسیویز دوزسوزومیش
ایکی ساعت ماشینی ساخلامادوز من یتورم
دیه‌سن، طاهرینین، پیکانی بی تورموزیمیش
«پاشازاده» گئچه فرمان دالینا داو گوتورر
تله‌سوب، قاچماقی ار تشنه‌سی قیزمیش قیزیمیش
قاپیدان بیر سوروشیدوز یریمی منزلیمی
قوخدوز آیا خراب اولسون یوکوویز قارپزیمیش
ایستی چای ایستی کباب ایستی چادر ایستی هوا
منیم ایستی نفسیم‌سیز ائله محفل بوزیمیش
تک دگول تک منیله گئتسه «باریشماز» سفره
یوز نفرله سفره چیخسا گینه یالقوزیمیش
پیرسیز گئتمه خراباته عزیزیم چاشاسان
پند پیرانه حریره سریلن یارپوزیمیش
گوگلوز اولسیدی یول اُستن گوتورردوز منی‌ده
مستدوز یا گوزیویز ایشلمدی یول توزیمیش
هله «عاصی» غزلینده تازا تشخیص وئرور
خانمون آرمی انار و آقانین کی موزیمیش
سوله «پیمانه» که پیمانه‌نی سیندیرما اوغول
دامن پیر مغاندان یاپوشان پیروزیمیش

بابا «آیدین» نه بیلور دریانین اعمالی ندور
کیم بولور گردکانین ترکجه آدی قوزیمیش
بیرده من‌سیز چیخاسوز سِیره داخی بوشلامارام
بو سیزون خاطروز، انشاءاللّه ائله مورقوزیمیش[۱]
چکرم هُو آلارام شاخ نفیری الیمه
سسلنده گوره‌سوز بوینوز عجب بوینوزیمیش
گلی بیر گون که کریمی آدی گلجک دیه‌سوز
آسمان ادبیّاتده بیر اولدوزیمیش

جواب از آقای داود «عاصی»

دریادا گر چه کریمی یوخودی بیر گیریمیز
یادا سالدوخ سنی اللّه بولوری هر بیریمیز
سنی مدح ایلمیشم مردمه ذمّ ایلمیرم
سن بیزیم جنگل مولامیزه غرّان شیریمیز
ای کریمی دئمه ناقصدی بیزیم تجربه‌میز
بیزه صاحب دورا بولمور او مصاحب پیریمیز
سن بولورسن که چورک یاپماقا تندیر قالانار
یوخیدون سن ائله بول هئچ یوخودی تندیریمیز
چوخ دولاندیخ که تاپاخ فیض وجودوندن اثر
تاپمادیق حضرتوی یدّی نفردن بیریمیز

۱-اشاره به «انشاءللّه گریه می‌شود»

قزیلیلا قیزیلین فرقینی عاصی قانیری
لیره‌نین گیرده هِیین قاپدیلا قالدی لیریمیز
بیر قازان شوربانی قیزدیردیلا باسدیق خشییه
هم مالاقا سنی یاد ایلدی هم کفگیریمیز
یدی پیمان و بارشمازیله آیدین کوپدی
یان یانا یاتدی پاشازاده‌ئیله طاهریمیز
خوشودوخ بیز چکه‌سن سن بیزی ئوز زنجیریوه
ایله بول دشمن الینده قالاجاق زنجیریمیز
کاش دریاده اولیدون بو کمانکش‌لریله
حیف سن اولمادون اوغلان داشه دگدی تیریمیز
بیر پارا جولیک اوشاق تک ائله قاتدوخ کلاسی
چیخدوخ آنجاق هر اویوندان یوخودی مُبصریمیز
بو زمانین یوزی یانسین ائله غربیلله‌دی کیم
نه بیزیم نارینیمیز قالدی نه‌ده بیر ایریمیز
بابامیز آدمه اوّلده کلک قوردی فلک
باخیرام اوّلیمیزدن گورونور آخریمیز
گونیّ گوندن گورورم وضعلر آشفته‌لنور
سؤزی بیلدیر، کی بو ایل‌دن خوشودی بیلدیریمیز
گلمه‌میشدن قیش هله غصّه دولوب قارنیمیزا
گینه بیلدیرکی کیمی بوش قالاجاق تانکریمیز
خاکه یوخ کرسی سویوخ ابر دوشک ابر بالش
ایکی یاندان گاز اُتورسک گینه قیزماز یریمیز

غم ناقیل‌لاری یازیلسا ایکی‌مین‌دن‌ده گئچر
اوزادوبدور گئجه دستانلارینی مین بیریمیز

او قدر چرک و کثافات زمان باسدی بیزی
سهلیدی اورمیه، عمّاندادا گئتمز کیریمیز

امتحانلار یاغیشی یاغسا باخانلار گوره‌جاق
که اویاندان کیریمیز گئتدی بویاندان شیریمیز

وطن اولادینی جدّیّته ترغیب ائلیون
دوشمانین باغرینی یارسین اوجالان تکبیریمیز

دُؤزه‌روخ زحمته ذلّتلی معاش ایستمروخ
قویماروخ لکّهٔ ننگین اولا دامنگیریمیز

خارجی توطئه‌لردن یوخودی وحشتیمیز
قویمادی داخله ریگانلاریمیز کارتریمیز

الغرض قافله‌میز صبح چیخوب دوشدی یولا
گلمدی قافله‌سالار اکیلدی میریمیز

بولورم بیر نئچه ایلدن صورا دنیا قدری
سنه تعظیم ائده‌جک هم ئولومیز هم دیریمیز

پاشازاده سنه خاطر گتیمیشدی قلیان
نه میلابین تاپا بیلدوخ نه‌ده قالدی تیریمیز

قورگیلان محکمهٔ عدلینی تا بیللنسین
دادگاه مدنیّت‌ده نه‌دور تعزیریمیز

انجمن‌لر ادبی اولسا محبّت چوخالار
قوی گوراخ بیر سلف ایچده نه اولار تأثیریمیز

ساعت بشده چیخان دوقّوزا دریایه چاتوب
دورد ساعات چکدی بیزیم اندیریمیز میندیریمیز
سن گئدوبسن چمداندان م....دان آختاریسان
بیزیلن گلمزیدون چون یوخیدی ل......یمیز
گلی بیر گونده که عاصی ایچیویزدن یوخ اولار
سؤز دوشنده دیه‌سوز حیف او گوزل شاعریمیز

نصیحت

اوغول دنیاده دوز یول گئت یخیلما
یخیلساندا مذمّتدن سیخیلما
خطر پیشامد ائتسه ئوز یولوندا
قضادندی ئولوبسن دوز یولوندا



اورکلر اول اورکلرده مکان وئر
ئوز ئوزووه اورکلرده مکان وئر
آغاج کیمی بار گَتدیکجه باشون اگ
داش آتانا بادام وئر گردکان وئر



قورخولی یوخی

باشلامیشدیم گئجه جنگ و جدل عزرائیلیلن
اوجالاندی سسیمیز ماحصل عزرائیلیلن



دئدیم اوغلان نیه خلقین اورگین قان ائدیسن
یتوسن هر کسه بدبخت و پریشان ائدیسن
هئچ بولورسن نقدر ائولری ویران ائدیسن
سن ملک سن ملک آخر بئله طغیان ائلمز
آدینی بنده قویان گونده اوتوز قان ائلمز
قارداشیمسان بولوسن هئچ نه اویوندان چیخیسان
کوک آریق خردا بیوک هاردا دوتورسان ییخیسان
یوخدی رحمون یاپیشوب خرخراسیندان سیخیسان
نه گوزه گورسنوسن نه یریوی بولدوروسن
خلقی اللّه یارادیر سن دوتوسان ئولدوروسن
هر کسین ایستوری آغزی یته عالمده آشا
زندگانلیقدا بیر آزماز الینه مال دولاشا
ووروسان شیشهٔ آمالینی فی‌الفور داشا
قونوسان سینه‌سینه دول قویوسان آروادینی
ائدیسن مفلس الیندن آلیسان هر زادینی
کیشی مین زحمتله بانگدان آلور شوقله وام
ایکی اوچ ایلده دوزلدیر ئوزینه بیر بالا دام
قویمیسان هئچ هله بانگین اولا اقساطی تمام
هله رنگی قالوری شسته‌سی تازه وریلور
تازا دامدا یازیقا شام غریبان قوریلور

بیرینی ائوده دوتورسان بیرینی مدرسه‌ده
ئوزیوه یاخشی بیر ایش تاپ بو نه عادتدی گئده
خلقی بدبخت ائلدون نه نه‌نه قویدون نه دده
بیرینی حجلهٔ دامادی‌ده ناکام ائدیسن
ئوزیوی خلقین ایچینده نیه بدنام ائدیسن
باراک الله نه دیوم قارداشون اسرافیله من
نقدر وار نفسیم عبدم او جبرائیله من
گُلدن آرتیق دئمرم بیر سؤز او میکائیله من
هئچ بیریندن اولارین اینجیمیوب مردیله زن
بولمورم سن نیه قارداشلاریوا چکمه‌میسن
گیریسن هانسی ائوه اهلینی آغلار قویوسان
آتانین یا آنانین قلبینه داغلار قویوسان
قدمون شومیدی چوخ قاپلاری باغلار قویوسان
قورخو یوخ سنده نه منصب سایوسان نه درجه
یوخدی تعطیلون ایشونده گونوز اولسون یا گئجه
باری جان اوغروسی اولما گلیسن مالدان آپار
بوغدادان پسته بادامدان کره‌دن بالدان آپار
بوشلا دولتلینی دوت فعله‌دن حمّالدان آپار
بو ولایتده گوروِرسن کاسبون ارزشی یوخ
هاموسی جانه دویوب پول یوخ الینده ایشی یوخ
ئولمه‌لی کبله غضنفردی یاتور تک گئجه‌لر
چالوری صبحه تک آج قارننا دونبک گئجه‌لر
یوخودا قیز یرینه اوینادیر ائشّگ گئجه‌لر
خاکه یوخ کرسی سویوخ جوجه کیمی تتریر اسیر
سایوری آی گونونی ئولماقا چوخ چوخ تله‌سیر

ئولمه‌لی بُرجعلی ذی بورجون ایچینده چابالیر
دامی یوخدی کراکشلیق یازیقین جانین آلیر
چورک آتلی بو پیاده او قاچور بو قووالیر
گونده اون یول سنی سسلور اونی گوش ایلموسن
ئولدیرورسن حاجی شهباز خانی هوش ایلموسن
بیری هر گون ئوزینه یوز ئولوم ایستور گوروسن
اُتورورسن اونی بیر میلیانری ئولدوروسن
نه تعارف بیلیسن ذرّه نه مهلت وئروسن
ناز و غمزه قر و فر عشوه قبول ایلموسن
یالواروللاّ نقدر رشوه قبول ایلموسن
نه آخوندی سایبسان نه قاضینی نه کشیشی
بیر نگاهیله ییخورسان لوطونی چاقّوکشی
قویموسان چوخلارینون سنّی گئچه اللی بشی
سیندیرورسان قمه‌سین الدن آلورسان چوماقین
داغیدیرسان تفاقین خاموش ائدیرسن چراغین
ایمدی کلیّه اموراتیده خلقین روشی
رشوه‌دور رشوه که رشویلن آشور خلقین ایشی
نیه الدن وئریسن بو یکه‌لیقدا بیر ایشی
اون‌مین آل فعله‌نی باس توپراقا اعیان یرینه
پینه‌چی قربانی ئولدیر حاجی قربان یرینه
نه عجب ایمدیه تک هئچ پولا تولانمامیسان
اسکناسین گورورم لذّتینی قانمامیسان
نئچه یوز مین جان آلوب رشویه آلاّنمامیسان
سحر و جادولره هر طلسمه رشوه یول آچار
حل ائدر هر نئچه مشگل دوگون اولسا پول آچار

سن که سالاّخلقی ایللردی شعار ایلموسن
باری سِچ پیسلری ئولدور نیه عار ایلموسن
ئوزیوه ایمدی که بو مطلبی کار ایلموسن
گز دولان اوزله قمارباز ولدزنا گیج آپار
هامیلار گئتمه‌لیدی یاخشینی پیسدن گئج آپار
ائتمدی آدمه بیر سجده‌نی شیطان رجیم
درگهیندن اونی مردود ائلدی ربّ کریم
ایمدی بیر عمر ائدیر سجده پولا قوم لئیم
پول اونون آللّهیدی پولدان اُتور جان وئروری
دینینی عرضینی ناموسینی قربان وئروری
بسدی انصاف ائله مخلوقی گئچیتدون یاری‌دان
بو قدر قتل ائلمه آللّها باخ قوخ تاری‌دان
باری گل شهری تمیزله قوجالاردان قاری‌دان
قورخودوب شوخ ..... قیزلاری فکار ائتمه داداش
قوجا قوردی گل آپار آهو شکار ائتمه داداش
اللی ایل آتمیش ایل ایشلور کیشی مین زحمتیلن
ئوزینه پارت و ریاست قازانور ثروتیلن
قویموسان بیر کئفه باخسین او یازیق لذّتیلن
یاپشوب خرخراسیندان باسیسان تئز دووارا
ئوزینی اهلینی حسرتله قویورسان آوارا
بسکه چوخ چوخلارینون تختینی تابوت ایلدون
ئوزیوی مفتضح عالم ناسوت ائلدون
آدیوی خلقین ایچینده ملک‌الموت ائلدون
ائشیدیر آدیوی هر کیم یوزی فوراً سارالیر
سنی ناخوش که گورور قلبیِ بالیق تک چابالیر

گوروسن هانسی رئیسی که اولور بازنشست
یتیشورسن قونوسان سینه‌سینه دست‌به‌دست
باسیسان آلتووا بوینون ائدیسن فوری شکست
میز باشیندا دولانانمازدون اونون کولگه‌سینه
ائله که ضرناسی سیندی گلیسن اولکه‌سینه
گونده اوچ یول سوخولوب هر ائوه تفتیش ائدیسن
بازرس‌سن دئگوروم ملتی دلریش ائدیسن
نه قلجدان نه تفکدن بابا تشویش ائدیسن
کال یتیشمیش قره آغ ساری اولا قرمز اولا
آپاریرسان هاموسین اوغلان اولا یا قیز اولا
من کریمی سنه بیر دوستام اوغول یوخ عوضیم
عاقلم آی بالا مجنون دگلم یوخ مرضیم
مقصدیم پند و نصیحتدی یوخ ئوزگه غرضیم
سؤزیمون ارزشی وار هرزه و هذیان دئمرم
یازارام گوردیگیمی بیر کسه بهتان دئمرم
گر چه شعرین هله بازاری دوشوبدور کسادا
شعر نو چکدی عروس شعرانی فسادا
اوخی احسن، دی خوشون اولسادا یا اولماسادا
بیز قصیده اوخوروق خلقه فضایل یرینه
باساروخ مشتریه ناقصی کامل یرینه

ملک‌الموت ائشیدوب سؤزلریمی ائتدی عتاب
باخدی بیر غیظیله وئردی منه قهریله جواب:

دئدی اوغلوم بالا آیا قوتاروبسان سؤزیوی
ال آچوب نوع بشردن بیزه دوتدون یوزیوی
نه جسارتدی بو، بیر قدر یغیشدیر ئوزیوی
گوزون آچ بیر منه باخ، من مشه رحمان دگولم
فالچی، سلمانی، گلین قینانا، شیطان دگولم
منی مأمور ائلیوب بو ایشه خلّاق جهان
یوخدی بیر ذرّه قصوریم ئوز ایشیمده بونی قان
اولمارام خائن ئوز اربابیمه بیر لحظه اینان
دگولم سیز کیمی فاسق آدیمی بنده قویام
پاک و پاکیزه اولان کسلری ریشخنده قویام
منه بیر روزی مقرّر بویوروب ربّ کریم
قانعم، بیر نفره یوخدی خیانت نظریم
هر نه امر ائتسه مطیعم دگولم عاقّ و رجیم
ئوز رئیسیم نه بویورسا سؤزینه لا دئمرم
ملّته خائن اولوب رشوه تعارف یئمرم
باخما بیر عدّه ساتوب دیننی قرآنی دانوب
رشویه پیس دادانوب مذهب و ایمانی دانوب
حقّی ناحق ائلیوب غیرت و وجدانی دانوب
ماضی مذهبدی اولار بیر دینه وابسته دگول
مَلَکوخ بیز بو صفتلر بیزه شایسته دگول
گئده سیز خردا بیوک عادت ائدوبسوز یالانا
یالانین لاپ بازاری گرمیدی منّت آلانا
شرفی عصمتی ناموسی وئروبسوز تالانا
آدام ئولدورماقی سیز سئرچه‌دن آسان سانیسوز
مقاما باش کسوسوز، منصبه اللّه دانیسوز

دوزدی من قابض ارواحم اوغول لیک اینان
ایمدی عزرائیل ائله بُؤلدی، منه یوخدی امان
ناشی راننده‌لر اولمیش هره‌سی بیر جان آلان
رول دالیندا دیه‌سن مرحب خیبردی شیشور
حیدر اوسته ائله‌بول عمر و بداختردی شیشور
تانک و طیّاره مسلسل بو قدر توپ و تفنگ
گاز و برق و دینامیت، بُمب اتم آفت جنگ
هر طرفدن ائلیوبلر بشره عرصه‌نی تنگ
قوجا کنکاندان اُتور گه ته چاهه گئدیرم
دوشورم آپلو دالنجا گهی ماهه گئدیرم
اوندا که آت قاطریلا هامی ایلردی سفر
موشک و بمب و راکت‌دن یوخودی اوندا خبر
آیدا بیر شهریده ئولمزدی اینان یرمی نفر
ایمدی هی یاسدی چیخوب خلقین ایشی آغلاماقا
باور ایله ماجالیم یوخدی سیغار باغلاماقا
بیر نفردن ائشیدوبسن پول آلام بیرجه فلوس
بیر منم بیر کرهٔ ارضیدی بیر بیله نفوس
گوز تیکوب بیر منه روم و حبش و آلمان و روس
بولمورم ایرانا بغداده و یا شامه قاچوم
یا که هر گون ایکی یوز مرتبه وییتنامه قاچوم
تک ایشیم آشمادی بیر مدرسه ایجاد ائلدیم
اوردا بیر عده‌نی ئوز علمیمه ارشاد ائلدیم
هاموسین دکتر ائدوب شغلیمه اوستاد ائلدیم
هر مریض اوستونه گوندرّم اولاردان بیرینی
جانین اوّل او آلار من آلارام آخرینی

منه دولتلی کاسب بیردی نه نوکر نه آقا
هر کسین که آدی چیخدی اونی سالاّم قاباقا
گینه بعضی‌لرینون پیسری انمور آشاقا
دیه‌سن ائشّک آدام هئچ گیریمه گئچمیه‌جاق
قالاجاق دائم ئولوم شربتینی ایچمیه‌جاق

اودی که هانسینی گوردوم قودوروب حددن آشور
بادهٔ کبر و منیّتله دولوب جامی داشور
قودوز ایت تک یارالور، هر گلنه بیر ساتاشور
دوتارام خرخراسیندان دریسین تئز سویارام
آلارام جاننی فوراً خانمین دول قویارام

هله دنیاده ئولوم وار هر اویوندان چیخیسوز
چالیسوز هی چاپیسوز هم وروسوز هم یخیسوز
یرمی دورد ساعتی دنیادن اُتور ورنخیسوز
گونده هی مجلس ترحیمه گئدیرسوز گوروسوز
عبرت اخذ ایلمیسوز شام و سحر کئف سوروسوز

بش یوز ایل کئف چکه دنیاده اگر نوع بشر
من گلنده هاموسی محو اولی تشویشه دوشر
گون او گون ساعت او ساعتدی نه مال و نه پسر
ایله بول تازه گلوب عالمه دلخسته گئدر
آرزولر هاموسی قلبده سربسته گئدر

بیرده من تابع شهوت دگولم اهل هوس
قاری، یا قیز منه یوخ فرقی خیال ائتمه عبس
آلارام جاننی قویمام چکه بیر دفعه نفس
منه بیر دور دیشی ارکک .... یا ......
قوّه‌لی قوّه‌سیز آج توخ قمه‌سیز یا قمه‌لی

چوخ عزیزی بولوسن من نئجه خوار ایلمیشم
آلمیشام جاننی مین دردە دچار ایلمیشم
چوخ رئیسی میزین اوستونده شکار ایلمیشم
آلدیقی رشوەنی جمع ایلدیقی سیم و زری
..... انگین آپاروب آروادینون صونکی اری

اللی ایل آتمیش ایلی هر اَداویز وار گتیرون
بوغوشون ئولدیرون ئوز عیبوزی گوزدن ایتیرون
ظلم و عصیانویزی حدّ کماله یتیرون
یره باتساز گویه چیخساز گلوب آخر تاپارام
چیخادوب جانوزی لازمدی بدندن آپارام

منه بیر قدرت عطا ائتدی خداوند قدیر
پهلوانلار منی گورجک سالار الدن شمشیر
ذلّتیله ال اياقمدان اوپر شاه و وزیر
نقد جانیله ملک‌لردن آلان باج منم
تخت‌لر اوسته قویان شهلری بی تاج منم

هر کسین که کئفی چوخ سازدی قالین ثروتی وار
پارتی وار دورەسی وار چاقّوسی وار شهرتی وار
قوری آدیم گله تترر او قدر وحشتی وار
بولوری گلسم اگر بزمینی ویران ائدەرم
آلارام جانین اوزین خاکیده پنهان ائدەرم

نئچه فرقه منی ایستر بیری یاسین اوخویان
بیری گورکان بیری غسّال بیری ملاّزمان
عرش خوان، مطبعه‌چی بیرده که باش داشی یازان
سدر کافور و کفن، خورما ساتان حاجی فلان
خادم مسجدیله تخته و تابوت آپاران

من نه سرتیپ نه سرهنگ و نه تاجر تانورام
نه نویسنده نه خطاّط و نه شاعر تانورام
نه نظامی سایارام نه باباطاهر تانورام
بو سنائی‌دی بو حافظدی بو قطران منه‌نه
یا بودور صاحب بستان و گلستان منه‌نه
داخی ختم ایله کریمی سؤزه وئرمه بئله طول
من کیمی بیله مقرّب ملکه اولما فضول
اهل لاهوته دولاشما سؤزیمی ایله قبول
گئچمه بو خطّه آماندور کیشی یولدان چاشاسان
گیرمه میدانه منیله ائله وورّام آشاسان
ناگهان وحشتله بیردن اویاندیم یوخودان
یوز وئروب گوردوم عجب واهمه‌لی بیر جریان
تَر باسوب تترورِی قلبیم نئجه کیم برگ خزان
دئدیم اوستادیمه تعبیری ندور چکدی بیر آه
دئدی لاٰ حولَ وَ لاٰ قوّةَ اِلاّ باللّه





نامهٔ مرحوم بزمی به ذاکر مرحوم

ذاکرا ای سرور عالی خصال ای یگانه شاعر شیرین مقال
ای که گفتارت همه سحر و بیان نور اخلاص عمل در تو عیان
قلب پاکت کنز اسرار نهان عاجز از وصفت زبان اندر دهان
مادر گیتی نزاید مثل تو مرد دیندار و فصیح بذله‌گو
ای یگانه گوهر گنج وفا وی چراغ محفل ذوق و صفا
خاک جسمت هست با تقوا عجین روح ایمان در تو چون دُرّ ثمین
قبلهٔ اهل ارادت کوی توست عارفان را دل همه بر سوی توست
زبدهٔ اولاد آدم در خصال قالب بیروح را دم در مثال
منظرت یاد خدای لم یزل در صداقت در رفاقت بی بدل
در کمال معرفت سلمان دهر در لیاقت لنگر سنگین شهر
قبله‌گاها ضمن تقدیم سلام طالب دیدار وصلم صبح و شام
گر شوی از چاکرت جویای حال شکر للّه نیست اندوه و ملال
آرزوی وصل تو دارم به سر از فراقت گشته‌ام خونین جگر
نیست بر من جز غم هجران تو آرزو دارم شوم مهمان تو
گشته‌ام محبوس در کنج قفس گر چه دیدار تو را دارم هوس
منتظر بر مقدم اجلال تو تا بیارم جان به استقبال تو
بر کریمی شاعر والامقام از ته دل دارمش بی حد سلام
بر سراسر اهل خانه بالتّمام بچّه‌ها دارند تبلیغ سلام
چاکرت بزمی به امّید وصال انتظارت می‌کشد هر ماه و سال

جواب از ذاکر مرحوم

السّلام ای بزمی شیرین زبان ای فصاحت گلشنینده نغمه‌خوان
سنده جمع ائتمیش خدای لامکان هم زکاوت هم فصاحت هم بیان
هاردا دوغمیش مادر دنیای پیر سن فصاحتده بلاغتده دبیر
بیله فرمایش ائدوب فَحلِ فُحول بو مسلّم قلبدن وار قلبه یول
لطفیله احوالیمی ائتدون سئوال شکر للّه خوشدی حالیم یوخ ملال
اهل خانه تک به تک خوردوکبار محضر پاکه دعا گوهر نه وار
گوگلوم ایستور دامنون گلمور اله آتش هجره گرفتارم هله
وئرمدی مهلت منه بو روزگار تا گورم دنیا و عقباده نه وار
بولمدیم بو خلقتین اسرارینی عالمین اقبالینی ادبارینی
من ندن اُتری وجوده گلمیشم کیفره یا بذل و جوده گلمیشم
کلمهٔ عَبدی اَطِعنی‌دن مراد هانسی طاعتدور ائدر انسانی شاد
توشه یوخ یول چوخ اوزاق من‌ال بوشام مژدهٔ لا تقنطودن دلخوشام
حضرت ربّ کریمه بنده‌یم بنده‌لیقدا قاصرم شرمنده‌یم
روز محشر ائتمسه لطف و کرم پای میزان عملده نیلرم
گر حسین نوکرلیقا ائتسه قبول اولمارام روز قیامتده ملول
ماحصل ای نوحه خوان خوش خصال بزم ماتمده حقیری یاده سال
ذاکره دنیادن عاید لاکلام
اولمادی غیر از ندامت والسّلام

هنگامه‌ها در نامه‌ها

ای نازنین صنم داخی بسدور آز ایله ناز
بیر بوسه‌ئیله عاشقیوی ایله سرفراز



عشقون وئروب بسیج عمومی عساکره
باشلاندی ملک عقل و کمالیمده تاخت و تاز
زلفون خیالی مندن آلوب استراحتی
کوتاه فکریله چکرم نقشهٔ دراز
ای نوعروس طبع سخن‌باف و نکته‌سنج
گلزار حسن رویووی سولدورماسین ایاز
فولاددل رفیق‌لرین قلبی موم اولوب
هر سمتدن گینه آچیلوب باب اعتزاز
«انزاب» گردشین قوتاروب هم کئفین سوروب
خویداندا «نصرتی» ائلیوب قدّینی دراز
موجه گلوبدی طبع‌لری قینیوب داشوب
ساکت اوتورما سنده جوابینده نامه یاز
شاعرلرین سلیقه‌سیدی خلف وعده لیک
خوش قولیلیق بو قومله هئچ گلمیوب طراز
هی گوزلدوخ گلوب آپارا گردشه بیزی
بش گون چیخاق سیاحته با جادهٔ هراز
شخصی ماشینلا هر یری سویدوخ دوشاخ آچاخ
بیر یرده خوان نعمتی بیر یرده جانماز

قالدی گئجه گونوز قاپودا چشم انتظار
یای چیخدی پاییز اولدی دولاندی قیش اولدی یاز
بیچاره «نصرتی»ده اویوب قول فعلنه
بولمور که قیشدا طهرانی «انزاب» بوشلاماز
ایستی اوطاق اوزون گئجه موجود مقتضی
اطفال و والده هامی مشغول خواب ناز
راضی دگول ستارهٔ صبح ایلسین طلوع
آنلار او ساعتین دادین ارباب امتیاز
دوسلار زمانه قیزلاری تک اللی رنگ اولوب
هر گون قویولاً بیر کسیله شرط راز و ناز
بیر عشق صاف آختاریرام سلسبیل تک
اولماز جهاندا آب مضافیله دستماز
عشقین آپاردی وامق و عذرا صفاسینی
پامال ائدوب بو گوهری محمودیلن ایاز
عمریم قوتاردی معنی عشقی بولنمدیم
کشف ائتمدی بو سرّی منه صاحبان راز
توکلر آغاردی برف بلا یاغدی باشیمه
یول چوخ خطرلی مقصد اوزاقدی وسیله آز
نه شاهه نه رعیّته خاطر قویور ئولوم
نه میلیانر تانیر نه مهندس نه پیشنماز
دنیا بهشتدور نه ثمر بیز قوتارمیشوخ
حوریّه‌لر آتور منه شیلاّخ سالور قاپاز
ای نفس قانع اول اونا که لطف ائدوب خدا
یوم گوزلرون گتورسه اگر اسکناس آراز

پیر مراد سنگ قناعت وئروب منه
نفسیم اودور که جامعه‌دن اولدی بی نیاز
کشکول صبری باغلامیشام باب رحمته
هر گون وئرر وظیفه‌می سلطان کارساز
بو عالمین نشیب و فرازین دولانمیشام
سو باشدان آشسا بیردی غریقه درین دیاز
بیردور بو قومه نغمهٔ داود و صوت خر
یکسانیدی جنازیه شور و حجاز و جاز
اصلاً کورا گئجه گونوزون یوخ تفاوتی
بیردور کارا قطار سسی یا نغمهٔ حجاز
اشیانی خلق لفظ و حروفاتلن تانور
یوخ فرقی شیر شیریدی قوز قوزدی گاز گاز
بلبل اسیر اولوب قفسه خوش صدائیله
پرچم آچوبدی دسته چیخاردوب هواده غاز
اوچ دشمنین الینده اسیرم صباح و شام
بیر دیل، ایکیمجی میل‌دی اوچومجی آمان بوغاز
میل‌دن قوتولمیشام دیله‌ده وورمیشام قاداخ
بیر بو بوغاز قالوب که سالوب جانه سوز و ساز
ای خامه بسدی نامیه تفصیل وئرمه چوخ
طول کلامه اهل فصاحت دگول مُجاز
نامه اولاندا طول ائدر خاطری ملول
بسدور کریمیا سؤزی آز یاز صفالی یاز

نامه‌ها در چامه‌ها

یتیشدی نامهٔ یار بزرگوار الیمه
گئدن قراریمی قیتردی روزگار الیمه



اورک سوویندی اوجور که سوسوزودوم یایدا
یتوردی کولکه‌ده بوستانچی بیر خیار الیمه
شتابله پاکت نامه‌نی ائله جیردیم
مگر دوشوب قاچاراخ دامن نگار الیمه
نه نامه سیلدی گوگلدن غبار درد و غمی
که آرتروب گوزومه نور و اقتدار الیمه
نه نامه لطف و صفاسی هوای باغ ارم
نسیم تک یتیروب مژدهٔ بهار الیمه
یازوبدی نامه‌ده «انزاب» دلنشین سؤزلر
که هر بیری زر خالص تمام عیار الیمه
چه فایده هانی منده جواب یازماقا حال
هاچاندی آلمامیشام کِلکِ رشحه‌دار الیمه
نه نامه یازماقا شوقیم نه شعره وار هوسیم
مگر قلم دولاشور مثل شاهمار الیمه
بیزه نه دورهٔ طاغوتی‌ده مجال اولدی
نه ایمدی ناقهٔ فرصت وئرور مهار الیمه

نگاریده منه بوزبوز باخیر اوزاقدا گزیر
وئرور نه سیب زنخ آغزیما نه نار الیمه
دئدیم مصافحه‌نین اجری چوخدی چکدی الین
لطیف الین نئجه وئرسین منیم قابار الیمه
باخان الیمه دیور بس طویومدی فکر ائلمور
فلک حنا یرینه خون دل یاخار الیمه
آجیقلی شیر کیمی داغدا داشدا آج گزیرم
سالانمورام هامی جنگلده بیر شکار الیمه
فِتیله تک ائشیگیم ئوزگه‌نی ایچیم ئوزومی
آلشدیروب سالور آهیم اوتی شرار الیمه
نقدری سِیر ایلدیم آرزو گلستانین
الیمی هر گله آتدیم ایلیشدی خار الیمه
اوزوم یدیم ایچیمی ئوزگه یاتدی کولگمده
قوجا آغاج کیمی داغ قویدی روزگار الیمه
چمنده تند، یلین انتظارییم یخیلام
یخیلماسام بولورم چاتماز اعتبار الیمه
بشر یوخ اولماسا وارلیقدا وارلیقا چاتماز
وئروب بو وارلیقی یوخدان همیشه وار الیمه
بو گون منی تانیا بولمه‌سن او گون تانیسان
آلوب تاتار الیمه سالاّم اختیار الیمه
کریمیم کرمیم اولسادا درم یوخدی
بو وار که ناکس الی اولمیوب سوار الیمه

خامه‌ها در چامه‌ها - جواب الیمه «انزابدان»

بو گون سحر کاغاذون یتدی ای جناب الیمه
بئله خیال ائلدیم توکدیلر گلاب الیمه



أورک سووینْدی، دوداق قاچدی، گوز ایشیقلاندی
دوشوب بش آلتی قوطی سانکه پودر«فاب» الیمه
اُپوب قویوب گوزوم اوسته آچوب اونی اوخودوم
بهانه دوشدی منیم یازماقا جواب الیمه
یازانمارام نه اثر قویدی نامه روحیمده
نقدری سعی ائدیرم گلموری حساب الیمه
سنون کیمی بو حقیرینده قالمیوب هوسی
بش آلتی آیدی منیم دگمیوب کتاب الیمه
توکوم آغاردی قرا گوندن آغ گونه چیخدیم
عصا وئرور قوجالیق موسمی شباب الیمه
هزار حیف که غفلتده عمری قورتاردیم
بو عالم ایچره نه پول گئچدی نه ثواب الیمه
زمانه‌نین گوزونه آغ سالاردیم ایمدی منیم
زمانه آغ گوزومه سالدی توکدی آب الیمه
غریب آدام کیمی هئچ بیر ایشه الیم یارامیر
وورودیلار ائله بول بیر یوغون طناب الیمه

بیر عمر سو دالیجا العطش دیوب قاچدیم
ولیک گلمدی آخرده جز سراب الیمه
ازلده قصد ائلیوب بو جهانه گلمزیدیم
اگر دوشیدی منیم حقّ انتخاب الیمه
أورک قانیله عُمور سورمه‌ده نه فایده وار
دوتاخ گله سحر آخشام طلای ناب الیمه
بو ایل دئمک اوتوز ایلدور گئجه گونوز قاچیرام
هله سالانامیشام دادلی نان و آب الیمه
امک قویارکن الیم بیر امک بولن یوخمیش
سینیدی کاش الیم ایلورم خطاب الیمه
غرض بئله یاشائیش بیر قپیه پولا دگمز
فلک اورک قاننی ایلیوب خضاب الیمه
بو شعرین علّتین «انزاب» کریمی‌دن خبر آل
که وئردی سوژه‌نی اول مرحمت مآب الیمه





رازها در سازها

اورک شرارهٔ غمدن آلیشدی چون تابه
گوزومده اشک روانیم دونوبدی خونابه
عقیقی لبلریوین عشقنه دوشن گوندن
نه احتیاجیم اولور شکّره نه عنّابه
شیرین شیرین سؤزون آب نباتدور گوزه‌لیم
سراغ قنده نه لازم گئدم میاندابه
اورک آلیشدی تئز آتش‌نشانیه خبر ائت
نه بستنی بو اُوتی سوندورر نه نوشابه
احاطه ائتدی منی غم عراق لشگری تک
چکوبدی اُستومه توپ و تفنگ و ارّابه
تجاوز ایلدی محنت منه یمین و یسار
نه قویدی «میمک» و «سرپل‌ذهاب» و «چذّابه»
قویوب هوا و هوس معبریمده مین مین، «مین»
یولوم خطرلیدی وار احتیاجی «مین‌یابه»
الیم یوزومده ائله جوموشام خیالاته
گورن دیور بو ئولوبدور و یا گئدوب خوابه
بیز انقلاب ائلدوخ ال اله وئراخ بیر اولاخ
اگر هدف بیریدی وار نه حاجت احزابه
چکور بیری دِمه بو ملّتی بیری سولویا
ایلان بیزی قووالیر داشلیقا بالیق آبه
بیر عدّه ایمدی دوروب بانگیدان قیزیل صفینه
بیر عدّه نفته بیر عدّه تویوقیلان «فابه»
ورولاّ باش یاریلور بزّازین دکاننده
او لوت گزن باجیلار آغنیوبلا چَرشابه

بیر عدّه‌ده وروشور جبهه‌لرده قانه باتور
دونوب آنالارینون اشک چشمی سیلابه
منیمده صبریمی عشق نگار آلوب الدن
کمند زلفی اولوب گردنیمده قُلاّبه
دئدیم نه نوعیله ئوز دردیمه وئروم تسکین
گوگل دئدی گینه بیر نامه گوندر «انزابه»
سنی او سالسا نظردن‌ده سن اونی سالما
که سست عهدلیق اصلاً غلطدی احبابه
گرک نگاری سوون ناز و چم خمینده چکه
اوجور که اتدن اُتور یالوارالاّ قصّابه
عزیزِ من گینه بیزدن نه باش وئروبدی مگر
یاریم ورق کاغاذون دوندی پوست سنجابه
«الهه»نین طویونا دعوت ائتمدون نیلک
زمانه طویدا بیزی سالمیوبدی حسّابه
نه اویناماق باشاراردیم نه ساز چالوب اوخوماق
بیزی بو بورکیله سقّل سالوبدی گردابه
نه نامه یاز، نه ئوزون گل، نه دعوت ایله گلاخ
بلی سو چوخ قالا بنزر چولاده گندابه
من ال چکن دگولم سنده که ئوزون بوله‌سن
پیشیر چک هر نه گلور الده اللی بشقابه
بهار اولور بیزی لطف ایله بیر سیاحته چک
گینه دولانماق ئوزی تقویتدی اعصابه
خلاصه قسمتیمیز اولسا بیربیره چاتاروخ
اِذا اَرادَ عَلٰی شَیئًی حَیّیً اَسْبٰابَه
کریمیا سنه «انزاب» راحت جاندور
دایان عتاب و خطابینده هر تب و تابه

درد دل با اهل دل

ای قاصد صبا منه «انزابدن» خبر
چوخدان شرار هجری سالوب جانمه شرر
چوخدان زیارت ائتمه‌میشم دستخطّینی
گوزدن سالوب کریمی‌نی بولمم نه وار مگر
تلفوندا گاه گاه ائشیدردیم صداسینی
افسوس گوشینی گوتورن یوخدی بیر نفر
بیر سن قالوبسان عهد صداقتده پایدار
بیر نامه‌ئیله گاهی منی ایله مفتخر
سو، چوخ قالا چولاده قوخور واضح امریدور
تورشار تاق اوسته چوخ قالا بوستاندا گُلبسر
من نه سویام نه گُلبسرم من «کریمیم»
دوستون همیشه کهنه‌سی شیریندی تازه‌تر
دوزدی قوجالمیشام نولی سنده قوجالمیسان
«بابا» شدن علامت پیری است ای پدر
همدملریله دَم دَمه وئر دم دم غنیمت است
قوی حکمونی قضا ائلیوب ایشله‌سین قَدَر
باش سقّلین آغارماسینا دلخوشام نئجه
کم‌کم قرا گئجه‌م قوتارور باشلانور سحر
خوش گون اوگوندی یوز چوویرم عمر و زیدیدن
نه قیل و قال و گفت شنود و نه دردسر

آز قالدی قورتولام داخی قید حیاتدن
آزاد اولام قفسدن آچام گویده بال و پر
جرمیم اگر چه چوخدی امیدیمده آز دگول
من بندهٔ ذلیلم او خلاّق دادگر
آز قالدی یوز کسم بو اوتوز یوزلی خلقدن
یوزده گولوب یوزومدن اوپر دالدادا سوور
هر گون دوشولله بیر دونا هر لحظه بیر مودا
گویا آچار فرانسه‌دی هر مُهریه دوشر
خوش گون اوگوندی لال اولا نطقیم دانیشمیام
نیلیم دانیشماقیم گتورور باشیمه خطر
مین مین اوتان قمار باز اولوب ایمدی «پاکباز»
وار بیر «دوشاخه‌لی بوغی» مانند زال زر
بیر پارچا قاندی دامن پیراهن وطن
ناکام ئولوب اوغول‌لار آنالار قالوب مَلَر
فرصت طلب گلوب قان ایچیندن پول آختاریر
بعضی ریاست اوسته سالور شهره شور و شر
خوش گون او گوندی شهپر آچام اوج وحدته
کثرت اسیر ائدوب منی زندانیدن بَتَر
آسایش و فراغت و آرامش اوردادی
اوردا نه اوغری وار نه ترور وار نه حیله‌گر
نه چک نه سفته فکری نه اقساط وام بانگ
نه ایستی نه سویوخ نه غنی وار نه کارگر

نه ات دوگی تویوق صفی نه نفت نوبه‌سی
نه یاغ نه فاب سیزیلتیسی نه قند و نه شکر
نه قورقودوخ ضریلتیسی آرواد اوشاق غمی
تبعیض یوخ نه شاه و گدا نه آقا نوکر
مرگین آدین پیسه چیخادوبلار بونا گوره
دنیاده مشتری چوخالار هر گلن ئولر
قالماز بشر که آلت اولا سودجولره
آت ائشّک اولماسا بو جماعت کیمی میز
دردیم دئشیلدی درد دله چوخ دل آچمیوم
قصدیم دانشدیرام سنی ای دُرج پر گهر
صبر ائت کریمی ائتمه هله ئولمک آرزو
«انزابه» خوش دگول دگه یوز مین تومن ضرر





غزل

ای دل نقدری نامه یازیرسان اوصانمیسان
یارون جواب یازمیری آیا اوتانمیسان
واردور نقدر ارادتون «انزابه» هی سنی
اوخ تک قویوب کمانه آتور سن آتانمیسان
بیر دفعه گورمدیم دوتا اوردان مراغه‌نی
قوی من دوتوم داداش که سن اوردان دوتانمیسان
بیر ناخلف اوغول تک ایلیشدیم بوغازیوه
بیر لقمه‌یم آتانمیسان حتّی اوتانمیسان
اصرار اولوندی بیر نئچه گون گل مراغیه
جانانی‌ده گتور گئجه گر تک یاتانمیسان
عذر و بهانه‌نی قالادون بیربیر اوستونه
قارداش منیله باش باشا چاتما چاتانمیسان
بش گونده استراحتوه قاتگلان حرام
بو سقّلیله من قاتیرام سن قاتانمیسان
ایمدی یالان نباتی یاغندان چوخ ایشلنیر
سن بش گون ئوز اداره‌وه پولتوک ساتانمیسان
قورخور هامی سنون قلموندن کریمیا
«انزابه» بولمورم نه حساب وار باتانمیسان

عم اوغلی

من طهرانا گلجک چیخیسان گشته عم‌اوغلی
تهران سنی دوتمور قاچیسان رشته عم‌اوغلی



چوخداندی کریمینی سالوبسان نظروندن
هجروندی سالوب عاشقوی دشته عم‌اوغلی
البتّه ایشون چوخدی اولوبسان بئله غافل
یاددان چیخوب آینده و بگذشته عم‌اوغلی
بوللم گئجه گوندوز قلمی قویموسان الدن
هر شب ائدوسن ضرب نُهی، هَشته عم‌اوغلی
یاریله آچوبسان گینه صرّاف دکانی
هی نقرهٔ خامی توکوسن طشته عم‌اوغلی
انصاف ائله قارداش بو دگول رسم مودّت
گور نیلوری بو شاعر سرگشته عم‌اوغلی
حقّیم وار ائدم محضریوه عرض گلایه
هجویله قاچیردام سنی «سردشته» عم‌اوغلی
قربانون اولوم رشتهٔ انسیّتی قیرما
دوشمز اَله بیرده بو گوزل رشته عم‌اوغلی
بیر شمع محبّت پوفیلن گر اولا خاموش
دگمز او محبّت پارا بیر خشته عم‌اوغلی
یاد ایلموسن هاردادی بیچاره کریمی
آنجاق گئدیسن «پَهلَویه» رَشته عم‌اوغلی

پل خواجو

پل خواجوی اصفهان به‌به محفل انس دوستان به‌به
صارمی و حمید و نطّاقی یوسف ناجی جوان به‌به
هم مربّی پیر خوش مشرب هم کریمی خوشزبان به‌به
از گرفتاری جهان کهن فارغ از محنت زمان به‌به
گشت با هم فراغتی حاصل همه دلشاد و شادمان به‌به
کرد سرهنگ لطف خود کامل بهر اکرام میهمان به‌به
ای خدا کن سلامتش دائم از بلا باد در امان به‌به
گذر عمر بین چو آب روان
عبرتی گیر از این جهان به‌به



کیشی اودور آروادی هر گون گوره
آرواد اودی ار ائوینده گون گوره
سو کوزه‌ده آیی گوره باجادان
اونون یوزون نه آی نه‌ده گون گوره





عزیزیم

چوخداندی قویوبسان ئوزیوی نازه عزیزیم
باخ بیر دالا قویما ایاقون گازه عزیزیم



هی منتظرم نامه گله شاد اولا قلبیم
تا طوطی طبعیم گله پروازه عزیزیم
سوقات سفردن بولورم یوخدی نصیبیم
نه دیدیوه گلدیم نه‌ده پیشوازه عزیزیم
گر، منده قصور اولدی عمل اولمادی رسمه
سنده نه گلوب عفویله اغمازه[1] عزیزیم
لطفون آزالوب یا گینه شغلون چوخالوبدی
یا گونده گئدیرسن گینه شیرازه عزیزیم
سن پاره‌لیوب وئر، یله اوراق وفانی
دل قانینی قیلاّم اونا شیرازه عزیزیم
نامه‌ن که گلر شاد اولارام صانکه وطندن
پول گوندره‌لر جبهه‌ده سربازه عزیزیم
سن گوزله که من نامه یازیم سنده عوض یاز
دوسلوقدا نه ترتیب نه اندازه عزیزیم
گل بوشلا غمی دوت دمی دنیا گئچور اوغلان
باخماز بو نه غم‌سوزه نه دمسازه عزیزیم
کهنلدی کریمی داخی دوشدی نظروزدن
سنده تازالار تک گزیسن تازه عزیزیم

۱-منظور اغماض است

انزابدن بیر غزل

تاپانماسان

ای دلبریم فراق اوتونا یاخما جانیمی
تیغ جفا و جوریله کسمه امانیمی



دل مهربان بیلوب، سنه قورشاندی سیخما چوخ
نامهربانلیقیلا دل مهربانیمی
کپریکلرون خدنگینه زحمت روا دگول
ماهردی قاشلارون یره توکماقدا قانیمی
من شمع تک اورک سؤزونی شرح ائتمه‌میش
پروانه هاردان آنلادی سوز نهانیمی
شمعین باشین فنایه وئرن اولدی اودلی دیل
من نیلدیم که کسدیله دیبدن زبانیمی
ساغلیقدا تاپ منی او قدر چکمز ای رفیق
توپراقلار آتدان آختاراجاقسان نشانیمی
ای بخت، یوخلاما منی چوخ یُؤخلیوب فلک
صبر و مقاومتده آلوب امتحانیمی
جانم بو انزوایه رضادور ولی غمون
راحت بوراخماز ئوز حالینا خسته جانیمی
عیب ائتمه تای توشیلا برابر اوچانمورام
پرسیز قوشام اونوتموشام ئوز آشیانیمی
انزاب، گزمه عشق حقیقی تاپانماسان
بو یولدا من ایتورمیشم عمر گرانیمی

«نامهٔ دوستانه از انزاب»
دوست عزیزم جناب کریمی سلام علیک

ادیبا، مرشدا، ای پیر اوستاد تورا طبع روان دائم جوان باد
رسید آن چامهٔ شیرین بیانت نگارین گفتهٔ گوهر فشانت
شدم مشعوف از آن نغز گفتار چنانم، گشت طبع خفته بیدار
به چندین بار آن اشعار خواندم به هر سو مرکب احسنت راندم
چو دیدم نظم آن دُرهای سُفته به وجد آمد مرا احساس خفته
اگر چه سالها از شعر دورم نیاید بر حریف شعر زورم
که از دل ذوق و شور حال رفته ز سر سودای قیل و قال رفته
نه در خاطر مرا از عشق نامی نه از صهبای این خمخانه جامی
هوای دوستانِ رفته دارم مرتّب لحظه‌ها را می‌شمارم
کجا و کی رسد نوبت مرا هم رهم تا زین همه اندیشه و غم
ولی شعرت مرا حال دگر داد که کردم باز از بگذشته‌ها یاد
دمی رفتم به ایّام جوانی به آن دوران خوب زندگانی
که دل بازیچهٔ عشق بُتان بود به پندارت هر آنچه آید آن بود
نه مویم بود اسپید و نه ریشم نه کاری بود ناممکن به پیشم
نه اندوهی به دل بودی نه یک غم نه فکر بیش می‌کردیم و نی کم
نه تشویش از غم بیش و کم بود نه از بیش و کمم یکدم غمم بود
به هرچه بودمان بودیم راضی چه خوش ایّام بود ایّام ماضی
هزار افسوس آن دوران سر آمد زمان را وضع و حال دیگر آمد
جوانی رفت آمد گاه پیری چه پیری موسم ایرادگیری
چرا صبحانهٔ من بی پنیر است چرا یک گوشهٔ این نان خمیر است

چرا ای زن نمی‌گوئی جوابم — چرا اینجا گشودی رختخوابم
چرا آن گُربه کز آنجا گذر کرد — بسویم با نگاه بد نظر کرد
چرا این بچّه‌ها دعوا نمودند — چرا در را بدینسان وانمودند
مگر این کرّه بُزها بچّه هستند — مگر قحط است جا اینجا نشستند
چرا شور است امروز اینچنین آش — مواظب اندکی در پخت و پز باش
سماور را چرا اینجا نهادی — برایم این چه چایی بود دادی
چرا «کُورش» به درسش کرده سستی — چرا پیراهن ما را نشستی
چرا خوردی گلابی را تو با پوست — چرا بالای چشمان تو ابروست
خلاصه گر مگس از جا بجنبید — همی خواهم که از چشم کسی دید
غرض کلّیهٔ این نِق‌زدن‌ها — همه زائیدهٔ پیریست تنها
کنون ای یار دیرین و گرامی — شنو از من ز قعر دل پیامیی
اگرچه نو جوانی رفت از دست — دل اندر راه عشق از پای ننشست
دلم سرشار عشق لا یزالی است — درون سینه‌ام از کینه خالی است
که جان عشق و محبت را قرین است — کسی کو عشق ورزد حالش این است
مرا هر چند یاران بُرد از یاد — به دل هر دم به نیکی یادشان باد
اگرچه بیش عمرم گشته مصرف — نباید داد باقی مفت از کف
چو خواهد هر کسی جاوید مانَد — درخت دوستی باید نشاند
نگارینا مرید توست «انزاب» — مریدان را تو در هر حال دریاب
به هر جا میکنی یادی ز نامم — به اهل محفلش برگو سلامم
من و تو میهمان این جهانیم — بیا پس قدر یکدیگر بدانیم





بحسب خواهش یک سردفتر ازدواج و طلاق گفته شد

من سبب هستم برای وصلها
وصلها شد امتداد نسلها
می‌شوم در عقد خواندن شادمان
همچو بلبل در چمن اَنکحت خوان
وصلها شیرین‌تر از هجران بود
وانکَحو فرمایش قرآن بود
لیک می‌سوزد روانم از فراق
تا دهد یک مرد بر یک زن طلاق
گفت پیغمبر همان شاه بُراق
اَبغَضُ الْاَشْیاءِ عِنْدَاللّٰه طَلاق
وصل دادن افتخار ما بُود
شعر مولانا شعار ما بُود
«ما برای وصل کردن آمدیم
نی برای فصل کردن آمدیم»
وصل کن تا نسلها افزون شوند
شیرها از زاغه‌ها بیرون شوند
بین صفای صبح از شام زفاف
لب به لب سینه به سینه ناف به ناف
تا گشادی قفل از باب* امید
زان درون آید صدای عمر و زید
خانهٔ زنبور را کردی خراب
نوش جان کن نیشهای بیحساب

گئچن زمانلاردا که مصنوعی بوز و صنعتی یخچال‌لاردان خبر یوخودی قیشدا بویوک استخرلرده بوزی دونداروب و بویوک سرداب‌لاردا که بوزخانه دیردیلر ساخلیوب یایدا مصرف ایلردیلر هانسی ایل قیش خوش اولسیدی بوز آز اولاردی یا اگر یای ایستی اولسیدی بوزون بازاری داغ اولاردی و بوز اوسته مشتریلر بیربیریلن ساواشاردیلار و او سردابلاری و استخرلری بوزچولار مالک‌لردن اجاره ایلردیلر. بویوک بوزخانالاردان، مرادیان، احمدی، دروازه، و بویوک بوزچولاردان، علی بوزچی، کبلای‌عباس، ساییلوردیلار و بو ایکی قطعه شعر ذاکر مرحومدان بیری بوزون رواج و بیری کساد اولان ایلینه جهت یازیلوبدی

بوزچیلار سؤزی

بیر گونی بوزچی دکانندن ائدردیم گذری
باخوبان گوردوم اودم بوزچونی اول بد گهری
نئجه بوزچی دیه‌سن مرحب خیبر دایانوب
هر طرفدن که گلور مشتری ایلور نظری
بوز کُلُنگین تبر نادر ائدوبدور الینه
هئچ حسابه گتیمور رستمی یا زال زری
نه کولوک تئز تراز تیغ سَنان ابنِ اَنَس
تیغ رستمده‌ده من گورمه‌میشم بو کَسَری
بیرینه سسلنوری وورما الون دور دالیدا
پونزاسی بیر شاهیدی وئرمه منه دردسری

بیری سسلور حاج آقا بعضی دیور کربلایی
آدینی سسلِینَه واردی نگاه بقری
بیری سویلور ناخوشام واردی سن اللّه یولا سال
گوزی قالمیش قاپودا رحم ائله یاندی جگری
داد و فریاد محمدحسین آدلی کیشی‌دن
گتوروب تنگه داخی بوس بوتون اهل شَهَری
خردا قارداشی چوخ انسان کیشیدی آدی علی
واقعاً ساخلاسین اللّه بئله بیر شخصلری
بیرده انصافلیسی بو کبلای عباسدور بولارون
حق روا گورمه بونا دهریده درد بصری
گر چه بیر گون او خبیث اوغلی منه وئرمدی بوز
صورا بولدوم که بو ایشدن یوخومیش ئوز خبری
قُلی هم ممّد علی هی دولانار کوچه‌لری
تاپار آیران عباسا، وئرمَسه باغلار کدری
نوکره گونده شیرین چایدی و یا گل دوشابی
آقا ذاتاً آقا اولسا بئله ساخلار نوکری
ثروتی چوخدی ایکی نوکری وار اوچ اولاغی
حیاطی واردی گیلاسلیقدا گورن خیر و شری
گرچه بوز قصّه‌سی شهر اهلینی چوخ تنگه سالوب
بو محمّدحسینون ظلمنین آرتوب اثری
زلیچی ممّدین اوغلی نه عجب آد ائلدی
ایکی یخچالی دوتوب اولدی بو شهر ایچره جری

بوزون کسادلیقی بوزچینون زبانحالی

ای وای کسیلوب توانیم ایوای
بوز تک اریوبدی جانیم ایوای



یارب نه یامان اولور بو یللیق
بو یل بئله اسسه بیز قیریللیق
یایدا تومان ایچره دوندی د....
تترتمه دوتوب مامانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای

ئللر گرک آغلاسین عباسه
قلبیم دوشوب ایمدی‌دن هراسه
قیشدا بورونم گرک پالاسه
اللرده قالوب تومانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای

یای شاختاسی قدّیمی اگوبدی
اوچ یورقانیلان سویوق دگوبدی
کیم یایدا بوجور سویوق گوروبدی
واللّهی دونوب زمانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای

چوخ فکر ائلدیم قَرَلدی بینیم
قسطین یتیشوبدی وقتی نینیم
تک بیر اولاغیمدی بیرده قینیم
گئتدی گرووا قازانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای

ووردی دولی حاصلیمی دُؤزدوم
یخچالیمی سیل باسوب ال اوزدوم
شاختا ائویمی یخوب دابزدوم
یاندیم دیشیلوب چبانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای
بیچاره عباس دوروب یریندن
دوشدی اشاقا دونوب سریندن
بیر آه چکوب بوزا دریندن
ایوای خراب اولدی قانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای
آیرانچی قالوب بو ایشده حیران
تتریر هامی کیمدی ایچسون آیران
هم بستنیچی اولوب پریشان
وای تتره‌دی استخوانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای
آغلار بو هوایه کبلای عبّاس
باشینه ووروب دوتار بوزا یاس
باسدی داخی بوز کُلُنگینی پاس
وای نیزهٔ جانستانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای
دورد ائشّکی وار بو بینوانین
بش رشبری هم کسوب توانین
بیچاره گرک ساتا تومانین
سسلور اوجالوب فغانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای

یارب بو نه ایل بو نه بلادی
دائم یل اسور سویوق هوادی
کبلای عباسین ایشی نوادی
اللرده قالان تومانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای

افغانه گلون دیون عباس وای
ساغلیقدا دوتان ئوزینه یاس وای
بوز تیشه‌سینی باسوبدی پاس وای
می‌سیز قالان استکانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای

کبلائی عباس باخوب سمایه
بو نوعیله عرض ائدر خدایه
بوزدور بو اریر گئدیر هوایه
هر باتمانی[1] بیر قرانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای

کبلایی عباس دونوب قابانه
هر کس دانیشور باسور یامانه
حسرتدی جیبینده بیر قرانه
ایوای ثمنیم قرانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای

نَلبند بازاره فوری بیر گئت
کبلای عباسون هراینه یت
اخلاقی دونوب اولوب قاپان ایت
افلاکه چیخوب آمانیم ایوای
بوزتک اریوبدی جانیم ایوای

۱-باتمان مراغه ۶ کیلوو ۳۰۰ گرم

از ذاکر مرحوم

نه باخیسان خمار خمار قاشی گوزی قارالی قیز
دوداقلارون گورن اومار اوجا داغلار مارالی قیز
اون آلتیا چاتوب یاشون اوخ کپریگون کمان قاشون
اوره‌گیمدن دگدی داشون منی قویدون یارالی قیز
جانا سالدون عشق آتشین یاندیردون باغریمون باشین
اولادون گوگلمون قوشین آمان شیرین ادالی قیز
یارون سنی ایمانندان چوخ ایستر عزیز جانندان
عاشقلرین آلقانندان ال اياقی حنالی قیز
سنون کیمی یار تاپولماز هئچ سنه اوخشار تاپولماز
م..... کیمی نار تاپولماز ایچی دولی خامالی قیز
اگر سنی من آلماسام اُپوب قوینوما سالماسام
گر ئولمسم قوجالماسام ولی رنگیم سارالی قیز
اَممه‌لیدور دوداقلارون اوپمه‌لیدور یاناقلارون
قوی گوزومه اياقلارون ئوزی سؤزی صفالی قیز
سن گولومسن گلشنیمسن سنبلیمسن سوسنیمسن
من سنووم سن منیمسن گزمه مندن آرالی قیز
بهار کیمی صفالیسان ولی پایز هوالیسان
قیش تک سویوق وفالیسان
اول یای کیمی سخالی قیز

ایضاً از ذاکر مرحوم

جوان عمریم وئردی بادا سوگولوم منی قویوب گئتدی یادا سوگولوم
مشگل‌لری ائدرسن آسان آللّه چاره‌سیزلر دردینه درمان اللّه
سنه قربان اولوم مهربان اللّه یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
اوخورام قرآنی ایلرم ازبر هر ایکی دنیادا امّته رهبر
سنه قربان اولوم گوزل پیغمبر یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
ذاکرم آدیمدی محمّدعلی مرادیمی وئرسون محمّد، علی
امیرالمؤمنین آلاّها ولی یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
بهارین یلی تک گلشنه اَسَن باغریمی قان ائدوب صبریمی کسن
سنه قربان اولوم امام حسن یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
آدی سالان اورکلره شور و شین خانمیم زهرایه اولان نور عین
آدووا قربانام امام حسین یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
حسینون بالاسی فخرالماجدین محرابلار زینتی زیب‌السّاجدین
اللّهین سودیگی زین‌العابدین یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
هامی یارانمیشا اولان مفاخر قضالره رضا غملره صابر
بشیمجی رهبریم امام باقر یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
ای اولان آللّها بندهٔ لایق نوروندان عالمی یارادان خالق
سنه قربان آقام امام صادق یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
منه غم یولداشدی محنت ملازم یاردان صورا منه قالماق نه لازم
یتیش فریادیما موسی کاظم یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
من عاشقام سؤزومی سالاّم سازا عشقیده یانماقا اولمیشام رضا

خراسان غریبی امام رضا یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
گوزل آدی مجالسین رونقی جواد الائمّه محمّد تقی
اونومجی رهبریم علی النّقی یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
ئولونجه اولمارام عشقیندن بری عشقینده قویمیشام جانلن سری
اون بیریمجی آقام حسن عسگری یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
حجة ابن الحسن امام زمان الف قدّیم اولدی هجرونده کمان
هراییمه یتیش امام زمان یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم
آی آقالار سوگولوم گئتدی یادا نه منه رحم ائتدی نه سالدی یادا
گوروم اونی یتیشمه‌سین مرادا یا منه بیر ئولوم یادا سوگولوم

مین اوچ یوز قرخ اوچی سال قمرده
ایگرمی آلتی ماه صفرده
جمعه‌نین آخشامی وقت سحرده
سازیمی گتوردی دادا سوگولوم



ایشیقلیق وار قارانلوقین دالیجا
آیدینلیق وار دومانلیقین دالیجا
یاغلی‌لیق وار یاوانلیقین دالیجا
یاخشیلیق وار یامانلیق دالیجا

ممنوع شدن تریاک در سال ۱۳۴۷

بو نه شور و قیامتدور الٰهی بو نه طوفاندور
قیامتدن علامتدور عجب غوغای افغاندی
اولیدی منقل سوزان قوییدیم چای ایکی فنجان
ائدیدیم جانیمی قربان دییدیم عید قرباندی
تاپولمور دردیمه درمان بو ایشده قالمیشام حیران
الٰهی گلمیشم تنگه عجب دگدی اوخوم سنگه
الیم یتمور داخی بنگه اورک چون شانه شان شاندی
اَلا یا اَیّها الاَحوَل اَدِر حوقّا مَعَ المنقل
«که عشق آسان نمود اوّل» ولی پایانی عصیاندی
همه کارم به ناکامی کشید آخر به بد نامی
داغتدیم خویش و اقوامی اودور حالیم پریشاندی
ال اوزدوم رطب و یابسدن گوز اُتدوم یاخشی‌دان پیسدن
دمیردن ساخسی‌دان میسدن قالان بیر کهنه یورقاندی
شرابخوار خرّم و خندان ولی تریاکی سرگردان
بو دنیا مؤمنه زندان بلی کفّاره میداندی
بیزیم بخت آینامیز کاسدی ماشا مانقالی پاس باسدی
گونوزلر بیزلره یاسدی گئجه شام غریباندی
هانی بس اودلی منقالیم چینی بشقابدا شان بالیم
اولوب پژمرده احوالیم مگر بیر دانگی بیر قاندی
اولیدی چای دم کرده مینِیدیم استر زرده

دییدیم مرد و نامرده
که من مَردَم بو میداندی
یخیلدیم باب عطّاره
دئدیم قیل دردیمه چاره
دئدی قاچ گیرمه بازاره
مفتّش‌لر نمایاندی
آمان مشدابراهیم عطّار
دیوللر سنده تریک وار
بو ئولمکدن منی قورتار
پولون پول احسان احساندی
آماندور قهوه‌چی یولداش
منی سال پستویا قارداش
منه لطف ائت چکیم بیر باش
که بیر باش درده درماندی
توانا قالمیوب منده
قویوبلار خلق ریشخنده
عجب اولدوم سرافکنده
دئموللر هئچ بو انساندی
اله حوقّانی گر ۰ آلاّم
ایکی آغ بیر قره چالاّم
تزلزل عالمه سالاّم
دیللر مرد میداندی
حکومت اولمیش عزرائیل
مفتّش‌لر اولوب قاتل
ائدور انسانلاری زایل
بو نه ظلم و نه طغیاندی
ندور بو مردم آزاری
سیخولاّر خلقی اجباری
اولور بورنوم سویی جاری
دیرسن بسکه نوداندی
او قدری ئولمییدیم کاش
گورِیدیم بیرده من کولباش
اکیر بستانچیلار خشخاش
که تریک بول‌دی ارزاندی
وجودیم اود دوتوب یاندی
قابورقام آلتی دوغراندی
اوره‌گیم سانجی‌دان قاندی
ئولوم بوندان چوخ آساندی
پوزولدی رونق عالم
هم اولدی عیشیمیز برهم
دوتوب تریاکی‌لر ماتم
مراغه شهری ویراندی
مین اوچ یوز قرخ یدّی‌ده
دولوبدور اشکیله دیده
اورکده قالدی هر ایده
که شیره‌خانه باغلاندی

قپان میدانی «از ذاکر مرحوم»

مراغه روضهٔ رضوان اولوبدی | بوتون عطر گل و ریحان اولوبدی
چاتوبدور باش باشا سرو و صنوبر | سراسر باغیله بستان اولوبدی
گوزل باغلار سالوب شهری حصاره | که اکثر مردمی باغبان اولوبدی
سحر میوه گلر یوک یوک بازاره | فروشگاهی ایکی میدان اولوبدی
قوون میدانیدی بیرده قپاندی | بولاردا میوه‌لر ارزان اولوبدی
قپان میداننی تعریف ائدوم من | نه‌میدان کیم گوروب حیران اولوبدی
قپان میدانی بیر مکّاره بازار | که اهلی تک‌به‌تک شیطان اولوبدی
بویاندا فخری چیللنمیش طبق‌ده | حسینی ،صاحبی ،الوان اولوبدی
بیری سسلور گلون کشمش قوتولدی | باساباس سالدیلار تالان اولوبدی
بیری سسلور قورا شیرین بال اولدی | که بیر سالخیم یین اوغلان اولوبدی
ئوزوم قاره گییوب یاسلی خانم تک | سیخان وقته سویی آلقان اولوبدی
آسوبلار بیر قپان گویدن وسطده | که اوندا میوه‌لر میزان اولوبدی
وسطده بیر خانم وار سود ساتاندی | کوکلمیش مینمه‌لی مادیان اولوبدی
کمر وار، اون تایندان، جانلی مانلی | کفل آهنگره سندان اولوبدی
شلی،شفتالو، شیرین دوگشی دوگشی | هلو بیر سورمالی پ..... اولوبدی
بوگون صبّاح گلر بازاره امرود | خریداری ازل اعیان اولوبدی
قالوبدور جفجفا شأنی آلان یوخ | اونا بیر مشتری دهقان اولوبدی
او میداندا اگر بیر کتلی گلسه | یازیق عنتر کیمی ویلان اولوبدی
قاتقلالاّر یوزون قویروق آسالاّر | باخانلار حالینه خندان اولوبدی

تضمین از غزل انزاب

می وئر گوزلیم دائم عاشق بیر هاوا چالماز
بیزدن صورا ایل‌لر گئچر ئللر یادا سالماز
ئوللوخ گئدروخ صوندا ندامت یرین آلماز
(دنیا نه فقط منعمه، درویشه‌ده قالماز)
(اول دلبر طنّاز و جفا کیشه‌ده قالماز)

بیر گون قالاجاق پیس گونه بو زلف گرهگیر
بیر ئوزگه مقاله یازاجاق خامهٔ تقدیر
آخرده غلافین کسه‌جاق بو ایتی شمشیر
(بیر گون وئره‌جاق یار بو رفتارینه تغییر)
(روشندی جفاپیشه بیر اندیشه‌ده قالماز)

پروانه‌ده وار شمعه نه اندازه محبّت
اوندان چوخومیش شمعده پروانیه نفرت
پروانه قانی قویمیاجاق شمعی سلامت
(شیرین جانا فرهادی قویان تیشه‌دی حسرت)
(فرهاد قصاصی بولورم تیشه‌ده قالماز)

شیرین دوداقیم، گُل یاناقیم، ترکیمی قیلما
شاهدلر ایچینده سئچیلوب دیشره چیخیلما
سرو اول اَسیلن یللریلن فوری ییخیلما
(ظلم ارّه‌سی آزادلیقی گر کسسه سیخیلما)
(آخر گینه بیر شوکه وئرر ریشه‌ده قالماز)

عنقا کیمی گر آرزیلارین قافینه اوچسام
غم سانجاقینی گل یرینه سینه‌مه ساچسام
چکسم آنا یوردومدان ایاق داغ داشا قاچسام
(عیب ائتمه اگر کوه و بیابانه یول آچسام)
(شیر گورسه که آزادلیقی یوخ بیشه‌ده قالماز)

ایوای او زماندان دیه‌لر یاسلیا خرسند
یا شکّره دوز اسم اولا قارتوبّوزینا ،قند
دیوانیه احسن دیه‌لر عاقله ریشخند
(هر بی‌هنره قویسالا عنوان هنرمند)
(ارزش داخی بالمرّه هنرپیشه‌ده قالماز)

ظلمیله اولوب منگنه انسانلاری سیخما
گر قوزاماساندا بیرینی سعی ائله ییخما
اللرده گُل اول، چیداق اولوب گوزلره چیخما
(شوقی، نه گوزل سؤز دیدی، انزاب، داریخما)
(گل غنچه‌ده، سؤز سینه‌ده، می شیشه‌ده قالماز)

دنیاده قوناقدور نئچه گون خادم و مخدوم
بو دار فنادن کؤچه‌جاق حاکم و محکوم
کردارینه کئفـر گوره‌جاق ظالم و مظلوم
(ائت لوحهٔ سینونده کریمی بونی مرقوم)
(دنیا نه فقط منعمه درویشه‌ده قالماز)

قطعه

نه گل قالور بو گلستاندا نه گلاب قالور
نه ساقی و نه صُراحی و نه شراب قالور



فضای باغی دوتوب بلبلین ترانه سسی
نه اوندا سس نه‌ده گلده بو رنگ و آب قالور
غراب رشک آپارور عندلیبه فکر ائلمور
بیر آز زماندا نه بلبل نه‌ده غراب قالور
صفای دشت و دمن آبشار و لطف چمن
آلور قراری اورکده نه صبر و تاب قالور
نه شمع جمعده نور و نه بزم وصلده شور
نه چنگ، چنگ مغنّی‌ده نه رباب قالور
اوجا داغین اتگی گل چیچکدی باشی دومان
نه گللی دامنی نه چادر سحاب قالور
بهار گونلری عمریم کیمی شتابده‌دور
خزان گلور هامی آبادلر خراب قالور
ضعیف قوشلارا یوخ آشیان بو گلشنده
نقدری سرچه شکار ایلین عقاب قالور
سرشک چشمله جانانه نامه‌لر یازدیم
چه فایده هامی نامه‌م بِلاجواب قالور

او زلف تاریده‌کی شانه‌دن گلایه‌م وار
که او صواب آپاراندا منه عذاب قالور
خیال زلفویله یاتمارام اوزون گئجه‌لر
مگر کمنده دوشنده مجال خواب قالور
او قاره ساچ اوجا بوی سالدی یاده منصوری
ئوزی اگرچه گئدوب داریله طناب قالور
شرار قلبمه عنّاب لب معالجه‌دور
دوا تاپولماسا بیماره التهاب قالور
قمار عشقه دوشندن اوتوزموشام ئوزیمی
ثبات عهده سند گوزده اشک ناب قالور
گوزللرین هاموسیندان سئچیلمیشیم سن‌سن
خدایه شکر همان حُسن انتخاب قالور
یوزوم صحیفه قلم کپریکیم مرکّب اشک
یازا کریمی مرکّب قورور کتاب قالور



آدام اولان ساعات کیمی قورولماز
صاقدان صولا صولدان صاقا بورولماز
قاریشیقدا ئوز ئوزونی ایتورمز
بونی بولر بولانماسا دورولماز

انزابدان بیر غزل «یامان چیخدی»

نشانلیم بولمورم مندن نه گوردی بی نشان چیخدی
شکر لب قند گفتاریم نه اولدی بدزبان چیخدی
دئدیم آهیم اوخی اول آهوی وحشینی صید ایلر
مخالف بخته باخ تیر آتامیش زهدن کمان چیخدی
ازل گون آشنا اولجاق وفادن ووردی دم هردم
ولی بولجاق گرفتار اولموشام نامهربان چیخدی
منه سودای عشقینده نه شیرین وعده‌لر وئردی
مقام فعلده گوردوم یوزه دوخسان یالان چیخدی
نه بو دلبر، منه سرگشته هر دلداره دل وئردیم
وفاسین گورمدیم یا اوینادان یا اویناغان چیخدی
بهای عمریمی صرف ایلدیم سوق محبّتده
دوشوب سرمایه‌دن سیندیم بو سودادن زیان چیخدی
عجب فتّانه‌دور یاریم دابان چکماقدا ماهردی
ز بس مندن دابان چکدی ایاقیمدان دابان چیخدی
ازل گونلرده دیداری اولاردی قسمتیم گهگاه
ولی مدتدی اوندان نه خبر نه بیر نشان چیخدی
او قدری انتظارینده اوتوردوم یول کنارینده
گلن گلدی گئدن گئتدی گیرن گیردی چیخان چیخدی
وفاسیز دلبره بئل باغلاماق غفلتدی مخصوصاً
بیزیم دلبر که اصلیندن مُحیل و شارلاتان چیخدی
دیرلر شانسا چیخماق وار نصیب و سهم و قسمت وار
منیمده قالدی قالدی شانسیما چیخدی یامان چیخدی
من بیچاره هر کیملن بنای دوستی قویدوم
یا باشیمدن پاپاخ قاپدی یا دیبده بوک قویان چیخدی
کریمی‌نون بلیطی اوتدی گر بخت‌آزمائی‌ده
سنه «انزاب» شکر ایله بو تحفه رایگان چیخدی

کریمی‌دن انزابا خطاب «چوخ گئتمه حمّامه»

اوتورمیشدوم بساطیمده یتیشدی یاردن نامه
یازوب جزئی کسالت وار سالوبدور لرزه اندامه



خدادن ایسترم صحّت سنه هر لحظه هر ساعت
وجود نازنینون دوشمه‌سین آلام ایّامه
باخوب یول گوزلماقدان گوزلریمه قاره سو گلدی
گلینجه قرقی شرواندان آشار صبحیم دونر شامه
بو سودایه دوشندن قالمیشام دانلاقلار آلتیندا
بویاندان عشق خودکامه اویاندان نفس لوّامه
بویاندان عقل اویاندان نفس و خواهشهای شیطانی
علیدور عقل، خواهش ابن‌ملجم، نفس قطّامه
نگاریم گوگلومی آلسا دیلین گر آغزیما سالسا
ریاضت گوشه‌سینده قانع اولاّم مغز بادامه
حدیث عشقی جانا شرح وئرمه واعظ شهره
خصوصی محفلین سرّین آپارما مجلس عامه
وصالین لحظه‌سی نعمتدی ئوزگه صحبته گئچمه
دیل آچما شکویه اهل دل اول، دل وئر دل‌آرامه
زمان باریکدور دوت واجبی آت مستحبّاتی
مصلّیٰ‌دن بلی ساقطدی ضیق وقتده قامه

بش‌اون گون عمریدن سالسان اله فرصت غنیمت‌بول
که هئچ کیم بو جهاندا سن دیین تک یتمیوب کامه
سیاحتدن زیارتدن ضیافتدن دالی قالما
غنیمتدور بو فرصت گوزلَمه «تنظیم برنامه»
جهانین تلخ و شیرینین آیور قاموس طبّیله
که صبرین صبریلن اوت شکّرین شکریله توک جامه
نه ایستورسن بو دنیادن او سندن نقد جان ایستر
آلوب نعلین ارسطودن قاپوب لقماندان عمّامه
کیان، اشکانیان، ساسانیان، سلجوقیان، نولدی
او نامی ارسانلاردان قالوب بیر ارسلان‌نامه
اجل آئینهٔ اسکندری سیندیردی سنگیله
آلوب جمشیددن تاج و کمر جامیله زیرجامه
ائدوبدور پرده تار عنکبوتی طاق کسرایه
مُغنّی‌لر سیاقینده دوزولمیش بوملر بامه
سلامت آختارانسان وصلدن فصل انتخاب ایله
امیری، باغ فین‌ده یاده سال چوخ گئتمه حمّامه
قالاما قصری قصر اوسته آسانسور یوخدی جنّتده
قوروقی پوزما ایستورسن که الفون دونمه‌سین لامه
جهاندا سن دیین دوستون وجودی قاف و عنقادی
آدی وار، یوخ ئوزی چون هفتخوان و دیو شهنامه
خلایق بیربیره رحم ایلمور خالق‌ده مخلوقه
خیانت وار وصی‌دن موصیه قیّومدان ایتامه

دولوب بو کهنه ویرانه حسدله حرص و آزیله
آلوب قویروخ ایگین قوردون حریصی تئز دوشر دامه
بو دهرین فخری بش شی‌دور بویورمیش سرور عالم
جماله، ماله، زوره بسته‌دی اولاد و اقوامه
بو بش فخرین بیرینده‌نده قیامتده چراغ یانماز
عجب محنتلی ساعتدور عجب وحشتلی هنگامه
فقط انسانی اوددان قورتاران اعمال صالحدی
عمل‌سیز علم، وئرمز بهره گیرم اولسا علاّمه
بش اون گون تیر چیخینجاتوت گیرینجه بوشلا طهرانی
مراغه چوقّورونده سویمه‌سن باهم گئداخ یامه
هواسی پیس دگول فعلاً مراغه شهری بابتدی
آچوم بستر سنه ایواندا یا دیرماشدیریم دامه
شاما دوگسونله کفته رُفته شفته مفته مجّانی
ناهارا آش پلو صبحانیه اوملت، عسل، خامه
هله بوم یوخدی موشک یوخدی قوخما چیخ پناهگاهدان
هله آمریکادان دستور حمله یوخدی صدّامه
کریمی، اَلکلامُ قَلَّ دلّه امتثال ایله
مفصّل دوشسه گر نامه چکر آخرده سرسامه





انزاب‌دان کریمی‌یه جواب «جوابّیه»

بحار فکره جوموشدوم گتوردی پیک بیر نامه
نه نامه نام یاریله مزیّن دلنشین چامه
وجودیم مُلکینی غم لشکری سالمیشدی تسخیره
تالانمیشدیم اوصانمیشدیم ایشیم یتمیشدی اتمامه
اولوب پیروز غم مندن آپاردی روحیمی تندن
که گویا شمر اولوب فاتح گئدیر پاداشچون شامه
یخیلمیشدیم سیخیلمیشدیم‌نه قورخوردوم‌نه قالخیردیم
خلاصه گورمه‌لی بیر عالمیدی دوزلو هنگامه
یتیشدی نامۀ جانان الیمده اولدی بیر قلخان
هجوم اژدهاده چاتدی نصرت زادۀ سامه
غرض اول دلنشین سؤزلر منه جداً اورک وئردی
کمند انبساط آتدیم حریفی چولقادیم دامه
عزیزیم فکر ائدیرسن بولمورم احوال دنیانی
قانان گوندن یقین بول آشنایم مکر ایّامه
بو دنیادن خیال ائتمه فراغت انتظاریم وار
مسلّمدور که بیر کس یتمیوب بو ق.....دن کامه
بو بیر عفریته‌دور هر گون بیرین اغفال ائدور اوینور
بیرین یاغلور، بیرین داغلور، صباحین دوندریر شامه
ولی ای کاش احساسیم اولونجا جهلیم آرتیدی
نه آغازه وئرردیم فکریمی اوندا نه انجامه

الیملن اکدیقیم شاخه گوزومدن دگدی آخرده
بو ضربه گون قَییش دُوزمز نئجه تاب ائتسون عمّامه
ائله ایش پتداشقدی ئوز وجودیم چیخدی یادیمدان
هانی ذوقیم هانی شوقیم یازیرسان آز گئت حمّامه
بله بدبین اولوب گوزلر بو یولسوز خلقه قیل باور
نه میلیم وار باخام عامه نه«میلیم»وار تاخام آ....
داداش بو عصریده خوش باور اولماقدی بیری هر گاه
گووَنسه ماله، زوره صورته، اولاده، اقوامه
دوماندور توستی‌دور ایستی اریتدی قارداشین قارین
باخولاّر جیبه، کئفه، کیسیه، باخمولاّ اندامه
جهاندا امر حق اجرا اولور اولمور رجوعیم یوخ
بونا ناراحتم کفر اهلی گیرمیش جلد اسلامه
خلاصه دعوتوندن چوخ تشکّر ایلورم فعلاً
اجلدن مهلت اولسا جورلارام بیر یاخشی برنامه
داها تیر گیردی توت چیخدی وصاله اولمادی فرصت
قویاخ قالسین بو برنامه عزیزیم فصل بادامه
کریمی‌نین جوابین فوری یاز، انزاب، تا اوستاد
خیالی راحت اولسون زنده‌سن خط وورسون ابهامه





نصرتی‌دن بیر نامه

چوخ یوباندی که بهانه تاپولا عنواناها
شکر لِلّه یتیشوب مشگل ایشیم آساناها



لطف «انزاب» و «کریمی» منی شرمنده ائدوب
تسلیت نامه‌لری دوشدی عجب احساناها
بی‌غرض موعظه‌نین چوخدی عزیزیم اثری
نئجه رحمت اوخوماز عاقل آدام لقماناها
والده، روحمیدی گئتدی الیمدن نه دیوم
چاره هئچ‌کس تاپابولمز ئولومه فقداناها
منّته قالمادی ئولدی ئوزی آغ آننی آچیق
روزی بوردان قوتولوب گئتدی قوناق یزداناها
هرج‌ومرج اولدی زمان هارداسان ای صاحب‌عصر
سروسامان وئره‌سن ملّت سرگرداناها
تا دوشه فرصت جبران خطا بیرده اله
بو مثلدور، گوره‌روخ قرقی آشار شرواناها
آشنالر یاد اولوب صدق و صداقت قوتولوب
رحمت اجدادیمیزه حیف او گئچن دوراناها
گر اوجوزلوق اولا یا کیم باهالیق ناشکروخ
قلب‌لر گورنه دونوب داش دمیره سیماناها
هر طرفدن بیزی تسخیره سالوب درد و بلا
بسکه بیزده یتیشوب فسق و جفا طغیاناها

فقر فرهنگی و مالی ائویمی قویدی خراب
سهمیگین یل‌لر اسور کشتی دوشوب طوفاناها
هر ایشین بیر اثری هر عملین کیفری وار
باهالیق اولدی سبب تا باهاچیل چیرماناها
دینی اسلام اولانین مذهبی اثنا عشری
نه روادور اولا خائن وطنه قرآناها
بو نه غفلتدی آچیلمور یوخودان گوزلریمیز
یا مگر منتظروخ سنّ چاتا دوخساناها
یوخ جسارت ائلیم نامیه درخواست جواب
دلخوشام یوسفیمون عطری گله کنعاناها
قدسیان حافظین اشعارینی گویلرده اوخور
دوشمیوب یولاّری چون خوی، مراغا، طهراناها
یازدیقیم نامه‌دی اشعار دگول عفو ائده‌سوز
درددل‌دور زیره گوندرمه‌میشم کرماناها
نصرتی حوصله ائت دقّت ائله سؤزلریوه
تا لیاقت تاپا شعرون یازیلا دیواناها





مراغادان جواب

نصرتی، قویسا اجل دوشسه گذاریم خویاها
آلارام غصّه‌وی دوندرّم عزاوی طویاها



آناوین فرقتی آرامون آلوبدور بولورم
بو ئولوم فکر ائلمه بیر کسه خاطر قویاها
آت غمی دوت دمی بیر گونده گلر بیز گئده‌روخ
اولمیا غملر اوخی قلب شریفون اویاها
هامیلار گئتمه‌لیدی بیر هدفه یتمه‌لیدی
نه قالار یوخسولا دنیا نه قالار پوللویاها
باخما فرصت‌طلبه قورد کیمی گیرمیش سورویه
اولارین قارنی بو تئزلیقدا چتیندور دویاها
دی او بدبخته یازیق آتمیش ایلی یتمیش ایلی
خُم سنون رنگ سنون هر نه سوویرسن بویاها
بو جهان جنگل مولادی درختان کهن
کوک آتوب بعضی وئروبدور اَنه بعضی بویاها
عالم خائنَةِالاَعیُن و عَلّام غیوب
گورور اعمالووی چکمه جَنمازون سویوها
وای او گوندن بویووی خام بزه دنیا دوتاجاق
قوجا غسّال او گوزل رختوی تندن سویاها
فَاِذا اُنفِخَ فی الصّور هُوَ الیَومُ عَظیم
منتظردور عرصات اهلی همان بورقویاها

تَشهَدُ اَرجُلِهِم دل گیره‌جاق حنجرینه
او دلی که گوزل اشخاص باسوب هایهویاها

اوردا تنها بشرین بیر ئوزیدی بیر عملی
آرخیین اولما عیاله، قوهوما، قونشویاها

قورخ او گوندن ورثه ثروتون اوسته ساواشا
کوره‌کن گونده اوتوز یول لوله‌وه زوللویاها

«نصرتی» امربه معروف ائله یار یولداشیوا
دئگیلن حق سؤزیوی دوشمیه‌سن قورخویاها

باخما، سؤز گزدیره‌نه وَیلُ لِکُلَّ هُمَزَة
اولار انسان دگی قورددی سیخیلوب بوسقویاها

روز محشرده بیری گیزلده بولمز عملین
اورا دنیا دگی جنسی باسالار پستویاها

ای کریمی هره ئوز اکدیقین آخر دَره‌جاق
بونی بول گرچک اکن کس دره بولمز، سویاها



اجل گلسه مجال وئرمز قاشماقا
چاریقووی پتاواوی آشماقا
هوشلی اوغری گئدر بانگی یارماقا
هوش‌سیز گئدر یاس ائوینه باشماقا





نصرتیه نامه

اگشمشیدیم نصرتینون نامه‌سی گلدی
کنعانه مگر یوسفیمون جامه‌سی گلدی



ئوز لطفلرین نامه‌ده اعلان ائلیوبدی
غمدن قارالان قلبی چراغان ائلیوبدی
سال «نصرتی» کرخانهٔ طبعی ایشه قارداش
پیمانهٔ اشعاری گتور گردشه قارداش
قویما باسا پاس طبعیوی صیقلله یوبانما
آل قافیه‌نی موم تک اله الله اوتانما
سن یاز منه من ایلیوم، انزابه، حواله
جمع ایلیاخ اوچ قارداشا بیر دوزلو رساله
شعرین عَلمین حیفدی قالخیزمیاخ آخر
یا اوچ باجیا بیر س..... دوز.....خ آخر
بیزدن که نه تاجر باشی چیخدی نه پُرفسور
سالدی گوزونه چرخ بیزی ایلدی سانسور
بیز وصف ائلدوخ لعل لب و چشم خماری
بیگانه گلوب شصتیله باسمارلادی یاری
تشبیه ائلدوخ شوخ م..... سیبه اناره
عیش اهلی اموب سوردی بیزی ووردی کناره
تعریف ائلدوخ باده‌نی هئچ ایچمدوخ امّا
میخانه‌نی یازدوخ ایچری گئچمدوخ امّا

شمع و گل و پروانه‌نی هی میدانا قویدوخ
کور میلچگیلن لامپ ایشیقیندا جانا دویدوخ
ئوزگه اوخودی شعریمیزی بیز قولاق آسدیق
چاتدی اولارا اینجه کمر، بیزلره یاسدیق
بیز قافیه آختارماقا جومدوخ بو خیاله
بیر عدّه مارال صیدینه یولاّندی شماله
دیداریمیزه خلق گلور دسته به دسته
هی مرسی ماشاءاللّه قالانوب بسته به بسته
بیر عده ولی یغدی دولاری دولار اوسته
قسمت بویومیش ایمدی بیز آتدا اولار اوسته
آرامش خاطر اولارا، داد بیزه دوشدی
دادلی دیریلیق اونلارا، بیداد بیزه دوشدی
غم ایلمرم گوهر ارزنده‌دی شاعر
میلیاردر عالم ئوله‌جاق زنده‌دی شاعر



ایاقی اینجیدر چوستون کهنه‌سی
زوبونی کورک اولماز پوستون کهنه‌سی
تازا دوسلار تئز باریشار تئز کوسر
هر زادین تازاسی دوستون کهنه‌سی

نیسگیل‌دن بیر نامه

کریمی جان آزالوب سانکه نسگله کَرَمون
تاری وئروب چوخالوب یوخسا کیسه‌ده درمون



همان سنی سووه‌نم من که دون دگیشمه‌میشم
ندن یاد ئیلدن ایله ایلمور منی قلمون
دوتاق که بولمه‌میشم بیر خطادی ایلمیشم
قالوب هایاندا کیشی بس سنون بویوک کرمون
بو دوغریدور کیشیلوق چوخ چتیندی خرج آپارار
اوتوز قرانه باخور پست آپارسا بیر گِرَمون
دمیر قفس کیمی تنگیشدیریر منی بو، دنی
آلا بو دیوین الیندَن مگر سنون رَقَمون
اولار تامارزی قویا من خماری بیر ایچیمه
سبیل ائده مِیلن کایناتی جام جمون
منی‌ده سالما گوزوندن بو خاطره که تاری
عزیز عالم ائدوبدور ئوزون سؤزون حرمون
نفس ویریر چالورام بورلوغانلا قوشمالارون
قارا دنیز خفه‌لر آرخا دورماسا بَلَمون
ئوزون دیمیش چالشیب تای‌توشون قازاندی قازان[1]
سونده قافیه اوسته گئدوب قازان حشمون

---

۱ - تای‌توشلاریم چالیشدیلا مین مین قازاندیلار
من قافیه قازاناماقا ساتدیم قازانیمی

بو گون هامی صمدی بوشلیوب صنم چاغیرور
ولی سنون سخنون یا صمددی یوخ صنمون
سنی قوجالمیاسان عشقده جوان قالاسان
قوجاقلا عم‌قیزیوی قوی هَوَسلنه زَنَ‌عمون
مباد غم سالا سیچراتما چون سینک[1] اوره‌گه
دمیله دم دمه وئر گرم اولا همیشه دمون
گل ای گوزل ،گَله ئوز جانما که مشتری‌یم
یانار اورگده وارون هر قدر اودیلا غمون
اُیم گولر دوداقون باشوه دوروب دولانام
سپه سو کوزلرینه باغریمون کرملی یَمون
آچاخ دفاتر شعری دیاخ گولاخ اوخویاخ
قویاخ کناره اوزون بحثینی عرب عجمون
سنی دویورماقا لازم دگول کباب و چلو
خدایه شکر دولوب فضل و علمله شکمون
شرفلی نامه‌لرونله منی مشرّف ائله
شیریندی چون منه بالدان مواعظ و حِکَمون
نه شوقیلن دل آچوم شعره باشیم اوسته اگر
اسوب جلالیله شن کولگه سالماسا عَمَلون
اولار که بیرده قاپومدان گورم گینه گیریسن
دییم که قوی گوزومه قویما توپراقا قدمون
بو نسگلی سالاسان اوندا قورخورام یادووا
که توپراقندان آچار لاله‌لر بَزَر اِرَمون

۱- میلچک

گونیلی‌دن بیر نامه

سپر بهار بولودی گوز یاشین یانان دلیمه
ولی او گوزیاشی نیلر بو داغلانان دلیمه



اون ایلده گلمز حالا اللی ایل شکنجه چکن
بو اللی ایلده گلن هی باسوب تیکان دلیمه
گورنده خصمی اوزاقدان تئز آغزیمی یومورام
که قورخورام وورا بیر ضربهٔ زبان دلیمه
دلیمه قوّهٔ دل اهلی مراغه اولدوزودی
وئروب قارا گئجه‌لرده ئوزون نشان دلیمه
کریمی ای ئلیمون باغینون هزاری اوخی
شیرین سؤزون نه گوزل بذل ائدر توان دلیمه
منیم آنا دلیمی زنده ایلیین سن‌سن
سنی معلّم ائدوب خالقیم روان دلیمه
نه تک مراغه‌لی‌لر بلکه جمله ترک زبان
بولور نه خدمت ائدوبسن اوزون زمان دلیمه
وئروب سنون قلمون خوش نسیم تک تازا روح
بهار عمری او تن خسته نیمه جان دلیمه
سهندیمون اتگیندن خمار خمار باخیسان
قلم سلاحون اولوب سنده پاسبان دلیمه
یرون گوگللر اولوب دللره سؤزون دوشه‌لی
سؤزون اورکدن اولوب چشمه تک روان دلیمه

بیری بیر ئوزگه دلین آغزینا سوخوب زورولان
دانیب آنا دلینی هی وورور زیان دلیمه
ئوزین ساتوب قول اولوب ئوزگییه دانوب کوکونی
اونون بونون سؤزونه ساپلوری یامان دلیمه
دیلون قاداسین آلیم تئز نفس وئر آوسونلا
که قویما نیش وورا زهریلی ایلان دلیمه
گوروم بو حبل متین (وارلقی[1]) اوزون یاشاسین
آچار اولوب نئچه ایلدور که باغلانان دلیمه
گونیلیم علی معجزیله یوردوموز بیر اولار
گرک دیم اولا یا اولمیا باخان دلیمه



یول گئتماقا یولداش گییماقا چاریق
اوبا کؤچدی گئتدی بیز هله واریق
وارلی یوخسول بو دنیادا بللیدی
او دنیادا عمل، نه کوک نه آریق



۱-مجلهٔ وارلیق

دریا سفری

گینه بیر گون ائدوب اللّه نظری / قسمت اولدی بیزده دریا سفری
نوربحریله، حاج عزت اوچومیز / سویمه‌لی سلقه‌لی پاکیزه تمیز
یولون اوضاعینی سالدوخ حسابا / فوری لندروری قوودوخ بنابا
نوربحر ایستدی گئتسون کسه یول / نئجه یول نه صاقی بللیدی نه صول
شوره‌زاریدی تیکانلیق ناطاراز / یوخودی شیب و فرازینده طراز
آتدی دوتدی بیزی اویناتدی ماشین / دریایا چاتماخ همان باتدی ماشین
نوربحر هی اياقین باسدی گازا / چیخاداخ بلکه دریندن دیازا
ایکی یاندان ایته‌لردوخ ایکیمیز / یخیلاردوخ سورونردوخ سینه‌خیز
یا علی اَدرکنی یا عبّاس / گاهی یا خضر گهی یا الیاس
توکنوب طاقتمیز گئتدی توان / اوچ نفر کتلی جوان اولدی عیان
گلمدی خضر ئوزی فریادیمیزه / اوچ «خضیرلو»[1]لی یتوب دادیمیزه
فوری عبّاس و رحیم نصرتله / ماشینی قوزادیلار سرعتله
دئدیلر بیرده چیخاندا سفره / دوز گئدون دوشمیه‌سوز تا خطره
کسه یولدان کسه وورساز آشاسوز / تانیساز دوز یولی سالم یاشاسوز
کار شیطاندی شتاب و عجله / عجلیلن چتین ایشلر دوزه‌له
صبر هر مشگلی صبریله آچار / خوش مثلدور تله‌سن ترسه سچار
اولارا بیز ائلدوخ چوخلی دُعا / حاجی قویلاندی لیغا بیزده سووا
تازا بگ تک حاجی گیردی نوررویا[2] / بیز خیارشور کیمی دوشدوخ شورویا
جمله توکدوخ سویا درد و مرضی / واقعاً بو کئفین اولماز عوضی
دوشه‌نوب دریا کنارینده بساط / غصّه‌میز یوخ هامیمیز غرق نشاط

۱–خضرلو: نام قریه ایست بین بناب و عجبشیر

۲–نورا :نوره

آزیدوخ امّا شیرین یولداشیدوخ
بیر بویوک قارپوزی کسدوخ قاشیدوخ

وئلله‌میشدوخ هامی ایّام غمین
چک غمین،سفته غمین، وام غمین

نه مرام و نه سیاست سؤزی وار
نه مقام و نه ریاست سؤزی وار

دوشه‌میشدوخ هامیدان فاصله‌لی
نه کدورتلی نه کین‌لی گله‌لی

نه سالاردوخ بیرینون صحبتینی
نه ائدردوخ بیرینون غیبتینی

نه گولردوخ بیرینون قاش گوزینه
نه باخاردوخ بیرینون چپ اوزینه

نه تیکردوخ بیرینه قرمزی دون
نه قویاردوخ قازانین آتدا اودون

واقعاً ایستیه انسان خوش اولا
اجتماعاته گرک آز قوشولا

ترک ائدوب دریانی دوردوخ ایاقا
بین راهدا دوشه‌دوخ آیری باغا

واریدی ایستی سو دولدوخ تیانا
یول توزی دریا دوزی گئتدی یانا

او سو یاغ‌تک یایلوب جانیمیزه
سپدی سو آتش سوزانیمیزه

نوربحر ایلدی قلیانینی چاغ
گونی وئردوخ باشا با حال فراغ

یدوخ ایچدوخ گینه گلدوخ وطنه
سوژه دوشدی اله سؤز چیخدی منه

نئچه گون فاصله وئردی بو سفر
دوشدی باشه گینه بیر شور دگر

صلحی تحمیل ائدوب ایرانه عراق
توکولوب قاش گوزه سالاّندی قباق

دئدیلر خوشدی هوای سرعین
همی داود واریدی هم حاجی حسین

ایستدی تیر چیخا چیخدوخ تیریلن
ایکی نورسته جوان اوچ پیریلن

قابلادوخ بوزقابونی چوخ بوزولان
آلچا آلما و خیار قارپوزولان

هاردا بیر منظره گوردوخ دوشه‌دوخ
کئفه باخدوخ یدوخ ایچدوخ ایشه‌دوخ

حاج حسینون ائله قزدی دابانی
اولمادی ضرب چالوب آفتافانی

چیخدی بیر منظره‌لی یر قباقا
ماتور ایشلوردی آخوردی سو باغا

ائتدی بیزدن او سو جلب نظری
دوشه‌دوخ اوردا گینه ماحضری

بیزی گورجک او عمرسعد زمان
سویی کسدی بیزی قویدی نگران

صفت بخل بویوک مسئله‌دی
کوپک اوغلی دیه‌سن حرمله‌دی

کشینون زینتی‌دور جود و سخا سیچدی تورپاقلادی اُستون او دغا
رفقا یاغلی یاوان باسدی قابا نمازی ساخلادوخ امّا سرابا
یاخشی یولداشدی زر کامل عیار خاصّه آقای مربّی[1]کیمی یار
داودین[2] قلیانینون هلهله‌سی نوربحرین[3] ادبی حوصله‌سی
یوخودی نیشی سراسر نوشودی دست‌فرمانی ماشاءاللّه خوشودی
داودین بیر آجیلی چمدیگی وار قره گوزتک قانادان دیمدیگی وار
یولداشین آوجین آچان یولدی داداش یولدی انسانین ائدن سرّینی فاش
ایشیمیز گولماقیدی صحبتیدی پشه‌میز گزماقیدی لذّتیدی
سرعینه یتیشوب قافله‌میز اسداللّهی‌دن[4] اولدی صله‌میز
ییرمی ایلدی اونیلا من تانیشام گرک احوالینی دوستون سوروشام
بیزی گورجک دلی اولدی سبلان سرعینی بورودی چنلی دومان
بوران اولدی یاییمیز دوندی قشا یریویز بوش نئجه دوشدوخ یاغشا
قار یاغش وئرمدی بیر لحظه امان قارا بخت چیخدی داغا گلدی دومان
جای تغییر هوادور سرعین مرکز ذوق و صفادور سرعین
وار نئچه ایستی سویی درده دوا روماتیسمه هامی امراضه شفا
سبلانین گل آچوبدور اتگی کره‌سی قیماقی باللی پَتَگی
قوزی جیرانلاری وار ایستمه‌لی مه‌مه‌لی دیشلملی لاپ یمه‌لی
الغرض الده عصا دلده دوا حاج حسین وارد اولوب ایستی سووا
ایستی سو بسکه پوزوب افکارینی گیینده ایتیروب شلوارینی
دئدیم اولسون عمو یوخ سنده قصور نه بیزیم خلقده هوش وار نه شعور
ملل راقیه گور نیلدیلر کرهٔ ماهیده فتح ایلدیلر

۱–حاج حسین مربّی ۲–داود کریمی
۳ ابراهیم آقا نوربحر
۴–رحیم اسداللهی، شاعر متخلّص به راحم سرعینی

خلقمیز لاپ ایتیروب ئوزلرینی آزدیروب بینوالار سؤزلرینی
نه یولون تاپدی بو ملّت نه دونون الگوسین ئوزگه وئرور هر مودونون
گئدیر ئوزگه جیبه تاپدیقلاریمیز ئوزگه قارنندادی یاپدیقلاریمیز
هر قازاندا هر اوجاقدا پیشه‌نوخ خارجه هر مودی سویدی دوشه‌نوخ
غربدن آلمالیوخ بورکومیزی شرقدن آختاریروخ کورکومیزی
درزی یوخ بیز تیکه‌نی ئوزگه بیچیر ساقی یوخ بیز توکنی ئوزگه ایچیر
«بیله دره» سوینون شهرتی وار رفع ائدر معده‌نین هر ثقلتی وار
واقعاً منظره‌سی گورمه‌لیدی منه یوخ، اهلینه کئف سورمه‌لیدی
دوشه‌دوخ اوردا خلاصه ناهارا عمری قیترماق اولورمیش بهارا
حاج‌حسین گوردی او خوش منظره‌نی قوزونی یا صونا کهلیک فره‌نی
دئدی یوز شمع دیرم عینالیا اللی ایل عمر قیتسه دالیا
او جوانلیق گله تا بیرده اله دوشییدیم بورا ماه عسله
انقلاب عصریدی لی شلوارا باخ اورا باخ سرو آغاجندا نارا باخ
سن دئدون ایش قوتولوبدی هانی بس هامی اسلامی اولوبدی هانی بس
هارا گئتدی اوقدر سعی و تلاش قورخورام اولسون همان کاسه و آش
دئدیم آی حاجی ایشی قاتما ایشه کیمدی وورسین کبابی یاخشی شیشه
اوچ طرفدن اتی هی اللدیلر دورمادی شیشده نقدر ایلدیلر
یتشوب فوری حاج احمد[1] کومگه شیش به شیش پیشدی چکیلدی چورگه
نه کباب یاغلی بادمجانلی کباب قوجا فنّی یوموشاخ جانلی کباب
ایستدی کئف کوک اولا مختصری ال آتوب رادیووا آچدوخ خبری
ائشیدوب بیر أسف‌انگیز خبر هر نه کئف چکمیشدوخ اولدی زهر
دئدی دشمن بیزی اغفال ائلیوب قصرشیرینی‌ده اشغال ائلیوب

۱-حاج احمد آشنائیان قصاب

دئدیم اللّه ائده صدّامی ذلیل — اولدی بو جنگ اسفناکه دلیل

بو نه اوددور بابا ایرانه سالوب — ملّتین‌کی فقط اللّهه قالوب

سوردولار زالو کیمی قانیمیزی — قویدولار پیس گونه ایرانیمیزی

غصّه‌لر سیخدی داخی حلقیمیزی — باهالیق یوردی بوتون خلقیمیزی

یوز وئروب ملت ایرانه نه‌لر — نقدر قالدی اوغولسوز نه‌نه‌لر

طَیَرین جفتی اوتوزمین تومنه — تاپوب آلسان هله معجزدی گینه

ات کیلوسی ایکی یوز بیرمی تومن — نه یسین فعله کاظم بنّا حسن

قالدوخ اوچ‌گون سرعینده بشیمیز — روز و شب چیمماقا چیخدی ایشیمیز

حاج‌حسین گر چه چوخ اینجیتدی بیزی — یریموردی دیزی گورموردی گوزی

گر چه هشتادبیری گئچمیشدی یاشی — اولماسیدی دیلی قالمازدی باشی

شنبه چیخدوخ سرعیندن سحری — آب قینرجیه ائتدوخ گذری

او سو انسانی الولاندیریری — گیرماق اولمور آدامی یاندیریری

رفقا چیخدی سودان دوشدی یولا — دگیلوخ راضی بو گونلر قوتولا

چوخ یمیشدوخ چوخودی لنگریمیز — اولدی آتدیم باشی بیر پنچریمیز

ناهارا تصویبیدی شهر سراب — صرف اولوب اوردا چلوبرگه کباب

جمعه مسجدده نماز اولدی ادا — دیه‌سن ذرّه یورولدوخ، ابدا

لندرور باشلادی نیقّیلداماقا — قوجا آرواد کیمی زیقّیلداماقا

دئدیم ای سرعتی طیّاره ماشین — یولدا قویما بیزی آواره ماشین

گئجه‌دی دورما قارانلوق هوادی — تبریزه آز قالیروخ سیداوادی

دئدی ماشین یمیون د... — گئتمورم من دگیشون باشماقیمی

طَیَر ارزاندی گراندی منه نه — نالسیز آت دوز گئده بولمز وطنه

باخ بو باشماقلارا شرم ایله اوتان — اللی یردن سالینوب پنجه دابان

رسوا اولدوم کسیلوب تاب توانیم قالدی پنچر گیر الینده تومانیم

دنیادا سیز کیمی بیچاره هانی هانسی ملّت بو فشاره دایانی

نه گونوزدن یاریدوز نه گئجه‌دن نه پولوز وار آلاسوز خارجه‌دن

الغرض تبریزه چاتدوخ بو سیاق گئجه اولدوخ اخوی گیلده قوناق

سحر آلدوخ ماشینون دوره‌سینی مدح و تشویقله کسدوخ سسینی

ذوالجناح تک بزه‌دوخ یال یهرین گوردوخ اولمور عوض ائتدوخ طیرین

حاج حسین چاکره گئتدوخ گوروشه دانشوب شعر اوخوماق دوشدی ایشه

گتوروب سؤز سؤزی آرشندا بزی ناهارا ساخلادی آخرده بیزی

یا علیٌ رفقا اولدی سوار دلده شوق و هوس دار و دیار

طیری لندرورین اولدی تازا احتیاجی یوخودی دنده گازا

چاتدی آذر شهره مثل براق بیر حاجی بستنیه ائتدی قوناق

رفقا ال یتیروب اوردا سووا قیلینوب تا که نماز اولدی دعا

آز قالوردی بنابا وقت زوال گورونوبدی گوزه بیر ماء زلال

چایی قویدوخ دمه قلیان دوزه‌لوب جسم آسوده‌لنوب جان دوزه‌لوب

تا یتیشدوخ وطنه وقت اذان ائوون آباد سفرنامه یازان

منه بو طبعی خدا ائتدی کرم او قدر چکمز ایچوزدن گئده‌رم

اوخویون سؤزلریمی دقّتیله روحیمی شاد ائلیون رحمتیله

سؤزلریم سؤزدی شهور و سنوات اوخویون روحیمه غرّا صلوات

من کریمی لقب اهل سخنم
شمع تک زینت هر انجمنم

موشح بنام‌حسین‌کریمی از آقای خزانی‌ابهری

ح ـ حوادث حیطه‌سینده حسرت و فقر و فنا گوردوم
ح - حدیث عشقیدن من جان شیرینه بقا گوردوم
س ـ سرای وحدتی آباد ائدن طبع گهرباری
س ـ سریر قربده بیر زاهد و اهل ولا گوردوم
ی ـ یگانه گوهر بحر ادب کانون معناده
ی ـ یقین کشتی‌سینه قیلدیم کلامین ناخدا گوردوم
ن - نهانگاه نوابغدن نوای نای و نی آلدیم
ن - نسیمون دامنین دوتدوم اونی پیک وفا گوردوم
ک - کرامت کنزینون لعل بدخشانی کریمی‌دور
ک - کلامینده شمیم یاسمن لطف صبا گوردوم
ر - رهین منّت اغیار اولانماز بو سنق گوگلوم
ر - رسول عشقی تا غمدیده قلبه آشنا گوردوم
ی - یمنیمدن یساریمدن یاغار عطر گل و سوسن
ی - ینک‌ده چون سمند آرزونی آشنا گوردوم
م - مراغه مرشدین مست می مینای چار و هشت
م - منور بیر چراغ محفل آل عبا گوردوم
ی - یازار بیر عمر اگر وصفین، خزانی، ایلیوب تقصیر
ی - یل هیجای عرفانه بو سودانی هبا گوردوم

از خزانی ابهری به کریمی

فتاده بر سر شوریده هوای کریمی
درون سینه دلم می‌تپد برای کریمی



خوش است گر رود از ابهرم به سوی مراغه
سلام گرم بر آن بزم با صفای کریمی
به حیرتم که چو مرغ شکسته بال شبانگاه
چگونه با لب سردم کنم ثنای کریمی
سحاب تیره چو گیرد سپهر سینهٔ تنگم
طلیعه نیست بجویم مگر لقای کریمی
به یاد جلوهٔ رخسار چون گلش همه شبها
صحیفه‌ها بگشایم ز گفته‌های کریمی
به شکوه با گل و بلبل ز شب به صبح بر آنم
که جان آمده بر لب کنم فدای کریمی
زبان خلق که کمتر زند صلای حقایق
کجا بسنجد و اندر جهان بهای کریمی
همین بسم که سحر چون روم به جانب محراب
چو ورد مستحب افتم پی دعای کریمی
خزانی از غم دیدار دوست ناله نماید
حضور قلب رجا دارد از خدای کریمی

ایضاً از خزانی ابهری به کریمی

کمال الدّین والعرفان کریمی
سراج مجلس جانان کریمی



بهار بی‌خزان در خاطر خلق جمالش مهر جاویدان کریمی
سخن سنج و ادیب و نکته پرداز به حکمت نیّر تابان کریمی
از آن گلهای رنگارنگ هردم زند راه گل و ریحان کریمی
به ترکستان نیابم جز کلامت فروزان گوهری در کان کریمی
دل دریا چو غوّاصان شکافند چه می‌یابند جز مرجان کریمی
به جسم مرده جان بخشد کلامت چو عیسی جان کنی احسان کریمی
بجز فیض حضورت آرزو نیست مرا ای خسرو خوبان کریمی
فلک بسته‌ست بازویم به زنجیر شده دنیا مرا زندان کریمی
نهم رو جانب شهر مراغه کنم این سر تورا قربان کریمی

خوشا بر طالعت روزی خزانی
شود در کلبه‌ات مهمان کریمی



دور فلک داغیتسادا بزم محبّتی
شاعرلر اولسا قافده سیمرغ تک نهان
حددن زیاده واردی امیدیم کریمیه
تاپماز اونون بهارینه ال آفت خزان
واللّهی بو ارادت قلبی یالان دگول
نیلوم ئورک که سفره دگول ایلیم عیان

بیر باش مین اویناش

سالدی فلک آرایه گینه آیریلیق داشی
اهل صفا نظردن آتوب یار و یولداشی



آهیم شرارینه ئوره‌گیم اود دوتار یانار
گر اولماسا بو سئل کیمی جاری گوزیاشی
قاصد ایاقینه او قدر سورتوب آغلادیم
مرمر اوزوم قوطورلاشوب اولدی ایاق داشی
هاردان کریمی‌نین یتیشر عرض حالینه
یارین دیولله بیر باشی واردور مین اویناشی
یاریم اگر مین اویناش الیندن قوتولسادا
سالم نه اورتاسی قالاجاق نه دیبی باشی
اصراریله دئدیم نئچه گون گل بیزه قوناق
بش گون‌ده وئر پلو، سوپا ترجیح بوزباشی
گه وعده وئردی توت چیخانا چیخدی گلمدی
قوخدی قویانمیاخ قباقا بیر چاناق آشی
گه قول وئردی تیر گیره‌نه، گیردی چیخدی تیر
باور ائله بو جور سریمز کئفلی فرّاشی
گه‌گه یازاردی نامه ولیکن بش ایل اولار
بیر نامه گوندرینجه منی ایلور، آی باشی

فصل بهاردور گینه گل بیر ترحّمه
بش گونده بیز چیخاخ دولاناخ باری داغ داشی
فکر ایلمه زمان دوزه‌لنجه بیزی اَیَر
بو چرخدن آلانمادی کام اوستا یا ناشی
دنیا فقط بوگوندی که فرصت الونده وار
هی توشه یغ داغارجیغا عقبایه هی داشی
وقتی اجل یتیشدی نه دولتلی نه کاسب
جان وئرماقا نه فرقی کاشان فرشی یا کاشی
«انزابدن» چوخ ائتمه گلایه «کریمیا»
بیر عصریدور که سایموری قارداشدا قارداشی



من عاشقام سیزیلدارام یارادان
دانیشارام خان چوباندان سارادان
قره چوخا یاتسا ایگیت نیلسون
تنبل اوغول یاراتمیوب یارادان



من عاشقام کَسَر سؤزوم سؤز اوسته
وورولمشام قارا قاشا گوز اوسته
سیلی دگن اوزی چوویر اللّها
سیلی ووران گله یره اوز اوسته

گورنده جان منم

یتیشدی نامه سحر وقتی شهر تبریزدن
گینه او یوسف ناجی‌دی یاد ائدوب بیزدن



آچوب او نامیه باخجاق اوقدری شاد اولدوم
او نوعی که سووینر مرد تشنه کهریزدن
هانی او لطف و محبت که بیر زمان واریدی
او خدّه‌گه دایانان مرحمت اَنوب دیزدن
مگر او یوسف ناجی دگولدون ای قارداش
سسیم گلنده قاچاردون قباقه دهلیزدن
مگر او ناجی دگولسن که ایلدون مهمان
حقیری قلّه‌ده صبحانیه سحر تئزدن
مگر نه اولدی که بیر دفعه داشیمی آتدون
مضایقه ائدیسن بیر دو صفحه کاغذدن
بلی او ناجی‌سن افسوس جیفهٔ دنیا
دوتوب سنی آییروبدور فقیر و بی‌چیزدن
گورنده جان منم گورمینده تانیمَنَم
قدیم مثلدی دیَللر دونرمیش اوز اوزدن
بو قدری اویما جهانه که وئرمز هئچ‌کسه باج
گتور خیالیوه نوشیروان و هرمزدن

هانی سکندر و دارا و بهمن و خاقان
کیمون سراغی وار اسفندیار و چنگیزدن
نقدری جمع ائده‌سن تشنه‌سن گوزون دویماز
گئچینمه‌سن قباقا کیقباد و پرویزدن
نقدری سعی ائده انسان گئجه گونوز چالیشا
نصیبی بیر دانا کوینکدی بش متیر بیزدن
گل ایله نفسیوی قانع جهانی گوزدن آت
یقین ائله سنی بیر گون جهان آتار گوزدن
کریمینی سالاسوز یاده یا که سالمیاسوز
کریمی کسمیه‌جاقدور علاقه‌سین سیزدن

تبریک

مرادی جان خداوند تبارک کند این خانه را بر تو مبارک
در این خانه سعادتمند باشی همیشه خرّم و خرسند باشی
مصّمم بودم این هفته بیایم که بند غصّه از دل برگشایم
ولیکن از گرفتاری دنیا نشد ما را میسّر این تمنّا
بخواست حضرت جلّ جلاله سفر بر وقت دیگر شد حواله
سلام از ما رسان بر اهل خانه سلام بی‌ریا و خالصانه
اجل مهلت دهد گر بار دیگر به خدمت می‌رسم جان برادر
کریمی از خدا خواهد فرج را زیارت می‌کند سدّ کرج را

عزیزمراغه شهرینه و اونون سه‌وگیلی خلق‌شاعری «کریمی»یه

ای اولان باغلاری چون روضهٔ رضوان مراغا
وئریری آب و هواسی هامویه جان مراغا



رشگ جنّت‌دی دیرسن هامو بُستانی باغی
لاله و سوسن ائدوب کوشنون الوان مراغا
صوفی چایون آخیری باغلارا چون سیم مذاب
چای دئمه سن دئنه سرچشمهٔ حیوان مراغا
خوش اولار صبحلری سیره چیخوب بیر گزه‌سن
ییه‌سن قایماقی بالیله دویونجان مراغا
آخشام امّا گوره‌سن مغمغالار میلیون‌ایله
سانجا سانجا چالوری سازیله مزقان مراغا
گورمیشم نازلی گوزه‌ل شوخ م...لی قیزلاروی
ائده‌رم جانیمی اول جانلارا قربان مراغا
او شیرین دیللی گوزل اوزلی ساتان نازلیلارون
ائدیر عاشقلری بیر عشوه‌ده حیران مراغا
حیف او گوندن که آچوب تریاک اياقین وطنه
قالمیوب کیمسه‌یه چول بیر داها یورغان مراغا
گینه مین رحمت اولا حُقّه و وافوره بالام
هروئین نسل جواندان آپاروب قان مراغا
قرنلر سن واریدون مرکز فرهنگ و هنر
اهل علم و هنره صحنه و میدان مراغا

اوندا که مذهب و ایمان واریدی سلطانیدون
نه گوزلدیر اولا هر قلبده ایمان مراغا
اوحدی تک شعرا چوقلارینی بسله‌میسن
وئرمیسن ایرانا چون مرغ غزلخوان مراغا
بیر زمان شُهرهٔ آفاق ائلدی خواجه نصیر
اوندا که رایج ائدوب علمله عرفان مراغا
ایمدیده واردی «کریمی» کیمی خوش طبع و بیان
که وئروب ئوز هنریله سنه چوخ شأن مراغا
وار یری فخر ائلیه شهر مراغه اونیلان
بیله ئوز شاعرینین قدرینی شایان مراغا
وئر قولاق شعرلرینه گورنه گوزل سؤزلری وار
درک ائله سؤزلرینی مطلبینی قان مراغا
کاش بیر قسمت اولا بلکه یته‌م محضرینه
مجلس شعر و ادبده ائده مهمان مراغا
یا چیخا بلکه اونون کاش ایاقی تبریزه
منه مهمان اولا اول شاعر دوران مراغا
وار امیدیم که گینه بلکه وئره انشاءاللّه
خلقینین وضعینه بیر صورت و سامان مراغا
وار کریمی کیمی تا شاعر شیرین سخنون
فخر ائله چوخ یاشا اول شاد و خرامان مراغا
قلب «شیوا»نی ائدوب شعر «کریمی» تسخیر
اولوب اشعاری منه سیر گلستان مراغا

مزاح شاعرانه

بیر گون رفقا وئردی سنی خوابه کریمی
یوز قویدولا بیر عدّه میاندابه کریمی
اسماعیلینون سفره‌سی چوخ ایستمه‌لیمیش
بش نوعی غذا چکدیله بشقابه کریمی
میدانی گوروب خالی تاپوب هر بیری جرأت
گیوه یوگوروب اولدولا، رودابه کریمی
گه هجو یازوبلار سنه گه یازدیلا تعریف
ترش آیرانی قاتمشدیلا قندابه کریمی
بیر قطعه درست ائتدیله شیرین آجی شوردان
فلفل نمکی قاتدیلا دوشابه کریمی
سگّز باجیا بیر ...دور قوزدیلار اما
زحمتلری حیف اولدی او اسبابه کریمی
شکر ایله که ضابط اولارا اولدی، صمد خان
ووردی هامیسی سیچدیلا جورابه کریمی
ایستورسن اگر کاظمی‌نین صورت حالین
باخ کتلری تقسیم اولان اربابه کریمی
پیمان سنی اوخشاتدی دوگی تاینا امّا
اولمش ئوزی بیر شیشهٔ نوشابه کریمی
آیدین یره چالدی الینون دالینی اوچ یول
سالما اونی بو جرمده حسّابه کریمی
سن انجمنین چال چاپاقی فیروزا بیر باخ
جرأتله دونوب جبهه‌ده مین‌یابه کریمی
اُسگو دیره‌گینده نه گوروبدور پاشازاده
عطشاندی گئدیر کندوانا آبه کریمی

اخگر بالا سن گئت هله ئوزگونچیلیق اورگش
بنزر بو جوشان دریادا گردابه کریمی
آی طاهری جان سنده یر آتدان یاسا گئتمه
بیر گون چکه‌جاق جنگوه ارّابه کریمی
مثمرله باریشماز بابا اطفاله قاریشماز
وابسته‌لری یوخدی هئچ احزابه کریمی
آچما بولارین اوزلرینی ائتمه مذمّت
بسدور که دونوب رنگلری عنّابه کریمی
الکاظمُ فی‌الغَیظ وَ عاقینَ عَنِ النّاس
عفو ائتدی نبی توصیه، اصحابه کریمی
ایستولله سنی، لطفلری وار ساتاشولاّر
شوخی مگر ایرادیدی احبابه کریمی
سن هجو دئمه اولسا اگر هجو ضروری
بو امری رجوع ائتگله «انزابه» کریمی
سن جثّه‌لی شاعرسن اوغول سؤزلره تابلاش
تئز اولما، آتاش بگ‌ده قیزان تابه کریمی
هر گل‌ده تیکان وار بال اولان یرده بلا وار
آبگوشت سوون یالواری قصّابه کریمی
دوستون غمی‌ده وار دمی‌ده اولما مکدّر
گوگلون بالیق ایستور گوتی باس آبه کریمی
عمرونده اگر آختاریسان کامروالیق
یاز زرورقه بو سؤزی دوت قابه کریمی
دشمنله مدارا ائله دوستیلا مروّت
ئوز فضلوه فخر ایله نه اَنسابه کریمی
بوزلو سویی ایستی آشووا سعی ائله قاتما
دوسلیق حامامین ایلمه سردابه کیمی

نامه از برادرم رحیم به پسرم عطاءاللّه

قارداشیم اوغلی سنه قوی وئروم اوّل سلام
سنگر ایچیندن یازوم حالیمی اوغلوم بالام
سن بئله بولمه عمون عالی اطاقدا قالور
یا گئجه‌لر آلتنا فرش مرتب سالور
حقدن اُتور جنگ ائدن مالملکیندن گئچر
بادهٔ حبّ‌الوطن جام وفادن ایچر
رسمیدی شیرین یری بادیه‌دی بیشه‌دی
ظلم آغاجین دوغراماق مرد ایگیده پیشه‌دی
مکتب ذوق و صفا عشق و وفا جبهه‌دی
یاری گئجه معبد مرد خدا جبهه‌دی
هاردا اولام سیزلره منده دعا ایلرم
یاد ائلیوب وصلوزی آه و نوا ایلرم
سن تک عزیزی اولان بیرده چتین غم چکه
شیر آتالار دهریده مثلوزی چوخ چوخ اکه
اجنبینی پی‌لروخ قویسا قدم ایرانا
کور ائده‌روخ بیر نفر کج باخا گر قرآنا
کرب‌وبلا یولاّرین طی ائده‌روخ تا گئچاخ
نهر فراتین سویین جام صفادن ایچاخ
سیزده دعا ایلیون بیزلری هر ثانیه
تا که سلامت گلاخ بیز وطنه خانیه
عرض سلام ایلرم خویش و تباره تمام
باشوزی آغریتمیوم ختم ائلیوم والسّلام

جواب نامه

نامه‌ن یتیشدی ائلدی رفع کدر رحیم
قلبیم سووینده مرغ دلیم آچدی پر رحیم
آلدیم او دستخطّدن عطر وصالوی
شیرین سؤزون قویوب ئورگیمده اثر رحیم
یاددان هله چیخاتمامیسان قارداش اوغلووی
نامه یازوبسان ایلموسن مفتخر رحیم
منده طویوندا اویناماقا تمرین ایلرم
چون رختخوابدن دورارام هر سحر رحیم
خدمت او قدری قالمادی ناراحت اولمیون
اصلاً داریخما صبر ائله بیر مختصر رحیم
اللّهدان ایسترم سنی چوخ گورمه‌سین منه
حفظینده ساخلاسین سنی شام و سحر رحیم
منده بو گوشه‌دن باخورام هی مُسَلِّمه
نه جنس وار نه مشتری نه رهگذر رحیم
اوچ دورت نفر تاپوب سالورام انگیم آلتنا
متری الیمده اوینادورام چون تبر رحیم
اولموش مغازه جان دَلَنین کهنه قهوه‌سی
سیگار توستوسی گوزه ایلور ضرر رحیم
مونس منه مشه‌موسادی تاری* ساخلاسین
هی آنّینی وئرور گونه چون شیر نر رحیم
خویش و تبار همسایالار خانواده‌لر
کلّاً سلام ائدولله سنه سربه‌سر رحیم
نامه اوزانسا فکریوی ناراحت ایلرم
هر امرون اولسا ایله عطانه خبر رحیم

ایضاً

او ساعتی که اوزاقلاشدی آشنالردن
گوگل قوشی گلوب افغانه ئیل فراقیندا
عزیزلریم هاموسی بدرقه ائدوبله منی
یتوردیلر ماشینا میهمان سیاقیندا
هدف جهاد، نظر پیش‌برد اسلامی
وجود یرده ولی روح عرش طاقیندا
روانه اولدی گوزومدن او دمده اشک فراق
بعینه سودهٔ الماس گوز بولاقیندا
فراق عالمینی عندلیب‌دن خبر آل
ولی یتنده وصاله گُلین بوداقیندا
وداع حالندا ئورک دوندی کربلایه طرف
علی گئدنده جهاده حسین قباقیندا
اودور که منده همیشه بو آرزوده وارام
دییدیم اکبره نوحه گوزل رواقیندا
قوریدیم اکبره پائین پاده بزم عزا
یانقلی سؤزلریله اصغر اشتیاقیندا
او ائو که قاره چکیلدی هامی قرا گیینوب
حنا دوتوب قانا تازه گلین اوطاقیندا
کبوتران حریمی حسین یغوب باشینا
دئدی سالون باشا قاره بو غم وثاقیندا
یاخنلاشوب که دولانسون باشیم جدالرده
قالا یارالی بدن آتلارین ایاقیندا
کریمیم گئجه گوندوز حسین حسین دییرم
گوگل قوشی چاbالار کربلا سراقیندا

ایضاً جواب

یتیشدی دستخطّون بو غریبون غملی چاقیندا
بموقع نوشدارو اولدی سهرابین مذاقیندا



دومانلی داغ کیمی دوتقون ئورک بیردن ایشیقلاندی
کانّه یوز چراغ یاندیردیلار گوگلیم اوطاقیندا
آچیلدی غصّه‌لی قلبیم گلستاندا آچان گل تک
هوسدن اشک شوقیم جوشه گلدی گوز بولاقیندا
الٰهی اولماسین هئچ مرد ایگیت عالمده قارداش‌سیز
گوزلدور دالدالانماق قارداشا قارداش دایاقیندا
رحیم ای نور چشمیم یاوریم بال و پریم قارداش
سنی خوار ائتمه‌سین اللّه گوروم دشمن قباقیندا
شجاعتله یارون کسکین قلج تک دشمنین قلبین
قویون تئز کربلانین یولاّرین زوّار ایاقیندا
یخون صدّامیانی کربلانی ایلیون آزاد
ئورکلر لخته قان اولدی حسینون اشتیاقیندا
قوراخ ششگوشه قبرین دوره‌سینده حلقهٔ ماتم
گئداخ اوردان ووراخ سینه ابوالفضلین رواقیندا
سالاخ یاده حسینون بیر زمانین که قالوب یالقوز
بوکولدی قامتی سیندی بئلی قارداش فراقیندا

دئدی دور یاتما قارداش اهل بیتیم ایمدی یول گوزلر
رقیّەم بوش سو جامی الده آغلور سو سراقیندا
سینیق بیر کشتی‌یم گرداب غمده قالمیشام حیران
آخوب اولدوزلاریم ماهیم قالوبدور قان محاقیندا
بشیکده اصغریم ضعف ایلیوب سوز حرارتدن
عطشدن گزدیریر دائم دیلین عطشان دوداقیندا
اوغول عطشان آتا حیران بالا گریان آنا نالان
یانور لای‌لای دیور شاید بیر آز یاتسون قوجاقیندا
غرض جان برادر اوز چوویرمه آل حیدردن
بولاردور قورتاران انسانلاری محشر ایاقیندا
بهارین عشقلی وقتی جواب نامه‌وی یازدیم
سحر چاقی آغاج آلتندا باغدا چای قراقیندا





نامه از رحیم

گینه بو غصّه ندور گوگلومی نوایه سالوب
گونوم کسوفه دوشوب قرص ماهه سایه سالوب



فراق عالمی جانسوزیدور محن یارادیر
یانار بیر اوتدی که چوخ دیللره گلایه سالوب
وصاله یتماقیما هر گون آرزو ائدیرم
فلک بو هجر داشین گور نئجه آرایه سالوب
توان و تابیمی الدن آلوبدی عشق وطن
غریق کشتی کیمی روحی ماجرایه سالوب
او مهربان داداشا قلبدن سلامیم وار
اونون امیدی کسیل گوگلومی رجایه سالوب
گلنده جبهیه من لطف الین چکور باشیما
اونون محبت الی باشیم اوسته سایه سالوب
خدا نه وقت اولاجاق سفره باشینه یغیشاخ
منی همیشه بو حسرت غم و بلایه سالوب
جوانلیق عالمینی گورمه‌میش قوجالدوم من
باشیم آغاردی فلک میلیمی عصایه سالوب
ولیک بو غریبون خدمتی باشا یتمور
گونینی سایماقینی صبحله مسایه سالوب

بو آرتشین خوره‌گی شیش گتوردی قارنمیزا
حسین واحدی، بولمم نه‌لر غذایه سالوب
خوروش سو، یخ‌زده اَت، لیمو حدّیدن آرتوخ
دوگی خمیردی بو کارخانه‌نی صدایه سالوب
دونن نهاره چلومرغیدی یروز خالی
گلیدی درده تویوق معده‌نی دوایه سالوب
بیر الده آفتافا بیر الده شلوارین قییشی
ماوال اوزاقیدی فکر ائت نه ابتلایه سالوب
خلاصه باشوزی آغریتمیوم تمام ائلیوم
هوانین ایستیسی چون طبعی التجایه سالوب
جهنّم آتشینی بو مکاندا بیز دادیروخ
او دنیانین اوتون اللّه بو غمسرایه سالوب
جواب نامه‌نی القصه چوخ یوباتما داداش
سیزون او شعرلروز طبعی اشتهایه سالوب
بوتون فامیللریمه بیربه‌بیر سلامیم وار
رحیم‌ده نامه‌نی قورتاردی اکتفایه سالوب

جواب نامه

قلبیم سخیلوب قانی دامار یارین الینده
نیلوم گوره‌سن من بو جفاکارین الینده



دل حلقهٔ زلفینده گوروب دانهٔ خالین
هندو بچه‌دی سویلدی شهمارین الینده
حتماً ساتاجاخ معبدی میخانیه زاهد
گورسه بو میی ساقی عیّارین الینده
فکر ایلمه مین خرقهٔ سالوس و ریائی
مرهونیدی میخانه‌ده خمّارین الینده
قربان اولوم اول عارفه طوفان حوادث
دینین آپارا بولمدی دینارین الینده
مین حادثه بیر عشقنه نقصان یتورنمز
ساخلار ئوزی ئوز عقلنون افسارین الینده
کالای گرانقدری اوجوز قیمته ساتماز
بازارین عیاری اولی تجّارین الینده
چک نفسیوی زنجیر ریاضتله بخولا
قوی شمر کیمی یالوارا مختارین الینده
انسانین اوغول عمری آچیلمش گله بنزر
هانسی گلی گوردون قالا گلزارین الینده
سربازلقوین خاطره‌سیندن گوتور عبرت
عبرت نه گوزل الگودی هشیارین الینده

آی گون ساییسان تا وئره‌سن خدمتی باشه
گئج قالمیاسان حضرت سرکارین الینده
آزاد یاشاماق نعمتینون قیمتین آنلا
قویما یاخاوی نفس تبهکارین الینده
آزاد یاشا پابند هوا و هوس اولما
قویما گوگل اسرارینی اغیارین الینده
سنگرده یاتان وقتده سال یادیوه قبری
وحشتلی اوجور ائو هانی معمارین الینده
بیر ائودی قرانلوق نه چورک وار نه یاوانلوق
جز یاخشی یامانلوق هانی زوّارین الینده
طوبیٰ او کسه گوندره آذوقه‌سین اوّل
گئتسه آپارا شمع شب تارین الینده
یر یاشدی کفن یاش نه وار یاریله یولداش
هر کس قالار ئوز ائتدیقی رفتارین الینده
القصّه برادر غم غربتدن اوصانما
یاندیرما ئوزین آه شررباین الینده
کیم غربته دوشمز وطنین قدرینی بولمز
غربت بشری برکیدر آزارین الینده
دنیا بیزه غربتدی وطن آیری جهاندور
بیر قافله یوخ قافله‌سالارین الینده
راحت او گون اوللوخ یتیشاخ اصل مکانه
فارغ یاشاروخ رحمت غفّارین الینده
خلقین سولانور آغزی کریمینی گورنده
ترش آلچا کیمی گزدیریر اشعارین الینده

غریب نامه

غریب‌لر آغلاسا یالقوز ئورکده غم یارادالاّر
نچون وطندن اوزاقدور یوخ آشناسی غریبون
ملول و زار گزر داغدا داشدا غصّه‌لی یورقون
یانیندا اولماسا بیر یار و همصداسی غریبون
قوری یری ئوزینه بستر انتخاب ائدر آغلار
همیشه توپراق اولار فرش و بوریاسی غریبون
گونون باتان چاغی ال سینه‌سینده گوزلری یاشلی
گئدر صاقا صولا حیران سولار لقاسی غریبون
غم اهلی‌نون سؤزی اولسا صبا یلین چاغیرار تئز
آخا آخا اوزینه اشگ پُر بهاسی غریبون
گل ای نسیم سحر گوگلومی سیخور غم محنت
بو یرده یاریم اول ای پیک باوفاسی غریبون
یتور بو نامه‌نی قارداشیمه وطنده اماندی
دوشوبدی یادینه گویا وطن‌سراسی غریبون
نه بیر نفر سوروشان حالیمی نه نامه یازان وار
یوخومدی گوگلوم آلان ساغ دگول آتاسی غریبون
فقط گلوردی گمانیم حسین داداشیمه اللّه
اودا چیخاتدی یادیندان باتوب صداسی غریبون
نه بیر تانیش نه‌ده بیر حالیمه یانان داخی نیلوم
فقط بو اولکه‌ده داغ داشدی متکّاسی غریبون

گئجه گونوز یانارام خویش و ائل فراقنه آخر
نه بیرجه یاتماقی معلوم و نه غذاسی غریبون
الٰهی هئچ کسی غربتده قویما بیکس و نالان
ترحّم ایله خدایا بودور دعاسی غریبون
بو محنته دُؤزه‌رم منده آیری چاره یوخومدی
بلیکه صبر و تحمّلدی خوش دواسی غریبون
غرض پیامیمی سویله او مهربان نه‌نه‌مه سن
مسافرین یولونی گوزلوری آناسی غریبون
دینه دعا ائدرم من سیزه همیشه ئورکدن
ثنا و حمدیدی هر صبحله مساسی غریبون
جواب نامه‌نی یاز بلکه خاطریم تاپا تسکین
او دستخطّیدی چون قلبنون شفاسی غریبون





جواب غریب نامه

اگر چه غربت آرا خوش دگولسه حالی غریبون
ولی وطنده‌کی تک مین دگول خیالی غریبون
پول اولسا سئل کیمی خَشلر پول اولماسا گئدر ایشلر
دُهُل سسی چیخادار گر قزا قاوالی غریبون
پیاده‌رودا کسر قارپوزی چکر دیشه تئز تئز
نه قید اولار نه اوتانماق نه انفعالی غریبون
بیر جگر کبابیندان ایچر کوکاکولا آیران
ئوزین وئرر کوچیه دولسا گر موتالی غریبون
گیرر زبیل قوطوسیندا سیچار کاغازلا تمیزلر
نه فاضلاب پولی نه دولار ماوالی غریبون
هایاندا سویدی خوتون اُستونه چکر یاتار اوردا
دوشر نه یادینه یورقان دوشک نه قالی غریبون
نه باشماق ایستر اوشاقلار نه بورج ایچینده چالقلار
نه سؤز باشی ئوزینه چمخرار عیالی غریبون
نه بیر نفرله آچار رهگذرده بحث سیاسی
نه های کووه اولار عشقی نه قیل و قالی غریبون
جیریلسا شلواری ساپ جیبده ایگنه‌سی یاخاسیندا
اولار غذاخوری چیگنینده‌کی چووالی غریبون
نه بیر نفر تانیان وار نه بیر نفردن اوتانماق
حمامدا هی فیطه‌سیز تولانار زوغالی غریبون

نه سفته چک غمی نه وام فکری قسط خیالی
نه برق و آبله تلفن پولی نه مالی غریبون
نه بیر تویوق دالیجا اللی بش مغازه دولانماق
نه یاغ دوگی پنیر آختارماقا سئوالی غریبون
سحر دیوردیله دفترچیه یرآلما وئروللر
فزون وطنده‌کی‌لردن دگول ملالی غریبون
واروندی حوصله گر دورماقا یرآلما صفینده
بویور مراغیه صفلرده جایی خالی غریبون
نه مالیات و عوارض نه هر مقامه عرایض
نه بیر امیره شکایت نه عرضحالی غریبون
غریب شاعر اولار عاقبت نچون الی بوشدی
که داغدا داشدا غزل آختارار غزالی غریبون
کریمی هجریده بسلر بو آرزونی ئورکده
نصیب اولا گینه دائم بیزه وصالی غریبون





تشکّر از نعمتهای الهی

بارالٰها کُلبیه شُکر ایلدیم ویلا یتوردون
بندۀ مسکینوه بیر رتبۀ اعلا یتوردون
خادم دربار شاه کربلایه ارج قویدون
بیر حسینیه، حسینه ایلدون اعطا یتوردون
منده بولدوم آستان شاه دینده قیمتیم وار
قطرۀ ناچیزیوه لطف ایلدون دریا یتوردون
نوبهار سال آتمش بیرده بیر قصر مجلّل
زیبیانه بهر مولود خانم زهرا یتوردون
بارالٰها سن بیزه بو منزلی ایله مبارک
دلگشا مسکن گوزل منزل عجب مأوا یتوردون
روز مولود امیرالمؤمنین شاه نجف‌ده
افتتاح اولدی بو منزل نعمت عظما یتوردون
نعمتوندن کامل اولدوم آرزومه نایل اولدوم
نطق گویا طبع شیوا شعر بزم آرا یتوردون
بش اوغول داود عطاءاللّه ودود مسعود باهم
هم مجید بافراست زیرک و دانا یتوردون
دورد گلین هر دوردی قیزدان مهربان باجی مثالی
هم عطیه هم منیره نیّر و شهلا یتوردون
بیر گلین‌ده صون بشیکدن اوتری محبوبه خلیقه
اسمیده زهرا کنیز زینب کبرا یتوردون
سن او خالق‌سن که توپراقدان بشر گتدون وجوده
بدو خلقتده عدمدن آدم و حوّا یتوردون
سن خلیله آتش نمرودی گلزار ایلین‌سن
بت‌لاری سیندیرماقا بیر بُت‌شکن مولا یتوردون

ائتماقا خلقی هدایت حضرت ختم رسالت
سن محمد تک پیمبر سرور بطحا یتوردون
سالماقا کعبه ئویندن بت‌لری یکسر ترابه
مرتضاتک صاحب صولت یل هیجا یتوردون
مظهر کلّ عجایب رزمیده ابطاله غالب
حضرت زهرایه صاحب مظهر اولا یتوردون
آدمه تعلیم ائدن اسما، بؤلن اژدر بشیکده
مرحب خیبر یخان عمر ئولدورن آقا یتوردون
سن شفاعت ائتماقا عاصی‌لره روز جزاده
فاطمه امّ‌الائمه زُهرهٔ زهرا یتوردون
سن او خالق‌سن که بطن فاطمه خیرالنسادن
بیر حسین و بیر حسن بیر زینب کبرا یتوردون
آیریلوب نور حسیندن نوری دوقّوز پیشوانین
سیّد سجّاد اسیر فرقهٔ اعدا یتوردون
باقر علم لَدُنّی صادق آل محمّد
حضرت موسی ابن جعفر سیّد والا یتوردون
شاه استان خراسان افتخار ملک ایران
ضامن آهو رضا تک مهربان مولا یتوردون
هم تقی و هم نقی و عسگری مسموم و مظلوم
قائم آل محمّد مهدی اعلا یتوردون
حکم حکمتله ظهور قائمی تأخیره سالدون
منتظر قویدون جهانی غیبت کبرا یتوردون
چارده معصومه وئردون لطفیله قول شفاعت
مذنبینون دردینه بیر چارهٔ اولا یتوردون
من کریمی عمریمی بیر سجده‌ده وئرسم تمامه
لطفوه اولماز عوض الطاف لا یحصا یتوردون

در رثا و سالگرد استاد شهریار

سالی ز فوت شاعر شیرین زبان گذشت
از گلستان شعر و ادب یک خزان گذشت



هشتاد ساله بود ولیکن به یُمن عشق
نسپرد تن به ذلّت پیری جوان گذشت

گردون به دور خویش ندارد توقّفی
هشتاد سال عمر، چو تیر از کمان گذشت

ایّام عمر قافله‌ای بود تندرو
خاکستری بماند، ولی کاروان گذشت

شاه و گدا و عالم و جاهل نماندنی است
حتّی به اهل خویش ندارد زمان، گذشت

صعب‌العبور نیست به عشّاق راه عشق
تا ارجعی شنید چو برق جهان گذشت

پیر و مراد و مرشد و مرتاض خانقاه
حق حق زنان برآمد و هوهو زنان گذشت

حافظ به پیشواز وی آمد ز باغ خلد
سعدی به میهمانیش از گلستان گذشت

شعر، شب و علی، به کفش رستم زمان
بشکست طلسم گنه از هفتخوان گذشت

شعر، همای رحمت، او چون سرود عشق
از نای دل برآمد و بر عُمق جان گذشت
اعضا لطیف و طبع لطیف و سخن لطیف
روحش بسان سوزنی از پرنیان گذشت
یک عُمر رنج بُرد ولی گنجی از هنر
میراث خود نهاد، بجا جاودان گذشت
حیدر بابا به کوه دماوند طعنه زد
شد سربلند و قلّه‌اش از آسمان گذشت
ایام زندگی همه خواب و خیال بود
جز داستان نماند اثر از دوستان گذشت
بار سفر ببند تو دیگر کریمیا
پیری رسید و عمر چو آب روان گذشت





ئولمیه‌جاقدور دیریدور شهریار

تا فلکین وار اوجا میخانه‌سی ساقی دهرین دولی پیمانه‌سی
بادۀ عشقین دلی مستانه‌سی زلف نگارین اوزون افسانه‌سی
وار نقدر شعر و غزلدن شعار
ئولمیه‌جاقدور دیریدور شهریار

تا وئروب آننین گونه حیدر بابا یازدا بولوددان سالاجاقدور عبا
قشدا گییر اگننه قاردان قبا هر گئجه گوندوز دیه‌جاق مرحبا
تا آچاجاق گل، آخاجاق آبشار
ئولمیه‌جاقدور دیریدور شهریار

تا که سهندین باشی طوفانلیدی لاله چیچکدن اتکی قانلیدی
چال پاپاقی باشدا شرف شانلیدی تا آرازین آخماسی غلطانلیدی
تا ایکی قارداش چکه‌جاق انتظار
ئولمیه‌جاقدور دیریدور شهریار

دنیا بویی زنده‌دی حیدر بابا آی کیمی تابنده‌دی حیدر بابا
گوهر ارزنده‌دی حیدر بابا یاشلی گوزوم سنده‌دی حیدر بابا
تا گوزیمون یاشی آراز تک آخار
ئولمیه‌جاقدور دیریدور شهریار

تا آرازین چم خمی وار نازی وار دورناسی وار اوردگی وار قازی وار
تا عاشقین سؤز دولوسی سازی وار پیریمون ائللر بویی اعجازی وار
شهریاری ساخلیاجاق شهر، یار
ئولمیه‌جاقدور دیریدور شهریار

وار نقدر آد، می‌و میخانه‌دن شمع و گل و بلبل و پروانه‌دن
خال و خط و زلف و رخ و شانه‌دن بهجت‌آباددا شیرین افسانه‌دن
عشقینی تعریف ائده‌جاق روزگار
ئولمیه‌جاقدور دیریدور شهریار

عمّه‌سینون یاغلی نزیک یاپباسی میرقدیرین گوزگوز ائدوب قاپباسی
گولمه‌لیدی ارسینون شاپباسی تا فلکین وار آتنون چاپباسی
میندیره‌جاق اندیره‌جاق هر نه وار
ئولمیه‌جاقدور دیریدور شهریار

گر چه لحدده بورونوب آغ کفن غملیدی اگننده اولان پیرهن
سؤز دانشان ئولسه‌ده ئولمز سخن سؤزلرین آلقشلیاجاق مرد و زن
شعر و ادبده یارادوب افتخار
ئولمیه‌جاقدور دیریدور شهریار

گوزلری اولدوز سایاراخ یاش اَلَر انتظاری وار هله‌ده یار گَلَر
دوسلارینون آیریلقندا مَلَر قبرینون اوسته بیته‌جک لاله‌لر
توپراقیمی ایلیه‌جاق لاله‌زار
ئولمیه‌جاقدور دیریدور شهریار

ائتمه کریمی بو سیاق آه و زار گرچه آغیردور غم آموزگار
عبرته خوش آینه‌دور روزگار وار نقدر شعریده نقش و نگار
دور زمان ساخلیاجاق یادگار
ئولمیه‌جاقدور دیریدور شهریار

تاناکورا پالتاری

گل بالا حراج ائلدیم هر نه‌دن
کاپشن و کوت شلوار و شورت پیرهن
ارزشی اوچ مین خوت اولوب یوز تومن
اوچ بلوز اوست اوسته گیوب مشد حسن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون



گل بالا وئردیم دگرین دگمزه
مین تومنه جُمله ائو اهلین بَزه
حلمه‌ده قوی بش گون «اوشین» تک گزه
سال مودا ائت پیره‌زنی شیره‌زن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

گل اله بیر داودی دوشوب قورتولار
ایمدی گل آل آخشاما قالماز بولار
شانسیوادی چیخسا جیبیندن دولار
اوندا مینر بنزه خانم یاسمن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

یا گوره‌سن بختون اولوب رهنما
شانسووا بیر پرده چیخوب شبنما
دریا کناردا ائله قویلان قوما
نعشه دوزلسین یوموشانسین بدن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

اوچ خوت آلوبدی قوچعلی تب تزه
شاه بگیمه، قیز خانما، گلگزه
اون تومنه بیر کراوات تهمزه
رُز کیمی الوان گُل آچوب هر گَوَن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

....

ائوده لباسدی باخیسان هر یانا
هی یووور آرواد سریری ایوانا
دولدی کومود سهلیدی صاندیقخانا
بعضی اوزون بعضیسی دار بعضی گن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

یوز تومنه بیر خوت آلوب ماه پری
هم ئوزی مجلسده گیور هم اَری
بیر تای آچاندا اَلَنور مشتری
بیربیرین آنجاق ایته‌لیر مرد و زن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

کبله غضنفر تازا اولمش ژگول
گُل‌خانما بیر دون آلوب قسّا قول
گوندوز اوتانیر گئجه باغلور فُقول
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

چکدی بوتیکلر قاپوسین باغلادی
قالمادی بازاردا بو شغلین دادی
بعضی کوپن آل وئرینه باشلادی
ایمدی بالام چوخدی کوپندن یی‌ین
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

بینوا بزّاز ساتوری ساندویچ
شیر موزولان بستنی آب هویچ
گور نئجه خیّاطلار اولوب گیج و ویج
دنیا اولوب درزیه بیت‌الحزن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

وار اطوشولرده عجب ازدحام
ایسلادور اوردان چیخادور والسّلام
مشتری چوخ مُزدی فقط یک کلام
دعوادی مندن قباقا گئچمه سن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

بینوا آرواد بوراخوب ایش مشین
سیل سوپورین، چای چوره‌گین پشمیشین
هی «تاناکورایه» چیخاردوب ایشین
قیز گلون عبّاس تای آچوب سیز سوون
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

منده آلوب اگنیمه گییدیم بیرین
گوردی خانم گولدی دئدی آفرین
آرواد اولوبسان تازالقدا یقین
بورکووی وئر من سن اولوم، سنده من
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

سویله نه گوردون کیشیلقدان ضرر
بیله زنانه گیینوبسن مگر
چیخما زیوندن اولا قانون هدر
سن کیشی آرواد لباسین گییمه سن[1]
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

آی کیشی چوخلار ایتیروب ئوز ئوزین
انگین اگوب آزدیروب آنجاق سؤزین
دوز بشر اول یوخدی زوالی دوزین
ئوز دونووی تاپگلان ای بی وطن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

باخما بیر عدّه دوشوری هر دونا
قارقا کیمی هر زادا ایستور قونا
عهدیلی انسان دئماق اولماز اونا
قان قوسا یوز رنگ آدامی بیر لگن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

سسلدیم آرواد بو قدر دوزمیشم
هرزه دانشسان باشووی اوزمیشم
من کیشیلقدان داخی لاب بزمیشم
بو کیشیلیق اولدی منه رنج تن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

۱ـفَمَن خَرَجَ عَن زِیِّه فَدَمُهُ هَدِر

بسکه بو صفدن او صفه گیرمیشم
برق، سو، پروانه پولی وئرمیشم
هم ئوزومی هم سنی بزدیرمیشم
بَر کشیلیق فاتحه احسن به زن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

گه فابا، گاهی تویوقا گه یاغا
دیرماشیرام گه تپیه گه داغا
آل بو پاپاق من خانمام سن آغا
چادرانی وئر بنده سنم سنده من
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

گه قاچورام سنگکه صبحانیه
گه گئدیرم اصلاحا سلمانیه
یوخدی فراغت منه بیر ثانیه
آخ بشرم من دگولم کرگدن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

سن نه آلوبسان ساری گوی آغ قره
من اونا به‌به دئمیشم مین کره
بیر بولوزا آخ بو قدر مسخره
سیلی ز تو رُخ ز من ای زن بزن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

قیسّادی ازبسکه کریمی بویون
اگنوه دوز گلموری پالتو نه دون
اگنوه گلسیدی آلاردون اون اون
ایشگه کمر شرطیدی نازک بدن
گل بالا گل ئولدی باهالیق سوون

در میلاد مسعود حضرت زهرا(س)

اوّلده درود عرض اولا زهرایه گوزلدی
زهرا آدی چون اوّل طغرایه گوزلدی



زهرادی تاپان مرتبهٔ امّابیها
معصومه‌دی محبوبه‌دی صدّیقهٔ کبرا
قرآندا بو خاتوندی اولان کوثره معنا
تبریک دئماق بو قیزی طاهایه گوزلدی

آفاق بوگون عطر بهشتیله دولوبدی
انوار نبوّتله جهان روشن اولوبدی
روز زن اودور که بو گونه آد قویولوبدی
شخصیّت زن کشف اولا دنیایه گوزلدی

زهرا ایکی اوغلان ایکی قیز گتدی جهانه
هر تک تکی پیغمبره مرآت و نشانه
زینب ئوزی الگوی نجابتدی زنانه
زینِ اَب آدی دختر مولایه گوزلدی

عورتدی آچان مدرسهٔ رُشد و فضیلت
عورتدی ائدن تربیه مردان رشادت
عورتدی اولان همسرینه مایهٔ عشرت
هر غمده تسلّی وئرن آقایه گوزلدی

عورتدی اولار همسره دلدار و فداکار
آشپزدی نظافتچیدی خیّاط و پرستار
گهواره یانیندا گونی خسته گئجه بیدار
لای‌لای دئماقی کودک رعنایه گوزلدی

هر ائوده که فهمیده خانم وار برکت وار
مکتبدی او ائو اوردا ادبلی حرکت وار
اطفالی مؤدّبدی وقار و عظمت وار
اولاده ادبدن اولا پیرایه گوزلدی

عورتدی ائدن تربیه غیرتلی جوانلار
بسلر وطنین بیشه‌سینه شیر ژیانلار
تحویل وئرن میهنه زهرای زمانلار
ائتسه ئوزینه عفّتی سرمایه گوزلدی

ای زن به تو از فاطمه اینگونه خطاب است
ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است
زن دُرّ درخشنده و زن گوهر ناب است
گوهر بوکوله حلّه و دیبایه گوزلدی

هر ائو که اولا اوردا مساوات و عدالت
اولماز گلینه قیناناداد بُخل و حسادت
باسماز کوتگه گلخانمی گونده سلامت
انصاف و مروّت هامی سیمایه گوزلدی

آلاّنسا مودا زینته تفریحه طلایه
میزانپلی، کوپ، فرتنی، مش، فرمُژه، سایه
توهیندی کنیز بولسه ئوزین خیرنسایه
بو حالدا کنیز اولسا حُمیرایه گوزلدی

هر خانه که اخلاق و ادبدن اوزاق اولدی
اوردا داخی خیر و برکت یاسی دوتولدی
یورقان دوشگه یون یرینه باش توکی بولدی
شاقّیلتیا چیخسون داما همسایه گوزلدی

عورت، کیشینون عایدینی دوتسا نظرده
اسراف ائلمز خواه سفر خواه حضرده
افراط ائلمز اقمشه و زیور و زرده
یوخدور دوگی قانع اولا شوربایه گوزلدی

هر قوم کره‌یلن تره‌نین بولمسه فرقین
آلانسا آدینا، مودونا، غربله شرقین
اللّه‌دا او قومین گوتورر آبیله، برقین
کفران ائده نه نور یرینه سایه گوزلدی

عورتده اگر اولماسا ایمان و دیانت
اخلاق و ادب شرم و حیا نظم و نظافت
دوت سال اونی قیر بوشگاسینا ایلمه غفلت
آل باشوه آت نعشنی دریایه گوزلدی

گر سلقه‌لی پاکیزه اولا نوریدی عورت
خوشخُلق اولا زهرائیله مشهوریدی عورت
عفّتلی اولا نورُ علی نوریدی عورت
آد قویسام اونا دُرّ گرانمایه، گوزلدی

هانسی آقا ائتسه خانمون حقّنی پامال
هر مفته سؤزه باشلاسا بیر جاریله جنجال
دولدور بباری پشمشینه یانسون علی‌الحال
تنبیه بو یولدان نئچه معنایه گوزلدی

گلدوزیدی بافنده‌دی ریسنده‌دی عورت
نقّاشیدی خطّاط و نویسنده‌دی عورت
پیروزیدی نوروزیدی فرخنده‌دی عورت
توشه گوتوره عالم عقبایه گوزلدی

عورتلرین حقّینده دئدی حضرت زهرا
صدّیقهٔ مرضیّه سلام اللّه علیها
بیر دسته ریاحیندی بولار خیلی دل‌آرا
زهرا روشیندن آلا سرمایه گوزلدی

اون سگز ایل عمر ایلدی زهرا بو جهاندا
آز عمریده گل تک سارالوب فصل خزاندا
دُوزدی قاپوسی آتش ظلمیله یاناندا
عورت سنیشه صبر و شکیبایه گوزلدی

هر ائوده کریمی شرف و شرم و حیا وار
ار عورت آرا مهر و وفا صدق و صفا وار
اوردا برکت وار نظر لطف خدا وار
هر صبح و شب اوردا اوخونا آیه گوزلدی

ائولرده گلین قینانالاردان خبریم وار
بیربیرلرینه کینه‌لی سؤز طعنه‌لی گفتار
اسلامی خانملاردا غلطدور بئله رفتار
هر قینانا اولسا گلینه دایه گوزلدی

بیر عده گلین قینانا، یارپزدی ایلاندی
هی بیربیرینه ایشلری بهتاندی یالاندی
دنیا گئچور انسانه نجابتدی قالاندی
عورت ئوزینی اوخشادا زهرایه گوزلدی





سرعین سفری

ای خَطَت رشگ مُشک تاتاری
میل بحر خفیف اگر داری
فاعلاتُن مَفاعِلُن فَعلُن
گوی چون بلبلان گلزاری



گینه بیر گون مراغه‌دن چیخدوخ غم و محنت حصارینی ییخدوخ
دورد نفر شخص باوفائیله ائتدوخ عزم سفر صفائیله
حاجی مقصود مرد خوش رفتار معرفت کانی حاجعلی معمار
یولداشیم نور بحر اهل ادب قارداشیم شیخ حسن شریک نسب
آیری منظور یوخ هدف سرعین جای تفریحدور شُعَف سرعین
صبح شنبه‌یدی دهم مرداد سال شمسی‌ده سیصدوهفتاد
پژو طیّاره‌دن مقدّمیدی شوفر ایلائی ئوزگه عالمیدی
کئف چکوب سیر ائدوب صفا ائلدوخ حقّ یولداشلقی ادا ائلدوخ
یتشوب قافله سراسکنده بیزی روحانی ائتدی شرمنده
یاخشی صبحانه وئردی بال قیماق لذّتیندن گوز ایستمور دویماق
اورانین چون امام جمعه‌سیدی دوزلی ملّایدی محترم کسیدی
گینه اوتدوخ ماشیندا آماده قافله چاتدی بستان آباده
اوردا وار بیر طبیعی گرمابه هامی دوشدوخ بالیق کیمی آبه
حاجعلی چیممدی دوروب باخدی سو کیمی یاندیروب بیزی یاخدی
هی دیردی که آلچالار قالدی دئدوخ ایمدی یتشمیوب کالدی
بیر بایاتی دئدوم ظرافتله هی دیردوخ گولردوخ عشرتله
باغیمدا وار آلچالار کیمه دئسم چال چالار
ئوزوم باغدا اولمادیم ئوزگه چالسا کال چالار

بو تذکّر وئریلدی احبابه   بو سو درماندی جمله اعصابه
دئدیم ایمدی وطنده غوغادی   جنگ اعصاب حکمفرمادی
بو قدر ناخوشا سو نیلیه‌جاق   یانوری دردینی کیمه دیه‌جاق
مرتضی دردینی دئدی قویویا   شیعه‌لرده گرک دئسونله سویا
دردیمیز بیر دگول علاج ئوزولوب   هم سینوب هم چیخوبدی هم ازیلوب
بیری دوتموش بئلین بیری کوره‌گین   هانی دکتر کیمه دئسون ئورگین
سو هاچان رفع احتیاج ائده‌جاق   هانسی درده بو سو علاج ائده‌جاق
خضر ئوزی گلسه الده آب حیات   وئره بولمز بو مُرده خلقه نجات
دای دوزلمز بو خلقین اعصابی   بختی تک یوخلیوبدی اسبابی
خلقین اعصابینی یوروب باهالیق   ملّتین قانینی سوروب باهالیق
بو فشاره نه داش دُوزر نه دمیر   هئچ کسین دخلی خرجینی اوده‌میر
دوشه‌دیق بیر چایین کنارینده   که، بالیقلیدی[1]،اشتهارینده
پشدی اوملت غذای شاهانه   یتیشوب نوبه چای و قلیانه
یوخودی ذرّه بختدن گله‌میز   سرعینه یتیشدی قافله‌میز
بیر گوزل منزل انتخاب ائتدوخ   دینجلوب استراحته یتدوخ
کوله‌باری غرض آچوب دالدان   صورا دوتدوخ سراغ قارتالدان
سرعینده اونون آدی صانی وار   چاپا آماده ترکی دیوانی وار
سرعینون هواسی جالبیدی   حیف اولا نیشی نوشه غالبیدی
باهاچیل اوغری جیب کسن علنی   دوروب اوردا سویور گئدوب گلنی
پخمه ملّتدی هر گلن تالیور   بو یالاندان دوداقلارین یالیور
چال هاچال کشمکش سوخا سوخدی   ملّتین دادینه یتن یوخدی
او که یوخ عدلیلن محاکمه‌دی   چاپاچاپ سوی‌هاسویدی کیم کیمه‌دی
سرعینون خوشودی منظره‌سی   کورپه جیرانی طاووسی فره‌سی

۱-بالقلی چای

گُل و سنبلدی دسته‌به‌دسته یاش لیمو داش بادامدی یاش پسته
شماما، شفتالو، شلی، هولودی آلان اولسیدی گر ساتان بولودی
تازا بیر مود گلوبدی ایجاده مینی‌ژوبلار گیوبدی لبّاده
بوشلیوب ننگی وللیوب نامی قویوب آدین حجاب اسلامی
هر مودا صبر و تابیمیز یوخدی بو قلِخدا حجابیمیز یوخدی
ملل راقیه سپهره گئدیر زهره، مرّیخه، ماهه، مهره گئدیر
یازیق ایرانلی تاپداسین بودونی نه آدین تاپدی پخمه نه مودونی
اسم عیسائی رسم موسائی آد امیرکائی مود اروپائی
جای ماه عسلدی کام مفته گئجه گوندوز او سؤز حمام مفته
دوشدوخ اوّلده بیر گامش گولونه ایستیدن آز قالور ئورگ بُؤلونه
هوس ائتدوخ بیر اردبیله گئداخ شیخ صفی بقعه‌سین زیارت ائداخ
دورد نفر همره مؤدّبیله پژونی فوری قُودیق اردبیله
حاج لطیف نباتینی گوردوخ نهارا دعوت ائتدی دل وئردوخ
گوردوق احبابی خاصّه «انوری»ده حاج آقا فیضی دادگستری‌ده
ناهاری دوشه‌دیق شتابیله سرین آیران چلوکبابیله
واریدی چون اراده شیخ صفیه گئتدوخ اوردان پیاده شیخ صفیه
موزه مسئولی بیر متین قیزیدی قره‌شین سویمه‌لی شیرین قیزیدی
قره‌نین دادی وار آغین آدی وار هر کسین داد دوزو وار هر زادی وار
حاجی ایلائی سویدی صحبتینی ادبین منطقین فصاحتینی
باخیشی مست ائدن چو بادهٔ ناب سؤز دوداقینده تونگیده قنداب
داد وئرردی او صحبت حسنه معمارا، نوربحره، شیخ حسنه
گورجاقین شیخ صفینین آثارین عظمتلی شرفلی دربارین
پشت پا ووردوم عالم خاکه فکریم اوج ائتدی سیر افلاکه
لِمَنِ المُلک جز حق منّان بَعدَهُ کُلُّ مَن عَلَیها فان

کهنه دنیا کتاب عبرتدی سرسری گئچمه جای دقّتدی
عازم اولدوخ نمازه نصف نهار واریدی مستراحدا بیر گوزی دار
مرحبا اونداکی قالین قافیا بش تومن آلدی بیر بوش آفتافیا
کفشدار اگلشوبدی صندلده باشماقا پول آلیردی اوّلده
که جماعت چیخاندا کثرت اولار حقّ حفظِ‌النُّعال غارت اولار
دئدیم آخ حیف اولا بو اسلامه یوخدی اهلینده نظم برنامه
نظم مسجد گرک مرتّب اولا خادمی لایق و مؤدّب اولا
مسجد اخلاق و معرفت یریدی نه که بد خُلق بی صفت یریدی
بورا اللّه ائوی آدی یکه‌دی بورانین ساکنی ملائکه‌دی
هله دوردوخ نمازه سرعتیلن قصد قربتله پاک نیّتیلن
بیر هیولا باشندا بیر لبه‌گن بورنو شیپور آغزی شلواری گن
صفتندن یاغور که لاپ شاغیدی یوز دیرسن حمامچی دا...
بورنونا هی سوخوردی بارماقنی چیخادارددی دماغنون یاغنی
پلته‌لیردی چکوردی فرشه سوپا ئوره‌گیم قاخدی آزجا قالدی قوپا
دئدیم احسن بئله مسلمانه بو نظافت بنالی ایمانه
ارمنی گورسه بو مسلمانی وئرر انجیله فدیه قرآنی
بارالٰها بحقّ آل عبا بله شخصه مسلّط ایله وبا
یا کس عمریندن آت لیاقتینه فهم و ادراکینه نظافتینه
هله بو منتظردی رضوانه یتیشه وصل حور و غلمانه
ائتسه‌لر گبری مسجده بانی اورا قویماز بئله مسلمانی
یاخاسی کیرلی بورنی فرتقلی پاپاقی یاغلی آغی یرتقلی
هی چکور سیگاری پولور عرشه چوبوقین سورتوری قیرین فرشه
شاما سرعینه ایلدوخ رجعت حاجی ائتمیشدی بیر گؤلو خلوت
او گؤلون اختیاری بیزده‌یدی یعنی دربست اجاره‌میزدیدی

بسکه اشعار اوخوندی شب گئچدی   یوخو گلدی شب طرب گئچدی
صبح تئزدن دوروب سوار اولدوخ   طرف رشته رهسپار اولدوخ
بیله راننده بختدن یاریا   پژونون وئردی آغزین آستاریا
اولدی جنگلده صرف صبحانه   یتیشوب نوبه چای و قلیانه
مرحبا بیزده صبر و حوصلیه   ناهارا وارد اولدوخ انزلیه
دوشه‌دوخ تئز کنار دریاده   ناهاری چایی ائتدوخ آماده
پیشِ‌روده صفالی چشم‌انداز   موج دریاده‌کی نشیب و فراز
گمی‌لر هی اوزور اویان بویانا   او ناهار یاغ کیمی یاییلدی جانا
یوخودی دلده کهنه، تازه غمی   باغ غمی، داغ غمی، مغازه غمی
چای ایچیلدی چکیلدی قلیانلار   کئف سازالدی دوزلدی انبانلار
واریدی مسجد امامزاده   نمازی باشلادیق او مأواده
هامیدان عقلده دیاز منیدیم   اودی هر یرده پیشنماز منیدیم
الده مین تجربیله سر رشته   وارد اولدی قطاریمیز رشته
بستنی صرف اولوندی چوخ عالی   واقعاً جای دوستان خالی
چوخ دیاری دولاندوخ الحاصل   گورمدوخ آب و برقینی کامل
کُلَّ یَومُ کَیَوم عاشورا   کُلّ ارضُ کَارَضِ کربُ بَلا
همه جا جنگ شیشه با سنگ است   همه جا آسمان همین رنگ است
سو کسیلجک سالولاّ شور نشور   برق گئتجک اوخولاّ آیه نور
نه هتل‌لرده یر نه بوللو غذا   نه ماشین نه قاطار نه راه فضا
یاغ صفی،فاب، تویوق، یومورتا صفی   صف صف اُستن دوتوبدی هر طرفی
هی بو صفده او صفده چک آفات   اوخو صفلرده گونده والصّافات
هامی صفلر فشرده کثرتدی   او که بوشدی صف جماعتدی
گونی گوندن فزوندی جمعیّت   گوره‌سن هاردا بند آلار ملّت
کیشی آز سولا بیر یورول یوخلا   ایکی اوچ تُخم سالدون ال ساخلا

مملکت دولدی اوغرو قوشبازیلان لات و لوت تریکی قمار بازیلان
بو که دکتر مهندس اولمیاجاق چودانی تاپداسان مس اولمیاجاق
رند و قلاّش و الکلی بنگی نه حیاسی نه درکی فرهنگی
اکیسن یاخشی گردکان، بادام اک اوچون اک دوردون اک ولی آدام اک
جیب کسن بوک قویان سفیه طولاباز ایشی یوخ عنتر اوینادان پولا باز
هروئن ساز، قاچاقچی، شعبده‌باز هی ایلان اوینادادی معرکه ساز
ائشیدوبسن دیوب رسول امم امّتین چوخلوقویلا فخر ائده‌رم
امّت امّت اولا نه وزر و وبال بندهٔ حق نه تابع دجّال
پیس اوغولدان نه قول چیخار نه آقا آتانین باشینی سالار آشاقا
بویوروبلار اولون بیزه زینت نه که اسباب خفّت و خجلت
روز محشر بویوک فلاسفه‌لر مخترع صاحب مکاشفه‌لر
آلالار دوره‌سین مسیحانین بیز دوتاخ عقل کلّ دامانین
گلون ارباب سوون رعیّت اولاخ بلکه آل عبایه زینت اولاخ
گئجه یاتدوخ هتل‌ده یورقونودوخ مستحقّ یاریم باش افیونودوخ
آی هتلچی هتلده جان وئره‌سن گئده چای استکانی ییرمی تومن
کسه کسدی بازاردا گردنه‌ده خنجرون سولا دُو دوشوب سنه‌ده
ساعت آلتیدی صبح بابرکت ائتدوخ استان رشتدن حرکت
پژو پاک سینه‌دن چیخان هو تک جنگلی سیر ائدردی آهو تک
نئجه جنگل نئجه صفالیدی چنلی گیسگینلی خوش هوالیدی
بیر گوزل یر تاپوب گینه دوشه‌دوخ آتدیق اوتدوق چکوب ایچوب ایشه‌دوخ
دید ائدوب رودبار و منجلدن زلزله محو ائدن منازلدن
قهر پروردگار قدرتدن اثری قالمیوب عمارتدن
قصرلر قبر، خانه‌لر ویران اوخودوم کُلُّ مَن عَلَیها فانْ
وار عقیده‌م منیم مکافاته عمل عاملدی جمله آفاته

دوز مسلمان بلایه توش اولماز
دوز ایشیقلی چراغ خموش اولماز
هانسی ملّتده شایع اولسا زنا
زلزله‌یلن گرک او قوم سِنا
دئمه غمدن او گوزده یاش دایانار
قورونون آتشینه یاش دایانار
حقّچون یولدا حاجعلی معمار
حاجی مقصوده هی وئروب هشدار
جادّه‌نین دقّت ایله صاق صولونا
سعی ائله گئچمه ئوزگه‌نین یولونا
امتحان ائتمیشم بونی آزماز
دوز یولوینان گئدن بشر آزماز
بونی بول ئوز یولون گئدن چاشماز
شوفر اهل اولسا هئچ ماشین آشماز
بو مثال اوستونه مثال یوخدی
که دیوبلر دوزه زوال یوخدی
راستی موجب رضای خداست
کس ندیدم که گم شد از ره راست
قزوینه وارد اولدوخ ٠ القصّه
نه کدر وار ئورکده نه غصّه
اوزوم آلدیق داماخلی قارپوزولان
کُلمنی فوری قابلادیق بوزولان
گاهی معمار و گاهی ایلائی
نوربحریله شیخ حسن دائی
نه یماقدان دئماقدان هئچ دویدوخ
یولا صحبتله نردبان قویدوخ
کئف کوک و نشعه ساز داماغ چاغیدی
ایشیمیز صحبتیدی گولماقیدی
جت و موشک کیمی اوچاردی ماشین
یولی حلاّجلیوب آچاردی ماشین
لحظه‌میز دگدی بیر شب قدره
چاتدی مقّارهٔ، علی صدره
غار قباقینده صرف اولوندی ناهار
صورا اولدی اکیب وارد غار
چاق ائدنده قایقدا قلیانی
اوردا یاد ایلدیم احبّانی
قوتاروب غاری شادمان اولدوخ
همدان شهرینه روان اولدوخ
ایکی قارداش نظامی اهل صفا
منبع علم و فضل و مهر و وفا
اولارا شام ناهار قوناق اولدوخ
اللریندن زوریلا قورتولدوخ
دوشه‌دوخ گنجنامه‌ده آری
نهرلر سلسبیل تک جاری
کوهسارین هوای مرغوبی
آبشارین صدای مطلوبی
قلیانین قلقلی چایین رنگی
شاد ائدر هر غریب دلتنگی

قیزدی اوغلاندی هی وئروب ال اله
یوز قویوب ماه غسله یا عسله

ایکی عالی کتیبه وار داشدان
درس تاریخی شرح ائدر باشدان

من خشایار شاه ایرانم
صاحب تاج و تخت و فرمانم

مالک دولت هخامنشی
دست تقدیردور منه منشی

دئدیم ای جانه اود سالان دنیا
اوّلی آخری یالان دنیا

وئریسن هر نه هر کسه آلیسان
هامینی ئولدیروب ئوزون قالیسان

قویمیسان کیمسه کئف سوره دولانا
بیرینون صبحه تک چراغی یانا

قویمیسان فرقی شاه و درویشه
ووروسان ریشه‌سینه تئز تیشه

«نوربحرین» سؤزون قبول ائتدوخ
حاج آقا «اوسطه» قوناق گئتدوخ

بیر صفالی کیشیدی خوش سیرت
مَلِکی شهرت و مَلَک صورت

بابا طاهر، ابوعلی سینا
ائدوب اول شهری وادی سینا

بابادان بیر عطیرلی گُل دردیم
بیر سؤزون ئوز دیلیمه دوندردیم

باخورام باغلارا سنی گورورم
چیخورام داغلارا سنی گورورم

دشت و صحراده نهر و دریاده
نظر ائتسم هارا سنی گورورم

همدان معتدل هوالیدی
اهلی خون گرمدی وفالیدی

خوش پذیرالیق اولدی مهمانه
سالنوب سفره گلدی صبحانه

صرف اولوب کلّه و یومورتادن
یاخشی اوزلی پنیر مربّادن

ذکر اوخوندی پولندی صاقه صولا
خداحافظ ائدوب دوشوبله یولا

حاج علی کامل ائتدی احسانی
دمه قویدی ماشیندا قلیانی

ایله یرلرده چاق اولوب قلیان
که تماشایه دوردی پیر و جوان

پارک‌لاردا، قایقدا، صحراده
یا هتل‌ده، کنار دریاده

بابا قلیاندی بو دگول سیگار
ائشّک اوسته ائشه مشه جبّار

توالتده الی فلان یرده
زور وئرور سیگارا همان یرده

نه گئجه گوندوزی نه ساعتی وار
نه سایی وار نه وقت عادتی وار

الکلی، تریکی، مسلّمدور
بعضی سیگاری‌دن مقدّمدور

الغرض صدمه یتمه‌سین جانه　　قافله عازم اولدی زنجانه

نه تلسدوخ نه ایلدوخ عجله　　زنجانا بش آغاج قالوردی هله

بیر عمارت بنای ارزنده　　یادگار مَلِک خدابنده[1]

سند افتخار ایراندی　　اورانی گورمین پشیماندی

ایله آثار یوخ صفاهاندا　　دیه بوللم که آذرستاندا

یدّی یوز ایل قالوبدی بی سکنه　　درس عبرت وئرور گلوب گئدنه

نه خدابنده واردی ایواندا　　نه حرملر گزور شبستاندا

نه وزیر و نه خادم دربار　　لَیسَ فی‌الدّار غیرُهُ دَیّار

«هر که آمد عمارتی نو ساخت　　رفت منزل به دیگری پرداخت

واندگر پخت همچنان هوسی　　این عمارت به سر نبرد کسی»

بو جهاندان مُسیئی و یا محسن　　کؤچه‌جاق نیم سنّ یا مین سن

ساخلادوخ دستمازی زنجانه　　هم ناهاری نمازی زنجانه

رُفقا اگلشوب ماشیندا گینه　　تا یتیشدوخ میانه دوره‌سینه

بیر گوزل سبزه‌زار خرّمده　　دوشه‌دوخ دم دم اوسته چای دمده

دم غنیمتدی فکر آسوده　　ائتمه آسوده فکرون آلوده

گینه دوشدوخ یولا چاتاخ وطنه　　پژو گویا خروسدی یول چتنه

ایلدی گون قرا چمنده زوال　　اوردا نوشابه صرف اولوب خوشحال

پژو تا اولدی وارد مراغا　　حاجعلی معماری یتوردی باغا

هنرستانه قویدی شیخ حسنی　　هکذا نوربحری صوندا منی

بو سفر اهل حاله حال وئردی　　حاجی ایلائی شانلی بال وئردی

ای کریمی چوخ ایله شکر و ثنا　　سنه بو طبعی لطف ائدوبدی خدا

فیض عظمادی جاودان طبعون　　زنده ساخلار سنی روان طبعون

دولی کشکول عطا ائدوب مولا　　عشقینه هو چکوب تبر تولا

دمبدم سسله یا حق و یا هو　　وَحدَهُ لا اِلهَ اِلاّ هو

۱-سلطانیهٔ زنجان

اوچومجی سفر شورویه

بسم ربّ الشّعرا ربّ کریم خالق و قادر و رحمٰن و رحیم
عالم و حیّ و توانا و ودود صاحب لطف و کرم بخشش و جود
اودی انسانه وئرن عقل و کمال اودی احسان ائلین حسن و جمال
بیرینه لطف ائلیوب نطق و بیان بعضی اشخاصه وئروب طبع روان
اونون ایستکلیسی پیغمبریمیز خلقی ارشاد ائلین رهبریمیز
اگر امداد ائلسه فخر عظام ایستورم تازه سفرنامه یازام
گینه بوی وئرمدی بختیم دَوِیه اولدی بیر دعوتیمیز شورویه
باهارین اورتا آیی اردیبهشت دشت و صحرا دوشه‌نوب مثل بهشت
نئچه گون گئتماقا قالمشدی هله واجب اولدی ائلیم رحمه صِله
لازم اولدی منه طهرانه گئدم رفقانی گورم اوندان قییدم
یتیشوب صبح قوتاردی شب تار چاتدی طهرانه سحر وقتی قطار
خوشودوم تک‌به‌تک احبابی گورم آمّا اوّل گرک «انزابی» گورم
منیم «انزاب» گُلومدی چمنیم اوتوز ایلدی آتا دوستومدی منیم
منی گورجک قویوب الدن ایشینی فرض بولدی منیله گردشینی
اونا قارداش دییرم من علنی چوخ دولاندیردی اوتاندیردی منی
ایکی باجیمدان ائدوب پرسش حال شام ناهار صرف اولونوب گئتدی ملال
قافله شورویه عازمیدی حوزیه گئتماقمیز لازمیدی
حوزیه گئتماقا ائتدوخ عجله تا وئرم دوسلاریمیلا ال اله
بیزه - شیرینی - ائدوب لطف تمام تاپدی انجام بو اعزام عظام
حاجی امجد، حاجی ذَم، اهل وفا حوزه مسئوللاری بیر پارچا صفا
بیر جوانمرد، طلائی لقبی گوره‌نی حیرته سالدی ادبی

بو سفر قافله چوخ مُعظمیدی   قرخ نفر اهل هنر باهمیدی
گینه سرقافله‌میز «آتش» اولوب   اوّلیندن کیشی زحمتکش اولوب
واقعاً دوسلوقونون ارزشی وار   خوش مثلدی کیشی وار تاکیشی وار
کیشنون زر زوری وار خوش آدی وار   دیلی وار دیلچگی وار هر زادی وار
واریدی انجمن شعر و ادب   شرکت ائتدوخ نئجه بی ذوق و طرب
گورمه‌میشدیم ائلهٔ بی حال شعرا   دیه‌سن بس دوتوب اسهال شعرا
آدی طهراندی نقدر اوستادی وار   ایکی کامیوندان اضافه آدی وار
رفقایه دئدیلر شعر اوخویون   اوخویون بوینوموزا حقّ قویون
بیری اوردا اوزادوب قیشلارینی   چیرمیوبدور دیزه‌تک شلوارینی
بیری گاهی یازیری گاهی پوزور   زقّنور بسکه گلور قافیه زور
بیری که ایستور ادب درسی دییه   گرک اوّل ئوزون اصلاح ائلیه
شاعرین اوندا سؤزی کامل اولار   ئوزی ئوز بیلدیقینا عامل اولار
بعضی‌لر ایگنه کیمی خلقی بَزَر   لوت تومانجاق ئوزی بی پرده گزر
منده قاتدیم باشیمی قالماقالا   اوخودوم شعر اولاری گتدیم حالا
باکویا قافله ائتدی حرکت   بو مبارک سفره مین برکت
گئجه گئچدی یتیشوب یول یاریا   وارد اولدوخ سحری آستاریا
بو سفر هم‌سفریم بهتریدی   «پاشازادیله» «نویدآذریدی»
«شاهی» و «عاصمیدی» «آذریدی»   «اسدیله» «حسن» «اسکندریدی»
اوروسون قونسولی دوشموشدی لجه   اکیبی لنگه ووروب قویدی گئجه
«آتشین» سعی و تلاش و ادبی   اسمه‌سی جوشماسی قهر و غضبی
دوز گلوردی کیشی هر قافییه   غرض آچدیردی یولی قافلیه
علّت وقفه همین عنوانیدی   یوکومیز کامیونیلان قرآنیدی
آپاراخ پایلیاخ احسان ائلیاخ   خلقی مجّانی مسلمان ائلیاخ
ائله تجلیل اولا بیلمز قوناقا   دسته گُللر گتوروبلر قباقا

باش وزیر ماونی بیر کادر پلیس نئچه سربازیله بیر عدّه رئیس
بیزی اسکورت ائلیوبلر بو سیاق تازا منزل، تازا ایش، تازه قوناق
وارد اولدوخ هتله نصف نهار چای ایچیلدی هم اولوب صرف ناهار
بو هتل منظر زیباده دوشوب با صفادی لب دریاده دوشوب
شعرا و رؤسا همّتلن خیر مقدم دئدیلر عزّتلن
او تایین آستاراسیندا عجبا نه صفا وار نه گوزل آب و هوا
قافله جنگلیلن دوشدی یولا نئچه یول ایستمور انسان قوتولا
گللرین رایحه‌سی منظره‌سی جوربه‌جور قوشلارین ایستکلی سسی
یام یاشیل داغ، دوگی، چای مزرعه‌سی عطرلی یِلدی مسیحا نفسی
جنگلین فرقینه باخ جنگلیلن ایله بیل بیربیر اکوبسن الیلن
کئفده بیر ذرّه‌ده نقصان یوخودی حیف دسگاهدا که قلیان یوخودی
دوسلارین اهل صفانین یری بوش خاصّه «داود» «عطانین» یری بوش
هانی «مسعود» و «ودودیله» «مجید» تا گلوب منظره‌نی ایلیه دید
یاده سالدیم هامی قارداشلاریمی مهربان سویمه‌لی یولداشلاریمی
چوخی همراهلاریمون یوخلادیلار ماشینون منظره‌سین پوخلادیلار
بوزوشوب تورشادیلار مختصری دییه‌سن یایدا بناب گلبسری
نه گوروبسوز دئدیم اوغلان یوخودان اویان ای پخمه مسلمان یوخودان
یوخلادون بیلمدون عالمده نه وار زعفران بیچدی هامی سنده کاوار
یوخی قویدی سنی ئلدن دالیا قالدون عالمده فامیلدن دالیا
یوخلادون اوغری داراشدی باغووا گیردی دکّانه گوزل توپراقووا
نه بتر یوخلامیسان لای لایلان ضربلن قارمانیلان نای نایلان
بیر محقّق واریدی اهل بیان آدی بهروز لقبی «ثروتیان»[1]
دئدی ئل شاعری، سن یاتماگلان بو صفانی یوخویا ساتماگلان

۱-آقای دکتر ثروتیان محقق خمسهٔ نظامی گنجوی

یوزیوی دوتما بویاندان اویانا   شعر اوخی بلکه یاتانلار اویانا
شعر اودور که اویادا هر یاتانی   چیخادا دیشره دنیزدن باتانی
دئدیم اشعار اویادانماز بولاری   سس سسه وئرسه حمام بورقولاری
ایله پیس یوخلامیوب بیرده دورا   یواش اول دورسادا شاید قودورا
نه شعاری نه دونو ئوز دونودی   ایکی مین بش یوز ایلین یورقونودی



آدی رانندەمیزین مَطلَبیدی   پیس گئدوردی ائله لامذهبیدی
گاز وئروب باخمادی هئچ آغ بوزونا   چوخ دئدوخ سایمادی اصلاً قوزونا
دئدی «پیمان» بو سیاق که بو گئدر   هم ئوزون هم بیزی بیچاره ائدر
نصف شب قافله دلخسته ملول   هتله ایلدی اجلال نزول
غمی یورقونلوقی آتدیم یانا من   سویونوب فوری تپیلدیم وانا من
باشی آتدیم یره یاتدیم بو سیاق   گوزده یاتسیدی ئورک قالدی اویاق
هتلین سلقەسی کئف وئردی بیزه   اگلشوب اوردا باخاردوخ دنیزه
بویوروب شاه عرب شیر خدا   مرتضی یعنی علی میر هُدا
اوچ شی انساندان آلار درد و ملال   گووَرَنتی، دوروسو، بیرده جمال
اوچوده کاملیدی حال خوشودی   رفقانین یری جداً بوشودی
قویمادیم «عاصمیله» «شاهی» یاتا   وقتی انسان نیه مجّانی ساتا
باش وزیر یولّادی شخصاً اتوبوس   شهری گزدیردی بیزی مثل عروس
باکودا ذوق و صفا واردی لطیف   نخجوان تک دگی مخروبه کثیف
گن خیابانلاری وار یکطرفه   ماشینا میناماقا دورمولاّ صفه
باکینون گورمەلی بیر متروسی وار   فوج فوج ایلوری مخلوقی سوار
هی مسافردی بیر اوجدان گوتورور   بش قپیک وئر هارا سویسن یتورور
نه گوزل مترو نئجه بامزەدی   یرین آلتندا قطار معجزەدی
بوردا تاکسین صفی انسانی یورور   هی ایلان تک آچیلور هی بورولور
او قدر تاکسیا ال قوزاموشام   قالمیوب حوصله روحاً ناخوشام

صبریلن حلّ ائدرم هر چتینی چکمرم نانجیبون منّتینی
هر یره ائتسم اراده گئده‌رم ماشینیم یوخدی پیاده گئده‌رم
نوشدور اینجیمگیم خسته‌لیگیم اولماسین ناکسه وابسته‌لیگیم
دُوزرم قیشلاریمون زحمتینه قالمارام ناکیشیلر منّتینه
قاضیلانما بالا فرمان گازینا بو یولون سیر ائله دست‌اندازینا
بو یولون واردی چوخ آلچاخ اوجاسی یخیلاندی جوانی هم قوجاسی
فرمانون وار بو قدر پوز وئریسن سایمسان گاز وئریسن توز وئریسن
نه اولار مردمی خوش دیندیره‌سن دیلینن اندیره‌سن میندیره‌سن
بنزیری روضهٔ رضوانه باکو متروسی بیر یانا بیر یانه باکو
نئجه عالی بنالار وار باکودا چوخ قدیمی قالعالار وار باکودا
گوی مچید، قیز قالاسی، گورمه‌لیدی جمعه مسجد صفاسی سویمه‌لیدی
موزه‌سینده نئجه عالی قالی‌لار باخانی ئوزگه بیر احواله سالار
بو فراشی توخویانلار هانی بس توخودوخجا اوخویانلار هانی بس
بو گوزل ئیلمه سالان ئللر هانی قانلی بارماخلا قابار اللر هانی
بولارین اوسته گزنلر هانی بس گل قویوب میوه دوزنلر هانی بس
بونی بیل شرطیدی هر وصله فراق دنیا مهمانخانادی بیزده قوناق
باکو خلقی ائله وجدانلیدیلار مرد و زن عاشق ایرانلیدیلار
تاکسا میندیردیله پول آلمادیلار نمنه وئردیله پول آلمادیلار
هر کس ایرانلی گورور ال چالیری باسوری باغرینا دوز تک یالیری
دئدیم اولسون یولوویز دوشسه اگر بیر گونی ایله‌سوز ایرانه سفر
قاپاروخ بورکی باشوزدان قاچاروخ کمروز اولسا بئلوزدن آچاروخ
هر نه‌یوز وار الوویزدن آلاروخ باشوویزدان یکه کُفته سالاروخ
باساریق اون تومنی یوز تومنه ییه‌سوز ایگنه سیچارسوز تُبنه
واریدی قافله‌ده بیر دوزو یوخ انگی بوش سؤزلری پوک آغزی سویوخ

«بابا سللی»[1] گ...تک یانشاماقی | بیرتور امّا سالا بیلمور یاماقی
نه حجاب واردی نه شلوار باکودا | فقط اسلامدن آد وار باکودا
باکینون وضعینی شرح ایلمیشم | ایکیمینجی سفریمده دئمیشم
احتیاج یوخدی تزاشدان دئماقا | سؤز اوزون دوشسه چکر سویسماقا
صبح گئتدوخ باکینون موزه‌سینه | علم و تاریخ و ادب حوزه‌سینه
نئجه موزه نئجه عالی اثرات | وئرور انسانلارا بیر درس حیات
موزه‌نین مسئولی بیر خوشگلیدی | گُلشن حسنده بیر خوش، گُلیدی
شاعره‌یدی آدی‌دا «سولمازیدی» | گر فلک قویساییدی سولمازیدی
اجلین آوچیسی دامین قوراجاق | سولماز اولساندا گوزل، سولدوراجاق
او گوزل لاله یاناقلار سولاجاق | او خمار گوزلره توپراق دولاجاق
الغرض یوخدی بو گلشنده صفا | ائتمیوب بیر کسه اظهار وفا
نه شافاقلی نه مراخلیدی خانم | اهل ذوقیدی داماخلیدی خانم
موزه‌ده هر نه که اشیا واریدی | دئدی بیربیر بیزه خوش گفتاریدی
بیل جوان ساخلیان اوچ شِیدی کسی | آت سسی سکّه سسی قیز نفسی
آت اولوب ایمدی ماشین سکّه دولار | اوچومنجیله گوگل کامه دولار
هر او شخصین که بو اوچ نعمتی وار | دیریلقدان دادی وار لذّتی وار
«این تورسته» گینه گلدوخ ناهارا | یدوخ ایچدوخ خشه دوندی تغارا
هتلین منظره‌سی جالبیدی | تماشا هر بیر ایشه غالبیدی
روبرو موجه گلور بحر خزر | اهل حال اولسا ائدر جلب نظر
باکودا متروو‌ا میندوخ ایشه باخ | کئفه باخ لذّته باخ گردشه باخ
هامی مشگللریمیز آسانیدی | بیر فقط ناقصیمیز قلیانیدی
پاشازاده اونودا حلّ ائلدی | غمیمی غصّه‌می منحلّ ائلدی
منه بیر چکمه‌لی قلیان گتوروب | ائله بول پیکریمه جان گتوروب

---

[1] ۱–باواسیرلی

بنده‌نین ساخلاسین اللّه پاشاسین
«پاشانین» سویمه‌لی یولداشلقی وار
صباحی گزماقا گئتدوخ بازارا
واقعاً آلمالی سیلر چوخودی
تاپاروخ آز یا چوخ آلدیق چاپاراخ
یوک آغیرلاشسا اوغول غافله‌دن
خوش او شخصه یوکی یونگل گوتوره
آغیر اولسا شله ایوای حالووا
کیشیه فرضیدی سوقات سفر
وای او شخصه دوشه رنج و محنه
دسمالون دولدور اوغول ایله تلاش
احتیاط ایله یولون قورخولودی
سنی تعقیب ائدیری گرگ اجل
«اِن تورستین»، غذاسی چوخ یِمه‌لی
تانور ایرانی گئدن خارجیه
بابا ایراندی بهشتین مثلی
«پاشازاده» گینه گلدی کرمه
گر چه جالبدی صفاسی هتلین
ژاپن آلمان قاریشوب بیربیرینه
حمل بر صحّتین آخر یریدی
ایشیمیز ساعتی خوش دوتماقیدی
توالت لازم اولاندا بیرینه
یوخودی آفتافا یا شیر و شلنگ
باکونین گزمه‌لی بلوارلاری وار
گللرین، سرولرین منظره‌سی

بئله شاگردی گوروم چوخ یاشاسین
یولدا یولداش دئمه قارداشلقی وار
نه بازار اوخشوری بیر لاله‌زارا
فقط امکان گتورماق یوخودی
قالدوخ آواره نوعی آپاراخ
قویار انسانی دالی قافله‌دن
ئوزونی منزله راحت یتوره
سالاسان قوزویان اولماز دالووا
الی بوش منزله گئتماق نه ثمر
گئده غربتدن الی بوش وطنه
یول اوزاقدی سنه لازمدی معاش
قبر وار آخرتین دار یولودی
عمل ائت حَیَّ عَلیٰ خَیرالعَمَل
لذّتی ایرانا چاتمازدی ولی
فرق قویسا گونوزیله گئجیه
کره‌سی قیماقی شیرین عسلی
قلیانی لطفیله تئز قویدی دمه
جانا سینموردی غذاسی هتلین
روس مسلمان قاریشوب بیربیرینه
کُلّ شَیءٍ لَکَ طاهر یریدی
گونده بیر مرتبه دوش دوتماقیدی
سو دوناردی او ایشین خاطرینه
مستراحلار هاموسی ساخت فرنگ
که ائدیر هر گوره‌نی مست و خمار
گونشین نور یارادان پنجره‌سی

خیاباندا قیزی اوغلان اَ... نئجه یاغلی سوموگی ایت گمیری
شهر بیر پارچا فقط ذوق و صفا یوخدی اهلینده ولی شرم و حیا
لوت تومانچاق هامی عریان‌مینی‌ژوب کوچه بازار و خیابان مینی‌ژوب
بیر خانم دکتر ئوزی اهل کمال حوریده اولماز ائله حسن و جمال
بیر بُت سرو قد و سبز قبا شکل انساندا ملکدور عجبا
یوزی آیدین نفسی باد صبا قورتاریم قوی سنی بلقیس سبا
دئدی بو خواهشیمی ایله قبول باکو ائتمیش منی دلسرد و ملول
باکودا آزجا قالور جانه گلیم منه دعوت یازون ایرانه گلیم
صاحبیم یوخدی ار اولسا گئده‌رم خلق ایرانه طبابت ائدرم
ئوره‌گیم ترووری ایراندان اُتور خاصّه سلطان خراساندان اُتور
اون مانات گونده حقوقیمدی منیم منه بیر زندان اولوب ئوز وطنیم
بیر باغیم واردی گوزل دانه نشان منه ارثیّه قالوبدور آتادان
قال گئداخ بیر نئچه گون منله باغا گور نئجه خدمت ائده‌للر قوناغا
قول وئردوخ که سفردن قیداخ اونا بیر نامه یازاق دعوت ائداخ
گُل کیمی گولدی او دکتر یوزومه نسخه یازدی قولوما هم گوزومه
دئدی خالص بال اگر دوشسه اله گوزیوه چک همی‌ده شربت ائله
او زماندان گزیرم بال پَتَگین ساوالانیله سهندین اتگین
نه گوزه چکماقا دوز بال تاپیلور نه سؤزه حالی اولان حال تاپیلور
او که بالدی یوزه یوز قندوشکر او که حالدی یوزه یوز تُند و پَکر
هله‌ده خالصه بال تاپمامشام حق سؤزه مشتری حال تاپمامشام
بیر ماراخلی شب شعر اولدی هله او گوزل صحنه چَتین دوشسون اله
قیزلی اوغلانلی خانملی آقالی دسته گُللر گتوروبلر صفالی
گُل سپوب چوخ بیزی آلقشلادیلار گوزل اشعاریمیزی خوشلادیلار
باشقا بیر عزّت و ناز اولدی بیزه گولوب آغلاردیلار اشعاریمیزه

نقدر ائتدوخ اقامت باکودا — بیزه چوخ اولدی محبت باکودا
تانش اولدوخ ایکی اوچ نوحه‌خوانا — یالواروبلار که گئدم «ناردالانا»
موزهٔ خطّه‌ده ائتدوخ تماشا — باکو شهری یاشا واللّهی یاشا
نه اثرلر نه گوزل خطّ قدیم — گئت ئوزون گور دئمه یولداش دئمه‌دیم
ادبیاته نمایشدی باکو — یعنی گهوارهٔ دانشدی باکو
بیر ماتان قیز که آدی نرجسیدی — ایکی جادولری چون نرگسیدی
او گوزل موزیه مستخدمیدی — بیر چووال قر فریدی چم خمیدی
اولدی بر پا ایکیمنجی شب شعر — آچیلوبدور تازادان مطلب شعر
اوردا بیر طنز اوخودوم حاضرینه — دوتدی مجلس سؤزی سالدیم یرینه
دوشدی «سین‌دن» نظریم بیر نفره — یوز قوطور بورنو یکه رنگی قره
دئدیم آخ یوخ بئله بیر زاد باکودا — چوخ گوزلدی کیشی آرواد باکودا
سینه‌ده توکلر ایشیلمیش چاتیدی — گوره‌سن بو هارانین سوقاتیدی
«سین‌دن» اندیم ائله که من اشاقا — احترام ایلدی دوردی ایاقا
دئدی به‌به سؤزووه مشتری‌یم — بنده‌ده اهل محال هشتری‌یم
گینه مطلب گتوروب آفتافوسی — بابا مطلب دئمه بیر خان یابوسی
سوار اولدوخ که گئداخ شام یماقا — کباب و دوش بره‌دن دوشله‌ماقا
بیر صداقتلی خانم چوخ ادبی — پاک و پاکیزه «صداقت» لقبی
نه خانم آینه‌تک صورتی پاک — حُسنده ماه تواضعده چو خاک
مُحسنه صاحب خلق حسنه — کادو لطف ایلدی گل گتدی منه
دئدی اشعاریوه توضیح و جواب — یازمیشام ترجمه بیر نئچّه کتاب
سنون اشعاریوی تحقیق ائدیرم — هنر شعریوی تصدیق ائدیرم
حافظ آدلی کیشی بیر شخص نجیب — باش وزیر ایشچیسی خصلتده عجیب

بیزه خاطر بوراخوب هر ایشینی
عظمتلی کیشی گوردوم کیشینی

یتیشوب جمعه گونی روز فراق
اُزمی اولماز داخی چوخ قالسا قوناق

قوناق عالمده گرک دقّت ائده
یدی ایچدی ایکی گون قالدی گئده

تا که باشماقنه دوز توکمیه‌لر
بویرونی منّتلن سوکمیه‌لر

خطّ سیرونده خطا گئتمه داداش
صاحب خانه‌نی اینجیتمه داداش

آفتافوس گلدی هامی اولدی سوار
ئوز یرینده رفقا دوتدی قرار

هی باخاردیم باکونون باغلارینا
شهرینه، دریاسینا، داغلارینا

اُپوشوب منله قوجاقلاشدی باکو
منه باخدوقجا اوزاقلاشدی باکو

هر طرف گللی چیچکلی اوتودی
گله‌نار، ایگده، پالود، شاه‌توتودی

نئجه کتلر آدام ایستور دولانا
آفتافوس قویدی بیزی لنکرانا

نقدر شهریده وار کشف حجاب
کتلرینده یوز ائله حفظ نقاب

نئجه یرلر نه گوزل بابرکت
نفتین اُستویلن ائدردوخ حرکت

ماشین آشدی آلیجی قرقی تکی
جلیل آبادی، ماصاللی، اَمَکی

فصل خوش فصلیدی هریان گلودی
گُلودی، بلبلودی، سنبلودی

یوخودان گوزلریم ایستور دوتولا
لیک راضی دگولم یول قوتولا

بیر دقیقه یومولان وقته گوزوم
آچوبَن فوری بَرِلدردیم ئوزوم

اله دوشمز بئله فرصت بو زمان
وئره هیهات اجل بیرده امان

لحظه‌لر قیچی کیمی عمری بیچیر
آیلار، ایللر نئجه سرعتله گچیر

باکودان آستاریا حافظ ئوزی
بدرقه ایلدی لطفیله بیزی

کورپی‌ده قافله‌نی ساخلادیلار
آختاروبلار هامونی یوخلادیلار

هر کسین وار کوله‌بارینده قاچاق
گورونوردی نظره رنگی قاچاق

بیز گئدنده یوکومیز قرآنیدی
قیدنده تاریدی قارمانیدی

سالدی بو کورپی شرر اکبادیما
آخرت کورپیسی دوشدی یادیما

من بدبخته ندور چاره خدا
وَقِفوهُم یتیشن وقته ندا

یوکومیز کذب و ریا جرم و خطا
نیلروخ ائتمسه‌لر عفو و عطا

ناهاری صرف ائلدوخ آستارادا نه کدر وار نه کدورت آرادا
ایستدوخ خارج اولاخ آستارادان قافله اوردا بُولوندی آرادان
کرجه بعضیسی طهرانه گئدوب بعضی تبریزه طرف رجعت ائدوب
شعرادن، اسدی شبدیزیدی خسروین سؤزلری روح‌انگیزیدی
قافله جنگلیلن دوشدی یولا باخیروخ گاهی صاقا گاهی صولا
کاروان داخل اولوب اردبیله چای ایچوب اللری چکدوخ سبیله
«شاهی»نی، عاصمیله ترک ائلدوخ آیریلیق نسگلینه غصّه یدوخ
نمازیلا شاما گلدوخ سرابا قوناق اولدوخ چلووا هم کبابا
خداحافظلوخ ائدوب شبدیزیلن یولا دوشدوخ هوس تبریزیلن
نیمه شب تبریزه چاتدوخ بو سیاق قالانوب بیربیرینون اوسته فراق
دوشدی بازار رفاقت کسادا اولدی تبریزده‌ده خسرو پیادا
آز قالوب دریچهٔ صبح آچیلا افقه بیرق ابیض ساچیلا
طمطراقیله یتیشدوخ وطنه بیر سفرنامه‌ده ثبت اولدی گینه
من کریمی نقدر حمد اوخویام آننیمی عجزیله توپراقه قویام
منه چوخ نعمت عطا ائتدی خدا عهده‌سیندن چیخا بولمم ابدا
باغبانم شعرا گلشنینه خوشه‌چینم عُرفا خرمنینه
سؤزی بیر تازه گلین تک بزه‌رم دُرّ تک رشتهٔ نظمه دوزه‌رم
منی روح‌القُدُس ارشاد ائلیوب هنر شعریده اوستاد ائلیوب
ئوزلریندندی منه لطف و کرم سؤز اولاردانْدی ئوزومدن دئمرم
ادبیّاتده غوغا ائده‌رم ذاکرین آدینی احیا ائده‌رم
هر کیم ایستور تاپا محشرده نجات آل اطهاره چوویرسین صلوات

ئوزوم ئولسمّده قالاندی هنریم
زنده ساخلار منی جاوید اثریم

انزابدن بیر غزل

صنما یوز چوویرم سندن اگر گئچمیش اولا
ناز و غمزه‌ن قویا عشقیمده اثر گئچمیش اولا



دوتا اطرافیمی هر لحظه اگر حور و پری
بیرینه سنسیز ائدم ذرّه نظر گئچمیش اولا
کپریگون اوخلاری هر باخمادا قان قان چاغیرور
ائده بیر کس بئله اعلان خطر گئچمیش اولا
قیقاجی باخمالاروندان دیه‌سن اود توره‌نیر
اولا بیر اوددا بو هیبت بو شرر گئچمیش اولا
سوویسن گوگلومی شان شان ائده‌سن شانه کیمی
ئوزگه عشق آختاریسان اوندا مگر گئچمیش اولا
اعتنا ائتمه‌مگون یا منه ناز ایلمه‌گون
فکر ائدیرسن منه بیر ذرّه دگر گئچمیش اولا
یار اوخون اوخ دئمرم سینه‌مه گل تک دوزه‌رم
ائدم اغیار اوخونا سینه سپر گئچمیش اولا
فکر ائدیرسن اگر انزاب بو رفتاریویله
سر کویوندن اایاق چکسه چکر گئچمیش اولا



جوابیّه

بیرده عاشقده اولان صدق و صفا گئچمیش اولا
بیرده معشوق‌ده‌کی مهر و وفا گئچمیش اولا
سینهٔ اهل صفادن اوجالان یا حق و هُو
جلوهٔ حلقهٔ ذکر عرفا گئچمیش اولا

❖❖❖❖❖❖❖❖❖❖

محفل انس و ادب مجلس ارباب طرب
دف و نی ساقی و می واأسَفا گئچمیش اولا
عشق اعلای حقیقت یرینی دوتدی مجاز
خوش محبّت دولانوب اولدی جفا گئچمیش اولا
معنویّاتیمی مادّیات آپارمش آرادان
بیرده مندن داخی تأثیر دعا گئچمیش اولا
چوخ دئدیم طور صفاده اَرِنی اَنظُر اِلیک
لنترانی دئدی یا قهریله لا گئچمیش اولا
شعلهٔ شمعده پروانیه یاناماقدی مرض
بو مریضه بجز از مرگ شفا گئچمیش اولا
درد عشقی نئجه گیزلتماق اولار جامعه‌دن
منی رسوا ائلین سرّه خفا گئچمیش اولا
کلمهٔ اِرحَمُ تُرحم گوتورولدی آرادان
سن منه یان سنه‌ده من ابدا گئچمیش اولا
نازلی یاریم منه بختیم کیمی قوی دال چوویره
من گله قائل اولام پیش و قفا گئچمیش اولا
یار الیمدن یاپیشوب چکمسه بیر یانه منی
دوتا بیگانه الیمدن ابدا گئچمیش اولا
ای کریمی هوس وصل گُل و فصل شباب
اولسا گوگلونده اگر ایله رها گئچمیش اولا

مراغه

گل گور گوزه‌لیم باغ گلستاندی مراغه
بیر پارچا صفا، روضهٔ رضواندی مراغه



دلچسبدی صافی چاینون ذوق و صفاسی
چوخ گورمه‌لیدی باغلارینون آب و هواسی
شیرین هلوسی آلماسی امرودی گیلاسی
ذوق اهلینه بیر گزمه‌لی بستاندی مراغه

اهل مراغا مهمانی ساخلار گوزی اوسته
پیشواز قوناقه سوروناللر یوزی اوسته
محکمدیله ثابت کیشیلر تک سؤزی اوسته
گلسوز گوره‌سوز عاشق مهماندی مراغه

قاردان پاپاقی وار باشی طوفانلی سهندین
گل، لاله، چیچکدن اتگی قانلی سهندین
قوی باشی اوجالسین فلکه شانلی سهندین
باللی پتگون جسملره جاندی مراغه

شیرین سوجوغون وار صابنون یاخشی بالون وار
دورد بُرج و رصدخانه کیمی معتبر آثار
عارفلر اولور اوحدینون قبرینه زوّار
کانون ادب مکتب عرفاندی مراغه

دورد چشمه‌سی وار جوربه‌جور امراضه شفادی
شور سو، ساری سو، هم گشایش، جای صفادی
گل چیم، قره پالچیق سویی، چوخ درده دوادی
وئر خضره خبر چشمهٔ حیواندی مراغه

گلزار مراغه نه گوزل آب و هوادی
وار عالی امامزاده‌لری دار شفادی
سنجان داغی داش معدنی بیر پارچا طلادی
لعل و گهر لؤلؤ مرجاندی مراغه

گوز یاشی کیمی قینوری داغلاردا بلاقلار
یملیک، گله‌پر، چنگری، اوتلار قازالاقلار
کهلیک اوتی، داغ مرزه‌سی، اوشقون، قابالاقلار
داغلار دره‌لر یام یاشیل الواندی مراغه

گل دادلی پلو میل ائله کهلیک فره‌سیندن
داغلاردا کباب چک شیشه آهو بره‌سیندن
آش ایچ سرولی، آغجاباشین، قار تره‌سیندن
یارپز، گوبلک، سنبل و ریحاندی مراغه

بوستانلارینون منظره‌لی نقش و نگاری
قارپوز، قوونی، شاه قباقی، خرچا خیاری
تورپی، کلمی، گوجه، بادمجانی، بباری
اللّه دوشوین سفرهٔ احساندی مراغه

باغلار بزه‌نوبلر ساچی سنبل سارالار تک
مؤلردن اوزوملر آسیلوب گوشوارالار تک
آلما قزاریر، لاله یاناق ماهپارالار تک
شفتالو، اریک سنده فراواندی مراغه

کشمش، شَوه‌قاره، خلیلی دانه نشاندی
فخری، قورا شیرین، رازقی، قانه‌ده یاندی
حلاّغی، تولوغی، صاحابی، قانه بویاندی
معجون دوشابون خستیه درماندی مراغه

شانی، مَلَحی، عسگری، پیکانی، حسینی
الوان صاحابی، جغجغا، جلب ایلوری عینی
هر دستچینون سالخیمی بیر لوستر چینی
افسوس سودان ساری پریشاندی مراغه

هی وعده وئروللر که دُؤزون سدّ ورولسون
دولسون یکه جیب‌لر هله بیر عدّه یورولسون
مشگل بولانان چشمه بو تئزلیقدا دورولسون
چون من دوغولاندان قباق عطشاندی مراغه

وار ماه محرّمده عجب بذل و عطاسی
آبگوشت و پلو بال کره آش مفته غذاسی
هر تکیه‌ده برپادی ابوالفضلین عزاسی
عاشقدی حسین آدینه قرباندی مراغه

ائتمیش شهدا تربتی بو شهری معطّر
گل گلشن زهراده آچوب قرمزی گللر
وار بوردا کریمی کیمی نطّاق و سخنور
فعلاً اونون اشعارینه خواهاندی مراغه



قلیان

چیست قلیان چهار عنصر پاک
آتش و آب و باد چارم خاک
چیست سیگار سنگلاخ هلاک
مادر بنگ و خواهر تریاک

قسّا غزل

هر گوزل سسلی گوزل حضرت داود اولماز
هر اودون اوددا یانا توستوسی چون عود اولماز



هر تنوره یخیلوب صاف چیخان اولماز که خلیل
هر خلیلین طرفی کینه‌ده نمرود اولماز
آدمیّت‌دی ائدن آدمی مسجود ملک
هر عدم که ملکوت اهلنه مسجود اولماز
چوخ اَیازلار دوغولوب چوخ مشه‌محمود بوغولوب
هر اَیازدان اَیاز اولماز هامی محمود اولماز
باغبان خضر اولا یر مُشک اولا سو آب حیات
تربیتدن سویدین میوه‌سی اَمرود اولماز
درگه قدس الٰهی آچیلوب بنده‌لره
گئجه گوندوز بو قاپی اهلینه مسدود اولماز
سفرهٔ رزق اِلاهیّه‌ده وار بیر برکت
حشره‌تک ماخلق‌اللّه یسه کمبود اولماز
دلق تزویری کریمی ئوزیوه ائتمه حجاب
شیخ صنعان دئمه بیر لحظه‌ده مردود اولماز

تضمین یک غزل از بادهٔ عشق امام (ره)
راجع به حضرت ولیّ عصر عجل اللّه فرجه

مطرب وسیلهٔ طرب و عیش ساز کن
کوته حدیث عشق نگردد دراز کن
دستم بگیر شامل این امتیاز کن
(ساقی به روی من در میخانه باز کن)
(از درس و بحث و زهد و ریا بی‌نیاز کن)

جامی بیار و لب به لب جام جم بنه
پا بر سر سریر ملوک عجم بنه
منّت بسی به جان و تنم رویهم بنه
(تاری ز زلف خم خم خود در رهم بنه)
(فارغ ز علم و مسجد و درس و نماز کن)

دردا که درد یار کشیدیم درد یار
از دل قرار و صبر بدادیم و اختیار
در جام دیدم عکس جمیل جمال یار
(داودوار نغمه زنان ساغری بیار)
(غافل ز درد جاه نشیب و فراز کن)

پرده ز روی سرّ اناالحق بزن کنار
تا حق حقت به حق برسد از فراز دار
بشنو ز نخل صیت اناالله کلیم وار
(برچین حجاب از رخ زیبا و زلف یار)
(بیگانه‌ام ز کعبه و ملک حجاز کن)

یک لحظه بازکن در رحمت به روی من
با چشم مرحمت نظری کن به سوی من
ای نام نامیت شرف و آبروی من
(لبریز کن از آن مِی صافی سبوی من)
(دل از صفا بسوی بُت ترکتاز کن)

تا کی کشیم حسرت روی نکوی دوست
تا کی نهیم سربسر راه کوی دوست
تا کی کنیم بحث سر زلف موی دوست
(بیچاره گشته‌ام ز غم هجر روی دوست)
(دعوت مرا به جام مِی چاره‌ساز کن)

شعر است در زمانه کریمی کلام عشق
چشم است سحر و معجزه، زلف است دام عشق
مرگ است وصل عاشق، هجر است کام عشق
(تضمین نموده‌ای غزلی از امام عشق)
(شایسته‌ای بناز، به عشّاق ناز کن)





وای منه ایوای سنه

گوزه‌لیم کیمدی گوزللقدا اولان تای سنه
حُسنی تقسیم ائلینده چاتوب اوچ پای سنه



سووَرَم سینه‌مون اوسته یاتاسان صبحه کیمی
ننه تک منده دیم اوخشاما، لای لای سنه
گل گولوم رسم پذیرالقی مندن خبر آل
گه دولانیم باشووا گه گتوروم چای سنه
دگولم راضی نقابون آچاسان شام و سحر
قورخورام گوز وورا گون یا قاش آتا آی سنه
نه اولار سرو خرامان کیمی رقص ایلیه‌سن
من دییم چنگ و دف و نایله نای نای سنه
دم عیسادی بهارین یلی غفلتدن اویان
اسه گر باد خزان وای منه ایوای سنه
بو لطافت بو ظرافت بو طراوت گئده‌جاق
دییر عاشقلرون اوندا هامی بای‌بای سنه
ایمدی باخما اوخ اوخ اوستن ساچیسان سینه‌لره
اوندا ایش وئرمیه‌جاقدور قریلان یای سنه
صاناگلمز جانا جان‌جان دیه‌نون چوخدی بو گون
قوجالاندا بیری قالماز دئسه‌لر سای سنه
ای کریمی فلکین نیشی سنون نوشی منیم
وای وایی چاتدی نصیب اولمادی های‌های سنه

چکمه بو میدانه منی

جان آلان یاریم اگر ایستسه جانانه منی
سوز عشقینده گتورمز بو قدر جانه منی



صبر ائدر زحمتیمه چم خمیمه منّتیمه
گرک آردیمجا گلوب صانمیا بیگانه منی
گوروری غم دنیزینده جومورام غرق اولورام
نیه دوتمور الیمی چکموری بیر یانه منی
شمع پروانه‌نین احوالینه آغلور یانوری
سنده ئوز باشوه گل فرض ائله پروانه منی
خَرَّ موسٰی صَعِقاده شک و تردید ائلمه
ییخدی طورونده اولان جلوهٔ مستانه منی
هله‌ده جام الستین مِینون نشعه‌سی وار
نگران ایلیوب عهدیمدن او پیمانه منی
بولمورم لا دئمیشم یا که بلٰی سویلمیشم
کیمدی آگاه ائده بو مطلب پنهانه منی
هامی ایّوب دگول مَسَنِیَ الضُّر دئسون
امتحانه صنما چکمه بو میدانه منی
دیر و مسجد قاپوسین باغلادی محکم یوزومه
قورخورام قویمیالار روضهٔ رضوانه منی
چوخ محبّتدن عبث صانما مرض حاصل اولا
ایستمکدندی سالور یار ئوزی زندانه منی

من اَنا الحق دئمرم عشقده داره چکیلم
ائده حلاّج صفت جامعه افسانه منی
تار زلفونله منی سرو قدوندن دارا چک
یاد ائده رحمتله خویشیله بیگانه منی
من کریمی گئده‌رم یازدیقیم آثار قالار
بعضی فرزانه بولر بعضیسی دیوانه منی

مهتاب

هر که داند قیمت شب، لذّت مهتاب را
بر رواق دیده بربندد گُذار خواب را
طاق ابروی تو قدر طاق کسرا را شکست
زان سبب بر خود گُزیدم معبد آن محراب را
شوخ چشمان مُلک جان بردند خونم میخورند
نیست بادا این گروه غاصب و لعّاب[1] را
دل به تار گیسوانت تاب بازی می‌کند
شانه را آرام کش تا نگسلانی تاب را





۱- لعّاب: بسیار بازی‌کننده.

چکمیوم نیلوم

سنونده نازیوی ای یار چکمیوم نیلوم
دُوزوب او چم خمه آزار چکمیوم نیلوم
گوزومده شاه به‌به‌گیم خالوین چکوب شکلین
گوزوم یاشین اونا پرگار چکمیوم نیلوم
قاچان بو قورخولی یولدا یالین ایاقلاردان
گئجه صباحه کیمی خار چکمیوم نیلوم
فراز دارده منصور تک شعار وئروب
الیم قولاقه قویوب جار چکمیوم نیلوم
خیالیم آینه‌سینده مداد فکریمیله
مثال طلعت رخسار چکمیوم نیلوم
سعادت آختاریرام هفت شهر عشقی گزم
بو یولدا منّت عطّار چکمیوم نیلوم
وصاله یتمور الیم سایه تک دالونجا گلیم
غم فراقوی ناچار چکمیوم نیلوم
ایکی هلالی قاشون طاق یازمیوم نه یازیم
ایکی خماریوی خمّار چکمیوم نیلوم
چکنده دفتریمه طرح نقش طالعیمی
بو قاره بختی نگونسار چکمیوم نیلوم
ئورک یانور قاریشور توستی دود آهیمیله
اِزین ایتورمگه سیگار چکمیوم نیلوم
کریمیم یارا جان هدیه وئرمیوم نه وئروم
فشار تهمت اغیار چکمیوم نیلوم

آلدیم

من عشقیده سرمشقیمی پروانه‌دن آلدیم
نظمی سر زلفونده اولان شانه‌دن آلدیم

تا سرخوش اولام نشعهٔ صهبای ابددن
بیر جام ازل ساقی میخانه‌دن آلدیم

لقمانه دئدیم اخذ ائلدون حکمتی کیمدن
گولدی دئدی من حکمتی دیوانه‌دن آلدیم

عبرتلره آئینه‌دی ایوان مدائن
پند سَرِ دندانه‌نی دندانه‌دن آلدیم

آباد مدارسدن آلار درسی محصّل
من درسیمی بهلول کیمی ویرانه‌دن آلدیم

یانماقی، اوصانماقی، اوتانماقی، وفانی
من شمع و گل و بلبل و پروانه‌دن آلدیم

طور اوسته اولان جلوه‌نی من قعر زمین‌ده
یوسف دوشه‌نن خاک ذلیلانه‌دن آلدیم

ظلماتی وئر اسکندره من آب حیاتی
جام ایچره اولان جلوهٔ مستانه‌دن آلدیم

سیلدی گئجه‌نین خسته‌لقین صبح نسیمی
من فیض شبی نکهت صبحانه‌دن آلدیم

افسانه‌دی عمرین گئچن ایّامی کریمی
من درس حقیقت گئچن افسانه‌دن آلدیم

کوسدوم

او قدری ناز ائدوب ساقی شراب نابدن کوسدوم
ز بس یاریم دوداق بوزدی داخی عنّابدن کوسدوم



جمالین گیزلدوب مندن آیوردی روحمی تندن
گونوزلر گوندن ال چکدیم گئجه مهتابدن کوسدوم
تبر چیگنیمده، کشکول الده، دلده یاحق و یاهو
دولاندیم هفت شهر عشقی تا اقطابدن کوسدوم
ریاضت مکتبینده هفت باب عشقی قورتاردیم
گوروب هر بابدن مین باب غم، هر بابدن کوسدوم
کیمین اُپدیم ایاقندن ایاق چکدی دوداقیمدن
رعیّت تک چکیلدیم گوشیه اربابدن کوسدوم
نقدری یوخلادیم شاید گورم رؤیاده رخسارون
یوخوما گلمدون بیدار قالدیم خوابدن کوسدوم
وصالوندن کوسن گوندن باریشدیم سوز هجرونله
بو اود سوندورمین گوزدن آخان سیلابدن کوسدوم
بیری مرشد، بیری عارف، بیری شاعر، بیری اوستاد
لقب وئردی منه منده هامی القابدن کوسدوم
نظر عرض ارادتدور نه عنوان شکایتدور
مبادا فکر ائده بیگانه، من «انزابدن» کوسدوم
کریمی لافینی عشق و محبّتدن ووران گوندن
محبّتدن وفادن عشقدن احبابدن کوسدوم

جوابیّه از انزاب

محبّت اهلی جانا غفلت احبابدن کوسمز
سوسوزلیق چکسه هر اندازه یر میرابدن کوسمز



مقام عشقیده لاٰ و بلٰی عشّاقه یکساندی
رسولان حقیقت صحبت اصحابدن کوسمز
کنار سفرهٔ فقر و فناده اگلشن درویش
ییر نان جُوین بی محتوا بشقابدن کوسمز
محبّت درسینی ای دل نوای سازدن ئورگن
سیزیلدار ضرب ضاربدن ولی مضرابدن کوسمز
الینده مَنتَشا اگننده خرقه، دلده اِلاّ هُو
دوگر حق بابینی آچمازلا دقّالبابدن کوسمز
مُرادا، من او تصویرم که بندم قاب عشقونده
بو بی جان عکس هئچ صورتده بند قابدن کوسمز
کریم اشخاصده لطف و کرامت فطرتاً قینر
«کریمی» گورسه مین تقصیرده «انزابدن» کوسمز





ایگیتلره اوگوتلر

پولون چوخ اولماسا اوغلوم ضمانت ائتمه قبول
الون بوش اولماسا هرگز شهادت ائتمه قبول



گر ارزشین بولوسن آبرونین عمرونده
خیانت اولماسا فکرون امانت ائتمه قبول
گر ایسته‌سن ال ایاقون بلشمه‌سین قانه
شُرِیح قاضینی یاد ائت قضاوت ائتمه قبول
صغیرلرین دامینی یا دول آروادین آ...
تصرّف اولماسا قصدون وصیّت ائتمه قبول
باشارماسان قباقا گئچمه‌گین شرایطینی
یخیلما محرابا دوستوم امامت ائتمه قبول
بهشتده سنه ائو وئرسه‌لر زَبَر جَددن
اباذر اولسا شریکون شراکت ائتمه قبول
اگر دعاسی لئیمون بهشته سالسا سنی
آتیل جهنمه شصتیله جنّت ائتمه قبول
پیاده دوش یولا گئت خاملاسعاندا خاملا، ولی
سوار بنز ائلسه پست طینت ائتمه قبول
گر ایسته‌سن تپون اُستن یره یخیلمیاسان
میزین صفاسینی بوشلا ریاست ائتمه قبول

دایان مقام قناعتده استراحت ائله
باشووی قالماقالا سالما زحمت ائتمه قبول
کریم الیندن آلوب زهری نوشجان ایله
بخیل الیندن اوغول شهد شربت ائتمه قبول
اوتور کریم آدامین سفره‌سینده دعوتسیز
چلوکبابه لئیم ائتسه دعوت ائتمه قبول
جهان بو گنلقیلان اولسا قبر تک سنه دار
علاجی ناکسیلن اولسا منّت ائتمه قبول
عزیز ئولوم بالا ذلّتلی عمریدن خوش اولار
عزیز مرگی قبول ایله ذلّت ائتمه قبول
اداره‌ده سنی اعدامه ائتسه‌لر محکوم
آماندی ناکیشی‌لردن شفاعت ائتمه قبول
فَدَک محاکمه‌سینده پیمبرین قیزینا
اگر دیانتون اولسا وکالت ائتمه قبول
که اوندا گوز یاشی واردی خلیفه‌لرده قیزیل
قوتولماسان او قیزیلدان سلامت ائتمه قبول
محبّتی قویونون قوردا آیری یولداندی
درنده خودن آماندی محبّت ائتمه قبول
سحر زمانی ائشیتدیم دئدی منادیِ غیب
الٰهی اهل ریادن عبادت ائتمه قبول
کریمی عقلده ناقصدی گرچه شاعردی
مواعظ اومما سفیهدن نصیحت ائتمه قبول

زیارت سفری

بنام نامی پروردگار و حیّ و قدیم
قدیر و قادر و بخشنده مهربان و کریم



رئوف و بنده‌نواز و عطوف و ربّ کریم
وحید و واحد و مُحسن گناه بخش و عظیم
اودور وئرن بشره عقل و هوش و فهم و کمال
اودور عنایت ائدن خلقه نطق و حُسن مقال
اونون آدیلادی هر نامه جمله برنامه
توجّه ائتسه گینه باشلارام سفرنامه
هزاروسیصد و هفتاد ماه شهریور
زیارت عزمینه باغلاندی کوله‌بار سفر
آچیلدی سفرهٔ صبحانه خیلی بابرکت
زمان صبحیدی ائتدوخ مراغه‌دن حرکت
ماشین دانِسقا دگولدی نه جادّه خاکیدی
شوفر جوان مؤدّب، جلیل پاکیدی
تازا ماشین تازا کمپانی‌دن چیخان اتوبوس
گوزل شافاقلی ماراخلی بزکلی مثل عروس
گینه ماشندا بپا اولدی بزم* عرفانی
مرتّب ائتدی گینه، نوربحر، قلیانی
گهی، محمّد یزدانی، اولدی راننده
بیر آز زماندا یتوب قافله، سراسکنده

گلردی شوریله منصور نوحه‌خوان سخنه
قضای حاجته دوشدوخ، هتل قراچمنه
صفالی بیر باغی یولاّردا انتخاب ائلدوخ
ییوب گوله گوله صبحانه‌نی شتاب ائلدوخ
گینه مینوب ماشینا هر بهانه‌دن چیخدوخ
گئچوب تونل‌لری بیربیر، میانه‌دن چیخدوخ
بو دفعه‌ده گینه داود اولوبدی همراهیم
الیم عصاسی گوزوم نوری عین دلخواهیم
عزیز جانیم حسن نور هر دو عینیمدی
حاج ابراهیم، حاجی مختار، آدینلی قینیمدی
صفای شعر و غزل نوحه طنز و افسانه
بو حالتیله ماشین وارد اولدی زنجانه
نماز ظهری ادا ایلدوخ جماعتیله
ناهاری ئوزگه یره ساخلادوخ سیاحتیله
هزار شکر خداوند حیّ و منّانه
گوزل عطیّه‌لر احسان ائدوبدی انسانه
گورن گوز ایستور آییق قلب گوش عرفانی
باخا طبیعته درک ایلیه تماشانی
گوره که بارش رحمت یاغیش کیمی اَلنور
طبیعتین گوزل آئینه‌سینده جلوه‌لنور
نئجه ئوزون بزی‌یوب نوعروس تک باغلار
وئروب گونه کوره‌گین قهرمان کیمی داغلار
اوجا داغین باشی طوفانلی قیشدی دامنی یاز
بیری بیره قاریشوب سوز و ساز و عشوه و ناز

گرانبهائیدی هر لحظه دُرّ و گوهردن
ماشین سلام و ثنائیله گئچدی ابهردن
غرض یاتانلارا لای‌لای چالوب صدای ماشین
یومولدی گوزلر اولوب منقلب هوای ماشین
دئدیم آماندی شوفر یاتماسین یاتان یاتسین
قویونلاریم مله‌شون قویمیاخ چوبان یاتسین
اگر چوبان یاتا ایوای قویونلارین گونونه
آچالاّ غارت الین گوشت و پوستونا یونونه
اگر چوبان یاتا قورد فوری شاقّالار سورونی
قویون یارالانی یردن اياقلاری سورونی
ماشین مثال هواپیما آشدی قزویندن
اویاندی چورتا گئدنلر خروس چیخوب نیندن
جلیل پاکینون الحقّ دست‌فرمانی
دالی دگولدی جلیلدن ادبده یزدانی
ایکی شوفر ایکیسیده جوان داماقلیدی
نه اخم افاده‌لی بدخلق قاشقاباقلیدی
مصاحبین پیسی گر پیس حالا سالار آدامی
شوفر بداخلاق اولا اسهالا سالار آدامی
نه استراحته ساخلار نه‌ده نمازه دورار
ماشیندا بیر قوجا اولسا ایشر ئوزون باتورار
قارانلیق اندی داغا قاش قارالدی گون باتدی
گئجیدی قافله دلخسته طهرانا چاتدی
نچونکه نقشهٔ برنامه نامرتّبیدی
اودور که قافله برنامه‌دن معذّبیدی

فقط قاچاقاچیدی قُوهاقُو سوخاسوخودی
بدن یوروِلموشیدی استراحتی یوخودی
رئیس قافله‌ده تجربه گرک چوخ اولا
مسافتی نظرینده دوتا چیخاندا یولا
گوزلدی تجربه انسانه هر مراحلده
نماز قیلیندی مقام، امام راحلده
سوار اولوب ماشینا تُند یل کیمی هابئله
قرآنی قمچیله‌دی تئز کوراوغلی چانلی‌بئله
او خسته قافله طهرانه رجعت ایلدیلر
هتل «قَنودا» بیر آز استراحت ایلدیلر
قویولدی پکنیکین اوسته «قَنودا» چایدانلار
کسیلدی یاخشی قووینلار چکیلدی قلیانلار
یولون فشاری فقط سفره تک بیزی آچدی
بیری رفیقلرین تابلاشانمادی قاچدی
داخی گئجیدی ماشیندا او شور حال یوخودی
دئدیم یاتون یاتاق الآن صلاحیمیز یوخودی
هره ئوز اوتدوقی صندلده گوزلرین یومدی
باشین چکوب خمینا «کیرپی» تک بیر آز تومدی
دئدیم رفیقیمه حقّا وفور ائدوب نعمت
هزار شکر بو آسایش و بو امنیّت
بو جادّه‌لرده قدیم‌لر سویاردیلار آدامی
آلوبلا هر زادینی لوت قویاردیلار آدامی
دئدی قدیم بیزی یولدا سویاردیلار داغدا
سویولاّر ایمدی ائووِنده، مغازه‌ده، باغدا

دوشوبله جاننه خلقین عوامل ظَلَمه
کسولله یوخسا بولار بوخجودی بشر قلمه
سُؤیولاّ شهریده اوّل صورا سالولاّ یولا
سویولمشین نه‌یی واردی دوباره‌دن سویولا
ز بس یورولموشیدیم بولمدیم سؤزون جانی
نه‌وقت گئچدی ماشین گرمساری، سمنانی
نماز صبحه انوب زار و خسته دامغاندا
نه پسته‌لر واریدی بسته‌بسته دامغاندا
افقده دوشدی گوزوم چشمهٔ زراندوده
جلالیله رفقا وارد اولدی شاهروده
میان راهده بیر جای باصفا چو جنان
سوویدلرین آراسیندان اولوردی چشمه روان
دوزولدولر رفقا حلقه‌حلقه چون زنجیر
شَلی آلوب حاجی مختار، حاج ابراهیم انجیر
یین یدی ایچن ایچدی چکن چکوب دویدی
سوار اولوب طرف سبزواره یوز قویدی
گهی ماشین دولانوب اولدی بیر عزاخانه
گهی گولوشماقیلان دوندی بیر گلستانه
گلردی نالیه بلبل کیمی تقی‌زاده
قاتاردی سس سسینه رونقی حسن‌زاده
ماشیندا رادبه، ایلائی، حاجی‌ایرانی
تعارف ایلدیلر بیربیرینه قلیانی
رفیقلرین بیرینه تب گلوب تب اُستوندن
ایچوبدی شربتی هی حبّ آتوب حب اُستوندن

اثلیکه کفسولی آتدی بیر آز دوروب باخدی
سوزوب یلی گینه کهنه طیر کیمی آخدی
کبوتران حرم لاله‌زاردن گئچدی
ماشین گوگل قوشی تک سبزواردن گئچدی
سازالدی کئف دوزه‌لوب نشئه قلب اولوب مسرور
اولوب مشاهده شهر قدیم نیشابور
وئروب شوفرلره داود اودم بو پیغامی
گلون زیارت ائداخ بوردا قبر خیّامی
اولوبدی قافله ارباب فضل زوّاری
زیارت ائتدیله خیّامی، شیخ‌عطّاری
اجل پیاله‌سی مدهوش ائدوبدی خیّامی
ائدوب همیشه فراموش ساقی و جامی

❖❖❖❖❖❖❖❖

مُغولدان ایستدیلر شیخی بیر تلیس سامانا
غضبلنوب اودا بوینون ووروب بویاندی قانا[1]
بو چرخین عادتیدی باخماز عزّت و شرفه
بیرین ساماناداا ساتماز بیرین ساتار کَلَفه[2]
بلی مغول نه تانور عارفین شرافتینی
گؤنی قالین نه قانور شاعرین ظرافتینی
محقّق ایستوری تحقیق ائده حقیقتدن
که طبع شعر ئوزی بیر شاخه‌دور نبوّتدن
ایکی مزار مجلّل ایکی زیارتگاه
جناب زیده نشانه، محمّد، عبداللّه

۱-به جریان قتل‌شیخ‌عطّار مراجعه‌شود

۲- حضرت یوسف

ایکی سلالهٔ اطیاب عاشق و معشوق
ائدوب جفائله هارون بی‌حیا محروق
علاوه بقعهٔ صاحب قلم کمال‌الملک
باخ عبرت اخذ ائله، اَینَ المُلوک مٰا لِلمُلک
اجل نه ظالمه مهلت وئرور نه مظلومه
فلک نه حاکمه فرصت وئرور نه محکومه
ئولوم نه مالکه خاطر قویور نه مملوکه
کیمون سرورینی دوندرمیوب فلک سوکه
بو خانمانلاری ویران ائدن اجلدی اجل
او قبری روضهٔ رضوان ائدن عملدی عمل
بو گون که حاصلون ایّامدن فراغتدی
داماخلی دملی دولان یاتما دم غنیمتدی
گوروم وفا سنه لعنت بو چرخ قلاّشین
نه عارفین بولوری قدرینی نه نقّاشین
علی‌السّویه‌دی دوز، اگریسی یالان، دوغوری
عجب بی‌عاطفه مادردی دوغدوغون بوغوری
اولان ئولور، گلن انسان گئدیر، جوان قوجالیر
جهان نه شاهه وئرور باج و نه گدایه قالیر
گوروم قرا گونه قالسین بو قاره تپراقی
نه گل قویور قالا نه بلبل و مِی و ساقی
یاواش قدم گوتی هر کوچه‌دن ائدنده عبور
ایاقون آتدا اوجا قصرلردی کهنه قبور
غروب وقتی یتوب قافله خراسانه
سپیلدی وصلیله سو دلده نار هجرانه

رزرو اولونموشودی بیر عمارت عالی
ولیک صاحبی اخلاق و لطفدن خالی
ازل گوله گوله خوش گلدون ایلدی ئوزومه
گوتوردی تلفنی حمّامی باغلادی یوزومه
عمارتین صولی، صاقی حدیث‌دور آیه
قاری جمالینه قیز تک ائدوبدی پیرایه
حسین‌خانه‌دی پرچمدی پرچم اوستوندن
باخان زمان آداما غم گلور غم اوستوندن
حسین آدیلا بیزی بی مروّت آلاّتدی
حسین‌خانه‌نی آتمیش مینه بیزه ساتدی
بیر عدّه نام حسینی ائدوب حجاب اُزونه
نماز و مسجد و دیندن سالوب نقاب اوزونه
اولاردی آدلاری تاجردی ئوزلری فاجر
اولاردی باشلاری مؤمندی دیبلری کافر
اولاردی یرتجی قوردلار قویون لباسینده
دوشوللّه هر شکیله جوّین اقتضاسینده
خوشا او شخصه که تزویردن مُبَرّادی
ایچینده هر نه‌یی وار ظاهرینده پیدادی
بیر عدّه‌نین فقط آسایشی دولاردی، مانات
حیا و شرمی ائدوبلر فدای مادیّات
دئدوخ حمامه گئداخ غسل ائداخ زیارتیچون
طهارت عین عبادتدی اهل طاعتیچون

نئجه حمام یووینانلار همیشه شاد اولسون
مراغه، کبلای جبّار،[۱] حمامی یاد اولسون
نئجه حمام فیطه‌نی مفته ایسلادوب سیخدوخ
تلسدیروب عجلیلن صابونلانوب چیخدوخ
نه گوردوم ال فیطه‌ده شیخ‌حسن چیخوب دیینور
باشی قولاقی صابونلی ائله اوجور گینور
دیور ادارهٔ بهداشت بس هایاندا قالوب
نه‌دن مراغه‌نی یالقوزلیوب گوزونه سالوب
نقدری تبصره قانون گئچولله طهراندا
فقط مراغه‌ده اجرا اولور نه هریاندا
غرض بیزی حاجی‌ایلائی چکدی حمّامه
ثواب ائدوب بیزه تیکدیردی عالی زیرجامه
بش آلتی شخصین او گون دال قباقینی بزه‌دی
باخان گوروب که گوبکدن اشاقه‌میز تزه‌دئ
خلاصه خضر گزَن صحن خانه‌نی تاپدوخ
ادبله شهلر اُپن آستانه‌نی تاپدوخ
همیشه صبریدی هر مشگلی ائدن تسهیل
تمام زحمتیمیز اولدی لذّته تبدیل
اوجور که بلبل ائدر ذوق گُل بوداقینده
هوسلنوردوخ او گون حضرتین رواقینده
منی مخیّر اگر ائتسه حضرت باری
که طوسی چوخ سووسَن یا بهشتی انهاری

۱–حمام کوچکی بود خیلی کثیف که خزینه‌ای داشت آلوده

رضا جوارینی البتّه اختیار ائدَرَم
بهشتین اهلینه اظهار افتخار ائدَرَم
نئجه شبیه ائلیوم طوسی باغ رضوانه
بهشت غبطه ائدر خطّهٔ خراسانه
اوزاتمیاخ سؤزی خویش و تباری یاد ائلدوخ
که صبح و عصر گوزل مجلس انعقاد ائلدوخ
گروه، صاندا اوتوز آلتی‌دان گئچیلمیشدی
ولی تمامیسی اهل ادب سئچیلمیشدی
تمامی بیربیرینه جان دیین وفالیدی
جلسه‌میز همی رونقلی هم صفالیدی
قبول ائدون بو حدیثی من مسافردن
بئله روایت اولوبدی امام باقردن
بویوردی بش نفرین اویمیون رفاقتینه
مباد آلآناسوز بش کسین صداقتینه
یالان دِیَن، صِله قطع ایلین، بخیل و سفیه
بشیمجی اهل گناه صاحبان فعل قبیه[1]
گروهیمیزده بو بش فرقه‌دن خبر یوخودی
هاموسی صاحب فضل و وقاریدی توخودی
قوناق چاغوردی جوانی بنام عبداللّه
لقبده یونسی روشن ضمیر و دل آگاه
بوتون مراغه‌لی‌لر دعوت اولدی هیئتلن
اُکوز کسوب دوه نحر ایلدی سخاوتلن
شرافتی کیشینون طاعت و سخاوتدی
بولار که اولمادی اُلسون وجودی نقمتدی

۱-منظور قبیح است

رحیم خسروی اهل مراغه مرد کریم
بش آلتی یوز نفره سالدیروبدی خوان عظیم
بیزه مراغه‌لی محسن سجیلّیسی صمدی
محبّتنده زمانی قصور ایلمدی
ووراخ بو فکریله فردوسی قبرینه بوسه
اکیلدی نئچه نفر طوسه باغ فردوسه
عجب صفالیدی آرامگاه فردوسی
ائدوبدی گلشن فردوس خطهٔ طوسی
بیزیم حسن، فرجی، شاهوار، احمدآقا
بو، نوربحریله، ایلائی دوشدولر قباقا
او باغدا، کاظمی و، هادی، کفشدوز، بنده
گزردوخ عیشله سرگرم صحبت و خنده
گوزل صفالی نظافتلی راستوران واریدی
چلوکبابی تناول ائدوب قارین یاریدی
دوباره خواجه مراده گئدوب مراد آلدوخ
مراجعتده اباصلتدن یولی سالدوخ
خوشا او لحظه‌لره جنّت اشتیاقینده
نماز صبحی قیلاردوخ رضا رواقینده
نئجه رواق، مجلّل بهشت اعلادن
که مهر و ماه ائدر کسب نور او مأوادن
گلوب دیله، دیل آچوب اهل درد، درد دله
یتوب وصال گُله باشلیوبدی عرض گِله
عَلی‌الصّباح عزیز عمریدن تاپوب برکت
میامی عشقینه مشهددن ایلدوخ حرکت

شعوره باخگلا قویدوخ زیره‌نی کرماندا
دولانیروخ زیره آختارماقا، علیواندا[۱]
گوزل امام رضانی قویوب خراساندا
دوشوب امامزاده آختارماقا بیاباندا
دعا وئروب اونا فیض زیارتی تاپدوخ
سوار مرکب اولوب شاندیزه طرف چاپدوخ
ماشین دوشوب تووا آهو کیمی دره تپه‌دن
اياقلادی، وکیل آبادی، گئچدی طُرقبه‌دن
غریبه منظره‌لر سیر اولوندی شاندیزدن
چلوکبابله ششلیک ناهار و شام، دیزدن
نئجه مکان مصفّا نه دادلی دوزلو ناهار
صفالی، منظره‌لی راستوران همیشه بهار
چتین چکر ائله بیر نقشه، مانی نقّاش
گوتوردی عکسلر، ایلائی و حسین کفّاش
گلوب قباقه چلولار دوزولدی بریانلار
قویولدی سفره‌لره پارچ پارچ آیرانلار
اوخوندی شعر گلن‌لر دوروب تماشایه
دوباره سؤز وئریلوب صدر مجلس آرایه
توسّل ائتدی صورا نوبه یتدی، منصوره
او گلستانده بلبل کیمی گلوب شوره
بش آلتیسی رفقادن سویولدی شاندیزده
که یعنی باشلارینا بوک قویولدی شاندیزده

۱–نام دهی است

تزه پاپاخ تزه شلوار دوزلدی ترکیبیمیز
بزندی‌لر اولارین باشلاری، بیزیم دیبیمیز
نمازی مسجد جامعده پایدار ائلدوخ
گینه مینوب ماشینا مشهده فرار ائلدوخ
دُوزردی زحمته، ایلائی، و نقی‌زاده
ائدردی خدمت، حسن، کاظمی، حسن‌زاده
حاجعلی، احمدی و کفشدوزیله، برشان
علاوه، صابری و نوربحر، عالیشان
فراق وقتی یتوب دل ملالیله دولدی
یول اوسته یولداش آراسیندا جرّوبحث اولدی
رفیق‌لر هره‌سی بیر یول انتخاب ائلدی
بیر عدّه منزله تئز یتماقا شتاب ائلدی
بیری دییردی چکون کاروانی جنگلدن
گلنده اینجیمیشوخ سالمیون بیزی دلدن
بیری دییردی سیزه یار اولا جناب علی
همی یاخیندی همی باصفادی، آبعلی
بیری دییردی قطاری چکون قدمگاهدان
یوباتمیون بیزی قورخون امامدان، اللّهدان
بیری دییردی قمی گورمین پشیماندی
رواق حضرت معصومه باغ رضواندی
بیری دییردی شمالین گوزل سیاحتی وار
او یولدا بیر گئجه قالساق نه عیب و علّتی وار
بیری دییردی داداش بیز سیاحت ایستمیروخ
گئجه گونوز کورا یوخ فرقی لذّت ایستمیروخ

صفای گلشن و گلزار بیزده حوصله یوخ
بیز عاشقوخ وطنه اسکناسه جنگله یوخ
نئجه یورار ماشینی کُهنه یولدا دست‌انداز
منیمده فکریمی یوردی او مختلف آواز
آغیز بیر اولماسا هر ائوده هانسی ملّتده
او خانواده او ملّت یاشار ضلالتده
بیری چکر دِمه بو امّتی بیری سولویا
گرک آدام هامونین سفره کوشه‌سین سولویا
نقدری یولداش آز اولسا او قدری سؤز آز اولار
نقدری‌ده سؤز آز اولسا او قدری کئف ساز اولار
چوخ اولسا عدّه ناخوشلار بیری، بیری تله‌سر
بیری تِسار بیرینه سؤز دگر او بیریسی کوسر
سفرده تجربه‌لر واردی زندگانلقدا
سفردن ایلمه غفلت اوغول جوانلقدا
یقین ائله قوجالیق گللرین سولان چاغیدی
یواش‌یواش چراغین نفتی قورتولان چاغیدی
بهار عیش و طرب قورتولور خزان چاغیدی
گونون غروب ائلین وقتدی اذان چاغیدی
خصوصاً اهل دِلیله اولا مصاحبتون
گوزلدی نورٌ علٰی نور اولا **مسافرتون**
یتوب زمان رحیل عیشمون گُلی سولدی
دوشوبدی لرز و تبه «داودوم» مریض **اولدی**
دئدیم الٰهی بو نه اَسمَدی نه تتره‌مدی
چوخ اینجیدی او گئجه، صدری، مُحسن **صمدی**

ائله مریضله‌دی اصلاً دورانمادی اَیاقا
آپاردی دُکتره، سیّد حبیب و محسن‌آقا
آغاردی رنگی الیمدن قراریمی آلدی
حسن دوروب لیوان الکل گتوردی کوپ سالدی
غرض ماشیندا اوتوردوخ ولی کسالتلن
مینن اُلوشگه‌دی یاتدی فُسرده حالتلن
او قدری گرنشوب اَسنک گتوردی چورت ووردوخ
سؤزون دوزی نئجه یاتدوخ گئجه سحر دوردوخ
بیری رفیقلرین داوطلب اولوب آرادا
ماشیندا یوخلیانا، انفیه، ووروب اویادا
ووراندا انفیه هر یوخلیان تئز آسقیردی
قاریشدی حال سس ایکی پرلی چیخدی کِش قیردی
ماشین قلجلادی آزادشهری گرگانی
فراهم ائتدیله صبحانه، چای و قلیانی
ناهار زمانی یتیشدوخ کنار دریایه
تمام دوسلاری یاد ایلدیم تماشایه
به عشق آل عبا بش نفر احبّادن
سوار اولوب قایقا فیض آپاردی دریادن
جلیل پاکین، محمّد لقبده یزدانی
حبیب صدری و داود، بندهٔ فانی
دییردیلر بیزه سعی ایلیون بوغولمیاسوز
بو دریا چوخلارینی غرق ائدوب سیز اولمیاسوز
نه شاعری تانوری نه شاطر نه وردستی
چکوبدی کامینه فرعون کیمی زبردستی

دئدیم نه غم بیری گر غرق اولا بو دریاده
ندور علاجی او که غرق اولوبدی دنیاده
بو دریادا بیری غرق اولسا قورتولار جانی
ولیک دنیادا غرق اولسا یوخدی درمانی
بو دریا یونسی بسلتدی بوغمادی نوحی
ولیک دنیا ائدوب قبض نوحدن روحی
گلوبدی بعضیلری باج آلوب بو دریادن
آلانمیوبلا ولی کام دل بو دنیادن
امان قیاصره‌دن تخت و تاج آلان دنیا
امان فراعنه‌دن تاج و باج آلان دنیا
امان جبابره‌دن انتقام آلان دنیا
قویوب سکندری ناکام، کام آلان دنیا
بساط عیشلری برهم ایلین دنیا
نشاطی غصّه، طویی ماتم ایلین دنیا
غرض شوفرده بو یولدا بیزه مصاحبیدی
مسافرین حالینا هر زمان مواظبیدی
او قدری سرعتیلن گاز وئروب چکوب دنده
نماز شامه نزول ایلدوخ دماونده
نچونکه یورقونودی قافله تمام کمال
دوزولدوخ اوردا نمازه ولیک رو به شمال
بیر آیری شخص گلوب قبله‌نی نشان وئردی
شمالدن بیزی سمت جنوبه دوندردی
او قصّه یادیمه دوشدی که بیر نفر قوشباز
دوروب بیر ائوده شماله طرف قیلوردی نماز

بیر آیری شخص سئوال ایلدی که مشدی فلان
ندندی قبله‌نی بس وئرموسن بو شخصه نشان
جواب وئردی قولاق وئرمیشم قرائتنه
خشوع خضوع و رکوع و سجود و نیّتنه
خدا بیلور بیری شرعیله همطراز دگول
اودور که قبلیه کوندرمه‌لی نماز دگول
قارین باسوب اگیلور ساغ سولا مایز یوکی تک
سفیهدی گئج دوروری تئز یاتور کاسب ... تک
نماز که ساخلامادی صاحبین خیانتدن
دروغ و شایعه‌دن افترا و تهمتدن
خدا بیلور او نمازه که من نماز دئمرم
بویانسا قارقا، اوتوز رنگه من که غاز دئمرم
نمازی خوش دگی رنگ ریائله بویاماق
نماز حریریدی بئزدن حریره سالما یاماق
ستون خیمهٔ ایمان و دین نمازدی نماز
چراغ دیدهٔ اهل یقین نمازدی نماز
نچون او قافلیه من چراغ روشنیدیم
حاج ابراهیمدا اذانچیدی پیشنماز منیدیم
خلاصه، رودهنی، جاجرودی ردّ اولدوخ
گئجه زمانی سراسیمه طهرانا دولدوخ
نصیب بیزلره البتّه فیض اعظم اولوب
قُمین زیارتینه کاروان مصمّم اولوب
سحر نمازینی معصومه‌نین رواقینده
اقامه ایلدوخ اهل صفا سیاقینده

زیارتیندن او خاتونین اخذ ائدوب لذّت
دوباره بلدهٔ طهرانه ایلدوخ رجعت
اوتوردی شصتیله فرمان دالندا یزدانی
گئچوبدی ابهری، خرّم‌دره‌یله، زنجانی
ولی مسافرتین یایدا ئوزگه لذّتی وار
قیشی آدام ئوز ائویندن چیخا مشقّتی وار



اوچ آی یازی پنیریله چورک یی یارپوزولان
اوچ‌آی یای ایستیسی آبدوغ چورکدی قار، بوزولان
اوچ آی پاییز اورومله چورک یی قارپوزولان
اوچ آی قیشی اوتی ایستی اوطاقدا بیر قیزیلان
دولان اوچ آی یازی شیرازده، صفاهاندا
اوچ آی یایی کئفه باخ رامسرده، شمراندا
پاییز امامزادا داودیده، خراساندا
اوچ آی قیشی گئجه‌نی حجله‌ده، سحر واندا
فقط قیشی یارادیب خالق استراحتچون
یازی یایی، پاییزی سیریچون سیاحتچون
غروب وقتی چاتوب قافله قراچمنه
سووندی اهل ولایت یاخنلاشوب وطنه
غروب ایلدی گون کولگه داغلارا اندی
نه سرعتیله ماشین ردّ اولوب سراسکندی
گئجه زمانی یتیشدوخ مراغیه دلشاد
او که یازوب بو سفرنامه‌نی ائوی آباد

کریمیا عجب امکان سالوب خدا الیوه
عطا ائدوب بش اوغول هر بیری عصا الیوه
ائدوبدی فکریوی آزاد غصّه‌دن داود
عطان، ودود، ماشاءاللّه، مجیدیله مسعود
بو بش اوغول که خیالون ائدوبله آسوده
اوتورما گوشهٔ عزلتده اولما آلوده
هله وسیله فراهم وفور نعمتدی
دمادم اهل دمی دمله دم غنیمتدی
بونی یقین ائله نه مال و سیم و زر قالاجاق
خوشا او شخصه که اوندان گوزل اثر قالاجاق
جهان موقّتی منزل، بشر مسافردی
بو ائوده گیزلنن اسراره، عقل قاصردی
رفیق‌لر بو سفرنامه‌نی اوخور کرّات
سنی‌ده یاد ائلیوب گوندرلله بیر صلوات





در وفات استاد مهرداد اَوِستا

از دبستان ادب اوستاد رفت　　آن دبیر ذوق و استعداد رفت
صاحب تحقیق و استاد غزل　　رادمردی زین خراب آباد رفت
آن اَوِستا شاعر شیرین زبان　　آن که هی دادِ سخن می‌داد رفت
روی شادی را ندید اندر جهان　　با ندای اِرجِعی دلشاد رفت
عمر اوزین هفت باب و نه قُباب　　هشت جوزا، کم شد از هفتاد رفت
جمع کن ساقی بساط عیش و نوش　　کز سرما سایهٔ شمشاد رفت
آیهٔ اِنّا اِلَیهِ راجِعون　　در زبان سوی لَبِاالمِرصاد رفت
دوستان رفتند و ما هم می‌رویم　　هر که بود و هر چه بادا باد رفت
بود اسراری ز ما لا تعلمون　　آن وجود از عالم ایجاد رفت
بر جمال دوستان زین داستان　　اشک خون چون دجلهٔ بغداد رفت
مهرداد از دوستان مهرش بُرید　　مُهر بر لب زد ز نطق افتاد رفت
سوی هستی شد روان از نیستی　　بند و بار از جان و تن بگشاد رفت
کلک ما بنوشت سال رحلتش　　در هزار و سیصد و هفتاد رفت

ای کریمی نازم آن آزاده را
شاد و آزاد آمد و آزاد رفت





خزان چایی

پایزدا آلدوخ اجلدن امان خزان چاینا
طبیعت ائتدی بیزی میهمان خزان چاینا

✤✤✤✤✤✤✤

وانت گوزل دوشه‌نوب اُستونه چکیلدی چادر
دوزلدی بیر بالاجا کاروان خزان چاینا
سوار اولوب ماشینا نوربحر و ایلائی
صفا و صحبتله شادمان خزان چاینا
مجید[1] و مُحسن[2] و روح الله[3] داود و مسعود
دیيوب گوله گوله اولدوخ روان خزان چاینا
صفالی بیر یمیشانلقدا پهن اولوندی بساط
تاپانماسان ائله عالی مکان خزان چاینا
اوجاق قورولدی آلشدی اودون اوجالدی اَلو
قاریشدی ابریله دود و دومان خزان چاینا
مرتّب ائتدیله قلیانی چای قویولدی دمه
ائدردی غبطه زمین و زمان خزان چاینا
اَلردی یل ساری پیراقلاری بساطیمیزه
ائدردی برگ زری زعفران خزان چاینا
چایا دوشن یمیشان پیراقین گورنده دئدیم
خزان نسیمی قاتور گُوزبان خزان چاینا
چکیلدی شیشه کبابلار پیشوب بادمجانلار
عطش گلوب گینه گتدوخ گمان خزان چاینا

۱- مجید کریمی ۲-محسن برج آبادی
۳- روح‌الله مسعود کریمی

(می دوساله و محبوب چهارده‌ساله)
چتین عوض اولا بیر استکان خزان چاینا
گورن گوز ایستوری سولموش چمندن عبرت آلا
یازا نتیجه‌لی بیر داستان خزان چاینا
غریبه سرعتلن گئچدی کاروان بهار
بو گون پناه آپاروب دوستان خزان چاینا
کریمیا گلن ایل یا نصیب و یا قسمت
سوواق بهاری چاتاخ بیر خزان، خزان چاینا

دانش آموز

دانش‌آموز این دبستانم گل خوشبوی این گلستانم
مشقهایم درست بنویسم درسهایم صحیح می‌خوانم
همکلاسان عزیز جان منند همه را دوست خویش می‌دانم
پدر و مادرم ز من راضی نور چشم چراغ ایشانم
نیستم سُست و تنبل و بدخلق بچّهٔ انقلاب ایرانم
افتخارم همین شود همه عمر من مسلمانم اهل ایمانم
من به توحید و عدل معتقدم قائل حشر و نشر و میزانم
من به قانون شرع آگاهم روزه گیرم نماز می‌خوانم
من به خاک وطن وفادارم بنده پابند عهد و پیمانم
من به صوت بلند می‌گویم اهل قرآنم اهل قربانم
تا به گوشم سروده‌اند اذان عشق یزدان نشسته بر جانم
می‌گریزد ز ترسم اهریمن که من اندر پناه یزدانم
ای کریمی بگو تو شعر و غزل
من به گلزار تو غزلخوانم

سفر به جزیرهٔ کیش

ای قاشی قاره گوزلری شهلا مَرحَباً وَ اهلاً و سَهلاً
فاعلاتُن مَفاعِلُن فَعُلُن گئچمه بحر خفیفدن مَهلاً
گینه طالع ائدوب بیزه اقبال وقت فرصتدن ائتدوخ استقبال
شش نفر همره وفا پیشه عازم اولدوخ جزیرهٔ کیشه
عصر شنبه‌یدی آخر آذر شب چلّه اولوب شروع سفر
نور چشمیم مجیدیله ناصر شیرنی باغلاتدیلار علی‌الظّاهر
بیرینی ایستوسن یولا سالاسان یولونا بیر شِی اجری وار آلاسان
موز خیار قوی مسافرین یولونا هی یالاندان دولاشما ال قولونا
مارچا مارچیلا اوخشاما بویونی یوزینه یاخما بورنووین سویونی
شب یلدائیدی عجب شبیدی ماشین عالی شوفر مؤدّبیدی
بشره چون ادبدی سرمایه بی‌ادب پستیدور فرومایه
ادب انسانه شرط اوّلدی بی‌ادب چارپادن ارذلدی
خواه دکتردی یا مهندسدی بی ادب هر کس اولسا مفلسدی
آن خردمند گفت با پسرش ادب مرد به ز سیم و زرش
غرض اوتدوخ ماشیندا یولداش جور چهره‌لر شاد قلبلر مسرور
نه ماشین حجلهٔ موقّتیدی همی ایستیدی همده راحتیدی
رخش تک نعره چکدی سسلندی گون باتاندا گئچوب سراسکندی
با صفا بیر هتل نظافتلی صاحبی سلقه‌لی صداقتلی
اوردا دوشدوخ نمازه شام یماقا نه گوزل شام که عاجزم دئماقا
شام قوتولدی یتیشدی نوبه چایا دای شوفر قویمادی باسوبدی هایا
چایی قلیانی ساخلادوخ ماشینا گینه یولداش یاناشدی یولداشینا

ردّ اولونجا میانه زنجانی چاق ائدوب نوربحر قلیانی
کاروان خسته مست و مستانه نیمه شب وارد اولدی طهرانه
دلدن ائتدوخ توکّل اللّهه رفقا جان باسوب فرودگاهه
اولمادی وقت گزماقا صِلیه گلدی داود قوشولدی قافلیه
حاج‌علی حاج‌حسن حاجی‌مقصود نوربحریله بنده هم داود[1]
صبح نمازین قیلوب فرودگاهدا نیّت قربتاً الی اللّه‌دا
فوری اولدوخ سوار طیّاره قاخدی طیّاره مثل سیّاره
بولود اوستن اوچاردی طیّاره دیه‌سن قرقی قویلانوب قاره
گونشین تا آچیلدی پنجره‌سی روحه لذّت وئرردی منظره‌سی
آغ بولود اوسته زرلی گون شفقی پانبوق اوسته چکوبله زرورقی
قارلی داغلار باشیندا نور جلا کوه نور اوسته صانکه طشت طلا
قلّه‌لر باشلاریندا چادر زر پلو اوستونده زعفراندی مگر
واقعاً عصر عصر نعمتدی وقت راحتدی استراحتدی
مرحبا نقص یوخدی بیر یرده اختراعات عصر حاضرده
هر کسین وار الینده امکانی ئوزونه تنگ دوتسا دنیانی
ائتمسه استفاده نعمتدن بهره‌سی یوخدی آدمیّتدن
عار اولا بعضی مرد نامرده ئوزونی ثروته ائدوب برده
نه قانور استراحتین دادینی نه کئفین نه سیاحتین دادینی
مست مارک و مانات حریص دولار نه دویار گوزلری نه قارنی دولار
گئجه گوندوز هلاک ائدر ئوزونی تانیانمور گئجیله گوندوزونی
تاواسی اوتدادی یانور قازانی گوره‌سن بو یازیق کیمه قازانی
هی دییر باغچادان باداملقدان هئچ زاد ئورگشمیوب آداملقدان
چاروادارلار اولاغی تک سرتق پالانی کهنه قوشقونی یرتق

۱-بنده‌زاده

رشوه تنزیل‌دن حرام و حلال — گینه دولمور موتال یاریمدی چووال

فکری ذکری خیالی پولدور پول — مقصدی ایده‌آلی پولدور پول

پولا قرباندی ننگله نامی — اونا مندن وئرون بو پیغامی

ای گرفتار پای‌بند ریال — دگر آسوده‌گی مبند خیال

اوندا راحتلقین دادین بوله‌سن — اوزادیب ال ایاقووی ئوله‌سن

زحمتیله قازاندیقون ثروت — اولی بی زحمت ئوزگیه قسمت

ناگهان بیر قوی کمر بسته — خانما صاحب اولدی سر بسته

اللی یاشلی عروس اَر تازه — نه چکی اُلچی وار نه اندازه

شوقلن اگلشللر ایواندا — گئجه‌لر حجله‌ده گونوز واندا

سؤزلری چپ گلنده وای سنه — سینی‌ده گوندرلله پای سنه

اوغلان آلماندا گزدیرر ماتانی — هیسلننده سوور آنا آتانی

کوره‌کنده ووروب چیخوب آرادان — دِیَر آباد ائوون بالا یارادان

بعضی شخصین وقاری آرتوق اولار — قارنی آج اولسادا گوزی توق اولار

اولارین خلق ایچینده حرمتی وار — همده خالق یانندا عزّتی وار

مینه میلیانلارا باش اگمزله — عالمی پول گوتورسه دگمزله

عمریدن استفاده ایللّر — هم ییه‌للر همی یدیردللر

اولار آباد ائدوب سؤزون جانی — هم بو دنیانی هم او دنیانی

دوتدی طیّاره اوج پروازی — آتدادی اصفهانی شیرازی

سس گلوب باغلیون کمربندی — صانکه سیمرغ قافدن اَندی

حبّذا بو سلیقه و کیشه — وارد اولدوخ جزیرهٔ کیشه

نئجه کیش باغ جنّتین مَثَلی — بولمه‌سن گورمینجه ماحصلی

کیش دئمه بیر جزیرهٔ خرّم — خوش هوا باصفا چو باغ ارم

کیش دئمه بیر جزیرهٔ آزاد — دلگشا گزمه‌لی نئجه آباد

نه قازول نه نفت دعواسی — نه حواله کوپن تقاضاسی

کشینی کیشی ایلین کیشیدی کیشی کیش گورمسه مگر کیشیدی
بورا چلّه‌یدی شاختا بوز قاریدی اورا فصل بهار و گلزاریدی
بوردا قار اللی سانت صحراده اوردا چوخلار چیمیردی دریاده
بوردا مردم دونوردی سرمادن اوردا انسان پیشیردی گرمادن
نئجه کیش هر طرف یمین و یسار گل ختمی‌دی رُز همیشه بهار
یر وئریلدی گروهه ویلاده نئجه ویلا کنار دریاده
غرفه‌لر مثل حجله‌های نگار اوخو جنّات تَحتَها الاَنهار
اوردا هر کیم اوتورسا بوشلار ایشین دییَر اولدوم همیشه خانه‌نشین
نئجه ویلا مجهّز آماده طعنه سویلر بهشت شدّاده
قصر جنّتدن اخذ ائدر نوری ناقصی تکجه بیر گوزل حوری
حاج‌حسن حوری گئچمدی گیرینه سوخولاردی اونون بونون یرینه
حیف اولا وقتیمیز فشرده‌یدی او سببدن گوگل فُسُرده‌یدی
قصر[۱] ماهی‌دن ایلدوخ دیدن دیدن البته به ز بشنیدن
حلزون مار و ماهی و خرچنگ جوربه‌جور نقشه نقشه رنگارنگ
مالک الملک امر کن فیکون صاحب اقتدار کافیله نون
نه‌لر ایجاد ائدوب مشیّتدن آچمیوب پرده راز خلقتدن
هتل شیک، میر مُحنّاده[۲] یاخشی صبحانه صرف اولوب ساده
میر محنّا او قهرمان خلیج آدی پاینده‌دی بسان خلیج
کیشیدن یاخشی آد قالوب آثار اویومش بو جزیریه سردار
واریمش موج سیندیران نفسی حیف یوخدور جهانین عاطفه‌سی
نه امیره باخار نه سرداره هامونی سربه‌سر چکر داره
الده پیمانه ساقی دوران سسلنور السّبیل یا عطشان

۱-کاخ هُویدانخست‌وزیر معدوم رژیم‌پهلوی که تبدیل‌به‌موزهٔ‌آبزیان‌بصورت‌آکواریوم‌شده‌است
۲-میر محنّا سردار جزیره که مدتها در مقابل چپاولگران قدّ علم کرده بود

شربت مرگدن وزیر و امیر ایچه‌جاق چاره‌سیز صغیر و کبیر
یری بوش دوسلارین سؤزون صافی گزمه‌لیدی خلیجین اطرافی
گون چیخوب شوقی دوشدی دریایه وئردی سیمایه زرلی پیرایه
کیش ویلاده، شاد و آسوده بیر تولّد دوتولدی داوده
یاخشی نوشابه و چلو ماهی کور ائده تاری چشم بدخواهی
شاما تازه کره لواش کفته کوکی، عالی کبابدی داش کفته
گئجه چای قلیان اشتیاقنده دوشه‌دوخ دریانین قراقنده
آی چیخوب سالدی نورینی دنیزه خیر مقدم دیردی آیدا بیزه
قارنی زیقلی دگولدی یولداشلار آدی . یولداش وفاده قارداشلار
حاج‌حسن چوخ ظریفیدی شوخودی حاجی‌ایلائی بیر غزل اوخودی
نوربحرین کمال و معرفتی حاج‌علینون صفاسی خوش صفتی
داودین یولدا خوش رفاقتی وار حُسن رفتاری وار صداقتی وار
هر کسین ساکدا هر نه‌یی واریدی همه باهم یدوخ قارین یاریدی
گلدی میدانه هر نه وار موجود بذل موجود فضل اهلِ‌الجُود
نئچه بازار وار بهشته مثال خارجی جنسلر نه سویسن آل
بیزده بیر قدری یاخشیدان پیسدن آلدوق القصّه رطب و یابسدن
کوله‌باروندە اولماسا سوقات تلخ اولار خانوادیه اوقات
جیب بوشالدیقجا یوک آغیرلاشدی شله سنگین اولاندا ایش یاشدی
بابا فرصت همیشه دوشمز اله عمر سرمایه‌دور، گناه شله
عمر سرمایه‌سین اوجوز ساتما یوکووی سعی ائله آغیرلاتما
واردی بیر کورپی قلدان انسیزدی بازرسلر بوتون گودنسیزدی
گوروکن کند اوزاق دگول قارداش اوبامیز کؤچدی یاتما ایله تلاش
سوّم دی وورولدی کوس رحیل اولدی هجرانه وصلمیز تبدیل
گئجه اجناسی وئردوخ انباره سحر اولدوخ سوار طیّاره

بسکه ملّتده آزدی زهد و ورع
هامونی کور ائدوبدی حرص و ولع
اکثریّت قاچاقچیدور دلاّل
عقلی محکوم ائدوب محبّت مال
نقدر جنس آلولاّ دویمولاّر
آپاراندا دوتولاّ قویمولاّر
گینه طیّاره گلدی پروازه
عنقریباً یتوردی شیرازه
آشدی شیرازدن صفاهانه
یتیشوب آسمان طهرانه
پایتختین سوادی گورسندی
هواپیما یاواش یاواش اَندی
نه که کئف سورمشوخ بو گردیشده
نئچه کیلو کوکلمشوخ کیشده
هاموسین قوسدوروبلا گمریکده
ایچینه او ...... گمریکده
نئچه مأمور وار غِلاظ و شِداد
بعضی فرعوندی بعضیسی شدّاد
هی کسوللر مسافرین یولونی
آلدیلا آلتی شیشه اودکولونی
تِریلینن قاچاق گئچور وطنه
چوخ گوروب آلتی شیشه عطری منه
دئدیم اوغلان اوتان بو سقّلدن
شاعرم سالمارام سنی الدن
شعریلن عیبون آشکار ائده‌رم
سنی رسوای روزگار ائده‌رم
گورموسن عصر عصر سقّلدی
شعرانین مقامی افضلدی
همزبانوخ او ترکی من ترکی
دئدی گئت جبرئیله قوی بورکی
عمی سقّللی تللّی‌سن منه نه
خویلوسان اردبیللیسن منه نه
یوکون ایستر عطیردی یا پ...دی
چون قاچاقدی جریمه‌سی چوخدی
پیس قوتولدوخ فشار گمریکدن
دیه‌سن کتلی چنگ مالکدن
داستان شوفر گلوب حمّال
اوغرودان قالمشی آلوب رمّال
واقعاً عصر بربریّتدی
او که یوخ رحمدور مروّتدی
یوخدی مردمده عاطفه انصاف
هامونین قلبی قاره ظاهری صاف
کارگردن یاپوش الا تاجر
کارمند و رئیس اِلا آخر
چوخونین فکری قتل و غارتدی
چوخونین نقشه‌سی خیانتدی
قلبلر عُقده باغلیوب شیشیلور
چرک ائدوبدی چبان کیمی دیشیلور

دیندیرنده هامی مسلماندی دانیشاندا جناب سلماندی
گینه طهراندن دوتوب ماشینی هره صندلده تاپدی یولداشینی
شیرنی گتدی باجیم یولا سالدی حرکت ایلدوخ باجیم قالدی
یولدا دوشدوخ هامی شاما نمازا نه دیوم من بیر عدّه آنلامازا
نه مسلماندیلار نه نصرانی بوشلیوب مسجدی کلیسانی
نه نماز نه اوروج نه غسل و وضو بولار انسان دگول بِزُودی بِزو
آدین انسان قویان گرک ناچار تاپا بیر دینون اوسته استقرار
گورباچوف[1] اشتباهینی قاندی کمونیسم ئوز مرامینی داندی
بعضی بدبخت قانمیوب قانماز هله ایسلانمیوبدی ایسلانماز
نئچه رکعت نماز لیل و نهار بیر حساب ائت نقدری وقت آپارار
نه هتل که کثافتین دئمرم ائله یرلرده من غذا یمرم
وار اولا سفره‌میزده ئوز پایمیز کره خورما پنیریمیز چایمیز
یدوخ ایچدوخ مینوب یولا دوشدوخ یولی بوکدوخ دامارلارین بیچدوخ
تا یتیشدوخ صفالی شهریمیزه پژو گلمیشدی پیشوازه بیزه
هر مسافر بیزیم کیمی سووینه آیریلوب گئتدی هر کس ئوز ائوینه
ای کریمی نقدری فرصت وار گز دولان تا بدنده طاقت وار
گلی بیر گون نفس سالار قوجالیق صبر و آراموی آلار قوجالیق
ایاقا دورماقا توان قالماز چون همیشه بشر جوان قالماز
قوجانین حالینی جوان نه بولر حوصله تنگ اولار محبّت ئولر
طبع شعرون سنه مبارکدی تحفهٔ خالق تبارکدی
سؤزه مشّاطه‌تک جلا وئریسن بزم احبابه خوش صفا وئریسن
حضرت ذوالجلال والاِکرام سنه بو نعمتی ائدوب انعام
یاشادیقجا سؤزون، ئوزونده یاشا صلواتیله وئر کلامی باشا

---

[1]-رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی

عمو نوروزولان حاجی فیروزین مکالمه‌سی
حاجی فیروز دیور

سابق واریدی سنده کرامت عمونوروز
خیر و برکت جود و سخاوت عمونوروز



ایستردی سنی گورماقا ملّت تله‌سردی
نوروز آدی گلجک هامونین قلبی اسردی
مرحوم آتالاردان بابالاردان خوش اثردی
قالمش بیزه میراث وراثت عمونوروز

سندن ئلیمیز نوبهارین عطرین آلاردی
ئل طایفا تفاق بیربیرینی یاده سالاردی
ایل تازه‌لنوب جمله ئورکلر شاد اولاردی
بولمم هارا گئتدی او محبّت عمونوروز

سن گلمک همان آیریلان ئللر قاریشاردی
قینردی محبّت ساواشانلار باریشاردی
تک بیر ایلین عرضینده کوسنلر دانیشاردی
قالمازدی داخی کین و کدورت عمونوروز

بیر عدّه بویوکلر کیچیگی یاده سالاردی
انعام وئروب یا اونا بایراملیق آلاردی
گولمک سسی دامدان باجالاردان اوجالاردی
نه غصّه نه غم فکر و خیالت عمونوروز

مس مجمعه‌ده کرسینون اوسته آز و چوخدان
فخری یمیش ایگده بَزَرک حلوا سوجوخدان
آغ سقّال ایچور چای، چکوری باشلی چوبوخدان
باشلور خانما بعضی ظرافت عمونوروز

شامین ناهارین شورباسی، حوضک‌ده پیشردی
کرسی سوویاندا آنا کفگیرله دئشردی
آبگوشتی ییوب کبلائی بوغلارین ائشردی
کئفلر ساز آغیزلار دولو لذّت عمونوروز

بولمم او آغیزلارداکی لذّت هارا گئتدی
ملّتده اولان ذوق و ظرافت هارا گئتدی
بایراملار اولاندا او سعادت هارا گئتدی
سُنّتلری کیم ایلدی بدعت عمونوروز

ایمدی هره‌نین گرچه اولوبدی بیری، میلیان
تندیرلریمیز، گازدی، شوفاژدی، چالاسر، وان
دائم ایچریلن دانیشور مفلس و اعیان
نه اونداکی حالت نه او عادت عمونوروز

حتماً روزووی، زور ائلیوب پخمه جماعت
نوروز آدی گلجک دوتوری جانلاری وحشت
تشریفات ائدوبدی هامیا نعمتی نقمت
دللرده یارانمش سنه نفرت عمونوروز

بیر عدّیه دسمال دولوسی گُل گتوروررسن
بیر عدّیه خاطر دولی نسگل گتوروررسن
هر ایل ئوزوویله بیر آغیر ایل گتوروررسن
آی گونلری غم، ساعتی حسرت عمونوروز

مفلس باشا اون‌مین تومنه چادرا سالانماز
یوزمین تومنه فعله عیاله دون آلانماز
دوس دشمن ایچینده قزارانماز سارالانماز
اولسون گرک هریاندا خجالت عمونوروز

بیر حیوانا هر ایل وورروسان نوختا اوزنگی
موشی، اوکوزی، دوشانی مین، گاهی پلنگی
گاهی ایلانی قمچله گه پخمه نهنگی
گه میمونا[1]مین باشلا سیاحت عمونوروز

گه مین تویوقا بیزله یومورتاسینه خاطر
گاهی ایته مین قوردلارین ایذاسینه خاطر
گه دونقوزا مین نفس تقاضاسینه خاطر
گاهی آتا مین چاپ، سنه لعنت عمونوروز

امّا بونی بیل هر حمیل حیوان قویون اولماز
دوندر هارا دونسون بئله سیناز بویون اولماز
هی ساغ سودون اوینات بئله شیرین اویون اولماز
بیر آدی قویون بیر آدی ملّت عمونوروز

۱-اشاره به ماههای سالهای دوازده گانه

موش و بقر و پلنگ و خرگوش شمار
زین چار چو بگذری نهنگ آید و مار
وانگاه به اسب و گوسفند است حساب
بوزینه و مرغ و سگ و خوک آخر کار

سن قالمشیدون وارث آثار قدیمه
سنده داخی اولدون بیزه بیر پارچا جریمه
بسدور بیزه پروانه و دارائی و بیمه
اوندان قالانی سن ائله غارت عمونوروز

قبضین که اوزاقدان گورورم آبیله برقین
نفرین ائدیرم صنعتینه غربیله شرقین
ای کاش آدام آغ قره‌نین قانمیا فرقین
چاتمش کیمه صنعت کیمه فرصت عمونوروز

برقی قِیبرَن خارجه‌لی برقی ساتان بیز
صیده اوخ ادیسونلار آتور صیدی دوتان بیز
زحمت اولارین حاضرینه مفته چاتان بیز
یوخ بیزده فعّالیّته حالت عمونوروز

قسمتده بالام چورت و کسالت بیزه دوشدی
صنعت ژاپونا جرم و جنایت بیزه دوشدی
آسایش و آرایش و زینت بیزه دوشدی
هر گون ائلدوخ بیر مودا رغبت عمونوروز

دائم گئجه‌لر مست گونوزلر خماروخ بیز
سرگرم خرافات و شراب و قماروخ بیز
هر یاندا کباب گورسک ایگیندن اوماروخ بیز
فرصت‌طلبوخ صاحب قدرت عمونوروز

بو ایل‌ده ئوزونله گتوروبسن رمضانی
تسبیح و مفاتیح و نمازیله دعانی
آجلوق آپاروبدور هامیدان تاب و توانی
نه دادلی گوروش وار نه زیارت عمونوروز

بایرامدی یالاندان نه غرابیّه نه پشمک
آغزی قورو داد وئرموری ال وئرمک اُپوشمک
چکدی قیفیله انگیمیزی ماه مبارک
باسمش هامونی چورت و کسالت عمونوروز

چارشنبه‌ده بایرام‌دا بو ایل ایتدی آراده
سیزده بِدَرین‌ده بازاری دوشدی کساده
مردم گئجه مسجدده گونوز ذکر و دعاده
مشغول نمازیله تلاوت عمونوروز

بیچاره کریمی سؤزی یرتیر یامیانمور
لای‌لای چالور اونداندا دیور خلق اویانمور
بیر شاعره باخ لای لایلان های هایی قانمور
باشلور هله بیماره طبابت عمونوروز



عمونوروز دیور

بیهوده منی ائتمه ملامت حاجی فیروز
یوخ منده بو تهمتلره طاقت حاجی فیروز



من بیر اثرم سیزلره کسرای عجمدن
قصّه دیه‌نم ئللره جمشیدیله جمدن
وار منده نه چوخ خاطره تفریقله جمدن
شیرین دئمه‌لی دوزلو حکایت حاجی فیروز

ایران قدیمون دورو آئینه‌سیم من
مام وطنین سؤزله دولو سینه‌سیم من
تاریخین ادبله دولو گنجینه‌سیم من
لطف ایله منه، ائتمه شماتت حاجی فیروز

ائتمیش شعرا شعر و غزلده منی تأیید
تبریکله یازمیش علمادن منه تمجید
دولتلی کاسب بیردی منه عَمر اولا یا، زید
واردور هامیا منده ارادت حاجی فیروز

هجویله منی پیسلَمه صاحب کرمم من
گوزله منی رسوا ائلمه محترمم من
اووروم منیم آیدیندی مبارک قدمم من
ایستر منی ارباب و رعیّت حاجی فیروز

هر ایل گلرم یاسلی‌لارین یاسلارین آلاّم
سیللّم یوورام پاسلی‌لارین پاسلارین آلاّم
هیس میسلری پیس میسلری پاس ماسلارین آلاّم
چون پایهٔ ایماندی نظافت حاجی فیروز

سیزسوز عوض اولدوز عمونوروز عوض اولماز
انساندی دوشن حالدان حالا روز عوض اولماز
هر عقلین ائدن نفسینه پیروز عوض اولماز
آزماز یولونی اهل فراست حاجی فیروز

مین جور مودا سالدوز ئوزوزی مود خفه‌لندی
لیر شلوار ایچینده یوماشاق بود خفه‌لندی
... .
موددان مودا دوشدوز کیشی عورت حاجی فیروز

سن قویما یالاندان یره منّت رمضانه
کیمدور ایچوویزده قویا حرمت رمضانه
بوز بوز باخوری ایمدی جماعت رمضانه
وار کیمده اوروج دوتماقا حالت حاجی فیروز

آمریکا سودویلن بوگویوب نصف جماعت
خصلتده چکوبلر سوده من حِیثِ وراثت
تک مرگ بر آمریکا دئماقدا نه فضیلت
سن اوموا بو مردمدن عبادت حاجی فیروز

اون بیر آیی سالمدی آقا باغدا دکاندا
امّا هامونین معده‌سی آغریر رمضاندا
یا بیر آیی گزماقدادی شیرازدا کاشاندا
آنجاق اوروجی دوشلویه راحت حاجی فیروز

کیمدور بو زماندا رمضانه قویا خاطر
بوش قالدی مساجد بورونوب قاره منابر
یوخ حوصله سیزده اولاسوز مسجده حاضر
درک ایلیه‌سوز فیض جماعت حاجی فیروز

بولمم هارا گئتدی او صفالی رمضانلار
مسجدده یر اولمازدی نماز وقتی اذانلار
ائولرده اوروج آچمیا قینردی قازانلار
هر کوچه‌ده دورد ائوده ضیافت حاجی فیروز

تشریفات ایچوزدن هامی امکانی آپاردی
بوکدی آچیلان سفره‌نی احسانی آپاردی
گر قلبوویزه گلمسه ایمانی آپاردی
نولدی او عقیده او دیانت حاجی فیروز

غیرتده شجاعتده، عبادتده، وفاده
همّتده، شرافتده، مروّتده، سخاده
حرمتده، صداقتده، هم عصمت‌ده، حیاده
اولدی هامیسی نقل و حکایت حاجی فیروز
هر ایل گلرم باش چکرم اهل دیاره
دعوت ائده‌رم ئللریمی فصل بهاره
گوررم بیری الوان گینوبدی بیری قاره
بعضی طوی ائدوب بعضیسی رحلت حاجی فیروز
کفران ائلدوز نعمته سوء عملوزدن
خیر و برکت آچدی قناد اوچدی الوزدن
قیماق ساری یاغدان کره‌دن یا عسلوزدن
بیر آد قالوب اسباب شفاعت حاجی فیروز
بوندان صورا خوش گونلریویز کوچدی برادر
بیرده داخی بایرام گوره‌سیز ایلمه باور
اعمالوزه کیفر گونی گوندن گلی بدتر
وار کیفر کرداره روایت حاجی فیروز
بیر قومده که قالمادی انصاف و مروّت
بیر قومده که اولمادی اجرای عدالت
بیر قومده که اولمادی اللّهه* عبادت
گورمزله اولار روی سعادت حاجی فیروز
بیر قوم که تحریم ائلدی خمس و زکاتی
فکر ایلمسونلر اولا هر شِی صلواتی
اهل ظلمه قوسدوراجاق یوخدی نجاتی
قویمازلا قالا سالم او ثروت حاجی فیروز

هر کس عملین اجر و جزاسین گوره‌جاقدور
هر لقمه که هر الدن آلوب پس وئره‌جاقدور
افسوس عمونوروزی بو غم ئولدوره‌جاقدور
غفلتدن اویانمور بو جماعت حاجی فیروز

بیرده بشره بایرام او گوندی گزه آزاد
اللّهه گناه ایلمیه، بندیه بیداد
دوز ایشلیه دوز یول گئده شمشاد کیمی شاد
دنیا بئله شخصه اولی جنّت حاجی فیروز

قویسا بشری نفس گوزل عقلین اوتوزماز
جیبده ایکی اوچ یوزتومن آرتق گوره قزماز
شرعین قوروقون بعضی خرافاتله پوزماز
ائتمز داخی اهریمنه طاعت حاجی فیروز

فرعون کیمی، قارون کیمی، طغیان ائده انسان
شدّاد تک آباد ائلیه روضهٔ رضوان
بیر گون ئولوب آخر اولاجاق خاکیله یکسان
وار محکمهٔ روز قیامت حاجی فیروز

هی ایل دولانوب گون چیخاجاقدی باتاجاقدی
بایراملار اولوب ایل گینه باشه چاتاجاقدی
انسانلار ئولوب توپراق ایچینده یاتاجاقدی
یوخ بیر کسه امکان اقامت حاجی فیروز

بیر عمر کریمی یورولوب سؤز بویاماقدان
هر یرتقا سالمش او یاماقدان بو یاماقدان
منظوری نصیحتدی بو یرتوب یاماماقدان
یوخ بیر نفره قصدی اهانت حاجی فیروز

قار، قیشا قارقیش

عُشّاقین اولدی طاقتی طاق انتظاردن
قیش چوخ اوزاندی یوخدی خبر نوبهاردن
داغلار تمام آغ بورونوبلر جنازه تک
بوز آسلانوبدی نیزه کیمی آبشاردن
بلبل اولوب سیچان یوواسیندا اجاره‌دار
صحرانی قارقا باشه آلوب قارقاردن
مِی خومدا دوندی خُم جیریلوب سیندی استکان
ساقی الینی هولوری دوشمش قراردن
یارین سرینلیوب نفسی زمهریردن
بوس و کنار بدمزه‌دی زهرماردن
ساقی چوخ ائتمه قار، قیشا قارقیش پیاله وئر
نه عمریدن اثر قالی نه قیش نه قاردن
قیش چوخ اوزاندی خردا بیوک دوندی شاختادان
منزل سویوخدی نفت کوسوبدور بخاردن
دورد یوزتومن اتین کیلوسی نصفی سورسوموک
گوگلون کباب ایستسه دور باخ کناردن
قصّابه جان دئدیم عوضینده یامان دئدی
یوز آینادان دورو، دیلی شیرین بباردن
بیر بیستیه یومورتا یینلر هایانداسوز
بازاردا اون‌تومن بیری قالخون مزاردن

بیر بیستیه یومورتا یدون وئرمدن طلاق
آرواد یانندا قاز کیمی شیشدون وقاردن
قانون اجازه وئرسه بیزیم قهرمان کیشی
دورد آروادی دوزر دوه‌تک بیر قطاردن
حمّام گئچوب ائوین دیبینه هی باتیر چیخور
بئل آغریسی سالوب یازیقی اختیاردن
افطار مالی چوروتمه قاتق اللی بش تومن
ناز ایلوری گلین کیمی، چیخمور تغاردن
مین‌یوزتومن پنیر کیلوسی هی یسین کاسب
هم صرفه‌داردی همده اوجوزدی کاواردن
نفت اوسته یاتمشوخ اوخوروخ نفته مرثیه
یوخ بهره‌سی مگر بالقین جویباردن
برقین گئدوب قیتماقنا باخما، قبضه باخ
اورگش سویون مظنّه‌سینی آبیاردن
سالم قوتارسا جان بیری دارائی، بیمه‌دن
شکر ایلسین، قوتولمیاجاق شهرداردن
با اینکه هی اَنا رَجُلٌ صوتی قُوزانیر
کمیابدور رجل زر کامل عیاردن
بیر عدّه سست و خسته هوای کثیف‌دن
بیر عدّه مست نشعهٔ مارک و دولاردن
ملّت عاشقلارین اوتوزوب چولدان اوینوری
لیلاج ئوزی تاپانمادی باش بو قماردن
چوخلار آتیلدی دوشدوله قوزموز هواسنه
بوستاندا موز حواله‌سینه قوز چناردن

بوستانچی ایمدی موز یرینه قوز نشان وئرور
موز آختارانلارین الی چیخدی خیاردن
هر کیم ئولور بو جامعه‌دن جانی قورتولور
قبرین عذابی خوشدی بئله روزگاردن
گوندر الهی قائم آل محمّدی
قورتار بو یاشلی گوزلری سن انتظاردن
عَجِّل عَلیٰ ظُهورِکَ یا صاحب‌الزّمان
گل وئر جهانه صلح و صفا ذوالفقاردن
دل اوخشاما دیور قلم آغلور کریمیا
یورقون اُکوزدي، قانلی[1]، جیریلدیر فشاردن



غزل

پرده بردار ز رویت بگشا مشگل مارا
یا که از حلقهٔ گیسوت رها کن دل مارا
عاشقم بر سر کوی تو ذلیلانه بمیرم
که بجز مرگ نبینی ز درت حاصل مارا
عقل می‌گفت که از خاک درت سرمه بسازم
که از این خاک سرشتند در اول گِل مارا
گر پشیمان نشود دوش چنین عهد ببستیم
که یکی بوسه ببخشد بستاند دل مارا
اگر آن باد صبا پرده ز رویش بکشیدی
همه گلهای چمن غبطه نمودی گل مارا
همه شب تا به سحر دست کریمی به دعا بود
که نگهدار خدایا ز حوادث گل مارا

۱- قانلی: جارجار

افسوس

عمر بگذشت رخ یار ندیدم افسوس
کاروان رفت به منزل نرسیدم افسوس



همچو پروانه گذشتم ز پر اندر ره دوست
از پی شمع به هر خانه دویدم افسوس
یار در خانهٔ ما بود من از بیم رقیب
خون دل خوردم و لعلش نمکیدم افسوس
جای آب اشک بدادم به بُن نخل امید
بر و برگی من از این بوته نچیدم افسوس
بیوفائی تورا من که ندانستم ازل
بی‌جهت کز بهر تو صد جور کشیدم افسوس
چاره‌ای خواستم از بهر دل سوخته‌ام
از لبان تو جوابی نشنیدم افسوس
من از این میکده جز سرزنش پیر مغان
حرف نشنیده و جامی نچشیدم افسوس
نقد سرمایهٔ هستی ز کفم رفت ولی
در عوض حسرت و اندوه خریدم افسوس
دل به امّید تو خوش داشتم از روز ازل
کرد مقراض قضا قطع امیدم افسوس
ز کریمی خجل استم که نکردم کرمش
هر کجا دیدم و با غمزه گزیدم افسوس

ای دلبریم

ابر زلفونلن یوزه سال بیر نقاب ای دلبریم
قویما یاندیرسین جهانی آفتاب ای دلبریم



وصلوه یتمز الیم هجرونده یاننام روز و شب
حالیمه شاهد گوگلده التهاب ای دلبریم
آغلارام فرهادتک عشقونده ای شیرین دهان
آتش هجرانه یاننام چون کباب ای دلبریم
گوزلریم یاشین مرکّب نوک مژگانیم قلم
ایلدیم وصفونده یازدیم بیر کتاب ای دلبریم
وادی عشقونده اَرنی سسلدیم موسا کیمی
لن ترانی عاقبت وئردون جواب ای دلبریم
سن اياقون قویدوقون تپراق بهشته ناز ائدر
سویلرم یٰا لَیتَنی کُنتُ تُراب ای دلبریم
چون ورار باد صبا ال زلف عقرب فاموه
پیچ پیچ زلفون ایلر پیچ و تاب ای دلبریم
آچ نقابون وئر یانا زلفون، سالوم قول بوینووا
ائت منی بیر بوسه‌ئیله کامیاب ای دلبریم
سایه‌تک گلّم دالونجا لیلیا مجنونوم
گردنیمده ساچلاروندان وار طناب ای دلبریم

یاریوی دیوانه‌لر تک سالمسان صحرالره
اولموسان اغیاریله هم‌رختخواب ای دلبریم
سائلی ردّ ایلمز ئوز درگهیندن پادشاه
من گدا سن بیر شه حشمت مآب ای دلبریم
قول بویون یاتسام سنیله یورقان آتدان دورمارام
دولدورا دنیانی گر مین انقلاب ای دلبریم
سن منی کهنه ماشین تک هی سوروسن هریانا
تبریز اولسون یا مراغه یا بناب ای دلبریم
اهل عرفان بنزه‌دوب دنیانی بیر سرکش آتا
هئچ جوانمرده بو آت وئرمز رکاب ای دلبریم
بادهٔ کبر و منیّت عقلیوی آزدیرماسین
قوی کریمی وصفوه یازسین کتاب ای دلبریم





غزل

من مست مِی جام لب لعل تو هستم
زاهد چو مرا دید گمان کرد که مستم



گفتم ز می وصل تو همراه بنوشم
افسوس که پیمانه بیفتاد ز دستم
صوفی ز پی عقل روان من به ره عشق
برنامهٔ ما عشق شد اَز روز الستم
گفتی اگر از جان گذری یار تو باشم
تو عهد شکستی و ولی من نشکستم
از لوحهٔ دل خطّ وفا را تو بشُستی
من خاک سر کوی تو از چهرهٔ نشُستم
نه دهری و مادّی و نه بابی نه بهائی
نه گبر و نه ترسا و نه گوساله پرستم
یک عاشق زارم که گرفتار بلایم
یک بندهٔ خوارم که دعاگوی تو هستم
گفتم روم از کعبه کنم حاصل مطلب
چون بر سر کوی تو رسیدم بنشستم
عشق آمد و عقل از سر ما رفت کریمی
از عقل رها گشتم و از عشق نَرَستم

قصیدهٔ فکاهی

بهارین قدری بللنمز زمستان اولمیان یرده
وصالین لذّتین بولمزله هجران اولمیان یرده



نوای بلبلی عشّاقه، جانبخش ایلین گُلدی
سئچیلمز قارقا بلبلدن گلستان اولمیان یرده

نسیم صبحدم اولسا دم عیسا ثمر وئرمز
صفای آبشار و باغ و بستان اولمیان یرده

دگر مضراب غم هر دم سیزیلدار سینه‌ده سازلار
او سوز و سازی درک ائتمزله عرفان اولمیان یرده

مریض عشق جانانم شراب وصله عطشانم
علاجیم دردیله سازشدی درمان اولمیان یرده

طناب زلفده راحتدی گوگلوم شانه ال چکمز
پریشان اولمارام زلفون پریشان اولمیان یرده

دم شمشیر تیزه ال ورار انسان ضرورتدن
دیشیمله چینرم زنجیری سوهان اولمیان یرده

گوزوم یاشین اَلُولی سینم اوسته ایلرم جاری
گویرمز لاله سنبل آب نیسان اولمیان یرده

زمان بیر عدّه‌نی آغلاتماسا بیر جمعی گولدورمز
چمنده غنچه گولمز ابر گریان اولمیان یرده

دئدیم فرهاده باغلار دانه گوردون داغلارا قاچدون
دئدی جان تنگه گلدی عشق جانان اولمیان یرده
دئدیم انسانلاری آتدون وحوشیله انیس اولدون
دئدی راحتلیق آختارسان تاپ انسان اولمیان یرده
لبون، خالون، نگاهون، چم‌خمون، رفتار و گفتارون
فقط هر تک تکی شیطاندی شیطان اولمیان یرده
طبیبه ایلدیم عرض گلایه شدّت تبدن
دئدی میل انار ائت نار پ... اولمیان یرده
دئدیم تئزتئز زکام اولاّم هوای نامساعددن
دئدی همخوابه‌سیز تک یاتما یورقان اولمیان یرده
دئدیم دائم ئورکده وار عطش اما سو سوندورمز
دئدی میل ائت هلو سیب زنخدان اولمیان یرده
بو دارولر دئدیم مشکلدی آیا تاپماسام نیلوم
دئدی ئولماق گوزلدی مشکل آسان اولمیان یرده
دئدیم زلف سیاهون مشتریسی چوخدی عالمده
دئدی کفرین رواجی واردی ایمان اولمیان یرده
دئدیم ابرولرون قان توکماقا عطشاندی خنجرتک
دئدی قاتل یاشار، عدلیله دیوان اولمیان یرده
دئدیم کافر بالاسی مُسلمم رحم أیله اینجیتمه
دئدی منده مسلمانم مسلمان اولمیان یرده
دئدیم ایمانیمی تصدیق ائدر هر عابد و زاهد
دئدی هر بولهب سلماندی سلمان اولمیان یرده
دئدیم بو دیو نفس ائتمیش منی هر باره‌دن عاجز
دئدی بایرام اولار دیوه سلیمان اولمیان یرده

وئروبسن نفسیوه میدان قویوبسان عقلیوی حیران
قوپار مین قانلی طوفان عقل سلطان اولمیان یرده
آخار جیحون کیمی قانلار دوشر توپراقه انسانلار
عدالت حکم‌فرما، عهد و پیمان اولمیان یرده
جهانین گردشیندن حکمت ئورگش عبرت اخذ ایله
که هر سؤز عاقله حکمتدی لقمان اولمیان یرده
کمال و فضلوی جهّال ایچینده توکمه بازاره
وورار انباره مردم جنسی ارزان اولمیان یرده
تعجّب ایلمه ادنیٰ تکبّر ساتسا اعلایه
اولار سردار جنگل تولکی، اصلان اولمیان یرده
پشیک وار باش قوپاردار بینوا قوردون آدی پیسدی
وورار سرچه میالّق گویده، طرلان اولمیان یرده
کریمی شعر یازماقدان یورولما نا امید اولما
اوخور اشعاریوی ذوق اهلی دیوان اولمیان یرده

شمالانماز

گوردی بیر ملاّ بیر نفر حمّال قورشانوبدور نمازه رو به شمال
میزبانه دئدی نه‌دور جریان وئرموسن قبله‌نی بو شخصه نشان
دئدی وئردیم قولاق قرائتینه هم طمأنینه و متانتینه
بیری شرعیله هم‌طراز دگول قبلیه قیلمالی نماز دگول
اگیلور صاق صولا مایز یوکی تک تئز دورور تئز یاتور سحر ... تک
بو صلاتی که باشلیوب بو لعین
دئماق اولماز بونا عمود الدّین

حیدر بابایه تسلیت

افسوس تیره‌لندی گینه روزگاریمیز
غملی خزانه اولدی مبدّل بهاریمیز
هر لحظه غم هواسی گلور گلستاندان
گللر سولوب خموش اوتوروبدور هزاریمیز
شمع محافل اُدبا شعله‌دن دوشوب
بیرده کیمین آدیله گوونسین دیاریمیز
باش تیرهٔ ترابه چکوبدور عزیزیمیز
اوستادیمیز معلّمیمیز تاجداریمیز
پیر طریقت عرفا دوشدی نطقدن
داغلاندی لاله تک بو دل داغداریمیز
حیدربابا بیتیرمه داخی دامنونده گل
باشون ساغ ئولسون اولدی خزان لاله‌زاریمیز
حیدربابا باشون اوجادور شهریاریله
سنسن زمان بویی سند افتخاریمیز
حیدربابا عزیزون ئولوب قاره سال باشا
قوی داغلاسین دالون نفس پرشراریمیز
حیدربابا اوغول داغنا داغ دُوزر فقط
مدیونیدور سنه بو دل سوگواریمیز
تبریزین ارکی سیندیره بولمز اوغول غمین
صبر ای خدا، یخیلمیا محکم حصاریمیز

حیدربابا چتین گوله بیرده یوزون سنون
چون غملر اوسته غم قالادی شهریاریمیز
هر شئی جهاندا اصلینه آخر رجوع ائدر
ملحقّ اولوبدی جدّینه والاتباریمیز
درد چوخدی اهل درد هانی دردی درک ائده
دردا که دولدی دردیله دار و دیاریمیز
«تا هستم ای رفیق ندانی که کیستم»
اوستادین ئوز سؤزی اولاجاقدور شعاریمیز
نعمت اولاندا الده گلون قدرینی بولاخ
اوندان صورا نه فایده وئرر آه و زاریمیز
قیل عرض تسلیت شعرایه کریمیا
قالسونلا ساغ سلامت هامی همقطاریمیز

❖❖❖❖❖❖❖❖

دنیا

بیر کس جهان عاریه‌دن کام آلانمادی
جمشید جم بو مُغبچه‌دن جام آلانمادی
ساتدی متاع عمرینی مردم اوجوز اوجوز
محصول عمره بیر دانا بادام آلانمادی

ایضاً در سوگ استاد شهریار

آوخ که رخت بست صفا از دیار ما
از گردش زمانه خزان شد بهار ما
از تندباد، سرو کهنسال ما شکست
برداشت سایه از سر ما شاخسار ما
آن شمع شب‌فروز شبستان معرفت
خاموش گشت در دل شبهای تار ما
امشب دگر به گوش حریفان نمی‌رسد
آوای مرغ یاحق شب‌زنده‌دار ما
دیگر عروس شعر سیه جامه شد ز غم
در ماتم ادیب زمان شهریار ما
ساقی نشست و جام نگون شد سبو شکست
مطرب مخوان، سرود عزا شد سه‌تار ما
یانفس مُطمئِنّه اِلی رَبّکَ اِرجِعی
ای خستهٔ حیات بیا بر جوار ما
در نیمه شب چو دعوت حق را شنید گفت
لبّیک ای مهیمن و پروردگار ما
ای آتشین نفس دم گرم تو سالها
جان بذل می‌کند به تن روزگار ما

شعر همای رحمت و حیدربابای تو
شد روزگارها سند افتخار ما
شعر شب و علی نشود کهنه تا ابد
چون هست مورد نظر هشت و چار ما
دیدی چگونه دزد اجل تاخت نیمه شب
از بهر غارت زر کامل عیار ما
دیگر کریمی دم مزن از شعر و شاعری
رفت از میان مدرسه آموزگار ما



دوبدیهۀ تلفنی

دو اهل وفا آمد مهمان امینی
با پای ملخ پیش سلیمان امینی



چون اهل وفائید شما هر دو کریمی
قربان قدمهای شما جان امینی



ئیل اگر خوش گلسه یازدان بللنر
دریانین عمقی دیازدان بللنر
مدّه آلاّنما، وَالضّالّین‌ده،
قصد قربت دستمازدان بللنر

گوزلر

گوزوم گوز گوزگی‌سینده یاری گوزلر
گزر یاری آتوب اغیاری گوزلر
وئروبلر صبریمی باد فنایه
گوگلده یاری قاشلار یاری گوزلر
آتور هر باخمادا بیر تیر مژگان
نه گوزلر شرمی گوزلر عاری گوزلر
خمار ایلر خمار مست عشقی
یخوبدور خانهٔ خمّاری گوزلر
آچان نرگسدی مژگانلاردان امّا
چکوب اطرافه سیم خاری گوزلر
طبیبانه نظر سالسا مریضه
ئولومدن قورتارار بیماری گوزلر
بو خواب آلوده‌لقدان تاپسا فرصت
گورر هر پرده‌دن اسراری گوزلر
اوخور هر برگدن اِنّی اَنااللّه
دولانسا خط به خط اشجاری گوزلر
دییور هر ذرّه اِنّی کُنتُ کنزاً
سبولردن تاپار ابحاری گوزلر
نباتات و شجردن یا حجردن
آلار توحیده مین اقراری گوزلر
قوشولسا اَعیُنٌ لا یُبصرونه
قاتار نوریله باهم ناری گوزلر
کریمی اولماسا توفیق بینش
سئچنمز معنی اشعاری گوزلر

نامه به آقای آذر

عزیز و سرور ما مرحبا جزاک اللّه
به دوستیّ شما مرحبا جزاک اللّه



گوزل مثلدی محبّت دیلله گوزده اولار
نه خوش دییوب حکما مرحبا جزاک‌اللّه
گورنده جان منم گورمینده تانی منم
دگول بو رسم وفا مرحبا جزاک‌اللّه
نه تئز سرینلدی بوز باغلادی او گرمیّت
هنوز خوشدی هوا مرحبا جزاک‌اللّه
سلیقهٔ شعرادن ئوزاقدی بو رفتار
صدیق اولار شعرا مرحبا جزاک‌اللّه
هایاندا قالدی او لطفون که بیر زمان واریدی
هانی او صدق و صفا مرحبا جزاک‌اللّه
(نه ایله وصلون اولیدی نه بیله هجرانون)
پوزولدی عهد وفا مرحبا جزاک‌اللّه
نه خوش گلوب سنه طهران که یاد ائدوب دئموسن
هایاندادی رفقا مرحبا جزاک‌اللّه
گئدوب «امینیه» «شیدایه» حالوی دیرم
سنه یازالاّ هجا مرحبا جزاک‌اللّه
کریمی آذریله باغلیاندا شرط وفا
بویوردی ذاکر اونا مرحبا جزاک‌اللّه

شبهای شعر در شهرستان خوی

بیر گون سفر هواسی گینه ووردی کلّه‌مه
هر ایشدن ال چکوب غمی آتدوخ جهنّمه
انسان گرک اجابت ائده بعضی دعوتی
بولدوخ روا خویون شب شعرینده شرکتی
«انزابه» تلفنیله دئدیم بو قضیّه‌نی
گل ای منیم صفالی گُلوم گوزلرم سنی
انزابین اوردا عزّتی وار احترامی وار
خوی اهلنون یانندا گرامی مقامی وار
شیریندی هم مصاحبتی هم چکامه‌سی
ضرب‌المثلدی خویدا اونون حشر نامه‌سی
وئردی جواب گرچه ایشیم وار عجالتاً
شادم سنیله اولماقا سمعاً و طاعتاً
صبحین شافاقلی آیناسی روی گشادیله
فوراً چاتوب مراغیه «عالی‌نژادیله»
«پیمان» «فریدفتحی»، آیدین، رضائله
ترک ایلدوخ مراغه‌نی ذوق و صفائیله
طیّاره‌تک پژو پر آچوب دولدی سرعته
تعجیلیله یتوردی خویا نئچّه ساعته
منزل اولوب ازل بیزه مهمانسرای خوی
به‌به صفای مردم و آب و هوای خوی
سس دوشدی خوی‌دا دوره‌میزی آلدی اهل حال
ساخلاردی احترامیزی محترم رجال

«آزرم» آن ریاست ارشاد محترم
جوش و خروش واردی نهادینده همچو یَم
بیر شخص بادیانت و بیر عالم جلیل
فضل و هنرده حلمده سیماده بی بدیل
باسدی او شخص باغرینا مانند جان بیزی
مهمان ائدوب «حاج‌احمد پیروزیان» بیزی
گئتدوخ باغا ناهاره قوناق «عابدینیه»
عرض ارادت اولدی او مرد حسینیه
قلیان و چای و میوه عجب جای دیدنی
یاغلی کباب‌لر سالنوب بیر قارش اَنی
تئز نازنین صنم «پاشازاده» ناخوشلادی
عطسه زکام هی یازیقی دوتدی بوشلادی
بدشانس آدام الین شکره آتسا دوز اولی
حمّامه گئتسه ترلماقا خزنه بوز اولی
هی زور وئرردی بینوا حبّیله کپسولا
پیوند اولوب جانندا غرض آمپول آمپولا
«آیدین» اوشاقلارین ننه‌سین سالدی یادینه
یول آختاروردی قاچماقا چاتسون مرادینه
هر تک تکی بهانه ائدوب بیر قضیّه‌نی
یولاّندیلار مراغیه تک قویدولار منی
پیمانی گوردیلر که یاوانلیق یانندادی
آیدین دوزنمدی پاشازاده قالانمادی
اصرار ایلدوخجا اولار قویدی چم خمه
ائتدیم بو بیتی ئوز ئوزومه دلده زمزمه
«همره اگر شتاب کند همره تو نیست»
«دل بر کسی مبند که دل در ره تو نیست»

پیر مرادی قویدولا یالقوز مریدلر
یولاّندیلار مراغیه یولسوز مریدلر
«عالی نژاد» آچوب قاپوسین انبساطله
فرش ائتدی خوان نعمتی بند و بساطله
شعره حقیقتاً هوسی وار او سرورین
بیر خرداجا شیرین نوەسی وار او سرورین
وار منصب سیادتی مهمان‌نوازیدی
طبعی غنی‌دی جامعه‌دن بی‌نیازیدی
بیز هر زمان خویا گئدروخ افتخار ائدر
ایشدن چکر الین بیزیلن هریانا گئدر
مجلس نه مجلس ایلدیم احبابی آرزو
بحث سیاسی‌دن یوخیدی ذرّه گفتگو
نه جنگ و صلحدن واریدی اوردا قیل و قال
نه اولدی پانصدونودوهشتدن سئوال
نه صلحدن مباحثه نه جنگ صحبتی
نه اقتصاد مملکتین لنگ صحبتی
کارخانه‌لر یاتوب بیزه نه بیز که یاتماروخ
ساقّز سالوب بو صاف باشا بیز ایش چیخاتماروخ
اوضاع شهر درهم و برهمدی نیلیاخ
هر گون هر آی بو خلقه محرّمدی نیلیاخ
ایشلر تمام بی سر و ساماندی بولمرم
پست و ریاست اوسته نه طوفاندی بولمرم
من نیلیوم جماعت اولوب سست اعتقاد
هر شخص معتمددن اولوب سلب اعتماد
اعضا یتر سلامته شیشمیش دل اولسا لال
تمثیل ترکی‌دور سُوله‌مز باشه یوخ زوال

بیر گون یادیمدادی دیلیمه ایلدیم عتاب
من راحتم دانشماسان ای کان انقلاب
مندن ائشیتدی بو سؤزی چکدی نوا دیلیم
ای آفرین دیلیم سنه صد مرحبا دیلیم
دیل ساکت اولسا بار مذلّتدی نیلورم
آغزوندا بیر تکه قوروموش اتدی نیلورم
دیل‌دور آغزدا خنجره بنزر غلافده
قویما قالا غلافده روز مصافده
شمشیردن کَسَرلیدی دیل گور مصافینی
هم دشمنین باشین کسر هم ئوز غلافنی
عالی‌نژاد آپاردی بیزی «نوحه‌گر» گیله
عرض ارادت اولدی همان مرد فاضله
بیر شمّه صحبت ایلدی احضار روحدن
بیر پرده کشف اولوب بیزه اسرار روحدن
گزدوخ خویی ارومییه ایلدوخ سفر
تجّاریدن بیری بیزی چوخ ائتدی مفتخر
ائتدوخ قبول دعوتینی بیر اشاره‌ده
عالی نهار صرف اولونوب تک ستاره‌ده
چوخ لطف و مرحمت غرض «انزاب» ائدوب بیزه
اکرامله گتوردی منی قویدی تبریزه
یاندی دوباره غملی گوگل نار هجرانا
عالی‌نژادیله ایکیسی گئتدی طهرانا
بیرده چتین دوغار آنالار من کیمی اوغول
خویدان سیمیشقا گتدیم ارومیّه‌دن نوغول
حق برقرار ائدوب منی یوردوندا ذاکرین
مولا توجه ایلسه بوش قویمارام یرین

نامه از آقای حاجی انزاب

سحر چکاوک طبعم خوش این ترانه‌سرود | کریمیا به تو از من سلام باد و درود
تو آفتابی و من آفتاب گردانم | به گِرد عارض تو بی‌اراده گردانم
سَرَم شود به هر اندازه کز شعاع تو گرم | به زیر افکَنَدم سر من از فزونی شرم
علای نام من از اعتلای نام تو شد | صفای جان و تنم از صفای جام تو شد
نه شهرخوی که تو در هر دیار یار منی | به شهر یار ندارم تو شهریار منی
تو بوده‌ای به من آموختی فنون غزل | شنیده‌ام ز تو خَیرالکَلاٰم قَلَّ وَ دَلّ
مرا نصیحت تو راه خیر و شر آموخت | هنرنمائی پندت مرا هنر آموخت
سلوک عشق مسلم همه نگیرد یاد | مگر کسی که به جان می‌خرد غم استاد
کسی چو لاله به صحرای عافیت خندد | که خون دل خورد و داغ بر جبین بندد
تو پیر خانقه و مرشد و مراد منی | تو ذکر نیمه شبی ورد بامداد منی
غم آنزمان که به ملک دلم کشد لشگر | پناه جویم و سوی تو برگشایم پر
مرا تو سنگ صبوری و یار غمخواری | به این مُرید ز آغاز مرحمت داری
دلم گرفته ز دست زمانه دادم رس | که جز تو حرف دلم را نمیشناسد کس
چمن به‌سوک نشست ازهجوم باد خزان | نه از گلی اثری ماند و نی ز سبزه نشان
رخ محبّت و مهر از خزان عاطفه زرد | ز دست حادثه دلها ز عشق خالی و سرد
اثر نمانده نه از مردمی نه از مردی | شده‌ست خلق گرفتار درد بی دردی
فسانه گشته عطوفت سر آمدست صفا | وفا وفات نمودست و زاده گشته جفا
خلایق از پی همدیگر آخته شمشیر | فغان ز ناله فتادست و ناله از تأثیر

به هر کجا نگری خاربُن بود همه راه　　به هر کجا گذری پیش پا هزاران چاه

برادران همه یوسف به چاه درفِکَنان　　جفا گران و مودّت کُشان و دل شِکنان

زدوده گشته معانیّ مهر از قاموس　　میان زنگوله فرقی نمانده از ناقوس

حدیث عشق دراین روزگار خواب وخیال　　مکارم بشری قصّه‌ایست بی دنبال

کجا شد آنهمه مردی و رادمردیها　　به سر چه آمده دنبال عشق گردیها

شکوه رادی و مردانگی فسرده مگر　　چراغ همّت مردان مرد مُرده مگر

ز تندباد حوادث شکسته شاخ اَمَل　　به کام نحل چو حنظل شده صفای عسل

ز هم گسیخته مر اختیار گردون را　　فکنده زیر کریمان و بُرده بَردون را

شرنگ و شهد بهم بیخته‌ست ساقی دهر　　به سفله شربت شیرین دهد به دانا زهر

اگر چه دست قضا راه غربتم بگزید　　دلم ولیک ز دامان مهر تو نبرید

چنان شرر به دل از لحظهٔ جدائی زد　　که گر بگویمت آتش گرفت جان، زیبد

به روز وصل تو جانم ز اشتیاق بسوخت　　زمان وصل سر آمد دل از فراق بسوخت

به، آنکه بار فراق تورا به دوش کشم　　چرا که با غم هجران تو همیشه خوشم

بدان که خاطر «انزاب»از تو خرسند است　　دلش همیشه به دیدارت آرزومند است





آج تویوق یوخودا داری گورر

گوزلر یورولوب خال و خط یاری گورنمور
دنیای جمالونده‌کی آثاری گورنمور



بیر خطّ درشت آختاریرام خطلر ایچینده
خط چوخدی آدام هر خط دشواری گورنمور
خواهش ائدیرم نامه یازاندا بئله یازما
یورقوندی گوزوم یازدیقون اشعاری گورنمور
سرو قد یاری گوروروم قاره تلین یوخ
باخ بیر گوزومه تیری گورور تاری گورنمور
چوخ مایل دیداریوم آغلار گوزوم آخر
دورد آیدادا بیر دفعه او رخساری گورنمور
انسان قوجالیر رنگه‌ده تشخیص وئرنمور
آغدی قره‌دی قرمزیدی ساری گورنمور
بیر عینک صاف آختاریرام ذرّه‌بین اولسون
چون خسته گوزوم یاریله اغیاری گورنمور
گلشنده سسین گورنه آتوب باشنه بلبل
گویا گل اباقنده اولان خاری گورنمور
پروانه وورور پر دولانور باشنه شمعین
جان قورخوسی وار عاقبت کاری گورنمور
قوی زاهدی حوری‌لریلن قول بویون اولسون
چون سنده اولان نازیله اطواری گورنمور

ائتمیش ایکی داغین آراسین صومعه فرهاد
بو سینهٔ سیمین‌ده قوشا ناری گورنمور
خون‌گرملیق آختارما داداش قاریله داشدان
انسان هله داغدا داشیلان قاری گورنمور
قارداشدا صفا قالمادی یولداشدا صداقت
دوسلاردا آدام شرط وفاداری گورنمور
گرچه یوخودا داری گورر آج تویوق امّا
بختیم تویوقی هی یاتوری داری گورنمور
مین نیشه دُؤزور بو ناشی بیر نوشدن اُتری
بیچاره یازیق گنجی گورور ماری گورنمور
شرم ایلوری مخلوقدن اللّهدان اوتانمور
مردم عجبا عاری گورور ناری گورنمور
باخدیم قاپینون اوستونه بسم‌اللّهی گوردوم
آلاّندیم آدام پستودا زنّاری گورنمور
آلاّتدی منی بالدیری کافر باشی مؤمن
اوزدن گئچه بولمور آدام آستاری گورنمور
واردور بو مثل مُشتدی خرواره نمونه
مشتی گوروری مشتری خرواری گورنمور
ظلمین آغاجین یاندیراجاق مظلومین آهی
ایمدی هامی منصوری گورور داری گورنمور
جان هدیه‌سینی گوندرر «انزابه» کریمی
چیخسین گوزی هر کیم بئله ایثاری گورنمور

امین خائن اولوب خائن امین

دیوبلر قارداشا قار، داش یقیندی
بیر آز فکر ایله‌سن معنا همیندی

نه گرمیّت چیخار قاردان نه داشدان
که داش چوخ‌سختیدی قار چوخ سریندی

عیوبیله دولوب اطراف و اکناف
او عینک درک ائدر که ذرّه‌بیندی

عجب سلب اولدی امّتدن امانت
سنون قلبون کیمه گور ارخیندی

غلطدور سربه‌سر تشخیص اشخاص
امین خائن اولوب خائن امیندی

ائشیتمیشدون ازل بیر کیمیا وار
بو گونلر کیمیانین آدی دیندی

جوانلار یوز قویوب فسق و فجوره
که بیر میلیون یاریم میلیون کبیندی

اودور که طویدان اوّل چال چاغیرسیز
چوخ اوغلان کوره‌کن چوخ قیز گلیندی

عجب دوشدی بو خلقین طاسی دامدان
سسی پیس چیخدی اَیریلدی دلیندی

هره بیر یول دوتوب ئوز سلقه‌سیله
گئدیر آلچاق اوجا سیلدی دریندی

هره بیر بُت یونوب ایلور ستایش
دئمولّر ربّ ربّ‌العالمیندی

تفاوت یوخ قویان سیمیله سیمه
ایکی سیمینده آنجاق باشی سیندی

منیمده مرغ طبعیم گیج تویوق تک
تپیلدی کئفلیه فرض ائتدی نیندی

قباق تندیردی اوددی ایستی توستی
گِلیف داردی دالی دونمک چتیندی

خفه‌لنسین بوغولسون قوی لال‌اولسون
بو طبعی که منه زجر آفریندی

بیر عدّه انتقادیمدن مکدّر
بیر عده اعتقادیمدن ظنیندی

ولی من پیرو اسلام کهنه
خانم پابند اسلام نوییندی

که اِنَّ‌الّدین عِندَاللّه اسلام
کتابیم عمده قرآن مبیندی

پولوم یوخدی او یولدان راحتم من
که من بسم‌اللّه اولسام سکّه جیندی

بیری نی‌دن بیری می‌دن وورور دم
بیری مجذوب ناز نازنیندی

منیم شعریم ادیب‌لر محضرینده
سؤزوم یوخ گل اياقنده پهیندی

بیری گر اورگده لقمانه حکمت زیره کرمانه گوندرمک کیمیندی
الٰهی ایسترم سندن حمایت سنون لطفون بیزه یار و معیندی
الٰهی اولماسا سندن اعانت هامی مغلوب شیطان لعیندی
لیاقت وئر تاپاخ راه تکامل کمال معرفت اکمال دیندی
پر طاوسه باخ گویچک‌لیقیندان کلام‌اللّه ایچینده خلفه‌چیندی

کریمی طبع شعره اولما مغرور
عملدور زادروز واپسیندی



تا شانه چکوب زلف پریشانه گوزللر دل خانه‌سینی ائتدیله ویرانه گوزللر
ایکاش گلستانده من بیر گل اولیدیم تا وارد اولان وقته گلستانه گوزللر
بیر دسته دوتوب مندن النده آپاریدی چون عاشق‌اولور سنبل و ریحانه گوزللر
دنیا گینه‌ده تیره و تار اولدی گوزومده تا سرمه چکوب نرگس مستانه گوزللر

جواب از انزاب

گولوم گوگلون گنه هاردان غمین‌دی که گفتارین غم‌آلود و حزین‌دی
سنه هانسی دیلی یانمیش توخوندی کلامون سوزناک و آتشین‌دی
اُوخو ای بلبلوم، قُمروم، قناریم که نغمه‌ن جانفزا و دلنشین‌دی
قراقوش، یا که بایقوشدان چکینمه گلستاندا سنون صوتون شیرین‌دی
سراسر سؤزلرین شایان تحسین کلامون لایق صد آفرین‌دی
هارا گئتسن شرافت آرتورارسان مکانین عزّینه باعث مکین‌دی
مُعارض، آغرویان دندانه بَنزر علاج درد دندان کلبتین‌دی

اوزاقدان علّتی تشخیص وئرمز او گوز که فطرتاً نزدیک‌بین‌دی
مسلّم‌دور گرک مین نیشه دوزسون او کس که خواستار انگبین‌دی
بلی مونجوق ساتان آدم نه آنلور که بو خر مُهره یا دُرّ ثمین‌دی
چوخ آسان‌دور دییلّر عالِم اولماق ولی انسان اولماق چوخ چتین‌دی
بو خلقه فرقی یوخ دوغ و دوشابون مثالی: دهخدا، دکتر معین‌دی
حسادت، افترا، تهمت، دورنگی روال مردم مشرق زمین‌دی
جهاندا آنلیان انسانین ای جان غذاسی خون دل، نان جُوین‌دی
یولون دوت گئت دگیشمه راه‌ورسمون غرض‌ورزی خصال مغرضین‌دی
بو فخرین بس که چوخ شاعر سخنور «کریمی» خرمنیندن خوشه‌چین‌دی
قالان اشعار اگر انگشتر اولسا سنون شعرین اونا نقش نگین‌دی
غرض هر بوش سؤزه پابند اولما موفّق‌دور اوکس که چوخ متین‌دی
بو یولسوز خلقدن یولداش چوخ اوما که هر لحظه مُرید آن و این‌دی
یادیمدان خاطرین ئولسم‌ده چیخماز سنون عشقینله پیمانیم عجین‌دی
جهانین خُبثینه بو نقطه کافی که دانا طرد ائدن نادان گزیندی
کلامه وئرمه طول «انزاب» قورتار نه گلسه باشیوا باعث دیلیندی



باخما بش گون رنگیله موددان سالوب نایلون میسی
مین کره نایلوندان افضلدی مسین لاپ پیس میسی
یوز قوطی چسب اوهو وورسان یاپشمور انسانا
نوحه‌خوانین قیرخیقی خواننده‌نین سقّل لیسی

یازمارام

بیرده شعوریم اولسا سفرنامه یازمارام
یازسامدا یولداش آدینا برنامه یازمارام



بعضاً بیری کوسور بیرینون قلبنه دگور
بوندان صورا آلوب الیمه خامه یازمارام
تبریزه دورد نفر نئجه گئتدوخ مراغه‌دن
یا باش وئروب هتل‌ده نه هنگامه یازمارام
چوخدان اوتارمامشدی گوزون آرزی قویمادی
انشا یازیردی چهرهٔ گلفامه یازمارام
شامدا کباب شامی وئروبلر قییش کیمی
سالدی بیزی کباب نئجه پندامه یازمارام
گیردیم وانا یووینماقا قیزدی دابانلاری
هی توقّا ووردیلار در حمّامه یازمارام
صبحانیه وئروبله شیرین چای پنیر چورک
اومدیق یینمدوخ بالینان خامه یازمارام
بیت‌الخلانین ایلدیلر قفلینی خراب
سؤز یوخ که باتدی باتمادی زیرجامه یازمارام
پیمان یخیلدی یاتدی ولی منله کاظمی
گئتدوخ نئچه یره صله ارحامه یازمارام
سیندیرّام ایمدی بو قلمی نوک نیزه‌تک
قویمام باتا او جانه بو اندامه یازمارام
گورسم دانیشماقیم گئچور اضغاثه دینمرم
بولسم که یازماقیم چکور احلامه یازمارام

یاریم گوله گوله اله آلسا هوروکلرین
یاز بیر غزل دئسه بو گلندامه یازمارام
سعدی گلوب دئسه من ئولوم یاز اولان دگول
جامی قوناق ائده منی مین جامه یازمارام
فردوسی واسطه سالا گیویله رستمی
سیمرغ آند وئرسه منی سامه یازمارام
حافظ نقدری یالوارا شیرازه گئتمرم
باش وئرمرم فروغی بسطامه یازمارام
اون مرتبه شفیع گتوره شمسی مولوی
شمس آلسا بوینونا چیخادا بامه یازمارام
پروین دئسه باریش قلمیله گلیم سنه
کام دلونجه منله یتیش کامه یازمارام
سیمین بهبهانی دوشنسه اياقیمه
ائتسه قوناق سپیده منی شامه یازمارام
گیرسه فروغ چم خمیله رختخوابیمه
مین نازیله یاتیتسا منی خامه یازمارام
قول بوینوما سالا بابا طاهر هُماملہ
باهم آپارسا خیمهٔ خیّامه یازمارام
بیر حالدا که قلم منه باب الم آچور
عمداً ئوزیمی سالمارام آلامه یازمارام
من نیلیوم عملده بیر عده ابولهب
آزار ائدیر پیمبر اسلامه یازمارام
آلآتدی حیله‌ده کیشی‌لر ابن‌ملجمی
آروادلار اولدی مکریده قطّامه یازمارام
دوز سؤز یازاندا ایریلرین قلبنه دگور
ایری یازاندا دین گئدیر اعزامه یازمارام

عاقل‌لرین بو عرصه‌ده یوخ بیر ایاق یری
جاهل‌لر اولدی صحنه‌ده علاّمه یازمارام
یوسف کیمی سالور قویویا بعضینی فلک
قُوزور بیرین گویه چیخادور بامه یازمارام
بیر عدّه‌نین ایچی دولیدی دود و بادیله
ایلر آغیرلیق علمینه عمّامه یازمارام
اسلامدن قناعت ائدوب بیر قورو آدا
بالمرّه پشت و پا ووروب احکامه یازمارام
چوخلار چکوب صمددن الین یاصنم دیور
چوخلار عبادت ایلوری اصنامه یازمارام
یازسامدا یازماسامدا بو ایش باش دوتان دگول
ایری بنا چتین یته انجامه یازمارام
گر نهی منکر امربه‌معروف فرضیدی
چکسه فرایض آخری آثامه یازمارام
بیر عدّه انقلابده پولاّر قازاندیلار
حاجی ئولوب بوروندیله احرامه یازمارام
دوران همیشه ساخلیوب انسانلاری حقیر
انعام و خلعتی وئروب انعامه یازمارام
بعضی پولون ایچینده میالاّق وورور اؤزور
بعضی جوموبدی خیدّگه تک وامه یازمارام
یازماقدا نور دیده‌می سرمایه قویمشام
عمریم گونی یاخنلاشوب آخشامه یازمارام
ئوز دستخطّیمه قویارام یاری انتظار
بیرده قلم آلوب الیمه نامه یازمارام

منیّتدن هراسیم وار

ازل مکتبده من درس آلموشام آموزگاریمدن
حفاظت ایلیم دین سنگرینده ئوز دیاریمدن



منه حبّ‌الوطن درسین وئروب پیغمبر اکرم
نقدری وار حیاتیم چکمرم ال بو شعاریمدن
باغیمدا باغبان تک ایشلرم شیرین ثمر دررم
فراهم ایلرم امر معاشی ال قباریمدن
وطندن ئلدن اُتری جانفشانلیق افتخاریمدور
سو وئرّم اشکیله تا لاله بیتسون لاله‌زاریمدن
وجودیم شمع تک یانسون ولی جمعیم ایشیقلانسون
محبّت بزمی قوی گرم اولسون آه شعله‌باریمدن
موحّد اولماقین شرطی ازلده حفظ وحدتدی
گرک وحدت شعاری پارلیا نقش نگاریمدن
نفاق و تفرقه تخمین اگر اکسم بۆ توپراقدا
اولار اوخ اکدیقیم ریشه دگر چشم خماریمدن
یوزیمه سیلی ووُرّام تا قزارسین زعفران رنگیم
رقیب احساس ذلّت ائتمه‌سین سولموش عذاریمدن
باشمدان ضربه دگدوخجا ایاقیم میخ تک برکیر
یورولمام قویمارام دشمن سووینسون آه و زاریمدن
ایچیم کهنه آغاج تک قوی اویولسون عزّتیمدندی
دایاننام سینمارام طوفان قباقینده وقاریمدن

گذارون دوشسه قبریمدن، آلارسان توشه صبریمدن
آزادلیق نغمه‌سین گوش ایله سن خاک مزاریمدن
حوادث سئل‌لریندن قوخمارام بنیان مَرصوصَم
که هرگز قویمارام دشمن نفوذ ائتسون دیاریمدن
او حلاّجم شعاریمدور اَنَاالحق حق‌پرستم من
اگر داره چکیلسم چکسم ال دار و نداریمدن
بابامیز آدمی بیر ترک اولا رتبه‌دن سالدی
اودور چوخ ناگرانم من سقوط اعتباریمدن
نئجه امّیدیم اولسون غنچه گُل قیشدا قار آلتندان
منی که، دَرمدیم بیر گل صفالی نوبهاریمدن
حسد، حُبّ‌الریاست، ایلدی بدبخت عزازیلی[1]
اودور وحشتده‌یم دائم بو نفس حیله‌کاریمدن
الٰهی آل منی مندن منیّتدن هراسیم وار
گوتور من لفظینی یارب زبان شرمساریمدن
ایا ذوالمن دئسم من من دوشر داش باشمه من من
رجیم اولاّم قُوولاّم رحمت پروردگاریمدن
سنی وئرّم قسم فجره لیال عشره معبودا
آیور آلام و حُزن و محنتی لیل و نهاریمدن
مسلّط ایلمه کفّاری یارب اهل اسلامه
جفای دشمنی ائت برطرف شانلی دیاریمدن
الا یا ایّهاالسّاقی اَدِر کاساً وناولها
گتور جولانه می جامین یمینیمدن یساریمدن

۱-لقب ابلیس قبل از رانده شدن که در زبان عبری به معنی عزیز خدا ولی در فارسی هنوز به شیطان اطلاق میشود

ترحم ایلمز شانه او زلف عنبر افشانه
دئمور زلفون پریشاندور پریشان روزگاریمدن
بو گون دنیا سنه تعظیم ائدیر ای خواجهٔ شیراز
لسان‌الغیب سن تأیید اولوبسان هشت و چاریمدن
غزللرده طبیعتدن ائدوبسن فیلم‌برداری
گلومدن بلبلومدن گلشنیمدن آبشاریمدن
هنرمنده بوگون ارزش وئرور ایران و ایرانی
هنرجولر اوجالدوب سروتک باش هر کناریمدن
هنر نور آرتیروب آی مثلی سیمای جوانانه
تعال‌اللّه هنرجویان صاحب ابتکاریمدن
اوزاق چکمز، دولار علم و هنر صنعتله ایرانیم
اگر بذل توجه مرحمت اولسا کباریمدن
کریمی، سعدی و حافظ مقامین آرزو ائتمه
گئدوب تبریزه آل سنگ قناعت شهریاریمدن

تبریک عید

ایده‌آلیمدی شهور و سنوات
هامی غم غصّه‌دن آزاد اولاسیز
یاشیوب یوز بئله بایرام گوره‌سیز
عمریدن کام آلاسیز شاد اولاسیز

غزل

جمعیّت زلفون گوزه‌لیم شانه‌سیز اولماز
هر جمعیده نظم اولماسا فتّانه‌سیز اولماز
تل‌تل سپیلوب خالوین اوسته قارا زلفون
صید ایلماقا دام آچیلا دانه‌سیز اولماز
آرزیم کیمی زلفون شب یلدادن اوزوندی
زلفون تک اوزون بیر گئجه افسانه‌سیز اولماز
عیب ائتمه داریخما دولانار باشوه عاشق
واضحدی بو، شمعین باشی پروانه‌سیز اولماز
عشقین صفتی شعریدی موصوفه معرّف
بهلول آدی گلسه دیله دیوانه‌سیز اولماز
داشدان ئوزینه خانه دوزلدیر هله فرهاد
آیا صف عشّاقه دوشن خانه‌سیز اولماز
یر فرشیدی گوی سقف منه خانه نه لازم
هئچ عشقه یانان من کیمی کاشانه‌سیز اولماز
گوز کاسه‌سی اشکیله لبالبدی همیشه
ساقی اولان ئوز یارینه پیمانه‌سیز اولماز
بیر عمر سنون نرگسوین مستیم ای شوخ
هر شعریده نرگس گله پیمانه‌سیز اولماز
ویرانه گوروب گوگلومی گوزدن منی سالما
دنیا نئجه آباد اولا ویرانه‌سیز اولماز
شکر ایله خدا وئردیقی احسانه کریمی
آسان یتیشن اَنعمه شکرانه‌سیز اولماز

ساقی نامه

ساقی گلوبدی تنگه گوگل هجر یاریدن
مدهوش ائله منی او می خوشگواردن
فصل بهاردور داخی بوشلا کسالتی
بلبل گتوردی مژده گینه لاله‌زاردن
یارین سیاه زلفی آلوب اختیاریمی
گوندوز اولوبدی تیره منه لیل تاردن
وئر باده مست اولوم بو خرافاتی گورمیوم
غملر ائدولله حمله یمین و یساردن
شیرم قفسده قالماقیم ایراد اولور منه
آچ بندیمی خلاص اولا جانیم حصاردن
داغ دامنینده خشک علفیله گئچینماقیم
خوشدور منه لذایذ و دار و دیاردن
بیر تنگ صومعه تاپام اوردا تک اگلشم
خوشدور کسم علاقه‌می خویش و تباردن
نیرنگ رنگ رنگله فرهنگیم اولدی لنگ
دل تنگ اولوب داریخدی بوغولدوم فشاردن
علمیله دولدی شهر عملدن نشانه یوخ
آل وئر بازاردا بدتر اولوبدور قماردن
پست و ریاست اوسته بوغور خلق بیربیرین
دیرناق ووروب بیر عدّه گولوللر کناردن
مِی وئر اماندی آنلامیوم خیر و شرّیمی
مستین همیشه سازدی کئفی هوشیاردن
قوی کئفلنوب زمانه‌ده تشخیص وئرمیوم
بایقوشدان عندلیبی چناری ناردن
انسان یوران مرضلره شعر ایلمز دوا
ال چک کریمی سنده بو شعر و شعاردن

شماله هر گونده

اولار گوزوم یاشی جاری جماله هر گونده
علاقمندیدی گوگلوم وصاله هر گونده
گئجه صباحه کیمی هجر اودوندا اودلاننام
مصاحبیمدی منیم آه و ناله هر گونده
زمانه، میکده، می خون دل فلک ساقی
منه لبالب ائدر بیر پیاله هر گونده
تصادفاً نولی بیر شرقدن طلوع ائتسه
منیم گونوم که سالور یول شماله هر گونده
قوجالقین قاری غملر کیمی یاغور باشیما
رواندی گون کیمی عمریم زواله هر گونده
خیال زلفون الیمده اولوب اوزون رشته
او رشته‌دن یازارام بیر مقاله هر گونده
بو ملک جانیمی جانانه ائتماقا تسلیم
دولاننام الده بو کهنه قباله هر گونده
یتیشسه آی گئجه اون دورده بدر کامل اولار
منیم آییم یتر امّا کماله هر گونده
بهار گونلری هر گل بهار ائدر بش گون
گوروبدی کیم آچار بیر آیدا لاله هر گونده

عقیقی لبلره لاله دئدیم خطا اولدی
که لاله‌ده اولار آخر کلاله هر گونده
بیر آیدا سن ایکی یلدا یاراتمسان سؤز یوخ
هله هلال چاتوبسان هلاله هر گونده
گوزللر ایچره ایکی بوسه‌ده چوخ ارزش وار
گدا صفت آچورام ال سئواله هر گونده
کریمی‌نینده نصیبی بو اولدی دنیادن
غزلسرالیق ائده بیر غزاله هر گونده

انزاب دان جواب
قاتور ولادتی چرخ ارتحاله هر گونده

فلک ائدیر منه جورون حواله هر گونده
سالور آواند ایشیمی اختلاله هر گونده
اگر چه اوممارام اوندان همیشه راحتلیق
بو قلبی اوخلاماسین لا محاله هر گونده
نه سرّی وار که فلک کینه‌سیندن ال چکمور
«مَضا»نی ایلوری تبدیل حاله هر گونده
«دوغور، بوغور، قوجانی ئولدورور جوان‌گتورور»
قاتور ولادتی چرخ ارتحاله هر گونده
بولور بو لطف و صفا گلستاندا قالمیاجاق
گُلون فناسینا گریان‌دی ژاله هر گونده

چمنده گولمدی بیر دفعه‌دن زیاد ایمدی
چکور وجودینه مین داغ، لاله هر گونده
کونول قوشی بو سینیق شهپریله فرقتده
قانادلانیر اوچا بام وصاله هر گونده
وجود، شمعی سونور آخرین نفسلری‌دور
اورک یاغیله دونور اشتعاله هر گونده
آنامی الدن آلالی بو چرخی سینمیش دهر
بولاشدیریب یوزومی اشک آله هر گونده
ترحّم ایله فلک چک جفادن ال بسدور
بو الف قدّیمی دوندرمه داله هر گونده
قالان بو دهریده «انزابه» بیر قوری جان‌دور
مهیّا اولموش اودا انتقاله هر گونده



اولماز گوزون دولار گوره حالون دولانمیا
ترش آلچانین آدی گله آغزون سولانمیا
هر بیر بولانمانین دالیجا بیر دورولما وار
امّا آماندی جهد ائله گوگلون بولانمیا

نیلورم

گورسم وصال یاری گلستانی نیلورم
باخسام او قدّه سرو خرامانی نیلورم
جانیم گئدوبدی قالب بی‌روحم ای فلک
بیر قالبی که اولمیاجاق جانی نیلورم
تیر نگاهی ایلدی صد پاره قلبیمی
دل پاره‌لنسه سختیدی درمانی نیلورم
من بو جهاندا آتش هجرانه یانمشام
روز جزاده شعلهٔ نیرانی نیلورم
گیسوی یارین عطری یتیشسه مشامیمه
گر بو جهاندا عطر اولا مجّانی نیلورم
آچسا برابریمده نگاریم نقابینی
مهتاب شبده شمع شبستانی نیلورم
قویسام........ ....
کمپوت اِسانس و شهد و مربّانی نیلورم
من خردالقدا شوخ م.....دن سود اممیشم
من شیر پاستوریزه و حیوانی نیلورم
آتمش یاشندا کهنه خانمدان کلیم قاچوب
من یار آدینا غول بیابانی نیلورم
یاخشی منی فلک سریدی ئوز فلانینه
من موز یرینه قاره بادمجانی نیلورم

بیر صاف عقیده آختاریرام پاک اعتقاد
الده بالیق کیمی زووَن ایمانی نیلورم
بو ملک و تخت و تاج سلیمانه قالمیوب
کئفلَنمه عاقل اول دئمه وجدانی نیلورم
چاتدیر ئوزیوی عَبدی اَطِعْنی مقامینه
بَلهُم اَضَلّ شاملی انسانی نیلورم
شعرونده محتوا نظره آل کریمیا
یلدن شیشن قوویق کیمی دیوانی نیلورم

«نخواهم کرد»

دگر به چهرهٔ خوبان نظر نخواهم کرد
ز کوی عشوه فروشان گذر نخواهم کرد
فریب عشق تو خوردم دگر نخواهم خورد
هزار توبه شکستم دگر نخواهم کرد
گلی ز گلشن وصلت نصیب من که نشد
دگر بسوی گلستان نظر نخواهم کرد
حدیث عشق دراز است از سلاسل زلف
من این حدیث چنین مختصر نخواهم کرد
میان کاسهٔ سر تا به خاک پر نشود
هوای وصل تو بیرون ز سر نخواهم کرد
بیا ز قید غم آزاد کن کریمی را
فراموشت ز دعای سحر نخواهم کرد

بگنمز

جانانی گورن جسمی آتار جانی بگنمز
جان پایلاسالار کوچه‌ده مجّانی بگنمز



هئچ کس ئوزی ئوز مولدینون قدرینی بولمور
گر گل کوک آتا بیّدقی گلدانی بگنمز
ایراندا بوگون آد عوض ائتمک مود اولوبدی
میترانی، قویوب فاطمه سلطانی بگنمز
الدن قوتولان لَندَنه آمریکیا قاچدی
کتده دوغولان بورجعلی طهرانی بگنمز
بوندان صورا یارب کیم اکوب کیم بیچه‌جاقدی
طهراندا گزن بیرده دهستانی بگنمز
اللّه بشری یاخشی تانور گوردی بو ملّت
چوخ پیس قودوروب نعمت الوانی بگنمز
توکدی باشنا بوملاری امنیّتین آلدی
کفران ائلین نعمته احسانی بگنمز
سن جنگ‌زده مِلّتین احوالنه بیر باخ
بش یوزمینی پول بولموری میلیانی بگنمز
دلده دئماقا باخما نه شرقیّ و نه غربی
گییماقدا یماقدا مود ایرانی بگنمز
بیچاره کریمی ئوزیوی یورما یالاندان
بوندان صورا بیر کس بئله دیوانی بگنمز

ایضاً غزل

آهیم شهابی ثابت و سیّاردن گئچر
نالم همیشه گُنبد دوّاردن گئچر



کالای عمری درهم و دیناره ساتمارام جان مشتریسی درهم و دیناردن گئچر
صفرم نقدری دایرهٔ تن‌ده ساکنم اعداده وصل‌اولان خط پرگاردن گئچر
حسرتله مرغ‌جان قفس تن‌ده چرپنور آزاد اولا قاناد آچا گلزاردن گئچر
آز نقده چوخ متاع آلانماز بو مشتری چوخلار خیال خامله بازاردن گئچر
یوسف آدین کلافله چکماق که لافدی پوچ آرزودی قلب خریداردن گئچر
منصور وار هر کیم اولا سربدار عشق دار و نداری باشدان آتوب داردن گئچر
شمع وصال گوهر جان شادباش ائدوب پروانه مثلی ناره یانار عاردن گئچر
عشقین حکایتین دیله چکماق خلافدی بو ناله نایدن اوجالار تاردن گئچر
چوخ مطلب آنلار اهل سخن آز اشاره‌دن چون مشت بیر نمونه‌دی خرواردن گئچر
سازین سزیلتیسی نئجه گور سوزناکیدی پود ثبات و صبری کسوب تاردن گئچر
سنگ ملامتیله قاپوندان قُوولمارام یارین سوون شماتت اغیاردن گئچر
عشقی ائدوبله نقل محافل کریمیا گفتاری آت معامله کرداردن گئچر

سال نو

سال کهن برفت و برآمد بهار نو گلها شکفت چون لب یاقوت یار نو
دارد دلم ز چرخ کهن انتظار نو در باغ نو به جامهٔ نو با نگار نو



سیز بو سفردن منی منها ائدون الله امانینده سلامت گئدون

ماشاءاللّه

جانا بو خط و خالوه جانانه ماشاءاللّه
بو زلف سیه سنبل افشانه ماشاءاللّه

✣✣✣✣✣✣✣

قاش چاتما دوداق قرمزی دیش ریزه یاناق گُل
بوی بسته آغیز پسته بو جانانه ماشاءاللّه
گلزاریده گفتاریوی گر بلبل ائشیتسه
یوز دفعه دییر بلبل خوشخوانه ماشاءاللّه
گلشنده اگر ایلیه‌سن زلفوی شانه
گللر دییر اول دستهٔ ریحانه ماشاءاللّه
بو طلعتی بو قامتی بو عشوه و نازی
زنجیردی قیرار گر گوره دیوانه ماشاءاللّه
مجنون سنی گورسیدی داخی لیلی‌دن اُتری
دوشمزدی یازیق دشت و بیابانه ماشاءاللّه
من بیر قوزویام باخچادا سن حوری بهشته
یول وئر قوزویا روضهٔ رضوانه ماشاءاللّه
کیف بوشدی دخیل بوشدی قارین بوشدی اوطاق بوش
سینم دولی سؤزدی بو سخندانه ماشاءاللّه
باخ علمیمه قیمت وئر عمل اولماسا منده
قوی خلق دئسون مغزی یوخ ایمانه ماشاءاللّه
هر دوندا دولاننام هامی رنگیله بویانام
شیطان دییر اول حیلهٔ الوانه ماشاءاللّه
اسلام آدینا بعضی اویوندان چیخورام من
گورسن دیه‌سن ینگی مسلمانه ماشاءاللّه
احسنت کریمی باخان اشعاریوه سویلر
امثال و حکمدن دولی دیوانه ماشاءاللّه

خانم قز

گل منله گئداخ سیر گلستانه خانم قیز
بیر ایله نظر باغیله بستانه خانم قیز



رخساریوی گُل گورسه سالار باشین اشاقه
مبهوت اولی بو چهرهٔ خندانه خانم‌قیز
بلبل گوره گر دسته تلون سنبله باخماز
مشتاق اولی بو عنبر افشانه خانم‌قیز
زلف سیهوندن یوزیوه سایه سالوبسان
یا قاره بولود مهر درخشانه خانم‌قیز
بیر غنچیه بنزر دوداقون تازه آچوبدور
بو آچماق ائدوب عاشقی دیوانه خانم‌قیز
بو دانهٔ خالون سالار آخر منی دامه
مشگل دُؤزه قوش گورسه اگر دانه خانم‌قیز
من دردیمی شرح ایلمرم ئوزگه طبیبه
گلدیم قاپووا دردیمه درمانه خانم‌قیز
دفترچهٔ ارزاقیمی وئرّم سنه یکسر
بیر جوت م..... وئرسن بو لب عطشانه خانم‌قیز
پیشکِشدی سنه قندیمی آل نفتیمی یاندیر
یاندیرما منی آتش هجرانه خانم‌قیز

سرقفل مغازه‌م همی پروانهٔ کسبیم
قربان سنه گل جانی قاتاق جانه خانم‌قیز
ییخدون ائویمی خانه خراب ایلدون آخر
تعمیرینه کیمدور آلا پروانه خانم‌قیز
مشگلدی ائو آباد ائلماق ایمدی فقیره
دور نوبیه تیرآهنه، سیمانه خانم‌قیز
ویرانه‌نی آباد ائلماق بیرده چتیندی
گوگلوم ائوینی ایلمه ویرانه خانم‌قیز
بیر متر چکیلسم دالیا عشقه یر اولماز
ئوللم هاموسی دوشسه خیابانه خانم‌قیز
سعی ایلمه عشقون یوکی قالسین کوره‌گیمده
حمّال کیمی حمل ایلیوم هریانه خانم‌قیز
عاشقدی کریمی سنه قوی شهریده قالسین
مجنون ائلیوب سالما بیابانه خانم‌قیز





شاعر سفیه‌لسه قوجالقدا غزل یازار

دل تنگه گلدی فرقت رخسار ماهدن
آشفته‌دور خیالیم او زلف سیاهدن
ای شوخ چشم ایله منیم چاره دردیمه
قورتار منی بو ناله و فریاد و آهدن
گلزاریدن گئچنده گوزوم دوشدی قدّیوه
ال چکمیشم صنوبر و سرو و گیاهدن
گوسترمه هر گلوب گئدنه مه جمالوی
ایله هراس بد نظر و بد نگاهدن
باخدیم او قدری یولاّرا کور اولدی گوزلریم
تشخیص وئرمورم یازیدا کوهه کاهدن
داش باغلیوبدی کلیّه‌لریم آبیاردن
خوش حالنه او کس که ایچور آب چاهدن
حتماً خلافی کامپیاتر بیزدن ئورگشوب
برقین پولون اضافه یازیر اشتباهدن
مژگانلارون صفین گورورم قلبیم اودلانور
یاده دوشور تویوق صفی بو دیدگاهدن
از بس سوخولموشام صفه صفدن چیخیلمشام
مشق آلمشام نظامی کیمی سرسپاهدن
تئزدن چورک صفینده، شاطر منده بوردایام
ئورگشمیشم بو زمزمه‌نی صبحگاهدن
امّا او شخصلر که ریاست میزینده‌دی
خوشدور دیولله منظره‌سی تخت شاهدن
شاعر سفیه‌لسه قوجالقدا غزل یازار
ایستر کریمی تک قییده بین راهدن

دولانور

گینه گلشنده خدا سرو دلارا دولانور
یا نگاریمدی ائدوب عزم تماشا دولانور



گل یوزینده، دئمه شبنمدی خجالت تریدی
گل یوزیندن، گل ائدیر بوسه تمنّا دولانور
نه قیامتدی قیام ایلیوب عشّاقه مگر
نیزه قدّینده گونوم حشر ائدوب احیا دولانور
ساق صولوندان قره تللر دوتوب آی صورتینی
هانسی تقویمده بیر آیدا ایکی یلدا دولانور
دوشرم سایه کیمی منده سوروننم دالیجا
منه نیسگیلدی نگاریم بئله تنها دولانور
گئجه گوردوم یوخودا ایش قیدوب اوّلینه
گینه تار دونبگیلن، جینا حُمیرا دولانور
گینه گوردوم عاشق عسگر سازی باسمش دوشونه
کتده طویلاردا دُهُل، دایره، ضرنا دولانور
بوم بیخان ائولری گوردوم قییروللر تازادان
الده بیل شُمشه، شُغول، فعله و بنّا دولانور
دئدیم ایوای بو همان کاسه همان آشدی داداش
منتها ... دولانان یرلری ... دولانور
بیر زمان لیلینون عشقی ائلدی قیسی جنون
ایمدی مجنون دالیجا بینوا لیلا دولانور
دفتر شعری کریمی‌ده ووروب قولتوقونا
آختارور ئوز سؤزونه مشتری گویا دولانور

غزل با حروف

باز گشتم مست جام میم و حا و با و تی
موسم گل شد رها گشتم ز دست دال و یی



شد مزیّن صحن گلشن از صفای نوبهار
سربه‌سر بگرفت گلشن را صدای نای و نی
زنده شد اشجار یُحیِ‌الارضِ بَعدِ مَوتَها
جان فدایت ساقیا برخیز غفلت تا به کی
عطر جنّت بر مشامم می‌رسد امّا چه سود
مجلسم خالی ز میم و یی و یا و الف و ری
از غمش شد قاف و دالم کاف و میم و الف نون
از فراق جانگدازش تا و نون در تا و بی
از لبت شیرین نباشد شهد عین و سین و لام
وز رُخت روشن نباشد آفتاب و میم و هی
به‌به از کنج قناعت گوشه‌گیری از جهان
فارغم از عمر و زید و قیل و قال و ها و هی
ای کریمی مردمان مستند و هشیاران کمند
مست مال و مست جاه و مست دنیا مست می

غزل فارسی

ای مه برج وجاهت وی نگار نازنین
ای به قربان تو باشد سربه‌سر خاور زمین



خوردن زهر تو بر من به ز قند دیگران
دیدن چین چین زلفت به ز سئیر روم و چین
روی تو مهر درخشان لعل تو قوت روان
زلف تو طوق اسارت بر من زار و حزین
از لباس کهنهٔ من دوری و نفرت مکن
ای ملبّس با لباس قاف و میم و الف و شین
بوسه‌ای ده گر چه مجلس خالی از اغیار نیست
ما نداریم از جماعت ها و را و الف و سین
رحم کن بر عاشقان خود مکن جور و جفا
اَنّ ربّ العٰالَمین لا یُحِبّ الظّالمین
گر شوم مدفون به قبری با تو باشم در لحد
برنخیزم از برت حتّی به روز واپسین
مست جام عشقم از دل منفصل شد صبر و تاب
ترسم آخر منفصل باشم از این ایمان و دین
ای مغنّی در کجائی خیز و نای و نی بیار
تا شدی غافل اجل چون گرگ برجست از کمین
ای کریمی تشنهٔ آب وصالی صبر کن
لعل جانان را مکیدن به ز شهد انگبین

آختارور

یاران گوزوم او مهوش زیبانی آختارور
بلبل چمنده غنچهٔ رعنانی آختارور



دریای فکره غوطه‌ورم صبحله مسا
غوّاص دل او دُرّ درخشانی آختارور
مژگانلارین خدنگ ائلیوب قاشلارین کمان
یاریم چیخوب شکاره بیابانی آختارور
گوردوم چمنده زلفنی رخسارینه توکوب
شانه الینده زلف پریشانی آختارور
جان نقدی الده پای ملخ تک بسان مور
عاشق گزور بساط سلیمانی آختارور
عشقین متاعین ائتدی کساد اقتصادیمیز
دفترچه الده خلق خیابانی آختارور
گه تولکی تک تویوق دالیجا گه سیچان کیمی
گوگلوم پنیر هواسینه هریانی آختارور
دشمن وورور یانا بویوره قطعنامه‌نی
جنگین شروعنه گینه عنوانی آختارور
بولمور که خلق بارز ایران خروس کیمی
سینه جلو دُووشماقا میدانی آختارور
گورمور که بختی قاره گئچی جان هایندادی
قصّاب پِیین گزیر هله قافلانی آختارور

بیر عدّه‌ده هوای ریاستله مستیدی
پُست و مقام و شهرت شایانی آختارور
بیر عدّه‌ده بازاردا کسیر ملّتین جیبین
نه دین سراغلاشیر نه‌ده ایمانی آختارور
بش مین‌تومن حقوقیله بیچاره کارمند
بش باش عیاله راحت و امکانی آختارور
آی اون‌بشه یتنده او بش‌مین تمام اولور
اون بشده نسیه کسماقا دکّانی آختارور
نسیه آلان مَثَلدی ایکی دفعه کئففلنر
ایستر همیشه آند ایچه قرآنی آختارور
چکمه یاخام جریلدی دوشر عاقبت ایشه
بقّال باشینا وورماقا باتمانی آختارور
امّا بو ایلده شاختا گئچوب لاپ قمیشلیقا
دوندارماقا پالاندوزی، کنکانی آختارور
دولتلینون شوفاژ اوطاقین ایلیوب حمام
مبل اوسته اگلشوب سولی قلیانی آختارور
بیچاره فعله هی گاز آتور کرسی قیزمیری
ال دوتمور اُستونه چکه یورقانی آختارور
بیر سؤز دیوم تعجّب ائله گولمَسَنده گول
بو مُبلدا او کرسیده رضوانی آختارور
دوشسه اگر کریمی قیامت بوجور قیشا
یوخسول یازیق قیزیشماقا نیرانی آختارور

غزل

به‌به چه خوش است وصل جانان بر قالب مرده می‌دهد جان
صد سال ز عمر پادشاهی آن به که شوی به یار یک آن
خواهی که به دهر زنده مانی یک عمر حدیث عشق برخوان
خوانی اگر علم عشق بازی آگاه شوی ز وصل و هجران
هرگز دل عاشقان نمیرد خواهی که شود تو را نمایان
رو گوش بده به قبر مجنون از نالهٔ وی شوی هراسان
فرهاد به انتظار شیرین خوابیده ولیک دیده گریان
اشگ است روان ز دیده‌گانم از درد فراق نازنینان
گفتم به طبیب گفت بستان یک بوسه به درد خویش درمان
وصف رُخ آن نگار شیرین شمع است میان بزم عرفان

از دهر کریمیا چه خواهی
گو نوح کجاست و کو سلیمان



ماه شب چهارده

ای ماه چارده شبه بیرون شو از سحاب
زان پیشتر که دیدهٔ عاشق شود به خواب
در انتظار تو شده خون قلب مضطرم
تا کی رود ز چشم ترم چشمه چشمه آب

نیمهٔ رجب

امشب مگر ز لیلهٔ قدرم مقدّر است بزمم ز نور ماه جمالش منوّر است
امشب شب وصال نگار است ساقیا پرکن قدح بیار که معشوقه دربر است
دیشب به آه و ناله سحر کردم ای خدا امشب به‌ناز و عشوه نگارم به‌محضر است
گر صبر در مذاق تو تلخ است از صِبَر باید چشید عاقبت شُکر شکّر است
ساقی بیار باده که در جمع عاشقان امشب صفای دیگر و صهبای دیگر است
شد نیمهٔ رجب ز تعجّب بسی عجب میلاد بوالعجائب و صهر پیمبر است
دُرّی فتاده از صدف پاک فاطمه در ارزش از تمامی دنیا فزونتر است
ساقی بیار باده ز خمخانهٔ صفا ساغر بده ولادت ساقی کوثر است
هی‌هی کشیم زمزمه هوهو کنیم از آنک شاداست شیعیان شب میلاد حیدر است
امشب شب مبارک قدر است عارفا قدرش بدان تولّد مولای قنبر است
عشقم علیست پایهٔ ایمان من علیست جانم علیست علم نبی را علی در است
ارنی مگو به غیب و به روی علی نگر آئینهٔ جمال خداوند اکبر است

دارد کریمی شب همه شب ذکر یا علی
درویش و لا اُبالی پیر قلندر است

از کثرت گناه دلا دلغمین مباش در روز رستخیز علی شاه محشر است
او نه بشر بود نه ملک فاش گویمت نور ازل به‌صورت انسان مصوّر است





مکالمهٔ مرد معتاد با زنش

ترک ائت کیشی بو تِریَکی آواره قالورسان
بیر گون گلر ئوز دردیوه بیچاره قالورسان

کیشی دیور

آرواد بو قدر سویلمه افسانه دانیشما
دور قویگلان اود منقل سوزانه دانیشما



آرواد دیور

بیر وقت اولی بیچاره جیبونده پولون اولماز
بیر گون گلی ایش سخت اولی تریاک تاپولماز
اوندا سنی بیر یار و مصاحب یادا سالماز
گوز یاشون آخار صفحهٔ رخساره قالورسان
ترک ائت کیشی بو تریکی آواره قالورسان

کیشی دیور

آرواد نیه بس بینمیزه قُورا چکورسن
آز عقلیویله سن منه تدبیر توکورسن
اِشّگ دگولم من باشما توربا تیکورسن
چکدی سؤزیوین آخری هذیانه دانیشما
دور قویگلان اوت منقل سوزانه دانیشما

آرواد دیور

بیر وقت گوررسن ائو ائشیک چیخدی الوندن
خُلقون دگیشیلدی هامی اینجولله دیلوندن
صحّت گئدر الدن یاپشار آغری بئلوندن
رحم ایلین اولماز ائله بیماره قالورسان
ترک ائت کیشی بو تِریَکی آواره قالورسان

کیشی دیور

آرواد گئده هر زاد قالا بیر حوقّا بسیمدی
بیر جیندا میتیل قالسا علاوه هوسیمدی
بیرده بو سماور که منیم هم‌نفسیمدی
اولماز گئده‌رم کافهٔ رحمانه دانیشما
دور قویگلان اوت منقل سوزانه دانیشما

آرواد دیور

پول اولماسا تریاکی هایاندان گتورورسن
پولدور بونا باعث سن ئوزون یاخشی بولورسن
سن قهویه گئتدون من زاره نه دیورسن
حسرت بو رخ و قامت دلداره قالورسان
ترک ائت کیشی بو تریکی آواره قالورسان

کیشی دیور

بسدور داخی آرواد منه چوخ وئرمه اذیّت
بینیم قزیشور بوشلا دَدَن احمده رحمت
من قهویه گئتسم ائده‌رم جانوی راحت
ئولّم گئده‌سن بیر جوان اوغلانه دانیشما
دور قویگلان اوت منقل سوزانه دانیشما

آرواد دیور

ایوای کیشی داش باشوه دوشسون سنه لعنت
کابینیمی وئر ایمدی‌دن ایله منی راحت
تا صوندا باشیم چکمیه بیر بوللی مصیبت
بیر گون چکیلنده بوغازون داره قالورسان
ترک ائت کیشی بو تریکی آواره قالورسان

کیشی دیور

چوخ گورمیشوخ آرواد بو قولای منظره‌لردن
چوخ تریکی‌لر بوینی گئچوب قرقره‌لردن
زنداندا چوخ آل وئر اولونوب پنجره‌لردن
باک ایلمرم دوشماقا زندانه دانیشما
دور قویگلان اوت منقل سوزانه دانیشما

آرواد دیور

بیچاره قوتولدون نه اتون قالدی نه قانون
فانیدی جهان فکرینه دوش دار بقانون
بیر گون گوره‌سن گئچدیله بیر قورخولی قانون
بیر دانگ دوا گلمدی بازاره قالورسان
ترک ائت کیشی بو تریکی آواره قالورسان

کیشی دیور

مادام که وار جامعه‌ده دست خیانت
مادام که وار رشوه اولا بیلمز عدالت
تا واردی ابرقدرت اولانلاردا سیاست
تریک تریلی‌لن گلر ایرانه دانیشما
دور قویگلان اوت منقل سوزانه دانیشما

آرواد دیور

گل آی کیشی سن گئچ بو ایشین خیر و شریندن
تریک‌ده بول اولسا حذر ایله ضررینده‌ن
تاریخ‌ده چوخ خاطره‌لر وار خطریندن
ترک ائت بونی زور گل باری سیگاره قالورسان
ترک ائت کیشی بو تریکی آواره قالورسان

کیشی دیور

ایلوردیله دوسلار گئجه صحبت هروئیندن
روحه یتیشور آیری مزیّت هروئیندن
فکریمدی چکم بیر نئچه نوبت هروئیندن
اوندا چاتارام رتبهٔ شایانه دانیشما
دور قویگلان اوت منقل سوزانه دانیشما

آرواد دیور

من بولمورم آخر ندی سنده بو حماقت
روحه بو آجی توستوده بیچاره نه لذّت
باخ خارجه دولتلره گور نیلوری صنعت
سن گیر هله پستوی تولانباره قالورسان
ترک ائت کیشی بو تریکی آواره قالورسان

کیشی دیور

سن قانمامیسان نشعه و لذّت ندی آرواد
چورت عالمی گوگلرده سیاحت ندی آرواد
طیّاره و سیّاره و صنعت ندی آرواد
گل بیر تازا دم چای توک او فنجانه دانیشما
دور قویگلان اوت منقل سوزانه دانیشما

آرواد دیور

ترک ایلماقا تریکی غیرت هانی سنده
آخر آلاجاق جانوی بو زهر کشنده
همسایه‌لر آخرده باسالاّر سنی بنده
زنداندا ایشیق صبحون اولار قاره قالورسان
ترک ائت کیشی بو تریکی آواره قالورسان

ایرانلی‌لارین باشینه کیم بو داشی سالمش
خلقین بو آجی توستی رگ و ریشه‌سین آلمیش
قان یوخدی بیر اوزده هامی دودیله سارالمش
نه موعظیه پنده نه اشعاره قالورسان
ترک ائت کیشی بو تریکی آواره قالورسان

بیچاره کریمی ئوزیوی یورما هدردی
کیم بولموری تریک هروئین جانه ضرردی
سیگارین ایشی دمبدم اعلان خطردی
یازما هامیا پند حکیمانه دانیشما
دور قویگلان اوت منقل سوزانه دانیشما

بختون خروسی بانلامادی چیخمادی نیندن
قالدون دالیا بینوا دیناریله دیندن
دوش قافیه آختارماقا فرهنگ معیندن
هی مرسی ماشاءاللّهدی که انباره قالورسان
حسرت یماقا ایچماقا دیناره قالورسان

پشیمانی فایده ندارد

یارب بو نه غمدی من نالانه یتیشدی
تریاکین الینده ایشیم افغانه یتیشدی



ائل طایفا قوهوم قونشی منه ائتدی نصیحت
باش وئرمدیم اولدوم هامیدان ایمدی خجالت
جان گئتدی توان گئتدی نه مال قالدی نه ثروت
هر زاد ساتیلوب ایش داخی یورقانه یتیشدی

آخرده عجب پیس گونه قویدون منی حوقّا
سندن یکه یوخدو بشرین دشمنی حوقّا
چالاّم داشا سیندیرّام آخردا سنی حوقّا
روشن گونوزوم شام غریبانه یتیشدی

سرمایه الیمدن چیخوب آخر هئچه گئتدی
قالچا قالی گئتدی گبه گئتدی چیچه گئتدی
بولمم بو قدر مال بو دلیکدن نئجه گئتدی
ایش گلدی سنق مجمعه چایدانه یتیشدی

بیر گل کیمی رنگیم واریدی گورنه سولوبدی
گوزلر یومولور گور نئجه حالیم پوزولوبدی
ئوز آلدیقیم آرواد منه نامحرم اولوبدی
باخمور یوزیمه طعنه اوتی جانه یتیشدی

کاروانسرا، باغ یاده دوشنده یانارام من
سرمایه دکان حسرتینه اودلانارام من
هر کس سوروشا سن او آدامسان دانارام من
آخر نه بلادور من نادانه یتیشدی

اولدی وطنین گللری پرپر هروئیندن
ائولر یخیلوب سن ائله باور هروئیندن
باخ گور خفه‌لندی نه هنرلر هروئیندن
هاردان بو یانار اود بیزیم ایرانه یتیشدی

گر ذرّه‌جه وجدان اولا اولاد وطنده
آنلار نه یامان دردیدی بو زهر کشنده
نه یوزده حیا قویدی نه قان قویدی بدنده
آخر خطری دینیله ایمانه یتیشدی

افسوس آچان گللریمیز سولدی کریمی
دودیله جوانلار سینه‌سی دولدی کریمی
بو خلقین ائوی اوندا خراب اولدی کریمی
سوقات اجانب بیزیم ایرانه یتیشدی

«باشد - نباشد»

چو ابرویت کمان باشد، نباشد چو زلفت پرنیان باشد نباشد
چو قدّت قامتی بینم نه‌بینم چنین سرو روان باشد نباشد
چو روی نازنینت در طراوت گُلی در گلستان باشد نباشد
دم گرمت کند احیای اموات دم عیسا چنان باشد نباشد
امان از دوربیت و داد از فراقت چنین درد گران باشد نباشد
به دیدارت کنم تقدیم جان را ز جان به ارمغان باشد نباشد
کرامت کن مرا پیش از ندامت در این سودا زیان باشد نباشد
همه غمها به دل پنهان نمودم غم عشقت نهان باشد نباشد
ز موی عنبرین بویت معطّر عبیر و زعفران باشد نباشد
کریمی گفت از وصفت کتابی
به توصیفت بیان باشد نباشد

آی مشد علی

شهری دوتوب فتنه و شر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی



آغلوری هر کس ئوزی ئوز حالینه
یوخدی یانان ملّتین احوالینه
دوشمه‌گیلن هر گئده‌نین دالینه
ائتمه عزیز عمری هدر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

جامعه‌ده قالمادی نظم و نظام
عزم ائلیوب بیربیرین ازسین عظام
بیر فقط اللّهدی چکن انتقام
اونداداوار صبر دُوزر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

شاختا ائله سختیدی هریان دونوب
مدرسه بازار و خیابان دونوب
خلقده آز ماز قالان ایمان دونوب
دوندی امانت سره‌سر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

ساکت اولوب جنگین اگر طوفانی
زلزله سئل شاختا دوتوب هریانی
دوندی سویوخدان فقرانین قانی
رحم ائلین واردی مگر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

تاکسا دیورسن منی قوی شهنازا
باسدی گورورسن ایاقین تئز گازا
سسلوری بای بای مشدی قال یازا
قالمیوب انصافدان اثر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

یا دیوسن گل منی قوی شیخ تاجا
هیسلنوری باشلوری مین تاپباجا
باخ گور آلار بو پولی وئرسن آجا
تُند باخوب اولدی پَکَر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

اللی تومن وئر قاناد آچسون لوطی
هر یره گئتسن دیه‌جاقدور اوتی
دادمیوب عمرینده چوخی ایسدوتی
بولموری دوزدی یا شکر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

سسلنیسن آشوفر ایسگاه دوتار
فوری دیور گاه بوراخار گاه دوتار
مسخره ائتمه کیشی اللّه دوتار
قولی علی فعلی ... مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

خلقی سئچیر هر کسی میندیرمیری
اولسا اگر کورپه‌سی میندیرمیری
فعله‌نی یا وَردَسی میندیرمیری
کور، شیله ائتمولله نظر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

هی دیورم قونقاباشی دروازا
تُند گئدیر باخموری دست‌اندازا
وار نه چکی، اُلچی نه بیر اندازا
ایشلر اولوب زیر و زبر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

السیز ایاقسیز قوجا میندیرمیری
انلی کفللی، اوجا میندیرمیری
اولماسا لاپ خیرداجا میندیرمیری
پنچر اولار یوخدی طَیَر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

شخصی ماشینلاردادا وار بیر بخار
بوینی غروردان قورویوب چون چنار
گوزلری گورمور بیرین ائتسون سوار
قُوزاسا ال یرمی نفر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

تاکسی بوراخ باخ بازارین حالینه
زرگر و دلاّلینه بقّالینه
عاملنین نادری سقّالینه
تک تکی اوستاد هنر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

عطّاری قنّادیسی صنعت‌گری
جوشکاری نجّاری هم آهنگری
ایشلری بیر پارچا یالان تسکری
جمله اولوب بندهٔ زر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

قصّابی آجیل‌پزی صابونچیسی
علاّفی یا بوغداچیسی اونچیسی
مفلسی لاپ عاجزی میلیونچیسی
شیطانی دالدان لیفه‌لر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

دلّکی حمامچیسی مشّاطه‌سی
شورباچیسی یا شاطری وَردَسی
فکری بودور سالسا گیره هر کسی
فوری کسه تا به کمر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

گیوه ساتان میوه ساتان بال ساتان
رشوه یِیَن عشوه ساتان حال ساتان
هیمه ساتان گیمه ساتان شال ساتان
هامّوسی ابلیسه پدر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

شهریمیزین چاپخاناسی کفّاشی
عکّاسی تابلونویسی نقّاشی
آلادّی هر تک تکی یوز قلاّشی
اکدیقیمیز وئردی ثمر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

پیشه‌وریندن دوت اِلی پیله‌ور
سبز فروش بستنیچی کارگر
بوکچیسی شیطان باشنا بوک تیکر
حلواچی اونداندا بتر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

چکمه کریمی سویا سجّاده‌وی
سیلکه‌لیوب چیرماما لبّاده‌وی
وئرسه‌له داو آچسالا قلاّده‌وی
اوندا گورر سنده نه‌لر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

طشتمیز القصّه دوشوب بامدن
ترله‌مَمیش چیخمیشوخ حمّامدن
بیر قوری آد قانمشوخ اسلامدن
اِسمیدی منظور نظر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

دکتری ترزیقاتی دندانسازی
سرّاجی، ساعتسازی یا بزّازی
سرچه‌نی بلبل یرینه قوشبازی
ساتماقا رنگیله بَزَر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

آنلادی که مشتری گمنامیدی
قانموری دَیماندی یا حمّامیدی
باس خیاری موز یرینه خامیدی
سؤزدده یوخ ذرّه اثر مشدعلی
شرّ اولوب ابنای بشر مشدعلی

بیا غمخوار هم باشیم

کسان نکوکار نیکوترند به انسان اینسان چو بال و پرند
به یکدیگر از مال و جان بگذرند بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
همه یک روانند قالب هزار چو یک روح اندر تن بیشمار
به هم تار و پود و به هم پود و تار چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
به زخم درونها بِنِه مرهمی غمی از دلی بَر ز چشمی نَمی
شریک غمی گر بنی آدمی تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی
تو تنها روانی به تنهای چند نشاید زنی بر کسی نیشخند
بگیر از یَدِ عاجز و مستمند یکی را که در بند بینی مخند
مبادا که روزی دراُفتی به بند
نکوکاری از سیرهٔ اسخیاست نکوکاری از شیوهٔ انبیاست
نکوکاری از خوی اهل صفاست نکو باش و نیکی رضای خداست
ندیدم کسی گم شد از راه راست
نکو باش نیکوئی آئین ماست جزابخش اشخاص خیّر خداست
مشو بد، بدی را بدی در قفاست ز آزادمردان نکوئی سزاست
ز درماندگان چشم پوشی، خطاست

بیا بزم عیش و طرب ساز کن به جود و کرم کیسه را باز کن
در این بزم خود را سرافرازکن به روز قیامت پس‌انداز کن
به قرب اِلٰهیّه پرواز کن

درختی پر از میوه هستی عزیز بده میوه سایه فکن گُل بریز
اجل چون برآید نباشد گریز دولار، مارکها ماندنی هست نیز
مبندد به دنیا دل اهل تمیز

بیا روز جشن نکوکاری است بیا عید همکاری، همیاری است
بیا روز ایثار و غمخواری است عیادت شفابخش بیماری است
به باغ ابد وقت گُلکاری است

کسی باج نگرفت از این چرخ پیر در این کاروانیم برنا و پیر
رفیق رَهیم از غنی تا فقیر ره نیکمردان آزاده گیر
چو استاده‌ئی دست افتاده گیر

دو چیز است در جامعه محترم ز نسوان متانت، ز مردان کرم
کرمدار را گر نباشد درم خورد خون دل دمبدم لاجرم
برای نهادن چه بیش و چه کم

کَریمی کرم دارد اهل یقین که احسان بود شیوهٔ مُحسنین
بیفشان گل و سنبل و گل بچین که آید به تو از زمان و زمین
هزار آفرین، صد هزار آفرین

عَجّلوابِاالصّلاة قبل‌الفوت

تا شنیدی صلای صوت اذان
رو به مسجد مباش غافل از آن

سوی پروردگار خود بشتاب
تا ببینی نگار خود بشتاب

باوقار و متانت و تمکین
ردّ کن آن امانت سنگین

به دل صوفیان صفاست نماز
زانکه معراج اصفیاست نماز

دمبدم گو دعا و استغفار
و قِنا ربّنا عذابَ النّار

بارالٰها ذلیل و نالانیم
غیر از این در، دری نمی‌دانیم

ای خدای کریم و بنده‌نواز
مستفیضم نما ز فیض نماز

بارالٰها توئی علیم و خبیر
تو غنیّ و اَنَاالفقیر و حقیر

دست ما را بگیر یا غفّار
عیب مارا بپوش یا ستّار

تو رحیمی کریمی و رحمٰان
رحم کن بر کریمی نالان

اشعاره باخ

ای دل کمال شوقیله دلداره باخ دلداره باخ
قاره خالا چاتما قاشا رخساره باخ رخساره باخ



زلفی شب یلدا کیمی لب غنچهٔ حمرا کیمی
گوز نرگس شهلا کیمی دیداره باخ دیداره باخ
نطقه گلنده هر زمان الدن آلور تاب و توان
شیرین دوداقدا جان آلان گفتاره باخ گفتاره باخ
کیپریکلر اوخ قاشلار کمان قان توکماقا وئرمز امان
چم خملی دملی بیر مامان عیّاره باخ عیّاره باخ
دل، مغز بادامه مثل پ... دولی شیر و عسل
بیر نازلی یارسان ماحصل اطواره باخ اطواره باخ
دویماق اولار سندن مگر قول بوینووا سالسام اگر
جان ایسته‌سن وئررم دگر ایثاره باخ ایثاره باخ
جانیم گئدیر جانانله یانتام غم هجرانله
گیردیم عجب نادانله پیکاره باخ پیکاره باخ
من عشقنون مخموری‌یم جانانمون مهجوری‌یم
بیماری‌یم رنجوری‌یم بیماره باخ بیماره باخ
وصلی صفا هجرانی غم وصفین یازار دائم قلم
سویلر کریمی دمبدم اشعاره باخ اشعاره باخ

پول

آرواد قاپونی باس ائله طوفاندی، کولکدی
رحم ایلسین اللّه که بو ایل قیش بئله بکدی



ای گوزلریمون نوری ئوزی حوری گل اگلش
ای صورتی قرص قمریم نغمه‌سی دلکش
علّت ندی احوالون اولوب بیله مشوّش
چوخ غصّه‌لی سن سنده بو حالت نه گرَکدی

المنّته للّه هامودان چاغ داماغون وار
فردوس برین تک دوشَنَک‌لی اوطاقون وار
محسن کیمی بگ‌زاده بالان من تک آقون وار
وار نامخدا بیر جفت قیزون مثل ملکدی

آخر نه بئله سالاّمیسان قاش و قاباقون
یوزمین تومن آیدا گتورور میوه‌لی باغون
بیر خومچا قوویرمان، ایکی پوتلوق ساری یاغون
نوکر ال اَل اوسته ایشی لبّیک دئمکدی

سن فکر ائدیسن باغووی شاید وورا شاختا
قوی وورسین آپارسین هاموسین تاختاباتاختا
غملنمه بو پرت اولماقون ایلور منی آختا
بو سینه‌دی یا شیشه، او فنجاندی گوبکدی

آرواد دیور

والله کیشی بو نکته منی ائتدی دل افکار
اوچ آیدی یاتور همسایامیز کبلایی جبّار
ایلوردی عیالی منه درد دلین اظهار
قالمور یازیقین هئچ زادی ارّاده‌سی لکدی
فی‌الجمله ائو اسبابینی کُلیّه ساتوبلار
بیر کهنه پلاسدی چیچه، فرش یوخدی یاتوبلار
بیر کسلری یوخدی هامونی گوزدن آتوبلار
آخر بولار انساندی نه اینکه گوبلکدی
اوغلی گئچن آخشام آپاروب «رستمیانه[1]»
بیر نسخه یازوبدی باخوری اللی تومانه
پول یوخ پارا یوخ بیله قالوبلار یانا یانه
سینسین فلکین چرخی نه طوفانلی فلکدی

کیشی دیور

صبّاح سن ئوزون گئت اونی بیر ایله عیادت
دینه سوروشوردی کئفیوی مشدی هدایت
پول وار دئگلن بیزده اگر وئرسه رضایت
گور دردی ندور حصبه‌دی، سلدی یا چیچکدی
امّا بودی شرطی وئره بیر یاخشی ضمانت
بیر شِئی گروویمدا قویا البتّه امانت
دورد عبّاسیدی هر تومنه رسم تجارت
سن اون شاهی آل قونشودی نیلک یری بکدی

۱-رستمیان دکتر معروف در مراغه بود

آرواد دیور

هئچ زادلاری یوخدی نه‌یی قویسونلا امانت
ئوز قونشوسی سنسن کیمی وئرسونله ضمانت
توختار وئرر انشاءاللّه دگول اهل خیانت
ایشلر گینه غیرتلیدی رشبردی زیرکدی

کیشی دیور

آرواد سسیوی کس، قره پولدان قوناق اولماز
چوخدا یوموشاق قلبیله پول ساخلاماق اولماز
یرتق کیلیمه کهنه تلیسدن یاماق اولماز
ایشلر گوروسن ایمدی فیریلداقدی کَلَکدی
انشاءاللّه دوتاخ توختامادی دوشدی ایاقدان
من کیمدن آلوم پولّاری آرواددان، اوشاقدان
ازبرله‌میشم درسیمی مدّتدی قاباقدان
شوخلوق دگی پولدی منه هر یرده کومکدی
عالمده دیلیم پولدی الیم پولدی جانیم پول
یاریم گوزه‌لیم پول مارالیم پول مامانیم پول
روحیم نفسیم پولدی اتیم پولدی قانیم پول
پولسوز آداما خلق دیللّر بو دبَکدی



صبح اولدی خانم گئتدی اولاردان بوله احوال
گوردی یغیشوبلار قاپویا بیر نئچه اطفال
بیر نعشی یووير تخته‌نین اوسته قوجا غسّال
توکلر بدنینده ایشیلوب مثل للکدی

فوراً یتیروب صاحبینه بو جریانی
vوردی الینی بیربیرینه کبلا فلانی
سسلندی دوغیردان بو جهان فانیدی فانی
کیمدور قالان آرواد هامی آخر ئوله‌جکدی
باخسیدیم اگر هر سؤزه آواره قالاردیم
وئرسیدیم اوگون بورج بو گون کیمدن آلاردیم
ایمدی باشیمی هی در و دیواره چالاردیم
پولدور دیزه طاقت یخیلان دامه دیرَکدی

آرواد دیور

آز پول کیشی باتسیدی کوکوندن نه اولاردی
بیر آز پولونان یوخسا بو ثروت قوتولاردی
لطف ایلیوب اللّٰه یری بش گونده دولاردی
انسانه قالان بیر آچیق ال نان و نمکدی

کیشی دیور

آرواد بو جهاندا هامیدان یی گینه پولدی
قارداش، باجی پولدی، دده پولدی، نه‌نه پولدی
ئل طایفه‌دن همسایادان باش منهٔ پولدی
گور پولدان اُتور نه سوخاسوخدی چکه چکدی
خلقین ایشی بیر پارچا اولوبدور ناطارازلیق
پول اورگدوب انسانلارا مین شعبده‌بازلیق
پول اولماسا کئف یوخ، پولوناندی کئفی سازلیق
پول عمده دیلَکدی منه قوّتلی بیلَکدی

تا جیبده پولوم وار بالا هر بزمه یولوم وار
هر بزمه یولوم وار بالا تا جیبده پولوم وار
شیرین نوغولوم وار فوقولومدان شوغولوم وار
کروانسرادی، کرخانادی، باغدی، پَتَکدی
هر کس ئولر ئولسون قالی قالسین بجهنّم
همسایه آجیندان‌دا سارالسین بجهنّم
دنیانی دوتوب غم دومان آلسین بجهنّم
پولدان، دی منه دائم ایشیم سفته‌دی چکدی
ذوقیم هوسیم پولدی مرام و هدفیم پول
ایمان و عقیده‌م هامی فضل و شرفیم پول
صاق صول یوخاریم دال قباقیم هر طرفیم پول
پولسوز کیشی مِه یِل قباقندا کَپَنکدی
پولدور بالا بو عصریده کسکین، قمه‌لردن
پولدور قوتاران انسانی هر محکمه‌لردن
پولدور یتورن روحه غذا شوخ م...
پول ساچ گوَنه، هر باخان آند ایچسون ایپَکدی

آرواد دیور

پول انسانی هر محکمه‌دن قورتارا بیلمز
بازار قیامتده بو پولاّر ایشه گلمز
دنیادن آقا اگری گئدن اوردا دوزلمز
اوردا عمل ایستلله قالان پوکدی پُفکدی

سن قبره گئدندن صورا تقسیم اولی مالون
قبرونده ایلان عقرب اولار وزر و وبالون
بیر آیری یوغون ساپلی آلار نازلی عیالون
سسلر آمان اللّه بو قاریندی یا دوشکدی

آللّه سنه قربان نه گوزل مال یارادیبسان
شیرین بالادان قیماقیلان بال یارادیبسان
باخ قدرته آغ یوزده قرا خال یارادیبسان
یاغدی، قره‌دی، سویمه‌لی قویروقلی شیشکدی

وار کیمده کریمی کرم، افسوس درم یوخ
هر کسده درم واردی وجودینده کرم یوخ
یوخ هر ایکیسی سنده بو یوخلوقدادا غم یوخ
لطف ایلیوب اللّه هنرون عصریده تَکدی

بیر عدّه سنی جان کیمی عزّتله قوجاقلار
بیر عدّه ولی طعن و شماتتله اياقلار
دنیا سنی سالمش گوزینه گونده چوماقلار
سایماز سینه‌دی، کلّه‌دی، یانبزدی کورَکدی

شعر اهلی شعورونده اولوب ارزشه قایل
دیوانوی بوینوندا ائدر خلق حمایل
پرت اولما بیری اولماسا گفتاریوه مایل
کسمور هوشی قانمور بو قَزیلدی یا ایپَکدی

ماشاء اللّه

در سال ۱۳۴۵ سروده شده است

ملّت هاموسی اهل تمدّندی ماشاءاللّه
باخ کئف چک عزیزیم بودا بیر گوندی ماشاءاللّه



خوش عصریدی به‌به هامی بی کیف و کم آزاد
شفتالو اوجوز خرچا خیار، آغ کلم آزاد
المنة لِلّه دیل آزاد قلم آزاد
بیرجه او که آزاد دگول دیندی ماشاءاللّه

مردم هامی مُسلِمدی ولی مذهبی قانماز
قرآنی باسار باغرینا بیر آیه‌ده دانماز
یوخدور عمل امّا اگر آند ایچسم ایناناز
ظاهرده مسلمان متدیّندی ماشاءاللّه

باخ گور نئجه اولدوخ باشی مؤمن دیبی کافر
ال اَیری دیل اَیری پولی کافر جیبی کافر
قارداش باجی کافر عمو کافر بیبی کافر
باطنده شقی ظاهری مؤمندی ماشاءاللّه

بیر وقت بولوردی هامی روس قندینی مردار
ایمدی روسون ئوز پاکلیقنا ایلروخ اقرار
بولمم بو یاتان ملّتی کیم ایلدی بیدار
بیردن گوزون آچدی بئله دیسگیندی ماشاءاللّه

دور مَشدی غضنفر نه یاتوبسان هامی دوردی
یوز ایل یاشادون آنلامادون شوردی یا لوردی
ایمدی سنون اوغلون پولی بول گوردی قودوردی
شیطانی دوتوب نوختالیوب میندی ماشاءاللّه

سن بیر چچه بوک بوزمه‌لی دون لیفه‌لی شلوار
گییدون دئمدون بو قسری باش وار لبه‌دار وار
«کرچک» یاغی یاندیردون ائوون اولدی تولانبار
دور برق گلوب قابل تحسیندی ماشاءاللّه

آچ گوزلریوی قُوزا باشون قبریدن ایندی
گور بیر سیزون آزاده نه عالی مودا میندی
قیزلار سنی گورسه دیه‌جاق کهنه بیبندی
آیران یرینه پپسی ایچور ایندی ماشاءاللّه

دور گل خیاباندا بو تومانچاقلارا بیر باخ
قسّا دونا قویروق کیمی یانچاقلارا بیر باخ
بوی بسته آغیز پسته مامان چاقلارا بیر باخ
قیز بس، نوه‌سی ژیلادی پروینددی ماشاءاللّه

ثبت احوالا طهراندا گلوب بیر بالا جیران
هر بیر زاد ائشیکده تپه‌دن دیرناقا عریان
بیر نامه رئیسه یتیروب نازیله خندان
خانم دئمه بیر تابلوی رنگیندی ماشاءاللّه

تئز آچدی رئیس ایلدی مکتوبه نظاره
رنگی قیزاروب نامه‌نی تئز قویدی کناره
سسلندی که الآن ائده‌رم دردیوه چاره
احسن بو مرامه گوزل آئیندی ماشاءاللّه

یازمیشدی ددەم ظلم ائلیوبدور منه آقا
یا آنلامیوب اوندا قویوب آدیمی زهرا
من ایستورم آدیم اولا ژیلا یا نازیلا
بو مشگلی حلّ ائت سنه ممکندی ماشاءاللّه
بیر گونده رئیس اولدی همان امره مباشر
آدین دگیشوب ائتدی شناسنامه‌نی صادر
عرض ائتدی خدا بو ایشی گوردوم سنه خاطر
زهرا آدی بوندا، دینه توهیندی ماشاءاللّه
قرجاندی دئدی مرسی شناسنامه‌نی آلدی
باش پله‌دن اوشقوندی اتک پلّه‌ده قالدی
زهرا خانمون اللّهی دوتدی یره چالدی
کیف دوشدی ساعات چیخدی داراخ سیندی ماشاءاللّه
بیز مایلوخ اولسون هامی ملّتده ترقّی
اللّه‌دا سُوور اولسا جماعتده ترقّی
صنعتده طبابتده نه زینتده ترقّی
خلقین نئجه بیردن لووینی دوندی ماشاءاللّه
ایمدی ملل راقیه مرّیخه آچوب پر
بیزده گئجه گوندوز اولوروخ مایل زیور
آینا قباقندا گونومیز گئچدی سراسر
ملّت‌لر ایچینده دی بیزه ایندی ماشاءاللّه
سس سالما کریمی قوی اوشاقلار هله یاتسون
بیدار ائلمه آلتنا قوم توک بَلَه یاتسون
بند ائت باشنی سال بشیکه سیلکله یاتسون
دورسا دوز اوتورماز ائله‌بیل جندی ماشاءاللّه

شهر شهید پرور مراغه شهر ۱۴۰۰ شهید

انقلابه وئردی مین‌دوردیوز نفر قربان مراغه
چهرهٔ تاریخه وئردی جلوهٔ شایان مراغه



بسله‌دی شهر مراغه چوخ جوانان سلحشور
انقلاب کربلادن باشلاریندا شور عاشور
تاپدیلار فیض شهادت اولدولار نورُ علی نور
چون شهادت مکتبینده باغلیوب پیمان مراغه

ای مراغه توپراقوندا ردّ پای اهل حق وار
مغربونده مشرقونده روز و شب قاندان شفق وار
خرمنونده چون زکوة فیضوه چوخ مستحق وار
آچمیسان ارباب فضله سفرهٔ احسان مراغه

اولموسان سن خواجه نصرالدّین طوسی جایگاهی
ایلیوب شأن و مقاموندە رصدخانه گواهی
قبلهٔ اهل تصوّف اوحدی آرامگاهی
دانش‌آموزان عشقه مکتب عرفان مراغه

گلشن زهرادی رحمت مغفرت گلزاری سنده
چونکه مین‌دوردیوز شهیدین ثبت‌اولوب آماری سنده
انقلابین تازه‌دی کُهنلمین آثاری سنده
هر شهیدین قبری اوسته لالهٔ نعمان مراغه

سنده‌دور صافی آدیندا بیر مصفّا رودخانه
هان مِنَ الماء کُلُّ شَئیً حَیّ نشر ایلر جهانه
هم صفادور گلستانه هم بقادور بوستانه
تشنه‌گان عیش و نوشه چشمهٔ حیوان مراغه

حلقه تک سالمش حصاره شهریوی طوفانلی داغلار
هر شهیدین ماتمینده داغلی داغلار مین گوز آغلار
سیل اشگیندن سهندین گُللنر گولدوخجا باغلار
آغلادار شمشک سهندی تا اولا خندان مراغه

ای باشی غوغالی شهریم سن نه طوفانلار گوروبسن
سن هلاکولر یوروبسان سن صمد خانلار گوروبسن
دیولر سرکوب ائدوبسن چوخ سلیمانلار گوروبسن
قالب تاریخه سنسن روح جاویدان مراغه

روزگاران قدیمدن سنده وار دورد برج عالی
سینهٔ تاریخه اولموش هر بیری عزّت مدالی
یدّی یوز ئیلدن اضافه هر بنانین سنّ سالی
پخش ائدر دنیایه کُلّ مَن عَلَیها فٰان مراغه

سنده بیر آب و هوا وار دهری مدهوش ایلیوبدی
سنده‌کی عطر شهادت شهری بیهوش ایلیوبدی
خضر سندن گوئیا آب بقا نوش ایلیوبدی
تا ابد خضریله آدون زنده‌دور یکسان مراغه

سن که مین‌دوردیوز نفر قربان وئروبسن بیر شهیده
بیر شهیدی که آدی سرلوحه قرآن مجیده
مصطفایه پارهٔ تن مرتضایه نور دیده
فاطمه دلبندیدی سلطان مظلومان مراغه

بو شهیدین آدینا قربان اولاخ آدی حسیندی
ملک ایرانین شرفلی شانلی دامادی حسیندی
هر شهیدین مرشد و مولاسی اوستادی حسیندی
داغلاروندان باغلاروندان دین اولور اعلان مراغه

افتخارون وار مراغه چون حسینی‌خانه سنسن
هم حسینی سُویمین اشخاصله بیگانه سنسن
روز اوّلدن حسینون شمعنه پروانه سنسن
افتخار ایلر سنون ایثاریوه ایران مراغه

سنده دایردی تکایا دسته‌بندی وقت غملر
هر محرّم اگننه قاره گییللر محترملر
زهریلی اوخدور گوزونده دشمنین قاره علملر
بو علملر سایبان عشقدور ایمان مراغه

سنده اشراق و دخیل و ذاکر خلد آشیان وار
هر بیریندن صفحهٔ اعصارده نام و نشان وار
سنده مانند کریمی شاعر شیرین زبان وار
سینه سوزان دیده گریان با لب خندان مراغه





غزل

دوش دیدم به کفم رشتهٔ کار آمده بود
مگر از شهر سبا هدهد یار آمده بود



دلم اندر خم زلفش چه جفا دید خدا
که سحرگاه به صد ناله و زار آمده بود
مژده ای بلبل شوریده نسیمی که وزید
قاصدی بود که از میر بهار آمده بود
کاش این قالب بیروح و دل خستهٔ من
خاک می‌بود در آن ره که نگار آمده بود
دیده چندانکه به راهت نگران بود و ملول
صبح روشن به نگاهش شب تار آمده بود
شهد وصلش نچشیده به فراق افتادم
این ز تقدیر مشیّت به شمار آمده بود
چشم آن عاشق شوریده نبیند که سحر
لب بیگانه به پابوسی یار آمده بود
پنبهٔ عشق ز حلاّج اناالحق بستان
که به ریسندگیش بر سر دار آمده بود
ز کریمی خبر از حال تو پرسیدم و گفت
آهوئی بود که از دشت تتار آمده بود

این می‌کشد آن می‌کشد

هر که را دردیست اندر سینه پنهان می‌کشد
گه بسوزد گه بسازد گاه افغان می‌کشد



خار را اقبال بین هر لحظه در پای گل است
بلبل شوریده دائم درد هجران می‌کشد
زاغ را اندر قفس کردن کمال ابلهی است
آنکه چون طوطی شکر خوار است زندان می‌کشد
بر زلیخا خوش بود گم گشتن یوسف ولی
آه از آن آهی که هردم پیر کنعان می‌کشد
قصهٔ خواب ای جوان از دیدگان من مپرس
کو ز شب تا صبح نقش ماه تابان می‌کشد
از کمند چین زلفش بیم جان دارم ولی
این حریفم عاقبت ترسم ز میدان می‌کشد
دوش پیرم گفت دل بر شاهد دنیا مده
این صنم را در بغل این می‌کشد آن می‌کشد
طوق زرّین بهرهٔ سگهای ابراهیم شد
ناقهٔ صالح جفای سنگ دونان می‌کشد
هردم از نوبر دلم زخمی زند صیّاد دهر
مرده‌باد آنکه ز دونان منّت نان می‌کشد
ای کریمی اختیار دل به اهریمن مده
پیرو آن شو تو را بر سوی یزدان می‌کشد

بازنشسته‌لر گلور

مسجده بولمورم ندن عاجز و خسته‌لر گلور
کارفتاده‌لر گلور بازنشسته‌لر گلور
بِل اگیلوب اوراق کیمی اوچ قچی واردی دورد گوزی
تئز تئز اوشاق کیمی کوسور قلبی شکسته‌لر گلور
نسل جوان قویوبدی یوز طویلارا، سینمالره
گئت اورا گور نه قاره گوز قامتی بسته‌لر گلور
دول نمازا یازیق قوجا کئف جوانین دعا سنون
طویلارا اوینویوب چالان، یاسلارا خسته‌لر گلور
دار ایاقندان اوشقونان دار فنادن ال چکن
بیر دری سورسوموک دولی بیر قوزو هسته‌لر گلور
جیبده نه بیر تومن پولی نه سینمایه وار پولی
آغزی قورو، بورون سولی شُسته نشُسته‌لر گلور
طویدا سوویب جوانلقین یاسه چکوب یاوانلقین
گور نئجه پهلوانلقین بند گسسته‌لر گلور
هر کس الینده بیر چلیک دیزده یاماق پاپاق دلیک
بیت خدایه یول وئرون دسته به دسته‌لر گلور





کسه بولمز

شاعر قباقین بیشه‌ده اصلان کسه‌بولمز
جوشقون ئوره‌کین سهملی طوفان کسه‌بولمز



سرنیزه دوشر وحشته کسگین قلمیندن
کسگین دیلینی خنجر برّان کسه‌بولمز
قوی آخسین آرازتک یوزیمه قانلی سرشگیم
عشقیمده اولان شعله‌نی باران کسه‌بولمز
توپراقیمه قلبیمده منیم وار بیر علاقه‌م
بو عشقی آراز سهلیدی عمّان کسه‌بولمز
آذربایجانیم ایکی یولدی، ایکی قولدی
دشمن، قولی قولدان، یولی یولدان کسه‌بولمز
بیر یاخشی فدا آختاریرام یاریمه لایق
دنیا دیه هئچ کس بیله قربان کسه‌بولمز
جاندا نه لیاقت اولا جانانیمه قربان
جان گرچه چتیندی هامی آسان کسه‌بولمز
خیّاط غم آلسا اله مقراض عداوت
عشقون توخویان رشته‌نی بیر آن کسه‌بولمز
دین پرچمی دنیا بویی افلاکه اوجالسون
کفرین اوراقی خوشهٔ ایمان کسه‌بولمز
قیلاّم آرازین اُستونه ئوز جانیمی کورپی
بو کامل اولان عشقیمی نقصان کسه‌بولمز
باخما که دوشوب بیر یانا باش بیر یانا پیکر
ایراندان علاقه شکی شروان کسه‌بولمز

جان نخجوانیم، اوردوبادیم، لنکرانیم جان
وصل عالمینون ذوقنی هجران کسه‌بولمز
باخدیم آرازین آخماقنا گوز یاشیم آخدی
اشکیم قاباقین سدّ یوخ امکان کسه‌بولمز
بیر لحظه‌سینون لذّتنی عالم وصلین
ائللر بویوجا زهریلی هجران کسه‌بولمز
سندن زنوزین آلماسینون عطرینی آلاّم
بو عطری گوزل دستهٔ ریحان کسه‌بولمز
چوخ باخماگلان سیب زنخدانه کریمی
گر چه یوموشاقدی هامی دندان کسه‌بولمز

حرف حسابی

او کیشی بیر قیز آلوب بیرگوزی چپ
گئجه ایستوردی که سالسون ...
دئدی صد حیف بو عالی اوطاقا
باجاسین ایری قویوب بنّا آقا
قیز دئدی باخما که چپدی بوخاری
توستونی دوز چکه‌جاقدور یوخاری
سن دیلین دوزلوقین آختار سؤزولن
ال دوز اولسون نه ایشون وارگوزولن
گوز چپ اولسا آزیوی چوخ گوره‌جاق
ال چپ اولسا واریوی یوخ گوره‌جاق
ال اگر ایری اولا وای حالووا
ائده‌جاق گونده خیانت مالووا
دل اگر ایری اولا زحمتی وار
مالووا هم جانووا آفتی وار
اوطاقون عالیدی چیخ باخ اوجادان
تک بیری ایریدی دوقّوز باجادان
سنه منظور نظر بیر باجادی
اودا سالمدی که باشیم اوجادی
کاش انساندا فقط چپ گوز اولا
عوضینده هامی اعضا دوز اولا
ای کریمی دوز اوتور دوز دئگیلن
دوز قازان دوز یولا گئت دوز دئگیلن

اوخو بلبل

هر چند گُلون یتدی خزانه اوخو بلبل
سولموش گُلی یاد ائت یانایانه اوخو بلبل



یانمش ئوره‌گوندن اوجالان ناله‌وه قربان
باخ گلشنه بیر ئوزگه ترانه اوخو بلبل
پرپر داغیلان گللره باخ یل قباقندا
فریاد ائله گل شور و فغانه اوخو بلبل
باخ گور ساری یپراقلاری غلطان سو اوزونده
وار شیونوه الده بهانه اوخو بلبل
گلشنده سو یوخ یللر اسور ساکت اوتورما
ائت اشکوی رخساره روانه اوخو بلبل
هر گللی بهارین دالی بیر غملی خزان وار
بیر حالده قالماز بو زمانه اوخو بلبل
مرگ ارّه‌سی کسدی کوکونی بو قوجا سروین
هر گون وئره‌جاق بوللی جوانه اوخو بلبل
یوخ مهر و وفا کلمه‌سی قاموس جهاندا
بئل باغلاما دل وئرمه جهانه اوخو بلبل
عشقین اَلووی چکدی زبانه ئوره‌گیمده
وصل اولماسا سؤنمز بو زبانه اوخو بلبل
سیمین قفسوندن نفس آلاّم نفسوندن
دنیا بویی افسوندی فسانه اوخو بلبل
اشعاریله وئر تسلیت «انزابه» «کریمی»
بلکه دوشه طبعی جریانه اوخو بلبل

«انزابدان بیر غزل» دنیا دوشونن کلّه‌لری دربدر ایستر

پر بسته گونول طایری پروازه پر ایستر
مایلدی قفسدن چیخا سیر و سفر ایستر
وحشتلی خبرلردن اولوب منگ قولاغیم
یارین یولی اوسته آسیلی خوش خبر ایستر
محنتلره قارشی ایکی ال بیر باشیم اولموش
بونلان بئله مندن دلی گوگلوم نه‌لر ایستر
دوز آنلامش اولسام یتیشوب یاریمه آفت
یارب گونول آفتدن اونی برحذر ایستر
جانا گتور آتشدانی سال یاره ئوزرلیک
سوء نظرین دفعینه حرز نظر ایستر
یاندیق مله‌دیک هر ایکیمیزده هره بیر جور
گویا بیزی عفریت زمانه ملر ایستر
مینلرجه بلا یوز وئره دل شکویه آچما
تسلیم اول او امره که قضا و قدر ایستر
منّت یوکی باور ائله داغلاردان آغیردی
چکماقه بو سنگین یوکی قالین کمر ایستر
آلماز دالی وئردیکلرینی اولماسا گر، دون
آخشام وئرن آسایشی گردون سحر ایستر
بیهوده حساب ائتمه بو مجموعی پریشان
دنیا دوشونن کلّه‌لری دربدر ایستر
هر نیلیاخ ال چکمیه‌جاقدور یاخامیزدان
قیزمیش قره‌واش مثلی نوکردن ذکر ایستر
عفو ایله اوزاقدان خبریم یوخدی خبردن
یوخسا سنی گوگلوم جگریمدن بتر ایستر
انزابی رضا اولما فراقون آجیلاتسین
بو کلبۀ ویرانیه سندن گذر ایستر

کریمی‌دن، انزابا، جواب:
ئل شاعریم جامعه مندن هنر ایستر

صرّاف سخن دُرج دهندن گهر ایستر
شیرین دل آچا طوطی طبعیم شکر ایستر



زلفون شب قدریمدی یوزون مطلع فجریم
هر حالده گوگلوم سنی شام و سحر ایستر
بیر تل خط آچوب ماه جبینون وسطیندن
گوستر اونا که معجز شقّ‌القمر ایستر
فرهاد ئوزیوی چکمه‌گیلن سنگر سنگه
عشقیله نبرد ائتماقا جاندان سپر ایستر
مردانه دایاننام صدمات حملاته
تحصیل رضا سِلم قضا و قدر ایستر
آئینۀ اسکندره، جام جمه باخما
هر آینه هر آینه صاحب نظر ایستر
گئت وادی امواتی دولان هر شب جمعه
بیر کورپیدی هر عابر او یولدان گذر ایستر
هر سینه بیر آئینه‌دی هر جمجمه بیر جام
امّا ائشیدوب گورماقا سمع و بصر ایستر
قالمش بو یاخام نئچّه طلبکارین الینده
مندن طلبین مدّعی‌لر سربه‌سر ایستر

نفس امر ائلین ایشلری نهی ایلوری عقلیم
عقلیم دییوری خیر عمل ائت، نفس شر ایستر
اوغلان قیز آلوب دوره‌می هی جنگ و جدلدی
دامن بلوز و کیف و کلاه و کمر ایستر
دوسلار باشاباش منتظر نامه‌دی مندن
ئل شاعری‌یم جامعه مندن هنر ایستر
غار ایچره دمیر قیناغا بنزر ملک‌الموت
چنگالین آچوب جانیمی آلماق مگر ایستر
قبر آغزین آچوب جسمیمی بیر لقمه تک اوتسون
تنها عمل خیر ائده دفع خطر ایستر
بیرگون دئدی آرواد، کیشی‌لقدان خبرون وار
اَل شالوارا آتدیم بئله بولدوم ... ایستر
گولدی دئدی بیچاره او که بیر ئولی موش‌دور
داش باشوه ایمدی کیشی‌لیق سیم و زر ایستر
دونان جهان دون بیچیر انسانه دونانه
دونانی دونانیله زمان مفتخر ایستر
بو گوشهٔ عزلتده سخیلدیقجا بیخیلدیم
گوگلوم گینه «انزابله» سیر و سفر ایستر
ختم ایله کریمی داخی کش وئرمه کلامه
منطقده بیان اهلی سؤزی مختصر ایستر

یوخدور بونی بیل دوزین زوالی

آچما گلنه او گُل جمالی گُل هر گلَن ایگلسه سارالی
عورتده گوزل تمام اعضا عورتدی اسافل و اعالی
گوگلوم قوشی چرپنور گورنده قرمز لبون اوسته قاره خالی
افطارین آچار فقیه اعظم گورسنسه اونا قاشون هلالی
بو شوخ م....لرده گور طبیعت قاتمش نه گوزل سودیله بالی
نقش اولسا اگر قیامت ایلر تابلودا بو قامتین مثالی
بو گوز بو یریش ائدر خجالت داغ داشداکی کهلیگی مارالی
بو مقنعه ایلمز کفایت گیزلتماقا ناری پُرتقالی
چادر شبی سال نقابین اوسته ای دشت وجاهتین غزالی
شهلا گوزیوه گوزوم دوشندن قویمور یاتا گوزلرون خیالی
سن باخما بیر عدّه سودجولر قاتمش بو شریعته خلالی
نامحرمه بیر توکون گورونسه وار حشرده بیر توکون سئوالی
بو نفس ایکی باشلی اژدهادی سایماز بو عبالی لااُبالی
محشر گونی سربلند او کسدی وار سینه‌ده اِتّقوا مدالی
سعی ایله بو عاریت ائویندن گئتمه او دیاره دستخالی
انسانین اوغول بهایمیله تقواسیدی فرقی هم کمالی
دوزلقدی شرف ایکی جهاندا یوخدور بونی بول دوزین زوالی
اللّهی کریم بولوب اوتورما سوزاندی جهنّمون شعالی
گر اهل ربا و غیبت اولسان دریا آریدانماز اول وبالی
قهر ایلمه یوز چوویرمه مندن یکساندی گولون قباقی دالی

ای عاشقینون قیزیل قانیندان کَهلیک کیمی ال ایاق حنالی
آچ بستری باغلا هر شکافی سال پرده‌نی ائت اوطاقی خالی
حسرت اوتی داغلاسین فراقی هجْرانه مقدّم ائت وصالی
عمرونده غنیمت آل فلکدن بیهوده گئچیتمه ماه و سالی
وصل اهلی همیشه خلوت ایستر آختار حالی بوشلا قیل و قالی
هر نوشینه نیشی وار جهانین ایجاد ملالدور جلالی
هر نوشینه نیش صد مقابل هر جاه و جلاله مین ملالی
بیهوده‌دی سهل و مشکلاتی افسانه‌دی ممکن و محالی

افسوس کریمی‌ده قوجالدی
سیندی سازی ییرتیلوب قاوالی



هشدار

بد مکن بد باشد آخر کیفر کردار بد
نام نیکی بَر از این عالم منه آثار بد
تا توانی دور باش از افت و خیز یار بد
در حقیقت یار بدتر بُود از مار بد
یار آهنگر مشو همصحبت عطّار باش





چتین‌لردن چتین

یالقیز یاتاسان کهنه دگیرماندا چتیندی
کَسسه قاباقون اوغری بیاباندا چتیندی
دمپایه گیوب قاردا یاغشلیقدا جورابسیز
خوتسوز یاشاماق فصل زمستاندا چتیندی
قیز مدرسه‌سینده سوبای اوغلان خدیم اولماق
یانماق هوس وصلت جاناندا چتیندی
ماه عسلی تازه عروسیله شمالدا
بیردن کئف ایته کئف قالا نقصاندا چتیندی
جادوئیله باغلی چیخاسان طوی گئجه‌سینده
دلبر قاباقوندا یانا حرماندا چتیندی
یا دفعتاً اِنزال اولا اِدخالدن اوّل
بنزین قوتارا اِل قالا فرماندا چتیندی
طویدا چزه‌سن هی وورالار سیلی باشیندان
یاسدا گوله‌سن شدّت افغاندا چتیندی
حمّامده سو قطع اولا تنویر بدنونده
ال گویده قالا گوزلرون افشاندا چتیندی
یولدا اولاسان آنلاماز انسانیله یولداش
هی قورا چکه بینوه هر آندا چتیندی
چک، سفته کشودا قالانا قالمیا بیرزاد
انسان الی قولتوخ گزه دُکّاندا چتیندی
قاره گینوب اوخشیاسان خانچا طویوندا
دونبک چالاسان شام غریباندا چتیندی
سایدیم بو چتین‌لیقلاری سسلندی کریمی
پروانهٔ کسب آلماق اولارداندا چتیندی

ای شعر نو ایجاد ائلین عقلوه احسن

ساقی منی مهمان ائله بیر ساغره خاطر
دولدور منه پیمانه گتور دلبره خاطر



سنده دور ایاقه هله ای نازلی نگاریم
پیش میزی قلمدانی گتور دفتره خاطر
آچ پنجره‌نی جانیمه صُبحین یلی دگسین
غرّا صلوات عرض ائله پیغمبره خاطر
هر چند سفرنامه داخی یازمیاجیدیم
یازدیم بو کیچیک قطعه‌نی، نور آذره، خاطر
شهریور آیی شهریارین ایل دونومینده
گئتدوخ گینه تبریزه همان سروره خاطر
پیمان، پاشازاده، داخی نورآذریلن من
عبّاسیده گوتدی ساکینی بیزلره خاطر
تبریزده تازا دوسلاری تاپدی بیزی آتدی
تک قویدی هتل‌ده بیزی تک داوره خاطر
هر چند دئدوخ گل بو داشی توک اتگوندن
غربتده بیزی آتما آدون حیدره خاطر
پیماندا اکیلدی تاری بیلسین هارا گئتدی
شاید نظری سوقاتمش همسره خاطر
بیر کهنه طیر تاپدی هتل‌دن پاشازاده
هی گزدی اونون دوره‌سینی پنچره خاطر

نیلوفر آدیندا قیز اوشاقین دِله دوتدی
ایستلله همیشه اوشاقی مادره خاطر
اوچ گون شعرا وئردیله ترتیب محافل
صرّاف سخن شاعر نام‌آوره خاطر
بیر پخمه مرید دوتدی بیزیم مَنَتَشه‌میزدن[1]
گئتدیم هارا دوشدی دالیما مِنتره خاطر
بعضی تازا شاعر گویروبدور آمان اللّه
نه شرمی، نه اوستاده قویور بیر کره خاطر
نه قافیه نه وزن قانولاّر نه‌ده صنعت
اصلاً نه قویولاّر دوزا، نه شکّره خاطر
ای شعر نو ایجاد ائلین ذاتوه لعنت
قانلار قورودی سنده اولان نشتره خاطر
افسانه اوخورسان بیزه یا بوخچی سوخورسان
قورتار داخی شهزاده علی‌اکبره خاطر
یا قانتوریلان چک بونی یا آرشینلان اولچ
یا حرفینی سای شوقریبون لنگره خاطر
بو شور و حجازیله جماز اوسته اوخونماز
مین ائشّگه جاز اوسته اوخی عرعره خاطر
س.... غزلین داد دوزونا قویمادون اصلاً
بلبل، گُله، نه ساقیه، نه ساغره خاطر
عمرینده فقط بیر بونا دلخوشدی کریمی
مدح ایلمیوب بیر کسی سیم و زره خاطر

۱-منتشاء - یا منتشه چوب ناصاف و گره داری است که درویشان به دست میگیرند

یاشا

آی گوزه‌لیم آز یاشا آزاد یاشا
دملی یاشا ساز یاشا دلشاد یاشا



قارنی گورن یوخدی بو توخدی یا آج
بوشسا جیبون آغزی دولی داد یاشا
هانسی ائوین وار دوشونن صاحبی
من دییرم آی بئله اوستاد یاشا
آروادی اَر ساخلار اَری آروادی
یاخشی اَر ئولمه، گوزل آرواد، یاشا
قلبون اگر آغلاسا گولسون گوزون
دوس سُوینه غصّه‌لنه یاد یاشا
دنیا یالان دنیادی سن جهد ائله
قویما ئوزوندن قالا پیس آد، ساشا
ال اله گر چالسا آقایلان خانم
تربیت ایلر گوزل اولاد، یاشا
هر سؤزی شیرین دیلینن سویلدون
ئولمه کریمی ائوون آباد یاشا

تاپارام

خوش او گوندن دولانوب دردیمه درمان تاپارام
چاتارام عافیته صحّت شایان تاپارام



یارارام تیشهٔ فرهاد کیمی صخره‌لری
خون دل صرف ائلیوب لعل بدخشان تاپارام
سیندیروب طلسم ظلماتی سکندر سیاقی
خضر تک تشنه گزوب چشمهٔ حیوان تاپارام
دُوْزه‌رم سهملی طوفانلارا غوّاص کیمی
قعر دریایه جوموب لؤلؤ مرجان تاپارام
ظاهر و باطنی عاری ائده‌رم عاریه‌دن
یترم معرفته رتبهٔ عرفان تاپارام
سالارام بارماقا انگشتر فتح و ظفری
دیوی سرکوب ائلیوب جاه سلیمان تاپارام
نیلورم عالم خاکی‌ده اولان جیفه‌لری
ملکوته پر آچوب خلعت الوان تاپارام
عاشقم دعوت یا اَیَّتُها النَفسه ولی
نیلیوم لطف ائلسه حضرت منّان تاپارام
غربت ایچره وطن آواره‌سیم خانه‌بدوش
بیر گون ئوز گمشده‌می آختاروب آسان تاپارام
عَمریله زیدیله آخر نه ایشیم واردی منیم
بوشلارام کثرتی بیر خلوت پنهان تاپارام

سویونوب کسوت آلایشی آرامشیله
گوزل آرایش ائدوب خدمت سلطان تاپارام
منّته دگمَزیمیش سفرهٔ دونان زمان
گزه‌رم بیر اَبَدی سفرهٔ احسان تاپارام
هوسیمدور اولا آزاد قفسدن نفسیم
گلشن وصله چاتوب سنبل و ریحان تاپارام
من کریمی‌نسبم دوستی گوزوندن تانیرام
من سنون مثلوی بو عصریده هاردان تاپارام



تجنیس

اینجیدور دینگلده‌دور یابو منی
یا من ئولدیرّم بونی یا بو، منی
یوخدی بیر کس تا یتورسون خرمنه
تا منی راحت یتورسون خر، منه
سویلدیم اغیُاره یارا اولمارام
سویلدی دیللنمه رام اول اولما، رام
قیش گلر دائم قار اوستن قار قالار
لال اولار بلبل قاریلدار قارقالار

اولاجاقدور

نَقَدر خون دلیم اشگیله تخمیر اولاجاقدور
نقدر نقش رخون سینه‌مه تصویر اولاجاقدور



نه زمان وصل نسیمی اسه‌جاق باد سحر تک
بو یاتان بختیم الٰهی یوخودان سیر اولاجاقدور
دامن‌آلوده، چتین یول تاپا خلوتگه رازه
نه زمان قانلی اتک کُرّیله تطهیر اولاجاقدور
گوگلومین قلعه‌سینون اوسته یازیلمشدی ازلدن
که بو کشور سپه عشقله تسخیر اولاجاقدور
سر کویونده وصالوندن اُتور عَاشق زارون
اوقدر اگلشوب آخرده زمینگیر اولاجاقدور
نقدر واردی نگاریمده قاش اویناتما قلج تک
یاراجاق باغریمی پیروز قانا شمشیر اولاجاقدور
یار گلینجه گوره‌سن قرقی اوچوب شیروانی آشدی
آغ گونوم قاره‌لنوب قار گوزومه قیر اولاجاقدور
صبر مِفتاحِ فَرَجدور بو حدیث نبوی‌دور
بو جوجوق، مکتب عرفاندا هاچان پیر اولاجاقدور
خواب غفلتده اُویان بانگ خروسیله اویانماز
نغمهٔ مرغ سحر داروی تخدیر اولاجاقدور

صبریلن حلوا پیشر ای غورا سندن بو مثلدور
باغبانین حلوا پشینجه زِبَری زیر اولاجاقدور
فلکین جهره‌سی توت یپراقین ابریشم ائدینجه
یاریمین قاره ایپک ساچلاری زنجیر اولاجاقدور
بیر نفر یوخدی گله ایلیه اقرار که: اولدی
گلن امّا چیغیرور ایلوری تقریر: اولاجاقدور
یار وئرن وعده‌لرین دوقّوزی اون‌دان یالان اولدی
تک بیری قالدی دوز اولسا اودا چوخ دیر اولاجاقدور
هر آغزدان یاییلان سؤز بابا حکمت دادی وئرمز
هامی دوشدن ساغیلان سود دئمه سرشیر اولاجاقدور
او قدر تیر گیروب چیخدی آبان گئچدی دِی اولدی
صبریلن آی گونی سایدوخجا طنف تیر اولاجاقدور
باخمیون صورته بیر شیر وئرر دورد یره معنی
دورد رقمدن بیری جنگلده یاتان شیر اولاجاقدور
اولموشوخ بیز که قضا و قدرین امرینه تسلیم
خوش گلوب هر نه گلوب ایستسه تقدیر اولاجاقدور
بابامیز هاردا آش اولسیدی او اوردا باش اولاردی
بئله بوللم نوه‌سی هر آشا کفگیر اولاجاقدور
آرخیین اولما بو ویرانه دل آباد اولا بیرده
بیرده کَسرا طاقی هاردان داخی تعمیر اولاجاقدور
ایکی مین بش یوز ایلی صبر ائلیوب بینوا ملّت
که او چلپاق گینوب، تازه بو آج سیر اولاجاقدور

هله کیم پارت و پلو پول هواسی وار باشمیزدا
ایشیمیز رنگ و ریا حیله و تزویر اولاجاقدور
گئچینون قیل قَزیلین چال داراغا فابلا صابونلا
که بو بیر گون توخونوب طاقهٔ کشمیر اولاجاقدور
حضرت خضر دیبین بئل‌لَسه موساده، سو وئرسه
اومید اولما سوویدون میوه‌سی انجیر اولاجاقدور
خنجر شمر ستمکاره یازیلمشدی بو جمله
هر کیم ایمان آدی چکسه بئله تکفیر اولاجاقدور
نقدر شکّریمیز دوز یرینه ایشلنه‌جاقدور
حنامیز همسایا د...... تنویر اولاجاقدور
نقدر خلقیمیزی هر گ... شلوار ائده‌جاقلار
نقدر ملّتیمیز هر د... ل... اولاجاقدور
خوش او شخصین حالنا کوچ ائلینده بو جهاندان
ئوزی خرّم یوزی خندان سؤزی تکبیر اولاجاقدور
یایدا ایستی نفسون چکمدی «انزابی» «کریمی»
آه سردونده سویوق قشدا نه تأثیر اولاجاقدور

گلایه

دوستوم آماندی ساتما اوجوز کهنه دوستووی
فکر ایلمه ماشین ساتان ایمدی سمند آلار
رفت‌آمدیله یاد گوروسن یار اولور گوزل
سن گلمه گلمیوم گوراق ایش هاردا بند آلار
دوسلار قولومی باغلاسالاردا داریخمارام
یارین چوخ ایستیین قولونا دستبند آلار

آتدیم اللّه خیر وئرسین

من باشیمدان هر هوانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
دلده‌کی ذوق و صفانی آتدیم اللّه خیر وئرسین



چکدیم ال میخانه‌لردن زهریلی پیمانه‌لردن
مسجدی هم سینمانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
هئچ یوزوم گولمور قبادن عیبیم اورتولمور عبادن
هم قبانی هم عبانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
باغلادیم نطق و بیانی ساخلادیم طبع روانی
دفتر مدح و هجانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
اقربالردن سیخیلدیم آشنالردن بیخیلدیم
قوم و خویش و اقربانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
اغنیا منلن گوروشمور اتقیایه ال یتیشموز
اتقیانی اشقیانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
یارکوسوب منلن باریشماز گوگلوم اغیاره قاریشماز
کیف و کم چون و چرانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
هر مجالسدن سلامت گوشهٔ عزلتدی عزلت
قیل و قالی ماجرانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
عشقی جانانین همیشه جانمه سالمیشدی ریشه
فکر جانانیله جانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
مرسی به‌به آفرین‌لر کیفسه‌دی آنباردا مین‌لر
حبّذانی مرحبانی آتدیم اللّه خیر وئرسین

چیریدیم شربت پلودان کفته‌دن باللی چلودان
سفره‌لردن اشتهانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
گرچه پول مشگل گشادی حاجتیم پولدان روادی
مشگلی مشگل گشانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
اجتماعه چوخ قوشولدوم هایهودن ناخوش اولدوم
مجلس عیشی عزانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
نصفی عمرین گئتدی باده زنده‌باد و مرده‌باده
ایمدی نفرین و دعانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
دوس تاپولسا کیمیادی سیمیادی لیمیادی[1]
ریمیانی هیمیانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
دوردی ساحرلر یولومدا منده اسم اعظم قولومدا
فوری موساتک عصانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
بسدی احسن بارک اللّه نامخدا بَخٍّ ماشاءاللّه
شوق تشویق و ثنانی آتدیم اللّه خیر وئرسین
بنده دوشسم من کریمی سسلرم ربّ کریمی
غیر از اللّه ماسوانی آتدیم اللّه خیر وئرسین

۱-کیمیا سیمیا لیمیا ریمیا هیمیا ۵ رشته از علوم جفر است

یرآلمانین باهالیقی و آلمانین اوجوزلقی
آلمایلان یرآلمانین مکالمه‌سی

گل بیر سولویاخ کُشتیه میدانی یرآلما
گور کیم گتورر توپراقا آرخانی یرآلما



طویلاردا گلین‌لر باشنا خوش آتیلان من
انواع مربّایه شکرله قاتیلان من
بازاریده هر میوه‌دن ارزان ساتیلان من
مندن پیشیرر خلق مربّانی یرآلما

یوز دردون اولا اللی‌سینون درمانیام من
کم اشتهانین پیر ضعیفین جانیام من
بوندان بئله، ائولرده بوگون قینانیام من
هئچ کس حسابا قویموری آلمانی یرآلما

ائولرده نئجه قینانانین یوخدی وقاری
ائو اهلی اوجور اَیری باخولاّر منه ساری
حتّی منی مرتدّ بیلور میوه فشاری
سویمور اودا وورسون منه دندانی یرآلما

بیر گون اوشاق آغلاردی دییردی منه آلما
تاپسیدی دییردوز قابیقین سوی یره سالما
آرواد دیور ایمدی کیشی آلما دئدیم آلما
امّا بزیوب سفرهٔ اعیانی یرآلما

آخ سن بو ایل هاردان بو قدر رتبیه چاتدون
حاصل‌لر ایچینده دالی یانمش باش اوجاتدون
گئچدون کوپنه قندوشکر تک ئوز آغاتدون
حسرت قویان ئوز وصلنه شوربانی یرآلما

بو عطریله خوش‌رنگ و لطافت نه‌یه لازم
بو نقشهٔ زیبای طبیعت نه‌یه لازم
انساندا که شانس اولمادی لذّت نه‌یه لازم
درده چیخا بو صورت زیبانی یرآلما

بش گونده وئروب دور زمانه سنه فرصت
گیر اشقابا چیخ بشقابا یات پستودا راحت
دنیا بئله گئتمز گئدر الدن بو ریاست
بیر گون توکولر کوچیه مجّانی یرآلما

گر پَست الینه پُست ریاست دوشه زینهار
گویا که دوشوب مست الینه خنجر خونخوار
وای بینوا سربازه بیچینچی اولا سرکار
بیر مرسیه چالخار قانا دنیانی یرآلما

من دنیانین آلچاق اوجاسین گورموشم آزماز
بش گون الیمه فُرجه دوشه کهلیگیم آزماز
گون قیمتینه روزی ییور قوم کلک‌باز
بش‌گون‌ده ائشیت «مرگ بَر آلمانی» یرآلما

فیرلانمادی چرخ فلکین رسم و قراری
پیوسته‌دی بیربیرلرینه عزّت و خواری
ایمدی منی ییخدی سنی قالخزدی یوخاری
حلّ ایلین اولموب بو معمّانی یرآلما

بیر گون منی ساخلاردی خانم پانبوق ایچینده
لای‌لای بوکولردیم کاغاذا صندوق ایچینده
سن اوندا دلیک پاسلی قازاندا بوق ایچینده
دوتموشدی سیزیلتی سسون هریانی یرآلما

من قالمیشام ایمدی اینک ائشّک قباقیندا
آشقالخانادا یا که آخورلار بوجاقیندا
سن گاهی فریزرده گهی گاز اوجاقیندا
مین مرکبیوی چاپ هله میدانی یرآلما

بیر عدّه یازیق سندن اُتور صفده دوررولاّر
اوچ ساعت اایاق اوسته دوررولاّر اوتوررولاّر
اللرده کوپن ذلتیله بوینی بوررولاّر
گویا ائده‌جاق دردینه درمانی یرآلما

مستضعفین اوغلوم سنیدون شام و ناهاری
وئردون ئوزیوی سنده که مستکبره ساری
بیر عصریدی چایلار آخوری باشی یوخاری
اَعلایه فلک میندیروب اَدنانی یرآلما

بش گون اله بیر رشته سالوبسان قودورروبسان
ای کاش گوریدیم قره‌لوبسن سوووروبسان
هئچ بیر من ئولوم آینا قباقنده دورروبسان
باخ طهریوه خجلت چک آتان جانی یرآلما

بومدان قوتولان ملّت عجب ئولمدی قالدی
صفلرده یرآلما تلیسین چیگنینه سالدی
پیروزلقی اوندایدی که سهمیّه‌سین آلدی
دلشاد ائلدی خلق پریشانی یرآلما

یوخ سنده لیاقت اولاسان بگلر الینده
شاعر سنه تشبیه ائده یارین غزلینده
یا عطریوی توصیف ائده عاشق مثلینده
یا تحفه وئره یارینه جانانی یرآلما
ختم ایله کریمی ئوزیوی زحمته سالما
باشدور بیزه یوز بیت‌دن اوچ‌کیلو یرآلما
هر پاسلی قفللی ییه‌سیز قاپلاری چالما
چوخداندی چکوب باشنه یورقانی یرآلما
بیر عدّه دوتور قاش یاخور انسانه کومیردن
بیر عدّه سئچَنمیر قیزیلی پاسلی دمیردن
تشخیص وئرن آزدی زامسقایه خمیردن
ملّتدن آلوب دَرکی کَماکانی یرآلما

یرآلمانین آلمیا جوابی

وورما منه بیجا بو قدر تهمتی آلما
البتّه منم سفره‌لرین زینتی آلما



من چکمرم ال روز ازلدن فقرادن
بیر عدّه وورروبلار منی انباره جفادن
باعث اودی بو ایل خجل اولدوم شعرادن
یول وئرمدی زندان تاپام اول حضرتی آلما
یوخسول پشیرردی سحر آخشامه یرآلما
صبحانیه هر گون ناهارا شامه یرآلما
ایمدی بورونوب حاجی‌تک احرامه یرآلما
آرتوبدی مقامی شرفی شوکتی آلما

یادوندادی بیر ایل منه ئوز وئردی نه ذلّت
تکفیریله توکدی منی تای تای چایا ملّت
کفران ائلماق نعمته اولدی بونا علّت
شُکر اولماسا حق الدن آلار نعمتی آلما

سن بینوا با اینکه اوتوز رنگه دوشورسن
گه کمپوت اولورسان گهی شربتده پشیرسن
گه سرکه‌ده گه ترشیدا خُملاردا شیشورسن
بعضاً هله کئفلندیریسن ملّتی آلما

چوخلار سنه آلاّندی ائدوب شغلینی تعطیل
هی بوغدالقی آلمالقا ائتدیله تبدیل
نان فکرینه دوش خربزه آبست یقین بیل
آجلقدا دویورماز آجیخان امّتی آلما

هر ملّته امداد ائلین بوغدادی بوغدا
هر کشوری آباد ائلین بوغدادی بوغدا
غمدن بیزی آزاد ائلین بوغدادی بوغدا
بیر بوغدویا ساتدی بابامیز جنّتی آلما

توپراقدان اولان توپراقا ناز ائتسه خطادی
توپراق کیمی اَسگلمه سلوک عرفادی
ئوزگه قیزینون باشنه قاخماق نه ادادی
لاپ شرمی ییوب وئللەمیسن غیرتی آلما

فوّاره اوجالدیقجا گلر باشی اشاقه
باشه آتیلان آلما دوشر بیر گون اشاقه
گیج تک دالی قالما بیج اولوب گئچمه قباقه
حدّ وسطی حفظ ائله تاپ عزّتی آلما

هر قینانا حفظ ائتسه اگر شأن و وقاری
اوخشاتماق عبثدور اونا آلمایلا اناری
خالص قزیلین مثلیدی کاملدی عیاری
واجبدی عروسه آنانین حرمتی آلما

دوز قینانانی، اَیری گلین قویماز حسابه
پیس قینانا شایسته‌دی هر گونه عذابه
خائن گلینون قول قچینی باغلا طنابه
اوچ مرتبه‌دن سال زده‌لنسین اتی آلما

هئچ میوه‌ده یوخ سنده اولان کبر و افاده
هی رنگ وئروب رنگ آلیسان گوندن هواده
من تک اولا گر مصرفون عالمده زیاده
قالخاردی یوزه بیر داناوین قیمتی آلما

حیوان او قدر قوتلیدی قارنون سارالوبسان
بُخل و حسدوندندی که بو حاله قالوبسان
میداندا سبدده قوخویوبسان قارالوبسان
سویلور کیشی آلاّم چغیرور عورتی آلما

من هر نه یکلسم ئوزوم ئوز قیدیمه قالاّم
سنگین‌لقی رُشد ایلدیقیم توپراقا سالاّم
نه شاخه‌می یولدان گئچه‌نین باشینه چالاّم
نه تکیه‌مه وئرّم هاچیا زحمتی آلما

وابسته آدام دم کیشی‌لقدان وورا بیلمز
غیره دایانان ئوز قچی اوسته دورا بیلمز
قرص اولسا آغاج هر یل اونی سیندیرا بیلمز
گر اولسا ئوزین ساخلاماقا قدرتی آلما

من قازما، کُلُک بئل ضرباتینده دایانانام
دهقان بئلی هی کَلّه‌مه زیخلار یارالانانام
گاهی خانمون انگی قیزار صحبته یاننام
توستوم بوغار آشپزخانادا کفلتی آلما

پاسپورتیمی[۱] وئرمولله اولام خارجه عازم
چون قانمیان انسانلارا خدمت نه‌یه لازم
آنباردا منی حبسه ووروبدور حاجی کاظم
زنداندا ددم یاندی چوروتدوم اتی آلما

سن کیم بالا من کیم نه‌دی بو اخم و افاده
من مزرعه‌ده توپراق ایچینده سن هواده
من زیرزمیده سن سینی‌لرده سینماده
تئز چک قمیشون وئرمه منه زحمتی آلما

بیر ایل سوغان ایستوردی قویا منله رفاقت
ووردوم کفلیندن دئدیم ای پست طبیعت
گئت ای ات آجی ایستمورم سنله قرابت
دوتمازدی منیله سوغانین وصلتی آلما

هر بابلی بابین تاپماسا دل کامه یتیشمز
بیهوده قالار ایشلری انجامه یتیشمز
چون آدرسی ناقص یازیلان نامه یتیشمز
ساخلا نظرونده بو گوزل صحبتی آلما

۱-صدور سیب زمینی به خارج از کشور ممنوع اعلان شده بود

تحدید کشاورزی ائدیر یوز جوره آفت
نه آلما یرآلما قالاجاق بیل نه زراعت
حاصللی آغاجلار قریلوب اولدی عمارت
نه سو نه داوا نه اکینون قیمتی آلما

شکر ایله‌گیلن خالق منّانه کریمی
نعمتلر عطا ایلیوب انسانه کریمی
هر نعمتنه فرضدی شکرانه کریمی
یارب الیمیزدن وئریلن نعمتی آلما

سودمند اولار

هر نقطه نکته‌سنجه مکاتبده پند اولار
شیرین نفسلی زهره نفس سالسا قند اولار



بیر عدّه مال و ثروتینه فخر ائدر ولی
علم و کمالیله یاشیان سربلند اولار
اللّه سوون صفتدی تواضع عمومدن
امّا بویوکلر ائتسه‌له چوخ دلپسند اولار
رندم باشیم سرینسه‌ده مکریله دلخوشام
رندین باشین عمامه‌لینده «مرند» اولار
چوخلار سریر سلطنت اوسته باشین، سریر
هر باش سریکلی صانما کریمخان زند اولار

هر بیر اوجا داغین باشی طوفان دومانلیدی
فکر ائتمه هر تپه سبلان و سهند اولار
قوی ظالم آوچی آولاسین املیک مارال‌لاری
بیر گون گلر کمان ئوزینه بیر کمند اولار
چکسین کبابه طورچی بو دیلسیز بالیقلاری
بیر گون نهنگ کامینه قلاّبی بند اولار
دالدان گلن چراغ قباقی روشن ایلمز
فانوس اگر قباقدا یانا سودمند اولار
دنیا بوغوب ئوز ارلرینی بکردور هنوز
آلاّنمارام ارین بوغان آرواد لَوَند اولار
منزلدی بو جهان فنا یاخشیا پیسه
بو منزله ادبله گلن ارجمند اولار
آز ووردور عَمری، زیده، که العلم نَقطةٌ
سؤز بیردی دوشسه چانه‌لره چون و چند اولار
تخم نصیحت اکماقا قابل یر ایستوری
بیل هرزه توپراقا نخود اَکسَن سپند اولار
اوندان قباق کریمینی تاپ که مزارده
بنده دوشر دیلی جسدی بندبند اولار





آز ایله ناز

ای دگمین گل عارضینه آب دستماز
ای گورمین خمار گوزی عمرینده جانماز



ای قانمیان جنابتینی غسل حیضینی
ماتحتنون قرا توکی مافوقدن دراز
میمون ادالی، فیل گوزی تک تنگ گوزلری
رفتاری قارقا، خصلتی بایقوش، صداسی قاز
ای بورنی موز، دوداقلاری بوز، خالی گردکان
رنگی شمامه، عطری سریمساق، سؤزی پیاز
ای قارنی هرنه‌دن یکه، دارائی صاندیقی
ای طرحی شهردار کیمی طهری ناطراز
ای روزنامه‌تک سؤزینون اکثری یالان
ای قولی قولنامه کیمی اعتباری آز
ای جمله وعده‌سی وئریلن وعده‌لر کیمی
ای حیله‌سی درین قویی، وجدانی چوخ دیاز
چوخ چم خمیله قدّیمی غمدن خم ایلمه
آز قالدی عاشقون گئده الدن آز ایله ناز
سنله کریمی ال اله سوتدی دوشونمدی
مشگل سنیله سورتوشَنی پاک ائده آراز

من من

آز بیله توخوم سپ شورازاردان چمن اولماز
مین مین یغیشا من منیله پونزا من اولماز



اهریمنی هاردان هارا گور گتدی منیّت
طاعتده جهان عابد اولا اهرمن اولماز
موسانی کلیم‌اللّه ائدن اولدی تواضع
بوندان بئله اَرنی دئدی، سس گلدی، لَن، اولماز
گوهر تانیان شیشیه دُرّیله قویار فرق
هر داش بویانا، رنگه عقیق یمن اولماز
جان بذل ائده جانانه بلال حبش ایستر
هر بادیه پیما که اُویسِ قَرَن اولماز
دنیا بویی کنکان چیخاجاقدور قویولاردان
هر چاهه دوشن یوسف گل پیرهن اولماز
تابه، یاغ، اون ایستر دوشاب ایستر، اوجاق ایستر
حلوا دئماقیلا بالالا شیرین دهن اولماز
ئوز میهنوین قدرینی بول ساق صولا قاچما
باش عرشه دایانسا گینه غربت وطن اولماز
بعضاً بود اَتیندن یوزه پیوند ورالاّر
یوزده بود اَتی بیتسه‌ده عاشق اُپن اولماز
هر شی قییدر اصله طبیعت دگیشیلمز
تعلیمله قوردون بالاسی کَرگَدن اولماز

سؤز بعضی قولاقلاردا الک‌ده سووا بنزر
آفتابه گلابدان، لبه‌داردان لگن اولماز
هر بیر جوجوقی دایه کیمی قوینووا سالما
گل یانیمه دلبر سنی من‌تک اَمَن اولماز
دنیا بویی شاعردی یازوب پند و نصیحت
هر پند یازان سعدی شیرین سخن اولماز
صرف ائتمه عزیز عمریوی اشعاره کریمی
هر فعله کلنگ آلسا اله کوهکن اولماز

طویدان صورا

بیجا وورولمیوب بو مَثَل‌لَر یالان یره
طویدان صورا حنانی یاخالاّر فلان یره



باشون آغاردی آغ قره‌نی درک ائدَنمدون
داش باشوه دوشه تپون اوسته جالان یره
قارنون دویاندا آرپیا سونجوخلادون ندن
نوختان قیریلدی دوشدی بئلوندن پالان یره
سعی ایله توبه‌نین قاپوسین موقعینده چال
دیش دوشدی قویدی ضرنانی ضرنا چالان یره
گوردی کریمی سؤزلرینه یوخدی مشتری
دیوانی چالدی شاعر شیرین زبان یره

چشمها روشن به حاجی یوسف ناجی

چشمها روشن اَیّهاالنّاجی
ای منیم باشیمه شرف تاجی



رضا سالم قیتدی خدمتدن انتظاردان قوتولدی بش باجی
حق اونی ساخلاسین بلالردن اولماسین تیر غصّه آماجی
صبر شیرینیدی شهد شکّردن اوّلی لیک زهردن آجی
بو نصیحتلری ایپک ساپلان
ائله ابریشم اوسته نسّاجی
اهل کاریله ائت شروع به کار تاپ قمار اویناماقدا لیلاجی
مدح و تشویق خلقه آلاّنما بولارین تئز قزار سوویر ساجی
گه آلوب باشه گه ورالاّ یره یوسف اولسان ائدلله حرّاجی
گه علینی سالوب خلافتدن گه چیخاردالاّ تخته حجّاجی
خلق عالم قاتوبلا بیربیرینه عطری، نفتی، نباتیله زاجی
بیر یازولاّر قیزیلیلان قَزیلی کیم تانور بلبلیله دُرّاجی
بیر گورور خلق کوهله کاهی آب حوضیله بحر موّاجی
آییران یوخدی عودیله اودونی نه سئچن واردی تخته‌دن عاجی
قاچما دنیا دالیجا شام و سحر
بو سلیمانه وئرمیوب باجی
قویاجاق بیر لباسله قبره هم پالاندوزی همده سرّاجی
بیر ردیفده یاترداجاقدی فلک
پوللونی پولسوزی، توخی، آجی
خوش او شخصه که روح کهاَطیبینون اولاجاق عارفانه معراجی

هامونی بو زمانه غرق ائلیوب نئجه دریاده غرق اولوب ناجی
حق دِیَن دیل، باشی بلایه سالار ساخلا یادوندا دار و حلاّجی
نفس باشین منای عقلده کس کعبهٔ معرفتده اول حاجی
تا که لَبّیکوه گله سَعدِیک قُرب حقده قاباخلا حُجّاجی
قارقا تک اولما قرقیا روزی اول نهنگ یار همیشه امواجی
بو کریمینیده دعا ایله اولماسین بلکه خلق محتاجی
اونا نذر ایله بیر شب جمعه
بیر قازان آش ایچینده آوماجی



نصیحت

ای پسر خواهی صفا بینی جفا کاری مکن
با شناعت اشک چشمی را به رُخ جاری مکن
یا چو قدرت یافتی غدّاره‌برداری مکن
هر که باشی باش رو یاری کن عیّاری مکن
مِی بخور منبر بسوزان مردم آزاری مکن
من نمی‌گویم تورا دیوانه یا فرزانه باش
خواه در مسجد مقیم و خواه در میخانه باش
از دوروئی و دورنگی کُن حذر مردانه باش
از بد و غیبت بپرهیز و ریاکاری مکن
مِی بخور منبر بسوزان مردم‌آزاری مکن

سفر مشهد ۱۳۶۹

گینه موفّق اولوب قسمتیله همّتدن
که کارت دعوتمیز صادر اولدی حضرتدن



دوروب نشاطله شهر مراغه‌دن چیخدوخ
سرور و وجدیله محنت حصارینی ییخدوخ
بو فکریله که ئورک دردینه طبابت اولا
وفات حضرت ثامن حُججده شرکت اولا
سفر تداریکی باغلاندی بیست‌وپنج صفر
روانه سوی خراسانه بیست و پنج نفر
او ییرمی بش نفرین هامّوسی مؤدّبیدی
اساس توشه و قلیان و چای مرتّبیدی
بئله مقدّر اولوب پوللولار گئدلله حجّه
کاسبلاریندا وار امّیدی ثامن‌الحُججه
دوزلدی قافله هر بلبل ئوز گُلین تاپدی
یولی هماش اولا هر کس مقابلین تاپدی
بو دفعه شیخ‌حسن اولدی منیمده همراهیم
وفالی قارداشیم اُمّیدیم عین دلخواهیم
آتا اوغول اولا باهم سفرده قیمتی وار
وفالی قارداشین امّا بیر ئوزگه لذّتی وار
بو دفعه اولمادی داود همسفر منیله
اوغول برابری یار اولدی دورد نفر منیله

خوشا سفر بئله یاران دل‌فروزیله
علی‌الخصوص حاجی ایرانی، کفشدوزیله
ولی یوز ایل قالا بیر کند مثل شهر اولماز
هامی رفیق صداقتده نوربحر اولماز
صباح و شام اوغول تک چکردی زحمتیمی
ئوزینه فرض بولردی همیشه خدمتمی
ماشیندا قلیانی چاق ائتدی چایی قویدی دمه
دییردی هر نه یسَن یی، آماندی غصّه یمه
گوزل مثلدی که اوّل رفیق ثُمّ طَریق
موافق اولماسا، بُو یرونده کورچیباندی رفیق
گهی دوشر لجه گه اخم و گاهی قهر ایلر
شیرین شیرین سویی آغزوندا مثل زهر ایلر
آچار پاسین کیشینون اوچ شِی ایّهاالاحباب
بیری سفردی، بیری قونشولیق، اوچومجی حساب
بو اوچ محل بشره امتحانه عاملدی
قیزیل که چیخدی محکدن عیاری کاملیدی
شوفر جوانیدی امّا ماشین قوجالمیشیدی
زمانه غصّه‌سی صبر و قرارین آلمیشیدی
آتوب دوتوب بیزی نقّلدیوب سیزیلداردی
سنق کجاوه کیمی هریانی جیریلداردی
قوجا آدام کیمی یورقون شکسته بستیدی
قوتارمیش عمرینی با زن نشسته خستیدی
ولی گونوز کئفیمیز سازیدی آمان گئجه‌لر
سالوردیلار نئجه توستی نئجه دومان گئجه‌لر

خلاصه گاهی گولوب آغلادوخ گهی یاتدوخ
زمان ظهریدی تا شهر مشهده چاتدوخ
رزرویدی نئچه گوندن قاباق هتل‌ده اوطاق
دئدوخ بیاخ ایچاخ اوندان صورا مقامه چاتاخ
هتل‌چی بیر اوجابوی داز کریه منظریدی
دیلی آجی، ئوزی «مُرّابن قیصَه» بنزریدی
خلاصه قصد ائلدوخ محضر شه طوسی
کرامت اولدی بیزه فیض آستان بوسی
دئدیم رضا بو گوزل یارگاهیوه قربان
جلال و دبدبه و عزّ و جاهیوه قربان
هایاندادور گله مأمون باخا بو سلطنته
ئوزین عبث یره سالدی وبال و ملعنته
کریمیم منی ایستر هامی علی‌الظّاهر
یغیشدی باشیمه هریاندا نوحه‌خوان - شاعر
خدا ئوزی برکت وئرسین اهل احسانه
بیزی آپاردی «علیفام» چای و قلیانه
او قدری قلیانی «منصور نوحه خوان» سوردی
ایپین قیروب یازیقین باش گیجَلدی تین وردی
اوجور که رستم یل ییخدی دیو مغروری
اوجورده حضرت قلیان آشیردی منصوری
دیغیرلانوب سارالوب کهربا کیمی رنگی
دیرَکلَنوب گوزی دوتموب دانشماقا انگی
دئدیم اوغول بالا آخ سن نه، صرف قلیان نه
باشاردیقون ایشه گئت، آخ اوشاق نه، میدان نه

سووینگلن سنی قلیان ییخوب یاخیندی نجات
ولی بیرین هروئن ییخسا دورماقی هیهات
بو هر کسی دوتا تئز بوشلار آدی قلیاندی
ولی بیرین هروئن ییخسا بختی باغلاندی
سالوبدی مملکتین جانئه بلا هروئن
ائدوب جوانلاری مین درده مبتلا هروئن
بیر عدّه تشنهٔ مینای الکل و کونیاک
بیر عدّه بستهٔ سیگار و خستهٔ تریاک
چه فایده وطنین نصفی اهل دوددیلر
او بیرسی نصفی‌ده همنوعینه حسوددیلر
جوانلارا باخیسان گُل کیمی سولوب سارالوب
عقیقی لبلری دودیله قپ قره قارالوب
دوتوب دامارلاری قرنای استخوان توستی
ئورک دولوب دودولان، مغز توستی، قان توستی
مساجده گئدوسن بش دقیقه طاعتچون
که مسجد اللّه ائوی خلق اولوب عبادتیچون
او قدری توستیدی دیواریله ستون قرالوب
خلاصه منبر و محراب بوسبوتون قرالوب
باسوب مَلَکلری هیس عرشیدن گلور قیر ایگی
قویاندا سجدیه باش فرشیدن گلور قیر ایگی
دوتوبدی ساحت دنیانی سربه‌سر توستی
قویوب حواسّ مقاماتده اثر توستی
مجالس اُمرا توستی پارلمان توستی
حمام و مسجد و میخانه راستوران توستی

محافل اُدبا توستی انجمن توستی
سالوب وطنده عجب جنگ تن‌به‌تن توستی
تمام کوچه و بازار و رهگذر توستی
که شرق و غرب سفر توستیدی، حضر توستی
محیط توستی هوا توستیدی فضا توستی
مضیف[1] توستیدی طوی توستیدی عزا توستی
دوماندی، توستیدی، طوفاندی گوز گوزی گورمور
آدام یولون ایتیرور اگرینی دوزی گورمور
زبس تمایل ائدوب خلق بنگ و سیگاره
مبدّل اولدولار آغ سینه‌لر تولانباره
بیر عدّه سست خمار و بیر عدّه مست و خراب
بیر عدّه مست قمار و خمار جام شراب
بیر عدّه مست مقام و بیر عدّه جاه و جلال
بیر عدّه مست دولار و بیر عدّه مست ریال
غرض قالوب نئچه گون حضرتین جوارینده
که کسب فیض ائلدوخ قبرینون کنارینده
رواقدا گاهی گورردوخ اوجالدی قال مقال
دوتاردیلار نئچه جیب‌بُر سالاردیلار چالاچال
دئدیم بیزیم وطنین آبیله هواسیندن
دوغانلار اوغری دوغور جوّین اقتضاسیندن
بیر عدّه اوغری مزاحمدی بوردا زوّاره
بیر عدّه آیری لباسدا دولوبلا بازاره

۱–مهمانخانه محل ضیافت

مُرید اوغری، مُراد اوغری، پیر دِیر اوغری
قلملر ایری، یازان شاعر اوغری، شعر اوغری
اویان قاش آتمادی چم خمدی نازیدور عشوه
بویان داش آتمادی تزویر و حیله‌دور رشوه
اویاندا پانبوقیلان باش کسولله قان چیخمور
بویاندا هی ایپی محکم چکولله جان چیخمور
بویوک کیچیک هره ئوز نوبه‌سینده سارقدی
مگر بیر عدّه که شخصاً وجودی لایقدی
همان او عدّه که ناموس دینه پرده‌دیلر
اولار ملکدیله گر صورت بشرده‌دیلر
او عدّه‌نین نَفَسیندندی بیز نَفَسلَنیروخ
مبارک اوزلرینون نورینه هوسلنیروخ
اولاردی خالقه عُمده مراد خلقتدن
اولار بَری‌دیله بهتان و کذب و غیبتدن
یازوبلا جمله اَماکنده دستشولرده
هتل‌ده کافه‌ده، یا خانهٔ وضولرده
مسافرین مکرّم اوزیزه صاحب اولون
آماندی جیب‌لریویزدن هاموز مواظب اولون
هزار حیف بو اسلامه پاک آئینه
اولوب مثلده بوگون کور الینده آئینه
کُورون گوزی آچیلور معجز امامتدن
ولی آچیق گوز اولور کور خُبث نیّتدن
گوزومله گوردوم اوگون آستانهٔ رضوی
کورون شفاسینی وئردی او نسل مرتضوی

خلاصه فیض حضور امامی درک ائلدوخ
قالوب نئچه گون او عالی مقامی ترک ائلدوخ
عبادت اجرینی آلدوخ او پاک معبددن
گئجه زمانی ماشین چیخدی شهر مشهددن
گئدنده جادّه قدیمیله گئتدی انگلیلن
گلنده جادّه هرازیله گلدی جنگلیلن
نه منظره واریدی جنگلین بهارینده
که صرف اولوب سحری بیر چایین کنارینده
دوزلدی چایله قلیان دوشندی صبحانه
سالیندی عکس عجب یادگار جانانه
شوفر متینیدی بیر کلمه ناروا دئمه‌دی
تعارف ایلدوخ هر چند چوخ غذا یمه‌دی
دئدی یِسَم گئجه یول گئتماقیم مشقّت اولار
قارین باسار یوخی قویماز بدن کسالت اولار
دئدیم جناب شوفر مرحبا جزاک‌اللّه
الوندن آلمیا فهم و شعوریوی آللّه
دولی قارینلا که شب زنده‌دارلیق دوتماز
که مرد راهله مست خمارلیق دوتماز
یول اهلی یوخلاسا یولدا چتین چاتار وطنه
یماق یوخی گتورر زحمت آرترار بدنه
اولار که آز دانشوب آز یاتوبلا آز یدیلر
مقام قربده لبّیک رَبَّنا دئدیلر
اولار که یوخلادیلار قالدیلار تماشادن
کناره دوشدوله دنیا و همده عقبادن
چتین سعادته چاتسون بو یوخلیان ملّت
نه علم و صنعته نه دینه ائتدیلر رغبت

نه صنعت اهلیدیلر دردلره دوا ائده‌لر
نه طاعت اهلیدیلر تا مِسی، طلا ائده‌لر
بونی قانوبلا فقط هر نه گلدی قاتدیالار
قاپوب باسوب موتالا ناگهانی پاتدیالار
گینه اوتوردی ماشیندا وفالی یولداشلار
ییغیشدی باشمه ذوق و صفالی یولداشلار
بو نوربحر گینه آچدی باب احسانی
ماشین گئده گئده چاق ائتدی فوری قلیانی
اگر ز روی اصول اولسا یولدا یولداشلیق
وجودی یورمیاجاق گیرم اولسا یول، داشلیق
امیر قافله‌دن هئچ گلایه‌میز یوخودی
اوتوردی شعره قولاق وئردی دوردی شعر اوخودی
صفالی منظره‌لر جنگلین تماشاسی
وئرردی روحه صفا آبشار و خضراسی
علی بویوردی که اوچ شِیدی رفع درد و حَزَن
بیری سو، بیر گووَرنتی، اوچومجی وجه‌الحَسَن
ولی بیر عدّه اوتورجاق ماشیندا یوخلادیلار
ویا که چورتا گئدوب دیزلرین قوجاقلادیلار
دئدیم هاچان اویانار اهل مملکت یوخودان
بیزه الٰهی نجات ایله مرحمت یوخودان
اویانماروخ ایکی‌مین بش‌یوز ایلدی یوخلامشوخ
دوتوبدی گندیمیز آفاقی دهری پوخلامشوخ
آچاندا گوز بیزی تئز یوخلادیللا لای‌لایلان
اودور که گونلریمیز گئچدی جمله آخ وایلان
یوخی بیزی دالیا قویدی هر تمنّادن
نه اهل دینیدن اولدوخ نه اهل دنیادن

نه زلزله، نه آژیر بیزده قویدی ذرّه اثر
فقط بیزیم ایشیمیز یوخلاماقدی شام و سحر
بیری یوموب گوزون آغزین آچوب دیلین چیخادوب
او بیرسینون آچیلوب دوگمه‌سی میلین چیخادوب
بیریسی بوینون اگوبدی بایات خیار کیمی
او بیرسی معده‌سی ترش ایلیوب تغار کیمی
بیری آژیر چکیر آغزیندا آمبولانس کیمی
بیری خورولدوری یا سَس وئریر ترانس کیمی
بیری یوخودا قاناد باغلیوب اوچور سووینور
بیری دوشور قویویا دیسگنور ئورک دووینور
بیری آچوب کرهٔ ماهه بال و پر یوخودا
بیری میتَکّینی حوری بیلوب اُوپَر یوخودا
نه انضباط بیلور نه مقرّرات بیلور
نه مستحبّ و نه مکروه و واجبات بیلور
یوز ایل بوجور یاشاسا عمرینون نه ارزشی وار
نه علم و صنعتی وار نه الینده بیر ایشی وار
الٰهی سن بیزی آزاد ائله کسالتدن
آماندی ائت بیزی بیدار خواب غفلتدن
الٰهی اولدی عزیز عمریمیز هدر یوخودا
قوتاردوخ آتمش ایلی شامله سحر یوخودا
گلوب مراغیه چاتدوخ قوتاردی برنامه
اضافه اولدی بو دیوانه بیر سفرنامه
کریمی‌دن بو سفرنامه یادگار اولسون
گوزل مقاله یازوب آغزی بورنی وار اولسون
قیامتین گونی اهل ولایه راه نجات
نماز و روزه‌دی بیرده محمّده صلوات

زور آباد کرج

گینه هوای سفر باشدا ائتدی طوفانی
دوروب مراغه‌نی ترک ایلدوخ کماکانی



«صمد مرادینون» ائتدوخ قبول دعوتینی
سفر تدارکی گوردوخ به عزم مهمانی
قطار ساعت سگّیزده اَندیروب کرجه
محمّدآبادا گئتدوخ گوراخ صمدخانی
عجب محبّت ائدوبدی بیزه ائوی آباد
صداقت اهلیدی محکمدی عهد و پیمانی
خدا سلامت ائده هم ئوزون همی خانمین
پَری‌نی، نَسرینی، همده مهین و لیلانی
کمال لطفله بیزدن ائدوب پذیرالیق
حقیقتاً ائوی آباد عمری طولانی
بیر عدّه وار قوناق آدی گلنده سکته دوتار
ناخوشلار عمّ قیزیسی، یا دوغار خانم‌جانی
غرض دولاندیلا پروانه‌تک منیم باشیما
چیخاتماروخ یادیمیزدان او لطف شایانی
دگلوبدی بیر مَشه‌قربان آدیندا نوحه‌سرا
حاجی نوه‌سی، حسینون گوزل نواخوانی
ئوزی وفالی صفالی گوزل صداقتلی
بی.ام.و، بنزه، رقابت ائدردی «پیکانی»

دئدی ماشین‌دا، ئوزوم‌ده واروخ حضوروندە
دولاندیرام سیزی فخریم بودور که هریانی
خلاصه دوره‌می دوسلار آلوب محبّتله
مرتّب اولدی شکوهیله بزم عرفانی
ییغیشدی باشیمیزه جمله اهل شعر و ادب
ئورک دولی سؤزیله قولتوقوندا دیوانی
یاغاردی، «آتشین» آغزیندان اود، وَلی نئجه اود
قیزیشدیروب ئوره‌گی یاندیراردی اعضانی
گلوب تلاطمه «آذر» آراز مثالی داشور
سالوبدی جنگله «ناظر» پشیکله اصلانی
الینده دفتری «بیت‌اللّه جعفری» نئجه شاد
بولوبدی گلماقیمی ترک ائدوبدی طهرانی
وورار او گوشه‌ده «مختار نوحه‌خوان» جه‌جه
ترانه‌سی گتورور شوقه مشدی قربانی
«صمدمرادی» آتوب باشنه سسین چغیرور
نفس‌کش آختاروری قابسیوبدی میدانی
دوتوب قرار «پذیرائی» صدر مجلسده
ائدوبدی بزمی مزیّن او مرد روحانی
بو گوشه‌ده مشه‌محمود مرد ریش سفید
شهید آتاسی «علیزاده» شخص نورانی
صباح کرجه‌کی سَدّین کنارینه گئتدوخ
او کئف او منظره مدهوش ائدردی انسانی
کمال شوقله صبحانه‌نی ووروب بدنه
قایقدا ایلدوخ آماده چای و قلیانی

اگرچه فاصله‌میز باغ خرّمه چوخودی
ولی ماشین بیزه حلّ ایلدی معمّانی
گلوب قباقه نگهبان وروده مانع اولوب
دئدی بوگون بورا تعطیلدور یوخ امکانی
معرّف اولدی «صمد» تا رئیس بیزی تانیدی
چوخ التفات ائدوب القصّه اول ادب کانی
بیر عدّه ارزشه قائلدی شاعره شعره
شَمو، مَمو نه بیلور قیمت برلیانی
نه ایش گوروبله او باغدا نه خرجلر قویولوب
همان آبادلقا ویران ائدوبله ایرانی
گیرن زمان تونیل وحشته ئورک دوگونور
گورنده جوربه‌جوره قورخولی هیولانی
سوار اولوب فلکین چرخینه عروج ائلدوخ
گورردوخ اوندا نشیب و فراز دنیانی
بیرین اشاقه سالاندا بیرینی قُوزاردی
هر عاشقین نئچه گون وار جهاندا دورانی
ناهاری ایلدوخ آماده باغ خرّمده
یدوخ خیار و بادمجانی کفته شوربانی
باغین حفاظتی بیر دسته گل دوتوب گتدی
سوروشدی مسئلهٔ جنگ و صلحی پنهانی
دئدیم سنون نه ایشون وار عمو سیاستله
چکوب «ونستونی» دی مرگ بر امیرکانی
اگر چه گورموشیدوخ کاخ شمسی بیر دفعه
دوباره ایستدیلر بیز گوراخ او مأوانی

ایاقلاشانمادی آقای نخجوان بیزیله
واریدی عشقی ولیکن یوخیدی امکانی
عیالی ئولمشیدی هم یازیق قوجالمشیدی
زمانه یورقونی شعرین تخلّص عنوانی
دئدیم ضرورَیدی اوستاد بیر عیال آلاسان
دئدی اوغول بالا سو ایشلَدَر دگیرمانی
اوغول بالا قوجالیق قیناقین ایلیشدیرسه
اوشاقدان عاجز ائدر رستم جهانبانی
گوگل سوویر هلونی، پسته‌نی دیشیم دوتمور
جوان دیش ایستوری داتماقه داشلی قورقانی
جوانلوقوندا قازان دینی همده دنیانی
یازیق قوجا آیرانماز خدا و خورمانی
نه فرقی وار منه کُ... دولوسی شوخ م...
و یا پاکت دولوسی لژله‌میش بادمجانی
مریض ائدر قوجالیق پاستوری، ارسطونی
سفیه ائدر قوجالیق «بوعلینی» لقمانی
مگر دولانمامیسان سعدینون گلستانین
که باب ضعفده یازمش همین قضایانی
«شنیده‌ام که در این روزها کُهن پیری»
خیال ائدوب آلا بیر دلبر پریسانی
«به خواست دخترکی خوبروی و گوهرنام»
ائوینده گیزلدوب اول گوهر بدخشانی
«چنانکه رسم عروسی بُود مهیّا کرد»
ولی دورانمادی دامادین الده فرمانی

«کمان کشید نزد بر هدف که نتوان دوخت»
«مگر به سوزن فولاد» کرسی یورقانی
«به دوستان گله آغاز کرد و حجّت خواست»
که خانمانیمی بو شوخ چشم ائدوب فانی
«میان شوهر و زن جنگ و فتنه خاست چنان»
حضور قاضیه آخر چکوبله دعوانی
گوز آلتی باخدی قیزا قاضی بیر باخوب قوجویا
دئدی عمو تورا سالما بو کورپه جیرانی
کمان بوش اولسا اوخ ایری هدفده یوخ تقصیر
پولاد پالان تپن ایستر تپنده پالانی
«پس از خلافت و شنعت گناه دختر چیست»
سنون که تترور الون، دَلمه دُرّ غلطانی
خلاصه کاخی دولاندوخ ولی باخان گوزیله
گورن گوزیله بشر درک ائدر تماشانی
علیّ بویوردی نه آزدی جهاندا عبرت آلان
نه چوخدی عبرت، اگر قویسا نفس شیطانی
قاچوبدی ساقی، سینوب شیشه، بوش قالوب ساغر
دروبله گللرینی سیندیروبلا گلدانی
هانی بو مبل‌لارین اوسته اگلشن قیزلار؟
که اوینیاندا ئورک تک اسردی پ...
هانی او عشوه ساتان خوش ادالی شوخ م...
ائدردی عاشقی سرمست ناف فنجانی
قباقجا یازدیقیم اشعار دوشدی خاطریمه
دیل آلتی زمزمه ائتدیم بو بیت زیبانی

او قصر که ملکه، شاه اولوردی مهمانی
اولوب مَثَلده «حسن سوختونین دگرمانی»
داموبدی دامجی گوزل فرشه پرده‌لر جریلوب
نه شمس وار، نه قمر، کاخ لیل ظلمانی
ئولوبدی طوطی‌لرین بعضی بعضیسی لال اولوب
سولوبدی نسترن و یاسمنله شمدانی
یوز آلتی پلّه خیاباندان اندی بیر پارکا
دیل ایستورم ائده توصیف او پارک چمرانی
کرجده قویمادوخ اصلاً دولانمامش بیر یئر
که هر مقامده یاد ایلدیم احبّانی
چوخ آرزو ائلدیم من «مجید» سُوَن بِشیگی
«ودودی، داودی، مسعودیله عطان خانی»
صله ائدوب «رضا زرّین نشانی‌ده» گوردوخ
قوناق گئدوب ناهارا راضی ائتدوخ انبانی
دولاندیروبلا عظیمیّه‌نی گُهردشتی
قبول . ائده مشه‌قرباندان اللّه احسانی
جماعته دوشه‌دوخ جامع گُهردشته
آلوب بهشتی اولوب کیم او مسجده بانی
بهشتین عطری گلور صحن باصفاسیندن
بهشت غرفه‌سینه ناز ائدر شبستانی
چه فایده او گوزل مسجده گلن آزیدی
تعجّبم نیه سست اولدی خلقین ایمانی
گلون مساجده قارداش اگر مسلمانسوز
مسیحییوخ گئداخ آباد ائداخ کلیسانی

یازولاّ بیر کشیشی تنگه گتدی بیر قارقا
سیچاردی «ناقوسا» «خاچه» بویاردی هریانی
شراب قویدی ایچوب کئفلنوب جوشوب یخیلوب
دوتوب کشیش بوغازیندان آسوب او حیوانی
کوتک ووروب دئدی تئز دینوی منه دئگوروم
سوله محمّدی‌سن یا یهودی نصرانی
گئده محمّدی‌سن گر، نیه شراب ایچوسن؟
مسیحی‌سن خاچا سیچماق ندور خطا کانی
صمد دئدی مشه‌قربانه، سور زورآباده
سیاحتین یته بلکه کماله نقصانی
نه زورآباد هره‌نین ییرمی متر مسکنیدی
حیاطی مطبخی دهلیز اوطاقی ایوانی
نه زورآباد چکیلوب زاغه‌لر داغین باشنا
اورا چیخنجا قانادلی قوشون چیخار جانی
صمد دئدی آقاجان باخ شاهین جنایتینه
گوروب بو زاغه‌لری یاده سال او ویلانی
دئدیم صمد بونی بول کیم ایشَ اُستونه گلسه
طبیعتین توکولوب بو سیاقدا بنیانی
بو آجلارین بابا قارنی توخالسا پوخ چیخادار
خیاله سال کور اوشاقی دعای موسانی
گلن حقوق بشر کلمه‌سین بهانه ائدوب
سوخور باجاسینا مستضعفین کلوشانی
گتور قباقوه تاریخی آچ ملاحظه قیل
هاچان کاسب گوروب عمرینده عیش اعیانی

گلن دوتوب دیله مستضعفی سالوب قباقا
وئروبله بینوایا وعده نان و حلوانی
بو زورآباددا قالانلار تمامی کَتدیدیلر
فقط قورو بیر آدا بوشلیوب دهستانی
ساری اینک کره‌سی هم قره قویون قاتقی
شورو، لورو، سودی، قیماقی، نهره آیرانی
سفیه کیشی بوراخوب خرمن طلانی گلوب
ائدوب عیالینی بو زاغه‌لرده زندانی
هله مودون دگیشوب هئچ، یازیق دیلینده اگوب
دیور من اهل کرج ترکی من نمیدانی؟!
کیشی قویون گئدون ئوز کندوزه حیا ائلیون
چورک سو مفته اودون یابیا سئشمه مجّانی
بوجاق دولی، اوجاق ایستی قوجاق سوینجکلی
مگر شَهَرده نه وار ای عموی دهقانی؟
کریمیا دیلیوی ساخلا دینیوی آتما
خدادن ایسته نمازونده زهد و تقوانی
قیامتین گونی انسانی قورتاران اوددان
نمازی روزه‌سیدی ذکری دینی ایمانی





انزاب دیور

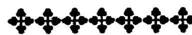
باشووی گر بدنوندن اوزه‌لر
قورقوشوم قارنووا داغ داغ سوزه‌لر



قیشلاروندان تپه‌ن اوسته آسالار سینه‌وه شمع فروزان دوزه‌لر
سحر آخشام سیخالار منگنه‌ده گونده اوچ دفعه دویونجا ازه‌لر
اللّی سنّونده قوطورلوق دوتاسان سنه باخدوخجا یوزوندن بزه‌لر
قولی باغلی سالالار قورد ایچینه ئوزلری قول قولا سالمش گزه‌لر
ییه‌سن غم ایچه‌سن خون جگر همدمون بوش کاسا چاتداق کوزه‌لر
دانیشاندا اوزه‌لر دیلچگیوی انگیوه گاهی س ...گاه ...
آغلاما اوف دئمه صبر ایله دایان دُوزه‌بولسن هامی ایشلر دوزه‌لر

کریمی دیور

باشیمی گر بدنیمدن اوزه‌لر
صورا دورد دوره‌مه گللر دوزه‌لر
نوشدارونی الکدن سوزه‌لر
توکه‌لر قارنیما آتدان بوزه‌لر
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر



قوجالیق باشیمه یاغدیرسا سامان بئلیمه غم یوکی، توو سالسا آمان
گونی، گوندن فلکین گلسه یامان قدّ شمشادیمی دهر ائسته کمان
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر

بشرم من دگولم خواجه، دمیر قویالار اوددا اولام موم و خمیر
هی وورا چکّشی باشیمدن امیر منده دیللنمیم ای پاک ضمیر
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر

بیرینون که ایشی دوشدی دوگونه بیرینون که ایپَگی دؤندی یونه
هی یوویب شلوارینی سردی گونه بیرینون که الیفی داله دونه
اگیلندن ضورا هاردان دوزه‌لر

دمبدم باشیمه غم غصّه یاغا چاتمیا ال تویوقا، فابه، یاغا
کلّه‌می هی وئره آرواد قاراغا ایتی نیزه‌م دونه بیر کُند اوراغا
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر

بیر آدام که گئده اوچ یول عمله یازیقین قارننی اوچ یول سوکله
ایاقا دورماق همان باش گیجه‌له چتین اوّلده اولان حاله گله
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر

مَلیگین که قازانی اولدی دلیک او قازاندان آش ایچنمز داملیک
بونی بیل ئوز ددن اولماز دده‌لیک دوز عمودون اگیلوب اولسا چلیک
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر

مشکلی نیست که آسان نشود مرد باید که هراسان نشود
هر که این گفته ز انسان نشود غلطی کرده که جبران نشود
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر

بیرینه قورد دیشی دگسه قودورار بیخیلان دورسادا زحمتلی دورار
بونی بیل اگری یول انسانی یورار قیشدا گُل چولده قالا شاختا وورار
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر

دئدیلر اگرینی دوز فوری کسر گورمدیم من ولی بو سؤزدن اثر
زمی‌ده سنبلی گوردوم دوز اَسَر اونی کسماقه اوراغ هی تله‌سر
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر

ای کریمی یتور «انزابه» سلام دئنه ای شاعر فرخنده کلام
ایگده شمشاد اولا مشگلدی بالام قویما آلام ائلیه الفیوی لاٰم
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر

بیری هر گون ییه اوچ دفعه کوتک یاریلا باش دولا قانیله اتک
باخانی اولمیا ائوده قالا تک اوزانوب بوینی اولا مثل توتک
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر

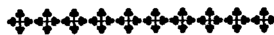
بیرینون که سویا گئتدی بره‌سی قاریشا بیربیرینه آغ قره‌سی
گوزینون یاشی اولا شبچره‌سی گئچه نامرد الینه حنجره‌سی
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر

بیر نفر که هامی صفدن چیخیلا روز و شب منگنه‌لرده سیخیلا
شاف شاف اُستن گ... هی سوخیلا بیری که چرخ فلکدن ییخیلا
اگیلندن صورا هاردان دوزه‌لر



یک زمان گردون به دور خود نگردد برقرار
این جهان فانی است بر فانی نباشد اعتبار
می‌کشد روزی تورا دست اجل سوی مزار
خاک تیره بسترت باشد انیست مورومار
خواه در مطبخ نشین و خواه در تالار باش





من کیمم

من بیر قوجا چنارده فرسوده لک‌لکم
یا منجلابده قانادی سنیمیش اوردکم



من اعتباردن دوشن امضالی سفته‌یم
پرونده اوسته چسب اولونان بوش چیخان چکم
من بیر ئوزوندن ال چکن انسانه سقّلم
یا بیر قوطور عجوزیه آشفته بیر چکم
من بیر یتیمه، دفتر مشقینده صفر شوم
یا تختهٔ سیاهیده، تک الف تک، تکم
من یایدا نرده‌دن آسیلان کهنه پالتووام
یا بیر کورون گوزینده اولان پاسلی عینکم
نه عابدم نه زاهد و نه پیر خانقاه
نه صوفیم نه سالک آئین مسلکم
آلوده خرقه‌یم اباق آلتندا قالمشام
چرکیم آرینسا دیدهٔ یعقوبه کوینکم
دنیا منی فشاریله ایستور دونغوزدورا
مندن چوبان سود ایستوری گورمور که ارککم
من عاشقم بو وادی عشقین یورولموشی
مجنون مثالی زمرهٔ عشّاقه مدرکم
قید حیاتدور دولاشان ال اباقیمه
قیدیم آچیلسا زیرک و چالاک و چابکم

زندان جسمده چابالیر جان چیخانموری
دام زمانه‌ده سیخیلان بیر چکاوکم
گیزلنمیشم حجابده فعلاً عروس تک
آچسام نقابیمی گوره‌جاقسان نه گویچکم
اغیار اگر دوتور منی منحوس شنبه‌دن
یارین گوزونده چون شب جمعه مبارکم
منصور تک چکیلسم اگر داره دلخوشام
الحق چتیندی ذکر اَناالحَقدَن ال چکم
داغ‌تک باشیم دومانلیدا اولسا داریخمارام
من بابک اوغلی صدر سخنده اتابکم
اسباب‌بازیدور فلکین چرخی عارفه
قوی فیرلادیم بو چرخی دئسونلر که دلقکم
دنیا تلاش ائدیر منی ییخسین ییخیلمارام
دنیانی طیب نفسیله ییخماقدا زیرکم
عنقا کیمی قاناد چالارام قاف عشقده
عصریمده گر چه بعضی نظرلرده میلچکم
آز عمریده نه فرق ائده‌جاقدور کریمیه
فقر و غنا و اسفل و اعلا و بیش و کم





بو نئچه بند باکودا یازیلوب و اورانین تلویزیونوندان یایلوب

سوینجیمدن ایتورمشم ئوزومی هئچ بولمورم هاردان هارا گلمیشم
مین‌لر مین‌لر سلام ییغوب او تایدان عرض ائتمگه یاردان یارا گلمیشم



او تای بو تای تاری دیین مسلمان ایکی دنیا یوزی گرک آغ اولسون
دئمه‌لییم آیری دوشن ئلیمه شهیدلر غمینده باشوز ساغ اولسون



قویون دیوم نه‌لر قالوب اوتایدا حسرت قالوب کدر قالوب اوتایدا
چوخ آنالار بالاسنون غمینده گوزی یاشلي مَلَر قالوب اوتایدا



شکر اللّها دین یولوندا قان وئردوخ چوخ جوانلار اسلاما قربان وئردوخ
پیروزلیق بایراقین گویه قوزادیق جاندان گئچوب دینیمیزه جان وئردوخ



شهیدلر نوروندان شافاقیمیز وار قرآن کیمی الده چراغیمیز وار
بیز گلمیشوخ سیزه سیز گلون بیزه فرحلنوب دییه‌ک قوناقیمیز وار



قارداشلاریم گلون چاتاخ باشباشا اسلام آدین بوتون یازاق داغداشا
اتحاددان بیر نور ساچاخ دنیایا صهیونیزمین چرې گوزی قاماشا



آرامیزدا سد بیلمیاخ آرازی آرازین تئز دولار درین دیازی
استکبار الیدی بیزی آییران یاری یاد ایلیَن یازیدی یازی





باکو سفرنامه‌سی

قسمت اولدی بیزه بیر فتح و ظفر دهۀ فجریده جلفایه سفر
سال شصت‌ونُهیدی، بهمنیدی نور فجریله وطن روشنیدی
«آتش» و «آذریدی» همسفریم ثالثاً «ناظریدی» تاج سریم
«پاشازاده» قالوب ئلدن داليا گئتدی تبریزه چیخا عینالیا
صورادان گلدی چاتوب قافلیه اوستادی، نقدینی قویماز نسیه
«آتشی» بنزی نئجه راحتلن دامارین کسدی یولون سرعتلن
ماشینی سرعته سالدوخ قوواراق ناهارا جلفیا چاتدوخ تووااراق
اوردا وار چوخ رفقا ایستمه‌لی ایکی گون جُلفادا قالدوخ دئمه‌لی
بیر امام جمعه‌سی وار چوخ ادبی اهل دل پورمحمّد لقبی
منبع حلم و حیا فاضلیدی عالم ئوز بیلدیقینا عاملیدی
حاجعلی شیخلو لقب مرد شریف سیرتی پاکیدی سیماسی نظیف
مرزبان حضرت سرهنگ نقی[1] پاک و پاکیزه فقط گل ورقی
نئجه سرهنگ نئجه صاحب حال اهل دین اهل سخن اهل کمال
بیر جوان چرخ صفانین قمری آدی بهزادیدی شهرت نظری
نه جوان سیم و زر و زور آغیری نور تقوا صفتیندن یاغیری
گلدیلر آلدیلار اطرافیمیزی لطفله ائتدیله شرمنده بیزی

بزمده جلوۀ عرفان واریدی
نخجواندان نئچه مهمان واریدی

ایشیمیز گولماقیدی شعر اوخوماق نه حسد نه بیرینه تور توخوماق

۱-سرهنگ نقی نقویان

مکتب عشق عرفا مجلنسیدی　　عُرفا بزمی صفا مجلسیدی
شعردور روحه وئرن نشئهٔ ناب　　گولدی حرف عُقلا شعر گلاب
منطق شعریده وار سحر بیان　　شعرادور شرف عالمیان
شعر اگر شعر اولا دائم دیریدی　　شعره الهام آدی قویساخ یریدی
نئچه گون قالدوخ او جلفاده قوناق　　کئفیمیز کوکدی داماقلار هامی چاق
گینه سرهنگ نقوی مرد نظام　　بیزی پاسگاهلاری گزدیردی تمام
بعضی پاسگاهده وار بعضی شعار　　بیری اولدی منه برنامهٔ کار

بی‌نیازی صفت ربّ جلیل
طمع انسانی ائدر خوار و ذلیل

صبر و تقوادی شرافت بشره　　طمع انسانی سالار دردسره
صبریلن کام اولی شیرین صورادان　　صبریلن حلوا پیشیرّم غورادان
بیزی سرهنگ آپاروب گور هالارا　　دوشه‌دوخ رود سیاهه ناهارا
عصر مسجدده مراسم واریدی　　اورانین تحفه‌سیده اشعاریدی
اوردا بیر شعر اوخودوم کتدیلره　　گتدیم آخر توخودوم کتدیلره
دئدیم اوغلوم بالا طهراندا نه وار　　قُم و کاشان و صفاهاندا نه وار
بوراخوب کندی قاچیرسوز شهره　　شهرین آسایشی چیخسین زَهَره
ایشله تولیدی چوخات همّتلن　　ساخلا ملّیتیوی غیرتلن
گامشین قیماقی دوزسوز کره‌سی　　داغلارین مفته شکاری فره‌سی

سحره ایشلی نزیک، اوزلی پنیر
نه گازول دوده‌سی گویدن اله‌نیر

ئوز ایشوندی کیشی هم اَک همی بیچ　　چالخاما ایرانی توک نِهره‌دن ایچ
ساری یاغدان هم ئوزون یی همی سات　　یایی ایشله قیشی آت باشووی یات
ساری بوغدا اونونین آغ لواشین　　کُرسیده وور بدنه تندیر آشین
گئجه‌لر یغ باشووا قیز گلینی　　باشلا اصلی‌کرمین انگلینی

ئوز الون ئوز باشون اولما نگران بو سؤزی ائت ئوزیوه ورد زبان

«هر که نان از عمل خویش خورد»

«منّت از حاتم طائی نبرد»

خرابا دیمانا گئتدوخ نه دیوم او صفانی نئجه تعریف ائلیوم

نئجه داغلار نه گوزل منظره‌لر آبشارلار نئجه خرّم دره‌لر

قارا داغلار باشا آغ چادرا سالوب طول تاریخه علم تک اوجالوب

دوروب اوردان ائلدوخ قصد مرند شاد و فرخنده آغیزلار دولو قند

اورددادا بیر شب شعر اولدی بپا رفقا وئردی همان بزمه صفا

گونومیز عمریده دگدی بیر آیا بیزی گوندردیله چایدان اوتایا

واریدی قافله‌ده فرّ و شکوه «آتش» اولموشدی بیزه صدر گروه

حاجی‌شیخلو گینه سرهنگ نقی ایکیسی صبح حیانین شفقی

گتدیلر کورپیه چوخ عزّتلن تذکره وئردیله چوخ سرعتلن

قولاّرین سالدی بیزیم بوینومیزا

بیزده باسدیق اولاری قوینومیزا

واریدی مرزده بیر قاره تازی بیزی آختاردی گئچنده آرازی

نه مریلدیر نه‌ده انسانی قاپور کیفده تریک، هروئن اولسا تاپیر

رشوه قانمیر نه یامانلیر نه هورور پوللونی پولسوزی بیر گوزده گورور

پوللویا قویروغینی تولامیری پولسوزا خنجرینی سولامیری

پوللو گورجک باش اگوب چای دئمیری جیره‌سیندن صورا هئچ زاد یمیری

الغرض قازتک اوزاتدیق بوغازی

قاز وئروب قاز کیمی آشدوخ آرازی

اوتایین جلفاسنا دوشدی گوزوم بولمورم هئچ نه حالا قالدیم ئوزوم

ایلدیم سمت گلستانه نظر گوز یاشیم آخدی دوشوب جانه شرر

او گلستان غمیمی ائتدی تازا گوزیمون یاشینی قاتدیم آرازا

دولدی قلبیمده اولان قان گوزومه آتشه دوندی گلستان گوزومه
دئدیم ای ناری گلستان ائلین درد مظلوملارا درمان ائلین
لطف ائله روحیمی قیتر بدنه آیریلان توپراقی وصل ائت وطنه
کیم آیوردی سری تندن وطنیم منی سندن سنی مندن وطنیم
آخ نقدری آخاجاقسان آرازیم دورنالار تک باخاجاقسان آرازیم

فتحعلی‌شاه قرا اولسون ئوزون
یاخشی ساتدون وطنی گئتدون ئوزون

شل اولا انگلیسه قاب یالیان ترکمن‌چای سندین امضالیان
محو اولا ملّته نفرت یارادان گوزل ایرانیمی بُؤلدی آرادان

تونبتین یانمادی حال وطنه
دئدی بو گرجی قیزی بسدی منه

باشلادی گرجی قیزین پیسلاماقا نازلی گرجستانی سالدی ایاقا
ائله که گئچدوخ آرازدان اویانا اولدی اوّل یریمیز خسته خانا[1]
ووردی بیر قیز ایکی آمپول «پاشیا»[2] بئله آمپول ووراني چوخ یاشیا
ئولی گورسیدی اونون آمپولونی اوزاداردی کفن آتدان قولونی
نئجه دکتر نئجه با ذوق و صفا الی یونگول نظری لطف و شفا

مرزبان بیر روسیدی بیر کوپک اوف
ساری توک، گوزلری‌گوی، آدی ژوکوف

بیر چاخیر خومچاسی بیر مرد عبوس دئدیم آی ذاتوه لعنت بئله روس
بیزدن «آتش» گوتوروب عکس و نوار یولدا یولداشلیقنون لذّتی وار
دوشونن همسفرین قیمتی یوخ جیبی گندی ال آچوخدی گوزی توخ
هر کیم اهل دیلیلن اولسا رفیق روحینی یورمیاجاق طول طریق

۱- بیمارستان

۲- پاشا آز قالدی تومانین قاشیا

امتحان یولداشا دورد شِیدی اوغول
قونشولیق، قُول، سفردی، قره پول

یولداشی یولدی محکدن چیخادان چیخماساوور، س... چیخسین یاخادان
بابکین شمشیری هم قلخانی وار عکس سالدیرماقا گن میدانی وار
پر آچوب قرقی تک آشدوخ حاصاری جلفانی، نهره‌می، چشمه باساری
کئفیمیز سازیدی یولداش جوریدی سلقه‌لر سؤزلر آغزلار بیریدی

«ناظرین» حلمی وقاری ادبی
«آذرین» گولماقی طنز و طربی

«پاشانین» یولداشا خدمت نظری نظری هر ایشه مثبت نظری
سوار اولدوخ هامی بیر قلبی صافا ئوزی هابل ماشنون آدی یافا
استالین عهدینی گورموشدی ماشین قوجالوب دورانی سورموشدی ماشین
تورموزی، دنده‌سی، گیر بوکسی خراب ظاهری ساز ایچی بوش مثل حباب
سپر ازگین نه چراغ وار نه کلاج قوجالیق دردینه مشکلدی علاج
آچار انسانه مشقّت قوجالیق سرو قدّی ائدر اوچ قات قوجالیق
گوز گئدر،باش آغارار، دیش توکولر اوخ سینار، یای قیریلار، بئل بوکولر
قوجالیق انسانی ایلر کلفه پهلوان تیری وورانماز هدفه
دوشر انسان تولَکَه مثل تووق فس یاتار شوخ م... یوخسا قووق
نقدر چاقدی اوجاق داغدی قازان دینی دنیانی جوانلقدا قازان
قوجالیق باطل ائدر دستمازی اُس... هدر ایلر نمازی
قوجالیق شیری کیچیلدر موش ائدر بلبل اولسان قوجالیق بایقوش ائدر
ماشین القصّه بیزی گتدی جانا یتیشوب قافله‌میز نخجوانا
آرابا چالخادی دوندوخ مِتِله وارد اولدوخ درجه بیر هُتله
نه هتل ق... کیمی ظاهری خوش پوزلو، دوزلو گوتی پوخلی ایچی بوش
ایچری یاخشی کثافت‌خانادی دئدیم اوغلان بورا محنت‌خانادی

نه هتل پرده جریخ پلّه اوچوخ غذا یوخ آفتافا یوخ دستشو یوخ
آداما بیر پتی وئردوخ بدنه بش پتی دگمزیدی اون تومنه
اون ایکی مرتبه دوتقون هاواسی آقالیق بورجو، گوورچین یوواسی
شهریده اولدی گوزل گشت و گذار بو گوروشدن الیمه گلدی عیار

دئدیم ای کان خباثت کمونیزم
ترسه تبلیغوه لعنت کمونیزم

(بورانی روضهٔ رضوان دئموسن گورمه‌مشدن دئموسن یوخ یموسن)
«آتشین» سؤزلری کسگین دوواداڼ ایلانی خُلقی چیخاردار یوواداڼ
کیشی‌ده تجربه وار میلیونولاڼ رابط اولدی بیزه تلویزیونولاڼ
عارف، ئیلمان‌لا، معلّم علی‌یار گوروم اولسون علی‌یاره علی یار
بیر ماتان قیز بیزه بیر چای گتوروب نئجه چای روحه مسرّت یتوروب
دگول انصاف ائله چایداڼ گئچه‌سن زهرمار اولسا او الدن ایچه‌سن
هر تله بیر دل ائدوب پاره سالوب قولاقا سویمه‌لی گوشواره سالوب
لالیه، آلمیا بنزر یاناقی فتنه پیمانه‌سی، لاپ قان چاناقی
تلویزیوندا نماز ائتدوخ ادا مات اولوب بو ایشه سیما و صدا
یایلوب شورویه صحبتیمیز پخش اولوب هر طرفه صورتیمیز
صوم دوتوب باغلامادوخ انگیمیزی صادر ائتدوخ اورا فرهنگیمیزی
شورووی‌ده تلویزیوندا نماز گوردیلر باشدی بو قانوندا نماز
بولن انساندیلا چوخ تئز دوشونن ائشیدن چوخدی اگر اولسا دیيَن
اولارین روس دگیشوب دبلرینی دوندروب ترسیه مذهبلرینی
نه نماز واردی اولاردا نه نیاز اولسادا گر یوزه اون بلکه‌ده آز

بسکه مشگلدی بلیطون جهتی
تاپشیروب باش وزیرین ماونتی

دیپلماتیدی سفر مبهمیدی طرح برنامه بسی محکمیدی

بیزی شاعرلر آپاردی قاطارا بیزده چوخ دیل آغیز ائتدوخ اولارا
شعرادن بیری من باب ثواب کادو گتدی بیزه بیر شیشه شراب
دئدوخ احسن دینوه ایمانووا کادووا حرمتوه احسانووا
اتووه اندامووا گوز یاشووا بو نئجه تحفه‌دی دگسین باشووا
دئدي چوخ دانلاما یاندیرما بیزی کیم دیوبدور بیزه مرداریمیزی
بیزه عالم، یازیچی گوندره‌سوز امریله نهیی تذکّر وئره‌سوز
بوللی آل وئرچی گلور جنس ساتان حنایا توپراقی، تنویری قاتان
الغرض سؤز آز اولا تئز قوتولا باکویا قافله‌میز دوشدی یولا
نه قاطار مثل تونل وحشتیدی تنگ و تاریکیدی چوخ ظلمتیدی
نئجه واگون قوخویور مثل ماوال گل زبیل یغماقا چیگنونده چووال
نه قاطار، بولدی سویوندان، چاخیری ووتگا سئل تک کوپه‌لردن آخیری
باشلادیم بیر کیشییه عرض گله ای مسلمان نیه بس وضع بئله
باشینی تولادی آغلار گوزولن بیزی حیرتده قویوب بیر سؤزیلن
دئدی بوغموش بیزی قارداش‌خفقان دین و مذهب سؤزی گئتیمش آرادان
یتمیش ایل چکمه‌مشوخ دین آدینی آغزیمیز دادمیوب ایمان دادینی
قوتاریم آزدا چوخا یوخدی نیاز قیلمشوخ میّته گیزلینجه نماز
بیزه بو باشقا هنردی سیزه یوخ قورو اسلام آدینی ساخلامشوخ
دئدیم ایران داشووا توپراقووا قربانام داغدان اوجا بایراقووا
مرحبا نظموه آبادلقیوا شرعی قانونوه آزادلقووا

الغرض بینیمی چاتداتدی قاطار
ساعت اوندا باکویا چاتدی قاطار

گوردوخ اکرام ائلیوبلر قوناقا باکو شاعرلری گلمیش قباقا
اولدوخ عزّتله قاطاردان پیادا منزل ائتدوخ هتلِ مُسگووادا
بو هتل منظر زیباده دوشوب باصفادی لب دریاده دوشوب

هُتلین صاحبی بیر شخص حلیم
اهل حال انسانیدی آدی رحیم

باکویا باخدیم ئورک دوندی قانا — باش قالوب هاردا دوشوب جان هایانا
ئوره‌گیم یاندی گوزل توپراقیما — دست ظلمیله بُؤلونموش باغیما
وای گوزل اُردوبادیم، نخجوانیم — شکی، شیروان، شماخی، لنکرانیم
وطنی ائتدیله قربانلیق اتی — بُؤلدولر پایلادیلار مملکتی
هر گلن کشوری حرّاج ائلدی — بیزی بیگانیه محتاج ائلدی
وطن عشقی ووروب اود هرزادیما — صابرین سؤزلری دوشدی یادیما
«مول دایی سالمادی ئل دیل بوغازا — عیبی یوخ گر چه قویولدوخ لوغازا»
«یاز بو اعلانمیده بیر کاغازا — آچمشام ری‌ده گنیش بیر مغازا»

«چوخ اوجوز قیمته هر شِی ساتورام»
«آی آلان مملکت ری ساتورام»

«مغازامدا تاپیلور هرجوره زاد» — «جام جم، رأیت‌کی، تخت قباد»
«گرچه بازاریمی ائتماقدا کساد» — «چالیشور بیر پارا ایرانی نژاد»

«لیک من باخمیورام هی ساتورام»
«آی آلان مملکت ری ساتورام»

ایکی ماشین گتوروبلر اوزمان — تئز مینوب قوش کیمی ائتدوخ طیران
گئتدوخ، اُن‌ورماقا،[1] ائتدوخ تماشا — او تماشایه گرک گوز قاماشا
بیر فروشگاهدی مفصّل باساباس — هر نه سویسن تاپیلور اوردا اساس
واردی قیرفیرلی فروشنده‌لری — اللّهین ایستمه‌لی بنده‌لری
«آتشین» سویمه‌لی یولداشلاری وار — قنبراوف تک میری قارداشلاری وار
دوسلوقا شیوه گتورمیشدی بیزه — دسته گل، میوه گتورمیشدی بیزه

۱-فروشگاه

بیزه منظوریدی قبر شهدا[1]
وئردوخ ارواح شهیدانه دعا

اهل قبرستان اجل یورقونیدی — دفن اولان اوردا «صمد وورقونیدی»
شعرا اهل هنر پیر و جوان — هامی ائتمیش قارا توپراقدا مکان
هامی دنیا هوسین باشدان آتوب — باش قویوب بالش خاک‌اوسته یاتوب
هر قدم بیر گل عذارین یوزیدی — نم که وار بیر یارین آخمیش گوزیدی
قدم آهسته گوتور گور نمه‌دی — یوزدی، گوزدی، سینه‌دی، شوخ م...
بی‌خبر گئچمه نصیحت یریدی — گوزیوی یومما بصیرت یریدی
هر کیم اولسان بونی بیل ئولمه‌لیسن — هارا گئتسن بو یره گلمه‌لیسن
نئجه حرمتلی مقامه چاتاسان — گرک آخر بو مکاندا یاتاسان
«هر که باشی و به هر جا برسی[2]» — آغزین آچوب سنه قبرین دره‌سی
هتله بیرده قیتدوخ ناهارا — قسمته باخ بیز هارا باکو هارا
بعضی شخصّیته گئتدوخ سلاما — دوشه‌دوخ کاخ گلستانه شاما
ییغیشوب باشمیزه فوج رجال — آلدی اطرافیمیزی اهل کمال
خاویاردان، کباب و دؤش بره‌دن[3] — دوشله‌دوخ جوجه پلودان کره‌دن
نه هتل قصر بهشتین مَثَلی — گزمه‌لی، گورمه‌لی، چوخ منظره‌لی
او گوزللقدا هتل‌ده نه ثمر — یوخیدی نظم و نظافتدن اثر
نظری جلب ائلدی بیر یکه موش — راستوراندا آتیلور چون تکه، موش
توالتده سویی یوخ بیلمه‌لیسن — ئوزیوی کاغذیلن سیلمه‌لیسن

آپاروبلار منی گوز دکترونه
تا گوزومده اولان علّت گورونه

۱- در جنگ ارمنیان کشته شدند

۲- بو مصرع پروین اعتصامدن‌دیر

۳- نام یک غذا

نئیجه دکتر ئوزیده شاعره‌دی دول‌دا اولسا ائله بیل باکره‌دي
شفاق آدلی نورو قلبه ساچیلار الینی کور گوزه قویسا، آچیلار
یادگار اولماقا حضرتلرینه بو سؤزی یازدیم اونون دفترینه

هاردا گورسم بولود آتدا شفقی
باکودا یادیمه سالاّم شفقی

آیری دکتر واریدی آدی نگار یارادیب خالق عجب نقش نگار

قوچ کوراوغلی بونی گورسیدی اگر
او نگاره نظر ایلردی مگر؟!

رفقا که اولارین گوردی یوزون هامیسی قولتوقونا ووردی گوزون
نسخه یازدی بیزه اشعار اوخودی چای گتوردی ادبی چوخ چوخودی
دئدی من چرخ وفا اولدوزویام دینیم اسلامیدی سیّد قیزی‌یام
گینه گلدوخ ناهارا راستورانا نئجه شاختا نئجه دوشدوخ بورانا
بیر غازیتچی[1] گلوب اوردا سئوالا بیر شکیلچی[2] یانیجا شکل سالالا
سؤز سوروشدی جواب آلدی هره‌دن جوربه‌جور شکلیده سالدی هره‌دن
باکی جمهوریسینون باش وزیری طنز و تفریح‌ده یوخدور نظیری

شاما چکدی هتله قافله‌نی
آچدی بیر بحث سیاسی عَلَنی

سؤز اوزون سالدی بیزی حوصله‌دن چوخ قالوبلار دالیا مسئله‌دن
گاهی ملعون ستالین گاهی لنین نه بولاردا قویوب ایمان و نه دین
ایمدی‌ده گورباچوفین نوبتیدی قورو آده سریماق فرصتیدی
گورباچوف بیر تیکه دوتموش اولارا ایمدی حسرتله قالوبلار آوارا
گرچه خودمختار اولوبلار نه ثمر اختیاردان نه خبر وار نه اثر

۱- روزنامه نگار

۲- عکّاس

ترکیه قابلیوب ئوز سوقاتینی جمله مکتوبلاری اولموش لاتینی
او وئروب نقشهٔ پرچملرینی اقتصاد آرتق ائدوب غملرینی

نه باکی شیطانین آل وئر بازاری
طهرانین شاه زمانی لاله‌زاری

شوروی پیس حالا سالمش باکینی نجسدن نجس ائلیوبدی خاکینی
فقط اسلام آدی دیللرده قالوب هامی احکام خدا یرده قالوب
رقص و آواز و زنا فسق و فجور قاریشوب بیربیرینه جوربه‌جور
یاخشی وسعتلی خیابانلاری وار ساده‌دل مهربان انسانلاری وار
نه باکی قیزلاری حوریّه کیمی قیزلارین پُوزلاری سوریّه کیمی
ایکی شِیْ‌دن یوخودی نام و نشان بیر نمازدان بیری‌ده آفتافادان
بنماز حیض و جنابت تانیماز دستماز غسل و طهارت تانیماز
بنماز هر دونا هر رنگه دوشر آت، اولاخ تک ایاق اُستونده ایشر
نماز انسانه وئرر درس حجاب توک گوروندی نمازون اولدی خراب
نماز اشخاصه وئرر عزّ و شرف چکر انسانی خداونده طرف
الغرض مؤمنه زنداندی باکی عیّاشا روضهٔ رضواندی باکی
سولاری آز گلوری چوخ کسیلور خلق ئوزون کاغذ دسمال‌لا سیلور
روس آلوبدور باکینون مذهبینی ترکیه غارت ائدوب مکتبینی
گینه شامدان صورا گلدوخ هتله شاختادان فوری بوروندوخ مِیتله

هتل اولموشدی مقاماته مقام
جمله اَهل ادبیّاته مقام

او گئدردی بو گلردی گوروشه گرک انسان هامیسیلان اُپوشه
سحر آخشام اوتوراردوخ کشیگه نئچه گون چیخمادوخ اصلاً ائشیگه
تلویزیوندان اولوب دعوتیمیز بیر ساعات اولدی چیخیش صحبتیمیز
تلویزیون مدیری مرد شریف آدی ایلغاریدی چوخ شوخ و ظریف

شکل چکدی گوتوروب فیلم و نوار — بئله بیر عزّت و تکریمه نه وار
احترام اهلیدیلر میهمانا — دوشه‌دوخ هر گئجه بیر راستورانا
«آتشین» نغمه‌لری دلکشیدی — واقعاً «آتش» ائله آتشیدی
میری‌قارداشدا وئروب بیر گئجه سور — قویمامیشدی خدماتینده قصور
دور هم جمعیدی یکسر اُمرا — صدر مجلسده اوتوردی شعرا

آسمان ادبین بدرلری
باش وزیر پارلمانی صدرلری

صبح یکشنبه یتوب کوچ رحیل — بختمیز نخجوانا اولدی دلیل
خارج از نوبه بلیط اولدی وصول — دئدیلر اولمیون افسرده ملول
عفو ائدون گر سیزی اینجیتدی قاطار — هواپیما غموزی دلدن آتار
علی‌اوف گتدی فرودگاهه بیزی — میندیروب تاپشیروب اللّه بیزی
اختصاصی بالاجا، آیرو پالان — دئدیم ای طایر بختیم اوجالان
پر آچوب شوقله مقصوده ساری — گوندن آلچاخدا بولوددان یوخاری
بو هواپیمادی حاشا یوبانا — قویدی ساعت یاریما نخجوانا
اورانین صاف ئورک انسانلاری وار — علی‌اوف تک آقا، فرمانداری وار
صدر شورا دبیری کان وقار — آدلی شاعر ئلیمانلا، علی یار
ایکی نادر ایکی ارباب ادب — بیزه گلمیشدیله پیشوازه عجب
آپاروبلا هتله عزّتله — یاخشی صبحانه یدوخ رغبتله
علی‌اوف شهری دولاندیردی بیزی — قنبراوف چوخ‌چوخ اوتاندیردی بیزی
واریدی بیر اوجا وسعتلی بنا — قویولوب مؤمنه خاتون آدینا
وار فروشگاهلاری وسعتلی گنیش — رفقا سوقاتا دولدی کم و بیش
گورباچوف عامل اولوب چوخ فسادا — بیر بویوک ضربه ووروب اقتصادا
جنس کمدی ماناتین وضعی خراب — حرج و مرجه یوخیدی حدّ و حساب
هتله چکدیله صرف ناهارا — کبابا، ماهیه، ربّ انارا

آرازین ماهیسنون لذّتی وار نخجوانین سویونون شهرتی وار
نمازی قیلدوخ اولوب کام حصول شورووی جلفاسنا گلدوخ عجول
آرازی قافله‌میز آشدی گینه حمد اولا خالقه گلدوخ وطنه
گینه لطف ایلدی سرهنگ نقوی معتقد شخصیدی ایمانی قوی
حاجعلی شیخلو چیخوبدور قباقا چوخ گوزل خدمت ائدوبلر قوناقا
گوتدی سربازلار اساسیّه‌میزی گتوروبلر گینه جلفایه بیزی

ائله که کورپینی گئچدوخ بو تایا
وطنین داشلارین اوخشاتدیق آیا

دوشوب اُپدیک وطنین توپراقنی یوزه چکدیک او گوزل بایراقنی
شام یدوخ چکدی سخن نصف شبه یومولوب گوز یوخی ائتدی غلبه
یاتدیم آسوده دئدیم جان وطنیم ئوزیوه آدیوا قربان وطنیم
صبح صبحانه‌نی ووردوخ بدنه نشعه ساز اولدی قارین دویدی گینه

«ناظری» «آتشی» اشک تریله
یولا سالدوخ کرجه «آذریله»

آیریلیق گوزلری دولدوردی یاشا یولا سالدوخ اولاری قالدی «پاشا»
بیزده دوردوخ دئدیلر بس سیز هارا آخر اصراریله قالدوخ ناهارا
ماشین آماده اولوب وقت ناهار «پاشازاده» مَنیله اولدی سوار
آدی راننده‌میزین ذاکریدی فن راننده‌لقا ماهریدی
تریلی یولدا آلوبدور قباقا دئدیم ائشّکده باخون باش قولاقا
کئفلی‌سن ایت بالاسی یا لوطوسان قانمیسان شاعره سبقت دوتوسان
بولموسن تند گئدن تئز ییخیلار دنیادا زور دیین انسان سیخیلار
سفیه‌اوغلی نئجه گور داو گوتوروب دیه‌سن معرکه‌دن باش گتوروب
بو تصادف چوخی سرعتدن اولور یوزه هشتادی خریّتدن اولور
هر کیم ایستور آلا فرمان الینه گولوری ئوزگه‌لرین سقّلینه

بو خیالیله که یول تئز قوتولا شعریمیز نردبان اولدی بو یولا
دوشه‌دوخ یولدا چایا چای باشینا یوخی قاچدی گینه میندوخ ماشینا
ایستدی گون شفق آلتندا باتا گیره بلبل یووایا، قُمری یاتا
ناگهان اولدی نمایان مراغا دئدیم آخ جان سنه قربان مراغا
بولودیلان اُپوشن داغلاریوا ئلیلن خوش گوروشن باغلاریوا
گوردوخ ئل طایفانی باتدوخ ثوابا بیر سفرنامه‌ده آرتوب کتابا
گئدرم من بو سفرنامه قالار اوخویانلار منی‌ده یاده سالار
من کریمی کریمم یا حکیمم ساغلقیمدا هله بولمزله کیمم
گلی بیر گون هنریم پارلاق اولار سوموگوم سُرمه، اتیم توپراق اولار

یول سالوب قبریمه ائتسوز منی یاد
صلواتیله ائدون روحیمی شاد



دعوت

قبله‌گاها بعد از ابلاغ سلام
سایه‌تان بادا سر ما مستدام
بنده منزل را مزیّن می‌کنی
با حُضور خود برای صرف شام





نعمت عظمادی معلّم

نقش هنره نقشهٔ زیبادی معلّم
کنز خرده گوهر یکتادی معلّم
خمخانهٔ عرفانده صهبادی معلّم
جان گلشننه بلبل شیدادی معلّم
امواتی ائدن زنده مسیحادی معلّم



مرشددی، طریقتده ائدر سالکی ارشاد
عارفدی، حقیقتده اودور طالبه اوستاد
ظلمات جهالتدن ائدن جاهلی آزاد
ظاهرده بشر عالم باطنده پریزاد
لفظ بشرین اوّلینه بادی معلّم

تعلیم معلّمدی ائدن جاهلی دانا
دانش‌سیز آدام مفرغ مهملدی مطلاّ
دانشدی ائدن مردمی دانا و توانا
صحبتده صفابخشیدی همّتده معلاّ
قاف ادبه سهملی عنقادی معلّم

وارثدی نبیّان اولوالعزمه معلّم
روح عکسیدی دوشموش رمم عظمه معلّم
آشفته اموری یتورر نظمه معلّم
غیظینده دؤزوب صاحب اولان کظمه معلّم
اخلاق پسندیدیه دارادی معلّم

تشویق معلّمده دئدی حضرت مولا
هر کس منیچون ئورگده بیر کلمهٔ زیبا
قَد سَیّرنی عَبداً عجب رتبه‌دی والا
مولا نئجه ارزشلی مدال ایلیوب اعطا
چون جامعه‌ده سرور و آقادی معلّم

البتّه معلّمدی بو اطفالین آتاسی
شاگرده اونون فرضیدی تعظیم و ثناسی
شیرین آتا مهریندن اولوب جور و جفاسی
اطفاله اثر بخشیدی اخلاق و اداسی
دارای مقامات معلاّدی معلّم

نهضتده جهاد ایچره جهاد ایلدی نهضت
غمدن دوتولان دللری شاد ایلدی نهضت
چون چوخلارینی اهل سواد ایلدی نهضت
بیر عدّه یازیق ملّتی یاد ایلدی نهضت
ویرانه‌لر آبادینه بنّادی معلّم

نهضتدی اوزاق کنده معلّم ائدیر ارسال
محروم اولان اشخاصی تاپوب ایلوری خوشحال
هر کتده گوزل مدرسه ایجاد اولوب الحال
تحصیل ائدیری شوقله نوسال و کهنسال
کانون صفا صاف و مصفّادی معلّم

بیر جزئی حقوقیله ائدیر مردمه خدمت
بیر کیلو خیاره دیوری درس ایکی ساعت
ممکندی یازیق دادمیا اون گونلریلن ات
نیلک بشره علمدی سرمایه و ثروت
دنیا بویی شخصیّته سیمادی معلّم

شاعرده معلّمده گرک صبر اولا دریا
شاید یاشیا اللی بش ایل دادمیا حلوا
عمرینده فسنجان یمدی بوعلی‌سینا
لوت گزدی بابا طاهر عریان کیمی دانا
چون خلعت شخصیّته دارادی معلّم

احسندی ماشاءاللّه‌دی بیزیم عصریده رایج
به‌به بارک‌اللّه بزرگانه مخارج
مرسی، متشکّر، هامی امراضه معالج
هئچ‌کس دئموری پولدی بوگون باب‌الحوائج
پولدان بری شاعردی مبرّادی معلّم

مدتدی کریمی آپاروب شعریده شهرت
تعلیمینی ذاکردن آلوب عین حقیقت
غیر از آتالیق وئرمیش اونا درس فصاحت
تا واردی حیاتیم اوخورام روحینه رحمت
ئولمز هامی اذهانیده احیادی معلّم



نسیه

خواه محبوب و خواه منفورم
هر که باشم ز نسیه معذورم
می‌فروشم به قیمت مقطوع
نقد مطبوع و نسیه شد ممنوع





تعلیم و تعلّم

اهل ایران پیر و برنا باسواد اولسون گرک
نهضت آموزشه ایران ستاد اولسون گرک



اُطلبوالعِلمَ مِنَ‌المَهدی، بویورموش مصطفا
علمدور دنیای تاریکه وئرن نور و صفا
خوشدی گوناگون مرضلر علمدن تاپسون شفا
جهل بازاری بو میهنده کساد اولسون گرک

ملّت ایران ائدوب نهضت سواد آموزیه
هانسی ملت باسواد اولسا یتر پیروزیه
بیر زمان بیر بی‌سواد قالسا قویالاّر موزیه
عَلَمَ‌الاسمائه بیزده اعتقاد اولسون گرک

علم وصفینده کفایتدور کتاب‌اللّهدا، نون
وصف ائدن علمی قلمدور شاهدی مایسطرون
اِعلمو یٰامَعشَر لاٰحبٰاب مٰا لٰا یَعلَمون
درس و تحصیله مجالس انعقاد اولسون گرک

تقویت ائتماق گرک بو ملّتین فرهنگینی
شهریدن یغماق گرک مست و خمار و بنگینی
اَسنیوب آچسین چووال تک آغزین اگسین انگینی
ریشه‌کن بو مملکتدن اعتیاد اولسون گرک

نازپرور گللری گردیله سولدورماق نچون
نوجوانلار سینه‌سین دودیله دولدورماق نچون
ملّتین قانین داخی زالوکیمی سورماق نچون
مُفسده جدّاً مجازات فساد اولسون گرک

ای جوان بدبخت اولوب ئوز عمریوی ائتدون هدر
کیم سنه باخسا سئچنمز اسکلت‌سن یا بشر
تورشادون اگریلدون اولدون بیر سارالمش گُلبسر
ناروا ایشدن شدیداً انتقاد اولسون گرک

علمسیز مفلسدی انسان گیرم اولسا اغنیا
علم ارث انبیادی مال ارث اشقیا
شخصه اوستاد ادب کیمدور معلّمدن سوا
حق تعلیم و تعلّم ازدیاد اولسون گرک

امر ائدوب رهبر گرک اولسون بو کشور مدرسه
ایلروخ بیرگون بو ایرانی سراسر مدرسه
خرمن جهل و فساده شعله‌دور هر مدرسه
بر علیه جهل و نادانی جهاد اولسون گرک

دلخور اولما دانش‌آموزه تاپولمور یر هله
بیر کلاسدا اوچ کلاسین اهلی دوشموش مشگله
دفتر و کیف و قلم کاغذ اولوب بیر مسئله
خودکفالقدا، رعایت اقتصاد اولسون گرک

دانش و فرهنگ اولان یرده ئورکلر صاف اولار
حوقّاباز اولماز جماعت، عدل اولار انصاف اولار
نه تجاوز نه تعدّی ظلم و نه اجحاف اولار
کشور اسلامی یکسر عدل و داد اولسون گرک

بیز گرک فرهنگله ایرانی آباد ایلیاخ
پیرو قرآن اولاخ بیر وحدت ایجاد ایلیاخ
انقلاب اوسته ئولنلر روحینی شاد ایلیاخ
هر محافلده شهیدلردنده یاد اولسون گرک

شانلی توپراقیم منیم مردان تقوا بسلیوب
خواجه‌نصرالدّین طوسی ابن‌سینا بسلیوب
شیخ‌بهائی‌لر بویولدوب ملاّصدرا بسلیوب
میهنیم دنیایه منهاج رشاد اولسون گرک

سن دگولدون کارتر و ریگانی سالدون هولیه
منطقیله وئر جوابین قویما هذیان سولیه
ساقط اولدی یول وئرون صدّامه گیرسین طولیه
چون پالان سورتوب بئلین زخمه ضماد اولسون گرک

پیس گونه قویدی زمانه قادسیّه سردارین
قورخودان ایشگلدی پیسر غصّه‌دن شیشدی قارین
جنگ قورتولسا طلبکارلار چیخاردار شلوارین
کج باخان ایرانه رسوای بلاد اولسون گرک

هر پیشیک اولسا زیانکار تئز قوپاردالاّر بوغون
هانسی ائشّک بوستانا گیرسه چاپالاّر قویروغون
ایگ چیخاتدون منطقه دولدی دور ای قارنی یوغون
ایمدی ای صدّام شغلون آه و داد اولسون گرک

ای بداختر گندم از گندم بروید جو ز جو
ای ستمگر از مکافات عمل غافل مشو
اکدیقوندن آیری حاصل بیچمه سن وقت درو
ائتدیقون ظلمه عوض قبل از معاد اولسون گرک

سِیر تاریخی کریمی ائت ئوزیوه مشغله
رمز پیروزی فقط وحدتدی اصل مسئله
دولت و ملّت گرک وورسونلا باهم ال اله
دولته ملّتده حُسن اعتماد اولسون گرک

معلّم

معلّم روح شاگرده غذادی
خدا مؤمن معلّمدن رضادی



ئورک سرّین اونیلا قوی آرایه اونی بیگانه بولمه آشنادی
آنا گرچه بالایه مهرباندی معلّم هم آنادی هم آتادی
جهالت دردینون حاذق طبیبی اونون انفاسی امراضه شفادی
طلای ناب ائدر خاک سیاهی تبرّک وار الینده کیمیادی
معلّمدور امانتدار مردم امیندور صاحب صدق و صفادی
اونون تنبیهی شیریندور عسلدن گوزلدی، مهرباندی، باوفادی
معلّم‌دور ائدن اعمانی بینا الی مشگل‌گشا معجزنمادی
معلّم حقّینی کیم ائتسه ضایع گلر بیرگون گوررسن مبتلادی
معلّم ائتسه شاگرده خیانت یری دوزخدی مغضوب خدادی
بیاناتینده اعلان ائتدی رهبر معلّم شغلی شغل انبیادی
معلّمدور بو اطفاله مربّی اونا بیزدن سلامیله دعادی
کریمی جسمده جاندور معلّم
غرض بیر باشقا انساندور معلّم





نور چشم عزیزم دختر برادرم

ای جگر گوشه‌م ای گوزوم نوری باغ عیشیمده بیر گل سوری
ای رقیّه عمون سنه قربان یاشا دلشاد و خرّم و خندان
یازدیقون نامه تاپدی عزّ وصول اطّلاع مجملیندن اولدی حصول
مرحبا خطّوه کتابتوه آفرین مهریوه محبّتوه
ای گوزوم نوری ایلمه غفلت روز و شب ایله درسیوه دقّت
اولما تنبل یتیشمه تعطیله سعیله وئر ادامه تحصیله
اولما پابند جاه و تشریفات دین و دنیاوه یتمه‌سین آفات
خوشدی دنیاده ساده آسایش شرم و تقوادن ایله آرایش
اول نجیبه عفیفه محجوبه خلق و خالق یانندا محبوبه
پاک و پاکیزه خانه‌دار و تمیز اهل تکلیف و باوقار و عزیز
بهترین زینت اهل ایمانه
بیل ادبدی، خصوص نسوانه
اولما درسونده عاطل و بیرک ثابت اول هر اموریده زیرک
چکمه ال رازیله نیازوندن ایلمه غفلت ئوز نمازوندن
روز محشر که جانگداز بُود اوّلین پرسش از نماز بُود
سال حضور خداده سجّاده
اشکیله آچ جماله سجّاده
جانمازونده التجا ایله عمووی یاده سال دعا ایله
اللی یدّی بهاریم اولدی خزان اللی سگّزدی عمر بو رمضان
آز قالور آیریلام احبّادن کوس رحلت وورام بو دنیادن
عمر فانی یتیشدی اتمامه آفتابیم چاتوب لب بامه
منی یوردی محیط آلوده گئده‌رم قبره اولام آسوده

ذاکریم اوردا ساخلیوب یریمی گئدوب آلاّم قوجاقه نیّریمی[۱]
اوردا شاه و گدا برابردی
اوردا پروردگار داوردی
هامی گوزدن جلال و جاهی آتوب آقا نوکرله توپراق اوسته یاتوب
اوردا یوخدور لباس رنگارنگ هامی یکرنگ و عور و هم آهنگ
هامی بیر صحنه‌ده خواصّ و عوام نه حواله نه چک نه سفته نه وام
نه کوپون وار نه دفتر ارزاق اوردا حاکمدی قاسم الرّزاق



بیر کفندن صورا نه دارائی ال چکوب شهردار و دارائی
اوردا یوخدور منافق انسانلار یوزلری دوست قلبی دشمانلار
اوردا یوخ کسب و کاره پروانه یورالار کاسبی دویا جانه
هی بو صفده او صفده چک آفات اوخی صفلرده گونده والصّافات
ای رقیّه همیشه شاد اولاسان زن پاکیزه اعتقاد اولاسان
وار امیدیم صفاسیز اولمیاسان سن آتان تک وفاسیز اولمیاسان
هامی ئل طایفانی آتوب گوزدن خوش مثلدور دونرمیش اوز اوزدن
نه دوشور یادینه وطنداشلار
آنالار باجیلار نه قارداشلار
دیری‌لردن دوتاخ که نفرتی وار آخی بوردا آتا زیارتی وار
هر شب جمعه مؤمن دیندار آتانین قبرینه اولار زوّار
لااقل آیدا بیر گله وطنه باخا قبر اوسته بیر گلوب گئدنه
گوندره روح‌لر هدایاسین اوخویا قبری اوسته بیر یاسین
قویا بیر ال مزارلر داشینا وئره بعضاً اجازه گوزیاشینا
اولاریندا ریاستی واریمیش بیر گون عیش و امارتی واریمیش
فرش قالی و ساختمان بلند صنم و سیم و سینه‌بند و سمند
حجره و باغ و کاخ و کاشانه چیخوب الدن اولوبدی افسانه

۱-نوهٔ کوچکم که از سماور سوخت

باشا یتسون بو مختصر ورقه یاز رقیّه بو بیتی زرورقه
عجّلوا باالصّلٰوة قبل‌الفوت
اِغتنَم وقت توبه قبل‌الموت

مناجات باقاضی‌الحاجات

ای خدا ای مهربان پروردگار
غرق عصیانوخ ذلیل و شرمسار
ای خدا توفیقون ائت شامل بیزه
ایله فیض و رحمتون نازل بیزه
یول اوزاقدی توشه یوخ واحسرتا
رحم ائله بیزدن خطا سندن عطا
آتش قهرونله یاندیرما بیزی
دوست و دشمندن اوتاندیرما بیزی
آیری سالما ذکر و طاعتدن بیزی
قُوما درگاه عبادتدن بیزی
بارالٰها ای کریم کارساز
ائت نماز اهلین همیشه سرفراز
چلچراغ کاخ عرفاندور نماز
نور چشم اهل ایماندور نماز
ای خدا اهل نماز ایله بیزی
رحمتوندن بی‌نیاز ایله بیزی
سرفراز ائت دین و تقوادن بیزی
آیری سالما آل طاٰهادن بیزی
ای کریمی که کریمی کار توست
این کریمی عاشق اذکار توست

سرمای زمستان ۶۴

بو ایل جماعتی دوندارردی قهرمان شاختا
قباقینه گَلَنی ییخدی پهلوان شاختا



دیرله تتره‌در عرشی یتیمون آغلاماقی
بوتون یتیملری آغلاتدی بی‌امان شاختا
نگاری کوچه‌ده گوردوم گلور ولی ایکی قات
او سرو قدّی بوکوب ایلیوب کمان شاختا
او گل یاناقلاری گوردوم سولوب چاریق گونی تک
منیم گولن گولومی ایلیوب خزان شاختا
تمام ایلانلاری آوسونلیوب فقط قورودوب
اوجاق اولوبدی گلوب دوتماقا ایلان شاختا
سالوبلا امّت مرحومه‌نی محاصریه
اویان عراق قوشونی صف چکوب بویان شاختا
پیچاقلار اوینوری اللرده نفتین اوستونده
هی ایلوری یاریلان باشدی پانسمان شاختا
دئدیم نگاره شب جمعه‌دی عزیز گئجه‌دی
دئدی حماملاری تعطیل ائدوب اینان شاختا
دئدیم یایی بش آیین غسلنی قضا ائده‌روخ
دئدی یایا چیخانا قویمیوب گمان شاختا
بیر عدّه گولله‌لر آلتندا ئولدی قورتولدی
قالان بیر عدّه‌نی‌ده ائتدی باغری قان شاختا

بو سازمان ملل‌دنده اولمادی حرکت
تمامی مِلله وئردی سازمان شاختا
حاضرلاشوبدی فقط مفلسین س... بترین
شجاعتین وئره مستضعفه نشان شاختا
بلا گلنده دوتار بینوالرین یاخاسین
نه تاب قویدی کاسبلاردا نه توان شاختا
بیر عدّه پوللودا بلغاردا شاختادان دوندی
یانینجا ارزی ئوزین یاندیروب مامان شاختا
یرآلمانین کیلوسین قالخیزوب اوتوز تومنه
ائدوب کلم هویجین قیمتین گران شاختا
نه قویدی کاخ‌نشین صاف قالا نه کوخ‌نشین
باخوب حسابینه خلقین یگان یگان شاختا
کیچیک اوشاقلاری حتّی بلکده دوندادردی
قساوتین هامیا ایلدی عیان شاختا
مریض ساییلموری دکترلرین مطبّینده
ئوزیله چوخلی مرض گتدی ارمغان شاختا
یازیق کاسب الی بوش، ائو سویوخ بازاردا سویوخ
چیخور چوله باتیرور جانینه تیکان شاختا
قولاقلاری قیزاریر ال ایاق دونور قییدور
گورور اوشاقلاری جاندان سالوب یامان شاختا
نه نفت وار نه کومور وار نه گاز قالوب نه قازول
قازاندا، قابلامادا اوینادیر سیچان شاختا
دیولله باغدا سویوخ مُولرین کوکین قورودوب
نه قویدی آلچا نه بادام گردکان شاختا

قوتولدی گئتدی نه چارشنبه قالدی نه بایرام
که باستانی‌لری ائتدی داستان شاختا
جماعتین دونی خردادیده چتین آچیلار
هنوز بولموری نیلور بو جان آلان شاختا
اوگون آچار گوزینی آینادا باخار ئوزینه
گورر سارالدوب ائدوب رنگی زعفران شاختا
اوگون دونی آچیلاندا هوشو گلر باشنا
باخار گورر قالانین ایلیوب تالان شاختا
اوگون گلر ئوزینه اللرین ورار دیزینه
بولر نئجه ائلیوب سودینی زیان شاختا
اوگون گلر حالا، بیردن گورر وجودینده
نه ات قویوب قالا سالم نه استخوان شاختا
هله دونوب جاننین آغریسین یازیق بولمور
دونی آچیلسا بولر نیلیوب دومان شاختا
نه کوپده قیله‌سی قالدی نه سفره‌ده چوره‌گی
نه قویدی کندی‌ده اون کیسه‌ده قران شاختا
نئجه اورک آچیلار تازه‌دن گولر دوداقی
بوجور که ائتدی ایشین نوحه و فغان شاختا
چیخوبدی ناله‌سی افلاکه کارمندلرین
بویاندان اصنافی دلدن سالوب بوران شاختا
هامی گودور گله یای بیر دویونجا جانی قزا
فقیری خوش گونه حسرت قویوب دومان شاختا
کریمینین‌ده دونوب طبعی سرد اولوب نفسی
ووروبدی ال قولونا بند ریسمان شاختا

وحدت سوویرم

من نه خفّاش کیمی عالمی ظلمت سوویرم
نه‌ده بایقوش کیمی ویرانه‌ده عزلت سوویرم



نه‌ده زالو کیمی قان سورماقا وار چوخ عطشیم
نه‌ده عقرب کیمی اشخاصه اذیّت سوویرم
نه قارین سوکماقا، قان توکماقا بندم چو پلنگ
نه‌ده قوردتک چوبانا رنج و جسارت سوویرم
سخن آرای زمان، طوطی شکّر شکنم
بلبلم صحن گلستاندا سیاحت سوویرم
شمعم ئوز وارلقیمی جَمعه نثار ایلیَنَم
یا که پروانه‌یم عشقیمده صداقت سوویرم
عاشقم لیک نه صنعان کیمی رسوای جهان
عارفم حلقهٔ عرفاندا ریاضت سوویرم
عابدم کنج عبادت منیچون باغ جنان
عارضم حلقهٔ عرفاندا ریاضت سوویرم
عاقلم گر چه ائدوب عقلیمه عشقیم غلبه
اولسا معشوقیمه اخلاص ارادت سوویرم
شاعرم جامعه‌نین دردینی آز چوخ قانورام
گر الیمدن گله هر درده طبابت سوویرم

بِزمیشَم هلهله‌دن، ولوله‌دن، مشغله‌دن
قویسالار ئوز باشما کنج فراغت سوویرم
گُل اولا، بلبل اولا، یار اولا، بیرده من اولام
چای و قلیان، لب جو گر اولا قسمت سوویرم
سَپه صبحین یئلی یارین یوزینه طرّه‌لرین
ائله بیر منظره‌دن روحیمه لذّت سوویرم
یا داغین دامنه‌سینده چکیلوب خیمه قورام
بوشلیام کثرتی آسوده و راحت سوویرم
بی‌وفا دوسدان، اُلی مشتریدن اینجیمیشم
محفل اُنسی مغازم کیمی خلوت سوویرم
ملّتین قوزاماقی، یخماقی چوخ آسانیمیش
اودی که بوشلامشام ملّتی وحدت سوویرم
یوزده مدح ایلینیم کولگه‌مه شمشیر چکور
نه داخی مدح و نه تقدیر و مذمّت سوویرم
ایمدی که خلقه فصاحتله سفاحت بیریمیش
داخی شعریمده نه صنعت نه فصاحت سوویرم
قویمشام دای بوشا آلت انگیمی هی سؤسیورم
نه متانت نه نزاکت نه لطافت سوویرم
ای کریمی سنه روح‌القدس امداد ائلیوب
واردی شعرونده سنون ئوزگه ملاحت، سوویرم

نصیحت‌لر «ترجیع بند»

نقدی عاقل کیشی وئرمز نسیه
نسییه گیرمیه شاید کیسیه



وئرمه سرمایهٔ عمری هدره | بنزه‌مز عمر داداش سیم و زره
سیم و زر چیخسا الوندن گینه‌ده | واردی امکان قییده صون فقره
عمری امّا دئمه قیترماق اولار | عمریدور بیرده قیتمز بشره
خوش او شخصه ایکی دنیاده ئوزین | ائده اصحاب کِرامٌ بَرَره
وای او بدبخته ئوزین خوار ائلیه | اولا اعوان ظلام و فجره
فرصتی فوت ائلمه قدرینی بول | سود سرمایه‌نی وئرمه ضرره
بو جوانلیق دئمه دائم قالاجاق | قوجالیق گلسه سالار دردسره
بو وجاهت بو طراوت گئده‌جاق | بنزه‌سن بیر ساراالان گلبسره
قیزون اوغلون قویاجاق مسخریه | آتالیق حقّنی آلماز نظره
قول دوشر سانجیا، قیشلار یریمز | گه وورار آغری دوشوندن کمره
مرکب آماده ائله توشه گوتور | یاخشی یولداش تاپ اوزاق بیر سفره

نقدی عاقل کیشی وئرمز نسیه
نسیه گیرمییه شاید کیسیه

متّصل گرمیدی بازار عمل | سعی ائله اصلی وئروب آلما بدل
ائت «اَلَم اَعهَد عَلَیکُم»ده خیال | سندن اقرار آلنوب روز ازل
گوندروبدور سنی بازاره امیر | آلاسان پسته و بادام و عسل
گوزله جیب‌بُرلر آلوب دوروبرون | گزدیروللر سنی مانند اجل
سنه هر سمتده بیر دام قوروب | آلوب اطرافوی دزدان دغل
نفس امّاره‌نی یخ آرخیین اول | «لاتَخَف حَیَّ علی خَیرالعمَل»
او کیشی ایستدی قصّابدن، ات | دئدی پول وئر دئدی صبّاح وئرر ال
دئدی صبّاحه کیمی قالما قووا | بیر کاغاذ وئر، نه گوزلدور بو مثل

یوخلیان ملّتی بیدار ائلمز کرّ نایِ سخن و شعر و غزل
بو گونون امرینی قویما صباحا نسیه‌دن نقد مقدّمدی گوزل

نقدی عاقل کیشی وئرمز نسیه
نسیه گیرمییه شاید کیسیه

قاب قوسینه اگر وار نظرون معرفت اوجینه آچ بال و پرون
ید بیضانی چراغ ائت ئوزیوه خضری تاپ تا که اولا راهبرون
ئوزیوی وحدته چک کثرتی آت قیل و قال آرتراجاق دردسرون
یول خطرناکیدی لازمدی اولا خوفدن حربه، رجادن سپرون
دئمه «اَرنی» که جوابون گله، «لَن» نور عرفانله باخ آچ بصرون
منزل خاکیده تأخیر ائلمه محفل انسیده خالیدی یرون
بادهٔ جام فنا فی‌اللّهیله تودماق اولماسان اولماز ثمرون
ثقلت جهل سنی ائتسه ثقیل وار بو یولدا یوزه دوخسان خطرون
آرپا اکسن دئمه بوغدا بیچه‌سن بینوا یوخدی خبردن خبرون

نقدی عاقل کیشی وئرمز نسیه
نسیه گیرمییه شاید کیسیه

باشا مجنون کیمی قوی افسر عشق یاکه لیلی کیمی اول دلبر عشق
داغا وور تیشه‌وی فرهاد کیمی داشدان ایله ئوزیوه سنگر عشق
عشق پروانه‌سی پروا ائلمز ئوزینی ایلسه خاکستر عشق
اولسا معشقوقنه اخلاص حضور عاشقه دائم آچقدور در عشق
دوش زلیخا کیمی یان عشق اودونا تاکه یوسف کیمی تاپ همسر عشق
اشگیله ایچمسه سو شام و سحر نخل اُمّید یتورمز بَرِ عشق
یره جمشید وورار جام جمی وئرسه ساقی اونا بیر ساغر عشق
ای کریمی ئوزیوه مشغله تاپ ارسلان نامه دگول دفتر عشق
دیریلیق فانی عرضدور نسییه نقد باقیدی ولی جوهر عشق

نقدی عاقل کیشی وئرمز نسیه
نسیه گیرمییه شاید کیسیه

یاخشلیق، یامانلیق

بو دنیاده مرتّب زندگانلیق
عجب شیریندی مخصوصاً جوانلیق



گوزلدور گلشن عمرین صفاسی داليجا گلمسه امّا خزانلیق
ولی افسوس عمرین یوخ بقاسی ایشیق عمره ئولوم تک وار قرانلیق
بیوک باشین بیوک غوغاسی واردی اوجا داغین آلار باشین دومانلیق
شرافت شاهدی اصل، نَسَبدور تُمن‌لقدان اولارمش بش قرانلیق
بشر گئج، تئز بو منزلدن کؤچندی قالان بیر یاخشیلیق‌دی بیر یامانلیق
گوزون یاشین قاتق قات نان خشکه دیلنمه نانجیب یردن یاوانلیق
سویون گیر نفسیله میدان جنگه بودور عارف یانندا پهلوانلیق
آز ایله قُدرتوندن استفاده باشارسان هامّیا ائت مهربانلیق
نمک خوردی نمکدان را شکستی سامان آیا سنوندی یا سامانلیق
یورولدوخ قاچدوخ آزادلیق دالیجا داغیلدی پنجه، یرتیلدی دابانلیق
عزاخانه اولوب یوردوم سراسر بیر ایش یوخدی به‌غیراز نوحه‌خوانلیق
نه ائو قالدی نه حجره نه مغازه نه باغ قالدی، بادامليق، گردکانلیق
یازیق بلبل اوتور ویرانه‌لرده پوزولدی گلشنون اولدی تیکانلیق

کریمی آغزیوی یوم چوخ دانشماق
نادانلیقدی، نادانلیقدی، نادانلیق

نه رستم قالدی نه رخشی

اَسوب هجران یئلی شمعیم سونوب پروانه قازدیردی
سینوب خم، مِی جالاندی، ساقی خمخانه قازدیردی



سولوب گُل، قاچدی بلبل، باغلار اولدی زاغلارا منزل
نوکر کرمانه کوچدی، باغبان طهرانه قازدیردی
یازیق شاهد قالوب واحد، پوزولدی رونق محفل
محبّت بغضه دوندی، یار اولوب بیگانه قازدیردی
وفادن دم ووران اهل صفالردن جفا گوردوم
مقام امتحاندا هر بیری بیر یانه قازدیردی
گلین ارکک چیخوب طوی باطل اولدی،ایش‌قَزیل‌لندی
بگین گوزلر دیرَکلندی اولوب دیوانه قازدیردی
عاشق لال اولدی، سازلار سیندی، سؤزلر سینه‌ده قالدی
غریب و شاه صنم، اصلی کرم افسانه قازدیردی
کوراوغلی دارلقا دوشدی نگاره اوچ طلاق وئردی
قیرآتین میندی چانلی‌بلده دویدی جانه قازدیردی
نه رستم قالدی نه رخشی فلک یخدی جهان بخشی
بوکوب شهنامه‌سین فردوسی بی‌تابانه قازدیردی
نه شیرین داستان، شیرین‌دن قالدی نه لیلی‌دن
قاچوب مجنون داغا فرهاده داشدان خانه قازدیردی

نه گل قالدی گلستاندا، نه قارپوز قالدی بستاندا
گوروب سعدی گلستان بوستان ویرانه قازدیردی
ییخوبدور خیمه‌سین خیّام و حافظ ساتدی دیوانین
مغاندان چیخدی بیر الده عصا دامغانه قازدیردی
نظامی گنجه‌ده قالدی معطّل، خمسه‌سین ساتدی
بابا طاهر همداندان چیخوب کاشانه قازدیردی
لب و لعل و خط و خال و مژه هم نرگس جادو
غزلدی چیخدی، گیسو درهم اولدی شانه قازدیردی
کریمی‌نینده رنگارنگی کم کم دوشدی قیمتدن
گلن دوز بیر ساحات قیمتده ووردی چانه قازدیردی



بیر گوزی وار شهری وورور بیربیره
اولسا ایکی عرشی اوچوردار یره
اللّه، اوغول داغه باخار قار وئرر
امتحان ایلر صورادان وار وئرر





ساتدیم قازانیمی

ای نازنین صنم داخی آلدون توانیمی
یاندیرما آیریلیق اوتونا خسته جانیمی



گوسترمه چوخ کمان قاشون، اوخ کپریگون منه
انصاف ائله چوخ اگمه بو قدّ کمانیمی
دوشدوم غزال عشقوین آردینجا داغ داشا
وئردیم غزلسرالیقا عمر جوانیمی
سعی ایلدیم غزلده اولام شاعر شهیر
ماعرده اولمادیم هدر ائتدیم زمانیمی
تای توشلاریم چالشدیلا مین مین قازاندیلار
من قافیه قازانماقا ساتدیم قازانیمی
تشویشیم آرتق اولدی ولی تشویقیم چوخ آز
باش تاپمادیم ازل گونی سود و زیانیمی
بیر کلمه سؤز دانشماقا مجلسده قورخورام
کافر بیلوب سویا چکه‌لر استکانیمی
بیر درده دوشموشم هامیدان وحشت ایلورم
مین دفعه قورخودان سویا چکدیم تومانیمی
مین دفعه توبه ایلمیشم تا دانشمیام
هی دیشلریم ایلان کیمی سانجیر زبانیمی

دائم سینمده گیزلدورم اودلی آهمی
خونسرد خلق گورمه‌سین آتش‌فشانیمی
مجنون کیمی وحوش و طیوریله دلخوشام
فرهادتک داغا دییرَم داستانیمی
تاپشورّام آرزولریمی قبره قلبده
بیگانه قویمارام بوله راز نهانیمی
ای نازلی دلبریم باری سنده ناز ایلمه
بسدور آماندی رحم ائله کسدون آمانیمی
مطرب سنون نی‌یونده غم آهنگی وار بوگون
نی‌تک سیزیلتیا گتورور استخوانیمی
کوچدی رفیقلر دالی قالدیم قطاریدن
گل ای اجل قاچوم یتیروم کاروانیمی
ساقی گیلاس، پیاله منه نشعه وئرموری
دولدور لبالب ایله گتور گِلخزانیمی
گوگلوم سوویر گَزَم دوه‌لرتک ایاق یالین
باشماقیم اولماسا چکن اولماز دابانیمی
ای کاش گلمییدی نگاریم سراغیمه
نه دیندیروب منی نه دیشیدی چبانیمی
ایمدی که یوخ تفاوتی یاخشی یامانلقین
سنده منیم نه یاخشیمی دی نه یامانیمی
یاریم همیشه زهر فراق ایچدیروب منه
بیر بوسه‌ئیله ائتمدی شیرین دهانیمی

اون پلّه‌دن یخلماقیم اوچدن خطرلیدی
اوستاد آماندی قسّا قِییر نردبانیمی
وار بیر مثل پلاسه بورون خلقلن سورون
مندن بیرین قبول ائله شاد ائت روانیمی
نیلک پالاس بورونم ئلیلن سورونمرم
چون هر گلن مینَر یاوا گورسه پالانیمی
پولسیزلیاندا دوز سؤزومه خلق اینانمادی
پوللی گورنده ائتدیله باور یالانیمی
ای سؤز خریدینه دولانان، گَل سراغیمه
چکمز اوقدر باغلی گوررسن دکانیمی
گَل ایله استفاده - گُلیندن بهاریمون
اوندان قباق که درک ائده‌جاقسان خزانیمی
دنیانین عیش و نیشینی دادمش کریمیم
بیست آلمشام آلاندا دبیر امتحانیمی



دائم چکرم بو فلکین فریاد الیندن
هئچ صیدی گوروبسن قوتولا صیّاد الیندن
مین کاسه آجی زهر ایچرم اوستاد الیندن
بال شربتنی ایچمرم امّا یاد الیندن

غزل

دلبرا وصلون سنون لیل و نهار ایستر گوگل
جام وصلوندن شراب خوش گوار ایستر گوگل



ائتموسن چین‌چین توکوبسن چیگنوه گیسولرون
دام زلفونده ئوزین دائم شکار ایستر گوگل

مه جمالون اوخشادوب آئینهٔ اسکندره
قاشلارون شمشیرینه جانین نثار ایستر گوگل

آتش عشقه یانان گوندن دویوب ئوز جاننه
آسلانوب قاره ساچوندان انتحار ایستر گوگل

کیپریکون اوخ، گوزلرون صیّادتک عاشق شکار
نه اوخوندان اوخ دیر، نه اَلفَرار ایستر گوگل

عشقدن عاشقلرین فکریم بودور قانین آلام
ای عجب لیلاجله عزم قمار ایستر گوگل

صبح وصلونده یوزوندن بوسه آلاّم یرمی‌مین
شام هجرانه اُپوشدن احتکار ایستر گوگل

کاش اوّلدن سالیدون بوسه‌نی دفترچیه
قویمییدون فوج عُشاقی خمار ایستر گوگل

اژدهاتک بیر دیلون غار دهانونده یاتوب
لبلروندن اُپمگه چوخ اعتذار ایستر گوگل

گردنون مثل کدو هر اَ... قارپیز کیمی
سن کیمی بوستانه اولسون آبیار ایستر گوگل

بورنووی تعریف ائدوم شیپور یا ات توخماقی
معجر آلتندان گوروب شکلین خیار ایستر گوگل
بو گِنیش دنیا منی سینسیتدی دار باشماق کیمی
دای داریخدیم نیلیوم نه گن، نه دار ایستر گوگل
ایله اولدوم بادهٔ حبّ‌الرّیاست تشنه‌سی
استکانی قوی یره وئرسن تغار ایستر گوگل
نیلیوم من بینوا هر گون نئجه بُت سیندیروم
گونده بیر نمرودیله بیر کارزار ایستر گوگل
بارالٰها لطف ائله طاغوته مغلوب اولمیوم
اولماقا پیروز سندن انتصار ایستر گوگل
طبع سرشارون کریمی بخش ائدر روحه صفا
گون‌به‌گون اشعارون اولسون آبدار ایستر گوگل

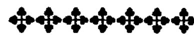
❖❖❖❖❖❖❖❖

اولماز

قارداش الووی هولاما هودان اَلُو اولماز
گئت دوش قشیوین فکرینه پَه‌دن پلو اولماز
مین دفعه چلو یاز قابا دوت، وور باشون اوسته
ات، یاغ، دوگی ایستر قورو آددان چلو اولماز

دیدار از قصر سردار ماکو در ماکو«باخجاجیق»

ز قصر خالی سردار ماکو
همی آید صدا سردار ما، کو



به بام حجلهٔ خاتون، آنالو
نشسته قمریئی می‌گفت کوکو
جهان را جای می زهریست در جام
دهد بر پیر و برنا زشت و نیکو
گهی تختی است گیتی بهر جمشید
گهی تابوت چنگیز و هلاکو
ز دام و تیر صیّاد زمانه
نه شیر آسوده می‌ماند نه آهو
نه کاخ ظلم را سالم بنائی
نه ظالم را دوام زور بازو
خوشا آن صوفی صاف و سبکبار
سلامت بُرد جان را زین هیاهو
بیاید شاد و خندان پای کوبان
به روز حشر بر پیش ترازو
کریمی با چنین کشکول خالی
نیابی معرفت جز ذکر یاهو

چارداق دامی

باغدا یای فصلی آغاج کولگه‌سینون قیمتی وار
قورالی شوربا بادمجان کدونین لذّتی وار



اتین ارکک شیشگین چولمگه باس قوی اوجاقا
گور اودون پیشمیشینون معده‌ده هئچ ثقلتی وار
تازا کوزه، بلاغین صاف سویی، توک گاودوشا ایچ
سنگ کلیه ندی یاگور کبدین زحمتی وار
چک ماشِیلان اوجاقین آختا اوتوندان ائشیگه
سال سماور دیله گلسین نه گوزل صحبتی وار
آخشام اولجاق کیلیمی سال، دوشه چارداق دامنا
پوستی سال، قلیانی چاق ائت، نه گوزل ساعتی وار
آی بوداقلار آراسیندان سپه‌لیر اوز ایشیقین
فانوسین نوری سماور باشینا زینتی وار
قوشلارین نغمه‌سی قورباغه‌لرین هلهله‌سی
باغبانین زمزمه‌سی گورمیه‌نین حسرتی وار
هوا آزاد، سو آزاد، طبیعی یاشایش
گِینَیک ساده، حلال روزی کیمه منّتی وار
حیف او گوندن که تمدّن دولاشوب بوینومیزا
داخی ترویج کشاورزه کیمون رغبتی وار

دستین اوچ مین‌تومنه فرض ائله خوت‌شلوار آلان
آغاجا چیخماقا، یر بئلّماقا جرأتی وار
کتدیلر سئل کیمی آغنیر شهره نِکبَته باخ
نه خبردور دییه‌سن شهریده پول غارتی وار
پارکی یا کافه‌نی کیمدور وئره خرمن یرینه
ایشلمز هانسی بلادین گ...بوش ملّتی وار
ئوزی تولید ائلمز خارجه‌دن وارد ائدر
ایمدی ایللردی که وابسته‌لقا عادتی وار
یدیقین، ایچدیقنی، ایگنه ساپین ئوزگه وئرور
ئوزی ول ول دولانور گور نه گوزل غیرتی وار
هروئن ساز، بچه‌باز، تریکی، قوشباز، تولاباز
نامخدا بیر نفرین گور نقدر صنعتی وار
بوک قویان، حیله ساتان، جیب کسن، آنبار تالیان
باسیلوب مملکته گورمه‌لی جمعیّتی وار
یاندیروب ئوز چراغین ئوزگه‌لره خدمت ائدیر
دئمه حُبّ‌الوطنین ذرّه اهمیّتی وار
بوشلیوب دوز یولی هی ساغ صولا قاچماق نئچون
بولموسن جادّهٔ حقدن آزانین غفلتی وار
خودکفا اوندا بیز اوللوخ گئجه گوندوز چالشاخ
باخمیاخ شرقله غربین نه ابرقدرتی وار
ئوز الون ئوز باشون ئوزگه توتگیندن چک الون
گوزون ئوزگه الینه زیللیه‌نین ذلّتی وار

دشمنی قوّت بازوئله ییخ نه دیلینن
دیله وئرمز او آدام که قولونین قوّتی وار
قانینا بیربیرینون تشنه‌دی ابنای وطن
بیز کیمی دوست اولانین دشمنه نه حاجتی وار
دانشاندا هامیز دم ووروروخ وحدتدن
قولیله فعلمیزین حیف اولا ضدّیتی وار
مصلحت اولسا چکاخ صحبتی چارداق دامنا
او گوزل منظره‌دن سویله کیمون نفرتی وار
خلیلی، دانه‌نشان، کشمش، حسینی، صاحابی
قورا شیرین، ملحی، عسگری، خاصیّتی وار
طولا گوزی، تولوغی، دستچین، انگور طلا
پیکانی، شأنی گلین بارماقینون لذّتی وار
جغجغا، حلاّغی، فخری، رازیقی، هربیرینون
بیر دادی بیر مزه‌سی بیر جوره خاصیّتی وار
من که اهلی دگولم امّا اگر منقال اولا
مجلسین اوندا ئوزون صحبتی گرمیّتی وار
یاتاسان مِه اسه لای‌لای دیه روحون اویانا
هامی اعصابه او شیرین یوخونون راحتی وار
صبح صبحانیه دوزسوز کره یا اوزلی پنیر
یی، دور ایشله خوش او شخصه که فعّالیتی وار
ای کریمی جوانا خوشدی باغین منظره‌سی
قوجویا باغ بهشت اولسا جهان زحمتی وار

سن گورن باغلار عزیزیم هامیسی اولدی خراب
نه سو، وار نه عمله، نه اوزومین قیمتی وار
هر کیم ایستور وکیل اولسون بیزه سو، قولی وئرور
ایله که اولدی قوتولدی نه سویی، نه اتی وار
او قدر چکمز اولار باغلاریمیز داغ کیمی صاف
میوه‌ده خارجه‌دن گلسه نه عیب علّتی وار
غیر ممکندی صدور ائتماقمیز خارجیه
نقدر داخله‌میزده من و سن صحبتی وار
توکولن قانلارا خاطر گلون انصاف ائلیاخ
هر کس اصلاح ائلسون هر نه قولای خصلتی وار
هَره منقلده اوتی دئشمه‌سین ئوز جانبینه
بو جهاندا هَره‌نین بیر نئچه گون نوبتی وار
گورمَدوز ظلم نئجه پهلوینون ییخدی ائوین
ظالمین جامعه‌ده پهلوی تک نکبتی وار
داخی زالو کیمی قان سورماقا سعی ائلمیاخ
قان وئرن ملّتین آیا نقدر طاقتی وار
قُومیون، یورمیون، اینجیتمیون آواره‌لری
یوزه چکسوز بولارین پیس یوزی پیس حالتی وار
یتشون دادینه مظلوملارین اللّهدان اُتور
مظلومین آهی آتومدی اثر مثبتی وار
اَلذینَ ظَلَموا مُنقلبٍ ینقلبون
اللّهین ظالمه ظلمین بویوجا لعنتی وار

اودا بیر گونلریدی

بومین آتدا چابالاردوخ اودا بیر گونلریدی
قیشی چارداقدا قالاردوخ اودا بیر گونلریدی



بوم سالان وقتده دشمن چکیلن وقته آژیر
بیزده شلواره سالاردوخ اودا بیر گونلریدی
ائشیدن وقته هواپیما سسین، موش دلیگین
ساتان اولسیدی آلاردوخ اودا بیر گونلریدی
وضعیت قرمز اولاندا که دوشردی قاچاقاچ
هر نه گلدی هولالاردوخ اودا بیر گونلریدی
گونده اون رنگه دوشردوخ قزاروب گه بوزاروب
سوزالاردوخ سارالاردوخ اودا بیر گونلریدی
دیسگنوب گونده اوتوز دفعه اوتاردوخ مومیا
ایشییوب دوزدا یالاردوخ اودا بیر گونلریدی
ال چکوب عالی اوطاقلاردان اولوب خانه بدوش
چولده دوشان قووالاردوخ اودا بیر گونلریدی
دولدوروب توربالاری توپراقیلان داش قومیلان
بیربیری اوسته قالاردوخ اودا بیر گونلریدی
قاپی محکم دوگولنده دوگونردی ئوره‌گیم
آغاراردوخ قارالاردوخ اودا بیر گونلریدی

گازولین، نفتین آلاردوخ گالونین یوزتومنه
یاریسین یولدا جالاردوخ اودا بیر گونلریدی
اون خیالیله، دوشاب فکری، یاغ عشقیله یاتوب
یوخودا حلوا چالاردوخ اودا بیر گونلریدی
بوم یخان ائولری موش‌تک دولاناردوخ گئجه‌لر
قالان اولسیدی تالاردوخ اودا بیر گونلریدی
ئوزگه‌نین عیبین آچاردوخ ولی ئوز عیبمیزی
سوواق اُستن مالالاردوخ اودا بیر گونلریدی
الده دفترچه بو صفدن او صفه شام و سحر
هی دولاردوخ بوشالاردوخ اودا بیر گونلریدی
انسان عمرینده کریمی نئچه دفعه قوجالار
گونده بش یول قوجالاردوخ اودا بیر گونلریدی
نوبت اُستونده گورردوخ ساواشولاّر باجیلار
یتیشردوخ آرالاردوخ اودا بیر گونلریدی
بیرینون جنقری چیخسیدی کسردوخ سسینی
خ... پاچالاردوخ اودا بیر گونلریدی



صدّام

بیزه بیر اود ووروب صدام یولسوز
بازار باغلاندی جیب‌لر قالدی پولسوز



جوانلار جبهه‌لرده قانه غلطان
ئولن ئولدی قالان قیچسیزدی، قولسوز
اوشاقدور دربدر قالمش آتاسیز
آنادور دیده تر قالمیش اوغولسوز
نه صاقدان بیر چراغ یاندی نه صولدان
گوروم صاق صول قالیدی صاق‌وصولسوز
چیخوب اندازه‌دن ایشلر سراسر
باشا دیوار دوز گئتمز شوغولسوز
بیزه شیرین حیاتی تلخ ائدنلر
گوروم قالسین جیبوز دائم نوغولسوز
کریمی نینده دُوندی طبع شعری
ز بس قالدی قیشی نفسیز گازولسوز

آنا دیلیم گوزلدی

دولوب محبّتون ای شوخ و دلستان دلیمه
آلوب قراریمی الدن وئروب توان دلیمه



کمان قاشون، گوزون، اوخ کپریگون، ساچون گوزه‌لیم
آتور کمند، چکور یای، گئدیر نشان دیلیمه
اَلولی سینه‌مون آهی وجودیمی کول ائدر
اگر سو سپمه‌سه بو چشم خونفشان دیلیمه
یوخومدی چاره دایاننام همیشه چم خموه
ولی باتیرمیاسان طعنله تیکان دیلیمه
گتور جمالیوی قوی سینه‌مه قادان جانما
سرین سرین نفسونله سو سپ یانان دیلیمه
نقدری گیزلدیرم درد عشقی سینمده
دیلیمده جوشه گلور غم اولور روان دیلیمه
مِی اَلَستله مستم نه آبدستله پست
که دگمیوب الیمه جام و استکان دیلیمه
آنا دیلیم ائله شیرینیدی جاندان ایستمه‌لی
آچاندا من دیل، آنام چوخ دیوبدی جان دیلیمه
دیلیم شیرینیدی عسلدن اودور که غم یمرم
اگر وورا آریلار نیش هر زمان دیلیمه
منم او تُرک، که آدیم غزللرین دوزودی
من آذر اوغلیام آذر وئروبدی جان دیلیمه

منم او تُرک، بخارائله سمرقندی
باغشلیوبلا قرا خالیمه ماتان دیلیمه
منم او تُرک، که غربتده اللی ایل یاشاسام
تجاوز ایلمز اهواز و اصفهان دیلیمه
منم او تُرک، که دالدان چیخاردارام دیلینی
قاهاررام انگینی هر کیم دئسه یامان دیلیمه
منم او تُرک، سؤزوم جمله سؤزلرین گوزیدی
سؤزوم ئوزوم کیمی دوز، باغلاما یالان دیلیمه
دیلین فضیلتی یوخدور مِلاک تقوادی
گید ئوز کَمالوه گول، گولمه ای فلان دیلیمه
یَقولُ اکرَمکُم عِندَ ربّی اَتقاکُم
قویوب پیمبر اکرم گوزل بیان دیلیمه
همیشه امر به معروفدور منیم هدفیم
اگر کومک‌لیق ائده حیّ لامکان دیلیمه
منافقه دییرم ال گوتور بو تفرقه‌دن
گولوب محاسینیمه یازما داستان دیلیمه
گَلون وئراخ ال اله دشمنین قازاخ کوکونی
یتورمه زهریلی عقرب کیمی زیان دیلیمه
کریمیم دیلیمی رایج زمان ائده‌رم
توجّه ائتسه آقام صاحب‌الزّمان دیلیمه

بیر قطعه شعر آقای انزابدن

اوقَدَر دینمدیم ارباب منی گتدون جاناها
رسمدور شرع وفاده قان ائدللر قاناها



قیسناما چوخ منی بیرجور ائلمه تنگه گلیم
پیشیگی قیسناسان آخر یوگورر انساناها
پلووی سن یی یاوان بَربَرینی من نه اولار
آز قالیر شعلهٔ آهیم دوشه عالم یاناها
بِنزی، کادیلاکی، سن مین، عمی منده اولاغی
گول منیم سقّلیمه زور گَتیمه وجداناها
شهسوار پرتقالین سن یی کاسب داش کَلَمی
سانما دائم فلکین چرخی بوجور فرلاناها
میل ائله بال کرەنی قیماقی یاغلی کوکەنی
دئمه یوخسول کیشی حسرتدی، شورا، جورتاناها
من تومان باغی آلیم، سنده اوروپاده باغ آل
فرقی یوخ قویما تفاوت دده بوندان اُوناها
بیری‌ده ایستەسه حقّین باشینی از داشیلان
ائله محکم یره وور قویما یازیق قوزاناها
نه هراس ایله خدادن نه جماعتدن اوتان
بوینووی شاخلا، دؤشون وئر قباقا مردناناها
بِله که سن چالیسان آنلاشیلان دَمدی قووال
نوبه گئچسه منه سالاّم آدیوی قارمَاناها

قورخ او گوندن که سیچان آنبارا بیرده یول آچا
قورخودان ایمدیه باخما سیخیلوب نوداناها
دله‌جاق بوغدا تایین، چِینیه‌جاق اون چووالین
پیشگین چاتمیاجاقدور گوجی اول حیواناها
گوگلون ایستر نقدر دوره سنوندی کئفه باخ
بندیوه پ... توکه‌جاق قالسا اگر اوغلاناها
مال و ثروت اوشاق اوغلان سنی قورتارمیاجاق
قوپاجاق وارث آراسیندا بیوک فرتاناها
سن ئولندن صورا توک یولما داداش باشلاناجاق
بیری ال گرزه بیری ال آتاجاق قلخاناها
دامادون، اوغلون او مال اوسته، «دوئل» ایلیه‌جک
چکه‌جاق هر بیری فرشین قولاقین بیر یاناها
مال و اولادی بیورموش تاری دشمن بشره
باور ائتمورسن اگر شکّ ائدیسن قرآناها
اوتوسان تاپدیقیوی آغزیوی فوراً سیلیسن
دئمه زیرَکسَن اوغول بوک قویوسان شیطاناها
بیربه‌بیر قوسدوراجاقلار یدیگون آغ قره‌نی
اوردا باخمازلا بَگه، حاجیا، شیخه، خاناها
دادیوا چاتسا اگر اوردا عملدور خوش عمل
اورا دنیا دگولی ائتدیگین انسان داناها
آلماسان مصمیه وَسمَه، اودا سندن قالانی
وئره‌جاق ریمیله، سرخابه، روژا، کرشاناها
آچاجاق سفره خوروشلار دوزه‌جاق اللی جوره
سن قویان ثروتی خرج ایلیه‌جک مهماناها
چالاجاق اوینویاجاق چالدیراجاق اویناداجاق
جانلی جانانه دییوب جان قاتاجاق جان جاناها

آلاجاق بوسه، لبیندن وئره‌جاق بوسه اونا
گونده یوز اوخ آتاجاقلار ایکیسی شیطاناها
دیه‌جاق یار بودی باخ عمریم عبث گئتدی یله
سن وئرن گونلری بیربیر دوزه‌جک قیطاناها
ییه‌جاق مالیوی داماد و عروس و باجاناق
روحیوه ا...یز نه، قیین، قیناناها
سن خسیس‌لیکدن عم‌اوغلی آجی چای ایچمزیدون
او ولی بال چایی هر گون توکه‌جک فنجاناها
خوش او شخصین حالنا هم یدیدیر همده ییور
قویما عقلون گوزه‌لیم نفسه اویوب تُولاناها
تاکه فرصت وار الونده ئوزیوه توشه گوتور
فرصت آزدی یول اوزاق گون یتیشوب ایواناها
قورخ او گوندن که فَمَن یَعمَل مِثقالَ یَرَه
کاهدن کوهه عمل‌لر گله‌جاقدور ساناها
فعلینه اویما وفا اومما بو دنیادن اوغول
بو هماندور که وفا ایلمدی لقماناها
کیمه بو دهرِ دَنی هر نه وئروب آخر آلوب
اول مواظب باشووی سوخمیاسان یورقاناها
ییغما خلقین وبالین بوینووا وارث‌دن اُتور
ایچه‌جک شربتی سندن صورا «مین توماناها»
سن قویان ثروتی فکر ایلمه احسان وئره‌جاق
ییه‌جاقدور ایچه‌جک قا... جیراناها
دوزدی «مختار» یازوب شعرینی بو قافیه‌ده
من نظیره یازیرام وئرمیه‌سن ربط اوناها
من بو اشعاری دئماقلقدا مزاح ایلمیشم
صویله «انزابه» بونی یازمیاسان دیواناها

مریض و دکتر

رحم ائله مرض آلدی منیم جانیمی دکتر
بیر حاذق آدام بولمدی درمانیمی دکتر



حمّامچی دیور گل حماما ترله شفا تاپ
باغبان دیوری گل باغا سِیر ایله صفا تاپ
سن ایمدی منیم دردیمه بیر یاخشی دوا تاپ
آخشاملار اولاندا اود ایچینده یانورام من
باشیم گیجه‌لیر چون مازالاق فرلانورام من
بقّال دییوری تاپسان اگر خالصه بال یی
گیرم کیلوسی یوزتومن اولسا گینه آل یی
یا قیماقلان قات، عسلاب، ائت سویا چال یی
خالص بال اولوب نیّت خالص کیمی نایاب
قیماقدا که یوز اللی تومن بیر بالا بوشقاب
قصّابدا دییور فیله ائدر دردیوه چاره
هر گون ایکی اوچ شیش یگلن برگه ناهاره
مجّانی پول ایستور ائده بو خرجی اداره
نه باج سبیل واردی نه رشوه نه ربا وار
باغلاندی درآمد، نه اوجاق قالدی نه زوّار
قلبیم داریخور موسیقی یوخ رقص و ترانه
تلویزیونی آچجاق گلور ائو اهلی فغانه
آرواد ووروری باشنا آغلور یانا یانه
هی جنگ و جنازه یارالی مرثیه آغلا
تئز سسلنورم اوغلان آماندی اونی باغلا

قارنیمدادا بیر کُوپ وار اونیلا نماز اولمور
هردم که رکوعه گئدیرم دستماز اولمور
دکتر نه باشون آغریدیم هئچ نعشه ساز اولمور
هر دکتره گئتدیم پولومی آلدی اُتوردی
بیر نسخه یازوب پیسریمه سالدی اُتوردی
دلاّک دیور مشدی قانون چوخدی قان آلدیر
سلمانی دیور ممکنون اولسا زلی سالدیر
دکتر چوخ اولاندا آدامین فکرین آزالدیر
بعضی دییوری تندیره سالاّن، قوما قویلان
دریا لجنین ایستیده دولدور خوما قویلان
بیر سانجیدا قالخور کوره‌کیمدن آمان اللّه
گویا که چووالدوز سوخولور چیگنمه واه‌واه
گورّم ئولورم تئز تئز اوتورّام یره ناگاه
باشلولاّ قوموجدی آبروم گئتدی اوتاندیم
قورتار منی دکتر دیریلقدان دای اوصاندیم
هردم ائله‌بول قلبمی دورد اللی سیخولاّر
گاهی دیه‌سن سینه‌مه باشماقلی چیخولاّر
طول چکدی مرض ائوده اوشاقلار داریخولاّر
جاق جاق قوسورام اسگورورام ... من
هی مانقالا کُندور سالورام باسدیرورام من
فالچی دیوری جن یتوروبدور سنه آفت
طاس قوردی منی آینیا سالدی نئچه ساعت
اون قسم پتیک یازدی دعا وئردی او حضرت
باغلا قولووا، چال سویا ایچ، سال اوتا یاندیر
یازمشدی یومورتا، گئجه چال آننووا سیندیر

دکتر اياقيم بعضاً اولور قرمزی کرپيچ
بير موقع اولور هورّه کيمی چمچه گتور ايچ!
سينسيتدی منی هر گئجه قارنيمدا اولان پيچ
انسان ئوزينی ساخليا بولمور ايشه‌ماقدان
مين‌دفعه ئولوم ياخشيدی بيله ياشاماقدان

بادکشچی ديور گل ئوزيوی بادکشه دوتدور
عطّار ديوری دمله سنه چاره بو اوتدور
رنگون سارالوب باعثی قارنونداکی قوتدور
هر گون ايکی اوچ چايدان علف دملوری آرواد
ياغلور قچيمی يارەمی مرهملوری آرواد

بنّا ديوری منزلوويز رو به شمالدی
طرزين دگيشيم قوی، اودا بير امر محالدی
تيرآهن و آجر سميت اوسته چالاچالدی
آخماخدی ساتان شلواری پيراهنه خاطر
اوچ ايل دايانا نوبيه تيرآهنه خاطر

راننده ديور بير ماشين آل چيخ چوله هردم
ميندير خانمی گئت شمالا شيرازا باهم
قوی قلبون آچيلسون گتورر دَم دَمی، غم غم
آلديم بو ماشين، بنزينی هاردان گتوروم من
بير جزئی حقوق، کسرين هاياندان يتوروم من

واعظده ديور صبر ائله هر درد و بلايه
کافر اولوسان ائتسون اگر ذرّه گلايه
باخ حضرت ايّوبه دايان گلمه نوايه
صبريله پلو پيشمير، اوجاق يانموری نيلوم
ات دوشمور اله، يوخدی، اوشاق قانموری نيلوم

اوغلاندا دیور ئول کیشی دنیاده نه واردی
آز دکتره گئت آز داوا، یی وقت قوتاردی
باغلا بلووی گئتماقا باش سقّل آغاردی
یاز بیر داوا توکلر قره‌لوب رنگیم آچیلسون
معده‌م ایشه دوشسون یماقا انگیم آچیلسون
طیبانسا دیور هئچ مرضون یوخدی، نظردی
سالدی خمیر آرواد، بابادان بیزده اثردی
یاندیردی اوزرلیک او خمیردنده بتردی
یدّی قاپی‌دان چوپ دوشوروب بینوا آرواد
چوخ زحمتیمی چکدی دوغوردان ائوی آباد
آرواد اودی پیس گونده اره یاخشلیق ائتسون
مشگلده قالاندا کیشینون دادینه یتسون
نه داعوا سالوب گونده بوشانسون یادا گئتسون
امّا بودا، وار بوستانی ور ساخلار عزیزیم
واضحدی مثل آروادی ار ساخلار عزیزیم
گاهی صولا تترور بدنیم گه صاقا دکتر
نه حوصله وار یاتماقا نه دورماغا دکتر
ال مندن اَتک سندن آماندی آقا دکتر
بیر هفته‌ده دکتر جانی حالدان حالا دوشدوم
گلدی ئوره‌گیم آغزیما قیّ اسهالا دوشدوم
تریاکی دیور تریک ائدر دردیوه درمان
هر گون گئجه‌لر بیر بالا باش باغلا چک اوغلان
بیرده ناخوش اولسان منه نفرین ائله هر آن
هاردان گتوروم هر باشی قرخ اللی تومندی
پولدا اله گلسه او تاپولمور قدغندی

هر دکتره گئتدیم جیبیمی ایلدی تفتیش
قُودی قاپی‌سیندان آقا گورجک منی درویش
نه عجز و نه احسان دوشونوللر نه‌ده خواهیش

هر دکتر ایشین جورلور اولور خارجه عازم
گویا داخی ایرانلیا دکتر دگی لازم

بیچاره کریمی‌ده دیور گل بیزه هردم
شعر و غزلیله ائلیوم گوگلووی خرّم
آخشام اوقدر شعر اوخویوب پاتدیری کلّهم

دکتر داخی شعر و غزله مشتری یوخدی
شاعرلرین هر دوره‌ده بازاری سویوخدی

دکتر ائله بیر نسخه یاز ایراندا تاپولسون
تبریزده‌ده ال وئرمسه طهراندا تاپولسون
بیر نسخه که نه بوردا نه کاشاندا تاپولسون

بیر پاره کاغاذدی ائلمز دردیمه چاره
پول نسخه الیمده قویوم اوز هانسی دیاره

ازبسکه اوزون گئتدی مریضین جریانی
حالی پوزولوب دکترین اولدی عصبانی

سسلندی ناخوش بسدی دانشما اوزولرسن
بو دیل که سنون وار بونی بیل تئز دوزه‌لرسن
ئوز انگوه بیر مالک اول آز سوئسه ئولرسن

آچ دوگمه‌لرون فوری سویون ایلمه تأخیر
دورما تئز اوزان تخته‌ده ائتدون منی دلگیر

بو شهریده که بنّا و کنکان کیشی عورت
عطّاریله حمّامچی بوله علم طبابت
هاردان سنه بولمم بو مرض ائتمش اصابت
طیبانسا خانم دکتر اولا بیر ناخوش اولماز
هر کس ئوز ایشین تاپسا گلن شغله سوخولماز

اولسون ئوز ایشینده گرک انساندا تخصّص
شخصی یتورر کامنه هر یاندا تخصّص
افسوس تاپولمور بیزیم ایراندا تخصّص
قصابی مهندس‌دی، حکیم باشیسی بقّال
نسخه یازاجاقدور ئوله‌سن ئول، قالاسان قال

اوّل منه بیر باخ نه بهائی، نه بابام من
نه مفسد فی‌الارض و نه بد حق حسابام من
نه شایعه‌سازم نه‌ده ضدانقلابام من
نه شرقی نه غربی فقط اسلام یولومدی
اوچ یوزتومن اوّلده چیخات ماینا پولومدی

هر دکتره بیر آد قویولوب ائتدوز عمی اخراج
قاچدی ایچوویزدن قالون ایمدی بئله محتاج
اولموش سیزه دکتر پینه‌چی قهوه‌چی سرّاج
پول سای قباقا سویلمه چوخ نقل و حکایت
من ایلمرم مفلس فی‌الارضه طبابت

بیرده عمو دیش آغریسینا نجّارا گئتمه
گوردون باشون آغرور داویا سمسارا گئتمه
قویموش بوزی یخچالدا سهنده قارا گئتمه
قارقا نئجه سیمرغه وکالت ائده بولمز
تریاکی گلوب خلقه طبابت ائده بولمز

ایمدی هامی ایستور ائده هر ایشده دخالت
حمّامچیا شایسته دگول شغل طبابت
هم دکتره زیبنده دگول امر قضاوت
ایمانوی خالص عملون صاف ائله قارداش
تاپشور ایشی ئوز اهلنه انصاف ائله قارداش

دردون یَرَه‌غاندور ائله بول چوخ سارالوبسان
بل آغریوا باعث اودی که چوخ قوجالوبسان
بیر بئله مرضله گینه سن یاخشی قالوبسان
پیوندیله قارداش نئجه مُودن بادام اولماز
عذر ایستورم ئول گئت داخی سندن آدام اولماز

دوز اللی بش ایلدی سنی یورموش بو مرضلر
انواع خیانت حسد و بغض و غرضلر
یکسر قاریشون بیربیره جوهرلر عَرَضلر
بوجهل نئجه حضرت سلمان اولا بولمز
شالاّق گوجونه خلق مسلمان اولا بولمز

مغزون دولیدور نغمۀ لهو و لعبیله
آهنگ خرافاتله عیش و طربیله
بیگانه‌دی روحون سنون علم و ادبیله
سن موعظه قرآن اوخونان یرده اوتورما
تلویزیونا تیکمه گوزون فکریوی یورما

سن عادت ائدوبسن بابا تفریح و قماره
تغییر هوایه ایکی آی دریا کناره
سن سینه ووروب قلبوی چوخ سالما فشاره
اولماز سینمادن گوتی سال مسجده میلی
گل هیئته گوز یاشی توکوب باشلا کُمیلی

قارنوندا اولان قورد دگی تنزیل و ربادور
بخل و حسد و کینه‌دی تزویر و ریادور
بو شهریده قالما سنه بد آب و هوادور
فعلاً بورانین نه سویی کاملدی نه برقی
نه قبله‌سی روشندی نه غربی و نه شرقی
اعصابوی ناراحت ائدوب رقص و ترانه
نه توکلوجه دمله نه بنفشه رازیانه
قلبونده اولان غُدّه دلیل‌دور سرطانه
نسخه یازیم امّا داوا مشگلدی تاپولماز
بیرده سن عمل‌لیکسن عمل اولماسا اولماز
نه رمّالا دردون دی نه عطّاره عم‌اوغلی
بیر عمر دوتوبلار سنی مرداره عم‌اوغلی
سِلّه، نئجه بال قیماق ائدر چاره عم‌اوغلی
قیماقدا نه قیماق دادی ازوایدی زَهَردی
بالدا نئجه بال وزر و وبال اصلی شکردی
تک سن دگیسن چوخلاری حالدان حالا دوشدی
دال‌لار قاباقا گئچدی قاباقلار دالا دوشدی
بیر عدّه ئولوب چوخلاری قیّ اسهالا دوشدی
چوخلار قودوروب چوخلاری نون کهلیگی آزدی
ملّت هره بیر درده دوشوب سالمی آزدی
رنگونده اثر یوخدی سنون قرمزی قاندان
آیا زلی سالسان سوراجاق قانی هایاندان
وای بینوا نبضون دایانوبدور ضرباندان
نسخه یازیرام تئز آپار آل شربتی حبّی
دور گئت گئده قوسدون پ...چکدون بو مطبّی

تئز سُو باشمیزدان خطاوی مشدی یوبانما
مین تاکسیا گئت کوچه و بازاری دولانما
عمرون قوتاروب آخرِ وقتوندی دایانما
دکتردن اوزولدون نه بئله نه ائله سویله
ساخلا سؤزیوین کسرینی عزرائیله سویله

هئچ سن کیمی بیر پ...لی مریض گورمه‌میشم من
میز صندلی تختی بویادون کیف دوتاسان سن
بیر گون‌ده ایش آچدون منه ای احمق و کودن
دکترله بیر آز یاخشی دانیش دیل دیل اوتورمه
بیر آز ئوزیوی ساخلا گَییرمه، یِل اوتورمه

اجروندی دایان دردیوی نا اهله دیوبسن
ذات‌الجَم اولوب پسته مربّاسی ییوبسن
بورکی ایاقا، باشماقی سن باشه گیوبسن
قالسان یاشاسان بیرده ایشی ترسیه گورمه
بوندان بویانا بنّا ایشین کنکانا وئرمه

بیرده کورولان سودلی سوموک اویناما قارداش
آلما چولاقی بوینووا چیخما داما قارداش
نه فالچیا گئت تاسینی سالسون جاما قارداش
گئت، لیلاجی، تاپ دورد آشیق آت عبرتون اولسون
نااهله رجوع ائتمه ایشون دقّتون اولسون

ای کاش هره ئوز عیبینی عالمده قانِیدی
انصاف ائدوب هر کس ئوز ایشینده دایانیدی
بیر الده اوچ ایش قاپسامییدی اوتانیدی
افسوس دوتوبدور هره اوچ قارپیز الینده
اوچ شغل قالوب بیر نفرین یالقیز الینده

سن بولمدون عالمده مکافات عمل وار
رشوه قاباقیندا، سرطان واردی عمل وار
فکر ایلمدون اللرین اوسته اوجا ال وار
بولسیدون اگر باج سبیل، رشوه یمزدون
بیر امضیا بیچاره‌نی بیر آی سریمزدون

دکتر او قدر دانلادی بیماری ادبدن
خجلت تری باسدی یازیقی چیخدی مطبدن
یاپراق کیمی تتردی بدن شدت تبدن
باش پلّه‌دن امّا ایاق اوشقوندی یاهالدی
آخر نفسین‌ده آشاقا پلّه‌ده آلدی

تاقیلتینی دکتر ائشیدوب چیخدی هراسان
گوردی مریضی دوره‌لیوب اهل خیابان
سسلندی کریمی، بونی گور یاخشی تانورسان
چون باخدی کریمی دئدی پرونده‌سی پاکدی
بو مهدی‌خانین یزنه‌سی شاهوئردی ساواکدی

بیر گون که الینده واریدی قدرت و امکان
بدبخت ائلیوب چوخلارینی، سالدی ایاقدان
دنیا عجب عبرتخانادی آنلاسا انسان
هر گون که طوی اولماز بو عاشق بیر هاوا چالماز
کئفلنمه بو قدرت بو ریاست سنه قالماز





تمدّن اروپائی

بیز که ایچدوق تمدنین آشین
س... قویمادوخ اوجاق باشین



ایله مودلار چیخوب که ایمدی آدام
تانیانمور باجیلا قارداشین
آقا ئوز کلفتین اُپن گوندن
داخی گیزلتمور آرواد اویناشین
قاریشوب محرمیله نامحرم
هره آنجاق تاپوبدی یولداشین
مینی‌ژوب ایرانا گلن گوندن
جیکّی توخان دوروبدی عیّاشین
قرمزی دامن آتدان آغ بالدیر
ائوی آباد اولیدی نقّاشین
ییرمی سانتندا دیک دابان باشماق
اللری وار بیله کفّاشین
مود اروپائی دل امیرکائی
دده‌سی حاجیدی بو کُلباشین
مسجدی لنگه وورما ای حاجی
گور قیزون هاردا اویناندیر قاشین
سؤز دئماق شاعرین وظیفه‌سیدی
یری یوخ اعتراض و پرخاشین

این جریان در سال ۱۳۳۰ در مراغه رخ داد
عین قضیّه را ذاکر مرحوم به نظم آورد

روزی نبود بود جز او هئچ کس نبود
عالم پر عدل عرضاً و طولاً ز تار و پود



یک قصّهٔ عجیب بگویم تو گوش دار
روزی کلانتری ز خیابان گذر نمود
دیده که یک خروسک لاری و لمعه رنگ
سینه فراخ جثّه قوی چشمها کبود
چون بر اداره رفت فرستاد پاسبان
فوراً خروس و صاحب وی را طلب نمود
گفت این خروس دزدی است ای دزد نابکار
گفت از چه راه گوئی و گفتا ز علم خود
مسجود بر ملائکه آدم ز علم شد
صد آدمی رواست که بر من کند سجود
گفتا خریده‌ام به فلان مبلغ از فلان
گفتا بیاورید فلان را که زود زود
مأمور رفت و صاحب دوّم حضور یافت
گفت این خروس مال شما بود و یا نبود
گفتا خریده بودم و بعداً فروختم
در نزد چند کس به همان حاجی میر ودود

القصّه پنج تن به اداره حضور یافت
گفتا به پنجمین به خشونت که ای جهود

گو این خروس را تو هم از کس خریده‌ای
گفتا ز مرد کور خریدم برای سود

گفتا بیاورید همان مرد کور را
کور آمد الغرض به زبان مدحت و درود

گفت این خروس را ز کسی کی خریده‌ای
باور کنم به حرفت اگر آوری شهود

آهی کشید کور تکان داد بر سرش
زان پس به پوزخند به پاسخ زبان گشود

با یک ریال بیضهٔ او را خریده‌ام
در زیر مرغ خانگیم یافته وجود

شاهد بر این قضیّه زنم هست و دخترم
این است حرف باشد اگر قابل شنود

گفت این دو زن معادل یک مرد می‌شود
نتوان به قول شاهد واحد عمل نمود

ده پاسبان کنون به شهادت بیاورم
وانگاه خانهٔ همه را می‌کشم به دود

گفتند ای رئیس خطا بخش و جرم پوش
بگذر به بندگان خود از راه فضل و جود

ذاکر به حال خلق ستمدیده گریه کن
این وضع شهر بین چه شود حال هشترود

کولگه‌سیز آغاج

دئدیم آخشام چاغی تفریحیله کبلای احده
کیشی سقّالون آغاردی نه قازاندون لَحَده

❖❖❖❖❖❖❖❖

آتمش ایلدور قاپووی بیر تانیان یوخدی سنون
سنی نه طویدا گورن وار کیشی نه مرثیه‌ده
آدون اسلامیدی امّا هامی‌دان یان گزیسن
نه جماعت نمازیندا اولوسان نه سِره‌ده
اگر اللّه بشری خلق ائلیوب ایشلماقا
اولاغیلا بشرین سویله ندور فرقی گئده
بَنزیسن بیر آغاجا میوه‌سی یوخ کولکه‌سی یوخ
سن فقط یانماقا لایق‌سن اودون تک کوره‌ده
اوخشوسان ضرطهٔ فیله نه ایگون وار نه سسون
بیر تیکه نان و پنیر وئرمه‌میسن بیر احده
سمیتی، کرپیچی، تیر آهنین اوسته قالاما
بیر خیال ائت باشی داشلی او مکان ابده
قورخ او ساعتدن عمی یوسفی یعقوب ایتورور
آتار ئوز اوغلونی تک نفسینه مالکدی دده
اوردا انسانی عمل قورتاراجاق واهمه‌دن
سوروشالّار دی گوراخ بوردا نه‌یون وار کیسه‌ده
اودلی کوسّو سوخولاندا گ... قیشقیراسان
سویسا اوغری آدامی ایله چیغیرماز دره‌ده
سن بو عالمده مراغه سویونا ناز ائدیسن
دیوسن ایچمیون اوغلان بو ضرردور کبده
ایچه‌جاقسان نئجه بس اوردا جهنّم سولارین
چک الون بسدی صنمدن یوزیوی دوت صمده
من کریمی نه بیریلن غرضیم وار مرضیم
قصدیم ارشادیدی قارداش بلده نابلده

آغیر - یونگول

داغدان آغیر شانلی موقّر کیشی
نه اونا طوفان اثر ایلر نه سیل



سالسا بویوک کشتی کیمی لنگرین ترپده بولمز اونی امواج نیل
ثقلت علمیله اگر اگلشه قوزیا بولمز اونی جرّثقیل
یونگول آدام بادکنک مثلیدی اوینااجاقدور اونا دگدوخجا یل
داغلاری زنگوله ائدوب فی‌المثل قویروقنا باغلاسا مانند فیل
چالمامش اوینار تکه‌تک چاره یوخ گئچسه‌ده سنّیندن اگر آتمش ایل
بش کسیله اولما رفیق ای رفیق حیفدی روحیّه‌وی ایلر کسیل
بیرگوزی دار، بیر گ..بوش، بیر سفیه انگی قاداخسیز، بشیمنجی بخیل
من بئله بیر شخصله اولدوم هماش کاممی تلخ ایلدی چون زنجفیل
ایستدیم اعراض ائدم آچدیم کتاب گلدی همان آیهٔ فَصْبِر جمیل
هی وباسیرلی گ... تک یانشادی سؤزلرینون هامّوسی بیر توب غزیل
یولداش اودور که اولا قرص و متین تا سنه خیر ایشلره اولسون دلیل
سنده خدا ذاکریوی عفو ائله
انت الٰهی اَنا عبدُالذلیل

تهمز عم‌اوغلی

گوش ائت بو وصیّت‌لریمی تَهمَز عم‌اوغلی
دلّک‌سیز حمام بیر قرانا دگمز عم‌اوغلی
چوخ ایش که بویوک بیلمز آشار خردا الیلن
اُلگوج ایشین هاردان باشارار درگز عم‌اوغلی
پولسوز پله‌سیز مؤمنه زنداندی بو عالم
ایمدی حاجیلار مفلسه قیز وئرمز عم‌اوغلی
هئچ‌کس سنه مفت ایشلمز ایمانوه خاطر
هئچ کیم دده‌سی خیرینه ایش گورمز عم‌اوغلی
ات گلمسه بازاردان اگر آرخیین اولما
آخشام سنه کوفته وئره‌جک گلگز عم‌اوغلی
سعی ائت یوکی یونگول گوتی قوی مقصده چاتسین
آز یوخلا، آز ایشله، چوخ ائشید، چوخ گز عم‌اوغلی
هر شهریدن انسان گتورر بیر جوره سوقات
قم تحفه‌سی سوهان، صفاهاندان گز عم‌اوغلی
عقبایه‌ده دنیادن عملدور یکه سوقات
ییخ دیو هوا و هوسی باس از عم‌اوغلی
ساده یاشارام ساده ییوب ساده گیینّم
خلقه بویون اگماق ویجیمه گلمز عم‌اوغلی
فرش کاشان اولماز موکتین جانی ساغ اولسون
وار چولمگیمیز اولماسا گر زودپز عم‌اوغلی
خوت شلوارا سالاّم یاماقی هی یاماق اوسته
گلمز ایشیمه مخمل و پشم و خز عم‌اوغلی
بیر عمر کریمی یول آچوب مکتب عشقه
تازه اوخیور ابَجَدیله هَوَّز عم‌اوغلی

دولتلی کاسب

کاسبون قیزسا بئلی گوگلونه حمّام دوشر
یللنر خرطومی فیل تک یادینا ... دوشر



سویی دوشسه دگیشیک میلیانرین سانجیلانار
کاسبا ترش، آجی، شور، پخته دوشر، خام دوشر
مفلسین ئوز وطنینده گونی گوندن قره‌دی
منعمه کوفه و مصر و حلب و شام دوشر
کاسبا تک صبرین شنبه‌لرین صدمه‌سی وار
لیک دولتلیه تک، جوت، هامی ایّام دوشر
باخما خلقین ایشینه باخ فلکین گردیشینه
یِل اسنده همی یتگین همی ناکام دوشر
بو همان حضرت آدم گتورن قافله‌دی
یوکلنر وقت سحر کوچ ائدر آخشام دوشر
چوخ ابرقدرتی اللّه یوزی اوستونده سالوب
شاه دوشن گونلره بیر گونده بو صدّام دوشر
دئمه بیر تیره چتیندور ووراسان اوچ نشانا
بیر داش آتسان آغاجا گور نئچه بادام دوشر
ای کریمی یوکی یونگول گوتی مقصوده یتور
چوخ یینَده یوخی اَضغاثله اَحلام دوشر

غزل

گوگل ایستر گُل اولسون، بلبل اولسون، نوبهار اولسون
همیشه گلشن اولسون، سایهٔ سرو و چنار اولسون



نگاراولسون، دم‌اولسون، چم‌خم اولسون سازو ناز اولسون
صفا اولسون، وفا اولسون، گوگل غمدن کنار اولسون
صدای قُل قُل قلیان، صفای قه‌قه یاران
کباب اولسون، چای‌اولسون، چای‌کناری آبشار اولسون
اجلدن فرصت آختاررام همیشه خلوت آختارّام
ائله بیر ساعت آختارّام که بزم انس وار اولسون
یغشسون باشمه اغیار یوخ، یاران خوش صحبت
خصوصاً «انزاب» اولسون «طاهری» و «رستگار» اولسون
ظرایفدن، لطایفدن، مواعظدن، نصایحدن
دیاخ سرگرم اولاخ تا رفع دلدن انکسار اولسون
کریم ای نور چشمیم جان سنون جان جمله احبابین
دولان یولداشلاریلا قوی مودّت برقرار اولسون
جهانین زهرینی خونسردلیق شهدیله نوش ایله
گَرَک انسان مهیّای نبرد روزگار اولسون
چکیل دور بیر طرفدن باخگلان اوضاع دنیایه
سوخولما قیل و قاله ال ایاقون زخمدار اولسون

ریاست تختنون مشتاقی چوخدور شور و غوغادور
آسانسور تک بو تخته هر گلن ایستور سوار اولسون
ریاست شوقنه قارداش سوکور قارداشنون قارنین
دوغوردان دینی دیناره ساتان اشخاصه عار اولسون
مقام اُستونده خدّکلر ئوزوللر، گؤز چیخاردولاّر
کور اولسون گوزلری خدّک قووشسون، انتحار اولسون
عجب کئفلندیرور جام منیّت بعضی بدبختی
گوروم کاموندە ای دشمن بو شربت زهرمار اولسون
کریمی دینمه خاموش اول قولاق وئر نقل قورتولسون
که گویدن آلما دوشسون سن یی آغزون آبدار اولسون

سقّل نامه

دئمه سالدی موددان زمان سقّلی رواج ائتدی تیپ جوان سقّلی
قاتوب باشیله سقّلی بیربیره آلوب آلتنا باش یامان سقّلی
اگر گورسه رستم قاچار قورخودان نه سقّل که بیر پهلوان سقّلی
هِپی یعنی آرواد اوشاق قورخودان یتیم دینمه گلدی خوخان، سقّلی
اوشاق سقط ائدر گورسه هر حامله بو وحشتلی یوزدن چیخان سقّلی
اوغول سالما قیمتدن انصاف ائله اوجور قوی که قویدی بابان سقّلی
دیور هر گلن سقّلوندن اوتان خراب ائتمه ای شارلاتان سقّلی
کریمی ئوزی چونکه سقّل‌لیدی سوور اهل ایمان قویان سقّلی

سقّل نامه

ای عزیزیم ساخلا چوخ پاک و منظّم سقّلی
وئرمه الگوج خوردونا حفظ ایله هردم سقّلی



خلق اولاندا حضرت آدم باخوب سیماسینه
سویلدی «ربّی فَزِد حُسنی» حق یکتاسینه
خوش محاسن آرتیروب زینت رخ زیباسینه
تحفه وئردی آدمه خلاّق عالم سقّلی

اولدی سقّل فرق مابین اُناثیله ذکور
ائتمیوب ائتمز محاسن چهرهٔ زن‌دن ظهور
خوش محاسن آرترار سیمای مردیّتده نور
حق وئروبدی مرده ... و ... هم سقّلی

باخما بیر عدّه جوان وار سقّلی بدنام ائدوب
باش اوزون سقّل اوزون نادانلیقین اعلام ائدوب
سیستمون بی‌غیرت اوغلی مثل زال و سام ائدوب
باش نه باش، سقّل نه سقّل، پاپ اعظم سقّلی

ائتدی یوز قیخدیرماقی قانون پیغمبر حرام
مرجع تقلیدلر فتواده بیردور بالتّمام
شیوهٔ اجدادیوی ترک ائتمه ای مرد عوام
شرط تقوادن حساب ایله مسلّم سقّلی

واردی بیر عدّه هپی سقّالیله باشی قاتوب
وحشی جنگل نشین تک سبک انسانی آتوب
کولگه‌سینده هر توکون باطنده بیر شیطان یاتوب
سقّلین ائتمیش دوشاخه مثل رستم سقّلی
چوخ گروهک لرووُروب چِنگ توسّل سقّله
دام تزویرین قوروب بیر عدّه‌نی سالسون اله
قولده مُسلِم ولی فعلینده شمر و حرمله
ایلیوب ئوز عیبنه سرپوش هردم سقّلی
بعضی سقّل وار آچار گُل تک اولار فوراً خزان
بیر عزالی کیمسه‌لر اصلاحه گئتمز بیر زمان
بیرده اون‌گون خط قویار بعضی مقدّس نوحه‌خوان
عصر عاشورایه تک بسلر محرّم سقّلی
بیرده حاجی باشه وئرسه کعبه‌نین اعمالینی
رجعت ایلر مکّه‌دن امّا دگیشمَز حالینی
بازدیدین قورتاروب تئز قیخدیرار سقّالینی
هئچ خیال ائتمز یووبدی آب زمزم سقّلی
دورۀ آخرزمان سقّل‌لرین اقسامی وار
جمله‌سی بیر جور دگول هر سقّلین بیر نامی وار
دوز اودور الله یانندا ارزش و اکرامی وار
مابقی چرک و کثافتدور جهنّم سقّلی
ارتباطون کسمه قارداش دینله قرآنله
مردسن مرد ایلمز همرنگ ئوزون نسوانله
سقّلون قیخما شبیه اول بوذر و سلمانله
یاخشی سقّل قوی نه امّا ابن‌ملجم سقّلی

سقّل انسانین ائدر سیماسینی خوش منظره
خوش محاسن بیر گوزل عنواندی نهی‌منکره
چک الون سقّالوه صلوات اوخی پیغمبره
دین و ایمانون کیمی حفظ ایله محکم سقّلی
ای کریمی خلق سویلر مرحبا اشعاریوه
هر طرفدن میل ائدر اهل وفا اشعاریوه
سعی ائله خالص عملدن وئر صفا اشعاریوه
خلقه تبلیغات ائله دوتسونلا مُعظَم سقّلی



«منی»

من هر کسه یاخین گئدیرم یاندیریر منی
گُل بیلدیگیم تیکان اولور اودلاندیریر منی
یای یاز گلور گئدیر فلکین چرخی فیرلانیر
فیرلاندیقی فیریلداقا فیرلاندیریر منی





یورولور

قوجالاندا دیه‌سن آی بالا انسان یورولور
یریمور قیچ جریاندان دایانور قان یورولور



گه قول آغرور، گه آتیر سانجی گوبکدن کوره‌گه
داشلی قورقانی اَزَن دیش داخی باتمور چوره‌گه
آغزیما بیر تِکه قویجاق دوشوری تئز ئورگه
گلوری تنگه دگیرمانچی دگیرمان یورولور

قوجالیق گور نئجه انسانی ائدرمیش کلفه
بیر زمان کبلایی دورد آروادی دوزمیشدی صفه
چالیشور ایمدی ولی تیری وورانمور هدفه
گوروری یای بوشالوب گئتموری پیکان یورولور

خردا، خردا آدامین قاشقالور آرواد یوزینه
مَشَدی دوزه سؤزه آدام مالک اولانمور ئوزینه
قولی قاخمور قچی گئتمور گ...باخمور سؤزینه
آدامین گورنه اولور حالی پریشان یورولور

آدامین قاش قاباقندان بابا نفرت توکولور
لباس انسانه یاراشمور مودونا خلق گولور
بیر فقط نفسیدی انساندا دیری هر زاد ئولور
اعتقادات بشر سست اولور ایمان یورولور

هارا گئتدی او وجاهت، او طراوت، او جمال
او بلاغت، او فصاحت، او لیاقت، او کمال
قوجالاندا گئچیدن چرکین اولور کورپه مارال
بنزیر ازگین اریگه سیب زنخدان یورولور

بو یورولماز فلک، اعیانی یورار، خانی یورار
صاحب گرز گران رستم دستانی یورار
سیندیرار بازوی برزونی، سلیمانی یورار
بو یولی تند گئدن تئز دوشور آتدان یورولور

گلون انصاف ائلیاخ نفسی ریاضتده یوراخ
سرکش آت‌تک بوراخوب داشلیقا زحمتده یوراخ
سیندیراخ گردن ابلیسی عبادتده یوراخ
بیله بولمه آدام آلاّتماقا شیطان یورولور

دوشمه چوخ جاه و جلال و زر و ثروت دالیجا
قاچما چوخ حیله و تزویر و سیاست دالیجا
چوخ سورونمه یوزون اوستونده ریاست دالیجا
میز باشندا اوتوران هامّیدان آسان یورولور

نقدر ایشله‌سن ایشله سنی دنیا یوراجاق
دورولی شانس یاتوب یاتمش عوارض دوراجاق
قوجالیق قیناق آتوب امدیگیوی قوسدوراجاق
مین کریمی کیمی شاعر یازا دیوان یورولور

ایش جوانلقدادی ایمانی جوانلقدا قازان
سارالان گُل بابا گولمز یوزیوه فصل خزان
یولی تاپماز قوجا وقتینده جوانلقدا آزان
یتشور قافله سرمنزله کروان یورولور





قدیم ایّام

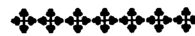
کروان گئچر یول دولوسی توز اولی توزدا یاتار اگری یولاّر دوز اولی
وارلی اگر او...... باسدیرالاّر یازیق یوخسول آسقراندا سؤز اولی



خروسیلان اوباشدانلیق ییَنلر اولدوزولان چیخوب اذان دیینلر
راحت یاشادیلار راحات ئولدیلر یایی پامبوق قیشی دری گیین‌لر



یومورتانی بیر شاهیا آلانلار سنق سِهینده دوغراما چالانلار
عبادتین لذّتینی قاندیلار حصیر اوسته گئجه نماز قیلانلار



پیسوز[۱] ایشیقیندا کتاب یازانلار شمع یاندیروب آغاج قاشق قازانلار
آلاردیلار دستمازی بیلاقدان گئدردیلر جماعته اذانلار



داش بارداقدا تندیر آشی قویانلار چغندری تندیره قویلویانلار
نه سفته بولدولر نه چک نه برات آزا چوخا قانع اولوب دویانلار



کُرسیه تپیلوب ناغیل دیین‌لر اوویج اوویج قورقا بولوب یین‌لر
نه روماتسم آنلادیلار نه واریس ایپ جورابی گون چاریقی گیین‌لر



اویدوق تمدّنه ایشی اوزاتدیق وحشیّتین آدین قویدوق آزاتدیق
یوزومیز گولموری اؤرک آچیلمور آرزیلار اوزاندی عمری آزاتدیق

۱-پیسوز، نوعی چراغ قدیمی که روغن آن پی بود

هانی قاطریمیز، آت، اولاغیمیز اوجا چارداغیمیز، گوزل باغیمیز
اولاغ اولدی ماشین، اُکوز تراکتور قانا دولدی دوشابلی چاناغیمیز



یخچالمیز زیرزمیدی، قویویدی کانادامیز دریابی‌نین[1] سویویدی
چالخاما آیرانین یوزونده کره گوره‌سن آشکاریدی یا یوخویدی



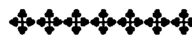
قارپوزین قابوقین دوزوب آساردیق قورودوب یاندیراردیق، قو، باساردیق
چاخماق چالوب قووی آلیشدیراردیق گوله گوله نه کوسوب نه تساردیق



خشیل چالوب نیمچه‌لره چکردیک آراسنا یاغ دوشابی توکردیک
نه اورک آغریسی نه زخم معده یاغ دوشابی چاناق چاناق ایچردیک



پاچا توکون ات پالچقا قاتاردوق اوجاق، مانقال، دوواق چالوب ساتاردوق
کوموری قالاردیق قوبول مانقالا شوربانی پیشیروب ییوب یاتاردوق



گونه باخوب گون اورتانی بولنلر پونزا اتی آلتی یره بُولنلر
قبر ائوینه گوله گوله گئتدیلر چوخ آغلیوب دنیادا آز گولنلر



چای یرینه دارچین قولونجانمیز عطیریندن سووینردی جانمیز
بلور استکاندان چوخ صفالیدی ساخسی نلبکی، ساخسی فنجانمیز

۱-دریابی تونگ سفالی

یومورتانی پیشیرردوخ بویاردوخ دُویشدیروب سیندیراردوخ سویاردوخ
قره تویوقلارین آغ یومورتاسین ییوب مگر لذّتیندن دویاردوخ



آخیر چرشنبه‌ده حال‌لار خوشیدی آخشاما دولمایدی، کله‌جوشیدی
نه‌یین دیوم او کله‌جوش، او دولما مین چلوکبابدان بیزه نوشیدی



ایل بایرامی اوتوراردوخ تحویله کهنه ایل‌دن گئچردوخ تازه ئیله
یدّی، سین، دوزلدوب دووا یازاردیق اللّه گلن ئیلی مبارک ائله



تحویل اولوب باشلیاردیق گوروشه اوپوشمک گوروشمک دوشردی ایشه
نه لویز، نه لوکانه، کیک، لطیفه سوجوغی، حلوانی، چکردیک دیشه



نه سؤزولن آرا قاریشدیراردیق نه چال چالیق بولوب چالیشدیراردیق
ایل ایلدن آیریلاندا آختاراردیق کوسنلری تاپوب باریشدیراردیق



ایل بایرامین الده ائدوب بهانه یوخسول‌لارا وئرردوخ عیدیانه
دولتلی کاسبون گوگلون آلاردی اورکلر شاد، محبّت صادقانه



کیشی قالمازدی آروادین سؤزینه آرواد قابارمازدی کیشی یوزینه
یاماخ سالاردی شلوارین دیزینه کولی قویاردی خارجه گوزینه



پالتاریمیز بِزیدی میدقالیدی کتانیدی، یوسفیدی، شالیدی
خارجه پارچاسین گناه بولردوخ کئفیمیز کئفیدی، حال خوش حالیدی



شلواریمیز، چاکتیمیز یاماخلی حیاتمیز ساده ولی داماخلی
گوزومزین ایمدی یاشی قورومور دوره‌میزی آلوب الی چوماخلی



هانسی کیشی سقّل‌لیدی، دازیدی اونون ایشی آخوندلان سازیدی
تللینی، بیرچکیلنی، سقّل‌سیزی آخوند آقا مسجده قویمازیدی



گلون «امیرکا»نین جوابین دیاخ ئوزومیز توخویاخ ئوزومیز گیاخ
گوزومیزی ئوزگه‌لره تیکمیاخ ئوزومیز پیشیراخ ئوزومیز یياخ



گلون یغیشدیراخ تازا مودلاری مبل‌لاری، میزلری، کامودلاری
دکورلاری، آرتق آرتق شیلری باشیمیزا توکمیاخ بو اودلاری



سحر گلین ساچلارینی هورردی ائو ائشیگین سلقه‌لی سوپورردی
سوپورگه‌نین ایکیسی بیر شاهیدی نپتون گورن ایشی اودا گورردی



گلون تشریفاتین آلاخ قاباقین آرتیق اساسینی یغاق اوطاقین
ساتاخ وئراخ بیر اوغلانا طوی ائداخ اودا بیلسین دادین آرواد اوشاقین



بیز آلاّندیق تمدّنین آدینا حَیف اولسون آغزیمیزین دادینا
قوهوم قونشی گئجه گونوز بیریدوخ ایمدی دده اوغلون سالمور یادینا



سحر اولجاق اَت تندیرین قالاردوخ تندیر آشین ایچوب قابین یالاردوخ
گونده بیر باش حکیمه قاچمازیدوخ بیری ناخوشلاسیدی کوپ سالاردوخ



گوگردَردی خانم، بوغدا چمنی اونی دوگوب پشیرردی سمنی
چاغیراردیق قازانین دوره‌سینه خانمجانی، فاطمانی، یاسمنی



یاغش یاغمیاندا اولاردیق خسته چیخارداردیق چُمچه گلین چُم اوسته
قاپی‌لاردان یارما، نخود، یغاردیق سو سپنده قاچاردوخ دسته دسته



آی آقالار تاپشوریرام هاموزا سحر اولجاق فکر ایلیون شاموزا
بو دنیادا چوخ ایشلدوخ یورولدوخ بیر آزدا ایشلیاخ او دنیامیزا



من عاشقام سازیم دولی سؤزولن دانیشارام یاریلان قاش گوزولن
اگری، سنی دوز یولوندان آزدیرار اگری یولی دوز گئده‌سن دوزیلن



ایگیت اوغلوم اوگودی سال یادا گئت من دیورم یا قولاق آس یادا گئت
نانجیب قوهوما دردیوی دئمه دردیوه درمانا نجیب یادا گئت

ذاکر مرحومدان بیر غزل

عشقین اودیلا جسم آلشوب جانی یاندیرار
معشوقه‌دن صورا هامی انسانی یاندیرار



نی‌دن نواسی گرمیدی هر استخوانیمون
آهیم زبانه چکسه نیستانی یاندیرار
عشق ایلیوبدی آه زلیخانی آتشین
قمچی آلیشدی یوسف کنعانی یاندیرار
گوزدن دوتار شراره یانار مغز استخوان
یوسف اودور باخیشدا زلیخانی یاندیرار
ائتمز نموّ تُربت لیلی‌ده گل گیاه
مجنونین آهی ایمدی‌ده لیلانی یاندیرار
یومدی گوزون باخانمادی یار آه سردیمه
سرما بولوردی نرگس شهلانی یاندیرار
عشقین نحوستینده بو بسدور شراره‌سی
هر قلبه ایستدی دوشه ایمانی یاندیرار
صنعان بیر ارمنی قیزینون اشتیاقنه
دینین ساتار سالار اوتا قرآنی یاندیرار

عشق عالمینده سویمه‌لی فرهادین عشقیدی
شیرین آدی گلنده شیرین جانی یاندیرار

فکر ایلمه که هر اوتی خاموش ائدندی سو
بیر قوّه واردی اشکیده دریانی یاندیرار

دوشمه او گل یاناقدان اُپوش اشتیاقنه
قوی گئت بالام بو اود لب و دندانی یاندیرار

پروانه‌نین سیزیلتیسی گور شمعه نیلدی
مظلومین آهنون اوتی دنیانی یاندیرار

بازار شعر بسکه کساد اولدی ذاکرا
سعدی اویانسا یازدیقی دیوانی یاندیرار



گلمه یاخین منه شرریم یاندیرار سنی
وورما الون منه اثریم یاندیرار سنی
باخسام او گُل جماله بو اودلی نگاهله
حسرت شرارینه نظریم یاندیرار سنی





سرشماری

بئله نقل ایلیوبله سابقده
عهد طاغوتیان فاسقده



کارمندانه گلدی بو دستور اولالار سرشماریه مأمور
سایالار ملّتی صغیر و کبیر گوره‌لر وار نقدر کسر و کثیر
قالدی بیر عدّه شهریده مشغول اولدی بیر دسته کتلره مسئول
یتیشوب هر ائوه ائدردی عتاب نئچه باشسوز، اودا وئرردی جواب
بعضی کتلرده خوف و وحشتدن باش تاپانمازدیلار سیاستدن
یا قاچوب گیزلنردی گلمزیدی یا گلوب دوز جواب وئرمزیدی
گوردی مأمورلر بو واقعه‌نی راه چاره بولوبله شایعه‌نی
دئدیلر دوز وئرون جواب بیزه
دولتین قصدی مرحمتدی سیزه
بئله تصویب ائدوبدی شاهنشاه اولا تعداد ملّته آگاه
باشا بش یوز تومن اعانه وئره خلقه انعام و عیدیانه وئره
باشا بیر کیلو قند مجّانی ائوه بیر بُشکه نفت ارزانی
سوبای اوغلانلارا طوی ایلیه‌جاق قوجالار چوخ ییوب آز ایشلیه‌جاق
بی بضاعتلره اساسیّه هر آداخلی قیزا جهازیّه
آداما بیر کیلو شکر وئره‌جاق نقدر دول خانم وار ار وئره‌جاق
بو شعاری اوتوردیلر کنده شایعه تئز اولار پراکنده
چالدیلار بیر قاپونی سرعتله بیر خانم چیخدی چوخ شهامتله

دئدیلر آی خانم نئچه باشسوز دئگوراخ نئچّه باجی قارداشسوز
دئدی عذر ایستورم، آقا قارداش یاز بیزی آلتی گ... ولی بش باش
دئدیلر آی باجی بو سؤز تزه‌دی منطقی اولسا خیلی بامزه‌دی
بش باشا بش گ... امر خلقتدی آلتی گ... بش باشا نه حکمتدی
دئدی بیر گ...ده امتیازیله آلمیشوخ نذریله نیازیله
ساخلامشدوخ اونی سن اولما ظنین تا س... آغزینا آچ ... گتوروم
سؤزی اثباته حاضرم یتوروم سن اوتی آغزون آچ...گتوروم
نه گوروبسوز یالاندا قانمازلار ئوزوزه ایش تاپون اوتانمازلار
هی یالان وعده‌دور بیزه وئریسوز یالانیله بو ملّتی سریسوز
وورسوز توپ کیمی اویان بویانا بویا دوز ظلمله جهانی قانا
سؤزوزون اکثری یالاندی سیزون حقّوویز نوختادی پالاندی سیزون

دوز تمام اولمامیش یالان دئمیون
ملّتی ناامید ایله‌میون
ای کریمی یالانچی رسوادور
دوزه قربان که فیض عظمادور
دوز دانش، دوزیی، دوز دولان قارداش
کیشییه عیبدور یالان قارداش





نامه‌نگاری حروفی

ای شمع شبستان وفا یار مؤقّر
ای چرخ محبّتده اولان ماه منوّر



روح عطری گلور عشقلی مکتوبه‌لروندن
هر کلمه‌سی بیر دسته قیزیل گُلدی معطّر
نه نامه که بیر گلشن زیبادی مزیّن
نه نامه که بیر باغ مصفّادی مشجّر
هر الفی«ا» گوزل سرویدی با«ب» بلبل شیدا
تا«ت» تیر محبّتدی سالوب قلبیمه اخگر
ثا«ث» ثوب مودّت منه، جا«ج» جلوهٔ جانان
حا«ح» حلّه دیبائیدی خا«خ» خال سمنبر
هر دال«د» دلیل دل و ذا«ذ» ذلّت فرقت
را«ر» روی دلارامیدی زا«ز» زلف معنبر
سین«س» سینهٔ سینانی دوتان صیت انااللّه
شین «ش» نخلهٔ طور اوسته اولان شعلهٔ آذر
هر صادی«ص» صنوبر کیمی خوش منظر و زیبا
هر ضادی «ض» ضماد دل صد پاره و مضطّر
طا«ط» طوطی شکّرشکن طبع سخن‌باف
ظا«ظ» یظهر بالسّفیه ائدن عشقینی اظهر
هر عینی «ع» عبودیّت معبوده دلالت
هر غینی«غ» غم غربت و هجرانه سخنور

هر فائی«ف» فراق عالمینون شاهد حالی
هر قافی«ق» قمر طلعتچون عِقد مُبَهّر
هر کافی«ک» کلید در کانون محبّت
هر گافی«گ» گل نرگس و شببو و قلنفر
هر لامی«ل» لب لعل لطیفان کیمی لب‌سوز
هر میمی«م» اولان زلف چلیپا کیمی دل‌بر
هر نونی«ن» نوای دل عشّاقه تسلّی
هر ها«ه» هوس وصله وئرن مژده مکرّر
هر واوی«و» وئرن خاطریمه وعدهٔ وصلی
هر لاده«لا» وَلاٰ یَیأسُ مِن وَصلُ مُضَمَّر
هر یا«ی» ید بیضا کیمی ایلردی تجلّی
تمّت‌ده تمام ایلدی هر نعمتی داور
شوریدهٔ دیدار جمالوندی کریمی
هر شام و سحر دیلده آدون ایلدی ازبر



«گوروررم»

گئجه‌لر صبحه کیمی خواب پریشان گوروُرم
یاتورام جن گوروُرم غول بیابان گوروُرم
خلق ئوز گورمدیگی شیئی‌لری رؤیاده گورر
من یازیق موز یرینه قاره بادمجان گوروُرم

پشیگین موشولان مکالمه‌سی

پشیک دیور

گیرمه دلیگه سالما ئوزون زحمته ای موش
چیخ گل ائشیگه بیر اوتوراخ صحبته ای موش



گلدیم باریشاخ ایستور ایل ایلدن آرالانسین
قالساخ کوسولی خوش دگی قویما سؤز اوزانسین
بوندان صورا موشلار گرک آزاده دولانسین
ملّت زن و مرد اوز چوویروب وحدته یولداش
ال وئر گوروشاخ دوشمه داخی وحشته یولداش
گل عقد اُخوّت اوخویاق قارداش اولاخ بیز
کینه گوتورولسون آرادان یولداش اولاخ بیز
دشمن گوزونه اوخ، باشینا بیر داش اولاخ بیز
گل بیربیره دائم ائلیاخ لطف و نوازش
بوشلا بو شعاری که نه تسلیم و نه سازش
لطف ایلیوب اللّه گئدیرم بیت‌الحرامه
توبه ائلدیم وورمیام ال بیرده حرامه
بیرده موشا وورسام دیلیمی لعنت آنامه
بیر خیردا قاریندی اونی هریاندا اوتارّام
اللّهه عبادت ائده‌رم عمری قوتارّام

فکر ایلمه بیر چینم اتین محتاجیام من
توفیق منه شامل اولوبدور حاجیام من
دای سنله بو گوندن بری قارداش باجیام من
من ایلمیشم، تذکره، پاسپورتی فراهم
چیخ بیر یوواداان عزم ائلیاخ مکّیه باهم

مرحوم آتاوی من یمیشم معذرتیم وار
اوچ اوغلووی بیردن یمیشم معذرتیم وار
هر کوچه هر ائودن یمیشم معذرتیم وار
صد شکر خدایه یتیشوب کامه قِییتدیم
توفیق تاپوب کفریدن اسلامه قییتدیم

چوخ فکر ائلدیم ظلمین اوغول آخری یوخدی
ظالملرین احوالی قیامتده شولوخدی
مین قانه بویانمش الیم آغزیم گینه چوخدی
ئوز ایلدیقیم جُرمه ئوزوم ایلرم اقرار
توبه ائدوب ایمدی اولورام کعبیه زوّار

تبلیغ ائدیرم من سنه من باب نصیحت
گل منله گئداخ غسل ائله اول اهل عبادت
بسدور بو قدر غارت و دزدی و خیانت
چوخ بینوانین سرمایاسین الدن آلوبسان
چوخ بال، کره، یاغ خوملارینا فضله سالوبسان

خلقین دووارین دَل قییر ئوز باشوه لانه
بیل غصب اولونان مُلکیده جایز دگی خانه
آز چوخ بیلیسن مسئلهٔ شرعیوی یا نه
هئچ قانمیسان غصبی مکاندا نماز اولماز
آی داش باشووا سن کیمی بیر آنلاماز اولماز

پسته، بادامی، گردکانی مفته داشیرسان
مردار و تمیز هر نه گوروُرسن داراشیرسان
عمرونده ِفراری کیمی گیزلینده یاشیرسان
اوغری کیمی گیزلنمه بالام پستوُدا چیخ گز
گل دوز یولا آزاده دولان آننی آچیخ گز

سن بعلی دئسن ایلرم اسبابی فراهم
بیر جوجه‌کشی دسگاهی سالّوخ ایشه باهم
هم لذّتی لذّت پولی پول زحمتی چوخ کم
دردسری لاپ آز ایشی راحتدی عزیزیم
دنیاده حلال کسب عبادتدی عزیزیم

گیزلین یاشاماقدا نه ثمر دالدا بوجاقدا
صاندیقخانادا، سقفده، تندیرده، اوجاقدا
گل من کیمی اگلش یوخاری باشدا قوجاقدا
گاهی مَنوش آلسین قوجاقا، گاهی منیژه
یورقان دوشَگون، قاب قاشیقون هامّوسی ویژه

گل شرکت اولاخ سنله، قییت هر عملوندن
تای سوکماقی، چک چُک یماقی بوشلا الوندن
تسبیح گرک دوشمیه هر لحظه دیلوندن
بقّال‌لاری بیربیر تاپوب حلّیت آلارسان
ائو اولماسا ممکن گئجه‌لر بیزده قالارسان

منله شریک اولسان بئله‌دور رسم و قراریم
باخ یوخدی منیم بینمازیلا سر و کاریم
نه اوغرولوقیم وار نه شرابیم نه قماریم
مسجدده فقط منبرین آلتندا اوتورّوخ
اسلامه اهانت ائده‌نین بوینونی وورّوخ

من امر به معروف ائلدیم سنده دایانما
گل فرصتی فوت ایلمه بیر لحظه یوبانما
هر مسئله‌ن اولسا خبر آل مندن اوتانما
قارداش بونی بیل یوخدی شریعتده اوتانماخ
اورگنماقمیز یاخشیدی گور یا اوتا یانماخ

بیر گون واریدی خلق چکردی داد الیمدن
شامسیز قالوب ائولر، اوجالوب فریاد الیمدن
قوش، موش، جوجه قورتولمازیدی جلّاد الیمدن
یردن موشی، گویدن قوشی، آولاردیم اوتاردیم
سقّال آغاروب، بئل بوکولوب وقتی قوتاردیم

بیر موقعی سئل تک دره، یل تک داغ آشیردیم
فکریمده‌دی بیر گون اون ایکی بارداغ آشیردیم
چیخدیم رفه موش دوتماقا ووردیم یاغ آشیردیم
قیش چلّه‌سی داملاردا چیخوب قوردتک اولاردیم
دامدان قوویلاندا باجالاردان سوخولاردیم

هر جور مودا دوشدوم بالا هر رنگه بویاندیم
مین ایل یاشاسان آخر ئولومدی بونی قاندیم
باور ائله یاتمشدیم ائله بیردن اویاندیم
گوردوم داخی ایشلر هاموسی لهو و لعب‌دی
انسانه قالان علمیدی، ایماندی، ادبدی

آخشام چاغی گوردوم تله‌ده اوچ یکه موش وار
آغلوردیلا سسلوردیله اللّه بیزی قورتار
تئز آچدیم اُتوردوم تله‌دن ائتمدیم آزار
با اینکه ئوزومده آجیدیم آج گینه دُوزدوم
قویدوم ایاقیم آلتنا نفسی باشین اوزدوم

چوخ نین‌لره گیردیم ائلدیم جوجه‌نی پاره
جوتگاهدا نه قویدوم قالا بلبل نه قناره
بوغدوم قوشی، قوشبازلاری قویدوم گونی قاره
گاه کوسّوویلان ووردیلا باشدان یارالاندیم
گاه قویروقومی چاپدیلا آلقانه بویاندیم
گَل دوش قاباغا منده دالونجا گلیم الآن
حلیّت آلوم مدّعی‌لردن سنه حیوان
حق‌النّاسی چون عفو ائلمز خالق سبحان
بقّالیله قنّادی سؤزومدن چیخا بولمز
آغ سقّلم هئچ کس یوزیمه دیک باخا بولمز
مشگل گئچه حقّین سنه بیچاره کریمی
جان قویموشیدی یازدیقی اشعاره کریمی
ئوز دفترینی ایمدی گورور پاره کریمی
پیسلیک دوتاسان هئچ بولوسن نیلموسن سن
فخرالشعرا، دفترینی چینموسن سن

موش گوردی پیشیکده بو عتابیله خطابی
آماده اولوب تا اونا وئرسون بو جوابی

آقای پیشیک سنده‌کی ایمانه ماشاءاللّه
بو علمه، بو تبلیغه، بو وجدانه ماشاءاللّه



بەبه بو فصاحت بو بلاغت بو نجابت
بایرامدا نصیب اولدی منه یاخشی سعادت
افسوس منیم یوخدی ائویمده او لیاقت
تا رسم پذیرالیقی فعلاً یتوریدیم
قلیان چاق ائدوب شیرنی دوتوب چای گتوریدیم

وار سنده ماشاءاللّه عجب ایمان و دیانت
لازمدی پیشیک‌لر سنه ائتسونله اطاعت
واجبدی گئت اوّل اولاری ایله هدایت
بیر قومده که سن کیمی وار عارف کامل
اولسونلا گرک جمله‌سی تکلیفینه عامل
سیز اوّل خلقتدن اولوبسوز بیزه قاتل
دشمندی پیشیک‌لر موشا یا حقّ و یا باطل
ممکن دگی موشلار اولا بو وحدته قائل
مین کلمه سؤزوندن بیریده بینیمه باتماز
عفو ایله سیزون موعظه‌ویز بیزلره چاتماز
هئچ گورموسن اولسون قوزی قوردیلا برادر
سِرچه چالاغانلا باریشا ایلمه باور
چوخ بوغلارون اویناتما گئت ای مرتد و کافر
چوخدان تانیرام من سنی چوخ بوینووی بورما
هریان تله‌دی بیزلره سنده تله قورما
سیز کیم گئده بیز کیم نه‌دی بو حیله و تزویر
گئت مُومُوا داملاردا نه تسبیح و نه تکبیر
بو دللریله ملّتی آلاّتما گئت ای پیر
مین‌لرجه ضعیفین دریسین زنده سویوبسان
بارماقلاریوا قانله فندیقجا قویوبسان
بوشلا بو سفیه سؤزلری ای روبه مکّار
آخ سن هارا مکّه هارا ای خائن بدکار
کول باشمه گور کیملر اولور کعبیه زوّار
بیچاره آجوندان یاتاسان اُ... سن
هر کیم دئسه درماندی پ... باسدیراسان سن

موش پخمه اولار سن ائشیدوبسن نه بو مقدار
پوک سؤزلریوه آلانّا ای موذی و مردار
بیر پ...لی قاریندان سورا بیچاره نه‌یون وار
بیر لقمیه هر ناکسه یالتاخلانیسان سن
پیس پیس هله باش قوزیوسان شاخلانیسان سن

سنسن او قیزوب چلّه‌ده مرّو سالان عابد
عقلین اوتوزوب گونده بیر آرواد آلان عابد
حیله توکولور باش قولاقوندان یالان عابد
قلبونله دیلون بیر دگی افکاریوه لعنت
بوش خرقه و لبّاده و دستاریوه لعنت

اوغلانلاریمی سن یموسن ای ولدزنا
قارداشلاریمون قاتلیسن بوردا اوتورما
قوی گئت ایشیوه چالما یالاندان منه ضرنا
سن تک بیرینون دوستی اولان دشمنی نیلور
گئت ای ... گئده مکّه سنی نیلور

وار توبه‌ده چوخ شرط فقط دیلده دئمزلر
توبه ائلینلر داخی مردار یمزلر
تلبیسیله، تزویریله خلقی سریمزلر
اَستَغفریله خدّگون الدن قوتولانماز
سرمایه گرک، مرد یالاندان لوطولانماز

ایراد ائلدون من وورارام خلقه خسارت
تایلار دلورم یا ائدیرم آیری اذیّت
فضله سالورام خوملارا یوخ منده نظافت
من محتسبم ایشلریم از روی نظردی
یوخسا منی دارقا چاغیروب باشیم ازردی

گورسم بیری پابند دگول خمس و زکاته
قائل دگی اطعام طعامه، حسناته
یا اینکه توجّه یوخودی صوم صلاته
جنسی ییغوب انباره سالوب خلقی فشاره
وورّام اونا صدمه اَلَرم اشگین عذاره
من عامل حقّم چیخارام خمس و زکاتی
جیرّام سندی پاره‌لرم سفته براتی
نه بال کره قوی‌یام نه ساری یاغ نه نباتی
فضله سالارام چون منه واجبدی گرک‌دی
دوزدی، چوخی سایماز دییر حتماً بَزَرک‌دی
من شرعیمه دارایم عمو گر چه سیچانم
آنباردارا، سرمایه‌دارا دشمن جانم
تایلار دلَنم مال حرام اوسته سیچانم
مستضعفه بیر بوغدا ضرر وورمامشام من
بیر رنجبرین جوت قییشین قیرمامیشام من
باک ایلمه س..... پیس مالا پیسدن‌ده پیس اولسون
قوی اصلی نجیس بلکه نجیسدن نجیس اولسون
چون ذاتی خبیث خوشدی خبیث‌دن خبیث اولسون
سالاّم اودی که فضله یاغا یا که دوشابه
عمداً یوزی قویلی دوشرم سرکه شرابه
وار بعضی ائدوب بیر نئچه دست دام داشی اشغال
بیر زیرزمینون حسرتیدی فعله و حمّال
مستضعفه بیر موش یوواسی چوخدی قرشمال!
بو روی زمین‌ده پایی یوخدور فقرانین!
چیخسون کراکشلقدا گرک جانی گدانین!

سن سویله گوراخ هاردا یاتوب هاردا دوروروسان
دام قالمش آتاندان سنه هاردا اوتوروروسان
قاپلاردا یازیق بوینووی حسرتله بوروروسان
حق سؤز ائله‌بول قلبوه دگدی آجی گلدی
اندامنه باخ، یول وئرون اوغلان، حاجی گلدی
سنده هانی بدبخت او تعصّب او شهامت
کارخانه قویوب ایلیه‌سن ملّتی راحت
تولیدی چوخالدوب ائده‌سن میهنه خدمت
زیلله گوزیوی ئوزگه‌لره قال گوزی یاشلی
وابسته‌لیقین قدرینی بول آی باشی داشلی
سندن یکه‌لر ائتمدی بیر کارخانا ایجاد
آنجاق هروئن کارخاناسی ائتدیلر آباد
ایرانلی‌لارین اولدی یوزه دوخسانی معتاد
بیر ایگنیه محتاجیدی بو مملکت ایمدی
سال چیخ حساب ایله بو ایشین باعثی کیمدی
بو گوشه‌نشین‌لوق منه ضامندی خطردن
هر قدری باشارسام قاچارام فتنه و شردن
چوخ مهلکه‌لر گورمشم ابنای بشردن
سعی ایله باشاردیقجا بولاردان قاچ عم‌اوغلی
هر یرده سراغ ایلدون انسان قاچ عم‌اوغلی
«ریگان»[1] نئجه تزویریله صدّامی[2] تومارلار
ارباب‌دا سنون تک سفیه و خامی تومارلار
موش دوتماقیچون سن کیمی بدنامی تومارلار
امّا قوجالان وقتیده توکلر توکولنده
حالون خبر آلّام زیبیل اُستونده ئولنده

۱-رئیس جمهور وقت آمریکا ۲- رئیس شورای فرماندهی عراق

بدبخت نه ایستور سنی، هم نه منی ارباب
موش دوتماقا یاغلور گئجه گوندوز سنی ارباب
آخر ییخاجاق دشمنله، دشمنی ارباب
قدرتلی‌لرین سؤزلری آنجاق یرین آلسون
بیچاره‌لری بیربیرینون جانینه سالسون
هر قوّه‌لی بازو سوویر ئوز قدرتی قالسون
مخلوقی گرک بیربیرینون جانینه سالسون
هر کس ئولر ئولسون اونون امری یرین آلسون
بو ائوده سنون یوخ قره‌دن دوت آغا حقّون
یوخ وورماقا آغزون قاتقا قیماغا حقّون
بوندان صورا اشعار ائلمز دردلره چاره
اولسون شعرا دفتری حتماً تکه پاره
بوستان و گلستانینه سعدی چکه قاره
چون اوردا گئچن شاهلاری تعریف ائلیوبدی
آنجاق اودا گون قیمتینه روزی ییوبدی
بوندان صورا یوخ فایدا وجود شعراده
شعرین دوشوب هر عصریده بازاری کساده
شمع و گل و پروانه و معشوقه و باده
گل بیر باجادان باخ او کیشی گورنه توموبدی
بیچاره کریمی‌دی یازیق فکره جوموبدی

دونقوز ئیلی ۱۳۶۲هجری شمسی

دیوللر بو ئیل دونقوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی



دئدیم یاره آنقیرما چوخ بوزلاما
بئله تند گئتمه یولی توزلاما
گل انصافه بایرامدی بوینوزلاما
بویوردی کُره بوینوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

هر ائوده گینه باشلانوبدور جدال
زلیخایه، زهرایه بایراملیق آل
بازار یوخ بویاندادا ضعف الرّیال
هامی ائوده سؤز نوروز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

سویوخ بیر طرفدن آلوب طاقتی
ایاقدان سالوب شاختا بو ملّتی
قیزی نفته گوندر اته عورتی
جورابسیز ایاقلار بوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

آمان ایت ئیلیندن آمان الحذر
یازیق ملّتی ائتدی خونین جگر
الٰهی گونی گوندن ائتمه بتر
اگر سرنوشت اولدوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

یازیق ملّت از بس دوزولدی صفه
فقط جانه دویدی قسم مصحفه
سویوخ بیر قلج چکدی مستضعفه
دیرسن پچاق قارپوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

یازیق فعله چیگننده ایش بیلچه‌سی
پنیر آختاریر الده دفترچه‌سی
باشی پالتو آلتندا قیش سرچه‌سی
الی شلوارینداقوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

سویوخدان دونوب خلق اولوب یخزده
اورکلر ولی مثلِ آتشکده
آتاسیز بالادی، اوغولسوز دده
سیزیلدار مگر، ات کوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

بو آمریکا بیر اود ووروب ایرانا
گرک حشر اولونجا اورکلر یانا
گُل اوزلی جوانلار بویاندی قانا
مگر جنگ صندل میز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

نه دا... پوللی دورسون صفه
یتر هر بلا گلسه مُستضعفه
دانیشسا دییه‌لّر قودوخ اول خفه
غرض دردسر پولسوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

بیر ائوده دوتوبلار سویوخدان عزا
بیر ائوده پیشیر یدّی قسمت غذا
غذانین ایگیندن دولوبدور فضا
سؤز ایچماق یماق داد دوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

هواده اگر فضله سالسا همام[1]
دوشر مفلسین باشینه والسّلام
قاراخ گلسه باشین اگر لاکلام
همیشه چوماق یانبوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

یانان کارگردور یامان کارگر
بلادن گوز آچماز آمان کارگر
ائله اولدی قدّی کمان کارگر
آغیر یوک آغیر قوندوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

ائله پاکسازی اولوب شیخ و شاب
نه قولدور قالوب نه قمار و شراب
هامی پاک و پاکیزه اهل ثواب
چیموب لیفلنوب یارپوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

داخی نه یالان واردی نه افترا
نه بهتان و نه شایعه نه ریا
هامی اهل ذکر و نماز و دعا
هامی متّحد بیر سؤز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

۱-حمام =کبوتر فاخته

عمللر بوتون خیر، یوخ ذرّه شر
ملک‌دور جماعت به شکل بشر
هامی شیعهٔ پاک اثنی عشر
حسابلار ولی دوقّوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

الٰهی بحقّ رسول امین
به خون شهیدان قرآن و دین
ئوزون بو یازیق ملّته اول مُعین
سنون لطفون آغلار گوز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

کریمی بطالت وجودی یورار
ملایم بشر نه قاچار نه دورار
ماشین تند گئتدیقجا فرمان قیرار
او سایماز اایاق تورموز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

عجب لطف ائدوب حیّ یکتا سنه
ائدوب نطق گویانی اعطا سنه
مبارکدی بو طبع شیوا سنه
مگر شیدا بلبل رُز اوستونده‌دی
سخن قوز بالا قوز اوستونده‌دی

احمد بی‌غم

جامی گوتور ایله لبالب صنم
قوی میزین اوسته سنه قربان ننم
عُمر گئچور فرصتی بول مغتنم
هئچ منه یوخ فرقی مینم یا اَنم
احمد بی‌غم که دیللر منم

منده که یوخ تخت ریاست غمی
منصب کاندید وکالت غمی
ثروت و سامان و عمارت غمی
دنیا بش گوندی نه محنت نه غم
احمد بی‌غم که دیللر منم

خلق دوشوب بیربیرینون جانینه
آجدی سوسوزدی اتینه قانینه
تُف بولارین غیرت و وجدانینه
یاخشیدی آسوده گزم ویللنم
احمد بی‌غم که دیللر منم

بیر پارا قوردلار سوخولوب میدانا
چالخادیلار عالمی یکسر قانا
خوشدی چکم من ئوزیمی بیر یانا
هاردا یوخوم گلدی یاتام مِهلنم
احمد بی‌غم که دیللر منم

صبح آچیلار چایدانی قوی‌یام دمه
قلیان الیمده ائدرم زمزمه
سایمارام آفاقی دوتا هم‌همه
اوجدا ییم اورتادا سنیللنم
احمد بی‌غم که دیللر منم

ملّت اولوب نفسین الینده اسیر
بعضی ریاستدن اُتور باش کسیر
گرچه منیمده ئوره‌گیم چوخ اسیر
چون الیمه دوشمور اودور دشمنم
احمد بی‌غم که دیللر منم

قال ماقالا قاتما باش اول بی طرف
قوی سنه بیر عدّه دئسون بی شرف
چوللره یوز قوی یی قویون تک علف
سعی ائله قورد اولما جانیم اول غنم
احمد بی‌غم که دیللر منم

منده کریمی کیمی یوخدور خیال
هی ایچریلن دانیشام ماه و سال
سایمارام آفاقی دوتا قیل و قال
فکر و خیال ایلمرم من منم
احمد بی‌غم که دیللر منم





طوفانی قیش

بو ایل قیش چیخدی، ملّتدن ولی چیخدوخجا جان چیخدی
کسیلدی ملّتین باشی نه سس گلدی نه قان چیخدی



هزاران سینه داغلاندی آچیق قاپلاردا باغلاندی
تفاقلار اود دوتوب یاندی نه توستی نه دومان چیخدی
کومور یوخ، کرسی یوخ، نفتین صفینده دوندی انسانلار
گوزیندن یاش، بوروندان سو، آغزدان الامان چیخدی
باهالیق کارمندین فعله‌نین ازدم ایپین قیردی
باشیندان بوک، بدندن کوت، ایاقیندن تومان چیخدی
بویاندان مالیات اصنافی بیر یول سالدی طاقتدن
حسابین گوردی دارائی تومندن بش قران چیخدی
یورولدوخ چوخ وریلدوخ هم قریلدوخ نفتین اُستونده
ازیلدی باش، قولاق، قول، قیچ، سینان سیندی چیخان چیخدی
بو ایل قیش چوخ اوزاندی ساعتی خلقه بیر آی گئچدی
ولی هئچ بولمدوخ یای یاز هاچان گیردی هاچان چیخدی
دیرلر آج تویوق داری گورر یاتدیقجا رؤیاده
اوزاقدان یاغلی بلله گوردوگوم دورمک یاوان چیخدی
نگاره وعده‌لر چوخ وئردیم آلاتدیم یوکون چاتدیم
داخی ایمدی توتوق وئرمور گورور سؤزلر یالان چیخدی
دئدیم جان ایسته‌سن وئرّم برلیان ایسته‌سن آلاّم
دئدی قوی گئت ازلدن سؤزلرون پوک گردکان چیخدی

فصاحت گلستانینده وفا اکدیم جفا دَردیم
موز اکمیشدیم بادمجان چیخدی، گل اکدیم تیکان چیخدی
گوزوم یاغین یدیردردیم نگاره آزمایشده
گوزومدن دگدی تیری، دلبریم نامهربان چیخدی
جهان میخانه‌سینده ساقی‌دن هر قدری جام آلدیم
ایچینه یا هوادن فضله دوشدی یا سیچان چیخدی
شیرین شربت نصیب اولدی سفیهه، ناجوانمرده
بو مهمانخانه‌دن سُقراطه جام شوکران چیخدی
الیمی هر یووا گلدی اوزاتدیم بلبل عشقیلن
یووادان شانسیما بایقوش بالاسی یا ایلان چیخدی
اوتوز یول شرکت ائتدیم قرعهٔ بخت آزمائی‌ده
نه‌بش‌مین، اون‌مین، آتمش‌مین، نه حاضر ساختمان چیخدی
هامیا چای پاکاتیندن چیخوردی ساعت «هارلم»
نه یاغدان «پهلوی» تاپدیم نه فابدان استکان چیخدی
فقط بیر یرده شانسیم دوردی بختیم انقلاب ائتدی
که من صندوق رأیه «پیر» سالمیشدیم «جوان» چیخدی
کریمی مکتب شعر و ادبده امتحان وئردی
آپاردی کوی سبقت شاعر شیرین زبان چیخدی
قدیم شاعرلره انعام و خلقت وئردی سلطانلار
منه احسن ماشاءالله مرسی به‌به ارمغان چیخدی





گئچر گئدر

ای دل گلر بهار زمستان گئچر گئدر
سرمای سخت و شدّت طوفان گئچر گئدر



بلبل گلر چمنده قونار شاخیه گینه
گلشنده‌کی بو وضع پریشان گئچر گئدر
وصلین ایشیقلی صبحی افقدن طلوع ائدر
ظلمات وحشت شب هجران گئچر گئدر
بش‌گون فنا جهاندا داریخما سیخیلما چوخ
ایّام زندگی چتین آسان گئچر گئدر
قاتمش فلک نشاطیله افغانی بیربیره
بزم زفاف و شام غریبان گئچر گئدر
نه عیشینون دوامی نه یاسین ادامه‌سی
خندان لبیله دیدهٔ گریان گئچر گئدر
گردن کلفت ظالم و مظلوم ناتوان
فرمانروا و تابع فرمان گئچر گئدر
انسان قوناقدی بیر نئچه گون اهلبیتنه
بیر آز اولارلا اگلشر اوندان گئچر گئدر
مطبخ‌نشین و کاخ‌نشین خائن و امین
شاه و گدا و مفلس و اعیان گئچر گئدر

یا بیر حصیرین اوسته یخیل یات اسیر تک
کهنه عبانی ائتگله یورقان گئچر گئدر
یا تختخوابین اوسته گوزل رختخوابده
یات آل کناره بیر بالا جیران گئچر گئدر
یا مُنکر اول نمازه دعایه قیامته
یا مسجده گئت آل باشا قرآن گئچر گئدر
تنها عملدی شخصه قالان دار فانی‌دن
اهل صفا صراطدن آسان گئچر گئدر
بیرگون چکلله پای حسابه جنابووی
ایلرله خوب و زشتیوی میزان گئچر گئدر
شرّون مزیّت ائتسه دوشرسن اذیّته
ائتسن قرارگاهووی نیران گئچر گئدر
هر کس ئوز اکدیگین بیچر آخر کریمیا
وئرمز گل عطری خار مغیلان گئچر گئدر
دنیا محلّ تجربه‌دی آنلیانلارا
ناممکنیله صاحب امکان گئچر گئدر
دنیا بسان کهنه دگیرماندی فیرلانیر
هی بوغدا مثلی دارتلار انسان گئچر گئدر
هشیار و مست و عاقل و دیوانه مرد و زن
میدان زندگی‌ده وئرر سان گئچر گئدر
بازار دهریدن بیر آدام سود آپارمیوب
کالای عمرینی ساتان ارزان گئچر گئدر

قالَ عَلَیه‌السّلام مَن عَلَّمنی حَرفاً فَقَد سَیَّرَنی عَبداً

صرّاف سخن یعنی مولا عَلی الاَعلٰی
تکریم معلّمده بیر جمله ائدوب انشا
تفسیر کلامینده دنیا بویی وار معنا
اعجازیله یرلَشمیش بیر قطره‌ده بیر دریا
زر لوحیه ثبت اولسون لازمدی بو سؤز حقّا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

حقّا که معلّم بیر مصباح هدایتدور
اخلاق معلّمدن ایمان و امانتدور
انصاف و مروّتدور هم مهر و محبّتدور
تمجید معلّمده تکجه بو کفایتدور
بیر منصب عالی‌دور بیر مرتبهٔ اعلا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

عزّت وئرن انسانه تعلیم معلّمدور
شاگرده فرایضدن تکریم معلّمدور
ایجاد صمیمیّت تصمیم معلّمدور
فرمایش مولادور تعظیم معلّمدور
پرفایده هر سؤزدن، مولا سؤزیدور اولا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

بیر جزئی حقوقیله سازنده معلّمدور
ئوز اهل و عیالندن شرمنده معلّمدور
پالتوسیز اَسَن تیرتیر بهمن‌ده معلّمدور
با این همه گوهردن ارزنده معلّمدور
پاداشین علی وئرمیش بیر جمله‌ده چوخ زیبا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

اطفاله معلّمدور بیر دکتر روحانی
امراض جهالتدن آزاد ائدن انسانی
ترک ائتمه گوزوم نوری بیر لحظه دبستانی
یک لحظه هوسرانی یک عمر پشیمانی
القصّه علی‌دن آل سرمشقوی ای دانا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

اسگیکدی بهایمدن علم اولماسا انساندا
علمیله بشر چاتمیش هر رتبیه هر یاندا
بلقیسی سلیمانه لطف ایلدی بیر آندا
ذی حقدی معلّم هر شاگرده بو میزاندا
اولمش اونا حیدردن ارزشلی مدال اعطا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

علم اولماسا انساندا بیر خاریدی گلشنده
یا بیر ماشنا بنزر بی تورمز و بی‌دنده
چاتماز اونا جنگلده هئچ وحشی درّنده
هر کس منی اورگتسه اولاّم اونا من بنده
وئرمیش نه گوزل اعلان دنیایه شه بطحا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

تعلیم معلّمدور انسانه وئرن زینت
علم آرترار اشخاصه دنیا بویی شخصیّت
جاهل ندی، کَالاَنعام بَل هُم اَضَله نسبت
عریاندی بشر عریان علم اولدی اونا خلعت
علمی که عمل‌سیزدور بیر لفظیدی بی معنا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

گر اولسا سروکارون شاه شهدائیله
باخ مکتبه ئوز اوغلون قویمیشدی صفائیله
اوستاد اونا ئورگتدی قرآنی وفائیله
وجهنده حسین آغزین دولدوردی طلائیله
ارزشلیدی بو جمله لاحدّ وَ لا یُحصٰی
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

مشگل آزا دوز یولدان هر عقل که سالمدی
هر عقل که سالمدی واضحدی که عالمدی
باخ علمینه قیمت وئر باخما دده‌سی کیمدی
شیرین آتا مهریندن تنبیه معلّمدی
کم لفظیدی پر معنا فرمان شه اولا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

ای نسل جوان چیخما فرمان معلّمدن
تحصیل کمال ایله ایمان معلّمدن
چکمه الیوی هرگز دامان معلّمدن
ائت خلقووی مستحسن احسان معلّمدن
ائت بو سؤزی نصب‌العین اول بوعلی‌سینا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

لازمدی معلّمده دارای وقار اولسون
خالص قیزیلین مثلی تکمیل عیار اولسون
ائوده نه که مست اولسون مکتبده خمار اولسون
گاه قوشباز اولوب گاهی سرگرم قمار اولسون
گر طوی بگی کئفلنسه دامادی ائدر رسوا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

میخواره معلّمدن شاگرد قاچار قاچماز
اخلاقی اولان فاسد شاگردین اوزین آچماز
دامدان دده هوبّولسا اوغلان سکی‌دن اوچماز
گور پیشنماز اُ... تکبیر دیین س....
تمثیلی قولای ووردوم معذورم عَلی هذٰا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

البته معلّمدور انسانی ائدن ارشاد
تاریکی ائدن روشن ویرانه‌لری آباد
نادانی ائدن دانا شاگردی گوزل استاد
زندان جهالتدن افکاری ائدن آزاد
تعلیمه گوزل قیمت وئرمیش شه کَرَّمنا
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

مدّتدی کریمی گر شعریله تاپوب شهرت
ذاکردن آلوب درسین اوستاده ائدوب خدمت
اوغلوم بالا هئچ لذّت گلمز اله بی زحمت
مدیونم او مرحومه هر لحظه و هر ساعت
حقّین اونودام حاشا یاددان چیخادام کلاّ
مَن عَلَّمنی حَرفاً قَد سَیَّرَنی عَبدا

قلم و کلنگ

دئدی بیر گون قلم کلنگه مَتَل
ای خرابکار و بی‌شعور و دغَل



حیف آغیر وزنوه صلابتوه مردمه ووردیقون خسارتوه
یاخشی محکم بنالری ییخیسان زور گلن وقتیده دسته‌دن چیخیسان
در و دیواری تارومار ائدیسن کارگرلر الین قابار ائدیسن
اُمرا، اغنیا، کئفی سازلار سنه ال وورمیوبلا وورمازلار
نقدر کوریه قویوبلا سنی تاپدیوبلار دمیرچی‌لر علنی
هر فشاره دوشوب یورولمامیسان چوخ قالینسان هله یونولمامیسان
سوادون یوخدی دوز یولی آزیسان یازیق انسانلارا قویی قازیسان
حیف غصب ائتدیقون بو آهندن گئده مین‌لر قلم چیخار سندن
منه قرآندا آند ایچوب واحد عرضیمه نون والقلم شاهد
ایکی شئی‌دن حیاته وار تأثیر بیر قلمدور ایکیمجیسی شمشیر
من ولی افتخار صاحبیم اهل فضل و ادب مصاحبیم
رؤسایه حریم اسرارم شعرایه رفیق و غمخوارم
بعضی قوشلار کیمی ئوزون یوروسان دیمدیگون هر کثافته وروسان
نازنین‌لر آلار منی الینه گه چکر قاشنا گهی تلینه
سنی چیگننده حمل ائدر کنکان کرکثافت ایچینده‌سن هر آن
من ولی سینه‌لرده محترمم دوشلرین اوسته دوش وئرن قلمم
قویمادون سن شرافت آهنده سن کیمی پاره آهنم منده
نه الین بیر کسین قابار ائدرم نه‌ده تولید انزجار ائدرم
ائتدی بو طعنه‌لر کلنگی ملول دئدی سارساق دانشما ای م...

مرحبا عقلوه فراستوه دین و ایمانوه قضاوتوه
ئوز ایشوندن خبر یوخوندی مگر ائدیسن کایناتی زیر و زبر
من خرابکارم ایلمه ایراد یخارام صوندان ایلرم آباد
ایله ائولر یخوبسان ای جلاّد اولا هیهات حشره‌تک آباد
چوخ ئورکلر کباب ائدوبسن سن دودمانلار خراب ائدوبسن سن
تک بیر امضادن اُتری ای غدّار ائتموسن چوخلارین غریبه مزار
خلق راحتدی من قازان قویودان قویولاردان چیخان صفالی سودان
سن «شُرِیحین» الینده بی‌پروا قتل مظلومه یازمیسان فتوا
سن قازان چاهدن چیخار قانلار ییخیلاندا چیخانماز انسانلار
سن او لذّتده من بو زحمتده فرقی معلوم اولار قیامتده
بو اتکلر یل اسسه یللنه‌جاق آغی چایدان گئچنده بللنه‌جاق

بسکه طبعون کریمی شیوادور
سؤزلرون بیله مجلس آرادور



«نیشخند»

گئت اویونبازلقووا اوینا جوانسان هله سن
کئفه باخ غم یمه قویما دوشه، دَن سقّله سن
قوجالاندان صورا که دوشدی الوندن آغاجون
یورولاندان صورا مسجدده گلوب دینجله‌سن





گئچن گونلر

گونی گوندن اوجالور گویلره افغانلاریمیز
سولانور قانله جنگ ائتماقا میدانلاریمیز



گون‌به‌گون ائتماقا آزاد وطن بیشه‌سینی
داراشور تولکی‌لرین جاننه اصلانلاریمیز
کعبۀ وحدتی حفظ ائتماقیچون شام و سحر
کسیلور کوه مناده قوزی قربانلاریمیز
قویماروخ دست تجاوز یته خاک وطنه
واردی حبّ‌الوطنه واقعاً ایمانلاریمیز
دشمنین جاننه تترتمه سالوب ملّتمیز
گویده عنقالریمیز، دریادا ناوگانلاریمیز
ایمدی «صدّامله» «ریگانین» ائوین یخمیشیدوخ
حیف اولا قویمادیلار داخله ریگانلاریمیز
آدین اسلام قویانلار هامی وئرسین ال اله
قویمیاخ ئوزگه‌لره فرش اولا یورقانلاریمیز
ائو بیزیم، ئولکه بیزیم، نورلی گونش، کولگه بیزیم
تاخجالاردا نیه گزسین آدی مهمانلاریمیز
یوخدی دنیاده بیزیم دینیمیزین اوستونه دین
اوچاچاق پرچمیمیز قدّیجه طرلانلاریمیز
کئف اوگوندی یاغا رحمت یاغیشی گون یاییلا
دوشه داغلار دوشونه اوتلیا جیرانلاریمیز

گلون انصافله بیز رحم ائلیاخ کورپه‌لره
اتّحادیله بیر اولسون هامی اورگانلاریمیز
باهم اولساخ عرب و کرد و عجم ترک و بلوچ
یخاجاخ ظلم آغاجین سهملی طوفانلاریمیز
گزروخ آدم و حوّا کیمی جنّت باغینی
آلار اطرافیمیزی حوری و غلمانلاریمیز
قورخورام جنّتی بیر بوغدویا الدن بوراخاق
تور قویوبدی یولومیزدا یکه شیطانلاریمیز
یغیشون دوسلاریمیز ال ووراخ اللّه ایپینه
بلکه سقّالمیزه گولمیه دوشمانلاریمیز
وای او گوندن گیره بی‌دین‌لریمیز دین دونونا
وورولا نیزه‌لرین باشنه قرآنلاریمیز
باغلانار اوندا علی‌لر قولی قیدِ سِتمه
دینی بازیچه ائدر زادهٔ سفیانلاریمیز
دشمنین لای‌لاینا نئچه‌مین ایل یوخلامیشوخ
بختیمیزدنده بتر یوخلادی وجدانلاریمیز
هره بش گون یوکونی چاتدی سوار اولدی بیزه
ئوزینه مرکب ائدوبلر بیزی سلطانلاریمیز
اودی که گوشه‌نشین اولدی ابوذرلریمیز
گئچدی کرسی باشنا خالد و مروانلاریمیز
اوغری گلدی تالادی مملکتین هرنه وارین
یورقانی چکدی باشا یاتدی نگهبانلاریمیز
بادامی، گردکانی، فخرینی، امرود هلونی
داشیدی همسایالار دینمدی باغبانلاریمیز

ترکمن‌چای سندین امضالیان وقته قلم
نیه بس دولمادی قانیله قلمدانلاریمیز
اولدی قرآنلاریمیز قیزلارا اسباب جهیز
بزه‌دی بزمیمیزی رستم دستانلاریمیز
انتخاب ائتدی هنرپیشه آدین قیزلاریمیز
عمری صرف ایلدی عیّاشلیقا اوغلانلاریمیز
باشلادی جنگه مساجدده مُراد اوسته مُرید
بنگ و تریاکیله مشهور اولوب عرفانلاریمیز
سینه‌نی علمیله دولدورماقیمیز ممکنیدی
آجی توستویله دولوب سینهٔ سوزانلاریمیز
یرتجی قوردلار اوگون دوشدی قویون صورتینه
نیه چون ال بیریدی قوردولا چوپانلاریمیز
دائماً بیر گوزومیز گولدی بیری یاش اله‌دی
چون قاریشدی طویولان شام غریبانلاریمیز
صبحلر مرثیه، مرثیه‌ده ظهر جماعتده ولی
راستوراندا گئجه‌لر اوینادی فنجانلاریمیز
ناز و نعمت یاغیشی یاغدی بیزیم بامیمیزه
ایشلدی ئوزگه‌لرین ملکینه نودانلاریمیز
توزولان توپراق ایچینده سحر آخشامه کیمی
اکدی بیچدی جانا دویدی قوجا دهقانلاریمیز
خرمن اُستی دریسین سویدی، توکون یولدی تمام
سودونی ساغدی، قانین سوردی بویوک خانلاریمیز
قابار ال کتلیه دوشدی، یوموشاق ال اولارا
سُرمیه دوندی سوموکلر، قورودی قانلاریمیز

توپ کیمی هی تپیک آلتندا قالان اولدی کاسب
دوزولوب ایوانا قلیان چکن اعیانلاریمیز
جانی چیخدی تره‌بارچی کاظمین زیرزمی‌ده
قاخدی سیمانیله بش مرتبه ایوانلاریمیز
ایشه باخ اولدی رباخانه تجارتخانالار
دوندی میخانه، قمارخانیه دُکّانلاریمیز
ایله قورشاندی قماربازلقا اولاد وطن
اولدی چارشنبه‌لری نیمهٔ شعبانلاریمیز
هامی گوزلردی چیخا شانسینا بیر یاغلی بلیط
عادت ائتدی قمارا فاطمه سلطانلاریمیز
وطنین پوللولاری گئتدی اروپاده کئفه
قالدی حسرت مَشَده مُلاّ سلیمانلاریمیز
شوکران زهرینی نوش ایلدی سقراط حکیم
تاپمادی حکمته بیر مشتری لقمانلاریمیز
تریکی کامیونلان وارد ائدن شاخ دولانوب
قبر اولوب، حوقّا سِنِق، فعلیه زندانلاریمیز
الی قوینوندا قالوب بوعلی‌سینالاریمیز
دوشدی زندانه گوزل یوسف کنعانلاریمیز
گوردی بو ظلملری دُؤزدی خداوند کریم
تا که میداندا یتشسون باشا جولانلاریمیز
بولمدوخ قوم سبا نَقلینی سیل عرمی
گتورر باشه بو نعمتلره کفرانلاریمیز
طویدا سفره باشنا قویدولا یوز بُطری شراب
بَلَشوب سفره چکیلدی پوخا احسانلاریمیز

رشتین اعلا دوگوسیلن موغانین گل یاغینی
قاتدیلار ووتقیا کئفلندی مسلمانلاریمیز
سفره‌لرده قالانی توکدیله آشغال قابینا
نعمتین شکرینی محو ایلدی عصیانلاریمیز
تویوقون نصفی ییولدی یاریسی گئتدی چوله
قالدی ایتلر قاباقندا حاجی ترخانلاریمیز[1]
ایمدی شاعرلریمیز نوحه یازولاّر تویوقا
کاکلین اوخشادوری زلفه غزل‌خوانلاریمیز
خروسون تاجی مثل‌لرده اولوب تاج کیان
«حاجی‌ترخانه» یازیر انشا دبستانلاریمیز
گز دواخانه‌لری گر ساری یاغ آختاریسان
قویولوب موزیه اوچ حلقه‌لی باتمانلاریمیز
گینه بی‌وقت دگول توبیه فرصت هله وار
توکولوب ضرنیا ایش وئرموری دنداٌنلاریمیز
دادمیشوخ هر شیشه‌دن اوتلامیشوخ هر مِشَه‌دن
چیخمیشوخ هر پِشه‌دن دای یورولوب جانلاریمیز
گلون انصافله بش گونده گئداخ دین دالیجا
بلکه عصیانلاری جبران ائده ایمانلاریمیز
نه جواب واردی «اَلِم اَعهَد اِلَیکُم» دیه‌نه
عهدیمیز سیندی، باشا چاتمادی پیمانلاریمیز
چکون اللّهدان اوتور مردمی اللّه یولونا
بسدی غفلت‌لریمیز بیر بئله طغیانلاریمیز

۱-هشترخان

نفسیله عقلین آراسیندا کشاکشدی مدام
قویمیون تسلیم اولا دیوه سلیمانلاریمیز
دار دنیاده مکافات عمل وار بشره
دگر ئوز سینه‌میزه زهریلی پیکانلاریمیز
وای او گوندن آچالار نامۀ اعمالمیزی
اوخونا تُهمَتیمیز، غیبت و بهتانلاریمیز
الیمیز ووردیقی سیلی‌لره اقرار ائلیه
دانشا چشم، شهادت وئره مژگانلاریمیز
دایانار محضر معبودیده باشلار اشاقا
عملیندن هامی شرمنده پشیمانلاریمیز
اوندا دنیاده گناهیله آلیشدیردیقیمیز
اوتی، خاموش ائلمز دیدۀ گریانلاریمیز
بارالٰها سن ئوزون رحم ائله بیچاره‌لره
دردمندوخ هاممیز سنده‌دی درمانلاریمیز
شاعرین قدری کریمی گونی گوندن چوخالار
چاتاجاق ارزشه ایللر بویی دیوانلاریمیز
شمع‌تک اودلی دیلیم جمعی ایشیقلاندیراجاق
دوسلارین ساغلقینا قوی اریسین جانلاریمیز
خلق شعرین صِله‌سین سیلی‌یه تبدیل ائلدی
سخنین سینه‌ده گیزلتدی سخندانلاریمیز



هروئن

یاخشی معجونیدی باصرفه سلامت هروئن
ایلیوب جامعه‌نین جانینی راحت هروئن



نئجه معجون نئجه انسانه وئرور ذوق و صفا
درد دین و وطنه ملّته بونداندی شفا
بونی کیم وارد ایران ائلدی وااَسفا
دئگوروم هاردا داداندی سنه ملّت هروئن
سنی ایجاد ائده‌نین روحینه لعنت هروئن

کیمدی بو بلله‌نی دوتدی یازیق ایرانلی‌لارا
بیزی وادار ائلدی فسق و فجوره قمارا
درس تعلیم و هنر فایده وئرمز خمارا
بیزده هئچ بیر هنره قویمادی رغبت هروئن
دین و دنیادن ائدوبدور بیزی راحت هروئن

شرّ اشراریدن انسانلاری آزاد ائلدی
ظلم آباد ائلین ائولری برباد ائلدی
بوردی بورمانج کیمی چوخلارین آرواد ائلدی
کیشی‌لقدان چوخونی سالدی حقیقت هروئن
نه شرف قویدی جوانلاردا نه غیرت هروئن

اولاری که تانیروخ شهریده گردنکشیدی
گئچماق اولمازدی یانندان دیه‌سن آتشیدی
چاقّو صاحب‌لری «کوک ممّدی» «قولدور رشیدی»
ایله پیس ییخدی قویوب خوش گونه حسرت هروئن
چاقوسین آلدی سالوب باشنه چرقت هروئن

حیف او تریاکه گوزل نشعه‌سی خوش منظره‌سی
لندنی حوقّاسی شیرین شیره‌سی آغ قره‌سی
دولی مانقال اودیلان، قندی، چایی، شب چره‌سی
س... آغزین دادینا ائتدی کثافت هروئن
یری وار ایمدی دیاخ تِریکه رحمت هروئن

بونا معتاد اولان آخر دولانور حیوان اولور
شکل انسانی گئدیر دوغروسی بیر خورتان اولور
کوچه‌ده یا خیاباندا ییخیلور بیمان اولور
آلور ایمانی ائدیر غیرتی غارت هروئن
نه قویور جاندا رمق، جسمده قدرت هروئن

آدامین یوزلرینه باخماقا قلبی سیخیلور
قورویوبدی ایاق اوسته یئل اسنده ییخیلور
طوی قوناقلیق، مغازا، مرثیه گورجک سوخولور
یاکه مسجددن ائدیر باشماقی سرقت هروئن
ال ایاقیندن ائدیر جامعه نفرت هروئن

بیری میخانه قباقینده ییخیلمشدی گئجه
بیر نفر مست اونا ایلوردی نصیحت که نئجه
دور عم‌اوغلی آپاریم منزلیوه قالما گئجه
سنه قوخما تاپارام ایمدی بو ساعت هروئن
بودی پول وار آلارام اولسا نه قیمت هروئن

الین آتدی که الیندن یاپوشا دگدی یره
ایکی نورسته دلاور اوزانوب رهگذره
تریلی گلدی باسوب گئچدی ازوب یاخدی یره
چون که قویمشدی شرابیله رفاقت هروئن
ایچدیروب یولداشنا جام هلاکت هروئن

خلق آتم خلق ائدیری بیز هروئن‌ساز اولوروخ
خلق آپُلو یارادیر بیزده قمارباز اولوروخ
خلق مرّیخه گئدیر بیز تازا پرواز اولوروخ
حیف اولا اوچماقا وئرمز بیزه مهلت هروئن
واریمیش سنده نه معجز، نه کرامت هروئن

بئله پیس جامعه اولماز هامی معیوب و خراب
بیری خائن ،بیری اوغری، بیری معتاد شراب
بیری بحری، بیری شهری، بیری دهری، بیری باب
بو گوزل ملّته آرتیردی شرافت هروئن
اولدی ملّت‌لر ایچینده بیزه زینت هروئن

نه تجارتده قالوب بیر نفر ایمانی درست
نه اداراتیده بیر قولیله وجدانی درست
نه مساجدده اوخور بیر کیشی قرآنی درست
نه مدارسده قویوب دین و دیانت هروئن
نه مجالسده صمیمیت و وحدت هروئن

نه جوانلاردا قویوب صدق وَ صداقتدن اثر
نه خانملاردا قالوب عصمت و عفّتدن اثر
نه خراباتده وار عشق و طریقتدن اثر
خانقاه اوسته ووروب پرچم نصرت هروئن
قویمادی کلمهٔ عرفاندا حقیقت هروئن

هروئن پوللولاری سائل و بی‌پول ائلدی
سولدوروب سویمه‌لی دوشیزه‌لری دول ائلدی
نقدر بچّه محصّل‌لری م... ائلدی
نقدر مملکته ووردی خسارت هروئن
آچدی خلقین یوزینه باب ضلالت هروئن

چوخ چتین تاپماق اولور شهریده بیر ساده جوان
یا قماربازدی، یا قوشباز، یا خانم‌بازدی اینان
شُربی و بنگی و سیگاری سارالمش قیچ آتان
هامونی ایلدی بدبخت جهالت هروئن
چهره‌لردن آپاروب نور هدایت هروئن

هله بیر عدّه که سیگاره بتر عادی اولوب
بسکه افراط ائلیوب رگلری دودیله دولوب
خَفَه‌نکلی گئچی‌تک تُه‌تُه ائدیر سس دوتولوب
بئیله سیگاریه گر ائتسه شماتت هروئن
یری وار ایلیه سیگاره مذمّت هروئن

ائو اولا، مجلس اولا، مسجد اولا، یا سینما
اتوبوس، تاکسی، هواپیما، طوی اولسون یا عزا
فِسقیدوب پُفلیه‌جاقدور اولاجاق تیره هوا
دیه‌جاق سنده تاپولماز بئله لذّت هروئن
کئفی کئف‌دی، دادی داد، چکماقی راحت هروئن

توالتده اوتوروبدور الی سیگاریده‌دور
بیر الینده چوبوقی بیر الی شلواریده‌دور
قاناجاق گور بو اوتانماز که نه مقداریده‌دور
بئله سیگاری‌دن افضلدی سلامت هروئن
ئوزینه گونده قویوب بیر نئچه نوبت هروئن

قیر ایگیندن بابا مسجدده آدام تنگه گلور
توستودی ملاّ یازیق منبرین اوسته گیجه‌لور
هره بیر ضرنا قویوب آغزینا سس‌سیز پوفه‌لور
باشلارا گر چه آچوب بؤللی مصیبت هروئن
خلقه سیگار کیمی وئرموری زحمت هروئن

گر چه بدبخت ائلین‌دی هروئن جامعه‌نی
گینه گیزلینده چکوللر اونی، اولماز علنی
اونی هر کس چکه گیزلین چکر آشکار دیلینی
قویماز انساندا نه سرمایه نه ثروت هروئن
آشنالرده ائدر شخص خجالت هروئن

حیف ایران قدیمون گوزل انسانلارینا
صف یاروب شصتله دشمن باسان اوغلانلارینا
بولمورم آخ نه قاریشدی بولارین قانلاینا
آچدی دینه وطنه دست خیانت هروئن
نه صفا قویدی چمنده نه نظافت هروئن

هانی ایران قدیمون او هنرمندلری
وطنین نولدی قوی پنجه‌لی فرزندلری
سالدی شیرین آغاجا کیم آجی پیوندلری
میوه‌سی ایمدی اولوب جُرم و جنایت هروئن
اولدی بیز ملّته سرمایهٔ ذلت هروئن

ائله زیرک آتالاردا بئله تنبل ورثا
گوره‌سن بیزدن اولان نمنه اولار بار خدا
قاریشوب نسل و نسب‌لر هاموسی اولدی فنا
هامونین ریشه‌سینه ائتدی سرایت هروئن
ترک ائده بولمروخ اولدی بیزه عادت هروئن

گورەسن کیم بو یازیق ملّتی معتاد ائلدی
هامونین سوردی قانین فتنه‌لر ایجاد ائلدی
ییخدی خلقین ائوینی ئوز ائوین آباد ائلدی
مرگ تدریجی‌دی خلق ایلسه عبرت هروئن
سرطاندان پیسیمیش جانلارا آفت هروئن
ای کریمی گینه سنده نه‌دی بو طول کلام
بیر اوخا ییرمی نشانه ووریسان سنده بالام
عصر، شعر عصری دگول، عصر فضادی ای عوام
گورموسن دهریده ایلور نه قیامت هروئن
قویمادی بینوا ملّتده اصالت هروئن



سنی چوخ گورمیشیدیم من تاریلان قارمانیلان
عکسیوی قبریوین اوسته گورورم قرآنیلان
واقعاً بیر بئله توفیقه آدام غبطه ائدر
سوواسان کفریله عمری ئوله‌سن ایمانیلان





میانه یولی

دولاندی دوره، بشر آچدی آسمانه یولی
مراغه‌ده هله راکد قالور میانه یولی



اون ایلدی صحبتی وار اولمیوب ولی عملی
وئرولله وعده کسیلمور هله بهانه یولی
بابام دیردی مراغه اوغول بهشت اولاجاق
آچیلسا یول بشرین چیخسا بو مکانه یولی
او وقتدن چکورم انتظار لیل و نهار
آغاردی باش قوجالیق سالدی جسم و جانه یولی
آتامدا ئولدی آنامدا ئوزومده پیر اولدوم
یاخنلاشوبدی سالام شهر مردگانه یولی
نه بو مراغه بهشت اولدی، نه یول اولدی بیزه
نه باش نه دیب یولی کشف اولدی، نه میانه یولی
زمان گئچور وئریلن وعده‌لر تمام اولمور
بیزه ترینگه‌چیلر گوسترور ترانه یولی
گئجه گونوز ایشیمیز داستان‌سُرالیق اولوب
بوغاز قووشموری تا قطع اولا فسانه یولی
گئچن میزین دیبینه ایشلور ایمدی ئوز جیبینه
ایلان کیمی دولانور آختاریر خزانه یولی
وصیّت ایلمیشم بنده‌زادیه منده
ئوز اوغلوما دئمیشم بیر نئجه نشانه یولی

اولاغ قاناد، دوه بوینوز، چیخاردا، قوم گوگره
دوروب اوچ آیلیق اوشاق قاچسا ماهرانه یولی
اگر منیم کیمی بیر ایش بولن وکیل اولسا
میانه سهلیدی وصل ایلر اصفهانه یولی
ئورک اَولانور اوضاع خلقه باخدوقجا
گیجلمیشم گئدیرم من اویان بویانه یولی
دیینمورم ایکی‌مین‌بش‌یوز ایلدی رستم ئولوب
ناغلچی یولداش آچوب تازه سیستانه یولی
زمانه شیر نری یاخشی چکدی زنجیره
سالوب کمنده اونی آچدی مادیانه یولی
دئدیم نگاریمه بیر بوسه وئر جمالوندان
دئدی جوتی ایکی یوزلوقدی یوخدی چانه یولی
دئدیم او تللری مژگانمیله قوی داریوم
دئدی بو زلف پریشانه یوخدی شانه یولی
دئدیم اولار سنیله بش دقیقه باهم اولاخ
دئدی آغاج دله‌نین یوخدی گلستانه یولی
دئدیم او خم‌خم زلفونده چوخ گوگل دولانور
دئدی سرین‌ده گئدر کاروان شبانه یولی
کریمیا باشووی سال اشاقه دوز یول گئت
قیچون گئدر قویویا گئتمه جاهلانه یولی





مکالمه مینی ژوب با ماکسی ژوب

بلواریده مستانه گزوردوم گئجه مدهوش
گوردوم ایکی ماکسی‌ژوبیلان بیر مینی‌ژوب پوش
نه شرم و حیا نه اوتانوب نه قاماشولاّر
مود صحبتیدی بیربیریسیلن ساواشولاّر



مینی ژوب دیور

آی قیز بو نه موددی ئوزیوی قورد ائلیوبسن
آخر حیان اولسون بو نه پالتودی گیوبسن
رسوا ائلیوب مودلاری وجدانی ییوبسن
هر کس باخور اندامِوه سویلور بو نه ایشدی
بو ملاّدی لبّاده گیوب یا که کشیشدی
یردن سورونور آخ بو اوزونلقدا دون اولماز
اصله قیدورسوز بالا بیله اویون اولماز
ایمدی آپُلو دوره‌سیدی دون اوزون اولماز
اوخشات ئوزیوی آهویا جیرانه ماراله
بدبخت آیی اولما ئوزیوی سالما خاراله
بو عصر تمدّن‌ده لیاقت هانی سنده
قویما دولاشور قیچلاریوا یول یری‌ینده
ایتلر توکولر اوستووه گیرسن بئله کنده
ایمدی بئله بیر مود بالا بو شهریده تک‌دی
باش تاپمورام آخ مصری‌دی بو یا اوچ اتکدی

حتماً قره‌دی، قشلاریوین پیسدی نماسی
ئوز عیبوی اوتماقدا گیوبسن بو لباسی
گر بودلاریوین نقره‌تک اولسیدی صفاسی
ئوز جنسیوی بو کیسه‌ده پنهان ائلمزدون
عمداً ئوزیوی غول بیابان ائلمزدون
بیر عدّه که وار باشلارینا چادرا سالوبلار
فکر ائتمه نظرده اولار اسلامی آلوبلار
یا ئوزلری چیرکین‌دی قوطور، یا قوجالوبلار
دوتسیدی نظرده اولار اسلام و خدانی
ناموسین آتوب قیزلاری دانمازدی حیانی
چادرا ایکی قسمتدی تانی ایلمه غفلت
بیر چادر عصمتدی ئوزین حفظ ائدر عورت
بیرده بو خانملاردا اولان چادر زینت
تور چادرانین آتدان گوَرونور ساق بلورین
گون‌تک بولود آتدان وئروری ظاهره نورین
بیر چادرا که وار، یوخلقی یکساندی وِلش کن
آتدان بدنین عینی نمایاندی وِلش کن
عورت که فقط آدی مسلماندی وِلش کن
من مصلحتی بوندا گوروب هر زادی آتدیم
اولدوم مینی‌ژوب، چادرانی جورابی چیخاتدیم
مشهور مثل‌دور آتالاردان بو نصیحت
قورشاندون عزیزیم حراما ایلمه غفلت
کشکولوی دولدور قالاما حیفیدی فرصت
سن که یاناجاقسان اوتا اشرار صفینده
سعی ایله جهیمون اوتی اعلا طرفینده

ایمدی نقدر، مود گوروسن ناقص و کامل
مردانه، زنانه، مینی، ماکسی، هپی، بی‌تل
تنها مینی‌ژوبدی ائلیوب مودلاری باطل
مودلاردا بوجور شیک و قشنگ اولمیوب اولماز
دوزدی قره‌نین اوستونه رنگ اولمیوب اولماز
بو وضعیله گاهی چیخارام من خیابانه
یوز سنّیده پیر اولسا گتورّم هیجانه
احسن بئله آزادلقا بو وضع زمانه
قویروخ توکولوب داش قاپیدان باش قاپویاتک
بیچاره پشیک‌لر چالور آج قارننا دونبک
انسان گرک اجدادینه ائتسون تبعیّت
حوّا، لوتیدی، منده لوتم عین حقیقت
آدمده هپیدی کیشی‌لر ائتسه اطاعت
ساچ سقّلی، یال یوبّالی بیر یول اوزادالاّر
اعلا توکی اسفل توکه اوست اوسته قاتالاّر
شعرونده کریمی گورورم روح روان وار
هر دوره آدون زنده‌دی تا دور جهان وار
علّت اودی هر یاندا سؤزونده جریان وار
احباب آپارار بیربیره سوقات کتابون
معمول زماندور همه اوقات کتابون

ماکسی‌ژوب جواب وئرور

ماکسی‌ژوب ائشیتدی مینی‌ژوبدان بو عتابی
اولدی عصبانی اونا وئردی بو جوابی
به‌به خانم اخلاقوه اطواریوه احسن
شیرین دیلیوه عقلوه رفتاریوه احسن

هئچ بیر اری‌یورسن ئولوسن هئچ اوتانورسان
ائشّک ئوزون ئوز عیبوی نادیده صانورسان
هر بیر زاد ائشیکده بئله آزاد دولانورسان
گرمَک هولونین قیمتین ارزان ائلیوبسن
مرحوم آتاوین روحنه احسان ائلیوبسن
هر جنس سالور کارخانا دوندان دونا ایمدی
حتّی کوموری خلق بوکور نایلونا ایمدی
بیچاره قالینسان سنی کیمدی یونا ایمدی
سن آغ یوموشاق قویروقی قوی گوز قاباقندا
قند کلّه‌سی تک بودلاری یِل توز قاباقندا
من، تک باشمی آچمشام ای مرتد و ملعون
سن هم باشیوی، هم دوشیوی، هم قچون آچدون
گورجک سنی هر کس اولار احوالی دگرگون
بو قر فریوا بیر سوبای اوغلان دایانانماز
بو معرکه‌ده بوذر و سلمان دایانانماز
قویدی هامی ایشدن بیزی آواره تمدّن
هر گون گتورور بیر مودی بازاره تمدّن
اود ووردی دونا چادریا شلواره تمدّن
آخر ایشیمیز کفره یئتوب لعنته چکدی
آزادلقا باخ آخری وحشیّته چکدی
حوّا لوت اولان وقتده ای جاهل و کافر
بیر آدمیدی ئوز اری یوخ ناظر دیگر
نه ساتر عورت واریدی چادر و معجر
سنده ئوز اروندن اُتور هر نیلوسن ایله
آچ د... هر نه خلاف ایلوسن ایله

مجبوریدی آدم هپی اولسیدی ازلده
چون بیر بئله دلّک یوخیدی شهر و محلده
آینا قاباقندا هره بیر خودتراش الده
ایمدی هامی دلّکدی توکون ارزشی یوخدی
توکسوزدی هامی اصلانا ارکک، دیشی یوخدی
بوندان سوروشان یوخدی که ای مست جهالت
آخ سن که بو قدری توکه عاشق‌سن حقیقت
سقّالی نیه قیخدیریسان واردی نه علّت
آنجاق تازا موددی بویانورسان هامی رنگه
سقّال آدی گلجک دوروسان خلقله جنگه
بیزلرده گناه یوخ شاهیمیز شوم و دغادی
وابسته‌دی آمریکایا بی شرم و حیادی
ملّت آدی اسلام ولی مود اروپادی
ملّت قوزی ملّتدی، چوبان کندی قاتاندی
بوندان چوبان اولماز قویونی قوردا ساتاندی
صبّاح قوجالان وقتده آخ وای دیه‌جاقسان
بو، آت بو طراوت گئده‌جاق نیلیه‌جاقسان
چارشاب سالاجاقسان گینه شلوار گییه‌جاقسان
بو ساق بلورین اولی قات قات قوجالاندا
ناچار سالارسان باشا چارقات قوجالاندا
ایشدن دوشه‌جاقسان اولاسان بازنشسته
سالماز داخی بیر کس قورادا[1] هاونه دسته
بلواریده گزماقدان اولارسان داخی خسته
یاشماق دوتوب اولسان صورادان مؤمنه باشی
اوندا هامی سسلر: صورادان مؤمنه! باشی

۱-قراضا =قراضه

ایمدی هامودا سنده‌کی قویروق اولا بولمز
رشوه، پُلو ایستر اته هر ... دولا بولمز
هر کس بیرین آتمیش تومنه ... آلا بولمز
هم دولتی هم ملّتی تاراج ائلیوبسوز
ناموس و حیا عصمتی حرّاج ائلیوبسوز

بعضیلر آتوب دینی، ساتوب شرمیله عاری
قانونله قرآنله یوخدور سروکاری
بیچاره‌لرین اشگین ائدر عارضه جاری
ترک شرف و مذهب و آئین ائلیوبلر
بیچاره یازیق ملّتی بدبین ائلیوبلر

اود دوتما یالاندان یره چوخ قینمه داشما
باغلا دیلیوی اوستا یاندا آغیز آشما
ئوز عیبوی نادیده دوتوب ئوزگیه قاشما
اوّل ئوزون اصلاح ائله اول دینوه حافظ
اوندان صورا اول قوموه، قارداشیوه واعظ

بیر عدّه کریمی‌نی اگر ائتسه ملامت
بیر آز قلمون عفّتینی ایله رعایت
انصاف ائلسونلر دگول از روی عدالت
باطل سؤزه یوز پرده چکور ایمدی جماعت
حق کلمه‌نی بی‌پرده دئماقدا نه خجالت





حمله‌دار

هر کس که کعبیه ایکی یول رهسپار اولور
اعمال حجّی ئورگشور آموزگار اولور



او قافله آرایه قویور کتلی کوتلینی
آد آللّهیندی بنده‌سی سرمایه‌دار اولور
قارداشی آشپز اوغلی کومک، قینی قهوه‌چی
واعظ دایی، بی‌بوغلوسی خدمتگزار اولور
اعجازه باخگلان ایکی یول مکّیه گئدن
اوچ دفعه‌ده قاچاقچی کامل عیار اولور
حمّال بار وزر و وبال گناهدور
هر کیم بو قومه پولدان اُتور حمله‌دار اولور
آدم‌فروش قرن تمدّندی حمله‌دار
دلاّل‌تک آلور، ساتوری هم سوار اولور
گر حاجی اولسا دوغرودان هر مکّیه گئدن
عیسانین اوندا ائشّکی حاجی حمار اولور
ماهی کیمی حلیمدی امّا قیتجاقین
شهمار خالدار کیمی زهردار اولور
بیر سقّل اون‌گونه کیمی بسلور علی‌الحساب
اوندان صورا ازلکی کیمی گل عذار اولور
مثقال یاریم توکی چنه‌ده ساخلیانمیسان
ایمانی دلده ساخلیا یک از هزار اولور

هی دم وورور گرک آدامین قلبی پاک اولا
هر گون بو سؤز جماعت ایچینده کرار اولور
اعمال پیس، سلیقه خراب و عقیده سست
پاک قالسا میته‌نین اورگی شاهکار اولور
قلبی کثافتیله دولوب مستراح تک
اللشدیرنده چونکه پیس ایگ آشکار اولور
قیز بی حجاب، اوغول هپی، آرواد جلوسیز آت
ائو گاهی سینما گهی بزم قمار اولور
امّا ئوزی لوطیلا دوشنده اولور لوطی
ملاّئله دوشنده دیانت شعار اولور
گر تولکی اشتهار آپاروب مکر و حیله‌ده
تولکی بونی گورنده قاچور شرمسار اولور
گه عنتر اوینادیر حاجی گه ضرنا چالدیریر
مقصودی پولدی پولدان اُتور بیقرار اولور
تنزیل آلور، یالان دانشور، افترا دیور
امضا ساتور، نماز قیلور، میگسار اولور
گاه ایستوری اوغورلیا افکار مردمی
تئز بیر علم وورور قاپیا سوگوار اولور
هر کس گورور دیور حاجی الحق حسینچیدی
آدی گلن زمان کیشی بی‌اختیار اولور
فرصت تمام اولور آییل ای مست اسکناس
انسان نوقته‌دین بئله مست و خمار اولور
یاد ایله بیر گونی دایانار سینه‌ده نفس
اعضا ئولور علایم مرگ آشکار اولور

ایلر سنی معاینه دکتر دوا دئمز
اهل و عیالون ئولماقووا انتظار اولور
بعضی قاچار کفن دالیجا بعضی مرده‌شوی
بعضی پی تهیهٔ دفن و مزار اولور
جانون چیخا چیخا داغیدالاّر اساسوی
غارتچی‌لر تمامیسی آماده کار اولور
آغزوندا بیر قیزیل دیشون اولسا گرک چیخا
ثروت که یغمیسان داغیلور تارومار اولور
بیر آغ کفن گیوب اولاسان عازم مزار
فاخر لباسون ئوزگه‌لره یادگار اولور
نه درزی، نه پروب اُطو ایستر او آغ لباس
نه زرلی دوگمه، نه یاخاسیندا آهار اولور
شاه و گدا هامی بو لباسی گرگ گییه
من گیمورم دئماقه مگر اقتدار اولور
جیب و ژیان و شاهین و پیکان و آریا
قورتاردی، تخته مرکبه جسمون سوار اولور
نعشون قویالاّ قبریده توپراقلار اوستونه
نه بالش و نه فرش و متکّا نه یار اولور
نه برق و رادیو نه تلویزیون نه بیر نوار
نه پنکه نه کولر نه‌ده گاز و بخار اولور
نه دور شو برو نه بیا و بزن بکش
مأمورون اوردا مور اولی، معمار مار اولور
پر قولر اوسته عزّتلن بسلنن بدن
توپراقلار آتدا ذلّتلن خوار و زار اولور

هشتاد ایل عمر قیلسان اگر عیش و نوشیله
بول قبرین اوّلین گئجه‌سی زهرمار اولور
الدن گئدر مقام و ریاست جلال و شأن
نه امر و نهی اولور نه بِبَر، نه بیار اولور
امضالرون دوشر هاموسی اعتباریدن
تنها عملدی اوردا سنه اعتبار اولور
اعمال خیرون اولسا یرون روضهٔ جنان
اعمال شرّون اولسا یرون قعر نار اولور
نه بیر نفر، ربا ییبَنه اوردا جان پناه
نه بیر نفر شراب ایچَنه غمگسار اولور
دنیانین عیش و عشرتی یاددان چیخار گئدر
جانون عذاب و قهر خدایه دُچار اولور
«لاتَقنَطوا» یتیشمسه هرگه هرایوه
یا ویلنا اوگونده دیلونده شعار اولور
طوبا او حاجینون حالینا پاک قلبیله
زوّار بیت حضرت پروردگار اولور
بیر قطره مثلی واصل اولار بحر رحمته
محو جلال و جلوهٔ رخسار یار اولور
لَبّیک سسلینده حضور اِلاهده
سَعدیک صادر از حرم کردگار اولور
باخما کریمی‌نون ئوزینه باخ کلامینه
گئج، تئز ئوزی گئدندی سؤزی پایدار اولور

نه ایمان تاپیلور نه سیمان سال ۱۳۵۷

نه بیزیم شهریده اللّه سُوون ایمان تاپیلور
نه‌ده بی پارت آداما بیر کیسه سیمان تاپیلور



هله ایمان اولی اولماز دوزه‌لن مسئله‌دی
ولی سیمان ایشی عالمده بیوک مرحله‌دی
سیمان ایمانی ائدر پایه‌ده محکم وَلَدی
اولماسا سیمانون ایمانوه نقصان تاپیلور

آلتی آی نوبیه دور بیر ماشین آجر یتیشه
اودی که بیر نفرینده الی قیزمور هئچ ایشه
نه مالا دینجلور امّا گئجه گوندوز نه تیشه
نه گچ و آهک و نه کاشی الوان تاپیلور

ناطاراز بنّالارین سازلاماق اولمور طارازین
بعضی ساخلور گرووا«شغلونی»بعضی «طارازین»
گوره‌سن بیر بو جنابین دووار اُستونده گازین
نه یالان وار نه خیانت نه‌ده بهتان تاپیلور

نیه بیردن بیره اوچدی ایچیمیزدن برکت
نه بازاردا دوگی وار نه لوبیا نه لپه، ات
نه یومورتا نه کره آل وئر اولوب لاپ حجمت
نه او طهرانداکی فعله نه بادمجان تاپیلور

باسوری خلق نباتی کره‌نی بلله‌سینه
اودی که اوخشوری پیسرلری توپ گُلله‌سینه
آتیلور قازکیمی قیزلار آدامین کلله‌سینه
مگر اودلارینی سوندورماقا اوغلان تاپیلور

ییرمی سنّده جوان یول یری‌ینمور قوجالوب
شیره‌کش، تریکی، بنگی بوتون اطرافی آلوب
دود سیگاریله باخ غنچه دوداقلار قارالوب
هروئندن ساری یوزلرده مگر قان تاپیلور

اولاغ آلمیشدی حاج‌اوغلی بیرین اوچ‌مین‌تومنه
چوخ تعجّب ائلدیم من، دئدی ارزاندی گینه
قورخ اوگوندن بیری قالخا اولاغین اللی‌مینه
هله آز چوخ گینه بازاریده حیوان تاپیلور

نه جوانلاردا وفا وار نه شجاعت نه حساب
نه خانملاردا حیا وار نه دیانت نه حجاب
نه تجارتده صفا وار نه صداقت نه صواب
نه‌ده بازاریده بیر نورلی مسلمان تاپیلور

سودا یوخدی بو یازیق ملّت ایچه آج قارینا
مراغا اهلی تیکوب گوز او سهندین قارینا
کاش بیر اهل بصیرت باخا سو آنبارینا
گوره بیر منبعه‌ده مین جوره حیوان تاپیلور

بیر طرفدنده دوتوب ملّتی اللّه غضبی
بیر طرفدن هامونی چولقالیوب شاه غضبی
قاریشوب بیربیرینه شاه غضبی ماه غضبی
مگر احوالینه خلقین یانان انسان تاپیلور

کتلی یولداشدا دیور ایسته‌میروخ خرمنی بیز
شیشدی قولتوقلاری رادیو دئدی دهقان عزیز
حَجَمت‌تک هره بیر بوغ یتیروب اوجلاری بیز
زوبونی یاغلی پاپاق گون چاریق هاردان تاپیلور

چچه بوک، بئل شالی، پته‌وا یا که دولاخ
هانی جارجار هانی، وَل، نه شنه، درگز، نه اوراخ
کَرمَلیکده، کره‌لیک‌لر، ازیلوب اوچدی، قالاخ
نه کلنتر، نه گیزیر، کدخدا، نه خان تاپیلور

بوراخوب کندی جوانلار نه اکن وار نه بیچن
قینوری داش قفه‌دانلار نه توکن وار نه ایچن
نه سرن وار نه سورن وار نه سوکن وار نه تیکن
نه تولوق نهره‌ده‌کی چالخاما آیران تاپیلور

ایگیده باخ دالیدان مثل خانم روح‌انگیز
گئچ قاباق سمته دئمه گورمدیم عیناً چنگیز
قاباقی شمر، دالی هند جگرخواره کنیز
شهری گز گور من ئولوم هئچ بئله خورتان تاپیلور

مرحبا تازه وزیرین بو گوزل مقدمینه
ملّتی باغلادی اوّلده مسلسل دمینه
طَبَسین زلزله‌سی اود ووروب اون‌یدّی‌مینه
اولوب آلت اوست نه بازار نه خیابان تاپیلور

اُمرا ارزشه قایل دگی نوع بشره
نظرینده بولارین بیردی بشرله حشره
خیر آدیلا تپیلوب چکدیله دنیانی شره
بشرین دردینه بیرده دئمه درمان تاپیلور

اُمرا ملّتی اوخشاتدیلا فوتبال توپونا
تپیگیلن او وورروور هی بونا بو ووردی اونا
بنزر ابنای وطن بیر سوری سودلی قویونا
دوره‌سین قودلار آلوب یوخسا نگهبان تاپیلور

سئل اویاندان داراشوب بینوا خلقین جاننا
ئل بویاندان سوسوزوبلار فقرانین قاننا
زلزله، زلزله سالدی دیریلیق ارکاننا
هی تصادفدی، خطردی دئمه صاف جان تاپیلور

چوخ مبارک ایلیمیش ایللر ایچینده آت ایلی
گوزل امنیّتی نه زلزله‌سی وار نه سئلی
باسدی ظلمین یوکی آت‌تک ئلیمون سیندی بئلی
هانسی کوشنده بوجور مینمه‌لی مادیان تاپیلور

بی‌شرف «ضدّامامی» نیجه طوفان ائلدی
عیدفطری چوویروب وقفهٔ قربان ائلدی
ووردی ییخدی هامونی قانینه غلطان ائلدی
بئیله اشخاصده حاشا دئمه وجدان تاپیلور

او گئدوب بی‌شرف «ازهارینی» قویدی یرینه
اودا گلدی بو یازیق خلقی ووروب بیربیرینه
دوشدی دل سانجیسینا گئچمدی خلقین گیرینه
ایتدی گوزدن دئمرم بیرده بو شیطان تاپیلور

«بختیار» ایچدی چکوب شیره اولوب نشعه تمام
دئدی من بوشلامارام سنگری قولیمده وارام
هر کسین چیخسا سسی اختیاریم وار بوغارام
ملّتین قاننه من‌تک دئمه عطشان تاپیلور

بو ایل آخدی سو کیمی قانلاری ایرانلی‌لارین
تانکلار آتدا چیخوب جانلاری ایرانلی‌لارین
توکولوب توپراقا قربانلاری ایرانلی‌لارین
دئمه تاریخ بشرده بئله قربان تاپیلور

ای کریمی دئگلن دردیوی دفتر، قلمه
گله شاید ال آغیز باغلیان انسان کرمه
یتیشر کیفر و کردارینه اهل ظَلَمه
گوره‌سن اوندا نه مظلوم و نه نالان تاپیلور

ظلم کابینه‌سین ئل قوّه‌سی بیر گون پوزاجاق
تیشهٔ عدل گلوب ظلم بناسین قازاجاق
اهل ایرانه اولان ظلمی قلم‌لر یازاجاق
اوندا یول دوزدی نه خار و نه مغیلان تاپیلور

هانسی بیر قوّه‌دی آیا چاتار ئل قوّه‌سینه
چونکه ئوز قوّه‌سین اللّه قاتار ئل قوّه‌سینه
پهلوی‌لر دیشی هاردان باتار ئل قوّه‌سینه
دئمه جمهوری اسلامی‌ده سلطان تاپیلور

سال ۱۳۵۷



گونده اوچ مرتبه شالاّق ییه‌سن
قیل قزیلدن خشه پالتار گییه‌سن
قورخودان بایقوشا بلبل دییه‌سن
یا قوجاقیندا تولا بسلییه‌سن
بورج ایچینده بوغولوب اینجیه‌سن
نانجیب طایفادان ائولنمیه‌سن

نه به این شوری شور نه به آن بی نمکی

بیر زمان سقّلی گَتدوخ دوشه سالدوخ الکی
بیر زمان قخدیروب آرواد کیمی ائتدوخ بزه‌کی
گونده بیر مود چیخادور خارجه یانسین ئورکی
ایمدی خط‌باشی انوب صورته باشدان چپکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

گاهی قویدوخ باشا فس، گاهی شاپو، گاهی ،کپی
گهی وافور، گهی باشلی چوبوق، گاهی پیپی
گاهی اولدوخ فوقولی، گه ژیگولی، گاهی هپی
هر گلن آغزینی بوزدی بیزه سالدی شیشکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

گاهی قاتدوخ باشی سقّل سبیلی بیربیرینه
گاهی بیر پس پسا قویدوخ دوداقا بوغ یرینه
هپی‌لر س.... مودون اوّلینه آخرینه
کیم بو احواله سالوب بو کوپک اوغلی کوپکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

بچه‌بازلار هاموسی غصّه و غمدن قوجالوب
نیلسون چون گوروری بوسه یرین قیل قیپ آلوب
ائشّک اوغلی گتوروب سقّلی گور هاردا سالوب
آدامین صورتینه باخماقا قالخیر ئوره‌گی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

دئدیم اوغلان هپی یعنی چه باشین سیلکله‌دی
دئدی بولمم ندی معناسی بوگون مود بئله‌دی
مودولان خارجه آنجاق بیزی بدبخت ائلدی
ئوزلری صنعتی گوتدی بیزه وئردی توتکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

قورخ او گوندن هپی یولداش قره توکلر آغارا
نه‌یه اوخشار صفتون اوندا قالارسان آوارا
سنی هر کیم گوره سسلر آکوپک گئت داوارا
خلق ایچینده اولاسان ایت آغاجی پ...کوره‌کی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

بیر زمان چرشابی سالمازدی یره فاطمانسا
قره روبند و توپوخلوق واریدی شرم و حیا
ایمدی بالدیرلار ائشیکده نه قبا وار نه عبا
خانمون گورسنوری د... حتّی گ...
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

بیر زمان عیبدی صحبت قیزا نامحرمیله
یوخودی حقّی محمّد دانشا مریمیله
ایمدی «اقدس» «مَنوشا» قاش گوز آتیر چم خمیله
دانیشور قر فریله الدن آلور ماملَکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

کیشی قویمازدی عیالین چیخا ائودن ائشیگه
نیه قورخاردی مبادا اتی وئرسین پشیگه
ایمدی مرت ائتماقا بلواردا دوررولاّر کشیگه
کوچه‌ده باشلوری اوغلان قیزیلان قلقلکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

نه اوجور چارشاب اولیدی نه توپوخلوق نه نقاب
منع ائدیدی نه قیزی مدرسه‌دن کبلا تراب
نه اوجور ساتر اولیدی نه بوجور کشف حجاب
نه دوتیدی گوزینی نه آچیلیدی دیبگی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

بیرینون اهلینه باخسیدی بیری پیس گوزیلن
قادر اولسیدی چیخاردادری گوزون تئز بیزیلن
ایمدی سن باخ اولارین فرقین ئوزون قوی بیزیلن
... قیز دده‌نین نه توکی تتریر نه رگی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

نه او گن شلوار اولیدی نه بش آرشندا تومان
نه مینی‌ژوب مود اولیدی بئله معمول زمان
ایکی بارماق پاچابند آخ نه‌یی ساخلار آی آمان
موشکاف اولسا سئچر تئز چات آراسیندا توکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

نه اوجور سقّل اولیدی نه بوجور کورنلی باش
گونده اوچ دفعه داریر تللرینی میرزا داداش
نه بوجور تند گئدیردوخ نه اونوعیله یاواش
نه اوجور مؤمن اولیدوخ نه بوجور هرهره‌کی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

بئله که خط باشی باشدان باش آلوب دوشدی یولا
وار امیدیم گله بیر گون چنه‌ده سقّل اولا
لیک عمریم کیمی ایستور بو اَتکلر قوتولا
گونی گوندن خانمون سینیه قالخور اتکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

ملل راقیه قویدی کرهٔ ماهه قدم
هانی بیزده او هنر قویماقا بو راهه قدم
کافروخ قویساخ اگر ماخلق‌اللّهه قدم
بیز یاتاخ ئوزگه‌لر ائتسونله مسخّر فلکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

سن بَزه گ... باشووی آپُلو نه لازمدی سنه
هپی اول آی بالا مرّیخه گئدوللر سنه‌نه
سن چال اوینا سنه بو ضرنا دُهُل چوخدی گینه
عیبی یوخدی گر اوتانسان یوزیوه دوت الکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

سن که فکر ائتموسن ئوز میهنیمه خدمت ائدوم
ائله بیر ایش چیخادوم جامعه‌نی راحت ائدوم
یاکه بیر صنعتلن جامعه‌ده شهرت ائدوم
حیله و رنگیله یولدان گئچَنه قور کلکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

سن که هریاندا ضعیف قول گوروسن بورخالیسان
تومنه بیر قران اللّه رضاسی ربح آلیسان
گئجه گوندوز چالیشوب شوقله قات‌قات قالیسان
سفته‌نی سفته‌نین اوسته چکین اوستونده چکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

چوخ دانشدیقجا منیم آی بالا دردیم دئشیلر
گوره‌سن نولدی او غیرتلی موقّر کیشیلر
قاریشوب بیربیره حیوان کیمی ارکک دیشیلر
اوغلان آزاد قیز آزاد، آرادا یوخدی مکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

بیر اوتانماز بشروخ هر مودا سویسن دوشروخ
مسجد اولسا دوشه‌روخ هم سینماده شیشه‌روخ
هر گونون بیر مودی وار بیز اونی بیللوخ بشروخ
ئورگدوبلر بیزه گون قیمتینه یی چوره‌کی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

بیر زمان گرچه چکردوخ گوزه قرآنمیزی
که بو قرآندی بیزیم راحت ائدن جانمیزی
ایمدی قرآن ئوزی سویمور بیزیم ایمانمیزی
دانمشوخ جنّتی هم دوزخی جنّ و ملکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

بیر زمان جِزیه وئرردی بیزه ترسا و یهود
ایمدی بیزدن آپارور جزیه نصارا و جهود
نه اوجور زیرک اولیدوخ نه بوجور خوار و خمود
بیر زمان شهرتیمیز دوتدی سما و سمکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

سنی اللّه یارادوبدی یاتاسان یوخلیاسان
مختصر ایستدی قارنون دویا سونجوخلیاسان
مین اویوندان چیخاسان شهرین آدین پ...
س... دولدوراسان معده اوشاق تک بلگی
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

نئجه انصافیدی ملّت بوجور عقلین اوتوزا
مودون ایمدی سایی هر شهریده چاتمیش اوتوزا
باخ خانملاردا بو دار شلوارینان دار بلوزا
دوش قاباقدان قوشا داغ گ... دالیدان مثل سکی[1]
نه به این شوری و شور نه به آن بی نمکی

اوغرولقدا هامی ملّت باشارانماز بیزیلن
طرفین بورکونی باشدان قاپاروخ قاش گوزیلن
ایشیمیز رنگ و ریادور آرامیز یوخ دوزیلن
تَرَک آدینا یازیق ملّته وئرّوخ تَزَکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی‌نمکی

نوکری، کارگری ایشلدوب حقّین داناروخ
اون مین، اون مین کسروخ ملّتی بیردن سیناروخ
آختاروب ئوزگه گوزونده توکی بیربیر ساناروخ
اورتروخ باسدیراروخ ئوز گ....ده دیرکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی‌نمکی

ای کریمی داخی قورتار ندی بو شعر و غزل
ملّتین دردینه درمان ائلمز هجو و هزل
ایش گئدوب فوته داخی سؤز دئماقا یوخدی محل
بسدی یازماقدان اوصاندی گوزیوین مردمکی
نه به این شوری و شور نه به آن بی‌نمکی

سکّو

کاسب قارداش

نه قبرینده مرمر گوزل باشداشی
نه هوش باشلی زوّاری یار یولداشی
سوروشدوم بو بیچاره کیمدور دئدی
امام رضانین کاسب قارداشی!
کاسبلوق دواسیز یامان درد اولوب
طبیبین‌ده چیخماز بو دردن باشی
امامزاده‌نین‌ده پولی اولماسا
ضریحی دمیر اولسا گنبد کاشی
نه هُولیله زوّار باسار بیربیرین
نه بعضی ضریح اوستونه دیرماشی
مثلدور قونارمیش آری شیره‌یه
بئله نقش ائدوب عالمین نقاشی
کاسبدان اولار یر بِزار، گوی بِزار
نه قبری مرتّب نه‌ده دام داشی
قیزی‌لان دانشسا کاسب، سؤز چیخار
دیولمز ولی پوللونون اویناشی
مهندسدی دولتلی - بی‌هندسه
کاسب اوستا اولسا دیرلر ناشی
اون آلتی یاشیندا بویوکدی غنی
کیچیکدی فقیر اولسا آتمیش یاشی

بونا ایگنه باتسا چیخار نعره‌سی
اونا کَلواشان سوخسالار قاتلاشی
الینده داد اولماز، غذاسینده دوز
گوارادی دولتلینون بوز باشی
کاسب زعفرانلی پلو خوشلاماز
همیشه چوخ ایستر پلودان آشی
هایاندان سؤز آتسان دگر پوللویا
ایاقندان اوپسن دوزلمز قاشی
اگر یوخسولا اولسا مین مسخره
سالار شوخلوقا نیلسین تابلاشی
زمین وارلینوندی، زمان وارلینون
چیخوب یوخسولین شانسینا گوزیاشی
اوزور بورج ایچینده یازیق کارمند
گوزتلیر اضافه کاری، پاداشی
کریمی پولون اولسا بیر کامیون آل
گتور آفرین بارک‌الله داشی





محبّت نامه

کتاب عشقه که سرلوحه اصل زینتدی
سلام کلمه‌سی هر جمله‌دن سلامتدی



گل ای سفیر صبا قاصد اول رقیمه‌لره
یتور بو نامه‌نی اسلامشهره زحمتدی
منیم سلامیمی منصوریانه عرض ایله
اونون وجودی چون اسلامشهره نعمتدی
خدا وئروب اونا وسعتلی سینه طبع غنی
معاشی تنگ‌ده اولسا بلندهمّتدی
ایکی اوغول، ایکی قیز لطف ائدوب اونا خالق
رضادی مصلحته مقتضای حکمتدی
گوزلدی «مرضیه»«ناهید» و «یوسف» و «توحید»
کریم هر نه کرم ایلیوب کرامتدی
آتا آناسی عیالی باجیسی قارداشی
بویوک کمک هره‌سی بیر قوجاق محبّتدی
کیچیک بیر ائوده بویوک ایشلره وئرور انجام
همای همّتی پرواز اوج رفعتدی
دیرله بیر کیشی لقمانه ایلدی ایراد
ائوون کیچیکدی، کیچیک یر سنه اهانتدی
دئدی بو خرداجا ائو دوستولان دولا بیلمور
که دوستون آزلقی ضیق مکانه علّتدی

جناب حجّةالاسلام هاشمی سهراب
که مرد علم و عمل شخص بادیانتدی
امام جمعهٔ محبوب شهر، نوروزی
صفای صورتی گویای حُسن سیرتدی
جناب اصغری مدّاح و قاری قرآن
صباح و شام ایشی برنامهٔ شریعتدی
جوان قدس روان قُدسی قداست جو
که پاک دامن و پاکیزه خوی و خصلتدی
اوقدری واجدی اینجیتمیشم نئچه گونده
ئولن گونه کیمی اینجیتمَسَم کفایتدی
ائدوبدی ئوز ماشینین یاخشی مَحمِلِ‌الشُّعرا
اگر چه کهنه‌دی امّا گوزلدی راحتدی
عزیز محمّدی خطّاط لایق و مشهور
وجودی باشدان اایاق وَقریدی متانتدی
زرندی، عابدی، حاجی طهوری هر اوچوده
فقط مجسّمهٔ لطفیدی محبّتدی
مه سپهر ادب بدرخانیدی احسان
رفاقتینده وفاده صفاده مثبتدی
اولار که آدلاری یوخدور حضور ذهنیمده
قلم عطشدی یازا حافظه خجالتدی
خلاصه انجمن شهریار اسلامشهر
مقام و مرتبهٔ شهریاره زینتدی
جوان پاک و مؤدب حسین گراوندی
عمل ائدوب او که برنامهٔ ضیافتدی

نقدری زحمته دوشدی بهار فیروزی(ره)
نشان وئروب بیزه هر گونه حُسن خدمتدی
او شهریده قوناق اولدوخ بدون تشریفات
که زندگی نقدر ساده اولسا لذّتدی
او شیئ که سفره‌لری ییغدی قاپلاری اُرتدی
تجمّلاتیدی رفت‌آمده خسارتدی
آزالدی رابطه بسکه چوخالدی تشریفات
تکلّفات صفا و وفایه آفتدی
تجمّلاتیدی رفت‌آمدی ائدن تعطیل
تجمّلاتیدی اسلامیانه بدعتدی
ییغیشدیراخ ایچیمیزدن گلون بو رسملری
قدیملی رسملر اللّه بولور عبادتدی
توکاخ محبّت آشین ساخسی نیمچه‌لرده ایچاخ
«ساغ‌اول» آنا دیلیدی مرسی پیس عبارتدی
هایاندا قالدی او گرمیّت و صمیمیّت
بوگون هامی متفرّق شعاری وحدتدی
گلون هامی ییغیشاق بیر یره اولاخ باهم
که اهل وحدته بیرلیک بویوک شرافتدی
نه خوشدی ساده اولاخ، ساده زندگانلیق ائداخ
که رنگ رنگ بویانماق خلاف سنّتدی
ییغشمیوب ایچیمیزدن نقدری تشریفات
انیس و مونسیمیز درد و غم مصیبتدی
گلون «امیرکا» «اروپادن» ائتمیاخ تقلید
گر انگلیسدن آلاخ اُلگی عین ذلّتدی

اولار که عاشق اولوب زرق و برق دنیایه
نتیجه‌ده اولارین عایدی ندامتدی
اوزاقدی یول یوکی یونگول گوتور محلّه یتور
بو کورپی‌دن یوکی یونگول گئچن سلامتدی
نه غربیوخ و نه شرقی بیز اهل اسلاموخ
گوزل وطن بیزه ایراندی باغ جنّتدی
گرکدی قولیمیزی فعیلمیز ائده تصدیق
هامی گوره بیزه قرآن کتاب حجّتدی
گرک خانملاریمیز فاطمیه مکتب اولا
که عمده عورته زینت حیا و عصمتدی
سوروشدی فاطمه‌دن حضرت رسول‌اللّه
قیزیم خانملارا زینت وئرن نه خلعتدی
جواب وئردی بابا فاطمه سنه قربان
جهاندا عورته زینت حجاب و عفّتدی
بلی حجاب خانمدا غذاده دوز کیمیدی
غذا که دوزسوز اولا نقض میل و رغبتدی
آدی زکیّه، نه‌نه طیّبه دده طاهر
ئوزی ئورک دولوسی چرکیدی، کثافتدی
ئوزی مسلمان، آد اسلامی، مود اروپائی
سلیقه غربی، رَوِش شرقی، گور نه حالتدی
گلون آتا بابا رسمین اونوتمیاق قارداش
اصولی حفظ ائلماخ مقتضای غیرتدی
فدا او گلشنه که قانلا آبیاری اولوب
او گلشنون گُلی هر لحظه باطراوتدی

او گلشنین آدی قرآندی باغبانی حسین
عجب صفالیدی خوش سیئریدی سیاحتدی
حسیندی قانله قرآنی ایلین تذهیب
حسین حافظ قرآن و دین و ملّتدی
حسینون عشقیدی ایمانی ایلین کامل
اصول مذهب و دینون بیری امامتدی
کریمی ئولسه‌ده نام و نشانی ئولمیه‌جاق
بو طبع شعر خدادن اونا کرامتدی





«در زمان طاغوت سروده شده»
یتیم اوشاقین نه‌نه‌سی لای‌لای دیور

یات بالا یات آماندی دینمه قولاق دلَن وار
لای‌لای ئلیم گُلوم یات چم خمووی چکن وار
من کیمی عزّتیله نَنُّوی ترپدن وار
زیرزمی‌ده خوخان وار کوچه‌ده اهرمن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حیَطده باش کسن وار

یات ننه قربان سنه گون باتوری ایشیم وار
ایمدی اوشاقلار گلر مین‌جوره ایش‌میشیم وار
بیر بئله ییرتق یاماق بیر بئله پیشمیشیم وار
هر طرفیم زبیلدی ائودی گلوب گئدن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار

بانلاما بایقوش کیمی ئوز باشووی ییدون
مین دانا دیل دیونجه کاش بالا چیش دییدون
هریانی چکدون پوخا یوخ دگیشیک گییدون
ایمدی یتیم نه چیلپک نه داخی پیرهن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار

چیخسا سسون یتیمچه فوری گلوب دوتالاّر
قوردلار آدام دوتاندا بَلله کیمی اوتالاّر
ات گ... یِیرلر توک موکووی ساتالاّر
قول قیچیوی اَزَن وار خدّه‌گیوی اوزَن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار

چیخسا سسون بوغالاّر سس یولووی کسرلر
آغزیوا دوز باسالاّر ال قولووی کسرلر
د... بورالاّر ش... کسرلر
سیلّی تپوک باتوم وار شالاّقیلان رسن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار
سن بووینجه حتماً بیز قوجالوب یوروللوخ
اولمیاجاقدی سندن من یازیقا اوغوللوخ
چیخسا سسون دوتالاّر چوخدی ائدن چوغوللوخ
قونشودا مین شالاختا مین دانا گ... وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار
ورقنی گوژلی گلمیش همسایالار یاتوبلار
کس سسیوی خانملار هم آقالار یاتوبلار
کاش بو یورقان آتدان دورمیالار یاتوبلار
هاردا بو پخمه‌لر تک ئوز کوتکین یین وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار
تئز بوگی وار جهاندا گورمه‌لی ماجرالر
میخانالار، هتل‌لر، کابارا سینمالر
سئل کیمی مفته پول‌لار، سنگدل اغنیالر
هر کسه بیر اداره، بیر گوزل انجمن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار
تئز بوگی اول محصّل درس اوخی چات مقامه
درس اوخویان جهاندا چاتدی گوزل مرامه
رشوه آل اون‌مین، اون‌مین شامل اول احترامه
ایمدی اداره‌لرده گور نئجه کئف سورن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار

گورسم اوغول یتیشدون حدّ کماله آنجاق
من سنه بیر قیز آلاّم باش‌گوت آچیق تومانچاق
قرن آتمدی قالماز شلوار ایچینده یانچاق
آغلاما پارلمان وار اوردا وکیل زن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار

کیم دیوری خانمدان سالدات و قزّاق اولماز
اصلانا ارکک دیشی بیردی آیرماق اولماز
هامّی‌دا سقّل اولماز هامّی‌دا ..... اولماز
بوندادا خال و ابرو طرّه‌ی یاسمن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار

درس‌اوخوسان ایش آلسان صاحب میلیون اوللوخ
صاحب رادیو یخچال هم تلویزیون اوللوخ
ایمدی باخاندا خلقه غصّه‌لی دلخون اوللوخ
یای گلوری نه یخچال بیزده نه بادبزن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار

بیر اایاق آچ خان اوغلان گور نه‌لر آلاّم سنه
یاخشی ماشین دوچرخه چکمه‌لر آلاّم سنه
پاچه گشاده شلوار خوش‌کمر آلاّم سنه
ایمدی نه سنده دیل وار منده نه بیر تومن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار

گرچه ددن ئولندن درد و غمه دچاروخ
آیلاری ات دادماروخ جمله نظرده خواروخ
قونشودا چال چاغیر وار بیز هله سوگواروخ
دینمه سنین سسوندن باش قولاقی گئدن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار

قونشودا لبنان آلما ترکیه پرتقالی
هی قالانوبدی قات قات بیربیری اوسته قالی
قسمتیمیش قالیدوخ بیز بئله دستخالی
بیزده‌ده آلتی یرتق آفتافا وار لگن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار
سویمه‌لی قاش گوزون وار گور نئجه غبغبون وار
گُل کیمی صورتون وار غنچه کیمی لبون وار
سانجیلانوبسان حتماً رنگون آتوب تبون وار
آخ ننه نقّیلداسان اولمیا چیش وار، ان وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار
آی بوغازی قووشموش بسدی چیغیرما یوخلا
یوم گوزیوی سسون کس یوخلا جهانی پوخلا
قبره کیمی اویانما وضع زمانی یوخلا
هشتی‌ده باخ پلنگه طویله‌ده کرگدن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار
بانلاما ایمدی ملّت بانلیانا گولوللر
جامعه بانلاماقدا فایده یوخ بولوللر
مین‌دانا سونسیز نه‌نه سندن اُتور ئولوللر
کیمده بو قاره قاش گوز کیمده بو گُل بدن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار
توک باجالاردان اللّه بو بالالاردان اللّه
ساخلا منیم بالامی سُو خطالاردان اللّه
قیزیلجادان چیچکدن خشخشالاردان اللّه
بیزده نه پول نه آمپول وار نه سؤزی گئچن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار

خوشدی بو قهرمان کُشتی و فوتبال اولسون
مفته یِسین کوکَلسین پیسری بیر نال اولسون
پیش پیشی گلدی دامدان دینمه دیلون لال اولسون
وای دده مستراحدا بیر یکه جان دلَن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار
لطف ائله اللّه اوغلوم یاخشی مهندس اولسون
یا که وکالتیله وارد مجلس اولسون
قییما کریمی‌لر تک فعله و مفلس اولسون
ایمدی مگر فقیره مفلسه ایش وئرن وار
دامدا قولاق کَسَن وار حَیَطده باش کسن وار





غزل ترکی

ایستر گوگل همیشه که عمریم جوان اولا
وصل نگار اولا گل اولا گلستان اولا



چوخ سرعتیله عمر گئچور وقت قورتولور
چرخین بو سرعتین هانی بیر ساخلیان اولا
شیرینذی عمر سویمه‌لی‌دور فصل نوبهار
کاش اولمیا ئولوم یاشاماق جاودان اولا
قلبیم یانوبدی سوز فراق نگاردن
وصل حبیبی من سوورم هر زمان اولا
نیش فراقه صبر ائدرم نوش وصل‌ایچون
شاید بو نیش‌لر جهت امتحان اولا
قوی لبلروندن عطرین آلوم حوض کوثرین
اسکندر آختاران او سو شاید همان اولا
بیر بوسه وئر بهاسینه جان ایسته‌سن وئروم
هر بوسه‌نین بهاسی گرک نقد جان اولا
قوی دامنونده اگلشوم، ای گل تیکان کیمی
خلقت سوویب که گل اتگینده تیکان اولا
آچ گل کیمی نقابوی سن گول من آغلیوم
گُل گولسه بلبلین گرک اشکی روان اولا
مجنونه عشق نسبتی وئرماق روا دگول
عاشقده ناز یاره گرک چوخ توان اولا

تَعویذ تک حمایل ائله بوینوما قولون
چون چشم زخمدن منه شاید زیان اولا
قوی لبلریمه لبلریوی کام وئر منه
تا پاتداسین رقیب گرک باغری قان اولا
گوزده اولان محبّتی سال گوزدن اشک تک
ای دل گرک محبّته دلده مکان اولا
فرهادی بیستوندا تانور خلق عشقلن
عاشق اودور که اوندا نه نام و نشان اولا
پروانه‌دن صورا هامونین عشقی صوری‌دی
عشقین گرک نشانی عملدن عیان اولا
چوخلار ورالاّ عرصه‌گه شعریده قدم
مشکل کریمی‌تک هامی شیرین زبان اولا

«تشکّر»

اوستاد بالیاقت خوش وعده و خلیق
یوسف حروفچین وفاگستر و صدیق
چوخ گورمه‌سین خدا اونی یعقوب پیری‌یه
هم با ادب اوغولدی اونا هم گوزل رفیق

فهرست کتاب

موضوع صفحه

موضوع	صفحه

موضوع	صفحه

موضوع	صفحه

موضوع	صفحه

موضوع صفحه

موضوع | صفحه

موضوع **صفحه**

موضوع	صفحه

موضوع | صفحه

موضوع	صفحه

موضوع صفحه

موضوع	صفحه

موضوع	صفحه

موضوع	صفحه



مراکز پخش

تهران، خیابان ناصرخسرو، کوچه حاج نایب، ساختمان حفظی، انتشارات پیری تلفن ۳۳۹۲۴۷۵۳

مراغه، سراج بازار، کتابفروشی کریمی تلفن ۲۲۲۷۰۹۸